



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

چاپ دوم

# الحمد لله الذي هدانا لهذا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اتحاد و انسجام

نویسنده:

موسسه پیام امام هادی علیه السلام

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی ( علیه السلام )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۷	اتحاد و انسجام
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	مقدمه
۲۲	مقدمه چاپ دوم
۲۳	سخن مؤسسه
۲۳	اشاره
۲۵	این توصیه ها باید مورد توجه باشد:
۲۷	چند تذکر لازم
۲۹	بخش اول:
۲۹	اشاره
۳۱	پیام نوروزی (متن کامل بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در اولین روز سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی (۸۶))
۳۱	اشاره
۳۵	به نظر من امسال سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است
۳۷	گزیده جملات حضرت امام خمینی رحمه الله پیرامون وحدت ملی و انسجام اسلامی
۳۷	اشاره
۳۸	وحدت و تفاهم یک تکلیف است
۳۹	ضرورت برادری بین طوایف (شیعه و سنی) جهت مقابله با طرحهای دشمنان
۳۹	گروههای تفرقه انداز، لشکرهای شیطانند
۴۰	اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را باهم متحد سازد
۴۰	استعمار به این نتیجه رسیده که باید بین طوایف مسلمین اختلاف بیاندازد
۴۱	اختلافات سران کشورهای اسلامی، مشکل فلسطین را به وجود آورده است
۴۱	مسلمانان سراسر جهان متحد شوند
۴۱	کشور نیازمند وحدت و برادری است

- ۴۱ ..... اهل سنت برادران ما هستند
- ۴۲ ..... بر همهٔ مسلمین واجب است که باهم باشند
- ۴۲ ..... ما همه باهم برادریم. همهٔ ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم
- ۴۳ ..... بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد
- ۴۳ ..... مشکل عمدهٔ مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است
- ۴۳ ..... وابستگان به قدرتهای بزرگ نقشهٔ اختلاف بین برادران را ریختند
- ۴۴ ..... تبلیغات اجانب: شیعه یک طرف سنی یک طرف
- ۴۴ ..... همهٔ مسلمین دست واحد شوند بر اعداء
- ۴۵ ..... خطاب به تمام مسلمانان متعهد: به شیعیان به چشم برادری عزیز نگاه کنید
- ۴۵ ..... همه باهم برادر باشید تا در بهشت هم برادر باشید
- ۴۵ ..... انسجام همهٔ اقشار جامعه در مقابل ابرقدرتها
- ۴۶ ..... مردم را دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند
- ۴۶ ..... دولتهای اسلامی دست از اختلاف بردارند، مشکلات ممالک حل خواهد شد
- ۴۶ ..... دعوت به اتحاد و برادری
- ۴۶ ..... ما با هم یکی هستیم
- ۴۷ ..... همهٔ ما برادریم، همه مساوی هستیم
- ۴۷ ..... عده ای درصدد این هستند که بین مسلمین تفرقه بیاندازند
- ۴۷ ..... تفرقه افکنان، نه سنی هستند نه شیعه
- ۴۸ ..... تبلیغات وسیع برای تفرقه میان برادرهای اهل تشیع و تسنن
- ۴۸ ..... شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند
- ۴۸ ..... امیدوارم خداوند این وحدت کلمه را از ما نگیرد
- ۴۸ ..... اسلام برای همه حقوق قائل است
- ۴۹ ..... تفرقه افکنان یا جاهلند و یا...
- ۴۹ ..... ملل اسلامی با اتحاد، استقلال خود را حفظ کنند
- ۴۹ ..... پیام برای همهٔ مسلمین
- ۵۰ ..... دشمن از اختلافات نتیجه می گیرد

- ۵۰ ..... باز یابی عظمت مسلمانان در سایهٔ اتحاد
- ۵۰ ..... باید هر روز بیدارتر شویم
- ۵۰ ..... ملت، دولت، مجلس و ارتش با وحدت از لبنان و قدس پشتیبانی کنند
- ۵۱ ..... به خود وعده می دهیم انسجام بیشتر شود
- ۵۱ ..... اخلال به وحدت، شکست به دنبال دارد
- ۵۳ ..... اتحاد ملی و انسجام اسلامی در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی
- ۵۳ ..... اشاره
- ۵۵ ..... الف) گلچینی از سخنرانی مقام معظم رهبری
- ۶۵ ..... ب) گزیدهٔ بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی، پیرامون وحدت ملی و انسجام اسلامی
- ۶۵ ..... منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلامی تدوین شود
- ۶۶ ..... اتحاد، زمینه ساز رسیدن به اهداف
- ۶۶ ..... محورهای اساسی وحدت
- ۶۷ ..... تلاش و توطئهٔ دشمن برای به راه انداختن جنگ شیعه و سنی
- ۶۷ ..... دین مبین اسلام زمینه ساز وحدت کشورهای اسلامی
- ۶۸ ..... امروز دلارهای نفتی خرج ایجاد شکاف و اختلاف می شود
- ۶۸ ..... ملت‌ها راهی جز اتحاد و انسجام ندارند
- ۶۹ ..... هشدار به مذاحان پیرامون حفظ انسجام اسلامی
- ۷۰ ..... تلاش دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه
- ۷۰ ..... کشور را به میدان رقابت سالم برای خدمت تبدیل کنید
- ۷۱ ..... اشغالگران و صهیونیست ها، طراحان اصلی جنایت سامرا و تفرقه افکنی
- ۷۱ ..... علمای شیعه و سنی از عراق و دولت عراق حمایت کنند
- ۷۲ ..... ضرورت دشمن شناسی
- ۷۲ ..... اولین پیام انقلاب: وحدت شیعه و سنی
- ۷۲ ..... اتحاد ملی، نعمتی بزرگ
- ۷۲ ..... اختلاف شیعه و سنی دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه
- ۷۳ ..... اهداف و انگیزه های دشمن از ایجاد اختلاف

۷۴	همواره طرفدار وحدت بودیم هستیم و خواهیم بود
۷۴	مسأله وحدت را یک اصل اسلامی و انقلابی بدانیم
۷۴	راهکار مقابله با توطئه های استکبار برای ایجاد تفرقه
۷۵	پیام وحدت: مسلمانان باهم دشمنی نکنند
۷۵	ایجاد اختلاف، توطئه ای عمیق و خطرناک
۷۶	پولهای نفت در دستهای شیطان
۷۶	علمای اسلام مراقب باشند
۷۷	درصد هستیم تا دار التقرب بین المذاهب را ایجاد کنیم
۷۷	ندای اهل بیت علیهم السلام ندای تفرقه افکنانه نیست
۷۷	دام خطرناک
۷۸	جمهوری اسلامی آماده تأسیس دار التقرب بین المذاهب می باشد
۷۸	بیداری دانشجو مفهومی بسیار عمیق دارد
۷۸	مهم ترین نیاز امروز وحدت و همدلی
۷۹	فراهم کردن زمینه اختلاف گناه است
۸۱	بخش دوم:
۸۱	اشاره
۸۳	الف) اتحاد و انسجام در لغت و اصطلاح
۹۰	ب) اتحاد و انسجام در آیات و روایات
۹۰	اشاره
۹۲	نمادهای اتحاد
۹۲	۱ - مسلمانان برادرند
۱۰۰	۲ - مسلمانان اعضای یک پیکرند
۱۰۳	۳ - جامعه اسلامی بسان یک ساختمان
۱۰۶	جایگاه های تجلی وحدت
۱۰۶	۱ - مراسم حج
۱۱۲	۲ - نماز جمعه و جماعت

۱۱۴	محورهای وحدت
۱۱۴	۱ - حق گرایی
۱۱۷	۲ - جبل الله
۱۱۹	۳ - قرآن و عترت
۱۲۵	۴ - رهبری
۱۳۰	عوامل پیدایش و پایداری اتحاد
۱۳۹	عوامل ایجاد اختلاف
۱۴۷	آثار پر خیر و برکت اتحاد
۱۵۵	عواقب شوم اختلاف
۱۷۹	فراخوانی مردم به اتحاد و دوری از اختلاف
۱۷۹	۱- امر به اتحاد و نهی از تفرق
۱۸۷	۲ - تشویق و ترغیب به اتحاد و تحذیر از اختلاف
۲۰۶	۳ - اقدام عملی در جهت اتحاد
۲۰۸	۴ - توبیخ بر افتراق
۲۱۳	۵ - تاکید ائمه علیهم السلام بر اتحاد، و سازگاری شیعیان با دیگر مسلمانان
۲۱۸	چند نکته و حدیث دیگر
۲۱۸	۱ - مراد از «اختلاف امتی رحمه»
۲۲۰	۲ - معنای شَقَّ عَصَا
۲۲۲	۳ - اهل باطل را هم اختلاف نابود می کند
۲۲۳	۴ - چند تشبیه
۲۲۴	۵. چند حدیث
۲۲۸	بخش سوم:
۲۲۸	اشاره
۲۳۰	الف) پیشینه اندیشه تقریب، بین مذاهب اسلامی
۲۳۰	اشاره
۲۳۰	نخستین منادیان وحدت

- ۲۳۲ ..... پیشوایان مذاهب فقهی منادیان وحدت اسلامی
- ۲۳۳ ..... بنیانگذاران تقریب بین مذاهب اسلامی
- ۲۳۸ ..... (ب) معرفی منادیان وحدت اسلامی
- ۲۳۸ ..... اشاره
- ۲۴۰ ..... ابراهیم بن هلال ثقفی
- ۲۴۲ ..... شیخ صدوق
- ۲۴۵ ..... علامه طبرسی
- ۲۴۹ ..... محدث علی بن عیسیٰ اربلی
- ۲۵۳ ..... ابن ابی جمهور احسانی
- ۲۵۸ ..... شهید ثانی
- ۲۶۲ ..... علامه محمد باقر مجلسی
- ۲۶۵ ..... آیت الله شیخ یوسف بحرانی
- ۲۷۰ ..... علامه سید محمد مهدی طباطبائی
- ۲۷۴ ..... آیت الله العظمیٰ حجّه الاسلام
- ۲۷۷ ..... آیت الله میرزا مسیح مجتهد استرآبادی
- ۲۸۰ ..... علامه سید جعفر کشفی
- ۲۸۲ ..... علامه محمد اقبال لاهوری
- ۲۸۵ ..... علامه میر حامد حسین موسوی
- ۲۸۸ ..... آیت الله العظمیٰ آخوند مآ حسینقلی همدانی
- ۲۹۰ ..... آیت الله العظمیٰ میرزا محمدحسن شیرازی
- ۲۹۳ ..... حاج مآ عبدالله بن نجم الدین
- ۲۹۵ ..... سید جمال الدین اسدآبادی
- ۳۰۰ ..... حکیم میرزا ابو الحسن جلوه
- ۳۰۲ ..... آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی
- ۳۰۵ ..... سید عبد الرحمان کواکبی
- ۳۰۸ ..... آیت الله العظمیٰ آخوند خراسانی

- ۳۱۲ ..... شیخ محمد عبده
- ۳۱۶ ..... آیت الله شیخ محمد باقر بهاری
- ۳۱۹ ..... آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی
- ۳۲۲ ..... آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر
- ۳۲۵ ..... آیت الله العظمی شیخ الشریعه اصفهانی
- ۳۲۹ ..... میرزا کوچک خان جنگلی
- ۳۳۱ ..... استاد حسن البنا
- ۳۳۴ ..... آیت الله سید عبدالحسین لاری
- ۳۳۸ ..... آیت الله شیخ محمد مهدی خالصی کاظمی اسدی
- ۳۳۹ ..... آیت الله العظمی حاج آقا نور الله اصفهانی
- ۳۴۲ ..... آیت الله شهید سید حسن مدرّس
- ۳۴۶ ..... علامه محمدجواد بلاغی
- ۳۴۹ ..... عبدالحمید بن بادریس
- ۳۵۱ ..... آیت الله ابو عبدالله زنجانی
- ۳۵۴ ..... آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی
- ۳۵۷ ..... محمد علی جناح
- ۳۶۰ ..... آیت الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی
- ۳۶۲ ..... آیت الله سید محسن امین
- ۳۶۵ ..... آیت الله سید عبدالله بلادی بوشهری
- ۳۶۹ ..... آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری
- ۳۷۲ ..... علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء
- ۳۷۷ ..... شیخ عبد المجید سلیم
- ۳۸۳ ..... مجاهد شهید حجه الاسلام والمسلمین نواب صفوی
- ۳۸۶ ..... محیی الدین ابوالکلام آزاد
- ۳۸۹ ..... آیت الله علامه شرف الدین عاملی
- ۳۹۴ ..... آیت الله العظمی سید حسین بروجردی

- ۳۹۷ ----- ثمره اقدامات و تأثیر آن
- ۳۹۸ ----- شیوه پیشنهادی آیت الله العظمی بروجردی پیرامون وحدت بین مذاهب
- ۳۹۸ ----- متن نامه های شیوخ الازهر مصر به آیت الله العظمی بروجردی
- ۳۹۹ ----- نامه اول از شیخ عبدالمجید سلیم
- ۴۰۱ ----- نامه دوم از شیخ محمود شلتوت
- ۴۰۴ ----- آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی
- ۴۰۶ ----- شیخ محمود شلتوت
- ۴۱۱ ----- متن حکم مهم و تاریخی مفتی دانشگاه الازهر مصر، شیخ محمود شلتوت
- ۴۱۴ ----- آیت الله شیخ محمد خالصی زاده
- ۴۱۷ ----- آیت الله سید هبه الدین محمد علی شهرستانی
- ۴۲۲ ----- آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی ۱
- ۴۳۳ ----- آیت الله العظمی سید محسن حکیم
- ۴۳۵ ----- علامه شیخ عبدالحسین امینی
- ۴۳۸ ----- شیخ محمد عرفه ۱
- ۴۴۲ ----- آیت الله میر علی احمد حجّت کابلی
- ۴۴۸ ----- آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی
- ۴۵۱ ----- امام موسی صدر
- ۴۵۵ ----- ثمره تلاش ها
- ۴۵۶ ----- آیت الله سید محمود طالقانی
- ۴۵۹ ----- آیت الله شهید دکتر محمد مفتّح
- ۴۶۲ ----- آیت الله شهید سید محمد علی قاضی طباطبایی
- ۴۶۴ ----- آیت الله شهید مرتضی مطهری
- ۴۶۸ ----- ابوالاعلی مودودی پاکستانی
- ۴۷۰ ----- آیت الله شیخ محمد جواد مغنیه
- ۴۷۶ ----- شهید مظلوم آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی
- ۴۷۹ ----- حجه الاسلام والمسلمین شهید غلامحسین حقّانی

- آیت الله شهید عطاء الله اشرفی اصفهانی ..... ۴۸۲
- آیت الله شیخ محمد کفعمی ..... ۴۸۴
- حجّه الاسلام والمسلمین شهید سید حسین حسینی ..... ۴۸۵
- علّامه شهیدسید عارف حسین حسینی ..... ۴۸۷
- آیت الله سید روح الله خاتمی اردکانی ..... ۴۹۰
- استاد سید غلامرضا سعیدی ..... ۴۹۳
- علّامه شیخ محمد تقی قمی ..... ۴۹۵
- اهداف و اقدامات شجاعانه علّامه شیخ محمدتقی قمی پیرامون تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» ..... ۴۹۹
- آیت الله العظمی سید شهاب الدّین مرعشی نجفی ..... ۵۰۷
- آیت الله حاج شیخ قربانعلی توسلی نجفی ..... ۵۱۱
- حجّه الاسلام والمسلمین شهید سید عباس موسوی لبنانی ..... ۵۱۲
- در نگاه دیگران ..... ۵۱۵
- آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی ..... ۵۱۶
- آیت الله سید محمدتقی حکیم ..... ۵۱۹
- آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی ..... ۵۲۱
- حجّه الاسلام والمسلمین ..... ۵۲۶
- آیت الله سید محمد کاظم قزوینی ..... ۵۳۰
- آیت الله حاج شیخ حسن سعید ..... ۵۳۲
- شهید دکتر فتحی شقاقی ..... ۵۳۶
- شیخ محمد غزالی ..... ۵۴۲
- آیت الله محمد مهدی شمس الدین ..... ۵۴۸
- علّامه محمد تقی جعفری ..... ۵۵۰
- آیت الله سید محمد صدر ..... ۵۵۴
- آیت الله سید ابو الحسن فاضل بهسودی ..... ۵۵۶
- واعظ شهیر حجّه الاسلام والمسلمین ..... ۵۶۰
- آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم ..... ۵۶۲

- آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی ..... ۵۶۵
- علّامه سید مرتضی عسکری ..... ۵۷۳
- بخش چهارم: ..... ۵۷۸
- اشاره - ..... ۵۷۸
- الف) گلچین شعارها و سخنان بزرگان عرصه وحدت و تقریب پیرامون اتحاد ملی و انسجام ..... ۵۸۰
- ج) عوامل، محورها و راهکارهای وحدت بین مذاهب اسلامی ..... ۶۰۴
- بخش پنجم: ..... ۶۲۱
- اشاره - ..... ۶۲۱
- الف) تلاش بیگانگان برای تفرقه اندازی بین مذاهب اسلامی و تضعیف مسلمین ..... ۶۲۳
- کمیسیون حقوق بشر اسلامی انگلیس، ضد اسلام ترین شخصیت ها را معرفی کرد ..... ۶۲۳
- در یک اقدام گستاخانه؛ آمریکا در کویت قرآن جعلی توزیع کرد ..... ۶۲۴
- طرح سیا برای براندازی تشیع ..... ۶۲۴
- برای به زانو در آوردن مسلمانان باید آنها را به فساد کشید ..... ۶۲۷
- رویکرد شبکه های ماهواره ای فارسی به ایجاد انحرافات اعتقادی و دینی ..... ۶۲۷
- تلاش رژیم صهیونیستی برای رواج فساد در ایران ..... ۶۲۸
- طرح مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای اسکان ۵۰۰ هزار یهودی در عراق ..... ۶۲۹
- صهیونیستها جوانان عراقی را آلوده می کنند ..... ۶۲۹
- تعطیلی نمازخانه های فرودگاه پاریس ..... ۶۳۰
- بحران جدید بانوان مسلمان فرانسه ..... ۶۳۰
- جداسازی مسلمانان از ارتش هلند ..... ۶۳۰
- آیت الله العظمی مکارم شیرازی برخی مراسم ها را در ایام ربیع الأول خرافی خواند ..... ۶۳۱
- گزارش قابل تأمل یکی از مسئولین، در خصوص وضعیت فرهنگی ..... ۶۳۱
- جذب جوانان و نوجوانان توسط گروهی به نام آکیست ..... ۶۳۲
- تشکیلات گسترده بهائیت در ایران از اسرائیل، انگلیس و قدرت های استعماری تغذیه می شود ..... ۶۳۳
- ابلاغ فرقه بهائیت، برای شرکت بهائیان در آزمون کنکور سال آینده ..... ۶۳۳
- طرح آمریکا برای کوچاندن هزاران عراقی شیعه و سنی ..... ۶۳۴

- ۶۳۴ ----- عبدالملک ریگی عبدالشیطان است
- ۶۳۵ ----- حملهٔ افراطیون به غرفهٔ مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در نمایشگاه سودان
- ۶۳۶ ----- تغییر توهین آمیز نحوه نگارش کلمه «شیعه» در رسانه های انگلیسی
- ۶۳۷ ----- پروسهٔ ملت سازی (راهبرد تغییر رژیم)
- ۶۳۸ ----- درخواست از پاپ برای سردمداری جنگ صلیبی
- ۶۳۹ ----- مقابله و مهار اسلام گرایی
- ۶۴۰ ----- (ب) آثار مثبت وحدت بین کشورهای اسلامی
- ۶۴۰ ----- طلاب خارجی در ایران
- ۶۴۰ ----- گرایش بی سابقهٔ مردم بلژیک به اسلام
- ۶۴۱ ----- نگرانی رئیس اطلاعات خارجی آلمان از رشد احساسات ضد غربی در کشورهای اسلامی
- ۶۴۱ ----- افزایش گرایش به تشیع در سوریه
- ۶۴۲ ----- اسرائیل به سوی فروپاشی پیش می رود
- ۶۴۳ ----- نانلو تیود، مورخ سرشناس فرانسوی: فروپاشی آمریکا نزدیک است
- ۶۴۴ ----- ژنرال های پنتاگون: پاسخ ایران برای آمریکا دردناک است
- ۶۴۴ ----- هر روز یک دانمارکی مسلمان می شود
- ۶۴۵ ----- شیعیان؛ نخستین مسلمانان آرژانتینی
- ۶۴۵ ----- هشدار کلیسا: دیر بجنید، انگلستان مسلمان می شود
- ۶۴۶ ----- نماز جماعت در ارتش فرانسه
- ۶۴۶ ----- افزایش بی سابقهٔ فروش قرآن در فرانسه
- ۶۴۷ ----- نتایج نظرسنجی صهیونیست ها درباره سید حسن نصرالله
- ۶۴۷ ----- با الهام از حزب الله، می جنگیم
- ۶۴۸ ----- روی آوری مسیحیان به قرآن کریم و نام «محمّد»
- ۶۴۸ ----- افزایش نامهای اسلامی برای کودکان مغربی
- ۶۴۸ ----- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صاحب نخستین قانون اساسی دموکراتیک تاریخ است
- ۶۴۹ ----- ستایش همسر نخست وزیر هند از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
- ۶۴۹ ----- امام خامنه ای در قلب ونزوئلا

- ۶۴۹ ..... موافقت دانشگاه الازهر مصر با انتشار کتاب عقاید شیعه
- ۶۵۰ ..... این انقلاب بر همهٔ چالشهای فراروی، چیره خواهد شد
- ۶۵۰ ..... جاذبه های اسلام علت اصلی گرایش مردم آلمان به این دین
- ۶۵۱ ..... بیش از ۷۰ میلیون نفر در جهان «محمد» نام دارند
- ۶۵۳ ..... تأکید الازهر؛ منعی برای نشر کتب شیعه در مصر نیست
- ۶۵۳ ..... امام جماعت فلسطینی با تأسی از حزب الله، شیعه شد □
- ۶۵۴ ..... وصیت تکان دهندهٔ یک عالم سنی
- ۶۵۴ ..... اکثریت انگلیسی ها، مسلمانان را صلح طلب می دانند
- ۶۵۵ ..... (ج) گزارش های گوناگون و هشدار دهنده
- ۶۵۵ ..... بوش بزرگترین دیکتاتور جهان است
- ۶۵۵ ..... شکنجه گری خاخام های صهیونیست در گوانتانامو
- ۶۵۶ ..... دشمنی دولت اردن با شیعیان
- ۶۵۶ ..... تناقض آشکار سلفی ها: کافر دیروز و شهید امروز!
- ۶۵۶ ..... با دلار نفتی و آخوند درباری، صدام هم بهشتی شد!
- ۶۵۸ ..... فتوای ۳۸ مفتی وهابی و اعلام جنگ علیه شیعیان!
- ۶۶۰ ..... انتقاد از جدایی دین از سیاست در آمریکا
- ۶۶۰ ..... تشکیل یک گروه سرّی برای کاستن از دامنه نفوذ ایران
- ۶۶۱ ..... فرهنگ سازی
- ۶۶۱ ..... تحقیقات ارتش آمریکا دربارهٔ اقوام ایران
- ۶۶۲ ..... بهبود وضعیت مسلمانان اروپا با تدوین منشور!
- ۶۶۳ ..... بخش ششم:
- ۶۶۳ ..... اشاره
- ۶۶۴ ..... چکیده آنچه گذشت
- ۶۶۷ ..... فهرست منابع: کتابها، مجلات، نشریه ها و سایت ها:
- ۶۹۳ ..... درباره مرکز

نوان و نام پدیدآور: اتحاد و انسجام / نویسنده موسسه امام هادی علیه السلام.

مشخصات نشر: قم: موسسه پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: [۶۳۰] ص.: مصور، عکس.

شابک: ۵۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۸۳۷-۰۸-۲

وضعیت فهرست نویسی: فاپا (برون سپاری)

یادداشت: کتاب حاضر به مناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی منتشر شده است.

یادداشت: عنوان دیگر: اتحاد و انسجام (بمناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی).

یادداشت: کتابنامه: ص. [۶۰۷] - ۶۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: اتحاد و انسجام (بمناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی).

موضوع: وحدت اسلامی

شناسه افزوده: موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره: ۵/۲۳۳BP الف/۲۳/۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۹۱۱۸۳

ص: ۱





□  
«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران: ۱۰۵)

همچون کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند؛ آنان عذابی سهمگین دارند.

نهج البلاغه: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَدِّئِي لَكُمْ طُرُقَهُ، وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْمَةً عُقْمَةً، وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ. فَاصْبِرُوا عَنْ نَزْعَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ. وَأَقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ، وَأَعْقِلُوهَا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ. (نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۵)

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: همانا شیطان راه های خود (راه های انحراف) را بر شما هموار می کند، و می خواهد گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و به جای پیوستگی شما را پراکنده سازد. پس، از وسوسه ها و دمدمه های افسونگر او روی برتابید، و نصیحت آن کس را که خیرخواه شما است قبول کنید، و آن را با جان و دل بپذیرید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی مدّ ظلّه العالی سال ۱۳۸۶ هجری شمسی رسال «اتّحاد ملّی و انسجام اسلامی» نام نهادند.

این نام گذاری حکیمانه، درست در زمانی بود که استکبار جهانی تمام تلاش و کوشش خود را در دو جهت به کار می بُرد:

۱. ایجاد اختلاف داخلی در کشور؛ ۲. ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی، تا بتواند با این حرکت در کشورهای اسلامی خصوصاً ایران به اهداف شیطنی خود برسد.

مؤسسه امام هادی علیه السلام کتاب حاضر را در جهت خنثی کردن این هدف شیطنی و تقویت اتّحاد و انسجام، تقدیم می کند.

ص: ۵

با انتشار کتاب اتحاد و انسجام در سال ۸۶ و یاد کرد نام صد نفر از علمای شیعه و سنی بعنوان منادیان وحدت و کارهای ارزشمند ایشان برای ایجاد وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و جلوگیری از تفرقه، جمع قابل توجهی از این سبک نگارش استقبال نمودند، زیرا با ذکر نام و روش وحدت آفرین و دشمن شکن این بزرگان بر عموم روشن شد که مسئله اتحاد و انسجام مسلمین یک مسئله سیاسی و فصلی و مقطعی نیست بلکه یک مسئله بنیادی است که از صدر اسلام با وجود اختلاف در مذهب، اتحاد در امت اسلامی و یکپارچگی مسلمین در مقابل کفار و دشمنان قرآن و اسلام مورد توجه عالمان دین دوست و خدا محور بوده است. حتی دانشمندانی که در میدان قلم و نگارش یا در احتجاج و مناظره کلام های تندی داشتند در حفظ مملکت اسلامی و ملت اسلام هشیاری خود را حفظ کرده و همه با هم در مقابل کفر ایستادگی می کردند.

کتاب حاضر نشان می دهد که برای اعتلای اسلام و قرآن در مقابل کفر جهانی به حکم قرآن و سنت و روش عالمان آگاه فریقین جز اتحاد و همبستگی راهی نیست به ویژه در این عصر که دشمن ستمگر با تمام توان به میدان آمده و دسیسه های گوناگون و فراوانی را برای مبارزه با اسلام و مسلمانان بکار می گیرد.

از نوشته آیات شیطانی، کاریکاتورهای موهن، فیلمهای جهت دار و آتش زدن قرآن گرفته تا اختلاف افکنی میان مسلمانان و هجوم به سرزمینهای اسلامی و برنامه های تقطیع و تفکیک کشورهای اسلامی.

رهبر معظم انقلاب در بیان این ضرورت چنین می فرمایند: اصرار ما برای تحقق وحدت که از روز اول پیروزی انقلاب نیز این اصرار را داشتیم، بر اساس یک باور اعتقادی و ایدئولوژیکی و استراتژیکی است لذا همواره طرفدار وحدت بوده ایم و هستیم و خواهیم بود (۱).

اکنون که چاپ دوم کتاب به محضر شما عزیزان تقدیم می شود بر خود لازم می دانیم از همه کسانی که در این زمینه ما را یاری کردند به خصوص ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت استان سیستان و بلوچستان تشکر کرده و توفیق خدمتگزاری بیشتر برای آنها آرزو مندیم.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

ص: ۶

بعضی از مسائل بسیار بدیهی و روشن است بگونه ای که هر انسانی با اندک تأمل به حُسن یا قُبْح آن اقرار می کند.

حُسن اتِّحاد، همبستگی، انسجام، انضباط و هماهنگ کردن نیرو برای رسیدن به هدف از جمله این بدیهیات می باشد، همان گونه که قُبْح و ضرر اختلاف و تشطُّط و دسته دسته شدن و نابسامانی و بی انضباطی از بدیهیات بشمار می آید.

برای حُسن اتِّحاد و انسجام یا قُبْح اختلاف و نابسامانی از دلیل عقل، وحی، کتب آسمانی و گفته حکما و دانشمندان استفاده کردن، آفتاب را دلیل آفتاب آوردن است.

در این مسئله شکی نیست که اگر مسلمین متحد شوند باعث سر بلندی و عزت ایشان است و همه ملاحظه خواهند کرد که «جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (۱) محقق شده و مسلمانان عزت مند وارث زمین خواهند شد.

سخن این است که آیا این وحدت و انسجام بین فرق اسلامی ممکن است؟

در میان شخصیت های اسلامی اعم از شیعه و سنی پیرامون این مسئله دو نظریه منفی و مثبت وجود دارد.

صاحبان نظریه منفی معتقدند که نقطه مشترکی میان شیعه و سنی وجود ندارد، همه چیز این دو مذهب در تمام ابعاد با همدیگر فرق می کند بنابراین هیچ امکان و دلیلی برای وحدت به چشم نمی خورد.

ضعف این نظریه آشکار است زیرا علاوه بر اشتراک در مسائل اصیل اعتقادی چون مبدأ،

ص: ۷

۱- (۱). «قرار داد سخن آنان را که کفر ورزیدند پایین و فرودین و سخن و آئین خدا را برتر و پیروز» سوره توبه، آیه ۴۰.

معاد و نبوت، در فروع نیز اشتراک به مراتب بیش از افتراق است، و اگر در فروع دین به کتب فقهی فریقین در نماز، روزه، حجّ و... مراجعه شود شدت اشتراک روشن می گردد. بنابراین ادّعی اول غیر علمی و غیر واقعی است.

صاحبان نظریه مثبت که از نظر چگونگی و کیفیت آن با همدیگر فرق دارند؛ به چند گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: اختلاف مذهب هیچ ربطی به وحدت خود جامعه مسلمین ندارد و هر کدام از این مذاهب می توانند اصول و فروع خود را حفظ کنند و در عین حفظ اصول و فروع مذهب خویش، با پیروان مذاهب دیگر در مشترکاتی چون توحید، نبوت، کتاب الله، کعبه، اهل بیت علیهم السلام و... متحد شوند.

گروه دوم: معتقدند ضمن صیانت از هویت مذهبی خویش، به نقاط مشترک فقهی میان مذاهب همت گماشته شود. در این راستا گامهای مبارکی هم برداشته شده مانند اقدام مرحوم شیخ طوسی صاحب کتاب ارزشمند خلاف و مرحوم علامه حلی صاحب کتاب تذکره.

گروه سوم: که به احتمال قوی طلایه دار آن امام موسی صدر می باشد، ضمن احترام به صاحبان و پیروان نظریه های قبل، آنها را لازم و ناکافی دانسته است، فلذا نظریه وحدت فقهی را مطرح می نماید، امام موسی صدر پیرامون این موضوع می گوید:

«برج اسلامی که در پایه و اساس واحد است و امت اسلامی که در عقیده، کتاب، مبدأ، معاد و منتهی یکی است، نیاز به این دارد که در جزئیات هم یکی باشد». او ضمن مصاحبه ای با مجله «المصور» چاپ قاهره در جواب خبرنگار پیرامون وحدت بین مذاهب چنین گفت:

«... این موضوع بعد از دستیابی به وحدت فقهی امکان پذیر است و تنها با گفتگوی خالی و مذاکره سوری رهبران مذاهب، به دست نمی آید، چون مذاهب گوناگون در عمق جان پیروان خویش شکل گرفته است...» (۱) خلاصه آنکه امکان رسیدن به اتحاد، مسلم است و مشترکات اعتقادی و فقهی سرمایه آن می باشد.

ص: ۸

## این توصیه ها باید مورد توجه باشد:

برای حفظ نیروها باید کوشش کنیم تا در دام دشمنان اسلام گرفتار نشویم و آلت دست آنان قرار نگیریم. مبدا سرمایه مادی و معنوی خود را در راه پیاده کردن اهداف دشمنان و ایجاد جنگ داخلی به کار بریم. در این زمینه رهبر معظم انقلاب می فرماید:

«پولهای نفت امروز مصرف می شود برای کتاب نوشتن ضد شیعه، دلارهای آمریکایی مصرف می شود برای ردّ تشیع و به زبان عربی و زبان اردو ترجمه می شود یا نوشته می شود. اینها دستهای شیطانند. اینها انسانهای سالمی نیستند که این چیزها را می نویسند، هر جا باشند همین جورند. ما می گوئیم امروز آتش افروزی نباید کرد. هر کسی عقیده خودش را باید داشته باشد. هر کسی عقیده خودش را اثبات هم بکند.»

ما نمی گوئیم وقتی گویندگان از مذاهب مختلف اسلامی بر منابر خود شان قرار می گیرند استدلال نکنند و عقیده خود شان را اثبات نکنند. البته بکنند.

اما اثبات عقیده بحثی است و دشمنی کردن با طرف مقابل و هم صدا شدن با استکبار جهانی و نیروها را مصرف جنگ داخلی کردن بین مسلمین، بحث دیگری است». (۱) گاهی برخورد با ستون پنجم که در حقیقت دست دشمن است و با حرکاتش دوستان را به جان هم می اندازد لازم است. مقام معظم رهبری چنین می گویند:

«علمای اسلام باید مراقب مذاهب جعلی و دلارهای نفتی که برای ایجاد تفرقه به کار می روند، باشند و دستهای پلید و مزدوری را که برای از هم گسستن و پاره کردن عروه الوثقی بین مسلمین تلاش می کنند، شناسایی و با آنان برخورد کنند.»

زیرا این برخورد لازمه علاقه به وحدت اسلامی است». (۲)

ص: ۹

---

۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، ص ۷۹ و ۹۱..

۲- (۲). همان، ص ۹۱..

رهبر انقلاب ایجاد تفرقه و تحریک عواطف مذهبی که موجب اختلاف شود را در بین مسلمین حرام دانسته و می فرماید:

«تحریک عواطف مذهبی و فراهم کردن زمینه اختلاف، گناه است و کسانی که این کار را انجام دهند در واقع به برآورده شدن هدف سازمانهای جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی کمک کرده اند و در پیشگاه الهی نیز به شدت مؤاخذه خواهند شد.» (۱) و همچنین تأکید می کنند:

«امروز سیاست های غلط مبتنی بر ملیت (۲) و امثال آن، یکی از مهمترین عوامل اختلاف مسلمین می باشد.» (۳) معظم له تشدید اختلافات قومی و فرقه ای را دام خطرناک دشمن دانسته و می فرماید:

«امروز دنیای اسلام مجروح است و مفسدانی که با همه مسلمانان و با اصل امت اسلامی دشمنند، با تشدید اختلافات قومی و فرقه ای نظیر، «شیعه و سنی»، «عرب و عجم» در صدند بخشهای مختلف جهان اسلام را مقابل یکدیگر قرار دهند و متأسفانه برخی در این دام خطرناک می افتند. اسلام عزیز به عنوان نسخه منحصر به فرد «صلاح و سعادت ملتها» در اختیار امت اسلامی است و دلهای آماده مسلمانان، لبریز محبت و عشق به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. بنابراین جهان اسلام می تواند با اتحاد حول وجود پر برکت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، هوشمندانه با دشمنان خدا مقابله کند و راه سعادت و پیشرفت و تعالی را بییابد.» (۴)

ص: ۱۰

---

۱- (۱). دیدار معظم له با کارگزاران حج، ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). لازم به ذکر است که مراد از «ملیت» در این کلام، ناسیونالیسم و افراط در ملی گرایی است، نه وحدت و انسجام اقوام و طوایف..

۳- (۳). تقریب بین مذاهب اسلامی، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، ص ۷۹..

۴- (۴). روزنامه کیهان، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۶، دیدار معظم له با مردم و مسئولان نظام، در سالروز مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ..

۱. شخصیت‌هایی را که در کتاب نام برده ایم بعنوان نمونه آشکار بوده، و بطور قطع بزرگان دیگری نیز بوده و هستند که در میدان اتحاد و تقریب فعالیت‌های چشمگیری کرده‌اند.

۲. نامبردگان از اقشار مختلف مسلمین و ملیت‌های گوناگون بوده و در رتبه علمی، سیاسی و اجتماعی یکسان نیستند.

۳. ذکر نام آنها، به معنای تأیید و تصدیق همه گفتار و نوشتار و کردارشان نمی‌باشد، بطور قطع در زمینه‌های اعتقادی، سیاسی و اجرایی اختلاف نظر دارند، اما در عین حال همه مؤید لزوم اتحاد، انسجام، قدرت و عزت مسلمین می‌باشند و اختلاف و تفرقه را از عوامل خذلان و شکست اسلام و مسلمین می‌دانند.

۴. بخشی از کتاب پیرامون روایات وارده در اتحاد و انسجام مسلمین است که علمای شیعه و سنی در کتب خود آورده‌اند.

۵. اخیراً کتابهایی در زمینه روایات و آداب مشترک شیعه و سنی نوشته شده است که امید است ادامه پیدا کند و مبانی و مسائل مشترک را چشمگیرتر نماید.

مؤسسه امام هادی علیه السلام



## بخش اول:

### اشاره

الف) پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب

ب) گزیده سخنان حضرت امام رحمه الله درباره وحدت اسلامی

ج) اتحاد ملی و انسجام اسلامی در کلام مقام معظم رهبری

ص: ۱۳



پیام نوروزی (متن کامل بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی در اولین روز سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی (۸۶))

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ □

يا مقلب القلوب و الأبصار يا مدبر الليل والنهار يا محوّل الحول والأحوال حوّل حالتنا إلى أحسن الحال. اللهم صلّ على عليّ بن موسى الرضا المرتضى الإمام التقيّ النقيّ.

عید نوروز و فرا رسیدن سال نو شمسی را به همه هم میهنان عزیزمان تبریک عرض می کنم، همچنین به همه ایرانیان در سراسر عالم و در هر جای دنیا زندگی می کنند و نیز به همه ملت هایی که نوروز را گرامی می دارند بطور خاص تبریک عرض می کنم، به خانواده های معظم شهیدان عزیزمان و به جانبازان و خانواده های آنها و به همه ایثارگران و فعالان عرصه حیات ملت ایران.

عید نوروز سر آغاز طراوت طبیعت و جوان شدن جهان است. تازه شدن فضای زندگی طبیعی انسان. و چه نیکوست که همراه با طراوت جهان، جان و دل انسان هم طراوت پیدا کند.

طراوت جان و دل با ذکر خدا، با درخواست کمک از پروردگار، با رویاندن نهال خیرخواهی و نیک خواهی برای همه برادران و خواهرانمان و برای همه بشریت. رسم نوروز در درون خود زیبایی های زیادی را دارد. علاوه بر اینکه در هر نقطه، ایرانیان این لحظه تحویل را با نام خدا و با درخواست تحوّل اساسی در زندگی خود آغاز می کنند. یکی از

زیباترین رسمهای موجود در عید نوروز، رسم دید و بازدید و صلۀ ارحام و مستحکم کردن روابط و پیوندهای عاطفی میان افراد جامعه است.

این را اگر مقایسه کنیم با بعضی از جشن های ملی ملت‌های دیگر که همراه با کارهای غیر اخلاقی و به دور از این ارتباطات عاطفی است، آن وقت در می یابیم که جشن ملی ما ایرانیان با آغاز سال نو علاوه بر تقارن با بهار طبیعت که یک امتیازی است، چه خصوصیات نجیبانه و مهربانانه ای در خود دارد. شادی دلها، لبخند و تبریک و خوش آمدگویی به یکدیگر و پی گرفتن روابط انسانی و نو کردن محیط زندگی، از رسوم بسیار خوب و مطلوبی است که ایرانیان از گذشته تا امروز به آن پایبند بوده اند و اینها همه مورد تأیید آیین مقدس اسلام و شرع اسلامی است.

نگاهی به سال ۸۵ داریم که منقضی می شود و نگاهی به سال ۸۶ که از این لحظات آغاز می شود.

سال ۸۵ متبرک بود به نام مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و از آغاز تا انجام آن مشحون از ذکر آن بزرگوار و تلاش برای معرفت بیشتر نسبت به پیامبر گرامی و خصوصیات زندگی آن بزرگوار و حالات و درسها و آموزه های آن پیامبر عظیم الشان. البته جا برای معرفت پیامبر بسیار باز و گسترده است و همه سالهای ما در واقع سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است.

سال ۸۵ مثل همه سالهای دیگر و مثل همه زندگی انسان، از حوادث گوناگون، از تلخی ها و شیرینی ها، از شادی ها و غم ها آکنده بود. همه زندگی هم اینجور است. اما در یک نگاه جمع بندی شده من می توانم با اطمینان این را به ملت عزیزمان عرض کنم که در سال ۸۵ موفقیت های ملت ایران بیش از تلخی ها و ناکامی ها بود، پیشرفتهای ما بیش از توقف ها و سکونهای ما بود، شادیهای حوادث بیش از تلخی ها بود. در عرصه داخلی تلاش های متراکم برای پیشرفت کشور در همه جا دیده شد. تصمیم های بجا و خوب از سوی مسئولان و تحرک عمومی، در این زمینه ها تحرک مطلوبی بود؛ در سخنرانی انشاءالله در این زمینه توضیحات بیشتری را عرض خواهم کرد به ملت عزیز.

در عرصه بین المللی و سیاسی جهانی هم پیشرفت های نظام جمهوری اسلامی ایران، پیشرفت های چشمگیری بود، ملت ما و کشور ما به برکت نظام جمهوری اسلامی در دنیا

سرافراز شد. ابّته مَلّی ما و نگاه مهربانانه مردم ما نسبت به مَلّتهای جهان و مَلّتهای مسلمان در همه حوادث آشکار شد، عزم راسخ مَلّی ما در زمینه های علمی در تحرّک اقتصادی برای دیگران تا حدود بسیاری روشن شد، و ما در مسائل داخلی و مسائل خارجی بحمدالله پیشرفت های زیادی داشتیم.

در سال ۸۶ ادامه حرکت مَلّی ما باید یک ادامه متناسب با نیازهای مَلّت ما باشد. این یک حقیقتی است که مَلّت ایران بر اثر تسلط قدرت های طاغوتی و قدرتهای فاسد و دولتهای وابسته یا بی کفایت، در طول دهها سال شاید نزدیک به ۲۰۰ سال، مَلّت ما دچار عقب ماندگی های زیادی در عرصه های گوناگون بوده است.

امروز که مَلّت ایران به برکت اسلام و نظام جمهوری اسلامی به خود آگاهی و اعتماد به نفس دست یافته است، باید ما این فاصله های طولانی را با سرعت طی کنیم. ما فاصله های بسیار زیادی با آنچه که شأن ایران سربلند و پر افتخار است داریم، این فاصله ها جز با همت بلند، جز با امید بی پایان و جز با تلاش همه جانبه مَلّی میسر نخواهد شد.

مَلّت ما هدف روشنی دارد؛ هدف بزرگ مَلّی ما استقلال مَلّی، عزّت مَلّی و رفاه عمومی مَلّت است. همه اینها به برکت اسلام و ایمان اسلامی تحقّق یافتنی است. ما این را تجربه کردیم (و) دریافتیم. مَلّت ما ظرفیت بسیار زیادی برای پیمودن راههای دشوار به سوی آینده های محبوب و مطلوب دارد.

ظرفیت مَلّی ما اگر بطور کامل و همه جانبه مورد استفاده قرار بگیرد، بدون تردید مَلّت ایران خواهد توانست به همه امیدها و آرزوهای خود دست پیدا کند. تحرّک مَلّت ایران به برکت اسلام آغاز شد و این بیداری و این امید و این اعتماد به نفس روز به روز تا به امروز بیشتر شد و ما هر سالی که نو می شود باید عزم خود را نو کنیم و پا را در میدانهای تازه تری بگذاریم.

بدیهی است که یک مَلّت زنده با چالشها مواجه است و چالشها لازمه زنده بودن است.

هر موجود زنده ای باید هزینه زنده بودن خود را پردازد تا بتواند به اهداف خود دست پیدا کند. زنده بودن همراه با چالشها است، همراه با مانع هاست، از مانع ها باید عبور کرد؛ احیاناً

همراه با دشمنی هاست، برای دشمنی‌ها باید تدبیر و اندیشهٔ راسخ داشت، عزم قوی را باید دستمایهٔ این حرکت کرد. ملت ایران نیازمند این عزم ملی است که تا امروز هم این عزم را نشان داده است و روز به روز باید پایه‌های این عزم مستحکم‌تر بشود.

با نگاه به حوادث جهانی و مسائل جهانی به روشنی درمی‌یابیم که دشمنان ملت ایران درصدد آنند که با ملت ایران از دو وسیله استفاده کنند و دشمنی خود را از دو راه با ملت ایران به تحقق برسانند.

آنچه که امروز در دنیا محسوس است این است که یکی ایجاد تفرقه در میان صفوف ملت - از بین بردن یکپارچگی ملت ایران و از دست ملت ایران این نیروی عظیم وحدت را ربودن و آنها را به اختلافات داخلی سرگرم کردن - و دیگری ایجاد مشکلات اقتصادی و تلاش برای توقّف ملت ایران در زمینه‌های گوناگون سازندگی کشور و رفاه عمومی خود.

این دو چیزی است که در نقشه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت دشمنان ما به طور محسوس وجود دارد، اگر خود آنها هم بر زبان نیاورده بودند قابل حدس بود، ولی دشمنان ما خودشان هم به هر دو نکته اعتراف کردند.

در سال ۸۶ هم در زمینهٔ تلاش اقتصادی باید همه نیروها، نیروهای ملی، نیروهای معتقد به آرمانهای بلند ملت ایران، مسئولان کشور، جوانان پر نشاط دست بدست هم بدهند و تلاش کنند. میدان برای تلاش اقتصادی گسترده است بخصوص با ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و آنچه که به مسئولان توصیه شد و به آنها تأکید شد و آنها هم عزم خودشان را نسبت به این قضیه ابراز کردند. میدان تلاش اقتصادی برای مردم گشوده است و راهها باز است.

مسئولان باید برای مردم تشریح کنند امکانهایی را که در اختیار مردم وجود دارد و خودشان هم باید تلاش کنند. کشور ما ظرفیت اقتصادی بسیار زیادی دارد و می‌توان برای بنای یک جامعهٔ برخوردار از رفاه تلاش کرد و کار کرد.

مسألهٔ دوّم مسألهٔ اتحاد عمومی مردم است. دشمنان با تبلیغات خود یا جنگ روانی خود

با تلاش های موذیانۀ گوناگون خود، سعی می کنند بین ملت ایران و صفوف ملت ایران اختلاف بیاندازند، به بهانۀ قومیت، به بهانۀ مذهب، به بهانۀ گرایشهای صنفی، وحدت کلمه ملت را از بین ببرند.

علاوه بر این در سطح دنیای اسلام هم یک تلاش وسیع عمیقی از سوی دشمن محسوس است.

برای اینکه میان ملت ایران و جوامع گوناگون مسلمان دیگر فاصله بیاندازند، اختلاف مذهبی را بزرگ کنند، جنگ شیعه و سنی در هر نقطه ای از دنیا که ممکن باشد بوجود بیاورند و عظمت ملت و ابّهت ملت ایران را در میان ملت های دیگر که روز به روز بحمدالله تا امروز بیشتر شده است را از بین ببرند.

ملت ما باید هوشیار باشد. تلاش برای سازندگی کشور و عمده تر از آن و مهمتر از آن، تلاش برای اتحاد کلمه و یکپارچگی ملی و اتحاد امت اسلامی.

عاقلانۀ، هوشیارانۀ، خردمندانۀ و مدبرانۀ بایستی این اتحاد را حفظ کرد و روزبه روز تقویت کرد. من به همین جهت اهمّیت می دهم به مسأله اتحاد کلمۀ ملتمان.

### **به نظر من امسال سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است**

یعنی در درون ملت ما اتحاد کلمۀ همه آحاد ملت و قومیت های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین المللی انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانۀ میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمۀ آنها.

امروز عظمت اسلام هم، وابسته به استقلال ملتها است و به عزم راسخ ملتها است و ملت مسلمان ایران در این راه تاکنون بحمدالله پرچمدار بوده است و پرچمدار هم خواهد بود.

از خداوند متعال برای روح ملکوتی امام بزرگوارمان که این راه را به روی ما گشود طلب آمرزش و تعالی درجات می کنیم و امیدوارم ملت ایران در این راه موفق و مؤید باشند.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته (۱)

ص: ۱۹



از جمله عالمان بزرگی که ندای وحدت و بیدارگری مسلمانان جهان را سر داد، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمه الله را می توان نام برد. نقش مصلحانه این شخصیت عظیم آن چنان پُررنگ و پراهمیت است که تبیین آن به گونه مستقل و مفصل بسیار بجاست. ایشان همواره در سخنرانیها، پیامها، مصاحبه ها و دیدارهای عمومی و خصوصی خود با سران کشورهای اسلامی، مسأله وحدت و انسجام مسلمین جهان را، مسأله ای فراموش نشدنی ارزیابی می کردند و مصراً خواهان و پیگیر زمینه سازی برای این امر مهم بودند.

حضرت امام خمینی رحمه الله معتقد بودند استعمارگران از هر دستاویزی بهره می گیرند تا میان مسلمانان اختلاف انداخته و بتوانند در سایه اختلافات مسلمین، به حیات نامشروع خود ادامه بدهند. در نگاه آسمانی ایشان، اختلاف افکنی به بهانه های گوناگون - همچون: بهانه اختلافات جغرافیایی، نوع حاکمیت های سیاسی در هر نقطه از جهان اسلام، تنوع زبانی مسلمانان، اختلاف های مرزی و سیاسی که برخی کشورهای مسلمان با یکدیگر دارند، نوع مذهب و نوع گرایش های فکری و دینی و تاریخی مسلمانان، نژاد و انواع بهانه های دیگر، با بزرگنمایی آن ها توسط استکبار جهانی، صهیونیست و حامیان و عوامل آن ها، - همواره زمینه ساز تفرقه مسلمانان بوده است.

ایشان، اختلافات مسلمانان به بهانه نوع مذهب را یکی از بدترین و مهلک ترین عوامل تفرقه مسلمانان میدانستند؛ به همین دلیل، پیوسته به وحدت شیعه و سنی سفارش

می کردند. حضرت امام رحمه الله شخصیتی نبودند که دیدگاه هایشان را در محدوده نظر و سخن زندانی کنند و گام های عملی برای وحدت شیعه و سنی جهت مقابله با صهیونیسم و حامیان و عاملان آن برندارند.

امام راحل رحمه الله از همان سال های نخست دهه چهل که قیام خود را آغاز نمودند، نه تنها بر همه بهانه هایی که ابزار تفرقه مسلمانان است، مهر باطل زدند، بلکه از یاران و پیروان خود خواستند عملاً در راه وحدت شیعه و سنی که مهلک ترین بهانه دشمن برای ایجاد اختلاف است، بکوشند.

به همین خاطر ساواک بارها در گزارش های خیلی محرمانه خود چنین آورده:

□  
«از طرف آیت الله خمینی دستورات مکرری به آخوندها صادر شده تا آن ها موجبات نزدیکی آخوندهای سنی و شیعه را فراهم آورند و به اشخاص و مردم تذکر بدهند که از توهین به مقدّسات اهل تسنّن خودداری نمایند...» (۱) در ذیل به گوشه هایی از کلام گوهریار ایشان در مجالس و مناسبت های گوناگون پیرامون اهمیّت اتحاد ملت ایران با خود و دیگر مسلمین جهان، اشاره می شود.

\* \* \*

### وحدت و تفاهم یک تکلیف است

اینطور نباشد که باطل در باطل خودش مجتمع باشد و ما در حق خودمان متفرّق. ما که مدّعی این هستیم که اهل حق هستیم، مسلمانها که اهل حق هستند، قرآن کتاب آنهاست، کعبه قبله آنهاست. کسانی که به اسلام ایمان آورده اند و به حق ایمان آورده اند، باید در این حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطلها، که در باطل خودشان می خواهند مجتمع بشوند، آنها پیروز بشوند. ما تکلیف همه مان این است که در حق خودمان با هم تفاهم داشته باشیم، چه اهالی یک کشور و چه اهالی همه کشورهای اسلامی. و من امید آن را دارم که

ص: ۲۲

ملّتها به سرعت رو به حق بروند و به سرعت رو به اجتماع و اتحاد بروند تا باطلها را با سرعت عقب بنشانند. (۱)

### ضرورت برادری بین طوایف (شیعه و سنی) جهت مقابله با طرحهای دشمنان

خدای تبارک و تعالی را شکر گزاریم که ملت ایران، همه طوایف، برادران شیعی مذهب و برادران اهل سنت، در کنار هم و با برادری برای پیاده کردن احکام اسلام کوشش می کنند.

برادران و خواهران من، ما امروز در یک عصری واقع هستیم که تمام دنیا، تمام کشورها، از اقصی نقاط عالم تا اینجا، به منزله یک خانه شدند... اینطور نیست که اگر ما در اینجا باهم اختلافی بکنیم، منحصر باشد به یک شهری یا یک کشوری مثل کشور ایران؛ بلکه انعکاسش در تمام کشورهای دنیا هست و بازتابش در همه جا هست. امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرتها هستند. همه جا را ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرحها دارند و مهم طرحها، آن است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند. طرحهای اساسی و سیاسی آنها این است که با اسماء مختلف و با صورتهای متعدد بین برادرها، بین دوستانها اختلاف بیندازند. (۲)

### گروههای تفرقه انداز، لشکرهای شیطانند

... نقشه قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنون را به نام اخوت یاد فرموده است از هم جدا کنند، و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا کنند، بلکه باهم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن

ص: ۲۳

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۴؛ زمان: ۶ شهریور ۱۳۵۹؛ مکان: تهران حسینیه جماران؛ موضوع: وظیفه ملت ها، کوشش برای اقامه حق؛ حضار: اقشار مختلف مردم، دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان..

۲- (۲). همان، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ زمان: ۲۷ مرداد ۱۳۵۹؛ مکان: تهران حسینیه جماران؛ موضوع: اتحاد و برادری همه مسلمین - حفظ نظم و انسجام در نیروهای مسلح؛ حضار: اقشار مختلف مردم، کارکنان جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان و ... ..

کریم. تمام مسلمین باهم برادرند و برابرند، و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند، و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملت و گروه گرایی و ملی گرایی بین مسلمین تفرقه می اندازند، اینها لشکرهای شیطان و کمک کارهای به قدرتهای بزرگ و مخالفین با قرآن کریم هستند. (۱)

### اسلام آمده تا تمام ملل دنیا را باهم متحد سازد

... نقشه های قدرتهای بزرگ که می خواهند مسلمین را زیر سلطه خود بیاورند و مخازن آنها را به غصب ببرند و اموال آنها را به چپاول ببرند، از سالهایی طولانی دنبال نقشه هایی بودند، که از نقشه های بزرگ آنها، مسئله ملت گرایی است. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را باهم متحد کند. و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند. (۲)

### استعمار به این نتیجه رسیده که باید بین طوایف مسلمین اختلاف بیاورد

امروز همه در خدمت شما هستند، در خدمت اسلام هستند. این نعمت را قدر بدانید، سستی و سردی به خودتان راه ندهید، نگویند که او رفت و تمام شد. خیر، استعمار مطالعه کرده است، سیصد سال یا بیشتر مطالعه کرده، مطالعه روحیات شما را کرده است، مطالعه طوایف مختلف ایران را کرده است، به این نتیجه رسیده است که باید اختلاف بیندازد، بین طوایف مسلمین؛ اختلاف بیندازد در هر شهر، اختلاف ایجاد کند. با نغمه های مختلف شما را از هم جدا کند روحانیت را از مسلمین جدا کند، دانشگاه را از روحانین جدا کند، کارگر را از مردم و از روحانین جدا کند، روحانیت در خدمت کارگر است، اسلام در خدمت مستضعفین است. (۳)

ص: ۲۴

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۴۳ - ۴۴۴؛ زمان: ۵ دی ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: توطئه دشمنان اسلام در ایجاد اختلاف بین امت اسلامی و... حضار: عشایر عرب زبان خوزستان و فارس و شوراهای اسلامی عشایر دشت آزادگان و سوسنگرد...

۲- (۲). همان، ص ۴۴۳..

۳- (۳). همان، ج ۶، ص ۲۷۲؛ زمان: ۱۰ اسفند ۱۳۵۷؛ مکان: قم، مدرسه فیضیه؛ موضوع: تبیین نتایج مبارزات ملت ایران و...؛ حضار: اهالی قم و دیگر شهرستانها..

## اختلافات سران کشورهای اسلامی، مشکل فلسطین را به وجود آورده است

... اگر سران کشورهای اسلامی از اختلافات داخلی دست بردارند و با اهداف عالیة اسلام آشنا شوند و به سوی اسلام گرایش پیدا کنند، این گونه اسیر و ذلیل استعمار نمی شوند، این اختلافات سران کشورهای اسلامی است که مشکل فلسطین را به وجود آورده، نمی گذارد حل شود. اگر هفتصد میلیون مسلم، با این کشورهای عریض و طویل، رشد سیاسی داشتند و با هم متحد و متشکل شده و در صف واحد قرار می گرفتند، برای دولت های بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آن ها رخنه کنند، تا چه رسد به مُشتی یهود که از عمال استعمارند. (۱)

### مسلمانان سراسر جهان متحد شوند

... من همواره مصرّاً خواسته ام که مسلمانان سراسر جهان متحد شوند و بر ضدّ دشمنانشان از جمله اسرائیل مبارزه کنند، متأسفانه دعوت های مرا رژیم های مختلف که در کشورهای مسلمان بر سر کار آمده اند، نشنیده اند. امیدوارم که بالأخره این دعوت ها شنیده شود و من در این راه پایداری خواهم کرد. (۲)

### کشور نیازمند وحدت و برادری است

... من باز سفارش می کنم کشور ما در مرحله بازسازی و سازندگی، به تفکّر و به وحدت و برادری نیاز دارد. (۳)

### اهل سنت برادران ما هستند

... ما برادری خودمان را به برادران اهل سنت اعلام می کنیم. دشمنان اسلامند که

ص: ۲۵

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۳؛ زمان: بهمن ماه ۱۳۴۹؛ مکان: نجف اشرف؛ موضوع: هشدار به مسلمین جهان در مورد فلسطین و افشای جنایت های رژیم شاه؛ مخاطب: زائران بیت الله الحرام..

۲- (۲). همان، ج ۳، ص ۳۷۴؛ زمان: ۴ اردیبهشت ۱۳۵۷؛ مکان: نجف اشرف؛ موضوع: مسائل سیاسی اجتماعی ایران..

۳- (۳). همان، ج ۲۱، ص ۱۸۰؛ زمان: ۱۰ آبان ۱۳۶۷؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: منشور برادری - مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی؛ مخاطب: محمّد علی انصاری، (از اعضای دفتر امام خمینی رحمه الله)..

می خواهند ما را با برادرهای خودمان مختلف کنند. دشمنهای اسلام یا گول خورده های از آنها هستند که در این وقت، مخالفت مابین دو دسته را اعلام می کنند. ما اعلام می کنیم وحدت کلمه مسلمین را. اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. (۱)

### بر همه مسلمین واجب است که باهم باشند

... این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند.

این تفرقه مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد، و الآن هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که باهم باشند. (۲)

### ما همه باهم برادریم. همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم

یک دسته از مسلمانان، شیعه هستند و یک دسته ای از مسلمانان، سنی، یک دسته حنفی و دسته ای حنبلی و دسته ای اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا از اول درست نبود. در یک جامعه ای که همه می خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود. ما همه برادر هستیم و با هم هستیم؛ منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی؛ یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق علیه السلام را عمل کردند، اینها شدند شیعه، این دلیل اختلاف نیست. ما نباید باهم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم. ما همه باهم برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می خواهند نه این باشد و نه آن. راه را این طور می دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند. ما باید توجه به

ص: ۲۶

- 
- ۱- (۱). صحیفه امام، ج ۶، ص ۸۳؛ زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسه علوی؛ موضوع: وحدت کلمه - برادری شیعه و سنی و...؛ حضار: مدرّسان و طلاب حوزه علمیه قم و... ..
- ۲- (۲). همان..

این معنا بکنیم که همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم. (۱)

### بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد

... در اسلام بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد؛ باید وحدت کلمه را حفظ کنید ... با هم اجتماعمان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد بهم بزند، یا جاهل است و یا مغرض و نباید به این حرفها گوش (بکنید). (۲)

### مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است

... مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۳)؛ اگر به همین یک امر و نهی عمل می کردند، تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شان رفع می شد و هیچ قدرتی نمی توانست با آن مقابله کند. (۴)

### وابستگی به قدرتهای بزرگ نقشه اختلاف بین برادران را ریختند

... الان اجتماعاتی هست که به اسم شیعه و سنی بنا بر ایجاد اختلاف دارند؛ همانطوری که وابستگی به قدرت بزرگ آمریکا... این مسأله را طرح کردند و برای خدمتگزاری به آمریکا که دنبالش خدمتگزاری به شوروی هم است، نقشه اختلاف بین برادران را ریختند و دنبال او در کشور خودمان هم اشخاصی دارند همان نقشه را پیاده می کنند؛ غافل از آنکه -

ص: ۲۷

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۴؛ زمان: ۳۰ تیر ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع اتحاد شیعه و سنی؛ حضار: نمایندگان فرهنگیان و... ..

۲- (۲). همان، ج ۶، ص ۸۴؛ زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسه علوی؛ موضوع: وحدت کلمه، برادری شیعه و سنی و...؛ حضار: مدرّسان و طلاب حوزه علمیه قم و... ..

۳- (۳). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۴- (۴). صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۲۹؛ زمان: ۲۶ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: بیان مشکلات عمده مسلمانان؛ مخاطب: سفیر یمن شمالی..

اگر خدای نخواستہ - این قدرتهای بزرگ در ایران برگردند، نه اسلامی و نه اهل سنتی و نه اهل تشیعی باقی می گذارند. (۱)

### تبلیغات اجانب: شیعه یک طرف سنی یک طرف

اصل این مسأله که شیعه و سنی؛ شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کرده اند پیش آمده است. چنانچه بین خود شیعه هم اشخاص مختلفی را باهم به مبارزه و می دارند و بین خود برادرهای سنی هم یک طایفه ای را به طایفه دیگر، در مقابل هم قرار می دهند. امروز روزی است که تمام طوائف مسلمین مقابل هستند با قدرتهای شیطنی، که اساس اسلام را می خواهند از بین ببرند... امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم (باید) باهم متحد باشند، تنازع نکنند. (۲)

### همه مسلمین دست واحد شوند بر اعداء

... امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی به ملت قهرمان ایران سلامت بدهد و «هفته وحدت» را واقعاً وحدت درست کنند؛ نه این که فقط ما هفته وحدت می گیریم، ما محتاج به وحدت هستیم در سالیان دراز، همیشه. قرآن کریم که (به) ما دستور داده و به مسلمین دستور وحدت داده، برای یک سال و ده سال و صد سال نیست، برای سرتاسر عالم است در سرتاسر تاریخ و ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم و محقق هست و نگه داریم این وحدت را. ما الآن در بین راه هستیم و باید این وحدت را حفظ کنیم و من امیدوارم که به برکت وحدت ملت ایران، این وحدت در سایر کشورهای اسلامی هم پیدا بشود که دارد پیدا می شود و همه مسلمین دست واحد بشوند بر اعداء؛ چنانچه در روایت هست. (۳)

ص: ۲۸

- 
- ۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۸۷؛ زمان ۲۴ فروردین ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: حفظ وحدت و آرامش، هشدار به عناصر تفرقه جو؛ حضار: کشاورزان و اهالی گرگان و ... ..
- ۲- (۲). همان، ج ۱۳، ص ۱۵۲ - ۱۵۳؛ زمان: ۴ شهریور ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: ضرورت اتحاد در مقابل قدرت ها - رسیدگی به مناطق محروم؛ حضار: گروهی از روحانیون و علمای استان کردستان..
- ۳- (۳). همان، ج ۱۹، ص ۴۳۶؛ زمان: ۹ آذر ۱۳۶۴؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: بازتاب و تأثیر ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در جهان؛ مناسبت: میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه السلام - هفته بسیج؛ حضار: اعضای هیئت دولت وقت، مقامات لشگری و کشوری..

## خطاب به تمام مسلمانان متعهد: به شیعیان به چشم برادری عزیز نگاه کنید

... از ملی گرایی خطرناکتر و غم انگیزتر، ایجاد خلاف بین اهل سنت و جماعت با شیعیان است و إلقاء تبلیغات فتنه انگیز و دشمنی ساز بین برادران اسلامی و ایمانی است. و بحمد الله تعالی در انقلاب اسلامی ایران، هیچ اختلافی بین این دو طایفه وجود ندارد و همه با دوستی و اخوت در کنار هم زندگی می کنند. برادران اهل سنت در کشورهای اسلامی بدانند که این عمال وابسته به قدرتهای شیطانی بزرگ، خیرخواه مسلمین و اسلام نیستند و لازم است مسلمانان از آنها تبری کنند و به تبلیغات نفاق افکنانه آنان گوش فرا ندهند. من دست برادری به تمام مسلمانان متعهد جهان می دهم و از آنان می خواهم که به شیعیان با چشم برادری عزیز، نگاه کنند و با این عملشان همانند همیشه نقشه های شوم اجانب را خنثی کنند. (۱)

### همه باهم برادر باشید تا در بهشت هم برادر باشید

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۲). این آیه را همه ملاحظه کنید، همه اعتصام به حبل الله بکنید، همه برادر باشید تا در بهشت هم - اخوان بر آن سروری که هستید در مقابل هم - برادر باشید. اگر اینجا برادری نباشد در آنجا هم بهشتی معلوم نیست باشد برای شما. (۳)

### انسجام همه اقشار جامعه در مقابل ابرقدرتها

انسجام... دانشگاه و روحانی باهم، همه با بازار، باهم، با کارگر و سایرین، اداری و غیر اداری باهم، این ها وقتی منسجم شدند حتی ابرقدرتها هم نمی توانند کاری انجام دهند. (۴)

ص: ۲۹

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۹ - ۲۱۰؛ زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۵۹؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: سیاست آمریکا و ایادی آن - ایجاد اختلاف بین ملت های اسلامی؛ مناسبت: فرا رسیدن ایام حج؛ مخاطب: مسلمین جهان و زائران بیت الله الحرام..

۲- (۲). سوره حجرات، آیه ۱۰..

۳- (۳). صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۷۶؛ زمان: ۲۰ دی ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران، موضوع: تشریح برکات انقلاب اسلامی؛ مناسبت: میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه السلام؛ حضار: میهمانان خارجی و روحانیون اهل سنت و....

۴- (۴). همان، ج ۸، ص ۳۱۳؛ زمان: ۶ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: نقش وحدت حوزه و دانشگاه؛ حضار: دانشجویان انجمن اسلامی تربیت معلم تهران..

## مردم را دعوت کنید به این که گروه نشوند

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» (۱)... هر اجتماعی مطلوب نیست و اعتصموا بحبل الله مطلوب است. همان است که «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» (۲). اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به این که گروه نشوند الان مشغولند شیاطین به این که این انسجامی که پیدا شد برای ملت ما، - و با این انسجام پیش بردند و بحمد الله پیروز شدند تا اینجا، - این را به همش بزنند. (۳)

## دولتهای اسلامی دست از اختلاف بردارند، مشکلات ممالک حل خواهد شد

اگر دولتهای اسلامی به وظایف اسلامی خودشان عمل کنند، دست از اختلافاتی که بین خودشان هست بردارند و همه تحت کلمه اسلام مجتمع شوند، مشکلات ممالک حل خواهد شد. (۴)

## دعوت به اتحاد و برادری

... کراراً دولتهای اسلامی را دعوت به اتحاد و برادری نموده ام در مقابل اجانب و ایادی آنها که می خواهند با ایجاد نفاق در بین مسلمین و دولتهای اسلامی، ممالک عزیز ما را در تحت اسارت و ذل استعمار نگه دارند. (۵)

## ما با هم یکی هستیم

ما باهم یکی هستیم و ما جدا نیستیم. اختلاف، اختلاف دو تا مذهب است. این اختلاف نباید اسباب این معنی بشود که ما در اساس اسلام (اختلاف کنیم). مسأله اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه اش از صدر اسلام است. در آن وقت خلفای اموی و خصوصاً عباسی

ص: ۳۰

---

۱- (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲). سوره علق، آیه ۱.

۳- (۳). صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۳۴؛ زمان: ۷ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: راه الهی و راه شیطان؛ حضار: طلاب مدرسه فیضیه و مبلغان..

۴- (۴). همان، ص ۳۰۷؛ زمان: ۶ تیر ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: اتحاد عامل پیروزی؛ حضار: هیأتی از کشور عمان..

۵- (۵). همان، ج ۲، ص ۱۳۹؛ زمان: ۱۷ خرداد ۱۳۴۶؛ مکان: نجف؛ موضوع: تحریم رابطه تجاری و سیاسی اسرائیل و... مخاطب: سران دولتهای اسلامی..

درصدد بودند که اختلاف ایجاد کنند، مجالس درست می کردند و (به اختلاف) دامن می زدند. (۱)

### همه ما برادریم، همه مساوی هستیم

... امیدواریم خداوند... ما را تأیید کند برای این که اسلام را آنطور که هست، در خارج محقق کنیم تا این که همه بدانند که اسلام برای همه است و برادرهای سنی ما بدانند که تبلیغاتی که می شود که ما با آنها چه هستیم، صحیح نیست. همه ما برادریم، حقوق همه محفوظ است. همه مساوی هستیم. (۲)

### عده ای درصدد این هستند که بین مسلمین تفرقه بیندازند

... امروز آن چیزی که تکلیف همه ما است - شما برادرهای اهل سنت، اینها برادرهای اهل تشیع، همه، همه افراد این ملت تکلیف دارند، - این است که الآن توجه به این معنا داشته باشند که دستهایی در کار است که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند... الآن اینها درصدد این هستند که بین مسلمین تفرقه بیندازند. (۳)

### تفرقه افکنان، نه سنی هستند نه شیعه

... آنهایی که می خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند، نه سنی هستند و نه شیعه... به همه آنها سفارش کنید که ماها برادر بودیم و هستیم و خواهیم بود و مصلحت شما مصلحت ماست، مصلحت ما مصلحت شماست. ما همه، قرآن شریف را باید حفظ کنیم.

□

ما همه، دین اسلام را باید حفظ کنیم و با وحدت ان شاءالله پیروز شویم. (۴)

ص: ۳۱

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۶، ص ۹۴ - ۹۵؛ زمان: ۱۸ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسه علوی؛ موضوع: اختلاف شیعه و سنی؛ حضار: مفتی زاده، آقا سید احمد و جمعی از اهالی کردستان..

۲- (۲). همان، ج ۷، ص ۳۳۶؛ زمان: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: برادری میان شیعه و سنی؛ حضار: خواهران اهل سنت اورامانات و ...

۳- (۳). همان، ج ۸، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ زمان: ۲۳ خرداد ۱۳۵۸؛ مکان: قم؛ موضوع: مقابله با اختلافات مذهبی - وحدت شیعه و سنی؛ حضار: نمایندگان عشایر خوزستان - هیأتی از ترکمن صحرا و ...

۴- (۴). همان، ج ۱۴ ص ۳۸۱؛ زمان: ۹ خرداد ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: حفظ وحدت و جلوگیری از ایجاد اختلافات؛ حضار: روحانیون اهل سنت کردستان..

## تبلیغات وسیع برای تفرقه میان برادرهای اهل تشیع و تسنن

... امید است که این پیوند تا آخر باقی باشد و برادران اهل تسنن و تشیع باهم توحید کلمه را آغاز کردند و امیدوارم که تا آخر این توحید و وحدت باقی باشد... در این پنجاه سال... با تبلیغات وسیع بین برادرهای اهل سنت و برادرهای اهل تشیع کوشش کردند که تفرقه ایجاد کنند با همه وسائل کوشش کردند و این دو جناح بزرگ را از هم جدا کردند، به طوری که آن طایفه، این طایفه را حتی تکفیر می کردند. (۱)

### شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند

شما می دانید که آقایان اهل سنت و علمای شیعه، مدت هاست که زحمت می کشند که تفرقه را کنار بگذارند و (با) کسانی که پیغمبر شان و دین شان یکی است همراه و برادر باشند، لکن افرادی کوشش می کنند که تفرقه ایجاد کنند و شما خوب می دانید که چه کسانی از تفرقه سود می برند. (۲)

### امیدوارم خداوند این وحدت کلمه را از ما نگیرد

... من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما ممت بگذارد و این انسجامی که هست الآن و این وحدت کلمه ای که هست الآن، از ما نگیرد و بین همه برادرها اتحاد و وحدت داشته باشیم و ادامه پیدا کند ان شاء الله. (۳)

### اسلام برای همه حقوق قائل است

... حقوق همه افراد، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و چه آنهایی که اقلیت مذهبی رسمی دارند؛ حقوق آنها، همه، هم در قانون اساسی ملحوظ شده است و هم

ص: ۳۲

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۶۹ - ۴۷۰؛ زمان: ۲۰ دی ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ مناسبت: میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و امام جعفر صادق علیه السلام؛ حضار: روحانیون اهل سنت شرکت کننده در اردوی وحدت - اقشار مردم و ... ..

۲- (۲). همان، ج ۱۶، ص ۴۱۹؛ زمان: ۲۵ مرداد ۱۳۶۱؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: توطئه ایجاد اختلاف بین اهل سنت و علمای شیعه؛ حضار: ائمه جمعه استان بوشهر..

۳- (۳). همان، ج ۱۵، ص ۴۶۰؛ زمان: ۸ دی ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: ضرورت وحدت همبستگی و رفع اختلاف بین مسلمین؛ حضار: ائمه جمعه استانهای باختران و ایلام..

اسلام برای همه آنها حقوق قائل است و با عدل اسلامی رفتار می کند. (۱)

### تفرقه افکنان یا جاهلند و یا...

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست ما همه باهم برادریم. (۲)

### ملل اسلامی با اتحاد، استقلال خود را حفظ کنند

... امید است ملل اسلامی با اتحاد و همبستگی در برابر توطئه گران و استعمارگران، استقلال خود را حفظ کرده، سربلند و پیروز مندانه از این مبارزه اسلام و کفر جهانی بیرون آیند. (۳)

### پیام برای همه مسلمین

برای همه مسلمین پیام من این است که با دارا بودن تمام امکانات و با جمعیت عظیمی که مسلمین دارند و با ممالک کثیری که تحت سلطه و قدرت آنهاست، آنها باهم اتحاد کنند. اگر متحد شوند، هیچ یک از ابرقدرتها، قدرت اینکه به آنها تجاوز کنند ندارد. (۴)

ص: ۳۳

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۸۹ - ۲۹۰؛ زمان: ۲۴ فروردین ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: حفظ وحدت و آرامش و هشدار به عناصر تفرقه جو؛ حضار: اهالی گرگان، گنبد، ترکمن صحرا و... ..

۲- (۲). همان، ج ۶، ص ۱۳۳؛ زمان: ۲۳ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران، مدرسه علوی؛ موضوع: قیام برای ساختن ایران؛ مخاطب: ملت ایران..

۳- (۳). همان، ج ۱۵، ص ۴۰؛ زمان: ۲۰ تیر ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: پاسخ پیام تسلیت فاجعه هفتم تیر؛ مخاطب: حافظ اسد رئیس جمهور سوریه..

۴- (۴). همان، ج ۴، ص ۴۴۴؛ زمان: ۲۰ آبان ۱۳۵۷؛ مکان: پاریس - نوفل لوشاتو؛ موضوع: فلسطین و... مصاحبه کننده: خبرنگار روزنامه لبنانی النهار..

## دشمن از اختلافات نتیجه می گیرد

باید همه این آقایان دست به دست هم بدهند، همه اقشار باهم اتحاد پیدا کنند...

امیدوارم که همه با وحدت کلمه، همه باهم این مسائل را حل بکنید و اختلافات نظر، اختلاف صنفی، اختلافاتی که در ایران آنها انداختند بین مردم، ... برداشته بشود که دشمن شما از اختلاف نتیجه می گیرد. (۱)

## بازیابی عظمت مسلمانان در سایه اتحاد

□  
امید است در سایه اتحاد کلمه و اعتصام بحبل الله المتین، دست همه استعمارگران شرق و غرب را از کشورهای مسلمان کوتاه نموده عظمت از دست رفته خود را باز یابند. (۲)

## باید هر روز بیدارتر شویم

ما هر روز باید به بیداری خودمان بیفزاییم و هر روز باید به وحدت و انسجام خودمان افزایش بدهیم. (۳)

## ملت، دولت، مجلس و ارتش با وحدت از لبنان و قدس پشتیبانی کنند

ملت و دولت و مجلس و ارتش و سایر قوای مسلح ایران که امروز با وحدت اسلامی و انسجام الهی صف واحد هستند مصممند که در مقابل هر قدرت شیطانی و متجاوز به حقوق انسانها بایستند و از مظلومان دفاع نمایند و تا برگشت قدس به دامن مسلمین از لبنان و قدس عزیز پشتیبانی نمایند. (۴)

ص: ۳۴

---

۱- (۱). صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۱۵ - ۱۱۶؛ زمان: ۲۰ بهمن ۱۳۵۷؛ مکان: تهران: مدرسه علوی؛ موضوع: راه سازندگی و تداوم انقلاب اسلامی؛ حضار: نمایندگان شورای هماهنگی اعتصابات..

۲- (۲). همان، ج ۱۵، ص ۵۰؛ زمان: ۵ مرداد ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید فطر؛ مخاطب: رئیس دولت امارات متحده عربی..

۳- (۳). همان، ج ۱۸، ص ۶۷؛ زمان: ۱ شهریور ۱۳۶۲؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: اهمیت آشنایی به وظایف اسلامی و میهنی؛ حضار: دانشجویان شرکت کننده در مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویان و ...

۴- (۴). همان، ج ۱۵، ص ۶۲؛ زمان: ۱۰ مرداد ۱۳۶۰؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: بیدار باش به مسلمین جهان برای قیام علیه استکبار و صهیونیسم؛ مخاطب: مسلمانان و مستضعفان ایران و جهان..

## به خود وعده می دهیم انسجام بیشتر شود

... امروز ملت ایران از سال سابق و از سابق تر، منسجم تر است و ما به خودمان وعده می دهیم که با خواست خدای تبارک و تعالی این انسجام هرچه بیشتر حاصل شود. (۱)

## اخلال به وحدت، شکست به دنبال دارد

... و من به شما سفارش می کنم که بعد از اخلاص، اتحاد را، وحدت را. اگر اخلالی به این وحدت، شیاطین پیدا کنند و بتوانند اخلال بکنند به وحدت شما رزمندگان، بدانید که شما گرفتار آن کید شیطانی شدید و شکست همراهش است. (۲)

ص: ۳۵

- 
- ۱- (۱). صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۳۳؛ زمان: ۱ فروردین ۱۳۶۱؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: مقایسه بین جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی؛ حضار: رئیس جمهور وقت و ... ..
  - ۲- (۲). همان، ج ۲۰، ص ۷۸؛ زمان: صبح ۲۸ تیر ۱۳۶۵؛ مکان: حسینیه جماران؛ موضوع: اخلاص در کارها و اتکال به خدا؛ حضار: فرماندهان سپاه و ارتش و ... ..



بی شک قرون گذشته شاهد تلاش های عالمان و اندیشمندان بزرگی بوده که هر کدام در زمینه وحدت بخشیدن بین برادران شیعه و سنی، در ایران و سایر کشورهای اسلامی گام برداشته اند و در حد وسع خویش موانع اتحاد را از سر راه برداشته اند. در عصر حاضر هم بزرگانی که برای این امر مهم، به جد کوشیده اند کم نیستند. در این میان نقش برخی از این عالمان، به مراتب نسبت به بقیه چشمگیرتر و پرثمرتر به نظر می رسد. به حق مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی را می توان به عنوان بزرگترین منادی وحدت در عصر حاضر و پرچمدار تقریب بین مذاهب معرفی نمود.

آنچه در پی می آید گوشه هایی از فرامین ایشان است که در دو بخش به خوانندگان محترم تقدیم می شود. امید است خداوند سایه ایشان را همواره بر سر مسلمانان جهان مستدام دارد.

الف) گلچینی از سخنرانی مقام معظم رهبری...

ب) گزیده بیانات معظم له پیرامون وحدت و انسجام



در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی علیه السلام

در اولین روز سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی (۱۳۸۶):

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَطْهَرِينَ الْمُتَجَبِّينَ الْهَدَاهِ  
الْمَهْدِيِّينَ الْمُعْصومِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ. رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

عید امسال دو تبریک دارد؛ هم تبریک عید نوروز است، هم تبریک ورود ماه ربیع المولود است؛ که ولادت تیر اعظم و نبی مکرم، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در آن وارد است. خود عید نوروز هم جزء اعیاد بابرکت برای ما ایرانی هاست.

مردم سال را با یاد خدا شروع می کنند و از خداوند متعال تحوّل به احسن الحال را مسئلت می کنند. امسال علاوه بر اینها، ذخیره معنوی توسّیلات و توجّهات ماه محرم و صفر هم بر برکات این عید افزوده است. شما جمع حاضر در این صحن هم که مشرّف به زیارت بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام هستید، برکات بیشتری دارید. برای من هم فرصتی است تا برخی از مسائلی را که در آغاز سال برای ما ان شاءالله مفید خواهد بود، مطرح کنم.

اول سال فرصت خوبی است برای تقویت عزم ملی، برای برکت بخشیدن به عمر خود در این سال. اگر همه آحاد ما مردم ایران از اول سال عزم خود را بر این متمرکز کنیم که با تلاش خود، با حرکت خود، سال پرباری برای خود فراهم کنیم، خدای متعال هم یقیناً کمک خواهد کرد. البته جانمایه این عزم ملی و بزرگ، نیت پاک و تصمیم بر جلب رضای الهی است؛ تصمیم بر پیمودن صراط مستقیم؛ و آنگاه شناختن موقعیت خود و وضع خود، جایگاه

خود در شرایط کنونی عالم و چالشهایی که پیش روی ملت قرار دارد، و شناختن خطوط اساسی برای مواجهه با چالشها. این، شرط موفقیت یک ملت زنده است؛ وضع خود را، جایگاه خود را، شرایط خود را درست بشناسد و برای این شرایط، برنامه ریزی داشته باشد و عزم و تصمیم قاطع بر مواجهه با آنچه که در این راه برای انسان به طور طبیعی پیش بیاید. من از این فرصت استفاده می کنم؛ در این ساعتی که در خدمت شما هستم، در این باره ها قدری صحبت می کنم.

آنچه که اساس مطلب برای ما ایرانی هاست - که همیشه باید این را در مد نظر داشته باشیم - این است که ملت ما و مجموعه ما مردم ایران هدف بزرگی برای خودمان ترسیم کردیم و در طول دهه های پس از انقلاب، این هدف را دنبال کردیم. هرچه نگاه می کنیم، احساس می کنیم که ما برای رسیدن به این دو هدف، توانایی های لازم را داریم. این هدف بزرگ عبارت است از: سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملتهای مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی. معنای این حرف این است که ملت ما، هم از لحاظ مادی و هم از جنبه های معنوی ارتقاء پیدا کند؛ استقلال ملی داشته باشد؛ عزت ملی داشته باشد؛ توان و ظرفیت ملی داشته باشد؛ بتواند از همه ظرفیتهای خود استفاده کند؛ از رفاه عمومی برخوردار باشد و عدالت عمومی و اجتماعی بر زندگی او حاکم باشد. این ملت در آن صورت می شود الگو برای همه جوامع مسلمان و حتی غیر مسلمان. ملت ایران می خواهد ملتی باشد آزاد، مرفه، باایمان، و کشوری داشته باشد آباد و پیشرفته؛ این هدف ملت ایران است.

در این هدف، اختلافی هم وجود ندارد؛ دعوای جناحی و اختلافات سیاسی در اینجا همه برطرف می شود؛ این هدف مورد قبول همه آحاد ملت ایران است. کشوری آباد داشته باشیم، ملتی آزاد و سربلند داشته باشیم، از ظرفیتهای ملی خودمان بخوبی استفاده کنیم، بتوانیم پیشرو باشیم، پرچم عدالت اجتماعی را در دست داشته باشیم، پرچم ایمان اسلامی را در پیشاپیش همه ملتهای مسلمان به دوش بگیریم؛ این چیزی است که همه ملت ایران طالب و عاشق آن هستند. و می توانیم به این هدف دست پیدا کنیم؛ هم شناخت ظرفیتهای ملی به ما

این امید را می دهد، هم تجربه ها این را تأیید می کند.

ملت ایران یک ملت با استعداد است، با استقامت است، برخوردار از غیرت دینی و غیرت ملی است، به اسلام عمیقاً ایمان دارد، به میهن خود عشق می ورزد؛ اینها چیزهایی است که به ما این امیدواری و این اعتماد را می بخشد که ملت ما قادر است به این هدف دست پیدا کند و برسد؛ دور از دسترس نیست. تجربه هم همین را به ما نشان می دهد.

... امروز شما نگاه کنید؛ جوانان ما در زمینه انرژی هسته ای، در زمینه سلولهای بنیادی، در زمینه ضایعات نخاعی و در دهها زمینه دیگر - که اگر ملت ما از آنها به روشنی آگاه بشوند، شادمان خواهند شد - پیشرفت داشته اند. برجستگان علمی کشور ما امروز توانسته اند در دنیا بدرخشند و تحسین جهانیان را جلب کنند.

در میدان رقابتهای سیاسی هم همین طور. امروز دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه های سیاسی - چه در سطح منطقه، چه در سطح بین المللی، سخن او جزء سخنهای پرطرفدار است؛ سخن او یک سخن شنیدنی است. مسئولین کشور ما، هم در مجامع جهانی، هم در مسافرتها که به کشورهای دیگر می کنند، هم در موضعگیری هایی که می کنند، برجسته و شاخصند. این چنین وضعی برای ملت ما نشان دهنده استعداد این ملت در پیشروی و در ورود به این میدانهاست.

ملت ما توانسته است در فرهنگ سیاست بین المللی مفاهیم جدیدی را وارد کند. دنیا مردم سالاری دینی را نمی شناخت؛ امروز مردم سالاری دینی یک عنوان و شعار مطلوب در میان همه ملتهای اسلامی است...

و اما این راهی که ملت ایران می خواهد برود، یک راه آسفالتی بی مانع نیست؛ ما در این راه چالش هم داریم. ما دو دشمن بزرگ داریم. من این دو دشمن را امروز به اختصار برای شما معرفی و چهره نمایی کنم تا ببینیم من و شما در مقابل این دو دشمن چه باید بکنیم. یک ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن مجهز کند. ما دو دشمن داریم: یک دشمن، دشمن درونی است؛ یک دشمن، دشمن بیرونی است.

درونی خطرناک تر است. دشمن درونی چیست؟ دشمن درونی خصلتهای بدی است که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم. تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی، خودخواهی های افراطی، بدبین بودن به دیگران، بدبین بودن به آینده، نداشتن اعتماد به خود - نه به شخص خود و نه به ملت خود - اینها بیماری است. اگر این دشمنهای درونی در ما وجود داشته باشد، کار ما مشکل می شود. همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده اند این میکروبها را در درون جامعه ایرانی رسوخ دهند: «شما نمی توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»، «آفتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد». سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند؛ اینها دشمنان درونی است. در طول سالهای قبل از بروز حرکت اسلامی در کشور ما، بلای عمده ملت ما اینها بود.

اگر ملتی این بیماریها را داشته باشد، این ملت پیشرفتش ممکن نیست؛ اگر ملتی مردمش تنبل باشند، ناامید باشند، اعتماد به نفس نداشته باشند، با همدیگر پیوند نداشته باشند، به همدیگر بدبین باشند، از آینده ناامید باشند، چنین ملتی پیش نخواهد رفت؛... اگر ما بتوانیم این دشمنها را در درون خود، در جان خود، در فرهنگ عمومی جامعه خود از کار بیندازیم، دشمن بیرونی هم نمی تواند به ما صدمه و لطمه ای برساند.

و اما دشمن بیرونی. دشمن بیرونی این هدف ما عبارت است از نظام سلطه بین المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می گوئیم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه گران و سلطه پذیران تقسیم می کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه گران از منافع خود دفاع کند، سلطه گران با آن ملت دشمنی می کنند؛ روی او فشار می آورند و سعی می کنند مقاومت او را در هم بشکنند. این، دشمن یک ملتی است که می خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن بیرونی است. امروز مظهر این دشمنی عبارت است از شبکه صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا. البته این دشمنی مال امروز نیست؛ روشها تغییر می کند، اما سیاست دشمنی با ملت ایران از اول انقلاب تا امروز بوده است. هرچه توانسته اند، فشار وارد آورده اند، اما عبث؛ فشارهای آنها

نتوانسته است ملت ایران را ضعیف کند یا به عقب نشینی وادار کند؛ نه تحریم اقتصادی شان، نه تهدید نظامی شان، نه فشار سیاسی شان، نه جنگ روانی شان. امروز ما از پانزده سال قبل، از بیست سال قبل، از بیست و هفت سال قبل بسیار قوی تر هستیم؛ این نشان دهنده این است که دشمن در دشمنی با ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ناکام مانده است؛ اما این دشمنی هست.

... ما در مقابل این دو دشمن وظائفی داریم. اول دشمن را باید شناخت، بعد باید نقشه او را دانست. امروز دشمنان بیرونی ما هم برای ملت ایران نقشه دارند. ما سیاستهای پنج ساله خودمان را تعریف می کنیم؛ افق چشم انداز بیست ساله را تعریف می کنیم؛ برای اینکه راه خودمان را مشخص کنیم. دشمن ما هم همین طور؛ او هم برای ما برنامه دارد؛ او هم سیاستی دارد. باید سیاست او را بشناسیم.

من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم:

اول، جنگ روانی؛

دوم، جنگ اقتصادی؛

و سوم، مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی. دشمنی های استکبار با ملت ما در این سه قلم عمده خلاصه می شود. البته اینها را باید دستگاه های تبلیغاتی و رسانه ها و شخصیت های سیاسی بیشتر برای مردم توضیح بدهند. من اجمالاً سرفصل و خلاصه ای از مطالب را به شما عرض می کنم.

جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی شود؛ توده عظیم مردم که مرعوب نمی شوند. چه کسی را می خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیت های سیاسی را، به قول معروف خود ما، نخبگان را؛ اینها را می خواهند مرعوب کنند. کسانی که قابل تطمیعند، آنها را می خواهند تطمیع کنند؛ اراده عمومی را می خواهند تضعیف کنند؛ درک مردم از واقعیت های جامعه خودشان را می خواهند تغییر دهند؛ هدف جنگ روانی این است. یک نفر که بیمار نیست،

صد بار به او بگویند آقا! شما کسالت دارید، شما مریضید، یک مقدار احساس بیماری می کند.

بعکس، اگر کسی دچار بیماری هم باشد، صد بار به او بگویند شما حالتان خوب است، احساس صحت می کند. با تلقین می خواهند واقعیت‌های کشور ما را در نظر ملت ما دگرگون کنند... می خواهند اعتماد ملت را به مسئولان ضعیف کنند. اینکه مردم به دولت و مسئولان‌شان اعتماد داشته باشند، برای یک کشور خیلی نعمت بزرگی است؛ می خواهند این نعمت را بگیرند و مردم را بی اعتماد کنند، هم به خودشان، هم به مسئولینشان؛ مردم را با شایعه، به تحریم و خشونت تهدید کنند...

یک بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، اختلافات مذهبی شیعه و سنی اختلافات جناحی، اختلافات صنفی و رقابت‌های صنفی را ترویج و تبلیغ می کنند. در داخل، مزدوران و ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در اینجا به شکل‌های گوناگون عمل می کنند...

در مورد نفوذ شیعه و ترویج تشیع از سوی ایران و هلال شیعی و از این حرفها، شایعه پراکنی می کنند. یکی از شعبه های جنگ روانی اینها این است: اولاً بین ملت ایران اختلاف بیندازند، ثانیاً بین ملت ایران و ملت‌های دیگر مسلمان اختلاف بیندازند. سیاست آمریکا این بوده است که همسایه های ما را در خلیج فارس از نظام جمهوری اسلامی بترساند. البته بعضی از آنها آگاهانه و هوشیارانه توطئه را فهمیده اند، بعضی هم ممکن است اشتباه کنند و در دام این توطئه آمریکایی بیفتند. ما به سوی همسایه های خلیج فارس - که منطقه عمده نفتی دنیا متعلق به این مجموعه است - همیشه دست دوستی دراز کرده ایم؛ الآن هم با آنها دوستیم و دست دوستی دراز می کنیم و اعتقاد ما این است که کشورهای حوزه خلیج فارس باید پیمان دفاعی مشترک داشته باشند و باید با هم همکاری کنند. برای دفاع از این منطقه مهم نباید آمریکا و انگلیس و بیگانگان و دیگران و طمع ورزان بیایند؛ خود ما باید امتیت این منطقه را حفظ کنیم؛ و این با همکاری کشورهای خلیج فارس ممکن است...

می خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی در تنگنا قرار دهند. من عرض می کنم میدان برای تحرک اقتصادی ملت ایران باز است. با سیاستهای اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند، میدان کار اقتصادی باز است؛ نه فقط برای افرادی که ثروتمندند، حتی برای آحاد مردم. سال ۸۶ و شاید تا یکی دو سال بعد، رویکرد دولت و رویکرد فعالان کشور، باید رویکردی اقتصادی باشد. ما می توانیم اقتصاد خودمان را شکوفا کنیم. تهدید می کنند که تحریم می کنیم. تحریم نمی تواند به ما ضربه ای بزند. مگر تا حالا تحریم نکرده اند؟ ما در حال تحریم به انرژی هسته ای رسیده ایم؛ ما در حال تحریم به پیشرفتهای علمی رسیده ایم؛ ما در حال تحریم به این سازندگی های وسیع در کشور رسیده ایم. تحریم در شرائطی حتی ممکن است به نفع ما تمام شود؛ از این جهت که همت ما را برای تلاش و فعالیت بیشتر کند...

در مورد مقابله با پیشرفت علمی هم یک نمونه مهمش همین مسئله انرژی هسته ای است. در گفته ها، در گفتگوهای سیاسی و غیره می گویند دولتهای غربی با دارا بودن قدرت هسته ای در ایران موافق نیستند؛ خوب نباشند. مگر ما برای به دست آوردن قدرت هسته ای از کسی اجازه خواستیم؟ مگر ملت ایران با اجازه دیگران وارد این میدان شده است که بگویند ما موافق نیستیم؟ خوب موافق نباشید. ملت ایران موافق است و مایل است این انرژی را داشته باشد. من سال گذشته هم در اجتماع روز اول فروردین در اینجا گفتم که انرژی هسته ای برای کشور ما یک ضرورت است، یک نیاز بلندمدت است. امروز اگر مسئولین کشور در به دست آوردن انرژی هسته ای کوتاهی کنند، نسلهای بعد آنها را مؤاخذه خواهند کرد. ملت ایران و کشور ایران به انرژی هسته ای و این توانایی برای زندگی - نه برای سلاح - احتیاج دارد. عده ای می نشینند همان حرف دشمن را تکرار می کنند که: آقا! چه لزومی دارد؟ آینده کشور را به خطر انداختن، نیاز فرداهای کشور را بکلی ندیده گرفتن، این اشکالی ندارد؟ آیا مسئولین کشور حق دارند به نسلهای آینده خیانت کنند؟ امروز نفت را برداریم مصرف کنیم؛ یک روزی این نفت تمام خواهد شد...

من عرایضم را می خواهم تمام کنم. این توصیه های خادم ملت ایران است به ملت ایران.

توصیه من این است: این شعاری که ما امسال مطرح کردیم - یعنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی این را رعایت کنید. اتحاد ملی، یعنی یکپارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملتهای مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملتهای اسلامی محکمتر کند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است.

توصیه بعد این است که ملت عزیز ما، مخصوصاً جوانان ما، اعتماد به نفس خودشان را از دست ندهند. جوانان عزیز! جوانان عزیز ملت ایران! شما می توانید؛ می توانید کارهای بزرگ بکنید، می توانید کشور خود را به اوج اعتلاء و عزت برسانید. اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولین کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می خواهند نباشد. دشمنان می خواهند مردم به دولت - که مسئولیت اداره امور کشور را دارد - بی اعتماد باشند؛ سعی کنید این نقشه دشمن را خنثی کنید. من از دولت حمایت می کنم. از همه دولتهای بر سر کار و منتخب مردم حمایت کردم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ از این دولت هم به طور خاص حمایت می کنم. این حمایت، بی دلیل و بی حساب و کتاب نیست. اولاً جایگاه دولت در نظام جمهوری اسلامی و در نظام سیاسی کشور ما جایگاه بسیار مهمی است، ثانیاً بیشترین مسئولیتها را دولت بر دوش دارد؛ بعد هم این جهتگیری های دینی و این ارزش گرایی انقلابی و اسلامی خیلی ارزش دارد. سختکوشی، تلاش فراوان، ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهتگیری عدالت، زنی (و روش) مردمی؛ اینها خیلی قیمت دارد و من قدر این کارها را می دانم. من به خاطر این چیزها از دولت حمایت می کنم. البته این حمایت، حمایت بی حساب و کتاب نیست؛ توقعاتی هم در مقابلش از دولت دارم. اولین توقع من این است که به مسئولین دولتی می گویم خسته نشوند؛ اعتماد به خدا را از دست ندهند؛ به خدا اعتماد کنند و به این مردم اعتماد کنند؛ زنی مردمی خودشان را حفظ کنند؛ در دام تجمل گرایی هایی که افرادی می افتند، نیفتند؛ مراقب و مواظب باشند؛ در مخاصمات جناحی وارد نشوند؛ وقتشان

را با دعوای سیاسی تلف نکنند؛ با همه وجود و با همه توان برای این مردم کار کنند؛ آنچه را که با مردم در میان می گذارند، به تحقیق برسانند و دنبال کنند.

ما باید چشمهای خودمان را باز کنیم. ما باید به خدا متوسل باشیم، متذکر باشیم. ملت ایران ملت بزرگی است، ملت توانایی است، هدفهای بزرگی دارد، راهی هم به سوی این هدفها دارد که می تواند طی کند. من امیدوارم خدای متعال تفضلات خود را بر شما ملت ایران به طور مستمر ببارد؛ باران لطف خود را بر سر شما ببارد و انشاءالله امروز که روز اول سال ۸۶ است، سرآغاز یک سال پربرکت برای مردم باشد.

□  
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته (۱)

ص: ۴۷

---

۱- (۱). پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری مد ظله العالی..



**منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلامی تدوین شود**

امروز مهم ترین نیاز دنیای اسلام و علاج واقعی همه مشکلات مسلمانان، اتحاد و انسجام اسلامی است و بر همین اساس، علما و روشنفکران مسلمان باید منشور وحدت اسلامی را به عنوان مطالبه ای تاریخی، تدوین کنند.

... امت اسلامی بعد از سالها غفلت، اکنون نگاه جدیدی به شریعت و آیین اسلام دارد، بنابراین دنیای اسلام می تواند با چنین بینش و درک نوینی، و با تمسک به معارف دینی و سیره و کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پیشتاز بشر به سوی کمال و تعالی باشد.

... سیاست جبهه استکبار، ایجاد اختلاف و نزاع قومی و مذهبی میان مسلمانان است که برای مقابله با آن باید وحدت و انسجام میان امت اسلامی تقویت شود و بر همین اساس، امسال، سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری شده است.

تدوین منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلام، ضروری و مطالبه ای تاریخی است که اگر امروز به این وظیفه عمل نشود، نسلهای بعدی ما را مؤاخذه خواهند کرد. در شرایطی که دنیای استکبار سعی در تخریب چهره مسلمانان دارد... و بیداری اسلامی در میان شیعه و سنی را برای خود خطر می داند و آن را چه با نام حماس و چه با نام حزب الله لبنان، آماج حمله قرار می دهد، آیا عاقلانه است که مسلمانان درگیر نزاع قومی و مذهبی شوند و دشمن مشترک خود را فراموش کنند؟

دولتهای اسلامی باید به یکدیگر نزدیک تر شوند و اگر به ملتها و قدرت و تواناییهای

خود متکی باشند بسیار قوی تر خواهند بود تا این که بخواهند به سیاستمداران آمریکایی اتکا کنند. (۱)

## اتحاد، زمینه ساز رسیدن به اهداف

تقویت اعتماد به نفس ملی، همت، مجاهدت و اتحاد در کشور، زمینه ساز رسیدن به اهداف والا است. (۲)

## محورهای اساسی وحدت

به نظر بنده وحدت میان مسلمان ها چند محور اساسی دارد:

یکی از این ها وحدت میان مذاهب مختلف اسلامی است - عمدتاً میان اهل تسنن و اهل تشیع - همچنین میان فرقه های تسنن و تشیع و تقسیماتی از این قبیل.

محور دیگر وحدت میان مسلمین از لحاظ جغرافیایی و مرزهای جغرافیایی است؛ مانند وحدت میان مسلمانان ایران، عراق، سوریه، مصر و دیگر کشورهای اسلامی. وحدت میان مسلمانان خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی و آسیای جنوبی و مسلمانان شمال آفریقا و غیره.

محور دیگر، عبارت است از وحدت از جهت گرایش های سیاسی؛ یعنی مسلمانان با هر نوع گرایش سیاسی که بر ذهن و بر روح آنان حاکم است (یعنی) از لحاظ عملی زیر لوای اسلام با یکدیگر متحد بشوند. اینها محورهای عمده وحدت در جامعه اسلامی است.

از همه شاید مؤثرتر، یا مؤثرترین وحدت، از لحاظ نژاد و زبان است؛ یعنی مسلمانان فارس زبان و ترک زبان و عرب زبان و غیره با یکدیگر اتحاد و اتفاق پیدا کنند. وقتی می گوئیم وحدت میان مسلمانان و این را شعار خودمان قرار می دهیم و به عنوان یک پیام جهانی از کشور انقلابی ایران به دنیا صادر می کنیم - و همان طور که امام راحل رحمه الله فرمودند پیام وحدت از ایران بلند می شود - و این فریاد را بلند می کنیم، معنایش این است که مسلمانان

ص: ۵۰

---

۱- (۱). روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه، ۱۸ فروردین ماه ۱۳۸۶، دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی..

۲- (۲). همان، چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد..

بدون در نظر گرفتن این عوامل جدایی یا بهانه‌های جدایی از قبیل اختلاف مذهب، اختلاف زبان، اختلاف نژاد، اختلاف مناطق جغرافیایی و غیره، بر گرد محور لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گرد هم آیند و کنار هم قرار گیرند. (۱)

### تلاش و توطئه دشمن برای به راه انداختن جنگ شیعه و سنی

همان گونه که در ابتدای سال (۱۳۸۶) بیان شد، تلاش در جهت پیشرفت اقتصادی و علمی و همچنین مقابله با جنگ روانی دشمن برای ایجاد خلل در اتحاد ملی، سه محور اصلی است که باید مورد توجه جدی مردم و مسئولین باشد.

دشمن تلاش دارد با ایجاد چالش‌های انتخاباتی بین مردم تفرقه بیندازد اما ملت ایران با کمک خداوند، این انتخابات (۲) را وسیله دیگری برای رشد و عزت خود قرار خواهد داد.

دشمنان امت اسلامی یک گروه متعصب، متحجر و بی خبر از حقایق عالم و معنویت را شکل داده اند تا میان مسلمانان، اختلاف و جنگ و خونریزی به راه بیافتد اما بر اساس نظر علمای حقیقی اسلام، کسانی که دست خود را به خون مسلمانان آلوده می کنند، مرتکب گناهان نابخشودنی می شوند و این کار در واقع خروج از اسلام است.

با وجود اختلاف های فکری و مذهبی بین مسلمانان، آنان باید در زیر پرچم لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، دست در دست یکدیگر در مقابل دشمنان اسلام و امت اسلامی ایستادگی کنند. (۳)

### دین مبین اسلام زمینه ساز وحدت کشورهای اسلامی

اگر وحدت جهان اسلام محقق شود، امت اسلامی از توانایی درونی عظیمی برای «پیشرفت و توسعه» و ارتقای جایگاه جهانی بهره مند خواهد شد. (۴)

ص: ۵۱

۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۷۹..

۲- (۲). اشاره به انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی..

۳- (۳). روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۶ خرداد ماه ۱۳۸۶، در اجتماع پر شور مردم در سالگرد ارتحال حضرت امام رحمه الله ..

۴- (۴). روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶..

## امروز دلارهای نفتی خرج ایجاد شکاف و اختلاف می شود

امروز دلارهای نفتی فراوان خرج این می شود که عالم خود فروخته و یا نویسنده وابسته، کتابی در ردّ فلان جمعیت اسلامی بنویسد و ایجاد شکاف و اختلاف نماید. لذا امروز هم مانند گذشته، هنوز اختلاف هست و یکی از مهمترین این اختلافات، سیاست های خصمانه و ضدّ اسلامی برخی از حکام کشورهای اسلامی است.

یکی از عوامل بزرگ اختلافات بین عالم اسلام در طول تاریخ، سیاست قدرت های جهانی بوده است. اگر ما مسلمانان، به تاریخ خود بنگریم، فصل های خونین بسیاری مشاهده خواهیم کرد که در آن اهل توحید و قبله و عشاق حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معتقدین به اسلام و قرآن، شمشیر در دست گرفته و به دلایل گوناگون به یکدیگر ضربه زده اند. و اگر نیروهایی که در صحنه نظامی، سیاسی و علمی صرف اختلاف شد، برای پیشرفت مقاصد اسلام و مقابله با دشمنان مصروف می شد، امروز نیروی مسلمانان از نظر کمی و کیفی به مراتب بیشتر بود.

مهمترین مسئولیت این کنفرانس (۱) و امثال آن، شناسایی مبانی وحدت و رفع موانع آن می باشد، به اعتقاد ما کوچکترین این موانع، ذهنت عامه مردم است که باید اصلاح شود و این امر جز به دست علما، روشنفکران، نویسندگان و کسانی که قدرت هدایت افکار عمومی را دارند میسر نیست.

امروز سیاست های غلط مبتنی بر ملت و امثال آن، یکی از مهمترین عوامل اختلاف مسلمین می باشد. (۲)

### ملت‌های جز اتحاد و انسجام ندارند

در چنین شرایطی، ملت‌ها و کشورهای منطقه راهی جز قوی کردن خود و اتحاد و انسجام و کمک به یکدیگر برای ایستادگی در مقابل قدرتهای زورگو ندارند. (۳)

ص: ۵۲

۱- (۱). اشاره به کنفرانس وحدت اسلامی

۲- (۲). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱) ویزه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی مهرماه ۱۳۶۹ ص ۷۹

۳- (۳). روزنامه کیهان، چهارشنبه، ۶ تیرماه ۱۳۸۶، دیدار با رئیس جمهور عراق..

... اگر ملت‌ها اراده کنند هر کاری را که بخواهند می‌توانند انجام دهند از جمله اینکه می‌توانند آمریکا را به زانو درآورند. (۱)

### هشدار به مدّاحان پیرامون حفظ انسجام اسلامی

یکی از چیزهایی که من بخصوص می‌خواهم تکیه کنم، مسئله «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیتهای بین المذاهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیر شیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را می‌خواهند. الآن شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند باهم می‌جنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند می‌جنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است.

چقدر خرج کند، می‌ارزد که یک چنین وضعی پیش بیاید. فرض بفرمائید در لبنان هم یک گروهی پیدا می‌شوند و بنا می‌کنند با یک گروه دیگری مبارزه کردن و جنگیدن. چه نعمتی بزرگ تر از این برای اسرائیل و آمریکا؟! این بهتر است یا اینکه یک گروهی مثل حزب الله بیاید جلو، همه هم دنبالش - بعضی از روی دل و ایمان، بعضی هم از روی ترس از افکار عمومی - و اسرائیل را شکست بدهند؟ معلوم است که وضعیت اختلاف برای آنها بهتر است. آیا مسلمانهای مصر و اردن و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابانها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای آمریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در یک مسئله ای، ایران اسلامی صدایی بلند کرد، همه این ملت‌ها خاموش بشوند؛ بعضی ها اظهار مخالفت هم بکنند؟ پیداست دنبال دوّمی اند. چه جوری می‌شود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است. کاری کنند که عصبیتهای شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه اند؛ اینها صحابه را سبّ می‌کنند؛ اینها مقدّسین شما را چنین و چنان می‌کنند. جدایی

ص: ۵۳

بیاندازند؛ آنها این را می خواهند. منادی وحدت شیعه و سنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یک عده ای چرا نمی فهمند؟ امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه اینهایی که مدعی اند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه علیهم السلام بیشتر بود. او بهتر می فهمید ولایت را، یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت کارهای خلاف می کند؟ حرفهای بی ربط می زند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید.

اگر دیدید در جامعه بین شما کسانی هستند که عکس این رفتار میکنند، آنها را طرد شان کنید؛ مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید؛ اینها ضربه ای به جامعه اسلامی می زنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.

امروز وحدت اسلامی به نفع نظام اسلامی است؛ به نفع جمهوری اسلامی است. علیه این جهتگیری حرکت کردن، به نفع آمریکاست؛ به نفع صهیونیست هاست؛ به نفع همان گردن کلفت هایی است که در دنیای اسلام جیهایشان را از دلارهای نفتی پر کردند و دلشان نمی خواهد که عنصری مثل جمهوری اسلامی، مثل ملت ایران اصلاً وجود داشته باشد. به هر حال، از خداوند متعال می خواهیم همه ما را هدایت کند. (۱)

### **تلاش دشمنان اسلام برای ایجاد تفرقه**

دشمنان اسلام با خوی استکباری و با انواع حيله ها و بهانه ها برای ایجاد تفرقه و اختلاف بین مذاهب و گروه های اسلامی تلاش می کنند. (۲)

### **کشور را به میدان رقابت سالم برای خدمت تبدیل کنید**

دشمن، وحدت و انسجام پیکره واحد و نیرومند ملت ایران را هدف گرفته است و تلاش می کند با عمده کردن خواسته های صنفی و ایجاد میدان رقابت ناسالم امتیازگیری در کشور،

ص: ۵۴

---

۱- (۱). روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۸۶، دیدار با مداحان کشور..

۲- (۲). روزنامه کیهان، شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۸۶، دیدار با ذاکرین اهل بیت علیهم السلام ..

تمرکز و برنامه ریزی دولت را مختل کند، بر همین اساس همان گونه که امسال، سال اتحاد ملی نامگذاری شده است، باید همه قشرها و صنف های مختلف با مهربانی و در یک صف متحد و مستحکم، کشور را به میدان رقابت سالم برای خدمت و مجاهدت و شتاب بخشیدن به حرکت پیشرفت اقتصادی تبدیل کنند. (۱)

### **اشغالگران و صهیونیست ها، طراحان اصلی جنایت سامرا و تفرقه افکنی**

برادران شیعه و سنی به هوش باشند که در دام توطئه دشمن نیفتند. مسلمانان در همه جای جهان بیش از گذشته باید مراقب سیاست تفرقه افکنی و جنگ افروزی دشمنان اسلام باشند.

امروز دشمنان در عراق، در فلسطین، در لبنان و در هر نقطه از جهان اسلام که بتوانند آتش افروزی می کنند و با بهانه های گوناگون مذهبی و قومی و حزبی و غیره، مسلمانان را به صف آرایی در برابر یکدیگر و برادرکشی تحریک می نمایند. مسلمانان نباید به آنها در این هدف ننگین و خطرناک کمک کنند. علمای محترم اهل تسنن، فاجعه سامرا را محکوم کنند و صریحاً بیزاری خود را از مرتکبان آن ابراز نمایند و علمای محترم شیعه، پیروان اهل بیت علیهم السلام را به خویشترداری دعوت کنند و همه علما و بزرگان روحانی جهان اسلام پیروان خود را به همدلی با برادران خود و رعایت احساسات مذهبی هر فرقه سفارش نمایند. (۲)

### **علمای شیعه و سنی از عراق و دولت عراق حمایت کنند**

ای کاش علمای اهل سنت امروز در عراق نیز همین ادراک و هوشمندی را که قریب به ۱۰۰ سال پیش علمای شیعه به کار گرفتند به کار بگیرند، زیرا امروز آمریکا همانند انگلیس در آن دوران، معارض دولت شیعه عراق است و علمای اهل سنت و شیعه - چه عراقی و چه غیر عراقی - باید بایستند و از این دولت حمایت کنند. (۳)

ص: ۵۵

---

۱- (۱). روزنامه کیهان، سه شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، در جمع کارگران سراسر کشور..

۲- (۲). بخشی از پیام معظم له در محکومیت جنایت تخریب بارگاه ملکوتی امامین عسکریین علیهما السلام، شنبه ۲۶ خرداد ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳). روزنامه کیهان، پنج شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، دیدار با علماء و روحانیون مشهد..

من... به عناصر سیاسی داخلی هم دوستانه نصیحت می‌کنم، مراقب باشند، طوری حرف نزنند، طوری موضعگیری نکنند که به مقاصد دشمن در این جنگ روانی کمک شود. (۱)

### اولین پیام انقلاب: وحدت شیعه و سنی

ملت ایران با تکیه بر قرآن و وحدت بین شیعه و سنی، انقلاب را به پیروزی رسانده است و اولین پیام انقلاب اسلامی وحدت بین شیعه و سنی است. ما مسلمانان جمعیتی در حدود یک میلیارد نفر را در جهان تشکیل داده ایم، ولی دشمنان بشریت همواره سعی کرده اند تا این پیکره واحد - یعنی مسلمانان - را با تفرقه درهم بشکنند و منابع مادی آنان را غارت کنند. (۲)

### اتحاد ملی، نعمتی بزرگ

یکپارچگی ملت ایران وحدتی دستوری نیست، بلکه ریشه و عقبه ای دینی دارد و در واقع این اعتقادات مذهبی است که با نزدیک کردن دلها، همه را به سمت توجه به ذات باری تعالی جهت می‌دهد و اتحاد عمیق ملی را به همراه می‌آورد که این درس و نعمت بزرگ را باید حفظ کرد. (۳)

### اختلاف شیعه و سنی دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه

پیام بزرگ جمهوری اسلامی به همه ملت‌های مسلمان، یکپارچگی در راه بازگشت به اسلام و اعتصام به حبل الله است. ما اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و فارس و ترک و دیگر ملت‌ها، اختلاف نژادها و زبان‌ها را رد می‌کنیم و آن را دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه می‌شماریم. همچنین تلاش تفرقه انگیز بعضی سیاستها و نیت‌ها و قلم‌ها را که بجای

ص: ۵۶

۱- (۱). روزنامه کیهان، ۱۵ فروردین ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۸.

۳- (۳). گزیده ای از خطبه نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۶ش..

وحدت، جدایی میان مسلمین را هدف خود ساخته اند، جزئی از سیاست عمومی استکبار می دانیم و آن را محکوم می کنیم. ما بار دیگر به همه مسلمین عالم یادآور می شویم که به اسلام که مایه عزت و سعادت دنیوی و اخروی آنان است برگردند و بدانند: ان الاسلام بنی علی دعا متین (۱) کلمه التوحید و توحید الکلمه. (۲)

### اهداف و انگیزه های دشمن از ایجاد اختلاف

یک مسئله، اصل «ایجاد اختلاف و نگرانی» است تا با هم متحد نشوند، تا این اتحاد یک واحد عظیمی را - که تصور آن، دل‌های مستکبران طماع را می لرزاند - به وجود نیاورد؛ یعنی واحد امت اسلامی را. اگر امت اسلامی به معنای واقعی کلمه امت تشکیل شود، استعمارگران و طمع ورزان و کسانی را که خواسته اند این منطقه را به نفع خودشان بفشردند و از آن بهره برداری کنند، بسیار می ترسند، آنها می خواهند این اتفاق نیفتد.

اصل «ایجاد اختلاف»، یک انگیزه دیگر هم دارد که آن بعد از قیام ملت ایران و برافراشته شدن پرچم انقلاب اسلامی در این کشور به آن انگیزه قبلی اضافه شد و آن این است که می ترسند از این که تفکرات اسلام ناب، اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام عزت و هویت، اسلامی که تسلط بیگانگان و دشمنان را بر امت اسلامی گناه می داند و آن را به هیچ قیمت نمی پذیرند، از ایران به بقیه جوامع اسلامی سرایت کند و مشکله را برای آنها چند برابر کند، سعی می کنند بین ایران اسلامی و بین سایر مناطق جهان اختلاف بیندازند. می دانند که تفکراتی که یک ملت را - یک ملت استعمار زده مثل ملت ما را در دوران طاغوت - بیدار می کند، به صحنه می آورد، به مجاهدت وادار می کند، ترس او را می ریزد، او را به وسط میدان کارزار عظیم بین المللی می کشاند و او را در همه مراحل از میدان پیروز خارج می کند، برای

ص: ۵۷



۱- (۱). اسلام بر دو ستون تکیه دارد، کلمه توحید (لا اله الا الله) و توحید کلمه (وحدت کلام مسلمین)، دعومه به معنای ستون و پایه به کار می رود..

۲- (۲). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۸.

جهان خواران، برای کسانی که برنامه برای منطقه خاورمیانه و برای نفت اینجا و برای بقیه چیزهای اینجا دارند، خیلی خطرناک است. نمی خواهند بگذارند؛ البته خیلی هم تلاش کرده اند، موفق هم نشده اند تا امروز. (۱)

### همواره طرفدار وحدت بودیم هستیم و خواهیم بود

اصرار ما برای تحقق وحدت که از روز اول پیروزی انقلاب نیز این اصرار را داشته ایم، براساس یک باور اعتقادی و ایدئولوژیکی و استراتژیکی است و لذا همواره طرفدار وحدت بوده ایم و هستیم و خواهیم بود. (۲)

### مسأله وحدت را یک اصل اسلامی و انقلابی بدانیم

وحدت را مهم بشمارید و هفته وحدت را یک هفته حقیقتاً پر محتوی و پر مغز قرار بدهید. در امور دیگر هم ما این مسأله وحدت را مورد تأیید و به عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی مورد تأکید قرار می دهیم. وقتی ما می گوئیم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی و انقلابی (باید همدلی باشد و آن را) مورد تأکید قرار می دهیم، وقتی ما می گوئیم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی برای هدفهای اسلامی اتحاد باشد، پس بطریق اولی بین قشرهای مختلف ملت ایران، مردم فداکار و مبارز اهل هر شهری، اهل هر استانی، متکلمین با هر زبانی و لهجه ای و قشرهای مختلف موظف هستند... وحدت را حفظ کنند. (۳)

### راهکار مقابله با توطئه های استکبار برای ایجاد تفرقه

همه ملت های مسلمان و دولت های اسلامی، باید با حفظ انسجام اسلامی، مراقب باشند که توطئه های استکبار برای ایجاد تفرقه مذهبی، قومی و ملی در جهان اسلام به نتیجه ای نرسد. (۴)

ص: ۵۸

- ۱- (۱). بخشی از بیانات معظم له در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام ..
- ۲- (۲). گزیده ای از سخنرانی معظم له در تاریخ ۱۷/۱۰/۱۳۶۰ ش..
- ۳- (۳). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۹..
- ۴- (۴). در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۶ شهریور ماه ۱۳۸۶..

ما در هفته وحدت و بعنوان پیام وحدت حرفمان این است که مسلمانان بیایند باهم متحد شوند و باهم دشمنی نکنند. این حرف، بدی نیست، این حرف حرفی است که هر عاقل بی غرض و مُنصفی آن را قبول خواهد کرد. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و شریعت اسلامی باشد. (۱)

**ایجاد اختلاف، توطئه ای عمیق و خطرناک**

یک توطئه عمیق و خطرناکی - که خیلی هم قدیمی است - برای ایجاد اختلاف بین فرقه اسلامی وجود دارد؛ حالا امروز در دنیا مسئله شیعه و سنی را مطرح می کنند، اما این اختلاف مخصوص شیعه و سنی نیست، بلکه می خواهند بقیه فرق اسلامی هم در درون تشیع، در درون تسنن - فرقه های اصولی، فرقه های فقهی، فرقه های کلامی - در مقابل هم قرار بگیرند، گریبان هم را بگیرند، علیه هم فریاد بکشند؛ این چیزی است که دشمن می خواهد و بخصوص انگلیسها در این قضیه متبحرند؛ خیلی مجربند؛ سالهای متمادی - دهها سال، شاید بشود گفت به یک معنا صدها - در این زمینه کارکرد دارند؛ خوب بلدند، نقاط ضعف را می شناسند؛ روی آنها انگشت می گذارند برای ایجاد اختلاف، الآن هم به شدت مشغولند. البته دیگر اینجا مخصوص انگلیسها نیست؛ سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل و آمریکا و همه هستند، برای اینکه این اختلاف را عمیق کنند. شایعات درست می کنند؛ با فلان مسئول یک کشور سنی، طوری حرف می زنند که احساس کند شیعه به عنوان یک خطر دارد او را تهدید می کند.

اینجا با جامعه شیعیان - مسئولان کشور شیعه و بقیه کشورهایی که در آنها شیعه هستند - طوری حرف می زنند که احساس کنند اهل سنت دارند آنها را تهدید می کنند و هستی و هویت آنها را از بین می برند. کارشان این است. عین همین قضیه در تواریخ سابقه هم دارد، نمونه های مشخص و معینی ذکر شده است، ما هم در زمان خودمان داریم می بینیم. به فلان

ص: ۵۹

مسئول سنی می گویند چه نشسته ای که از ایران آمدند چند تا روستا را در کشور تو شیعه کردند! اینجا هم می آیند و به بعضی از ما می گویند چه نشسته اید که آمدند چند تا روستا از کشور شما را سنی کردند! اینجا کار دشمن است. باید این را شناخت. (۱)

### **پولهای نفت در دستهای شیطان**

پولهای نفت امروز مصرف می شود برای کتاب نوشتن ضد شیعه، دلارهای آمریکایی مصرف می شود برای ردّ تشیع و به زبان عربی و زبان اردو ترجمه می شود یا نوشته می شود.

اینها دستهای شیطانند. اینها انسانهای سالمی نیستند که این چیزها را می نویسند، هر جا باشند همین جورند. ما می گوئیم امروز آتش افروزی نباید کرد. هر کسی عقیده خودش را باید داشته باشد. هر کسی عقیده خودش را اثبات هم بکند.

ما نمی گوئیم وقتی گویندگان از مذاهب مختلف اسلامی بر منابع خود شان قرار می گیرند استدلال نکنند و عقیده خود شان را اثبات نکنند. البته بکنند. اما اثبات عقیده بحثی است و دشمنی کردن با طرف مقابل و هم صدا شدن با استکبار جهانی و نیروها را مصرف جنگ داخلی کردن بین مسلمین بحث دیگری است. (۲)

### **علمای اسلام مراقب باشند**

علمای اسلام باید مراقب مذاهب جعلی و دلارهای نفتی که برای ایجاد تفرقه به کار می روند، باشند و دستهای پلید و مزدوری را که برای از هم گسستن و پاره کردن عروه الوثقی بین مسلمین تلاش می کنند، شناسایی و با آنان برخورد کنند. زیرا این برخورد لازمه علاقه به وحدت اسلامی است. (۳)

ص: ۶۰

---

۱- (۱). پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری مد ظلّه العالی، سخنرانی در تاریخ ۲۵ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۷۹.

۳- (۳). همان، ص ۹۱..

## در صدد هستیم تا دار التقرب بین المذاهب را ایجاد کنیم

بسیاری از فتاوی علمای و فقهای اسلام، اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار گیرند، می توانند به یکدیگر نزدیک شوند و ما در صدد هستیم تا دار التقرب بین المذاهب را ایجاد کرده و میزبان شخصیت‌های عالم از تمام جهان اسلام باشیم تا به این ترتیب و با کوشش فقها، متکلمین، فلاسفه و علمای اسلام، نظرات فِرَق اسلامی در مجموعه ای واحد در اختیار همه مسلمین قرار گیرد. (۱)

## ندای اهل بیت علیهم السلام ندای تفرقه افکنانه نیست

امروز دنیای اسلام به پیام اهل بیت علیهم السلام نیازمند است. مسئله پیروان اهل بیت و مجمع اهل بیت و ندای اهل بیت علیهم السلام در جوامع شیعی، ندای تفرقه افکنانه نیست؛ بر خلاف آنچه که بعضی تنگ نظرها از یک طرف و بعضی مغرضها از یک طرف تصور می کنند و آن را در بوقهای تبلیغاتی خودشان دائم می دمند و تکرار می کنند. مسئله، مسئله نفی نیست؛ مسئله، مسئله اثبات است. مکتب اهل بیت علیهم السلام حقایق دارد، مطالبی دارد که امروز دنیای اسلام به اینها نیازمند است. (۲)

## دام خطرناک

امروز دنیای اسلام مجروح است و مفسدانی که با همه مسلمانان و با اصل امت اسلامی دشمنند، با تشدید اختلافات قومی و فرقه ای نظیر، «شیعه و سنی»، «عرب و عجم» در صددند بخشهای مختلف جهان اسلام را مقابل یکدیگر قرار دهند و متأسفانه برخی در این دام خطرناک می افتند. اسلام عزیز به عنوان نسخه منحصر به فرد «صلاح و سعادت ملت‌ها» در اختیار امت اسلامی است و دل‌های آماده مسلمانان، لبریز محبت و عشق به

ص: ۶۱

۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۹۱..

۲- (۲). در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، مرداد ماه ۱۳۸۶..

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است. بنابراین جهان اسلام می تواند با اتحاد حول وجود پر برکت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، هوشمندانه با دشمنان خدا مقابله کند و راه سعادت و پیشرفت و تعالی را بییماید. (۱)

### جمهوری اسلامی آماده تأسیس دار التقرب بین المذاهب می باشد

به منظور ایجاد وحدت و انسجام بیش از پیش میان مسلمانان و نزدیک ساختن مذاهب مختلف اسلامی از طریق بحثهای کلامی و فقهی میان علما و اندیشمندان جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران آماده است «دار التقرب بین المذاهب» را تأسیس و میزبان شخصیت های علمی اسلامی باشد. (۲)

### بیداری دانشجو مفهومی بسیار عمیق دارد

بیداری دانشجو فقط در بیزاری از آمریکا خلاصه نمی شود، بلکه با توجه به برنامه های پیچیده و عمدتاً پنهان سیاسی و فرهنگی دشمن، مفهومی بسیار عمیق می یابد و هوشیاری کامل می طلبد.

... گاه دشمن برای تکمیل نقشه خود در صدد آن است که حرف حقی از زبان یک فرد یا گروهی بیان شود. بنابراین همواره باید سخت مراقب بود تا دشمن از هیچ حرف و حرکتی سوء استفاده نکند؛ که این امر نیاز به دشمن شناسی و پرهیز از هرگونه سهل انگاری دارد. (۳)

### مهم ترین نیاز امروز وحدت و همدلی

امروز مهمترین نیاز دنیای اسلام وحدت و همدلی است و همه، اعم از کشور میزبان (عربستان) و حجاج کشورهای مختلف به ویژه حجاج ایرانی باید در جهت انسجام اسلامی و

ص: ۶۲

---

۱- (۱). روزنامه کیهان، ۲۱ مرداد ماه ۱۳۸۶، دیدار با مردم و مسئولان نظام، در سالروز مبعث حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ..

۲- (۲). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۹۱..

۳- (۳). روزنامه جمهوری اسلامی، ۱ خرداد ماه ۱۳۸۶، در جمع اعضای بسیج دانشجویی دانشگاهها..

جلوگیری از بروز هرگونه زمینه اختلاف افکنی تلاش کنند. در حج امسال (۱۳۸۶) مسأله انسجام اسلامی باید مورد توجه جدی قرار گیرد و از دولت میزبان هم انتظار می رود همان دیدگاههایی را که در خصوص لزوم وحدت مسلمانان و جلوگیری از بروز زمینه های اختلاف بیان می کند در مرحله عمل نیز به اثبات برساند. (۱)

### فراهم کردن زمینه اختلاف گناه است

تحریک عواطف مذهبی و فراهم کردن زمینه اختلاف، گناه است و کسانی که این کار را انجام دهند در واقع به برآورده شدن هدف سازمانهای جاسوسی آمریکا و رژیم صهیونیستی کمک کرده اند و در پیشگاه الهی نیز به شدت مؤاخذه خواهند شد.

(۲)

ص: ۶۳

---

۱- (۱). دیدار معظم له با کارگزاران حج، ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). همان..



## بخش دوم:

### اشاره

الف) اتحاد و انسجام در لغت و اصطلاح

ب) اتحاد و انسجام در آیات و روایات

ص: ۶۵



پیش از شروع مباحث، بررسی دو واژه اتحاد ملّی و انسجام اسلامی ضروری به نظر می رسد:

اتّحاد (۱) در لغت نامه دهخدا آمده است:

اتّحاد: یکی شدن. یگانگی داشتن. یگانگی کردن. (۲)

گفت چون ندهی بدین سگ نان زاد گفت تا این حد ندارم اتّحاد

\*\*\*

جان گرگان و سگان از هم جداست متّحد جانهای مردان خداست (۳)

مولوی

گاهی به جای اتّحاد وحدت به کار می رود.

وحدت: یگانه شدن. اتّحاد مقابل کثرت، یگانگی مقابل اختلاف و تفرق. (۴) وحدت مردم: هماهنگی و اتّفاق در شئون گوناگون زندگی.

ملّی: در ترکیب اتّحاد ملّی، مضاف الیه اتّحاد، ملّی است؛ لذا به توضیح این واژه و همچنین

ص: ۶۷

---

۱- (۱). اتّحاد در لغت به معنای یکی شدن است و در اصطلاح متکلمان و نیز فیلسوفان امامیه، در معانی مختلف حقیقی و مجازی به کار می رود. (معارف و معاریف، ج ۱، ص ۴۹۴).

۲- (۲). و همچنین در معانی ذیل به کار می رود: یکی رنگی، یگانگی، یکدلی، یک جهتی، موافقت، وفق، توافق، اجتماع..  
۳- (۳). از واژه های هم خانواده اتّحاد، «متّحد» است که برای روشن شدن بیشتر معنای اتّحاد، توضیح این واژه نیز از کتابهای لغت ذکر می گردد. متّحد: از (وحد) یکی شده، مأخوذ از تازی، پیوسته و متّفق و موافقت کرده و متّصل و یکی شده و یکی کرده متّحد الشکل؛ هم شکل. هم سان. - متّحد المال؛ بخشنامه (فرهنگستان ایران) - متّحد شدن؛ پیوسته شدن، متّفق شدن و یکی گشتن (ناظم الاطباء).

۴- (۴). لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۸۴۴..

ملی منسوب به ملت است. ملت دسته ای از افراد انسان که عموماً در خاک معینی [از قبایل مختلف] سکونت اختیار کرده و دارای وحدت نژاد و زبان و مذهب می باشند: به طوری که این وحدت برای آن افراد، طرز فکر و تاریخ مشترک بدانگونه ایجاد کند که پیوند همزیستی بین آنها پدید آورد. (۱) گاهی توسیماً به برخی نهادها و سازمانهای دولتی به سبب وابستگی دولت به ملت، نیز ملی گویند، این کلمه در همه جا معادل ناسیونال به کار نمی رود. (۲)

ص: ۶۸

۱- (۱). لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۸۹۹۸..

۲- (۲). توضیح بیشتر آن که: ملی: [م ل ل ی] منسوب به ملت و آنچه که در ید و اختیار ملت است و گاهی توسیماً در زبان فارسی (برخی نهادها و سازمان های) دولتی را نیز به سبب وابستگی دولت به ملت، ملی گویند. از این روی این کلمه در همه جا معادل ناسیونال به کار نمی رود. در ترمینولوژی حقوق، تألیف دکتر جعفری لنگرودی چنین آمده: در معانی زیر به کار رود: الف) تبعه در مقابل بیگانه ب) وابسته و مرتبط به یک دولت. در این صورت به شکل صفت به کار می رود: مانند پرچم ملی، بندر ملی ج) وصف دولت حامی فرد، از آن جهت که حمایت به عهده اوست و شخص مورد حمایت تبعه او می باشد و گفته می شود «اتاناسیونال» یا دولت متبوع د) صفت ملت به معنی دسته ای از افراد انسان که دارای بعضی اوصاف مشترکند از نوع نژاد و سنن و طرز فکر. (لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۰۰۱) در فرهنگ معین درباره ملی توضیح چنین آمده است: منسوب به ملت: ۱. مربوط به ملت (آئین، دین) ۲- مربوط به ملت (سکنه یک کشور) در زبانهای اروپایی معادل ملی، ناسیونال است ولی به معنای دولتی (متداول در ایران) بکار می رود، زیرا دولت نماینده ملت است. صنایع ملی (یعنی صناعی که در دست دولت است). مدارس ملی (یعنی مدارس دولتی). در ایران «ملی» را به معنای مختلف و گاه متضاد بکار می برند: الف) در موارد محدود به همان معنای اروپایی (ناسیونال) (یعنی دولتی) استعمال می کنند: صنعت ملی نفت ب) به معنای آنچه که تعلق به یک یا چند فرد از افراد ملت دارد نه به همه ملت: مدرسه ملی. (فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۳۵۴ - ۴۳۵۵). ملت: در توضیح لغت ملی به ملت اشاره شد که لفظ ملت به معنای زیر آمده است: [م ل ل دین و کیش و شریعت (غیاث) کیش و دین و آیین و مذهب. (ناظم الاطباء). مله. ج، ملل: «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً» (سوره آل عمران، آیه ۹۵). اشتقاق ملت از اُمَّلَّتِ الْكِتَابِ است و ملت و دین دو نامند: آن شرع را خدای عزّ و جلّ نهاد میان بندگان بر زبان انبیاء. (کشف الاسرار، ج ۱، ص ۲۰۶) (اصطلاح حقوقی). ۱. گروهی از افراد انسانی که بر خاک معینی زندگی می کنند و تابع قدرت یک حکومت می باشند (ترمینولوژی حقوق، تألیف دکتر جعفری لنگرودی) ۲. در تئوری کلاسیک ناشی از انقلاب کبیر فرانسه ملت عبارت است از شخص حقوقی که ناشی می شود از مجموعه افرادی که دولت را تشکیل می دهند و دارای حق حاکمیت می باشند (ترمینولوژی حقوق، تألیف دکتر جعفری لنگرودی، حقوق بین الملل عمومی). ملت: شریعت یا دین. و گویند مله و طریقه یکی است و آن اسم است از «املیت الکتاب» سپس به اعتبار اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را املاء می کند به اصول شرایع نقل شده است (از اقرب الموارد، از کشاف اصطلاحات الفنون) (لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۸۹۹۸). «وَمِنْ يَرِغُبُ عَنِ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ اَلْمَا مِنْ سَفِيهِ نَفْسِهِ» (سوره بقره، آیه ۱۳۰). «وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ

أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهَلِكَنَّ الظَّالِمِينَ» (سوره ابراهيم، آیه ۱۳). این کلمه ۱۳ بار در قرآن آمده که ۸ بار آن به صورت اضافه به ابراهیم «ملّه ابراهیم» آمده است. مرحوم طبرسی گفته از این جهت قرآن دین اسلام را، ملّت ابراهیم خوانده که شریعت ابراهیم علیه السلام در درون شریعت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم است ولی این سخن به اعتبار نزدیک نباشد زیرا این معنی به دین ابراهیم اختصاص ندارد بلکه دین نوح و موسی و عیسی علیهم السلام نیز این چنینند. در یکی از آیات آمده «ملّه ابراهیم» مرحوم طبرسی گفته قرآن از این جهت ابراهیم را پدر همه خوانده که حرمت وی بر مسلمانان مانند حرمت پدر است بر فرزندان و به قولی از این جهت که عرب از نسل اسماعیل اند. (معارف و معاریف، ج ۹، ص ۵۹۳ - ۵۹۴). امام حسین علیه السلام فرمود: تنها کسی که بر ملّت ابراهیم علیه السلام است مائیم و پیروان ما و اما سایر مردم از او برینند. (معارف و معاریف، ج ۹، ص ۵۹۴؛ بحار الانوار: ۸۷/۶۸). ملّت: ۱. دین، آیین، شریعت «و از برای تشیید قواعد دین و ملّت و تشدید عواقد فرض و سنت، انبیاء و رسل را به خلایق فرستاد» (جوامع الحکایات ۱: ۳) ۲. پیروان یک دین «و محاسن این کتاب را نهایت نیست و کدام فضیلت از این فراتر که از امت به امت و از ملّت به ملّت رسید و مردود نگشت». (کلیله. مصحح مینوی ۱۹) ۳. گروه مردم، قوم. ۴. مجموعه افراد یک کشور «چون عادت دوار صاحبقران کامکار همواره چنان بود که در کفایت مصالح و مهمّات ملک و ملّت بنفس مبارک خویش التفات فرماید...». (ظفر نامه یزدی. چاپ امیر کبیر ۲: ۴۱۱)؛ (فرهنگ فارسی معین، ج ۴، ص ۴۳۳۶). ملّت: آئین نامه ای که از جانب خدا تشریح و توسط پیامبران به خلق رسد و آنان را به قرب پروردگار نائل سازد. دین، شریعت. این اصل معنای ملّت است ولی بعداً این کلمه توسعه یافته و در آئین نامه ها و ملّتهای باطله نیز استعمال شده است (مجمع البحرین)..

انسجام

انسجام در لغت به معنای روان شدن آب و اشک و جز آن... روانی کلام و غیره...

ص: ۶۹

در نزد بُلغا: تَهی بودن سخن از تعقید و روانی آن است همچون آب رونده که از فرط آسانی ترکیب و روانی الفاظ، همچون سیلی است که جاری شود، مانند آیات قرآنی که همه آنها منسجم است. (۱) پس انسجام اسلامی یعنی هماهنگی اهل اسلام آنچنان که تَهی از هر گونه تنش و چالش و ناهمگونی مُهلک و دردآور باشد.

گاهی گفته می شود وحدت مسلمین، وحدت مسلمین یعنی: یگانگی و هماهنگی مسلمانان در سایه توحید و نبوت و قرآن. و تکیه نمودن آنها بر مُمیزات مذهبی و قومی. همان امری که مجد و عظمت و شوکت آنان در گرو آن است و همان چیزی که قرآن مسلمانان، با لحنی بلیغ و بیانی رسا، پیروان خود را بدان دعوت می کند و می فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (۲)؛ و همگی به ریسمان خدا [ قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت ]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید.

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَاتَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (۳)؛ آئینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید. بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سوی دعوت می کنید.

خداوند هر کس را بخواهد بر می گزیند و کسی را که به سوی او باز گردد هدایت می کند.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۴)؛ همانا مؤمنان برادر یکدیگرند.

و دیگر آیات بدین مضمون. (۵)

ص: ۷۰

۱- (۱). معارف و معاریف، ج ۲، ص ۵۱۲..

۲- (۲). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۳- (۳). سوره شوری، آیه ۱۳..

۴- (۴). سوره حجرات، آیه ۱۰..

۵- (۵). معارف و معاریف، ج ۱۰، ص ۳۲۱..

اینک در توضیح این شعار بلند سال ۱۳۸۶ش، که مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی به آن دعوت فرمودند، از زبان مبارک خود ایشان بشنویم:

به نظر من امسال سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است؛ یعنی در درون ملت ما اتحاد کلمه همه اتحاد ملت و قومیت های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین المللی انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان اتحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها. (۱)

\* \* \*

انسجام اسلامی یعنی عصبیتهای بین المذهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیر شیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را می خواهند.

الآن شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند باهم می جنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند می جنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است. (۲)

\* \* \*

اتحاد ملی، یعنی یکپارچگی ملت ایران. انسجام اسلامی، یعنی ملت های مسلمان با هم همراه باشند. ملت ایران رابطه خود را با ملت های اسلامی محکمتر کند. ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، باید بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم. نباید خودمان را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است. (۳)

ص: ۷۱

---

۱- (۱). بخشی از پیام نوروزی معظم له در ابتدای سال ۱۳۸۶..

۲- (۲). دیدار معظم له با مداحان اهل بیت علیهم السلام در سالروز ولادت حضرت زهرا علیها السلام، تیرماه ۱۳۸۶..

۳- (۳). از بیانات معظم له در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی علیه السلام، اول فروردین ماه ۱۳۸۶..



مسأله اتحاد و همبستگی جامعه اسلامی و پیوند افراد امت اسلامی چنان در آموزه های دینی گسترده است و چنان در تار و پود رفتار انسان مسلمان تنیده شده که اگر کسی بخواهد به همه آنها پردازد بدون مبالغه باید پهنه ای به گستردگی تمام معارف و تعالیم دینی را بپیماید، زیرا کمتر زمینه ای از آموزه های دینی هست که نشانه ای از همگرایی و پیوند و وابستگی در آن به چشم نخورد. مثلاً عبادتی مانند روزه ماه رمضان که شاید در نظر اول چندان ارتباطی به رابطه میان افراد جامعه ندارد، وقتی به همه ابعاد آن بنگریم مانند توجه به فقرا در اثر گرسنگی، و استحباب اطعام مؤمنان و دعا برای آنها و تأکید بر صله رحم و... در ارتباط آن با مسأله اتحاد و همبستگی روشن خواهد شد.

از این رو بنای این نوشتار بر آن نیست که تمام ابعاد این مسأله را در سراسر تعالیم دینی مورد کاوش قرار دهد، بلکه در این صدد است که به اصول کلی این امر و نمونه های واضح و روشن آن که در قرآن کریم و روایات پیامبر اعظم و امامان معصوم علیهم السلام آمده است اشاره ای گذرا داشته باشد.

آیات قرآن و روایات برای بیان مفهوم و مراد از وحدت و اتحاد و همبستگی و تشریح ابعاد این امر، به ارائه نمونه های ملموس و عینی می پردازد و برای جایگزین کردن این حقیقت در عمق جان مردم از مظاهر و نمادهای روشن و شناخته شده همبستگی بهره می گیرد، که نمونه های آن در صفحات آینده ارائه خواهد شد.



۱ - مسلمانان برادرند

(۱)

۱ - «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید. و نعمت خدا را بر خود، به یاد آرید که در گذشته با هم دشمن بودید شما را همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

این آیه اوج اتحاد و همبستگی را با بکار گرفتن تعبیر برادر، نشان می دهد.

(۲) - «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۲).

همانا مؤمنان با هم برادرند، پس دو برادر خود را آشتی دهید و از خدا پروا کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. این آیه رابطه میان اعضای جامعه را پیوند و رابطه برادر با برادر می داند و این نشانگر نهایت نزدیکی و پیوستگی است.

ص: ۷۵

۱- (۱). آل عمران: ۱۰۳..

۲- (۲). حجرات: ۱۰..

(۳) ۳- امالی طوسی: عن عبد الله بن العباس قال: لما نزلت «إنما المؤمنون إخوة» (۱) آخى رسول الله صلى الله عليه وآله بين المسلمين، فأخى بين أبي بكر وعمر، وبين عثمان وعبيد الرحمن، وبين فلان وفلان حتى آخى بين أصحابه أجمعهم على قدر منازلهم، ثم قال لعلي بن أبي طالب عليه السلام: أنت أخي، وأنا أخوك (۲).

ابن عباس گوید: هنگامی که آیه شریفه «انما المؤمنون اخوه» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میان مسلمانان پیوند برادری برقرار ساخت. ابوبکر را با عمر و عثمان را با عبدالرحمن و آن یکی را با دیگری برادر ساخت تا آنکه میان همه یارانش بر پایه منزلتشان پیوند برادری را ایجاد کرد. سپس به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: تو برادر منی و من برادر تو هستم.

این روایت و روایاتی همانند آن اقدام و تلاش پیامبر رحمت را در تحقق عملی و عینی اتحاد و انسجام مسلمانان با یکدیگر، در قالب برادری و آشنا کردن آنان به عمق معنی و مفهوم اتحاد بیان می کنند.

(۴) ۴- کافی: ... قال [ الصادق عليه السلام ] : اكتب [ يا سفيان الثوري ] : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خطبه رسول الله صلى الله عليه وآله في مسجد الخيف: نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتي فَوَعَاها، وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ تَبْلُغْهُ. يَا أَيُّهَا النَّاسُ لِيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، فَرَبَّ حَامِلِ فِقْهِ لَيْسَ بِفِقْهِهِ؛ وَرَبَّ حَامِلِ فِقْهِ إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

ثَلَاثٌ لَا يَغُلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ، وَالنَّصِيحَةُ لِأَيِّمِهِ الْمُسْلِمِينَ، وَاللُّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِيطَةٌ مِنْ وَرَائِهِمْ؛ الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، تَتَكَافَى دِمَاؤُهُمْ، وَهُمْ يَدُّ عَلِيٍّ مِنْ سِوَاهُمْ، يَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ (۳).

... - امام صادق علیه السلام به سفيان ثوري - فرمود: بنویس: بنام خداوند بخشنده مهربان، سخنرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد خیف: خداوند نیک فرجام و روسفید سازد بنده ای را که گفتار مرا بشنود و به خاطر سپارد و آن را به کسی که نشنیده برساند. ای مردم! کسی که حاضر است به غایب برساند. چه بسا حامل علمی که خود دانشمند نیست، و چه بسا نقل کننده علمی

ص: ۷۶

۱- (۱) . حجرات: ۱۰..

۲- (۲) . امالی طوسی، ص ۵۸۷، ح ۱۲۱۴..

۳- (۳) . کافی، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۲..

که آن را به عالم تر از خود می رساند. سه چیز است که دل شخص مسلمان در آنها غلّ و غش ندارد: کار را تنها برای خداوند انجام دادن، و خیرخواهی برای پیشوایان مسلمین، و همراهی و پیوستگی به اجتماع آنان؛ که دعای آنان پاسدار همه است. مؤمنان با یکدیگر برادرند، خونهایشان با هم برابر است و در برابر دیگران یکدست اند، پائین ترین آنان از سوی آنان امان می دهد.

(۵)

۵ - ذیل تاریخ بغداد: اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْمُسْلِمُ أَخُ الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَشْتُمُهُ؛ مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ؛ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مسلمان برادر مسلمان است. به او ستم نمی کند و به او دشنام نمی دهد. هر کس در صدد برآوردن نیاز برادرش باشد خداوند در کار برآوردن نیاز اوست و نیازش را برآورده می سازد. و هر کس مسلمانی را از تنگنایی برهاند خداوند او را از یکی از گرفتاری های قیامت می رهاند. و هر کس مسلمانی را ببوشاند، خداوند در روز قیامت او را می پوشاند.

(۶) ۶ - تحف العقول: وَصِيَّةُ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكَمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ مُحْتَضِرِهِ... يَا كَمَيْلُ، الْمُؤْمِنُ مِنْ مِرَاةِ الْمُؤْمِنِ، لِأَنَّهُ يَتَأَمَّلُهُ فَيَسِدُّ فَاقَتَهُ وَيُجَمِّلُ حَالَتَهُ. يَا كَمَيْلُ، الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَلَا شِدَىءَ آثَرُ عِنْدَ كُلِّ أَخٍ مِنْ أَخِيهِ. يَا كَمَيْلُ، إِنْ لَمْ تُحِبَّ أَخَاكَ فَلَسِيَّتِ أَخَاهُ، إِنْ الْمُؤْمِنَ مَنْ قَالَ بِقَوْلِنَا، فَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ قَصَرَ عَنَّا، وَمَنْ قَصَرَ عَنَّا لَمْ يَلْحَقْ بِنَا، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (۲).

سفارش امیر مؤمنان علیه السلام به کمیل بن زیاد:... ای کمیل! مؤمن آینه مؤمن است. زیرا به دقت در وضع او می نگرد، کاستی و نیازمندیش را برطرف می سازد و وضعش را آراسته و زیبا می کند.

ای کمیل! مؤمنان با هم برادرند، و نزد هر برادری چیزی برتر از برادرش نیست.

ص: ۷۷

۱- (۱). ذیل تاریخ بغداد، ج ۱۷، ص ۱۲۳..

۲- (۲). تحف العقول، ص ۱۷۳..

ای کمیل! اگر برادرت را دوست نداری، پس برادرش نیستی. مؤمن کسی است که به گفته ما پایبند باشد، پس هر کس بر خلاف نظر ما رفتار کند دستش از ما کوتاه است و هر کس دستش به ما نرسد به ما نیوسته است، و هر کس با ما نباشد در پایین ترین طبقه آتش است.

(۷) ۷- تحف العقول: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُ الْمُسْلِمِ فَلَا تَخَاذُلُوا وَلَا تَنَابَرُوا (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به راستی مسلمان برادر مسلمان است، از یاری یکدیگر دست نکشید و به همدیگر لقب های زشت ندهید.

(۸) ۸- اصول سته عشر: قال جابر: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ لِأَيِّهِ وَأُمُّهُ؛ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ طِينِهِ جَنَّاتِ السَّمَاوَاتِ، وَأَجْرَى فِي صُورِهِمْ مِنْ رِيحِ رُوحِهِ، فَذَلِكَ هُمْ إِخْوَةٌ لِأَبٍ وَأُمٍّ (۲).

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمن برادر پدری و مادری مؤمن است، زیرا خداوند مؤمن را از سرشت بهشت های آسمانها آفرید و نسیمی از روح خود را در پیکرهای آنان روان ساخت. به این جهت آنان برادران پدری و مادریند.

(۹) ۹- کتاب المؤمن: جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَنَفَّسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هُمْ يُصَيِّبُنِي مِنْ غَيْرِ مُصَيِّبَةٍ بِيْنِي، أَوْ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي، حَتَّى تَعْرِفَ ذَلِكَ أَهْلِي فِي وَجْهِ، وَيَعْرِفَهُ صَديقِي. فَقَالَ: نَعَمْ، يَا جَابِرُ. قُلْتُ: مَا ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: وَمَا تَصْنَعُ بِهِ؟ قُلْتُ:

أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَهُ. فَقَالَ: يَا جَابِرُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينِ الْجَنَانِ، وَأَجْرَى بِهِمْ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ رُوحَهُ. فَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَيِّهِ وَأُمُّهُ، فَإِذَا أَصَابَ رُوحاً مِنْ تِلْكَ الْأَرْوَاحِ فِي بَلَدِهِ مِنَ الْبُلْدَانِ شَيْءٌ حَزَنْتَ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ، لِأَنَّهَا مِنْهَا (۳).

جابر گوید: در محضر امام باقر علیه السلام: آهی کشیدم، سپس گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! بی آنکه دچار مصیبتی شوم یا بلایی بر سرم آید گاهی چنان اندوهگین می شوم که خانواده ام آن را از

ص: ۷۸

۱- (۱). تحف العقول، ص ۲۰۳..

۲- (۲). اصول سته عشر، ص ۶۳..

۳- (۳). کتاب المؤمن، ص ۳۸، ح ۸۷..

چهره ام در می یابند و دوستم آن را می فهمد. فرمود: جابر، درست است. عرض کردم ای فرزند رسول خدا سبیش چیست؟ فرمود با آن چکار داری؟ گفتم: دوست دارم آن را بدانم، فرمود: جابر! خداوند عز و جل مؤمنان را از گل بهشت آفرید، و از نسیم بهشت روح خود را در آنان روان ساخت، و بدین گونه است که مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است. پس هرگاه یکی از این روح ها در هر کجا گرفتار بلایی شود همه آن ارواح اندوهگین می شوند.

چون این روح از آنهاست.

(۱۰)

۱۰ - تحف العقول: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَ الْمُؤْمِنِ لَا يَشْتُمُهُ وَلَا يَحْرِمُهُ وَلَا يُسِيءُ بِهِ الظَّنَّ (۱).

امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است؛ به او دشنام نمی دهد و او را محروم نمی کند و به او بدگمان نمی شود.

(۱۱)

۱۱ - كتاب المؤمن: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بُوْأَبٍ وَأُمَّ، فَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقَ سَيْهَرِ الْأَخْرُونَ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنان برادرانی از یک پدر و مادرند، هنگامی که رگ یکی از آنان بتپد - دردمند شود - ، خواب از چشم دیگران می رود.

(۱۲) ۱۲ - عده الداعی: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ، وَهُوَ عَيْنُهُ، وَمِرَاتُهُ، وَدَلِيلُهُ، لَا يَخُونُهُ، وَلَا يَخْدَعُهُ، وَلَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَكْذِبُهُ، وَلَا يَغْتَابُهُ (۳).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است و چشم او و آینه او (۴) و راهنمایش می باشد.

به او خیانت نمی کند و او را فریب نمی دهد و به او ستم نمی کند و به او دروغ نمی گوید، و غیبت او را نمی کند.

ص: ۷۹

۱- (۱) . تحف العقول، ص ۲۹۶..

۲- (۲) . كتاب المؤمن، ص ۳۸..

۳- (۳) . عده الداعی، ص ۱۷۴..

۴- (۴) . زیرا آئینه خوبیها و عیبها را بدون حس عیجویی روشن می کند، مؤمن نیز خوبیهای مؤمن را بیان می کند تا تشویق شود و ادامه دهد، عیوب و بدیهای او را هم می گوید تا از آنها اجتناب ورزد..

(۱۳) ۱۳- بحار الأنوار: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَغُشُّهُ، وَلَا يَغْتَابُهُ، وَلَا يَخُونُهُ، وَلَا يَكْذِبُهُ.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ، فَإِنَّ ذَهَابَ الْحِشْمَةِ ذَهَابُ الْحَيَاءِ، وَبَقَاءُ الْحِشْمَةِ بَقَاءُ الْمُرُوءَةِ (۱).

امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، به او ستم نمی کند، و او را تنها و بی کس نمی گذارد، و به او نیرنگ نمی زند، و غیبت او را نمی کند، و به او خیانت نمی ورزد، و به او دروغ نمی گوید.

و از آن حضرت نقل شده که فرمود: حریم میان خودت و برادر مؤمن را از میان مبر، که با از میان رفتن آن حریم، حیا می رود. و با باقی ماندن آن، جوانمردی و دوستی باقی می ماند.

(۱۴) ۱۴- تفسیر صافی: فِي الْبَصَائِرِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ تَفْسِيرِ هَذَا الْحَدِيثِ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ». فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ نُورِهِ، وَصَيَّرَهُمْ فِي رَحْمَتِهِ، وَأَخَذَ مِيثَاقَهُمْ لَنَا بِالْوَلَايَةِ عَلَيَّ مَعْرِفَتِهِ يَوْمَ عَرَفَتَهُمْ نَفْسَهُ؛ فَالْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ: أَبُوهُ النُّورُ، وَأُمُّهُ الرَّحْمَةُ، وَإِنَّمَا يَنْظُرُ بِذَلِكَ النُّورِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ (۲).

در بصائر است که از امام صادق علیه السلام درباره معنای این حدیث که «مؤمن با نور الهی می بیند» سؤال شد، آن حضرت فرمود: خداوند مؤمنان را از نور خود آفرید و آنان را به رحمت خود سرشت. و روزی که خود را به آنها شناساند، علاوه بر معرفت خویش، بر ولایت ما از آنان پیمان گرفت. پس مؤمن برادر پدری و مادری مؤمن است. پدر او نور و مادرش رحمت است، و فقط با این نوری که از آن آفریده شد [حقایق را] می بیند.

ص: ۸۰

۱- (۱). در برخی روایات به جای «المروه» «الموده» آمده است. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۸۶ ح ۱۳. مشکاه الأنوار، ص ۱۸۶ ح ۴۸۵ و ۴۸۶، و ص ۱۸۸ ح ۴۹۴ و ۴۹۵..

۲- (۲). تفسیر صافی، ج ۶، ص ۵۲۰؛ بصائر الدرجات، ص ۱۰۰، ح ۲..

۱۵ - کتاب المؤمن: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَخُونُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ، وَلَا يَعِيْبُهُ، وَلَا يَحْرِمُهُ، وَلَا يَغْتَابُهُ (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او خیانت نمی کند، و او را تنها و بی کس نمی گذارد، و بر او عیب نمی گیرد، و عیبش را به دیگران نمی گوید، و او را محروم نمی سازد، و غیبت او را نمی کند.

۱۶ - کتاب المؤمن: عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ عِنْدَهُمْ فُضُولٌ، وَيَأْخُوَانِهِمْ حَاجَةٌ شَدِيدَةٌ [وَلَيْسَ] تَسْعُهُمُ الزَّكَاةُ، وَمَا يَسْعُهُمْ أَنْ يَشْبَعُوا وَيَجُوعَ إِخْوَانُهُمْ، فَإِنَّ الزَّمَانَ شَدِيدٌ. فَقَالَ:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ، وَلَا يَحْرِمُهُ؛ وَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ لَهُ، وَالتَّوَاصُلُ عَلَى الْعَطْفِ، وَالْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَالتَّعَطُّفُ مِنْكُمْ، يَكُونُونَ عَلَيَّ أَمْرَ اللَّهِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ مُتَرَاحِمِينَ، مُهَمِّينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ، عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيَّ [مَعَشَرَ] الْأَنْصَارِ عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (۲).

سماعه گوید از امام علیه السلام درباره گروهی پرسیدم که بیش از نیاز خود دارند و برادران دینشان سخت نیازمندند و زکات به اندازه نیازشان نیست، و نمی توانند خودشان سیر و برادرانشان گرسنه باشند چرا که زمانه سخت است. فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند، و او را تنها و بی کس نمی گذارد، و او را - از عطای خود - بی بهره نمی سازد؛ و بر مسلمانان است که در برآوردن نیازش بکوشند و از روی عطوفت با یکدیگر ارتباط داشته باشند، نیازمندان را در آنچه دارند سهیم سازند. و سزاوار است به آنان عطوفت داشته باشید.

مسلمانان طبق فرمان خداوند «رحماء بینهم» با هم مهربانند و به پی جویی نیازهای پنهان آنان اهتمام می ورزند، همانگونه که جماعت انصار در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می کردند.

۱۷ (۱۷) - کتاب المؤمن: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ، وَلَا يَعِيْبُهُ، وَلَا يَحْرِمُهُ، وَلَا يَغْتَابُهُ.

۱- (۱). کتاب المؤمن، ص ۴۳ ح ۹۸.

۲- (۲). همان، ص ۴۴ - ۴۳ ح ۱۰۱.

وَقَالَ: لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ مِنَ الْحَقِّ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ، وَيُعَوِّدَهُ إِذَا مَرَضَ، وَيَنْصِيحَ لَهُ إِذَا غَابَ، وَيُسَدِّمَتَهُ إِذَا عَطَسَ، وَيُجِيبُهُ إِذَا دَعَاهُ، وَيُشَيِّعُهُ إِذَا مَاتَ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان است به او ستم نمی کند، و او را تنها نمی گذارد، و بر او عیب نمی گیرد، و غیبتش را نمی کند، و - از عطای خود - بی بهره اش نمی گذارد، و به او خیانت نمی کند.

و فرمود: برخی از حقوق مسلمان بر برادرش این است که هنگامی که او را دیدار کرد بر او سلام کند، و هنگامی که بیمار شد از او دیدن کند، و هنگامی که حاضر نیست برایش خیرخواهی کند، و هنگامی که عطسه کرد به او دعا کند (بگوید یرحمک الله)، و هنگامی که او را دعوت کرد بپذیرد، و هنگامی که مُرد او را تشییع کند.

این روایات که هر یک نمونه ای از ده ها روایت است بدین مضمون، ابعاد مختلف وحدت و اتحاد را نشان می دهد

ابعاد ایجابی آن از همدردی، همکاری، رسیدگی، برآوردن نیازها، عیادت هنگام بیماری و...

و ابعادی از قبیل پرهیز از ستم، غیبت، بدگویی، و عیبجویی از او، خیانت به او...

ص: ۸۲

تعبیر زیبای دیگری که پیوند ارتباط بسیار نزدیک و عمیقی که باید میان مسلمانان وجود داشته باشد می‌رساند، تشبیه جامعه مسلمان به یک پیکر است. این تعبیر نیز در روایاتی متعدد آمده که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

(۱۸)

۱۸ - کتاب المؤمن: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ، وَتَرَاحِمِهِمْ، وَتَعَاطِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمنان در نیکی و مهرورزی و عطف به یکدیگر مانند یک بدنند، که هر گاه بیمار شود همه اعضا با شب بیداری و تب با آن همدردی می‌کنند.

(۱۹) ۱۹ - مستدرک الوسائل: وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا - وَاللَّهِ لَا - يَكُونُ [ الْمُؤْمِنُ ] مُؤْمِنًا أَيْدًا حَتَّىٰ يَكُونَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مِثْلَ الْجَسَدِ إِذَا ضَرَبَ عَلَيْهِ عِزْقٌ وَاحِدٌ، تَدَاعَتْ لَهُ سَائِرُ عُرْوِقِهِ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: نه به خدا مؤمن مؤمن نیست مگر آنکه نسبت به برادرش مانند بدن باشد، که هر گاه رگی از آن به درد آید، دیگر رگهایش با آن همدردی می‌کنند.

ص: ۸۳

۱- (۱). کتاب المؤمن، ص ۳۹، ح ۹۲..

۲- (۲). مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۲، ح ۱۰۱۵۴؛ کتاب المؤمن، ص ۳۹، ح ۹۰..

(۲۰) ۲۰- کتاب المؤمن: عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْمُؤْمِنُ [ أَخُو الْمُؤْمِنِ ] كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِذَا سَقَطَ مِنْهُ شَيْءٌ تَدَاعَى سَائِرُ الْجَسَدِ (۱).

یکی از دو امام (امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) فرمود: مؤمن برادر مؤمن است - آن دو - مانند یک پیکرند، هنگامی که عضوی از آن از پای در آید، دیگر اعضای پیکر با هم به یاریش می آیند.

(۲۱) ۲۱- کتاب المؤمن: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِذَا اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ [ أَلَمَ ] ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ، لِأَنَّ أَرْوَاحَهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ تَعَالَى، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالَاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ [ شُعَاعِ ] الشَّمْسِ بِهَا (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن برادر مؤمن است مانند یک پیکر، هنگامی که عضوی از آن بیمار شود درد آن در همه بدن احساس می شود. زیرا روح های آنان از روح خداوند متعال است. و به راستی روح مؤمن وابستگی اش به روح خدا بیشتر از وابستگی پرتو خورشید به خورشید است.

(۲۲) ۲۲- مسند احمد: قَالَ [ عَامِرُ ] سَمِعْتُ النُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ يَخْطُبُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ شَيْءٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى (۳).

عامر گوید: شنیدم نعمان فرزند بشیر در سخنرانی خود می گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم می فرمود: مؤمنان در دوستی و لطف و مهربانیشان به یکدیگر همانند یک پیکرند؛ هنگامی که عضوی از آن دردمند شود، دیگر اعضای بدن با شب بیداری و تب به یاریش می شتابند.

(۲۳) ۲۳- صحیح مسلم: قَالَ [ النُّعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ ]: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ، إِنْ اشْتَكَى رَأْسُهُ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى (۴).

ص: ۸۴

۱- (۱). کتاب المؤمن، ص ۳۸، ح ۸۵ ..

۲- (۲). همان، ص ۳۸، ح ۸۶ ..

۳- (۳). مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۰ ..

۴- (۴). صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۰ ..

نعمان فرزند بشیر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان مانند یک پیکرند؛ اگر سرش به درد آید، دیگر اعضا با تب و شب بیداری یاریش می کنند.

□  
(۲۴) ۲۴ - مستدرک الوسائل: قَالَ [ رسول الله ] صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤْمِنَانِ كَالْيَدَيْنِ، يُغْسَلُ إِحْدَاهُمَا بِالْآخَرَى. □ فَإِذَا رَزَقَكَ اللهُ وَدَّ أَخِيكَ، فَاسْتَمْسِكْ بِمَوَدَّتِهِ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو مؤمن همانند دو دستند که با یکی دیگری شسته می شود. پس هنگامی که خداوند دوستی برادرت را به تو ارزانی داشت، دوستیش را محکم نگه دار.

نشان دادن شدت وابستگی افراد جامعه به یکدیگر زیباتر و دقیق تر از این ممکن نیست.

ص: ۸۵

یکی دیگر از تعبیری که برای بیان ارتباط محکم و استوار میان اعضای جامعه اسلامی بکار رفته تشبیه جامعه به یک ساختمان است که اجزای آن در بر پایی و پایداری و ماندگاری آن دخیل اند و پیوستگی آنها موجب استحکام آن بنا است، و روزی که اجزا به هر سببی از هم دست بکشند ساختمان در هم فرو خواهد ریخت. و اینک روایاتی در این زمینه:

(۲۵) ۲۵- عوالی اللئالی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِيمَا بَيْنَهُمْ كَمَثَلِ الثُّبْنِ، يُمْسِكُ بَعْضُهُ بَعْضًا، وَيَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان نسبت به هم همچون ساختمانند که اجزای آن همدیگر را نگه می دارند و سبب استحکام یکدیگر می شوند.

(۲۶) ۲۶- مسند احمد: عَنْ أَبِي مُوسَى رَوَاهُ قَالَ: الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالثُّبْنِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا (۲).

ابو موسی گوید: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: رابطه مؤمن با مؤمن مانند ساختمان است که اجزای آن سبب استواری یکدیگرند.

(۲۷) ۲۷- صحیح بخاری: عَنْ أَبِي مُوسَى، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالثُّبْنِ، يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا - وَشَبَّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَصَابِعَهُ - (۳).

ص: ۸۶

۱- (۱). عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۰۷..

۲- (۲). مسند احمد، ج ۴، ص ۴۰۴..

۳- (۳). صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۲۹..

ابو موسی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نسبت مؤمن با مؤمن همانند پیوند میان اجزای ساختمان است که سبب استواری یکدیگرند - و در این حال انگشتان خود را در هم داخل کرد - .

(۲۸)

۲۸ - مسند احمد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نسبت مؤمن با مؤمن همانند پیوند میان اجزای ساختمان است که سبب استواری یکدیگرند.

(۲۹) ۲۹ - صحیح ابن حبان: عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِيَمَا بَيْنَهُمْ كَمَثَلِ الْبُنْيَانِ؛ قَالَ: وَأَدْخَلَ أَصَابِعَ يَدِهِ فِي الْأَرْضِ وَقَالَ: يُمَسِّكُ بَعْضُهَا بَعْضًا (۲).

ابو موسی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان نسبت به هم همچون ساختمانند - و آن حضرت انگشتان دستش را در زمین فرو برد و فرمود: - اجزای آن یکدیگر را نگه می دارد.

ص: ۸۷

---

۱- (۱) . مسند احمد، ج ۴، ص ۴۰۵؛ الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۲۳۱..

۲- (۲) . الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۲۳۲..



۱ - مراسم حج

(۳۰)

۱ - «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ ...» (۱).

خدا (زیارت) کعبه، بیت الحرام، را وسیله سامان یافتن امور مردم قرار داد ...

(۳۱)

۲ - «وَأَذَّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ \* لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ» (۲).

مردم را به حج فراخوان تا پیاده و سوار بر شتران تکیده به تو رو آورند، و آنگاه شاهد منافع خود باشند و نام خدا را در روزهای معینی بر چار پایانی که روزی آنان کرده ببرند؛ پس از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید.

(۳۲)

۳ - کافی: عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ خُثَيْمٍ قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُطَافُ بِهِ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فِي مَحْمِلٍ وَهُوَ شَدِيدُ الْمَرَضِ ... فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» .

فَقُلْتُ: مَنَافِعَ الدُّنْيَا أَوْ مَنَافِعَ الْآخِرَةِ؟ فَقَالَ: الْكُلُّ (۳).

ص: ۸۹

۱- (۱) . مائده: ۹۷..

۲- (۲) . حج: ۲۷ و ۲۸..

۳- (۳) . کافی، ج ۴، ص ۴۲۲، ح ۱..

ربیع بن خثیم گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم به شدت بیمار بود و او را دور کعبه طواف می دادند ... فرمود: از خدای عز و جل شنیده ام که می فرماید: «لِشَهِدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»: تا شاهد منافی برای خویش باشند. عرض کردم: منافع دنیا یا منافع آخرت؟ فرمود: همه.

(۳۳) ۴- علل الشرائع: عن هشام بن الحكم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام فقلت له: ما العلة التي من أجلها كلف الله العباد الحج والطواف بالبيت؟ فقال: إن الله تعالى خلق الخلق لا لعله إلهائه شاء ففعل، فخلقهم إلى وقت مؤجل، وأمرهم ونهاهم ما يكون من أمر الطاعة في الدين ومصالحهم من أمر دنياهم، فجعل في الاجتماع من المشرق والمغرب ليتعارفوا، ولتربح كل قوم من التجارات من بلد إلى بلد، ولتنتفع بذلك المكارى والجمال، ولتعرف آثار رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وتعرف أخباره، ويذكر ولا ينسى. ولو كان كل قوم إنما يتكلمون على بلادهم وما فيها، هلكت البلاد، وسقطت الجلب والأرباب، وعميت الأخبار، ولم يقفوا على ذلك؛ فذلك علة الحج (۱).

هشام بن حکم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم به چه سبب خداوند بندگان را مکلف ساخته که حج گزارند و برگرد کعبه طواف کنند؟

فرمود: خدای متعال تحت تاثیر علتی مردم را نیافرید، جز آنکه اراده او بر آفرینش آنها تعلق گرفت و آنان را برای مدت معینی بیافرید، و در کار فرمانبری در دین و مصلحتشان در کار دنیا بایدها و نبایدها را به آنان گوشزد کرد. در حج گرد آمدن از شرق و غرب را قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و هر گروهی از بردن کالا- از شهری به شهر دیگر سود ببرند و چاروادار و شتردار ساریان از این کار بهره مند شوند، و تا آنکه شناخته شود آثار و نشانه های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (۲)، و یاد آوری شود اخبار رسول خدا صلی الله علیه و آله و فراموش نگردد. اگر هر گروهی

ص: ۹۰

۱- (۱). علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۰۵ و ۴۰۶، ح ۶.

۲- (۲). از کلمه آثار می توان هم آثار علمی مثل اخبار و هم آثار تاریخی مثل مکانهای جنگی چون خندق و بدر و مکانهایی که منسوب به حضرت است که واقعه تاریخی در آن رخ داده مثل مکان مباحله، یا مکان تولد پیامبر صلی الله علیه و آله و هر چه که اثر باشد استفاده کرد. چون دیدن این آثار یادآور رسول خدا صلی الله علیه و آله و یادآور زحماتی است که آن بزرگوار برای اسلام متحمل گردیده است..

تنها به شهرهای خودشان و چیزهای موجود در آنها اتکا می کردند نابود می شدند و شهرها ویران می شد و جذب کالاهای و جلب منافع از میان می رفت، و خبرها - از سراسر دنیا - به آنان نمی رسید و از آنها آگاه نمی شدند. این است علت حج.

(۳۴)

۵ - علل الشرائع: عن مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيَمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: أَنَّ عَلَيْهِ الْحَجَّ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَطَلَبُ الزِّيَادَةِ، وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ، وَلِيَكُونَ تَائِبًا مِمَّا مَضَى، مُسْتَأْنِفًا لِمَا يُسْتَقْبَلُ، وَمَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَعْوَالِ، وَتَعْيِبِ الْأَيْدِيَانِ وَحَظْرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ، وَالتَّقَرُّبِ فِي الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْخُضُوعِ وَالِاسْتِتِكَانِهِ وَاللُّدْلُ، شَاخِصًا فِي الْحَرِّ وَالْبُرْدِ وَالْأَمْنِ وَالْخَوْفِ، دَائِبًا فِي ذَلِكَ دَائِمًا، وَمَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَنَافِعِ وَالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَمِنْهُ تَزَكُّ قَسَاوِهِ الْقَلْبِ، وَخَسَاسُهُ (۱) الْأَنْفُسِ وَنَسِيَانُ الدُّكْرِ وَأَنْقِطَاعُ الرَّجَاءِ وَالْأَمَلِ، وَتَجْدِيدُ الْحُقُوقِ، وَحَظْرُ الْأَنْفُسِ عَنِ الْفَسَادِ، وَمَنْفَعُهُ مَنْ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّنْ يَحْجُّ وَمِمَّنْ لَا يَحْجُّ مِنْ تَاجِرِ وَجَالِبِ وَبَائِعِ وَمُشْتَرٍ وَكَاسِبِ وَمُسَيِّكِينَ، وَقَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَالْمَوَاضِعِ الْمُمْكِنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعُ فِيهَا، كَذَلِكَ «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» ... (۲).

محمد بن سنان گوید: امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در پاسخ به پرسشهای او مرقوم فرمود: علت حج، ورود بر خداوند متعال و در خواست افزایش - لطف و رحمت او - و بیرون آمدن از همه گناهان است، و برای آنکه از - گناهان - گذشته توبه کند و در آینده کار - نیک - از سر گیرد. و نیز در حج هزینه کردن دارایی ها و رنج و خستگی بدنها و باز داشتن آن از خواسته ها و خوشی ها و تقرب به خدا در عبادت و خضوع و فروتنی و خواری - در برابر او - با سفر در گرما و سرما و در امنیت و ترس، و همراه با تلاشی پیوسته در این راه است. به علاوه حج منافی برای همه مردم دارد و - در آن - امید و شوق به خدای سبحان و ترس از او، و وانهادن سنگدلی، و خوار شدن نفسها و فراموش نمودن خواسته ها و بریدن از آرزوها و

ص: ۹۱

۱- (۱). در عیون اخبار الرضا، «جساره» آمده به معنای بی باکی و پردلی..

۲- (۲). علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۰۴ و ۴۰۵، ح ۵..

آمال؛ و باز پرداختن به ادای حقوق و باز داشتن جانها از فساد. و سود و منفعت کسانی است که در شرق و غرب و در خشکی و دریایند، چه افراد حج گزار و چه بازرگان و وارد کننده و فروشنده و خریدار و پیشه ور و بینوا که حج نمی گزارند، و همچنین رفع نیازهای مردم اطراف و جاهایی که می توانند در آنجا گرد آیند؛ تا شاهد منافع خود باشند.

(۳۵) ۶- المیزان فی تفسیر القرآن: «وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا - وَ عَلَيَّ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ». کلمه «اذن» امر از «تاذین» است، به معنای اعلام کردن با صدای بلند. و به همین جهت دیگران آن را به ندا تفسیر کرده اند. و کلمه «حج» در اصل لغت به معنای قصد است. و عمل مخصوصی که اولین بار ابراهیم علیه السلام آن را تشریح نمود و در شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم نیز جریان یافت حج نامیده شد، بدین جهت که هر کس بخواهد این عمل را انجام دهد قصد خانه خدا می کند. و کلمه «رجال» جمع «راجل - پیاده» است که در مقابل «راکب - سواره» است. و کلمه «ضامر» به معنای لاغری است که از زیاد راه رفتن لاغر شده باشد. و کلمه «فج عمیق» به طوری که گفته اند به معنای راه دور است.

«وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» - یعنی در میان مردم ندا کن که قصد خانه کنند و یا عمل حج را انجام دهند. این جمله عطف است بر جمله «لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا» و مخاطب آن ابراهیم علیه السلام است. و اینکه بعضی از مفسرین مخاطب آن را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند از سیاق آیات بعید است.

«يَا تُوكَ رَجَالًا...» - این جمله جواب امر است. یعنی در میان مردم اعلام کن که اگر اعلام کنی مردم چه پیاده و چه سوار بر اشتران لاغر از هر راه دور خواهند آمد. و لفظ «کل» در امثال این موارد معنای کثرت را افاده می کند، نه معنای استغراق و کلیت را.

«لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذُكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ...» لام بر سر جمله مورد بحث لام تعلیل، و یا لام غایت است. و این جار و مجرور متعلق است به جمله «یا توک» یعنی اگر اعلام کنی، می آیند به سوی تو برای اینکه منافع خود را مشاهده کنند. و بنا بر اینکه لام غایت

باشد معنی این می شود که: می آیند به سوی تو و منافع خود را مشاهده می کنند.

[ توضیحی در مورد منافع دنیوی و اخروی حج ]

در این جمله «منافع» مطلق ذکر شده، و نفرموده منافع دنیایی، و یا اخروی، چون منافع دو نوع است یکی دنیوی که در همین زندگی اجتماعی دنیا سود بخشیده، و زندگی آدمی را صفا می دهد و حوائج گوناگون او را بر آورده، نواقص مختلف آن را بر طرف می سازد، مانند تجارت، سیاست، امارت، تدبیر، و اقسام رسوم و آداب و سنن، و عادات، و انواع تعاون و یاریهای اجتماعی، و غیر آن.

و معلوم است که وقتی اقوام و امتهای مختلف از مناطق مختلف زمین با همه تفاوتها که در انساب و رنگ و سنن و آداب آنها هست در یک جا جمع شده، و با همدیگر آشنا شوند در حالیکه که کلمه همه واحده و آن کلمه حق است، و معبود همه یکی و او خدای عز و جل است، و و سمت و سوی توجه همه یکی و آن کعبه است، این اتحاد روحی آنها را به اتحاد جسمی، و این وحدت کلمه، آنان را به تشابه در عمل می کشاند. این از آن دیگری آنچه می پسندد می آموزد، و آن دیگری نیز خوبیهای این را می گیرد، و این به کمک آن می شتابد و در حل مشکلات آن قوم کمر می بندد و به اندازه مقدور خود به آنها یاری می دهد، در نتیجه جامعه های کوچک به جامعه ای بزرگ مبدل می شود، آن وقت نیروهای جزئی نیز به نیروی کلی مبدل می شود که کوه های بلند هم در مقابل آن توان مقاومت ندارند، و هیچ دشمن نیرومندی حریف آن نمی شود. (معلوم است که) هیچ راهی به سوی حل مشکلات مانند تعاضد و تعاون نیست، و هیچ راهی به سوی تعاون چون تفاهم نیست، و هیچ راهی به سوی تفاهم مانند تفاهم دینی نیست.

نوع دوم از منافع، منافع اخروی است که همان وجود اموری در جهت تقرب به سوی خدا است، اعم از قولی و عملی، که نمایانگر عبودیت انسان در پیشگاه اوست. و عمل حج با مناسکی که دارد انواع عبادتها و توجه به خدا را شامل و متضمن است، چون مشتمل است بر ترک تعدادی از لذایذ زندگی، و کارهای دنیایی، و گام نهادن در راه خدا با تحمل مشقتها، و

طواف پیرامون خانه او، و نماز و قربانی، و انفاق و روزه، و غیر آن.

در سابق هم گفتیم که عمل حج با ارکان و اجزایی که دارد یک دوره کامل مسیر ابراهیم خلیل علیه السلام در مراحل توحید، و نفی شرک، و اخلاص عبودیت او را مجسم می سازد.

به همین بیان روشن می شود که چرا فرمود: «در میان مردم حج را اعلام کن تا به سویت بیایند»، چون معنای آمدن مردم به سوی ابراهیم، این است که مردم به سوی خانه ای که او بنا کرده بیایند و آن را زیارت کنند. و آمدنشان مستلزم این است که این منافع اخروی و دنیوی را مشاهده کنند، و وقتی مشاهده کردند، علاقمند به آن خانه می شوند، چون خلقت انسان به گونه ای است که منفعت را دوست دارد. (۱)

ص: ۹۴

---

۱- (۱). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۶۹ و ۳۷۰..

(۳۶)

۷ - مشکاه الأنوار: عن عبد الله بن بكير قال: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعِيَ رَجُلَانِ، فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَأَتَى الْجُمُعَةَ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِيَّتِ الْجُمُعَةُ وَالْجَمَاعَةُ، وَاحْضَرِ الْجَنَازَةَ، وَعُمِدِ الْمَرِيضَ، وَأَقْضِ الْحُقُوقَ. ثُمَّ قَالَ: أَتَخَافُونَ أَنْ نُضِلَّكُمْ؟ لَا وَاللَّهِ لَا نُضِلُّكُمْ أَبَدًا (۱).

عبدالله بن بكير گوید: به همراه دو نفر به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، یکی از آنان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به نماز جمعه بروم؟ امام صادق علیه السلام پاسخ داد: به نماز جمعه و جماعت برو، و بر جنازه حاضر شو، و به عیادت بیمار برو، و حقوق را پرداز. سپس فرود آیا می ترسید گمراهتان کنیم، نه به خدا هیچگاه شما را گمراه نخواهیم کرد. (ظاهراً مراد نماز جمعه و جماعت و دیگر امور مربوط به اهل سنت است).

(۳۷)

۸ - مشکاه الأنوار: عن عُمَرَ بْنِ ابْنِ قَالٍ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ إِنَّكُمْ قَدْ نَسَبْتُمْ إِلَيْنَا، كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، مَا يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَكُونُوا مِثْلَ أَصْحَابِ عَلِيٍّ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - فِي النَّاسِ، وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لِيَكُونَ فِي الْقَبِيلَةِ فَيَكُونَ إِمَامَهُمْ وَمُؤَدِّنَهُمْ، وَصَاحِبَ أَمَانَتِهِمْ وَوَدَائِعِهِمْ. عُوذُوا مَرْضَاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَصَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَلَا

ص: ۹۵

۱- (۱). مشکاه الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۳۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۸، ص ۱۱۹ ذیل ح ۸۳ ..

يَسْبِقُكُمْ إِلَىٰ خَيْرٍ، فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ أَحَقُّ مِنْهُمْ بِهِ (۱).

عمر بن ابان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: ای شیعیان! همانا شما را از ما می دانند، زینت ما باشید، و عار و ننگ ما نباشید. چه مانعی دارد که شما همانند یاران علی علیه السلام در میان مردم باشید؟ اگر یکی از آنان در یک قبیله بود پیش نماز و اذان گو و نگاهدار امانتها و سپرده هایشان بود. از بیمارانشان دیدن کنید، و بر جنازه هایشان حاضر شوید، و در مساجدشان نماز گزارید؛ مبادا آنان در کار خیر بر شما سبقت گیرند. چرا که به خدا شما به کار خیر از آنان سزاوارترید.

(۳۸) ۹- کنز العمال: لَا تُكْفَرُوا أَهْلَ مِلَّتِكُمْ وَإِنْ عَمِلُوا الْكِبَائِرَ؛ وَصَلُّوا عَلَيَّ كُلِّ مَيِّتٍ؛ وَجَاهِدُوا مَعَ كُلِّ أَمِيرٍ (۲).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اهل دین خود را، اگر چه گناهان کبیره کنند، کافر نشمارید؛ و پشت سر هر امامی نماز گزارید؛ و بر هر مرده ای نماز بخوانید، و همراه هر فرمانروایی جهاد کنید.

(۳۹) ۱۰- کنز العمال: لَا تُكْفَرُوا أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقَبْلَةِ بِذَنْبٍ وَإِنْ عَمِلُوا الْكِبَائِرَ؛ وَصَلُّوا مَعَ كُلِّ إِمَامٍ؛ وَجَاهِدُوا مَعَ كُلِّ أَمِيرٍ (۳).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ یک از اهل قبله را به جهت گناه کردن کافر نشمارید اگر چه گناهان کبیره کنند، و با هر امامی نماز گزارید، و همراه هر فرمانروایی جهاد کنید.

ص: ۹۶

۱- (۱) . مشکاه الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۳۰۵..

۲- (۲) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۰۷۷..

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۰۷۸..

۱ - حق گرایی

(۴۰) ۱ - المحاسن: عن أبي عبد الله عليه السلام ، عن آبائه عليهم السلام قال: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله عن جماعة أمته، فقال: جماعة أمتي أهل الحق وإن قلوا (۱).

امام صادق علیه السلام از پدراناش نقل می کند که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در باره جماعت امتش سؤال شد. آن حضرت پاسخ داد: جماعت امت من طرفداران حق هستند هر چند اندک باشند.

(۴۱)

۲ - المحاسن: قيل لرسول الله صلى الله عليه وآله: ما جماعة أمتك؟ قال: من كان على الحق وإن كانوا عشرة (۲).

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند جماعت امت کیانند؟ فرمود: کسانی هستند که بر حقند هر چند ده نفر باشند.

(۴۲)

۳ - المحاسن: عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن القليل من المؤمنين كثير (۳).

از امام باقر علیه السلام روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اندک از مؤمنان زیاد بشمار آیند.

(۴۳)

۴ - فيض القدير: «الجماعة رحمة» أي لزوم جماعة المؤمنين موصول إلى الرحمة.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۴) ، «وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ» لِأَنَّهُ تَعَالَى جَمَعَ الْمُؤْمِنِينَ

ص: ۹۷

۱- (۱) . المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۳..

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۴..

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۵..

۴- (۴) . آل عمران: ۱۰۳..

عَلَى مَعْرِفِهِ وَاحِدِهِ وَشَرِيْعِهِ وَاحِدِهِ لِيَأْلَفَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا بِاللَّهِ وَفِي اللَّهِ فَيَكُونُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ عَلَى عَدُوِّهِمْ، فَمَنْ انْفَرَدَ عَنْ حِزْبِ الرَّحْمَنِ، انْفَرَدَ بِهِ الشَّيْطَانُ وَأَوْقَعَهُ فِيمَا يُؤَدِّيهِ إِلَى عَذَابِ النَّيرانِ.

قال العامري في شرح الشَّهاب: لَفْظُ الْجَمَاعَةِ يَنْصِرِفُ لَجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اجْتَمَعَ فِيهِمْ مِنْ جَمِيلِ خِصَالِ الْإِسْلَامِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، وَتَرَقَّى السَّابِقِينَ مِنْهُمْ إِلَى دَرَجَةِ الْإِحْسَانِ وَإِنْ قَلَّ عِدَدُهُمْ، حَتَّى لَوْ اجْتَمَعَ التَّقْوَى وَالْإِحْسَانُ - اللَّذَانِ مَعَهُمَا الرَّحْمَةُ - فِي وَاحِدٍ كَانَ هُوَ الْجَمَاعَةُ، فَالْرَّحْمَةُ فِي مُتَابَعَتِهِ، وَالْعَذَابُ فِي مُخَالَفَتِهِ (١).

□  
«الجماعه رحمه» يعنى همراهى با جمع مومنان انسان را به رحمت مى رساند، «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» همگى به ريسمان الهى چنگك زنيده و پراكنده نشويد. «و الفرقه عذاب»: تفرقه عذاب است، زيرا خداى متعال مؤمنان را بر يك شناخت و يك دين گرد آورده تا براى خدا و در راه خدا با هم همدل شوند و همه همچون يك تن در برابر دشمن باشند، پس كسى كه از حزب خداوند رحمان جدا شود، شيطان او را جدا و تنها مى سازد و به كارهاى او مى دارد كه سرانجامش عذاب آتش است.

عامري در شرح شهاب گوید: لفظ جماعت به معنای جماعت مسلمانان است، از این رو که همه خصلت های پسندیده اسلام و اخلاق ستوده در آنان جمع است و پیشقدمان آنان به رتبه احسان صعود کرده اند، (جماعت آنانند) هر چند شمارشان کم باشد حتی اگر تقوا و احسان - که رحمت همراه آن دو است - در یک نفر باشد، همو جماعت است و پیروی از او رحمت، و مخالفت با او عذاب را به همراه دارد.

(٤٤) ٥- معانى الأخبار: جاء رجلٌ إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال: أخبرني عن السنَّةِ والبدعِ،

ص: ٩٨

١- (١). فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ٣، ص ٤٥٦، ح ٢٣٢٤..

وَعَنِ الْجَمَاعَةِ وَعَنِ الْفُرْقَةِ؟ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْبِدْعَةُ مَا أُخْدِثَ مِنْ بَعْدِهِ، وَالْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا، وَالْفُرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَإِنْ كَانُوا كَثِيرًا (۱).

مردی به محضر امیرمؤمنان علیه السلام آمد و عرض کرد: مرا از سنت و بدعت و جماعت و فرقه آگاه ساز. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «سنت» هر آن چیزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را بنا نهاده، و «بدعت» چیزی است که پس از او (در دین) پدید آمده است، و «جماعت» طرفداران حق هستند هر چند اندک باشند، و «فرقه» طرفداران باطل اند گرچه فراوان باشند.

ص: ۹۹

---

۱- (۱). معانی الأخبار، ص ۱۵۵، ح ۳..

(۴۵) ۶- «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمه الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخواناً وكنتم على شفا حفرة من النار فأنقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون» (۱).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که در گذشته با هم دشمن بودید سپس شما را همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

(۴۶) ۷- مجمع الزوائد: عن عبد الله بن مسعود أنه قال: يا أيها الناس! عليكم بالطاعة والجماعة؛ فإنها جبل الله الذي أمر به. وإن ما تكرهون في الجماعة خير مما تحبون في الفرقة (۲).

عبدالله بن مسعود گفت: ای مردم! بر شما است فرمانبری و همراهی با جماعت (مسلمانان)؛ زیرا این همان ریسمان خداوند است که به چنگ زدن به آن فرمان داده است.

ناخوشی های شما در جماعت، بهتر از خوشی هایتان در تفرقه است.

(۴۷) ۸- كنز العمال: إن الله تعالى رضى لكم ثلاثاً، وكره لكم ثلاثاً: رضى لكم أن تعبدوه

ص: ۱۰۰

۱- (۱). آل عمران: ۱۰۳..

۲- (۲). مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۲..

وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، وَتَسْمَعُوا وَتَطِيعُوا لِمَنْ وَلَّى اللَّهُ أَمْرَكُمْ؛ وَكَرِهَ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: خداوند متعال سه کار را از شما دوست دارد و سه کار را خوش ندارد. او می پسندد که شما او را بپرستید و چیزی را شریک او نسازید، و همگی به ریسمان الهی چنگ زید و پراکنده نشوید، و از کسی که خداوند حکومت شما را به او سپرده بشنوید و فرمان برید. و خداوند بگو مگو و جدال با یکدیگر، و سؤال زیاد، و تباه کردن مال را برای شما نمی پسندد.

(۴۸)

۹ - مستدرک الوسائل: قَالَ - أمير المؤمنين عليه السلام - : وَعَلَيْكُمْ بِالْتَّمَسُّكِ بِحَبْلِ اللَّهِ وَعُزْوَتِهِ، وَكُونُوا مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالزَّمُوا عَهْدَ اللَّهِ وَمِيثَاقَهُ عَلَيْكُمْ، فَإِنَّ الْإِسْلَامَ يَدُ غَرِيبًا وَسَبِيْعُودُ غَرِيبًا، وَكُونُوا فِي أَهْلِ مَلَّتِكُمْ كَأَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُفْشُوا أَمْرَكُمْ إِلَى أَهْلِ أَوْ وَلَدٍ أَوْ حَمِيمٍ أَوْ قَرِيبٍ، فَإِنَّهُ دِينُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي أَوْجَبَ لَهُ التَّقِيَةَ لِأَوْلِيَائِهِ، فَيَقْتُلُكُمْ قَوْمُكُمْ... (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام به گروهی که تازه مسلمان شده بودند و قصد مراجعت به وطنشان داشتند فرمود: باید ریسمان خداو دستاویز او را محکم بگیرید، و از حزب خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم باشید، و به عهد و پیمانی که خداوند بر شما دارد وفادار بمانید، که اسلام در آغازش بی کس بود و باز بی کس خواهد شد. در میان اهل دین (سابق) خود مانند اصحاب کهف باشید و مبادا امر (اسلام) خود را برای خانواده یا فرزند یا دوست یا خویشاوندتان آشکار سازید که قومتان شما را بکشند. چرا که خداوند عز و جل تقیه در دین را برای دوستانش واجب ساخته است. (۳)

ص: ۱۰۱

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۰۲۴..

۲- (۲). مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۵۶، ح ۱۴۰۴۴؛ ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۶۹..

۳- (۳). ابتدای حدیث در مستدرک چنین است: الحسن بن أبی الحسن الدیلمی فی إرشاد القلوب، فی حدیث طویل عن سلمان الفارسی رحمه الله انه ذکر قدوم الجاثلیق من الروم - ومعه مائه من الاساقفه - بعد وفاه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الی المدینه وسؤالهم عن أبی بکر أشیاء تحیر فیها، ثم ذکر قدومهم علی علی علیه السلام و حلّه مشاکلهم وإسلامهم علی یده، وأمره برجعهم إلی وطنهم إلی أن قال علیه السلام «وعلیکم بالتمسک بحبل الله وعروته و...»..

(۴۹) ۱۰- تحف العقول: حُطِبَتْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي حُجَّةِ الْوَدَاعِ... أَيُّهَا النَّاسُ، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (۱) وَلَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالٌ أَخِيهِ إِلَّا عَنَ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ. أَلَا- هَلْ بَلَغْتُ؟ اللَّهُمَّ اشْهَدْ، فَلَا تَزِجُنَّ كُفْرًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ؛ فَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنِ اخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. أَلَا هَلْ بَلَغْتُ؟ اللَّهُمَّ اشْهَدْ. أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاحِدٌ، كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۲) وَلَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجمِيٌّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى. أَلَا هَلْ بَلَغْتُ؟ قَالُوا: نَعَمْ. قَالَ: فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ (۳).

سخنرانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حجه الوداع... ای مردم: مؤمنان با هم برادرند، و مال مسلمانی جز با رضایت او بر برادرش حلال نیست. هان! آیا رساندم؟ خداوندا گواه باش! از این پس باز کافر نشوید که گردن یکدیگر را بزنید، چرا که من در میان شما چیزی را باقی گذاشتم که اگر آن را محکم بگیرید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم را، هان! آیا رساندم؟ خداوندا گواه باش. ای مردم به راستی پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است.

همه شما از آدم هستید و آدم از خاک است. «به راستی گرامی ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست» و عرب بر عجم برتری ندارد جز با تقوا. هان! آیا رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: پس حاضر به غائب برساند.

ص: ۱۰۲

۱- (۱). حجرات: ۱۰..

۲- (۲). حجرات: ۱۳..

۳- (۳). تحف العقول، ص ۳۴..

□

۱۱ - بحار الأنوار: قال حذیفه ضمن حديثه: فَقَامَ [ رسول الله صلى الله عليه و آله ] وَهُوَ مَرْبُوطٌ حَتَّى قَعَدَ عَلَيَّ أَذُنِي مَرْقَاهِ فَحَمَدَ اللَّهُ وَأَثْنِي عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنْ أَمْرِ رَبِّي مَا النَّاسُ إِلَيْهِ صَائِرُونَ، وَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُكُمْ عَلَى الْحُجَّةِ الْوَاضِحَةِ لَيْلِهَا كَنْهَارُهَا، فَلَا تَخْتَلِفُوا مِنْ بَعْدِي كَمَا اخْتَلَفَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ. أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ لَا أُحِلُّ لَكُمْ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ الْقُرْآنُ، وَلَا أُحَرِّمُ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا حَرَّمَ الْقُرْآنُ، وَإِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا وَلَنْ تَزُولُوا: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي، هُمَا الْخَلِيفَتَانِ فِيكُمْ، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، فَأَسْأَلُكُمْ بِمَاذَا خَلَفْتُمُونِي فِيهِمَا؟ وَلَيْدَادَنْ يَوْمَ يَذِرُ رِجَالٌ عَنْ حَوْضِي كَمَا تَذَادُ الْعَرَبِيَّةُ مِنَ الْإِبِلِ، فَتَقُولُ رِجَالٌ أَنَا فُلَانٌ وَأَنَا فُلَانٌ، فَأَقُولُ أَمَا الْأَسْمَاءُ فَقَدْ عَرَفْتُ وَلَكِنَّكُمْ أَرْتَدِدْتُمْ مِنْ بَعْدِي، فَسُحِقًا لَكُمْ سُحِقًا! ثُمَّ نَزَلَ عَنِ الْمِثْبَرِ وَعَادَ إِلَيَّ حُجْرَتِهِ (۱).

حذیفه - در حدیث بسیار طولانی خود در باره موضوع جان‌شینی امیرمؤمنان علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سرش - به سبب بیماری - بسته بود برخاست و بر پایین ترین پله منبر نشست و خداوند را ستایش کرد و ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم! به راستی در آستانه رفتن از دنیا هستم که تقدیر الهی و سرنوشت همه است. و من برایتان برهانی روشن گذاشتم که نقطه تاریکی در آن نیست. با این حال پس از من اختلاف نکنید بدانگونه که بنی اسرائیل پیش از شما اختلاف کردند. ای مردم! همانا من برای شما جز آنچه را قرآن حلال کرده حلال نمی‌کنم و جز آنچه را قرآن حرام کرده حرام نمی‌کنم؛ و من در میان شما دو چیز گران‌بها باقی می‌گذارم که اگر به آن دو چنگ زبید به گمراهی و لغزش دچار نخواهید شد: کتاب خدا و خاندانم، اهل بیتم. آنها دو جانشین من در میان شما هستند و به یقین آن دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند و با هم هستند تا بر سر حوض نزد من بیایند. آنگاه من از شما خواهم پرسید که شما پس از من با آنها چگونه رفتار کردید. در آن روز کسانی را از حوض من می‌رانند همانسان که شتران نا آشنا را می‌رانند. آنان می‌گویند من فلانی هستم و من فلانی هستم، من در جواب می‌گویم نامهایتان را شناختم ولی شما پس از من دست از

دین

ص: ۱۰۳

کشیدید، از رحمت خدا دور باشید! از رحمت خدا دور باشید! سپس از منبر فرود آمد و به حجره خویش بازگشت.

(۵۱) ۱۲- کنز العمال: عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَعُوا: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي (۱).

جابر: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای مردم! من در میان شما چیزی باقی گذاردم که اگر به آن چنگ زنی گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم.

(۵۲) ۱۳- کنز العمال: عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ حَبْلُ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ (۲).

زید بن ثابت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من در میان شما دو یادگار باقی می گذارم: کتاب خدا ریسمانی که از آسمان به زمین کشیده شده، و خاندانم اهل بیتم. و به یقین آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند و با هم هستند تا بر سر حوض نزد من بیایند.

(۵۳) ۱۴- کنز العمال: عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضَعُوا بَعْدِي: أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابَ اللَّهِ حَبْلُ مَمْدُودٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا (۳).

زید بن ارقم گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من در میان شما چیزی باقی می گذارم که اگر به آن چنگ زنی گمراه نخواهید شد. یکی از آن دو بزرگتر از دیگری است، کتاب خدا ریسمانی که از آسمان به زمین کشیده شده، و خاندانم اهل بیتم. آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند و با هم هستند تا بر سر حوض نزد من بیایند؛ پس بنگرید که چگونه حرمت مرا در باره آنها پاس می دارید.

ص: ۱۰۴

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۸۷۰ ..

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۸۷۲ ..

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۸۷۳ ..

۱۵ - معانی الأخبار: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا وَجَدْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَالْعَمَلُ لَكُمْ بِهِ لَا عُذْرَ لَكُمْ فِي تَرْكِهِ، وَمَا لَمْ يَكُنْ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَتْ فِيهِ سُنَّةٌ مِنِّي فَلَا عُذْرَ لَكُمْ فِي تَرْكِ سُنَّتِي، وَمَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ سُنَّةٌ مِنِّي فَمَا قَالَ أَصْحَابِي فَقُولُوا بِهِ؛ فَإِنَّمَا مَثَلُ أَصْحَابِي فِيكُمْ كَمَثَلِ النُّجُومِ بِأَيِّهَا أَخَذَ اهْتَدَى، وَبِأَيِّ أَقْوَابِلِ أَصْحَابِي أَخَذْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ، وَاخْتِلَافُ أَصْحَابِي لَكُمْ رَحْمَةٌ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَصْحَابُكَ؟ قَالَ:

أَهْلُ بَيْتِي (۱).

امام جعفر صادق علیه السلام از پدراناش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که آن حضرت فرمود هر حکمی را که در کتاب خدا یافتید بکار گیرید و در ترک آن عذری ندارید، و هر آنچه حکمش در قرآن نبود ولی در سنت من بود در ترک سنتم عذری ندارید، و آنچه حکمش در سنت من نبود هر چه اصحابم گفتند شما نیز همان را بگویید، زیرا اصحاب من در میان شما همچون ستارگانند که هر یک راه را نشان می دهند؛ به هر یک از گفته های اصحاب عمل کنید هدایت می شوید، و اختلاف اصحاب برای شما رحمت است. از آن حضرت سؤال شد که اصحاب شما کیانند؟ فرمود: اهل بیت من.

۱۶ - الغارات: فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَشَيْبِ بْنِ رَبِيعٍ وَمَخْنَفِ بْنِ سَلِيمِ الْأَزْدِيِّ: مَه، تَنَاهَوْا أَيُّهَا النَّاسُ! وَلِيُذَعَّكُمْ الْإِسْلَامُ وَوَقَارُهُ عَنِ التَّبَاغِي وَالْتِهَادِي، وَلِتَجْتَمِعَ كَلِمَتُكُمْ، وَالزُّمُّوا دِينَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ غَيْرُهُ، وَكَلِمَةَ الْإِخْلَاصِ الَّتِي هِيَ قَوَامُ الدِّينِ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ. وَادْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا - مُشْرِكِينَ مُتَفَرِّقِينَ مُتَبَاغِضِينَ فَهَالَفَ بَيْنَكُمْ بِالْإِسْلَامِ، فَكَثُرْتُمْ وَاجْتَمَعْتُمْ وَتَحَابَبْتُمْ، فَلَا تَفَرَّقُوا بَعِيدَ إِذْ اجْتَمَعْتُمْ، وَلَا تَبَاغَضُوا بَعِيدَ إِذْ تَحَابَبْتُمْ. فَإِذَا انفصل الناس و كانت بينهم الثائرة، فتداعوا إلى العشائر والقبايل، فأقصة دوا لها مهمم ووجوههم بالسُّيوف، حتى يفزعوا إلى الله وكتابه وسنة نبيه. فأما تلك الحمية من خطوات الشيطان، فانتهوا عنها - لا أبا لكم - ففليحوا وتنجحوا (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام به شیب بن ربیع و مخنف بن سلیم الأزدی که در محضر او به بدگویی از قوم و قبیله یکدیگر پرداخته بودند فرمود: ای مردم! - از این سخنان - دست بردارید! باید

۱- (۱). معانی الاخبار، ص ۱۵۶..

۲- (۲). الغارات، ص ۲۷۲..

اسلام و وقارش شما را از ستم به یکدیگر، و بدزبانی و ناسزاگویی به هم باز دارد. باید همه یک صدا باشید، و به دین خدا که جز آن از هیچ کس پذیرفته نیست، و به کلمه اخلاص که ستون دین و حجت خدا بر کافران است، پایبند باشید. و به یاد آرید آن هنگام را که شمارتان اندک بود، مشرک و پراکنده و دشمن یکدیگر بودید، و خداوند به وسیله اسلام شما را همدل ساخت، آنگاه تعداد شما افزون شد و با هم متحد شدید و به یکدیگر مهر ورزیدید. اکنون پس از اتحادتان باز پراکنده نشوید! و پس از مهر ورزیتان به یکدیگر با هم دشمنی نکنید! هنگامی که دیدید مردم از هم جدا شدند و آتش درگیری در میان آنان روشن شد، و عشایر و قبایل را به یاری فرا خواندند، با سران و بزرگانشان بجنگید تا ناچار شوند به خدا و کتابش و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گردن نهند. و اما این تعصب - و حمایت بیجا از عشیره -، از فریبه‌های شیطانی است - بیچاره ها - از آن دست بر دارید تا رستگار و کامیاب شوید.

□ □

(۵۶) ۱۷- المحاسن: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي فِي اخْتِلَافِ أُمَّتِي، كَانَ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس در هنگامه اختلاف امت من سخت به سنت من پایبند باشد، پاداش صد شهید دارد.

(۵۷) ۱۸- نهج البلاغه: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْخَوَارِجِ: ... ثُمَّ أَنْتُمْ شَرَارُ النَّاسِ، وَمَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ، وَضَرَبَ بِهِ تَيْهَهُ. وَسَيَ يَهْلِكُ فِي صَبْنَفَانٍ: مُحِبٌّ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَمُبْغِضٌ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ. وَخَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمِطِ الْأَوْسَطِ فَالزُّمُوهُ، وَالزُّمُوهَا السَّوَادُ الْأَعْظَمُ؛ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ. وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ؛ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ. أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ. وَإِنَّمَا حُكْمُ الْحَكَمَانِ لِيُحْيِيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنَ، وَيُمِيتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنَ.

وَإِحْيَاؤُهُ لِاجْتِمَاعِ عَلَيْهِ، وَإِمَاتَتُهُ لِإِفْتِرَاقِ عَنْهُ؛ فَإِنْ جَرَّنا الْقُرْآنَ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ، وَإِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا. فَلَمْ آتِ - لَا أَبَا لَكُمْ - بُجْرًا، وَلَا خَتَلْتُمْ عَنْ أَمْرِكُمْ، وَلَا لَبَسْتُمْ عَلَيْكُمْ (۲).

امیرمؤمنان علیه السلام به خوارج فرمود: شما بدترین مردمید. شیطان شما را به پرتگاه هایش

ص: ۱۰۶

۱- (۱). المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۴۴..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸..

افکنده، و به وادی گمراهی کشانده است.

دو گروه به جهت من تباه خواهند شد: دوستدار زیاده روی که محبت او را به راه ناحق برد، و دشمن تند روی که کینه توزیش با من او را به راه نادرست کشاند. بهترین مردم نسبت به من میانه روان هستند. پیوسته با آنها باشید، و همراه با جماعت (حق مدار) باشید که دست خدا با جماعت است. از پراکندگی پرهیزید، که انسان تنها بهره شیطان است، آنگونه که گوسفند جدا مانده از رمه، طعمه گرگ است.

هان! هر کس مردم را به این شعار (لا حکم الا لله) (۱) فرا خواند او را بکشید، هر چند زیر عمامه من باشد.

همانا آن دو داور (ابوموسی و عمرو عاص) به داوری گمارده شدند تا آنچه را قرآن زنده کرده سازند و آنچه را قرآن میرانده بمیرانند؛ زنده کردن قرآن به جمع شدن گرد آن و گردن نهادن به حکم آن است، و میراندن قرآن جدایی از آن و سر بر تافتن از فرمان آن است؛ پس اگر قرآن ما را به اطاعت از آنان بخواند، آنان را پیروی کنیم؛ و اگر آنان را به سوی ما سوق دهد، از ما اطاعت کنند. ای ناکسان! من شما را گرفتار بلایی نکرده ام، و شما را در کارتان فریب نداده، و آن را بر شما مشتبّه نساخته ام.

(۵۸)

۱۹ - مستدرک الوسائل: وَعَيْنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: أُمَّتِي أُمَّتِي، إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ بَعْدِي وَصَارُوا فِرْقَةً فِرْقَةً، فَاجْتَهِدُوا فِي طَلَبِ الدِّينِ الْحَقِّ حَتَّى تَكُونُوا مَعَ أَهْلِ الْحَقِّ، فَإِنَّ الْمَعْصِيَةَ فِي دِينِ الْحَقِّ تُغْفَرُ، وَالطَّاعَةَ فِي دِينِ الْبَاطِلِ لَا تُقْبَلُ (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امت من! امت من! (۳) هنگامی که مردم پس از من اختلاف کردند و دسته دسته شدند، پس در دستیابی به دین حق تلاش کنید تا با حق گرایان باشید زیرا گناه در دین حق آمرزیده می شود، ولی بندگی خدا در دین باطل پذیرفته نمی شود.

ص: ۱۰۷

۱- (۱). این جمله شعار خوارج بود..

۲- (۲). جامع الأخبار، ص ۵۰۵، ح ۱۳۹۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۱۹۷، ح ۵۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۷۴..

۳- (۳). احتمال دارد معنی چنین باشد: (آیینم را، آیینم را - بگیرید)، با توجه به آنچه طبرسی در تفسیر آیه ۹۳ سوره انبیاء ذکر کرده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» أي هذا دينكم دين واحد. خصوصاً با در نظر گرفتن نسخه مستدرک الوسائل که در آن (واجتهدوا) آمده است..

(۵۹) ۲۰ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (۱).

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [ نیز ] اطاعت کنید پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [ کتاب ] خدا و [ سنت ] پیامبر [ او ] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است.

(۶۰) ۲۱- نهج البلاغه: قال أمير المؤمنين عليه السلام عند مسير أصحاب الجمل إلى البصرى: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ رَسُولًا هَادِيًا بِكِتَابٍ نَاطِقٍ وَأَمْرٍ قَائِمٍ، لَا يَهْلِكُ عَنْهُ إِلَّا هَالِكٌ. وَإِنَّ الْمُتَبَدِّعَاتِ الْمُسَبَّهَاتِ هُنَّ الْمُهْلِكَاتُ إِلَّا مَا حَفِظَ اللَّهُ مِنْهَا. وَإِنَّ فِي سُلْطَانِ اللَّهِ عِصْمَةً لِأَمْرِكُمْ؛ فَأَعْطُوهُ طَاعَتَكُمْ غَيْرَ مَلُومَةٍ وَلَا مُسْتَكْرَهٍ بِهَا. وَاللَّهُ لَتَفْعَلَنَّ أَوْ لَيَنْقَلَنَ اللَّهُ عَنْكُمْ سُلْطَانَ الْإِسْلَامِ، ثُمَّ لَا يَنْقُلُهُ إِلَيْكُمْ أَبَدًا حَتَّى يَرَارِزَ الْأَمْرَ إِلَى غَيْرِكُمْ. إِنَّ هَوْلًا قَدْ تَمَالَأُوا عَلَيَّ سَخَطِهِ إِمَارَتِي، وَسَأَصْبِرُ مَا لَيْمَ أَخْفَ عَلَيَّ جَمَاعَتِكُمْ. فَإِنَّهُمْ إِنْ تَمَمُوا عَلَيَّ فَيَالَهُ هَذَا الرَّأْيِ، انْقَطَعَ نِظَامُ الْمُسْلِمِينَ. وَإِنَّمَا طَلَبُوا هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَدًا لِمَنْ أَفَاءَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ، فَأَرَادُوا رَدَّ الْأُمُورِ عَلَيَّ أَدْبَارَهَا. وَلَكُمْ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَسِيرِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْقِيَامُ بِحَقِّهِ، وَالنَّعْشُ لِسُنَّتِهِ (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام وقت حرکت اصحاب جمل به سوی بصره فرمود: همانا خداوند

ص: ۱۰۸

۱- (۱). نساء: ۵۹ ..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۱ ..

پیامبری راهنما را با کتابی گویا و دستوری استوار برانگیخت که جز تبهکار با روی گردانی از آن تباه نگردد. به راستی آن بدعت های همزنک حقایق دینند که هلاک کننده اند، مگر خداوند - انسان را - از آنها حفظ فرماید. همانا تنها حکومت الهی نگهبان امور شماسست، پس با رغبت تمام و نه دغل کارانه و نه از روی اکراه به فرمانش گردن نهید، به خدا سوگند باید چنین کنید، و گر نه قطعاً خدا سلطنت اسلام را از شما می گیرد و دیگر هیچ گاه آن را به شما باز نمی گرداند و قدرت به دست دیگران می افتد.

همانا اینان - طلحه و زبیر و عایشه - به جهت نارضایتی از حکومت من به یکدیگر پیوسته اند، و من تا آنجا که برای حکومت (جامعه اسلامی) شما احساس خطر نکنم صبر خواهم کرد، زیرا آنان اگر اندیشه سست خود را پیش ببرند، سازمان حکومت اسلامی از هم می گسند. آنان به سبب حسد بر کسی که خداوند حکومت را به او برگردانده، در پی دنیا بر خاسته اند و می خواهند کار را به روال گذشته باز گردانند. حق شما بر ما این است که به کتاب خدا (قرآن) و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتار کنیم و حقتش را ادا نماییم و سنتش را بر پا داریم.

(۶۱)

۲۲ - کنز العمال: عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ خَرَجَ مِنَ الْجَمَاعَةِ فَيَدَّ شِبْرًا فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ حَتَّى يُرَاجِعَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ جَمَاعَةٍ فَإِنَّ مَوْتَهُ مَوْتَهُ جَاهِلِيَّةٍ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به اندازه یک و جب از گروه مسلمانان دور شود، ریسمان اسلام را از گردنش در آورده و از اسلام بیرون رفته است تا آنگاه که به جمعشان باز گردد. هر کس بمیرد بی آنکه رهبر اجتماعی (امامی) داشته باشد، مرگ او همانا مرگ جاهلیت است.

(۶۲)

۲۳ - کنز العمال: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ فَارَقَ الْمُسْلِمِينَ فَيَدَّ شِبْرًا فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ؛ وَمَنْ مَاتَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةُ الْجَاهِلِيَّةِ (۲)...

ابن عباس گوید: پیامبر فرمود: کسی که به اندازه یک و جب از مسلمانان جدا شود، رشته اسلام را از گردن خود در آورده است. و کسی که بمیرد و پیشوایی نداشته باشد، مرگش مرگ جاهلیت است...

ص: ۱۰۹

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۵..

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۷..

(۶۳) ۲۴- کنز العمال: عن ابن عمر، قال النبي صلى الله عليه وآله: مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ شَبْرًا أَخْرَجَ مِنْ عُنُقِهِ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ... وَمَنْ مَاتَ مِنْ غَيْرِ إِمَامٍ جَمَاعَةٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۱).

عبدالله بن عمر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که یک وجب از جمع مسلمانان فاصله بگیرد، رشته اسلام را از گردنش بیرون آورده است؛... و کسی که بدون پیشوا و رهبر اجتماعی بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است.

(۶۴) ۲۵- نهج البلاغه: قال علي عليه السلام: - وَقَدْ اسْتَشَارَهُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فِي الشَّخْصِ لِقِتَالِ الْفَرَسِ - : إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَكُنْ نَصِيرَةً وَلَا خِدْلَانَهُ بِكَثْرِهِ وَلَا قَلْبَهُ. وَهُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَظْهَرَهُ، وَجُنْدُهُ الَّذِي أَعِيدَهُ وَأَمِيدُهُ، حَتَّىٰ بَلَغَ مَا بَلَغَ وَطَلَعَ حَيْثُ طَلَعَ؛ وَنَحْنُ عَلَيٌّ مَوْعُودٌ مِنَ اللَّهِ، وَاللَّهُ مُنْجِزٌ وَعْدَهُ وَنَاصِرٌ جُنْدَهُ. وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ، يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ؛ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ وَذَهَبَ، ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحِذَائِهِ أَيْدَاءٌ. وَالْعَرَبُ الْيَوْمَ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا فَهُمْ كَثِيرُونَ بِالْإِسْلَامِ وَعَزِيزُونَ بِالْاجْتِمَاعِ. فَكُنْ قُطْبًا، وَاسْتَدِرِ الرَّحَى بِالْعَرَبِ، وَأَصْلِهِمْ دُونَكَ نَارَ الْحَرْبِ، فَإِنَّكَ إِنْ شَخَّصْتَ مِنْ هَذِهِ الْأَرْضِ انْتَقَصْتَ عَلَيْكَ الْعَرَبَ مِنْ أَطْرَافِهَا وَأَقْطَارِهَا، حَتَّىٰ يَكُونَ مَا تَدْعُ وَرَاءَكَ مِنَ الْعَوْرَاتِ أَهَمَّ إِلَيْكَ مِمَّا بَيْنَ يَدَيْكَ. إِنَّ الْأَعَاجِمَ إِنْ يَنْظُرُوا إِلَيْكَ عَدَاً يَقُولُوا هَذَا أَضِلُّ الْعَرَبَ، فَإِذَا قَطَعْتُمُوهُ اسْتَرْحْتُمْ، فَيَكُونُ ذَلِكَ أَشَدَّ لِكَلْبِهِمْ عَلَيْكَ وَطَمَعِهِمْ فِيكَ. فَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ مَسِيرِ الْقَوْمِ إِلَىٰ قِتَالِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ هُوَ أَكْرَهُ لِمَسِيرِهِمْ مِنْكَ، وَهُوَ أَقْدَرُ عَلَيَّ تَغْيِيرِ مَا يَكْرَهُ. وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ مِنْ عَدِهِمْ فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نُقَاتِلُ فِيهَا مَضَىٰ بِالْكَثْرَةِ، وَإِنَّمَا كُنَّا نُقَاتِلُ بِالنَّصْرِ وَالْمَعُونَةِ (۲).

امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب عمر هنگام مشورت وی در مورد جنگ با ایرانیان چنین فرمود: پیروزی و شکست این دین در گرو زیادی و کمی افراد نبوده است، و این دین خدا است که خود آن را پیروز ساخته و سپاه او است که آن را فراهم آورده و یاری داده تا این همه گسترش یافته و شعاعش فراگیر شده است، و ما چشم به راه وعده الهی - پیروزی - هستیم، و خدا به وعده خود وفا می کند و سپاهش را یاری می نماید. و زمامدار همچون رشته ای است

ص: ۱۱۰

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۳۸..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۹..

که مهره ها را گرد می آورد و به هم پیوند می دهد، اگر رشته پاره شود دانه ها پراکنده می شوند و هر یک به سویی می روند و دیگر هیچ گاه همه آنها جمع نخواهند شد. و امروزه عرب هر چند اندکند اما با اسلام زیادند و با همبستگی سربلندند، پس تو پایه و محور ثابت باش و به کمک عرب آسیای حکومت را بچرخان، و آنان را بدون حضور خودت به جنگ گسیل دار، زیرا اگر تو از این سرزمین - مرکز حکومت - بروی، عرب از هر سو بر تو می شورند به گونه ای که آثار زیانبار نبودنت در مرکز برایت بسی بزرگتر از سود حضورت در جبهه جنگ خواهد شد. عجم ها اگر فردا تو را ببینند می گویند این اصل و ریشه عرب است اگر آن را بکنید آسوده خواهید شد، و این امر سبب می شود که سخت تر به تو حمله کنند و در کشتنت حریص تر شوند، و اما آنچه در باره آمدن آن مردمان برای جنگ با مسلمانان گفתי همانا خداوند سبحان این آمدن آنان را بیشتر از تو خوش ندارد و او بر تغییر آنچه نمی پسندد توانا تر است، و اما آنچه در باره شمار آنان گفתי بدان که ما در گذشته با شمار فراوان نمی جنگیدیم، بلکه تنها با یاری خدا و کمک او می جنگیدیم.



۱- وسائل الشیعه: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي حَدِيثٍ - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سِتُّ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَنْ يَمِينِ اللَّهِ. فَقَالَ لَهُ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ: وَمَا هُنَّ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: يُحِبُّ الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ، وَيَكْرَهُ الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ لِأَخِيهِ مَا يَكْرَهُ لِأَعَزِّ أَهْلِهِ، وَيُنَاصِحُهُ الْوَلَايَةَ - إِلَى أَنْ قَالَ: - إِذَا كَانَ مِنْهُ يَتَلَكَّ الْمَنْزِلَةَ بَنَتْهُ هَمُّهُ، فَفَرَّحَ لِفَرَحِهِ إِنْ هُوَ فَرِحَ، وَحَزِنَ لِحُزْنِهِ إِنْ هُوَ حَزِنَ، وَإِنْ كَانَ عِنْدَهُ مَا يُفَرِّحُ عَنْهُ فَرَّجَ عَنْهُ، وَإِلَّا دَعَا لَهُ - إِلَى أَنْ قَالَ: - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنْ لِلَّهِ خَلْقًا عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ أَيْضُ مِنَ الثَّلْجِ، وَأَضْوَاءُ مِنَ الشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ، يَسْأَلُ السَّائِلُ مَا هُوَ لِأَهْلِهِ؟ فَيُقَالُ: هُوَ لِأَهْلِ الَّذِينَ تَحَابُّوا فِي جَلَالِ اللَّهِ (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شش ویژگی است که در هر کس باشد در پیشگاه خداوند عز و جل و در طرف راست او خواهد بود. ابن ابی یعفر از آن بزرگوار پرسید: فدایت شوم آنها چیست؟ فرمود: اینکه انسان مسلمان دوست بدارد برای برادرش آنچه را برای عزیزترین کسانش دوست می دارد؛ و انسان مسلمان خوش نداشته باشد برای برادرش آنچه را برای عزیزترین نزدیکانش خوش ندارد، و دوستیش با او راست و خالصانه باشد - تا آنجا که فرمود: - اگر نسبت به او چنین باشد اهتمامش وی را برانگیزد بگونه ای که اگر او شاد باشد انسان برای شادی او شاد می شود، و اگر غمزده باشد برای غمش اندوه می خورد، و اگر بتواند گره از مشکل او می گشاید و گرنه برایش دعا می کند - تا آنجا که فرمود: -

ص: ۱۱۳

۱- (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۴، ح ۱۶۰۹۳؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۹..

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند در پیشگاه خود در طرف راست عرش آفریدگانی دارد که صورتشان سفیدتر از برف و نورانی تر از خورشید نیمروز است؛ کسی می پرسد: اینان چه کسانی هستند؟ به او پاسخ می دهند اینان کسانی هستند که در پرتو جلال و عظمت خدا به یکدیگر مهر می ورزیدند.

□  
(۶۶) ۲- دعائم الإسلام: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: تَصَافِحُوا وَتَهَادُّوا؛ فَإِنَّ الْمُصَافِحَةَ تَزِيدُ فِي الْمَوَدَّةِ، وَالْهَدِيَّةُ تُذْهِبُ الْغِلَّ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با یکدیگر دست دهید؛ و به همدیگر هدیه دهید، که دست دادن بر دوستی می افزاید؛ و هدیه کینه را از میان می برد.

(۶۷) ۳- دعائم الإسلام: وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: يَا أَهْلَ الْقَرَابَةِ! تَرَاوَرُّوْا وَلَا تَتَحَاوَرُّوْا وَتَهَادُّوْا؛ فَإِنَّ الزِّيَارَةَ تَزِيدُ فِي الْمَوَدَّةِ، وَالْمَحَاوَرَةَ تُحْدِثُ الْقَطِيعَةَ، وَالْهَدِيَّةُ تُزِيلُ الشَّخْنَاءَ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای خویشاوندان! از همدیگر دیدن کنید و با هم بحث و بگو مگو نکنید، و به یکدیگر هدیه دهید که دیدنی بر دوستی می افزاید؛ و بحث و جدل سبب قطع پیوند می گردد؛ و هدیه کینه را می زداید.

□  
(۶۸) ۴- كنز العمال: عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ كَفَّ لِسَانَهُ عَنِ أَهْلِ الْقَبْلَةِ إِلَّا بِأَحْسَنِ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ (۳).

از هشام بن عروه نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند رحمت کند کسی را که در باره اهل قبله، جز به نیکوترین سخن که قادر است کلامی نگوید.

□  
(۶۹) ۵- مسند الشهاب: عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْمُؤْمِنُ إِلْفٌ مَأْلُوفٌ؛ وَلَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يَأْلَفُ؛ وَخَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمَّنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ (۴).

جابر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمن الفت گیر و الفت پذیر است و کسی که انس

ص: ۱۱۴

۱- (۱). دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۲۳۲..

۲- (۲). همان، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۱۲۳۳..

۳- (۳). كنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۱۰۷۹..

۴- (۴). مسند الشهاب، ج ۱، ص ۱۰۸..

نمی گیرد خیری در او نیست. خوب ترین مردم آن کس است که برای مردم سودمندتر باشد.

مؤمن کسی است که مردم او را بر مال و جانشان امین بدانند.

(۷۰)

۶ - تحف العقول: قال أمير المؤمنين عليه السلام: طوبى لمن يألف الناس ويألفونه على طاعة الله (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خوشا به حال کسی که او بر پایه اطاعت از خدا با مردم، و مردم با او انس می گیرند.

(۷۱)

۷ - امالی طوسی: عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: المؤمن غر كريم، والفاجر حب لئيم؛ وخير المؤمنين من كان مألفاً للمؤمنين، ولا خير فيمن لا يألف ولا يؤلف (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: مؤمن ساده دل و بزرگوار است و گنهکار فریبکار و پست است؛ بهترین مؤمنان کسی است که جایگاه الفت و انس مؤمنان باشد، و کسی که انس نمی گیرد و انس نمی پذیرد خیری ندارد.

(۷۲)

۸ - نهج البلاغه: قال أمير المؤمنين عليه السلام: قلوب الرجال وحشيئة، فمن تألفها أقبلت عليه (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دلهای مردان گریزان و فراری است، هر کس با آنها الفت گیرد و از آنها دلجویی کند به او رو می آروند.

(۷۳)

۹ - کافی: عن شعيب العرقوفی قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول لأصحابه: اتقوا الله وكونوا إخوة بررة، متحابين في الله، متواصلين، متراحمين، تزاوؤوا وتلاقوا وتداكروا وأمرنا وأخيوه (۴).

شعيب عرقوفی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام به یاران خویش می فرمود: از خدا پروا کنید و برادرانی نیکوکار باشید، برای خدا با همدیگر دوستی کنید، و با هم پیوند داشته باشید، و با یکدیگر مهربان باشید، به دیدن همدیگر بروید و در ملاقات با هم در باره امر ما گفتگو کنید و آن را زنده نگه دارید.

ص: ۱۱۵

- ١- (١) . تحف العقول، ص ٢١٧..
- ٢- (٢) . امالي طوسي، ص ٤٦٢، ح ١٠٣٠..
- ٣- (٣) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ١٤..
- ٤- (٤) . كافي، ج ٢، ص ١٧٥، ح ١..

(۷۴) ۱۰- کافی: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوْا وَتَرَاحَمُوا، وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَّةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: با هم پیوند داشته باشید و به یکدیگر خوبی کنید، و با هم مهربان باشید، و همانگونه که خداوند عزوجل به شما فرمان داده؛ برادرانی نیکوکار باشید.

(۷۵) ۱۱- کافی: عبد الله بن يحيى الكاهلي قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوْا وَتَرَاحَمُوا وَتَعَاطَفُوا (۲).

عبد الله بن يحيى کاهلی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: با هم پیوند داشته باشید، و به هم خوبی کنید، و به یکدیگر رحم کنید، و با همدیگر مهربان باشید.

(۷۶) ۱۲- وسائل الشیعه: عن أبي المأمون الحارثي قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا حَقُّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؟ قَالَ: إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوَدَّةَ لَهُ فِي صِدْرِهِ، وَالْمَوَاسَاةَ لَهُ فِي مَالِهِ، وَالْخَلْفَ لَهُ فِي أَهْلِهِ، وَالنُّصْرَةَ لَهُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ؛ وَإِنْ كَانَ نَافِلَةً فِي الْمُسْلِمِينَ وَكَانَ غَائِبًا أَخَذَ لَهُ بِنَصِيحَتِهِ؛ وَإِذَا مَاتَ الزَّيَارَةَ لَهُ إِلَى قَبْرِهِ، وَأَنْ لَا يَظْلِمَهُ، وَأَنْ لَا يَعْشَهُ، وَأَنْ لَا يَخُونَهُ، وَأَنْ لَا يَخْذُلَهُ، وَأَنْ لَا يَكْذِبَهُ، وَأَنْ لَا يَقُولَ لَهُ: أَفٌّ. وَإِذَا قَالَ لَهُ: أَفٌّ، فَلَيْسَ بَيْنَهُمَا وَلَايَةٌ؛ وَإِذَا قَالَ لَهُ: أَنْتَ عِدُوِّي، فَقَدْ كَفَرَا أَحَدُهُمَا؛ وَإِذَا اتَّهَمَهُ ائِمَّاتُ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمِثُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ (۳).

ابو المأمون حارثی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حق مؤمن بر مؤمن چیست؟ فرمود:

همانا حق مؤمن بر مؤمن این است که او را قلباً دوست بدارد، و مالش را در اختیار او قرار دهد، و در غیابش سرپرست خانواده اش باشد، و در برابر کسی که به او ستم می کند او را یاری دهد، و اگر به مسلمانان عطایی داده می شود و او حاضر نیست سهم او را برایش بگیرد، و پس از مردنش برای زیارت او به کنار قبرش برود، و به او ستم نکند، و او را فریب ندهد، و به او خیانت نکند، و او را بی یار و یاور نگذارد، و به او دروغ نگوید، و به او اف نگوید، و اگر به او

ص: ۱۱۶

۱- (۱). کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۲..

۲- (۲). همان، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۳..

۳- (۳). وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۷، ح ۱۶۱۰۰؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۷..

اف گوید میان آن دو دوستی نیست، و اگر بگویند: تو دشمن من هستی یکی از آن دو ناسپاسی کرده است، و هر گاه به او نسبت ناروا دهد ایمان از دل او زایل می شود همانگونه که نمک در آب ناپدید می شود.

(۷۷)

۱۳ - کافی: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يَحْتَقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْجَاهِدُ فِي التَّوَاصِلِ، وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ، وَالْمُؤَاسَاةَ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَتَعَاوُفَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ، حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (۱). مُتَرَاهِمِينَ، مُعْتَمِّينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ، عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: بر مسلمانان لازم است که برای ارتباط با یکدیگر تلاش کنند، و همدیگر را در عطوفت و رسیدگی به هم مدد رسانند، و نیازمندان را در آنچه دارند سهیم سازند، و با هم به عطوفت رفتار کنند تا همانگونه که خداوند عز و جل فرموده «با هم مهربانند» با هم مهربان باشید، و از بی خبری از وضع نیازمندان اندوهگین شوید؛ همانند روشی که جماعت انصار در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشتند.

(۷۸)

۱۴ - الخصال: عن مُدْرِكِ بْنِ الْهَزْهَازِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَدْرِكُ، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيَّ نَفْسِهِ، فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَتَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ (۳).

مدرک گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای مدرک! خدا رحمت کند کسی را که دوستی مردم را به سوی خود جلب کند؛ که آنچه را که درست و خوب می دانند برایشان بگوید و آنچه را ناروا می دانند وا نهد.

(۷۹)

۱۵ - مشكاة الأنوار: عن معاوية بن وهب قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف نصنع فيما بيننا وبين قومنا وفيما بيننا وبين خلطانا ممن ليس هو على إثرنا؟

قال: تنظروا أئمتكم الذين تقتدون بهم، فتصنعون كمثل ما يصنعون. فوالله إنهم ليعودون

ص: ۱۱۷

۱- (۱). فتح: ۲۹..

۲- (۲). کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۴..

۳- (۳). خصال، ص ۲۵، ح ۸۹..

مَرْضَاهُمْ، وَيَشْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ، وَيُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ (۱).

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: با خویشاوندان و همکارانمان - معاشرانمان - که راه و روش ما را ندارند - شیعه نیستند - چگونه رفتار کنیم؟

فرمود: به امامان خویش که پیروشان هستید بنگرید، و همانند آنان رفتار کنید. به خدا سوگند آنان به دیدن بیمارانشان می روند، و بر جنازه هایشان حاضر می شوند، و به نفع و ضررشان گواهی می دهند، و امانت را به آنان بر می گردانند.

(۸۰) ۱۶- مشکاه الأنوار: عن الكاظم، عن أبيه، عن جدّه عليهم السلام قال: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَخَذَ بِيَدِي جَدِّي، ثُمَّ قَالَ: يَا بَنِيَّ، أَفْعَلِ الْخَيْرَ إِلَى كُلِّ مَنْ طَلَبَهُ مِنْكَ، فَإِنْ كَانَ أَهْلُهُ فَقَدْ أَصِيبَتْ مَوْضِعَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بِمَوْضِعٍ كُنْتَ أَهْلُهُ، وَإِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَيَّ يَسَارِكَ فَأَعْتَدَرِ إِلَيْكَ فَأَقْبَلْ مِنْهُ (۲).

امام کاظم علیه السلام از پدرش و او از جدش روایت می کند که فرمود: علی بن الحسین علیهما السلام دو دست جدم را گرفت و گفت پسر من! به هر کس که از تو خوبی می خواهد خوبی کن، که اگر سزاوار آن باشد بجا خوبی کرده ای و اگر بجا نباشد تو شایسته آنی. اگر کسی در سمت راستت به تو ناسزا گفت سپس به سمت چپت رفت و پوزش خواست، از او بپذیر.

(۸۱) ۱۷- تحف العقول: قال الحسن بن علي العسكري عليهما السلام لشيعة: أوصيكم بتقوى الله، والورع في دينكم، والاجتهاد لله، وصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَيَّ مِنْ أَيْتَمَانِكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، وَطُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ، فَبِهِذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ، وَصَدَقَ فِي حَدِيثِهِ، وَأَدَّى الْأَمَانَةَ، وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ: هَذَا شَيْعِيٌّ فَيَسْرُنِي ذَلِكَ. اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَأَدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَحَسُنْ أَهْلُهُ، وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ. لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، وَتَطْهِيرٌ مِنْ

ص: ۱۱۸

۱- (۱). مشکاه الأنوار، ص ۱۳۴، ح ۳۰۷..

۲- (۲). همان، ص ۱۳۷، ح ۳۱۵؛ کافی، ج ۸، ص ۱۵۲، ح ۱۴۱..

اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ. أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ، وَذَكَرَ الْمَوْتِ، وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ. احْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ، وَأَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ، وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ (۱).

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان فرمود: شما را سفارش می‌کنم به پروای از خداوند عز و جل، و ورع در دینتان، و سخت کوشی در بندگی خداوند، و راستگویی، و برگرداندن امانت به امانت گذار، چه نیکوکار باشد چه بدکار، و سجده طولانی و خوشرفتاری با همسایه که اینها را محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. با جماعت آنان نماز گزارید، و در مراسم مردگان حاضر شوید، و به دیدن بیمارانشان بروید، و حقوق آنان را ادا نمائید. زیرا هر گاه فردی از شما در دین خود پروا کند، و راست بگوید، و امانت را برگرداند، و با مردم خوشرفتار باشد می‌گویند: این شیعه است؛ و این مرا شاد می‌سازد. از خدا پروا کنید، و - برای ما - زینت باشید و نه ننگ و عار. همه محبت‌ها را به سوی ما بکشید؛ و نگذارید هیچ ناروایی را به ما نسبت دهند، که به راستی هر چه از خوبی ما گفته شود، - بجا است و - ما شایسته آنیم، و هر بدی به ما نسبت داده شود - نادرست است و - ما چنین نیستیم. در کتاب خدا ما صاحب حقیق، و خویشاوند پیامبر خداییم، و خداوند ما را پاک کرده است، و غیر ما کسی به جز دروغگو ادعای آن را ندارد. زیاد به یاد خدا و به یاد مرگ باشید، و بسیار قرآن بخوانید، و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراوان درود فرستید که درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ده حسنه است. چیزهایی را که به شما سفارش کردم پاس دارید؛ شما را به خدا می‌سپارم و بر شما درود می‌فرستم.

ص: ۱۱۹



۱ - امالی طوسی: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: شَرَّ النَّاسِ مَنْ يُبْغِضُ الْمُؤْمِنِينَ وَتُبْغِضُهُ قُلُوبُهُمْ، الْمَشَاوِرَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ، الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْعَنْتَ؛ أَوْلِيكَ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ وَلَا يُزَكِّيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ تَلَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ \* وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (۱). (۲)

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: بدترین مردم آنانند که با مؤمنان دشمنی می کنند و کینه آنان را به دل می گیرند، خبر چینی می کنند، میان دوستان تفرقه می اندازند، و (با عیبجویی) در پی آزردن آنانند که عیبی بر آنان نیست. خداوند در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند، سپس تلاوت فرمود: «او است که با یاریش و به وسیله مومنان تو را کمک کرد و میان آنان دلبستگی پدید آورد».

۲ - بحار الأنوار: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَبَاغُضُوا وَلَا تَحَاسِدُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَقَاطَعُوا؛ وَكُونُوا - عِبَادَ اللَّهِ - إِخْوَانًا (۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با همدیگر دشمنی نکنید، و به هم حسد نوزید، و به یکدیگر پشت نکنید، و پیوندتان را با هم نگسلید؛ و ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید.

۱- (۱). انفال: ۶۲ و ۶۳..

۲- (۲). امالی طوسی، ص ۴۶۲، ح ۱۰۳۰..

۳- (۳). بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۸؛ القواعد والفوائد، ج ۲ ص ۱۶۰، قاعدة ۲۰۹..

(۸۴) ۳- مستدرک الوسائل: قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاطِعَ وَالتَّحَاسُدَ وَالتَّدَابُرَ، وَكُونُوا - عِبَادَ اللهِ - إِخْوَانًا؛ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخُو الْمُؤْمِنِ، لَا يَخُونُهُ، وَلَا يَخْدُلُهُ، وَلَا يَحْقِرُهُ، وَلَا يَقْبَلُ عَلَيْهِ قَوْلَ مُخَالِفٍ لَهُ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بر شما است که با هم ارتباط و به یکدیگر بخشش داشته باشید؛ و از بریدن از هم، و حسد ورزیدن به هم، و پشت کردن به یکدیگر پرهیزید؛ ای بندگان خدا با هم برادر باشید که مؤمن برادر مؤمن است، به او خیانت نمی کند، و او را بی کس و تنها رها نمی سازد، و او را کوچک و خوار نمی کند، و سخن مخالفش را که به ضرر او است نمی پذیرد.

(۸۵) ۴- مسند احمد: عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال: لا تقاطعوا ولا تباعدوا ولا تدابروا؛ وكونوا إخواناً كما أمركم الله (۲).

ابو هریره گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیوندتان را نگسلید، و با همدیگر دشمنی نکنید، و به هم حسد نوزید، و به یکدیگر پشت نکنید؛ و همانگونه که خدا به شما فرمان داده با یکدیگر برادر باشید.

(۸۶) ۵- مسند احمد: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عُمَرَ وَأَبُو نَعِيمٍ قَالَا حَدَّثَنَا... عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا يَبِيعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بَغْضًا، وَكُونُوا - عِبَادَ اللهِ - إِخْوَانًا. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ وَلَا يَخْدُلُهُ. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ. - قَالَ إِسْمَاعِيلُ فِي حَدِيثِهِ: - وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ. التَّقْوَى هَاهُنَا، التَّقْوَى هَاهُنَا - يُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثًا - . حَسْبُ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ (۳).

اسماعیل بن عمر و ابو نعیم از... از ابوهریره نقل کرده اند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در داد و ستد، با رقابت با یکدیگر، قیمت را بالا نبرید، و با هم دشمن نشوید، و به یکدیگر پشت نکنید، و به یکدیگر حسد نوزید، و روی معامله برادر خود معامله نکنید. و ای بندگان خدا! با یکدیگر برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی کند، و او را کوچک و

ص: ۱۲۲

۱- (۱). مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۹، ح ۱۰۱۶۸؛ به نقل از کتاب الأخلاق..

۲- (۲). مسند احمد، ج ۲، ص ۴۸۰..

۳- (۳). همان، ج ۲، ص ۳۶۰..

خوار نمی کند، و او را تنها و بی کس رها نمی سازد. هر مسلمانی خورش بر مسلمان حرام است. اسماعیل در حدیث خود گوید - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمود - و مال و آبرویش؛ و با سه بار اشاره به سینه خود فرمود: تقوا این جاست تقوا این جاست؛ برای بدی یک انسان همین بس که برادر مسلمانش را خوار کند.

(۸۷)

۶ - مجمع الزوائد: عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ هَذِهِ الْأَعْوَادُ أَوْ عَلَيَّ هَذَا الْمِئْبَرُ: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ، وَمَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. وَالتَّحَدُّثُ بِنِعْمَةِ اللَّهِ شُكْرٌ، وَتَزَكُّهَا كُفْرٌ. وَالْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ، وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ (۱).

نعمان بن بشیر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر روی این چوبها یا بر این منبر فرمود: آن کس که برای کم سپاسگزار نباشد برای زیاد هم سپاس نخواهد گزارد؛ و کسی که از مردم شکرگزاری نکند از خداوند عز و جل نیز شکرگزاری نخواهد کرد. بیان نعمت خداوند سپاسگزاری، و نگفتن آن ناسپاسی است. و با جمع و گروه بودن رحمت، و جدایی از همدیگر عذاب است.

(۸۸)

۷ - کتاب السنه: عَنْ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ، وَهُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ. وَمَنْ أَرَادَ بِحُبِّحَةِ الْجَنَّةِ فَعَلَيْهِ بِالْجَمَاعَةِ (۲).

عمر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: باید با جماعت باشید و مبادا از جمع جدا شوید، که شیطان با یک نفر است و از دو تا دورتر است. و هر کس وسط بهشت را می خواهد باید با جماعت باشد.

(۸۹)

۸ - السنن الكبرى: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: خَطَبْنَا عُمَرَ بِالْجَابِيَةِ، فَقَالَ: إِنِّي قُتِمْتُ فِيكُمْ كَمَقَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِينَا فَقَالَ: أَوْصِيكُمْ بِأَصْحَابِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَفْشُو الْكَذِبُ حَيْثُ يَخْلِفَ الرَّجُلُ وَلَا يَسْتَشْهَدُ. عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَهُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ. لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِأَمْرَاهُ - ثَلَاثَ مَرَارٍ - إِلَّا

ص: ۱۲۳

۱- (۱). مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۷..

۲- (۲). کتاب السنه، ص ۴۲، ح ۸۸..

كَانَ تَالِثَهُمَا شَيْطَانٌ. مَنْ أَرَادَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ. مَنْ سَرَّتَهُ حَسَنَتُهُ وَسَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ فَلْيَلِكَ الْمُؤْمِنُ (۱).

□  
عبد الله بن عمر گوید: عمر برای ما در جاییه سخنرانی کرد، و گفت: من در میان شما ایستاده ام همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان ما ایستاد، و فرمود: در باره یارانم و بعد کسانی که در پی آنان می آیند به شما سفارش می کنم، پس از آن دروغ رواج می یابد به آنگونه که شخص قسم می خورد بی آنکه از او بخواهند، و گواهی می دهد بی آنکه از او گواهی بخواهند. شما باید با جماعت باشید و از جدایی بپرهیزید، که شیطان به همراه یک نفر است، و از دو نفر دورتر است. هر گز مرد و زنی با یکدیگر خلوت نمی کنند - این را سه بار فرمود - مگر آنکه سومین آنان شیطان است. هر کس وسط بهشت را می خواهد باید با جماعت باشد. هر کس از کار خوب خود شاد و از کار بد خویش ناراحت شود همو مؤمن است.

□  
(۹۰) ۹- المعجم الكبير: رسول الله صلى الله عليه و آله : يَا هَوْلَاءِ أَبْهَذَا بُعِثْتُمْ أَمْ بِهَذَا أُمِرْتُمْ؟! لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ (۲).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به کسانی که در مورد بعضی آیات قرآن بگو مگو داشتند، فرمود: آیا به این امر بر انگیخته شده اید یا به آن فرمان یافته اید؟! هان آگاه باشید! پس از من باز کافر نشوید که گردن یکدیگر را بزنید!

(۹۱) ۱۰- نهج البلاغه: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ، وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عَقْدَهُ عَقْدَةً، وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ. فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَاغَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ. وَأَقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ، وَأَعْقِلُوا عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: همانا شیطان راه های خود (راه های انحراف) را بر شما هموار می کند، و می خواهد گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و به جای پیوستگی شما را پراکنده سازد. پس، از وسوسه ها و دمدمه های افسونگر او روی برتائید، و نصیحت آن کس را که خیرخواه شما است قبول کنید، و آن را با جان و دل بپذیرید.

ص: ۱۲۴

۱- (۱). السنن الكبرى، ج ۵، ص ۳۸۸، ح ۹۲۲۵..

۲- (۲). المعجم الكبير، ج ۶، ص ۳۷، ح ۵۴۴۲..

۳- (۳). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۵..

۱۱ - نهج البلاغه: ... وَاحْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالْأُمَّمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثَلَاتِ بِسُوءِ الْأَفْعَالِ وَذَمِيمِ الْأَعْمَالِ. فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ. وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ. فَمَاذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِيهِمْ فَالزُّمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَزَاوَتْ الْأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَمُيَدَّتِ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَلَيْهِمْ، وَأَنْقَادَتِ النُّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ، وَوَصَّيَلَتِ الْكِرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ، مِنْ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ، وَاللُّزُومِ لِلْأَلْفَةِ، وَالتَّحَاضُّ عَلَيْهِمَا وَالتَّوَاصِي بِهَا؛ وَاجْتَبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فَقَرَّتَهُمْ، وَأَوْهَنَ مَنَّتَهُمْ مِنْ تَضَاغِنِ الْقُلُوبِ، وَتَشَاخُنِ الصُّدُورِ، وَتَدَابُرِ النُّفُوسِ، وَتَخَاذُلِ الْأَيْدِي (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از کفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند بر امتهای پیشین فرو آمد، خود را حفظ کنید. نیک و بد احوالشان را به یاد آورید، و مراقب باشید همانند آنان نشوید. آنگاه که با تأمل در خوشبختی و بدبختی شان نگرستید، به کارهایی دل بندید که آنان را سربلند ساخت، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و زندگی بی گزند را برایشان ماندگار کرد، و برخورداری از نعمت و آسایش را برایشان فراهم نمود، و با بزرگواری چنان پیوندشان را استوار ساخت که از پراکندگی دوری گزیدند، و پایبند الفت شدند و یکدیگر را به آن ترغیب و سفارش کردند.

و از هر کاری که پشتشان را شکست و آنان را ناتوان ساخت، همچون کینه یکدیگر به دل گرفتن، با هم دشمنی کردن، از هم بریدن و دست از یاری یکدیگر کشیدن، پرهیزید.

(۹۳) ۱۲ - نهج البلاغه: ... وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَسُوءُ الضَّمَائِرِ، فَلَا تَوَازُرُونَ وَلَا تَنَاصِحُونَ، وَلَا تَبَادُلُونَ وَلَا تَوَادُّونَ... وَمَا يَمْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَقْبَلَ أَخَاهُ بِمَا يَخَافُ مِنْ عَيْهِ إِلَّا مَخَافَهُ أَنْ يَسْتَقْبَلَهُ بِمِثْلِهِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: همانا شما برادران دینی هستید، چیزی جز پلیدی نهادها و بدی نیتها شما را از هم جدانکرده است، نه یکدیگر را یاری می کنید و نه خیرخواه یکدیگرید و نه به همدیگر می بخشید و نه به هم مهر می ورزید... و چیزی شما را باز نمی دارد از آنکه عیب

ص: ۱۲۵

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۰..

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۲۲، خ ۱۱۳؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۲، خ ۱۱۳..

برادر - دینی - خود را که از آن می ترسد رو در رو به او بگوید مگر ترس از اینکه او هم چنین عیبی را - که در شماسه - رو در رو به شما بگوید.

(۹۴) ۱۳- بحار الأنوار: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اگر نادان خاموش می ماند، مردم اختلاف و درگیری پیدا نمی کردند.

(۹۵) ۱۴- نهج البلاغه: أَيُّهَا النَّاسُ! شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاهِ؛ وَعَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ؛ وَضَعُوا عَنْ تِيْجَانِ الْمُفَاخَرَةِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای مردم امواج فتنه ها را با کشتی های نجات بشکافید؛ و از راه مخالفت و دشمنی با یکدیگر برگردید؛ و تاج فخر فروشی و برتری جویی بر یکدیگر را از سر فرو نهد.

(۹۶) ۱۵- نهج البلاغه: أَلَا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ، وَتَلَمَّتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ ائْتَنَّا عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا كَنَفِهَا، بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً، لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَغْرَابًا، وَبَعْدَ التُّمُولِ الْأَحْزَابِ، مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِأَسْمِهِ، وَلَا تَعْرِفُونَ مِنَ الْإِيْمَانِ إِلَّا رَسْمَهُ، تَقُولُونَ: النَّارُ وَالْأَعْرَابُ؛ كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تُكْفُوا الْإِسْلَامَ عَلَى وَجْهِهِ، أَنْتَهَاكَ لِحَرِيمِهِ، وَتَقْضَى لِمِيثَاقِهِ الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ لَكُمْ حَرَمًا فِي أَرْضِهِ، وَأَمَّا بَيْنَ خَلْقِهِ (۳).

هان! همانا شما سر از فرمانبری برتافتید و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، در دژی خدایی که پیرامونتان بود رخنه انداختید، همانا خداوند سبحان با ایجاد رشته الفت میان جمع این امت - که در سایه آن زندگی کنند و در آغوش آن بیارمند - نعمتی به آنان بخشید که هیچ

ص: ۱۲۶

۱- (۱). بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۸۱ ح ۷۵؛ كشف الغممه، ج ۳، ص ۱۳۹..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۰..

۳- (۳). همان، ج ۲، ص ۱۵۴؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۹۲..

یک از آفریدگان ارزش آن را نداند، زیرا از هر بهایی برتر و از هر چیز گرانقدری والاتر است.

بدانید که پس از هجرت از جاهلیت به اسلام و ادب آموختن از شریعت، به خوی جاهلیت باز گشته اید؛ و پس از پیوند دوستی دسته دسته شده اید، به اسلام جز به اسم آن دل نبسته اید، و از ایمان جز آداب ظاهری آن را نمی شناسید. می گوید: به آتش می رویم و ننگ را نمی پذیریم، گویا می خواهید اسلام را واژگون کنید تا بتوانید پرده حریمش را بدرید، و پیمانی که خداوند آن را پناهگاه شما مسلمانان و سبب امنیت میان مردم قرار داده بشکنید.

(۹۷)

۱۶ - کافی: عن أبي الربيع الشَّامِي قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْبَيْتُ غَاصُّ بِأَهْلِهِ، فِيهِ الْخَرَّاسَانِيُّ وَالشَّامِيُّ وَمِنْ أَهْلِ الْآفَاقِ، فَلَمْ أَجِدْ مَوْضِعًا أَقْعُدُ فِيهِ؛ فَجَلَسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ مُتَّكِنًا، ثُمَّ قَالَ: يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ! اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ، وَمَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ صَحَبَهُ، وَمُخَالَفَهُ مَنْ خَالَفَهُ، وَمُرَافَقَهُ مَنْ رَافَقَهُ، وَمُجَاوِرَهُ مَنْ جَاوَرَهُ، وَمُمَالَحَهُ مَنْ مَالَحَهُ. يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ! اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ! وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۱).

ابو الربیع شامی گوید: به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم اتاق پر از جمعیت بود، در میان آنها خراسانی، شامی و مردمان دیگر مناطق بودند. جایی نیافتم بنشینم. امام صادق علیه السلام که تکیه داده بود راست نشست و فرمود: ای شیعیان آل محمد! آگاه باشید از ما نیست آن کس که هنگام خشم بر خود مسلط نباشد، و کسی که رفتار شایسته با همنشین خود نداشته باشد، و با کسی که با او خوش خلقی می کند خوش خلقی نکند، و با رفیق خود خوب رفاقت نکند، و با همسایه خود خوب همسایگی نکند، و حق همنمک خود را رعایت نکند. ای شیعه آل محمد! تا توان دارید از خدا پروا کنید! و جنبش و نیرویی جز از خداوند نیست.

(۹۸)

۱۷ - مشکاه الأنوار: عن علي بن يقطين قال قال أبو الحسن موسى عليه السلام: مَرُّ أَصْحَابِكَ أَنْ يَكْفُوا مِنْ أَلْسِنَتِهِمْ، وَيَدْعُوا الْخُصُومَةَ فِي الدِّينِ، وَيَجْتَهِدُوا فِي عِبَادَةِ اللَّهِ، وَإِذَا قَامَ أَحَدُهُمْ فِي صِيْلَةٍ فَرِيضَةٍ فَلْيُحْسِنْ صِيْلَتَهُ، وَلْيَتِمَّ رُكُوعَهُ وَسُجُودَهُ، وَلَا يَشْغَلْ قَلْبَهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا؛ فَإِنِّي

ص: ۱۲۷

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ مَلَكَ الْمَوْتِ يَتَصَفَّحُ وُجُوهَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عِنْدِ حُضُورِ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَاتِ (۱).

علی بن یقطین گوید: امام ابوالحسن موسی علیه السلام فرمود: به یاران خود فرمان ده که زبان خویش را نگاه دارند، و کشمکش در دین را رها کنند، و در عبادت خدا بکوشند. و هرگاه یکی از آنان به نماز واجبی پرداخت، باید نمازش را درست بجا آورد و رکوع و سجود آن را کامل کند، و در نماز دلش مشغول به کارهای دنیا نباشد که به راستی از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: همانا فرشته مرگ هنگامی که وقت نمازهای واجب می رسد با دقت به چهره های مؤمنان می نگرد.

ص: ۱۲۸

---

۱- (۱). مشکاه الأنوار، ص ۱۳۵..

۱ - «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۱).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا بر خود را به یاد آرید که شما را که در گذشته با هم دشمن بودید همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

۲ - دعائم الإسلام: عن علي بن الحسين عليهما السلام أنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إذا كان يوم القيامة... ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ: لِيُقَمَّ جِيرَانُ اللَّهِ فِي دَارِ السَّلَامِ. فَيَقُومُ فَنَامٌ مِنَ النَّاسِ، فَتَسْتَقْبِلُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُبَشِّرُونَهُمْ بِالْحَنَّةِ، وَيَقُولُونَ: مَا فَضَّلَكُمْ هَذَا الَّذِي جَاوَزْتُمْ بِهِ اللَّهُ فِي دَارِ السَّلَامِ؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا نَتَحَابُّ فِي اللَّهِ، وَنَتَرَاوَرُّ فِي اللَّهِ، وَنَتَوَاصَلُ فِي اللَّهِ، وَنَتَبَادَلُ فِي اللَّهِ. فَيُقَالُ لَهُمْ:

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ؛ فَأَنْتُمْ جِيرَانُ اللَّهِ فِي دَارِ السَّلَامِ (۲).

امام سجاد علیه السلام فرمود: که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: روز قیامت... سپس منادی ندا می کند:

آنانکه در دارالسلام در جوار خدایند برخیزند. پس گروهی از مردم بر می خیزند، فرشتگان به

۱- (۱). آل عمران: ۱۰۳..

۲- (۲). دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۱۲۲۶..

استقبال آنان می روند و آنان را به بهشت مژده می دهند؛ و می پرسند: چه امتیازی داشتید که به سبب آن در دارالسلام در جوار خدا قرار گرفتید؟ در جواب می گویند: ما برای خدا با هم دوستی می کردیم؛ و برای خدا به دیدن یکدیگر می رفتیم؛ و برای خدا با همدیگر پیوند داشتیم؛ و برای خدا به یکدیگر می بخشیدیم. پس به آنان گفته می شود: به بهشت در آید، که شما در جوار خدا در دارالسلام هستید.

(۱۰۱) ۳- الاستذکار: عن أبي إدريس الخولاني أنه قال: دَخَلْتُ مَسْجِدَ دِمَشْقَ فَإِذَا فَتَى شَابٌّ... فَسَأَلْتُ عَنْهُ، فَقِيلَ هَذَا مَعَاذُ نَبِيِّ جَبَلٍ... فَسَأَلْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ قُلْتُ: وَاللَّهِ لَأُحِبُّكَ لِلَّهِ... وَقَالَ أَبَشْرٌ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَجَبْتُ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ، وَالْمُتَجَالِسِينَ فِيَّ، وَالْمُتَزَاوِرِينَ فِيَّ، وَالْمُتَبَاذِلِينَ فِيَّ (۱).

ابو ادريس خولانی گوید:... وارد مسجد دمشق شدم در آنجا مرد جوانی را دیدم که...

پرسیدم کیست؟ گفتند معاذ بن جبل است... بر او سلام کردم سپس گفتم به خدا سوگند، ترا برای خدا دوست دارم و او... و گفت: ترا مژده باد که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود:

خداوند تبارک و تعالی فرمود: کسانی که به جهت من به یکدیگر دوستی می ورزند و با یکدیگر می نشینند و به دیدن همدیگر می روند و به یکدیگر می بخشند، محبت من به آنان قطعی و حتمی است.

(۱۰۲) ۴- الجامع الصغير: الجماعة بر که (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جماعت برکت است و خیر و خوبی فراوان دارد.

(۱۰۳) ۵- كشف الخفاء: أَلْبَرَكَةُ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْفُسْطَاطِ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برکت و خیر و خوبی فراوان با جماعت است. حتما با جمع - مسلمانان - باشید که دست لطف و حمایت خدا بر اجتماع و مجامع عمومی است.

ص: ۱۳۰

۱- (۱). الاستذکار، ج ۸، ص ۴۵۱؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۲۳۳..

۲- (۲). الجامع الصغير، ص ۲۲۰، ح ۳۶۲۳..

۳- (۳). كشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۸۹۷. و در ذیل حدیث در توضیح «فسطاط» آمده است که آن به معنای شهری است که در آن مردم گرد آیند..

۶ - مسند الشهاب: عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أنه قال على المنبر: الجماعة رحمة، والفرقة عذاب (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر بالای منبر فرمود: جماعت [سبب جلب] رحمت است و پراکندگی عذاب آور است.

۷ - مسند احمد: عن محمد بن جبير بن مطعم، عن أبيه قال: قام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بالخيف من مني، فقال: نَصَرَ اللَّهُ امْرَأً سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاها ثُمَّ أَدَاها إِلَيَّ مَنْ لَمْ يَسْمَعْها، فَرَبَّ حَامِلٍ فَفِيهِ لَا فِقْهَ لَهُ، وَرَبَّ حَامِلٍ فَفِيهِ إِلَيَّ مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ. ثَلَاثٌ لَا يَغُلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ، وَالنَّصِيحَةُ لِوَلِيِّ الْأَمْرِ، وَلِزُومِ الْجَمَاعَةِ؛ فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ تَكُونُ مِنْ وَرَائِهِ (۲).

جیبیر بن مطعم گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خیف منی به پا ایستاد و فرمود: خدا روسفید و سعادتمند کند کسی را که گفتار مرا بشنود و آن را به خاطر سپارد و سپس آن را به کسی که نشنیده برساند؛ چه بسا نقل کننده علمی که خود عالم نیست، و چه بسا نقل کننده علمی که آن را به عالمتر از خود می رساند. سه چیز است که دل مؤمن در آنها غل و غش ندارد: انجام کار فقط برای خدا، و خیر خواهی برای حاکم مسلمانان، و همراهی با جمع مسلمانان، که دعای آنان فراگیر او است.

۸ - نهج البلاغه: قال علي عليه السلام في خطبته القاصعة: فَمَا نَظُرُوا كَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتِ الْأُمَلَاءُ مُجْتَمِعَةً، وَالْأَهْوَاءُ مُؤْتَلِفَةً، وَالْقُلُوبُ مُغْتَدِلَةً، وَالْأَيْدِي مُتْرَادِفَةً، وَالشُّيُوفُ مُتَنَاصِرَةً، وَالْبَصَائِرُ نَافِذَةً، وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةً؛ أَلَمْ يَكُونُوا أَرْبَابًا فِي أَفْطَارِ الْأَرْضِينَ، وَمُلُوكًا عَلَى رِقَابِ الْعَالَمِينَ؟ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه قاصعه اش فرمود: پس بنگرید، آنگاه که جمعیتها با هم متحد، خواسته ها همساز، دلها هماهنگ، دستها پشتیبان هم، شمشیرها مددکار یکدیگر، بینشها ژرف و دقیق و اراده ها یکی بود آنان چگونه بودند! آیا آنان در آن حال فرمانروایان سراسر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی کردند؟!

۱- (۱). مسند الشهاب، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۵؛ الجامع الصغير، ص ۲۲۰، ح ۳۶۲۴..

۲- (۲). مسند احمد، ج ۴، ص ۸۰..

۳- (۳). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۲؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۹۲..

(۱۰۷) ۹- نهج البلاغه: ... فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أحوالَهُمْ ... فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالِهِمْ فَالزُّمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَزَاوَتْ الْأَعْيَادُ لَهُ عَنْهُمْ، وَوَدَّتِ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَلَيْهِمْ، وَانْقَادَتِ النُّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ، وَوَصَلَتِ الْكِرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُمْ، مِنْ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ، وَاللُّزُومِ لِلْأَلْفَةِ، وَالتَّحَاصُّ عَلَيْهِا، وَالتَّوَاصِي بِهَا (۱)...

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ... نیک و بد احوال امت‌های پیشین را به یاد آورید، ... آنگاه که با تامل در خوشبختی و بدبختی شان نگریستید، به کارهایی دل بندید که آنان را سربلند ساخت، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و زندگی بی گزند را برایشان ماندگار کرد، و برخورداری از نعمت و آسایش را برایشان فراهم نمود، و با بزرگواری چنان پیوندشان را استوار ساخت که از پراکندگی دوری گزیدند، و پایبند الفت شدند و یکدیگر را به آن ترغیب و سفارش کردند.

(۱۰۸) ۱۰- نهج البلاغه: ... فَأَنْظَرُوا إِلَىٰ مَوَاقِعِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ، وَجَمَعَ عَلَيَّ دَعْوَتِهِ أَلْفَتَهُمْ، كَيْفَ نَشَرَتِ النُّعْمَةُ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كِرَامَتِهَا، وَأَسَالَتْ لَهُمْ حِيَدَاوِلَ نَعِيمِهَا، وَالتَّتَفَّتِ الْمِلَّةُ بِهِمْ فِي عَوَائِدِ بَرَكَتِهَا؛ فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرِيقِينَ، وَعَنْ خُضْرِهِ عَيْشَتِهَا فَكَيْهِينَ؛ قَدْ تَرَبَّعَتِ الْأُمُورُ بِهِمْ فِي ظِلِّ سُلْطَانِ قَاهِرٍ، وَأَوْتَهُمُ الْحَالُ إِلَىٰ كَيْفِ عِزِّ غَالِبٍ، وَتَعَطَّفَتِ الْأُمُورُ عَلَيْهِمْ فِي دُرَىٰ مُلْكِكَ ثَابِتٍ. فَهُمْ حُكَّامٌ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَمُلُوكٌ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِينَ. يَمْلِكُونَ الْأُمُورَ عَلَيَّ مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا عَلَيْهِمْ؛ وَيُمْضُونَ الْأَحْكَامَ فِيمَنْ كَانَ يُمَضِّيهَا فِيهِمْ؛ لَا تُعَمَّرُ لَهُمْ قَنَاءٌ، وَلَا تُفْرَعُ لَهُمْ صَفَاءٌ... (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: حال به بزرگی و جایگاه نعمتهایی که خداوند با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان ارزانی داشت بنگرید، که چگونه - خداوند - با دین خود همه آنان را فرمانبر ساخت، و با دعوتش - به همبستگی - آنان را همدل و همداستان نمود. چگونه نعمت کرامت بال و پر خود را بر آنان گسترده، و جویبارهای رفاه و آسایش را برایشان روان ساخت، و آئین حق با برکاتش آنان را در بر گرفت. در نعمت دین غوطه ور گشتند، و از شادابی زندگی در سایه آن شادمان بودند، امور - دولت - آنان در سایه قدرتی چیره استوار گشت، و در آغوش عزتی

ص: ۱۳۲

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۱..

۲- (۲). همان، ج ۲، ص ۱۵۴..

پیروزمند آسودند، و در پناه حکومتی پایدار جریان امور بر وفق مرادشان گشت. اینان اکنون فرمانروایان جهانیان و پادشاهان سراسر زمینند، و بر فرمانروایان گذشته خود فرمانروایی می کنند، و بر کسانی حکم می رانند که پیشتر بر آنان حکم می رانند، کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را ندارد، و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند.

(۱۰۹)

۱۱ - نهج البلاغه: مِنْ وَصِيَّتِهِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَوْصَيْتُكُمْ وَجَمِيعَ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ، وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ، وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

«صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (۱).

از وصیتهای امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن و امام حسین علیهما السلام: شما دو تن و همه فرزندان و خاندانم و کسانی را که از نوشته من آگاه می شوند به پروای از خدا و نظم کارتان و سازگاریتان با همدیگر سفارش می کنم. چرا که از جدتان شنیدم می فرمود: سازگاری با همدیگر از هر نماز و روزه ای بهتر است.

(۱۱۰)

۱۲ - وقعه صفین: قَالَ نَصِيرٌ: ثُمَّ قَامَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ خَطِيبًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأُنْتَبِي عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِمَّا عَظَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ، وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِهِ مَا لَا يُحْصَى ذِكْرُهُ، وَلَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ، وَلَا يَبْلُغُهُ صِفَهُ وَلَا قَوْلٌ؛ وَنَحْنُ إِنَّمَا غَضَبْنَا لِلَّهِ وَلَكُمْ... فَإِنَّهُ لَمْ يَجْتَمِعْ قَوْمٌ قَطُّ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ إِلَّا اشْتَدَّ أَمْرُهُمْ، وَأَسْتَحْكَمَتْ عُقْدَتُهُمْ. فَاحْتَشِدُوا فِي قِتَالِ عَدُوِّكُمْ مُعَاوِيَةَ وَجُنُودِهِ فَإِنَّهُ قَدْ حَضَرَ، وَلَا تَخَازِلُوا؛ فَإِنَّ الْخِذْلَانَ يَقْطَعُ نِيَاطَ الْقُلُوبِ، وَإِنَّ الْإِقْدَامَ عَلَى الْأَسْبَتِ نَجْدَةٌ وَعِصْمَةٌ، لِأَنَّهُ لَمْ يَمْتَنِعْ قَوْمٌ قَطُّ إِلَّا رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْعِلَّةَ، وَكَفَاهُمْ جَوَائِحِ الدَّلَّةِ، وَهَدَاهُمْ إِلَى مَعَالِمِ الْمِلَّةِ.

وَالصُّلْحُ تَأْخُذُ مِنْهُ مَا رَضِيَتْ بِهِ وَالْحَرْبُ يَكْفِيكَ مِنْ أَنْفَاسِهَا جُرْعٌ (۲)

نصر بن مزاحم گوید: سپس حسن بن علی علیهما السلام برخاست و گفت: ستایش مخصوص

ص: ۱۳۳

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۶؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۲ ر ۴۷..

۲- (۲). وقعه صفین، ص ۱۱۳؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۴۰۳ - ۴۰۵.

خداست، خدایی جز او نیست و شریکی ندارد و ثنایش می گویم به آنچه او شایسته آن است.

سپس فرمود: حق بزرگی که خداوند بر شما دارد و نعمتهای فراوانی که به شما ارزانی داشته آن چنان است که نتوان آن را بر شمرد و شکر آن را گزارد، و به گفتار و وصف در نیاید، و ما فقط برای خدا که نافرمانی می شود - و برای شما - که حقتان پایمال می گردد - برآشفته و خشمناکیم... هیچگاه گروهی در کاری متحد نشده اند مگر آنکه کار آنان استوار و پیوندشان محکم گردیده است؛ پس در جنگ با دشمن خویش معاویه و سپاهش همه توان خود را بکار گیرید که او اکنون آمده است، و از همیاری و همکاری دست نکشید که بی کسی و بی یآوری بند دلها را می بُرد. و به راستی بر نیزه و شمشیر تاختن مایه فخر و مباهات و نگهدارنده از خطر دشمن است، زیرا که هیچ گروهی و ملتی جانانه ننجنگیده است مگر آنکه خداوند گرفتاری را از آنان بر داشته و فتنه ها و بلاهای خوار کننده را از ایشان دور ساخته و آنان را به نشانه های روشن دین هدایت نموده است. [آنگاه این شعر را خواند]:

از صلح هر چه می پسندی بر می گیری ولی دمی چند از جنگ برایت بس است

(۱۱۱) ۱۳- عده الداعی: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّمَا مُؤْمِنِينَ أَوْ ثَلَاثَةً اجْتَمَعُوا عِنْدَ أَخٍ لَهُمْ يَأْمُنُونَ بِوَأَيْقَهُ، وَلَا يَخَافُونَ غَوَائِلَهُ، وَيَزْجُونَ مَا عِنْدَهُ، إِنَّ دَعْوَا اللَّهِ أَجَابُهُمْ، وَإِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ، وَإِنْ اسْتَرَادُوا زَادَهُمْ، وَإِنْ سَكَّتُوا ابْتَدَأَهُمْ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: هر دو نفر مؤمن یا سه نفری که نزد برادری از خودشان که از شر او آسوده خاطرند و از بلا و بدی او نمی ترسند و امید به خیر او دارند جمع شوند، و خدا را بخوانند دعایشان را اجابت می کند، و اگر چیزی از او بخواهند به آنان عطا می کند، و اگر از او زیاده بخواهند به آنان می دهد، و اگر از خواسته خود دم فرو بندند خداوند بدون درخواست به آنان می بخشد.

ص: ۱۳۴

۱- (۱). عده الداعی، ص ۱۸۸؛ کافی، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۴۹، ح ۱۴، و ص ۳۵۵ ح ۳۵..

۱۴ - مشکاه الأنوار: عن زيد الشحام قال: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اصْبِرْ يَا زَيْدُ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ، فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ [فِيكَ] بِأَكْثَرٍ مِنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ، إِنَّ اللَّهَ يَذُودُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ عَمَّا يَكْرَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدَكُمْ الْجَمَلَ الْغَرِيبَ الَّذِي لَيْسَ لَهُ عَنِّ إِبِلُهُ. يَا زَيْدُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى الْإِسْلَامَ وَاخْتَارَهُ، فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ (۱).

زيد شحام می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود:

ای زید! بر آزار دشمنانت شکبیا باش! زیرا تو با کسی که نسبت به تو خدا را نافرمانی کرده برخوردی بالاتر از اطاعت خدا نخواهی داشت. همانا خداوند بنده مؤمنش را از ناراحتی ها دور می کند، همانگونه که انسان شتر غریبه ای را که مال او نیست از ربه شترش دور می کند.

ای زید! به راستی خدا اسلام را برگزید و انتخاب کرد، پس با بخشندگی و خوش خلقی برایش یار خوبی باشید.

ص: ۱۳۵

---

۱- (۱). مشکاه الأنوار، ص ۱۳۵، ح ۳۰۹؛ کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۴۱۱، ح ۲۶..



(۱۱۳)

۱ - «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَ بِكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَّرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (۱).

بگو او قادر است که عذابی از فراز سرتان یا از زیر پایتان بر شما بفرستد یا شما را دسته دسته کند و به برخی خشونت و عذاب برخی دیگر را بچشاند. بنگر چگونه آیات را گونه گونه بیان می کنیم، شاید بفهمند.

(۱۱۴)

۲ - تفسیر قمی: قَوْلُهُ «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَ بِكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» فَقَوْلُهُ «يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ» قَالَ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ؛ «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» قَالَ: السَّنْفَلَةُ وَمَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ؛ «أَوْ يَلْبَسَ بِكُمْ شَيْعًا» قَالَ: الْعَصَبِيَّةُ؛ «وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» قَالَ: سُوءُ الْجَوَارِ.

وَفِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ «وَهُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ» هُوَ: الدُّخَانُ (۲) وَالصَّيْحَةُ؛ «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» وَهُوَ الْخَسْفُ؛ «أَوْ يَلْبَسَ بِكُمْ شَيْعًا» وَهُوَ اخْتِلَافٌ فِي الدِّينِ، وَطَعْنٌ بَعْضِكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ؛ «وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» وَهُوَ أَنْ يُقْتَلَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؛ وَكُلُّ هَذَا فِي أَهْلِ الْقِبْلَةِ (۳).

خداوند متعال فرموده: «بگو او قادر است که عذابی را از بالا یا از زیر پایتان بر شما بفرستد

ص: ۱۳۷

۱- (۱). انعام: ۶۵ ..

۲- (۲). در بحار الأنوار «دجال» ذکر شده است..

۳- (۳). تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۹، ص ۲۰۵، ح ۶۹، و ج ۵۲، ص ۱۸۱ ح ۴. و در تفسیر تبيان، ج ۴، ص ۱۶۳ تا (سوء الجوار) از امام صادق علیه السلام روایت شده است..

یا شما را گروه گروه به هم اندازد و به برخی عذاب برخی را بچشاند» - امام باقر علیه السلام - فرمود:

منظور از «عذابی از بالا بر شما بفرستد» زمامدار ستمگر است و «یا از زیر پایتان» فرومایگان و کسانی که خیری در آنها نیست «یا شما را گروه گروه به هم اندازد» گروه گزافی طایفه گزایی «و به برخی عذاب برخی را بچشاند» بد همسایگی.

و در روایت ابو الجارود از امام باقر علیه السلام است که در تفسیر فرموده خدای متعال «بگو او قادر است که عذابی را از بالا بر شما بفرستد» فرمود: این عذاب دود و صیحه آسمانی است، «یا از زیر پایتان» آن فرو بردن به زمین است، «یا شما را گروه گروه به هم آمیزد» آن اختلاف و درگیری در دین و بدگویی از یکدیگر است، «و به برخی عذاب برخی را بچشاند» این است که یکدیگر را بکشند. و همه اینها در مورد مسلمانان و اهل قبله است.

(۱۱۵) ۳- جامع البیان: زید بنُ أسلم قال: لَمَا نَزَلَتْ: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ بِالسُّيُوفِ. فَقَالُوا: وَنَحْنُ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ بَعْضُ النَّاسِ: لَا يَكُونُ هَذَا أَبَدًا. فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «انظُرْ كَيْفَ نُصِرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ \* وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ \* لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۱). (۲)

زید بن اسلم گوید: هنگامی که آیه شریفه «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت ارجلکم أو یلبسکم شیعاً ویدیق بعضکم باس بعض» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پس از من دگر باره کافر نشوید که با شمشیر گردن یکدیگر را بزنید. عرض کردند: - ممکن است چنین شود - با آنکه ما گواهی می دهیم که جز خدای یگانه خدایی نیست و اینکه تو پیامبر خدا هستی؟ فرمود: آری. برخی از مردم گفتند: هر گز چنین نمی شود. در این هنگام خدا این آیات را فرو فرستاد «انظر کیف نصرف الآيات لعلهم يفقهون \* و كذب به قومك وهو الحق قل لست عليكم بوكيل لكل نبي مستقر و سوف تعلمون»: بنگر که چگونه

ص: ۱۳۸

۱- (۱). انعام: ۶۵ - ۶۷..

۲- (۲). جامع البیان، ج ۵، ص ۲۲۲، ح ۱۳۳۸۱..

آیات را گونه گون بیان می کنیم شاید بفهمند. قوم تو آن - عذاب - را دروغ شمردند با آنکه حق است، بگو من گمارده و نگهبان بر شما نیستم و برای هر خبر (و وعده و وعیدی) وقتی مقرر است و به زودی خواهید دانست.

(۱۱۶)

۴ - تفسیر مقاتل بن سلیمان: «قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم» یعنی الحصب بالحجاره كما فعل بقوم لوط، فلا یبقی منکم أحد، «أو من تحت أرجلکم»، یعنی الخسف كما فعل بقارون ومن معه، ثم قال: «أو یلبسکم شیعاً»، یعنی فرقاً حزاباً أهواءً مختلفه کفعلہ بالأمم الخالیه، «و یدیق بعضکم بأس بعض»، یقول: یقتل بعضکم بعضاً، فلا یبقی منکم أحد إلا قلیل.

فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم وهو یجر رداءه، وذلیک باللیل، وهو یقول: لئن أرسل الله علی أمتی عذاباً من فوقهم لیهلکنهم، أو من تحت أرجلهم، فلا یبقی منهم أحد، فقام صلی الله علیه و آله و سلم فصلى ودعا ربّه أن یشف ذلک عنهم، فأعطاه الله اثنتین: الحصب والخسف، کشفهما عن أمتیه؛ ومنعه اثنتین:

الفرقه والقلیل، فقال: أعوذ بعفوک من عقابکم، وأعوذ بمعافاتکم من غضبکم، وأعوذ بکم منکم، حیل وجهیک، لا أبلغ مدحتک والثناء علیک، أنت كما أثبت علی نفسک. قال: فجاءه جبریل علیه السلام، فقال: إن الله قد استجاب لک وکشف عن أمتک اثنتین ومنعوا اثنتین، «أنظر» یا محمد «کیف نصرّ الآيات»، یعنی العلامات فی أمور شتی من ألوان العذاب، «لعلهم»، یقول: لکی، «یفقهون» عن الله فیخافوه ویوحّدوه (۱).

«بگو او قادر است که عذابی را از بالا بر شما بفرستد» یعنی با بارش سنگ، همان کاری که با قوم لوط کرد، تا کسی از شما نماند «یا از زیر پایتان» یعنی فرو بردن در زمین همان کاری که با قارون و همراهانش کرد. سپس فرمود «یا شما را گروه گروه به هم اندازد» یعنی فرقه ها و گروه ها با آراء و خواسته های ناسازگار. کاری که با امتهای گذشته کرد «و به برخی خشونت و عذاب برخی را بچشانند» می فرماید یکدیگر را می کشند و از شما جز شمار اندکی به جا نمی مانند.

ص: ۱۳۹

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود (۱)، در حالی که ردایش را می کشید (۲)، و این پیش آمد شب هنگام بود، می فرمود: اگر خدا بر امت عذابی از بالای سرشان بفرستد تا آنها را هلاک کند یا از زیر پایشان عذاب بفرستد کسی از آنها نخواهد ماند... در این حال او به نماز ایستاد و از پروردگارش تقاضا کرد که آن عذابها را از آنان بردارد، و خداوند خواسته اش را در باره دو چیز که بارش سنگ و فرو بردن در زمین باشد پذیرفت و آن دو را از امتش برداشت، و بر داشتن دو عذاب دیگر را که چند دستگی و کشتار باشد از او دریغ نمود. آنگاه پیامبر - به پیشگاه خداوند - عرضه داشت: به عفو تو از عقابت پناه می برم، و از عصمت تو به گذشتت پناهنده می شوم، و از تو به خودت پناه می برم، جلالت و بزرگی از آن توست. مدح تو نتوانم کرد، و ثنای تو آنچنان است که تو خود را ثنا گفته ای.

- راوی - گوید در آن هنگام جبرئیل به محضر آن بزرگوار آمد و گفت: همانا خدا دعایت را اجابت کرد و از امت دو عذاب را برداشت، و رفع دو عذاب دیگر از آنان دریغ شد. «بنگر - ای محمد - چگونه آیات را گونه گون می آوریم» یعنی نشانه هایی که در عذابهای گوناگون و رنگارنگ است «شاید» یعنی برای این که «بفهمند» از خدا است و از او بترسند و تنها او را بپرستند.

(۱۱۷) ۵- تخريج الأحاديث والآثار: ابن عباس قال: لَمَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَيَّ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»، قَالَ: فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَتَوَضَّأَ ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ لَا تُرْسِلْ عَلَيَّ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ وَلَا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَلَا تَلْبِسْهُمْ شَيْعًا وَلَا تَذِقْ بَعْضَهُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»، قَالَ: فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ فَقَالَ: «يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَجَارَ أُمَّتَكَ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (۳).

ص: ۱۴۰

۱- (۱). با توجه به سیاق احتمالاً «فقال النبي» محرف «فقام النبي» است؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پا خاست و در حالی که ردایش را می کشید و شب هنگام بود می فرمود: ....

۲- (۲). تعبیر «و هو یجر رداءه» با توجه به موارد استعمال آن، کنایه است از حرکت همراه با عجله و یا ترس و یا خشم و یا خوشحالی و ... که شخص توجه و فرصت پوشیدن ردا به طور معمول را ندارد..

۳- (۳). تخريج الأحاديث والآثار، ج ۱، ص ۴۴۰، ح ۴۴۸؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۰۶۸؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۳۳..

ابن عباس گوید: همینکه این آیه نازل شد «بگو او قادر است که عذابی را از بالا یا از زیر پایتان بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد و به برخی عذاب برخی را بچشاند» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند شد و پس از آنکه وضو گرفت گفت: «بار الاهیها بر امت من نه از بالا- و نه از زیر پایشان عذاب نفرست، و آنان را گروه های در گیر با هم نساز، و به برخی عذاب برخی دیگر را نچشان». پس جبرئیل به نزد او آمد و گفت: «ای محمد! به راستی خداوند امتت را از فرستادن عذاب از بالا یا زیر پایشان در امان داشت».

(۱۱۸)

۶ - تخريج الأحاديث والآثار: عن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَبْعَثَ عَلَيَّ أُمَّتِي عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ، وَسَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنَعَنِي، وَأَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ أَنَّ فَنَاءَ أُمَّتِي بِالسَّيْفِ (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از خدا خواستم که امتم را از بالا و زیر پایشان عذاب نکند، این خواسته ام را پذیرفت؛ و از او خواستم که جنگ داخلی برایشان پیش نیاورد ولی آن را از من دریغ کرد، و جبرئیل به من خبر داد که نابودی امتم با شمشیر است.

(۱۱۹)

۷ - مجمع البيان: فِي تَفْسِيرِ الْكَلْبِيِّ: إِنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَتَوَضَّأَ وَأَسْبَغَ وَضُوءَهُ، ثُمَّ قَامَ وَصَلَّى فَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يَبْعَثَ عَلَيَّ أُمَّتِي عَذَابًا مِنْ

ص: ۱۴۱

۱- (۱). تخريج الأحاديث والآثار، ج ۱، ص ۴۴۰، ح ۴۴۸؛ تفسير ثعلبی، ج ۴، ص ۱۵۶؛ تفسير النسفی، ج ۱، ص ۳۲۶..

فَوْقِهِمْ، وَلَا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَا يَلْبَسُهُمْ شَيْعًا، وَلَا يُدِيقُ بَعْضُهُمْ بَأْسَ بَعْضٍ.

فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمِعَ مَقَالَتَكَ، إِنَّهُ قَدْ أَجَارَهُمْ مِنْ خَضِيعَتَيْنِ، وَلَمْ يُجِرْهُمْ مِنْ خَضِيعَتَيْنِ: أَجَارَهُمْ مِنْ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ، أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَلَمْ يُجِرْهُمْ مِنَ الْخَضِيعَتَيْنِ الْأُخْرَيَيْنِ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا جِبْرَائِيلُ! مَا بَقَاءُ أُمَّتِي مَعَ قَتْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا؟! فَقَامَ وَعَادَ إِلَى الدُّعَاءِ، فَنَزَلَ:

«الْم \* أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (١) الْآيَتَيْنِ. فَقَالَ: لَا بَيِّدٌ مِنْ فِتْنَةٍ تُبْتَلَى بِهَا الْأُمَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا، لِيَتَّبِعَنَّ الصَّادِقَ مِنَ الْكَاذِبِ، لِأَنَّ الْوَحْيَ انْقَطَعَ، وَبَقِيَ السَّيْفُ وَافْتِرَاقُ الْكَلِمَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (٢).

در تفسیر کلبی آمده است: آنگاه که این آیه «قل هو القاهر علی أن یبعث عذاباً...» فرود آمد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پا خاست و وضوی شادابی گرفت سپس به نماز ایستاد و نمازی نیکو گزارد پس از آن از خداوند سبحان درخواست کرد که عذابی از بالا یا از پایین بر امت او نفرستد و آنها را گروه های درگیر با هم نسازد و به برخی عذاب برخی را نچشانند.

در آن هنگام جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد خدای متعال دعایت را شنید، او امت را از دو بلا ننگه می دارد، و از دو بلا مصون نخواهد داشت: آنها را از عذاب از بالا و آسمانی و از عذاب زیر پایشان و زمینی حفظ می کند، و از دو بلای دیگر مصون نمی دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای جبرئیل! پس امت من با کشتار یکدیگر چگونه خواهند ماند؟! دگر باره برخاست و دست به دعا برداشت که این دو آیه شریفه فرود آمد: «الْم \* أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» آیا مردم پنداشتند همینکه گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمون قرار نمی گیرند؟ - پس از نزول این آیات - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری باید آزمونی باشد که امت پس از پیامبر خود با آن آزمایش گردد، تا راستگو از دروغگو باز شناخته شود؛ زیرا وحی پایان می گیرد ولی درگیری و شمشیر و پراکنندگی و اختلاف کلمه تا روز قیامت باقی می ماند.

(١٢٠) ٨- جامع البیان: عَنْ مُجَاهِدٍ: «أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا»: الْأَهْوَاءُ الْمُفْتَرِقَةُ (٣).

مجاهد می گوید: «أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا» یعنی آراء و عقاید مختلف.

(١٢١) ٩- جامع البیان: عَنِ السُّدِّيِّ: «أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا» قَالَ: يُفَرِّقُ بَيْنَكُمْ (٤).

سُدِّي در بیان «أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا» می گوید: میان شما تفرقه و جدایی اندازد.

(١٢٢) ١٠- جامع البیان: قَالَ ابْنُ زَيْدٍ فِي قَوْلِهِ: «أَوْ يَلْبِسُكُمْ شَيْعًا»، قَالَ: الَّذِي فِيهِ النَّاسُ الْيَوْمَ مِنَ الْإِخْتِلَافِ وَالْأَهْوَاءِ وَسَفْكَ دِمَائِهِمْ بَعْضِهِمْ بَعْضًا (٥).

١- (١) . عنكبوت: ١ و ٢ ..

٢- (٢) . مجمع البيان، ج ٤، ص ٨٤؛ بحار الأنوار، ج ٩، ص ٨٨ ..

٣- (٣) . جامع البيان، ج ٥، ص ٢١٨، ش ١٣٣٥٤ ..

٤- (٤) . همان، ج ٥، ص ٢١٨، ش ١٣٣٥٥ ..

٥- (٥) . همان، ج ٥، ص ٢١٩، ش ١٣٣٥٧ ..

ابن زید در باره فرموده ی خدای متعال «او یلبسکم شیعاً» می گوید: همین اختلاف و گرایشهای باطل و ریختن خون یکدیگر است که امروزه در میان مردم وجود دارد.

(۱۲۳)

۱۱ - جامع البیان: عن ابن عباس: «أو یلبسکم شیعاً» یعنی بالشَّیعِ الأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ. وَأَمَّا قَوْلُهُ: «ویدیق بعضکم بأس بعض» فَإِنَّهُ یَعْنِي: بِقَتْلِ بَعْضِكُمْ بِيَدِ بَعْضٍ (۱).

ابن عباس می گوید: مراد از شیع در «أو یلبسکم شیعاً» گرایشها و مسلک های مختلف است. و معنای «و یدیق بعضکم باس بعض» کشته شدن برخی به دست برخی دیگر است.

(۱۲۴)

۱۲ - تفسیر صافی: ... وَكَانَ مِنْ قَوْلِهِ فِي خُطْبَتِهِ بِمَنْبِيٍّ أَنْ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: ... أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الْمُسْلِمَ أَخَ الْمُسْلِمِ حَقًّا، وَلَا يَجِلُّ لِأَمْرِي مُسْلِمٌ دَمٌ أَوْ مَالٌ إِلَّا مَا أُعْطَاهُ بِطَبِيبِهِ نَفْسٍ مِنْهُ؛ وَإِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ فَإِذَا قَالُوا فَقَدْ عَصَيْتُمَا مَنِيَّ دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ، أَلَا فَهَلْ بَلَغَتْ أَيُّهَا النَّاسُ؟! قَالُوا نَعَمْ. قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ. ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ! احْفَظُوا قَوْلِي تَنْتَفِعُوا بِهِ بَعْدِي وَأَفْقَهُوهُ تَتَّبِعُوا؛ أَلَا - لا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ بِالسَّيْفِ عَلَى الدُّنْيَا، فَإِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ ذَلِكَ - وَاتَّقِعَلْنَ - لَتَجِدُونِي فِي كَتَبِهِ بَيْنَ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ أَضْرِبُ وُجُوهَكُمْ بِالسَّيْفِ. ثُمَّ التَفَّتْ عَنْ يَمِينِهِ وَسَكَتَ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ أَوْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (۲). ثُمَّ قَالَ: أَلَا وَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي أَهْلِ بَيْتِي صِلَاةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ فَإِنَّهُ قَدْ تَبَأْنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ أَلَا فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمَا فَقَدْ نَجَا، وَمَنْ خَالَفَهُمَا فَقَدْ هَلَكَ، أَلَا هَلْ بَلَغْتُ؟ قَالُوا نَعَمْ. قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ. ثُمَّ قَالَ أَلَا وَإِنَّهُ سَيَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ مِنْكُمْ رِجَالٌ يُعْرِفُونَ فَيُدْفَعُونَ عَنِّي، فَأَقُولُ: رَبِّ أَصْحَابِي! فَيُقَالُ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُمْ قَدْ أَحْدَثُوا بَعْدَكَ وَعَيَّرُوا سَيِّتَكَ. فَأَقُولُ: سُحْقًا سُحْقًا (۳).

بخشی از خطابه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در منی:..... هان ای مردم! به راستی مسلمان برادر مسلمان

ص: ۱۴۳

۱- (۱). جامع البیان، ج ۵، ص ۲۱۹، ش ۱۳۳۵۸..

۲- (۲). شیخ حرّ عاملی در کتاب الإیقاظ من الهجعه، ص ۳۳۰ حدیثی بدین مضمون آورده که فرمود: ... فی کتبه أضرب وجوهکم بالسيف ورقابکم. فقال جبرئیل: یا محمد! إن شاء الله أنت أو علی بن أبی طالب. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أو علی بن أبی طالب....

۳- (۳). تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۶۲..

است، خون و مال مسلمان بر مسلمان دیگر حلال نیست مگر مالی که خودش با رضایت بدهد. و من فرمان دارم که با مردم بجنگم تا لا اله الا الله بگویند. هر گاه آن را گفتند خونها و دارایی هایشان از سوی من مصون است - مگر به مقتضای حق - ، و حساب آنان با خداست.

هان ای مردم آیا رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: بار الها گواه باش. سپس فرمود: ای مردم! سخن مرا به خاطر سپارید که پس از من از آن بهره خواهید برد، و آن را خوب بفهمید تا سر بلند و آسوده زندگی کنید.

هان! پس از من باز کافر نشوید که بر سر دنیا گردن یکدیگر را بزنید. اگر چنین کنید - و حتماً خواهید کرد - مرا در سپاهی میان جبرئیل و میکائیل خواهید یافت که بر صورتهای شما شمشیر می زنم. سپس رو به سمت راست خود کرد و اندکی ساکت شد سپس فرمود: - اگر خدا بخواهد؛ یا علی بن ابی طالب [چنین خواهد کرد]. پس از آن فرمود: آگاه باشید! من در میان شما دو چیز را باقی گذاشته ام؛ اگر آن دو را محکم بگیریید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم - اهل بیتم - درودهای خداوند بر آنان، همانا خداوند لطیف و خبیر به من خبر داد که آن دو از یکدیگر جدا نمی شوند، و با هم بر سر حوض نزد من می آیند. بدانید کسی که خود را در پناه این دو بدارد به راستی نجات می یابد، و کسی که با این دو مخالفت کند نابود می شود. هان! آیا رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: بارالها گواه باش. سپس فرمود: آگاه باشید! گروهی از سرشناسان شما بر سر حوض نزد من می آیند ولی آنان را از من دور می کنند، من می گویم: پروردگارا! اصحابم!؟ به من گفته می شود: ای محمد! آنان پس از تو کارهای ناروا کردند و سنتت را دگرگون ساختند. من هم می گویم: از رحمت خدا دور باشید! از رحمت خدا دور باشید!

(۱۲۵) ۱۳- التمهید: عَنِ الْحَرِثِ (الْحَارِثِ) الْأَشْعَرِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ، يَعْمَلُ بِهِنَّ وَيَأْمُرُ بِنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَعْمَلُوا بِهِنَّ... فَجَمَعَ النَّاسُ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ حَيْثُ امْتَلَأَ وَقَعِيدَ النَّاسِ عَلَى الشُّرْفِ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ أَنْ أَعْمَلَ بِهِنَّ وَأَمُرُكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا بِهِنَّ: أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَإِنْ مَثَلَ مَنْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ كَمَثَلِ رَجُلٍ اشْتَرَى عَبْدًا مِنْ خَالِصِ مَالِهِ بَدَهَبٍ أَوْ وَرَقٍ، فَقَالَ هَذِهِ دَارِي وَهَذَا عَمَلِي، فَأَعْمَلَ وَأَدَّ

إِلَى؛ فَجَعَلَ الْعَبْدُ يَعْمَلُ وَيُؤَدِّي إِلَى غَيْرِ سَيِّدِهِ. فَأَيُّكُمْ يَسِيرُهُ أَنْ يَكُونَ عَبْدَهُ كَذَلِكَ؛ وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَكُمْ وَرَزَقَكُمْ فَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا.

□ □  
وَأَمْرُكُمْ بِالصَّلَاةِ، فَإِذَا صَلَّيْتُمْ فَلَا تَلْتَفِتُوا، فَإِنَّ اللَّهَ يَنْصُبُ وَجْهَهُ لِعَبِيدِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ فِي صِلَاتِهِ. وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَكُمْ بِالصَّيَامِ. وَإِنَّ مَثَلَ الصَّيَامِ كَمَثَلِ رَجُلٍ مَعَهُ صُرَّةٌ فِيهَا مِسْكٌ فِي عِصَابِهِ كُلُّهُمْ يُعْجِبُهُ أَنْ يَجِدَ رِيحَهَا؛ وَإِنَّ الصَّيَامَ عِنْدَ اللَّهِ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ.

□ □  
وَأَمْرُكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ وَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَمَثَلِ رَجُلٍ أَسِيرَهُ الْعِيدُ فَأَوْثَقُوهُ إِلَى عُنُقِهِ وَقَرَّبُوهُ لِيَضْرِبُوا عُنُقَهُ، فَقَالَ لَهُمْ: هَلْ لَكُمْ أَنْ أَفْدِيَ نَفْسِي مِنْكُمْ، فَجَعَلَ يُعْطِيهِمُ الْقَلِيلَ وَالكَثِيرَ حَتَّى فَدَى نَفْسَهُ مِنْهُمْ.

□ □  
وَأَمْرُكُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا؛ وَإِنَّ مَثَلَ ذَلِكَ كَرَجُلٍ أَصَابَهُ الْعِيدُ سِرَاعًا فِي إِثْرِهِ حَتَّى أَتَى عَلَى حِصْنٍ حَصِينٍ فَأَحْرَزَ نَفْسَهُ فِيهِ؛ وَكَذَلِكَ الْعَبْدُ لَا يُحْرَزُ نَفْسَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ.

□ □  
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَأَنَا أَمْرُكُمْ بِخَمْسٍ أَمَرَنِي اللَّهُ بِهِنَّ: الْجَمَاعَةُ، وَالسَّمْعُ، وَالطَّاعَةُ، وَالهِجْرَةُ وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَمَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ شِبْرٍ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَّا أَنْ يَرْجِعَ؛ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مِنْ حَتَاءِ جَهَنَّمَ.

قَالَ رَجُلٌ: وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى؟

□ □  
قَالَ: وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى؛ أَدْعُوا بِدَعْوَى اللَّهِ الَّتِي سَمَّاكُمْ الْمُؤْمِنِينَ، عِبَادَ اللَّهِ! (١).

حارث (حارث) اشعري گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود خدا یحیی بن زکریا را به پنج چیز فرمان داد که به آنها عمل کند، و به بنی اسرائیل دستور دهد که به آنها عمل کنند... آنگاه یحیی مردم را در بیت المقدس گرد آورد، و آنجا آنچنان پر شد که مردم روی کنگره ها نشستند.

سپس گفت: به راستی خدا مرا به پنج چیز فرمان داده که به آنها عمل کنم، و به شما دستور دهم که به آنها عمل کنید: یکی آنکه خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او نسازید. کسی که شریک برای خدا قرار می دهد مانند کسی است که برده ای را به زریا سیم از مال خالص خودش می خرد، و به او می گوید: این خانه من است و این هم کار من. کار کن و در آمد آن را به

ص: ۱۴۵

۱- (۱). التمهید، ج ۲۱، ص ۲۷۹؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۸۲، ح ۱۵۳۴ با کمی اختلاف؛ مسند ابی یعلی موصلی، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۵۷۲..

من بنده. اما بنده کار کند و حاصل آن را به غیر مالک خود بپردازد، کدام یک از شما می پسندد که بنده اش چنین باشد؟ همانا خداوند شما را آفریده، و به شما روزی داده است، پس چیزی را شریک او نسازید.

و اینکه شما را به نماز فرمان دهم؛ هنگامی که نماز می خوانید به چیزی جز نماز توجه نکنید؛ زیرا تا زمانی که بنده حضور قلب دارد خداوند به او توجه دارد.

خدا شما را به روزه فرمان داده است؛ مثل روزه مثل مردی است که در میان یک جمع همیانی دارد که در آن مشک است که همه آنها دوست دارند آن را بیوند.

و شما را به صدقه فرمان می دهم؛ کسی که صدقه می دهد بسان مردی است که او را اسیر کرده و دستهایش را به گردش بسته اند، و او را آورده اند که گردش را بزنند؛ و او در این حال می گوید: آیا می پذیرید که خودم را با دادن فدا آزاد کنم؟ و شروع کند هر چه دارد، از ریز و درشت، به آنها بدهد تا خود را با دادن فدا آزاد کند.

شما را فرمان می دهم به این که زیاد به یاد خدا باشید. کسی که به یاد خدا باشد همانند مردی است که دشمن شتابان در پی او است - و او گریزان - تا اینکه به دژ محکمی می رسد، و جان خود را در پناه آن حفظ می کند؛ همچنین بنده نیز نمی تواند جز با ذکر خدا خود را حفظ کند.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من نیز شما را به پنج چیز فرمان می دهم که خدا به من فرمان داده است: جماعت، و پذیرش، و فرمانبری، و هجرت، و جهاد در راه خدا. کسی که به اندازه یک وجب از جمع مسلمانان دور شود رشته اسلام را از سر خود گشوده است، مگر آنکه برگردد.

کسی که به کارهای جاهلیت - مانند زنده کردن تعصبات قبیله ای - فرا خواند، همانا از توده جهنمیان است. مردی پرسید هر چند نماز گزارد و روزه بگیرد؟ فرمود هر چند نماز بگزارد و روزه بگیرد. ای بندگان خدا! به چیزی فراخوانید که خدا به آن فرا خوانده، خدایی که شما را مؤمنان نامیده است.

(۱۲۶) ۱۴- کنز العمال: عن ابن عمرو: إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِاخْتِلَافِهِمْ فِي الْكِتَابِ (۱).

ص: ۱۴۶

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۹۱۲.

ابن عمرو گوید: که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امتهای پیشین تنها به سبب این که در کتاب دینی خود اختلاف کردند نابود شدند.

(۱۲۷)

۱۵ - کنز العمال: عن سعد: أَدَهَبْتُمْ مِنْ عِنْدِي جَمِيعاً وَجِئْتُمْ مُتَفَرِّقِينَ؟! إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْفُرْقَةَ (۱).

سعد گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از نزد من دستجمعی رفتید و پراکنده آمدید. امتهای پیش از شما را تنها تفرقه نابود کرد.

(۱۲۸)

۱۶ - کنز العمال: عن ابن مسعود: إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْإِخْتِلَافُ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تنها اختلاف بود که مردمان پیش از شما را نابود کرد.

(۱۲۹)

۱۷ - کنز العمال: عن عُمر: مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُهَا عَلَيَّ أَهْلٌ حَقُّهَا (۳).

عمر گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هیچ امتی پس از پیامبر خود اختلاف پیدا نکردند

ص: ۱۴۷

---

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۹۲۰.

۲- (۲). همان، ص ۱۹۲، ح ۹۷۱.

۳- (۳). همان، ص ۱۸۳، ح ۹۲۹.

مگر آنکه باطل گرایان آن امت بر حق گرایانش پیروز شدند.

(۱۳۰)

۱۸ - کنز العمال: عن النبي صلى الله عليه وآله: يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ؛ فَإِذَا اشْتَدَّ الشَّادُّ مِنْهُمْ اخْتَطَفَهُ الشَّيْطَانُ كَمَا يَخْتَطِفُ الذُّبُّ الشَّاهَ الشَّادَّةَ مِنَ الْغَنَمِ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دست [لطف و کمک] خدا بر سر جماعت (۲) است. پس هر گاه کسی از جمع جدا و تنها شود شیطان او را می رباید چنانکه گرگ گوسفند جدا و دور مانده از گله را می رباید.

(۱۳۱) ۱۹- العهود المحمدية: روى أبو داود وغيره مرفوعاً: عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّبُّ مِنَ الْغَنَمِ الْقَاصِيَةَ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: باید همراه جماعت باشید که گرگ فقط گوسفند جدا و دور مانده از گله را می خورد.

(۱۳۲) ۲۰- کنز العمال: عن الحارث بن الحارث الأشعري قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرْكُمْ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ: عَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَالْهَجْرَةِ (۴)؛ فَمَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ قَوْسٍ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاةٌ وَلَا صِيَامًا، وَأَوْلَيْتُكَ هُمْ وَقُودَ النَّارِ (۵).

حارث بن حارث اشعری گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند عز و جل به من فرمود که شما را به پنج کار فرمان دهم: بر شما است جهاد و پذیرش و فرمانبری و هجرت؛ پس هر کس از جماعت (گروه و جمع مسلمانان) به اندازه کماتی دور شود، خداوند نماز و روزه ای را از او نمی پذیرد، و چنین افرادی سوختِ دوزخند.

(۱۳۳) ۲۱- کنز العمال: عَنْ معاوية: مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا دَخَلَ النَّارَ (۶).

معاویه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: هر کس از جماعت (گروه مسلمانان) به اندازه یک و جب دور شود وارد آتش می شود.

ص: ۱۴۸

۱- (۱). همان، ص ۲۰۷ - ۲۰۶، ح ۱۰۳۲..

۲- (۲). روشن است که در جمعیت، باید گرایش به حق منظور شود، و گرنه جمعیت فراوان به تنهایی کارساز نیست. روایت شده که شخصی به حضور امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از مفهوم «سنت»، «بدعت»، و «جماعت» و «فرقه» سؤال کرد. حضرت فرمود: سنت آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرسوم کرده است، و بدعت آن چیزی است که بعد از آن حضرت حادث شده است، و منظور از جماعت اهل و طرفداران حق اند اگرچه اندک باشند، و فرقه طرفداران باطل اند اگرچه زیاد باشند. (الجماعه أهل الحق وإن كانوا قليلاً والفرقه أهل الباطل وإن كانوا كثيراً) «معانی الاخبار: ۱۵۴ - ۱۵۵». از این رو می بینیم که در فیض القمیدر نیز جماعت را انصراف داده به گروهی که از فسق و گناه دور بوده و محسن باشند، اگرچه عدد

آنها کم باشد..

۳- (۳) . العهود المحمدیه، ص ۶۸۷، این روایت را زیر عنوان «النهی عن التهاون بصلاه الجماعه» آورده است..

۴- (۴) . به قرینه جمله بعد ظاهراً مورد پنجم (والجماعه) است، همانگونه که در مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۳۹۱ ح ۹۰۹۴ هم آمده است..

۵- (۵) . کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۶۶۵..

۶- (۶) . همان، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۳۹..

۲۲ - کنز العمال: مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا، فَارَقَ الْإِسْلَامَ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: آن کس که از جماعت (جمع مسلمانان) جدا شود از اسلام جدا شده است.

(۱۳۵)

۲۳ - المعجم الكبير: عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ شَقَّ عَصَا (۲) الْمُشْلِمِينَ - وَالْمُسْلِمُونَ فِي إِسْلَامٍ دَامَجٍ - فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ (۳).

ابن عباس گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس اتحاد و یکپارچگی اسلامی مسلمانان را که در گستره اسلام گرد آمده اند بر هم زند، رشته اسلام را از گردن خود گشوده است.

(۱۳۶)

۲۴ - المصنف: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ وَخَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ فَمَاتَ، فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ. وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي بِسَيِّئَةٍ فَيَضْرِبُ بِرَّهَا وَفَاجِرَهَا، لَا يَتَحَاشَى [مُؤْمِنًا لِيَمَانِهِ، وَلَا يَفِي لِيَدِي عَهْدٍ بَعْهْدِهِ، فَلَيْسَ مِنْ أُمَّتِي. وَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةٍ عَمِيهِ يَغْضَبُ لِلْعَصْبِيَّةِ، أَوْ يُقَاتِلُ لِلْعَصْبِيَّةِ، أَوْ يَدْعُو إِلَى الْعَصْبِيَّةِ، فَقَتَلْتُهُ جَاهِلِيَّةٌ (۴).

ابو هریره گوید: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: هر کس از جماعت (جمع مسلمانان) جدا شود و - از حاکم مسلمانان - فرمان نبرد و بمیرد، مرگ او مرگ جاهلیت است. هر کس به روی امت من شمشیر بکشد و نیک و بدشان را بکشد، و برای ایمان مؤمن اهمیت و ارزشی نبیند، و به پیمانی که با کسی بسته وفا نماید از امت من نیست. هر کس زیر پرچم باطل و لوای فتنه و آشوب برای عصبیت بر آشوبد یا بجنگد یا به عصبیت فراخواند و کشته شود، کشته جاهلیت است.

ص: ۱۴۹

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۴۲..

۲- (۲). معنای (شق عصا) در ص ۱۹۸ خواهد آمد..

۳- (۳). المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۲۱، ح ۱۰۹۲۵..

۴- (۴). المصنف، ج ۱۱، ص ۳۳۹، ح ۲۰۷۰۷..

(۱۳۷) ۲۵- نهج البلاغه: فَأَنْظَرُوا إِلَيَّ مَا صَارُوا إِلَيْهِ فِي آخِرِ أُمُورِهِمْ، حِينَ وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ، وَتَشَتَّتِ الْأَلْفَةُ، وَاخْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ وَالْأَفِيدَةُ، وَتَشَجَّعُوا مُخْتَلِفِينَ، وَتَفَرَّقُوا مُتَحَارِبِينَ، قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ كِرَامَتِهِ، وَسَيَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ، وَبَقِيَ قَصِيصُ أَخْبَارِهِمْ فِيكُمْ عِبْرًا لِلْمُعْتَبِرِينَ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام: ... پس به سر انجام آنان - یعنی امتهای پیشین -، در پایان کارشان، بنگرید، آنگاه که میانشان جدایی افتاد، و رشته وابستگی شان از هم گسست، و سخنها و دلهاشان با هم ناسازگار شد، و دسته دسته از هم جدا شدند و گروه های پراکنده ای گشتند که خداوند لباس کرامت خود را از نشان بیرون کرده، و نعمت فراخ خویش را از چنگشان در آورده بود، و - تنها - داستانشان در میان شما ماند، تا پندگیران از آن درسها گیرند.

(۱۳۸) ۲۶- نهج البلاغه: إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:... تا همدلی شما اندک است شمار فراوانتان کارساز نیست.

(۱۳۹) ۲۷- کافی: عن عبدِ الأعلی قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اِخْتِمَالِ أَمْرِنَا التَّضَيُّ بِدَيْقٍ لَهُ وَالْقَبُولُ فَقَطُّ، مِنْ اِخْتِمَالِ أَمْرِنَا سِتْرُهُ وَصِيَابَتُهُ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ؛ فَافْرَأْهُمْ السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيَّ نَفْسِهِ، حَدَّثُوهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَاسْتُرُوا عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ.

ثُمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا النَّاصِبُ لَنَا حَرْبًا بِأَشَدِّ عَلَيْنَا مَوْوَنَةً مِنَ النَّاطِقِ عَلَيْنَا بِمَا نَكَرَهُ؛ فَإِذَا عَرَفْتُمْ مِنْ عَبْدِ إِذَاعَهُ فَاْمَشُوا إِلَيْهِ وَرُدُّوهُ عَنْهَا، فَإِنْ قَبَلَ مِنْكُمْ، وَإِلَّا فَتَحَمَّلُوا عَلَيْهِ بِمَنْ يَثْقُلُ عَلَيْهِ وَيَسْمَعُ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيَلْطَفُ فِيهَا حَتَّى تُقْضَى لَهُ، فَالْطُفُوا فِي حَاجَتِي كَمَا تَلْطُفُونَ فِي حَوَائِجِكُمْ، فَإِنْ هُوَ قَبَلَ مِنْكُمْ وَإِلَّا فَادْفَنُوا كَلَامَهُ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَلَا تَقُولُوا:

إِنَّهُ يَقُولُ وَيَقُولُ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُحْمَلُ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ.

أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ كُنْتُمْ تَقُولُونَ مَا أَقُولُ لَأَقْرَرْتُ أَنْكُمْ أَصْحَابِي. هَذَا أَبُو حَنِيفَةَ لَهُ أَصْحَابٌ، وَهَذَا

ص: ۱۵۰

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۲؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، خ ۱۹۲..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۲؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، ک ۱۱۹..

الْحَسَنُ الْبَصِيرِيُّ لَهُ أَصْحَابٌ، وَأَنَا امْرُؤٌ مِنْ قُرَيْشٍ، قَدْ وَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَّمْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ تَبَيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ، يَدُؤُ الْخَلْقِ وَأَمْرُ السَّمَاءِ وَأَمْرُ الْأَرْضِ وَأَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَأَمْرُ الْآخِرِينَ وَأَمْرٌ مَا كَانَ وَأَمْرٌ مَا يَكُونُ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ذَلِكَ نُصِيبَ عَيْنِي (۱).

عبد الاعلی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: تحمل امر ما - شیعه ما شدن - تنها به باور کردن و پذیرفتن آن نیست؛ از شرایط تحمل امر ما پنهان کردن و دور نگهداشتن آن از غیر اهلش می باشد. پس به آنان سلام برسان و به ایشان بگو: خدا بنده ای را رحمت کند که مردم را به دوستی خود برانگیزد؛ از آنچه خوب و درست می دانند با آنان سخن بگویند و آنچه را بد و نادرست می شمارند از آنان پنهان کنید.

سپس فرمود: به خدا، دشمنی که با ما می جنگد زیانش برای ما بیش از زیان کسی نیست که سخنی از ما می گوید که - گفتن - آن را خوش نداریم. پس هنگامی که دیدید کسی رازی را فاش می کند، نزد او بروید و او را از آن کار بازدارید، اگر از شما پذیرفت چه بهتر و گر نه به وسیله کسی که پیش او بزرگ است و از او فرمان می برد او را باز دارید. هر گاه شما خواسته ای داشته باشید در مورد آن با لطف و مدارا رفتار می کنید تا به خواسته خود برسید؛ پس در مورد خواسته من نیز همانند نیازهای خود ملاحظت به خرج دهید. با این حال اگر او از شما پذیرفت که چه بهتر و گر نه سخن او را - نشنیده گرفته - در زیر پایتان دفن کنید؛ و نگویید که او چنین و چنان می گوید، زیرا آن را به پای من و شما می گذارند.

هان به خدا سوگند، اگر آنچه را من می گویم می گفتید، من اقرار می کردم که شما یاران من هستید. این ابوحنیفه است که یارانی دارد، و این حسن بصری است که یارانی دارد، و من مردی از قریشم، و زاده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستم، و به کتاب خدا آگاهم کتابی که در آن بیان هر چیز هست؛ شروع آفرینش و کار آسمان و کار زمین و کار پیشینیان و پسینیان و امر آنچه بوده و آنچه خواهد بود؛ آنگونه به آن آگاهم که گویا جلوی چشم من است و به آن می نگرم.

(۱۴۰)

۲۸ - وسائل الشیعه: عن ابنِ اَبی عَمیرٍ، عن بعضِ اصحابه، عن اَبی عبدِ اللهِ علیه السلام قال: مَنْ قال فی

ص: ۱۵۱

مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَسَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ، فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (١). (٢)

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در باره مؤمنی آنچه را به چشم خود دیده و به گوش خود شنیده - به دیگران - بگوید، از کسانی است که خدای عزّ و جلّ می فرماید «همانا کسانی که دوست دارند که کار زشت در میان مؤمنان رواج پیدا کند عذابی دردناک خواهند داشت».

ص: ۱۵۲

---

۱- (۱). نور: ۱۹..

۲- (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۰، ح ۱۶۳۰۵..

نظر علامه طباطبایی رضوان الله تعالى عليه در باره روایاتی که می گویند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از نزول آیه شریفه از خداوند متعال درخواست کرد که امتش را از این عذابها نگهدارد:

- تفسیر المیزان: وَقَدْ رَوَى السِّيُوطِيُّ فِي الدَّرِّ الْمَشْتُورِ، وَابْنُ كَثِيرٍ فِي تَفْسِيرِهِ أَخْبَاراً كَثِيراً دَالَّةً عَلَى أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ الْآيَةُ: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ» إِلَىٰ آخِرِهَا، اسْتِعَاذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَىٰ رَبِّهِ وَدَعَا أَنْ لَا يَعَذِّبَ أُمَّتَهُ بِمَا أَوْعَدَهُمْ مِنْ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ، فَأَجَابَهُ رَبُّهُ إِلَىٰ بَعْضِهَا وَلَمْ يَجِبْهُ إِلَىٰ بَعْضِ آخَرِ، وَهُوَ أَنْ لَا يَلْبَسَهُمْ شَيْعاً وَلَا يَذِيقَ بَعْضَهُمْ بِأَسْ بَعْضٍ.

و هذه الروايات - على كثرتها - وإن اشتملت على القويّة والضعيفه من حيث أسنادها موهونه جميعاً بمخالفتها لظاهر الآيه فإنّ قوله تعالى في الآيتين التاليتين: «وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِكَيْلٍ \* لِكُلِّ نَبِيٍّ مِثْلُ شَقَرٍ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» (١) تهديد صريح بالوقوع و قد نزلت الآيات - وهي من سورة الأنعام - دفعه و قد أمر الله تعالى نبيه صلى الله عليه و آله و سلم أن يبلغ ذلك أُمَّتَهُ ولو كان هناك بداء برفع البلاء لكان من الواجب أن نجده في كلامه الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه، وليس من ذلك أثر بل الأمر على خلافه كما تقدّم في البيان السابق أنّ عدّه من آيات القرآن الكريم تؤيد هذه الآيات في مضمونها كالتّي في سورة يونس و الروم و غيرها.

عليّ أنّها تعارض روايات اخر كثيره من طرق الفريقين دالّة على وقوع ذلك و نزوله على الأُمَّه في مستقبل الزمان... (٢)

سيوطي در الدر المشثور و ابن كثير در تفسير خود روايات فراوانی را آورده اند که دلالت دارد بر اینکه هنگامی که آیه شریفه «قل هو القادر على ان يبعث عذاباً من فوقكم...» فرود آمد

ص: ١٥٣

١- (١). انعام: ٦٥ و ٦٦..

٢- (٢). الميزان في تفسير القرآن، ج ٧، ص ١٥٠ - ١٥٢..

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خدا پناه برد و از او خواست که امتش را به عذابهای گوناگونی که آنان را به آن تهدید کرده گرفتار نکند و پروردگارش خواسته اش را در باره رفع پاره ای از عذابها پذیرفته، ولی پذیرفته است که آنان را دسته دسته با هم در گیر نکند و آنان گرفتار شکنجه و کشتار یکدیگر نسازد.

این روایات - با آنکه فراوانند - و در بین آنها هم روایات قوی و هم ضعیف - از نظر سند - وجود دارد ولی به سبب مخالفت آنها با ظاهر آیه شریفه همه آنها فاقد اعتبارند، زیرا فرموده خدای متعال در دو آیه بعد: «وَ كَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ \* لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ» تهدید صریح است به وقوع آنها، و چون سوره انعام یک باره نازل شده - پس این دو آیه ناظر به همان عذابها است - و خداوند متعال به پیامبرش فرمان داده که آن - وعده عذابها - را به امتش ابلاغ کند، و اگر بدایی در کار بود باید ما آن را در کلام او که به هیچ وجه باطل در آن راه ندارد می یافتیم، با آنکه اثری از آن نیست بلکه بر عکس چنانکه در گفتار سابق گذشت شماری از آیات قرآن کریم مانند آیاتی که در سوره یونس و روم و جز آن آمده مضمون این آیات را تایید می کند.

به علاوه این روایات با روایات فراوان دیگری که شیعه و سنی نقل کرده اند - که بر وقوع و نزول این عذابها بر امت در آینده دلالت دارد - در تعارض است، از این گذشته این روایات با آنکه فراوانند و بسیاری از آنها اتفاق دارند بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پی نزول این آیه «قل هو القادر علی ان یبعث...» این امور را از خدا خواست، تعداد درخواستها در همه این روایات یکسان نیست: در برخی سه درخواست آمده و در برخی چهار. و همچنین تعداد درخواست پذیرفته شده در همه مساوی نیست، در بعضی از آنها یکی است و در برخی دو تا. و نیز در اینکه درخواستها چه بوده اختلاف دارند برخی گویند ایمنی از سنگباران شدن از آسمان و غرق در زمین و در امان ماندن از پراکندگی و جنگ و درگیری بوده است، و در بعضی دیگر آمده که آن درخواستها ایمنی از غرق و قحطی و جنگ داخلی بوده، و در برخی دیگر حفظ از قحطی فراگیر و تسلط دشمنان خارجی و جنگ داخلی بوده است. و پاره ای دیگر گویند درخواستها این است که امتش را بر گمراهی همداستان نسازد و دشمنی از غیر خودشان را بر

آنان چیره نکنند و با قحطی هلاکشان ننماید و آنان را به جان هم نیندازد و گرفتار جنگ داخلی نکند. و در برخی دیگر آمده که دشمنان بیگانه را بر آنان مسلط نکنند و آنان را با غرق نابود نسازد و ایشان را به جنگ داخلی گرفتار ننماید. و در برخی است که آنان را به عذابهایی که پیشینیان را با آن نابود کرده از بین نبرد و دشمن بیگانه را بر آنان مسلط نکنند و آنان را پراکنده نسازد و دچار جنگ و خشونت نسبت به یکدیگر نکند. و در بعضی است که درخواستش این بوده که بر آنان از فراز سرشان (آسمان) و از زیر پایشان (زمین) عذاب نفرستد و آنان را گروه گروه نسازد و دچار جنگ داخلی و خشونت نسبت به یکدیگر نکند.

از اینها گذشته در بسیاری از آنها آمده است که دعای آن حضرت در حره بنی معاویه - که یکی از روستاهای متعلق به انصار در عالیه است - بوده که در این صورت باید بعد از هجرت باشد، با آنکه سوره شریفه انعام پیش از هجرت در مکه یکباره و یکجا نازل شده است. در این روایات اختلافهای دیگری نیز هست که هر کس به آنها رجوع کند برایش روشن می شود.

اگر به ناچار باید یکی از این روایات را برگزینیم، بهتر از همه روایتی است که او - سیوطی - از عبد الرزاق و عبد بن حمید و ابن المنذر و ابن مردویه از شداد بن اوس - مرفوعاً - از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود: خداوند زمین را چنان به من نمود که از مشرق تا مغرب آن را دیدم و به یقین دامنه سلطه امت من به جاهایی که دیدم گسترش خواهد یافت. دیگر آنکه به من دو گنج داده شد یکی سفید و دیگری سرخ، و من از پروردگارم خواستم که امتم را به قحطی فراگیر نابود نکند، و آنان را گروه گروه نسازد و گرفتار خشونت و جنگ داخلی نکند؛ خداوند در جوابم فرمود: محمد! قضایی که گذرانده باشم باز گشت ندارد، و همانا من این خواسته ات را در باره امتت بر آوردم که آنان را به قحطی عمومی نابود نکنم و دشمنی بیگانه بر آنان چیره نکنم که آنان را نابود کند، تا اینکه خودشان یکدیگر را نابود کنند و بکشند و به اسارت بگیرند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من بر امتم از پیشوایان گمراه کننده می ترسم. و آنگاه که در میان امتم شمشیر کشیده شد، تا روز قیامت از آنها برداشته نخواهد شد.

این روایت و روایاتی همانند آن بیشتر اشکالات گذشته را ندارد و اینها نمی گویند که دعا در پی نزول آن آیه بوده است. با این همه باید گفت منظور روایت مصون ماندن امت از

نابودی همگانی و قحطی فراگیری است که همه را نابود می کند، و گرنه قحطی ها و بلاها و کشتارهای سنگین و بی رحمانه ای که در جنگ های مغول و صلیبی و در اندلس و غیر آن برای مسلمانان پیش آمد انکارپذیر نیست. و همچنین باید گفت که این دعا و درخواست در آغاز بعثت پیش از نزول سوره انعام بوده؛ چرا که نمی شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن معرفتی که به مقام پروردگارش دارد و با آن قدر و منزلتش پس از دریافت این آیات از راه وحی، از پروردگارش بخواهد که قضایی را که گذرانده و او را به تبلیغ و انذار امت به آن فرمان داده تغییر دهد.

با این همه حرفها قرآن شریف با آیات خود حقیقت امر را نشان می دهد که: این دین تا روز رستاخیز پا بر جاست، و این امت همگی نابود نمی شوند، لکن از هر بلایی نیز مصون نیست بلکه بلاهایی که خداوند امتهای گذشته را به آنها گرفتار کرد، بی کم و زیاد و بدون برو و برگرد بر سر این امت نیز خواهد آمد؛ و روایات بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان اهل بیت که صدور و دلالت آنها یقینی است همین را می گوید.

- تفسیر نمونه: در تفسیر آیه ذکر شده (آیه ۶۵ سوره انعام)

در اینجا باید به چند نکته توجه کرد:

۱- در اینکه منظور از «عذاب» از طرف «بالا» و «پائین» چیست در میان مفسران گفتگو است، ولی ظاهر این است که این دو کلمه (فوق و تحت) معنی بسیار وسیعی دارند هم طرف بالا و پائین حسی را شامل می شوند، یعنی مجازاتی مانند صاعقه ها و رگبارهای خطرناک و طوفانها از طرف بالا، و زلزله ها و شکافهای ویرانگر زمینی و طغیان رودها و دریاها از طرف پائین، را در بر می گیرد.

و نیز عذابهای دردناکی را که از طرف طبقه حکام و قشرهای بالای اجتماع بر سر بعضی از ملتها فرو می ریزد، و ناراحتی ها و شکنجه هایی که از طرف بعضی از کارگران و طبقه نشناس دامنگیر مردم می شود که گاهی کمتر از عذابهای دسته اول نیست، شامل می گردد.

همچنین ممکن است سلاحهای جنگی مخوف عصر ما که از هوا و زمین زندگانی بشر را به صورت وحشتناکی در هم می کوبد و در مدت کوتاهی آبادترین شهرها را از طریق بمبارانهای هوایی و حمله های زمینی و مین گذاریها و زیر دریایی ها تبدیل به تل خاکستری

می کند در مفهوم وسیع آیه داخل باشد.

۲ - یَلْبَسُكُمْ از ماده لَبَس (بر وزن حبس) به معنی اختلاط و بهم آمیختن است نه از ماده «لَبَس» بر وزن «قرص» به معنی لباس پوشیدن، بنا بر این معنی جمله چنین می شود: او می تواند شما را به صورت گروه ها و دسته های مختلف به هم بیامیزد.

۳ - مسأله اختلاف کلمه و پراکندگی در میان جمعیت به قدری خطرناک است که در ردیف عذابهای آسمانی و صاعقه ها و زلزله ها قرار گرفته است، و راستی چنین است، بلکه گاهی ویرانیهای ناشی از اختلاف و پراکندگی به درجات بیشتر از ویرانیهای ناشی از صاعقه ها و زلزله ها است، کراً دیده شده است کشورهای آباد در سایه شوم نفاق و تفرقه به نابودی مطلق کشیده شده است و این جمله هشدار است به همه مسلمانان جهان!

این احتمال نیز در تفسیر این جمله وجود دارد که: خداوند در برابر عذابهای آسمانی و زمینی دو عذاب دیگر را بیان کرده یکی اختلاف عقیده و فکر (که در حقیقت همانند مجازاتهای از طرف بالا است) و دیگر اختلافهای در ناحیه عمل و روشهای اجتماعی که منجر به جنگ و خونریزی می شود (که شبیه مجازاتهای از طرف پائین است)، بنابر این به چهار نوع مجازات طبیعی و دو نوع مجازات اجتماعی در آیه اشاره شده است.

۴ - اشتباه نشود، اینکه آیه مورد بحث می گوید: خداوند تفرقه در میان شما بیفکند، نه به این معنی است که خداوند بی جهت مردم را گرفتار نفاق و اختلاف می کند، بلکه این نتیجه اعمال سوء مردم و خودخواهیها و خودپرستیها و سودجوییهای شخصی است که نتیجه آن به صورت نفاق و تفرقه بروز می کند، و نسبت دادن آن به خدا به خاطر آن است که او چنین اثری را در این اعمال زشت قرار داده است.

۴ - با توجه به اینکه روی سخن در این آیات به مشرکان و بت پرستان است چنین نتیجه می گیریم: یک جامعه مشرک که از مسیر توحید و یکتا پرستی منحرف شده است، هم گرفتار ظلم و ستم طبقات بالا و هم وظیفه شناسی طبقات پائین، هم اختلاف عقیده و هم کشمکشهای خونین اجتماعی می شود، همانطور که جوامع مادی دنیای امروز که تنها در برابر بت صنعت و ثروت سجده می کنند، گرفتار تمام این بلاهای بزرگ هستند و در میان آن دست و پا می زنند.

ملت‌هایی نیز سراغ داریم که دم از توحید و خدا پرستی می زنند ولی عملاً مشرک و

بت پرست می باشند، چنین ملت‌هایی نیز به همان سرنوشت مشرکان گرفتار خواهند شد. و اینکه در بعضی از اخبار می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: « کل هذا فی اهل القبلة - همه این کیفرها در مسلمانان واقع می شود - » ممکن است اشاره به همین باشد، یعنی هر گاه مسلمانان از مسیر توحید انحراف یابند، خود خواهی و خودپرستی جای اخوت اسلامی را گرفت، منافع شخصی بر منافع عمومی مقدم داشته شد و هر کس به فکر خویشتن بود، و دستورات خداوند به دست فراموشی سپرده شد، آنها نیز گرفتار چنین سرنوشتی خواهند شد! (۱)

ص: ۱۵۸

---

۱- (۱). تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۲۸۳ - ۲۸۵ ..

۱- امر به اتحاد و نهی از تفرق

(۱۴۱)

۱- «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۱).

بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر امری که در میان ما و شما یکسان است همداستان شویم، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم، هر گاه سر باز زنند بگویید: گواه باشید که ما (در برابر خدا) سر به فرمانیم.

(۱۴۲)

۲- «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۲).

همگی به ریسمان خدا - قرآن و اسلام و هر گونه وسیله وحدت - چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا بر خود را به یاد آرید که شما را که در گذشته با هم دشمن بودید همدل ساخت، و به برکت نعمت او برادر شدید؛ و شما را که بر لب گودال آتش بودید از آن نجات داد. این چنین خداوند آیات خود را بر شما آشکار می سازد، شاید پذیرای هدایت شوید.

ص: ۱۵۹

۱- (۱). آل عمران: ۶۴..

۲- (۲). آل عمران: ۱۰۳..

(۱۴۳) ۳- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (۱).

همچون کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند؛ آنان عذابی سهمگین دارند.

(۱۴۴) ۴- «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۲).

از خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم فرمان برید، و با هم کشمکش نکنید که سست شوید و قدرت و شوکت شما از میان برود؛ و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

(۱۴۵) ۵- «سَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (۳).

آیینی را برای شما قرار داد که به نوح توصیه کرد و به تو وحی نمودیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم که دین را بر پا دارید و در آن دسته دسته نشوید. بر مشرکان پذیرش آنچه را به سویش می خوانی گران است، خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و راه می نماید به کسی که به سوی او باز گردد.

(۱۴۶) ۶- «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ \* إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۴).

هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پردازند آنان را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کرد، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا باز گردد، و هر گاه باز گشت آن

ص: ۱۶۰

۱- (۱) . آل عمران: ۱۰۵..

۲- (۲) . انفال: ۴۶..

۳- (۳) . شوری: ۱۳..

۴- (۴) . حجرات: ۹ و ۱۰..

دو را دادگرانه سازش دهید؛ و دادگری کنید که خداوند دادگران را دوست می دارد.

همانا مؤمنان با هم برادرند، پس دو برادر خود را آشتی دهید و از خدا پروا کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

(۱۴۷)

۷- مسند احمد: أنس، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَقَاطَعُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَحَاسَدُوا؛ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ (۱).

انس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پیوندتان را با هم نگسلید، و دشمن همدیگر نباشید و به یکدیگر پشت نکنید، و به هم حسد نوزید. و ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید. بر مسلمان روا نیست که بیش از سه روز از برادرش کناره گیرد.

(۱۴۸)

۸- مسند احمد: عن عبد الله قال: سَمِعْتُ رَجُلًا يَقْرَأُ آيَةَ عَلِيٍّ غَيْرِ مَا أَقْرَأَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَأَخَذْتُ بِيَدِهِ فَأَتَيْتُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: كَلَّا كَمَا قَدْ أَحْسَنَ. قَالَ: وَغَضِبَ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ. قَالَ شُعْبَةُ: أَكْبَرُ ظَنِّي أَنَّهُ قَالَ: لَا تَخْتَلَفُوا؛ فَإِنَّ مَنْ قَبَلَكُمْ اخْتَلَفُوا فِيهِ، فَهَلَكُوا (۲).

عبدالله بن مسعود گوید: شنیدم مردی آیه ای را به گونه ای می خواند که با آنچه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برایم خوانده بود تفاوت داشت، دست او را گرفتم و نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آوردم. آن حضرت فرمود: هر دو درست می خوانید (۳). عبدالله گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این ماجرا چنان خشمناک شد که آثار خشم در چهره اش نمایان بود. شعبه - که یکی از راویان در سلسه سند است - گوید: گمان قوی دارم - در ادامه روایت - حضرت فرمود: اختلاف نکنید؛ که امتهای پیش از شما در کتاب دینی خود اختلاف کردند و به این سبب نابود شدند.

۹ (۱۴۹) - مسند احمد: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا تَحَاسِدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِغِ أَحَدُكُمْ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ، وَكُونُوا - عِبَادَ اللَّهِ - إِخْوَانًا. الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هَاهُنَا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - . حَسْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ

ص: ۱۶۱

۱- (۱). مسند احمد، ج ۳، ص ۱۱۰..

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۴۱۲..

۳- (۳). نگاه کن عمده القاری، ج ۱۲، ص ۲۴۹ - ۲۵۰..

مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ. كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به یکدیگر حسد نورزید و در داد و ستد در رقابت با یکدیگر قیمت را بالا نبرید، و با هم دشمن نشوید، و به یکدیگر پشت نکنید، و بر روی معامله برادر خود داد و ستد نکنید، ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و او را تنها و بی کس رها نمی سازد، و او را کوچک و خوار نمی کند، - و سه مرتبه با دست خویش به سینه اش اشاره کرد و فرمود - تقوا این جاست. برای بدی یک مسلمان همین بس که برادر مسلمانش را خوار کند. خون و مال و آبروی هر مسلمانی بر مسلمان دیگر حرام است.

□  
(۱۵۰) ۱۰- السنن الکبری: الزهری قال: أَخْبَرَنِي أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَبَاغُضُوا وَلَا تَحَاسِدُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا - عِبَادَ اللَّهِ - إِخْوَانًا؛ وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثِ لَيَالٍ، يَلْتَقِيَانِ يَصُدُّ هَذَا وَيَصُدُّ هَذَا؛ وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ (۲).

انس بن مالک گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دشمن همدیگر نباشید، و به هم حسد نورزید، و به یکدیگر پشت نکنید، و ای بندگان خدا با یکدیگر برادر باشید. بر مسلمان روا نیست که بیش از سه شب از برادرش کناره گیرد که هنگام دیدار با هم هر یک از دیگری روی برتابد؛ بهترین آنها کسی است که اول سلام کند.

□ □  
(۱۵۱) ۱۱- المصنف: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ مِنْ قَبْلِكُمْ اخْتَلَفُوا فِيهِ فَأَهْلَكَهُمْ؛ فَلَا تَخْتَلِفُوا فِيهِ - يَعْنِي الْقُرْآنَ - (۳).

□  
عبدالله بن مسعود گوید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: کسانی که پیش از شما بودند در کتاب خدا اختلاف کردند، و این اختلاف آنان را نابود کرد، پس در آن - یعنی قرآن - اختلاف نکنید.

ص: ۱۶۲

۱- (۱) . مسند احمد، ج ۲، ص ۲۷۷..

۲- (۲) . السنن الکبری، ج ۱۵، ص ۳۴۶، ح ۲۱۶۶۴..

۳- (۳) . المصنف، ج ۷، ص ۱۸۹، ح ۶..

۱۲ - کنز العمال: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ: لَا تَخْتَلِفُوا فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا (۱).

□  
عبدالله بن مسعود گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با یکدیگر اختلاف نکنید که آنهایی که پیش از شما بودند اختلاف کردند و به این سبب هلاک شدند.

۱۳ - کنز العمال: عَنِ الْبَرَاءِ: لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ (۲).

براء گوید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: با یکدیگر اختلاف نکنید که دل‌های شما با هم مخالف شوند.

□  
۱۴ - مسند الشامیین: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَى مِثْرِهِ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَقَاطَعُوا وَلَا تَدَابِرُوا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَامِعٌ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ - التَّقَاطُعَ وَالتَّدَابِرَ فَيَجْعَلُهُ فِي النَّارِ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر بالای منبر فرمود: ای مردم، پیوندتان را با هم ننگساید و به یکدیگر پشت نکنید، که خداوند عز و جل در روز قیامت، بریدن پیوند و پشت کردن به یکدیگر را جمع کرده و آن را در آتش می گذارد.

□  
۱۵ - کنز العمال: عَنْ عُمَرَ بْنِ مَالِكِ الْأَنْصَارِيِّ: أَمْرُكُمْ بِثَلَاثٍ وَأَنْهَاكُمُ عَنْ ثَلَاثٍ: أَمْرُكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا، وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِالطَّاعَةِ جَمِيعًا حَتَّى يَأْتِيَكُمْ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ وَأَنْتُمْ عَلَى ذَلِكَ، وَأَنْ تُنَاصِحُوا وُلَاةَ الْأَمْرِ مِنَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ وَأَنْهَاكُمُ عَنْ قِيلٍ وَقَالَ، وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ، وَإِضَاعَةِ الْمَالِ (۴).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم : شما را به سه چیز فرمان می دهم و از سه چیز باز می دارم: فرمان می دهم که هیچ شریکی برای خدا قرار ندهید و همگی به فرمانبری (از حکومت) چنگ زنید تا آنکه امر خدا برایتان بیاید و شما بر این حال باشید، و برای زمامدارانی که شما را به انجام فرمان خدا دستور می دهند خیرخواهی کنید؛ و شما را از جار و جنجال و بگو مگو و کثرت سؤال و تباه کردن مال نهی می کنم.

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۸۹۴ ..

۲- (۲). همان، ص ۱۷۷، ح ۸۹۵ ..

٣-٣) . مسند الشاميين، ج ٢، ص ٣٩٥، ح ١٥٦٥..

٤-٤) . كنز العمال، ج ١، ص ٢٠٥، ح ١٠٢٣..

(۱۵۶) ۱۶- کنز العمال: عن جابر: إِنَّكُمْ الْيَوْمَ عَلَىٰ دِينٍ، وَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأَمَمَ، فَلَا تَمْشُوا بَعْدَ الْقَهْقَرَىٰ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : همانا امروزه شما بر مدار دین هستید و من بر فروتر بودنتان بر امتهای دیگر می بالم؛ پس از این به عقب بر نگردید.

(۱۵۷) ۱۷- نهج البلاغه: وَالزُّمُومَا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ؛ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذُّبِّ (۲).

همواره با سواد اعظم (جمعیت حق مدار) باشید زیرا دست [کمک و حمایت] خدا با جماعت است. از پراکندگی و جدایی پرهیزید، زیرا انسان تنها مانده نصیب شیطان است همانگونه که گوسفند تنها و جدا مانده نصیب گرگ است.

(۱۵۸) ۱۸- نهج البلاغه: وَالزُّمُومَا مَا عَقِدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ، وَبَيَّتَ عَلَيْهِ أَرْكَانُ الطَّاعَةِ (۳).

همواره پایبند چیزی باشید که اتحاد و همبستگی جامعه را فراهم می آورد، و پایه های فرمانبری از خدا بر آن نهاده شده است.

(۱۵۹) ۱۹- کافی: عن هشام الكندی قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ؛ فَإِنَّ وَلَدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ. وَكُونُوا لِمَنْ انْقَطَعَتْ إِلَيْهِ زِينَا، وَلَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْنًا.

صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَلَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَىٰ شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ، فَأَنْتُمْ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْهُمْ... (۴).

هشام کندی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: مبدا کاری کنید که ما را سرزنش کنند، زیرا به سبب کار فرزند ناشایست پدر را سرزنش می کنند، برای کسی که از همه بریده و به او دل بسته اید - یعنی برای ما - زینت و آبرو باشید نه مایه ننگ. با جماعت آنان نماز گزارید، از

ص: ۱۶۴

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۱۰۶۶..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱، ح ۱۲۷..

۳- (۳). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۹..

۴- (۴). کافی، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۱۱..

بیمارانسان دیدن کنید، در مراسم مردگانشان حاضر شوید؛ مبادا آنان در کار خیر بر شما پیشی گیرند، که شما به انجام کار خیر از آنان شایسته ترید...

(۱۶۰)

۲۰ - کافی: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: عَظُّمُوا أَصْدِحَابَكُمْ وَوَقِّرُوهُمْ، وَلَا يَتَجَهَّمْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، وَلَا تَضَارُّوا وَلَا تَحَاسَدُوا؛ وَإِيَّاكُمْ وَالْبُخْلَ؛ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ (۱).

امام صادق علیه السلام می فرماید: امام باقر علیه السلام می فرمود: به یاران خود احترام بگذارید و آنان را گرامی بدارید، و به یکدیگر پرخاش نکنید، و به هم زیان نرسانید، و نسبت به همدیگر حسد نورزید، و از بخل پرهیزید، بندگان پاک و بی آلائش خداوند باشید.

ص: ۱۶۵

---

۱- (۱). کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۲..

## ۲ - تشویق و ترغیب به اتحاد و تحذیر از اختلاف

(۱۶۱) ۲۱- «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۱).

کسانی که دین خود را پاره پاره کردند و فرقه فرقه شدند، تو را با آنان کاری نیست؛ کارشان تنها با خداست، آنگاه او آنان را از آنچه می کردند آگاه خواهد نمود.

(۱۶۲) ۲۲- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (۲).

این است امت شما امتی واحد و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید.

(۱۶۳) ۲۳- «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ \* فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَمْ دِيهِمْ فَرِحُونَ \* فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَاتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ» (۳).

و این است امت شما امتی واحد و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا کنید، اما آنان کار دینشان را در میان خود پاره پاره کردند و هر گروهی به آنچه خود دارند دلخوشند. آنها را واگذار که تا زمانی (معین) در ورطه گمراهیشان بمانند.

(۱۶۴) ۲۴- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

ص: ۱۶۶

۱- (۱) . انعام: ۱۵۹..

۲- (۲) . انبیاء: ۹۲..

۳- (۳) . مؤمنون: ۵۲ - ۵۴..

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۱).

مردان و زنان با ایمان یار و پاسدار یکدیگرند، به کار پسندیده و از کار ناپسند باز می دارند و نماز می گزارند و زکات می پردازند و خداوند و رسولش را فرمان می برند. آنان را خداوند مورد رحمت قرار خواهد داد و خداوند توانا و حکیم است.

(۱۶۵) ۲۵ - «وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِّتَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٌ» (۲).

پراکنده نشدند مگر پس از آنکه علم برایشان آمد آن هم به جهت حسد و برتری جویی، و اگر نبود قضای پیشین پروردگارت به بقای آنان تا سر آمد معینی، میانشان داوری (و کارشان یکسره) می شد. و کسانی که پس از اینان میراثدار کتاب شدند شکی سخت نسبت به آن دارند.

(۱۶۶)

۲۶ - «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ فِي مَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» (۳).

جامعه انسانی (در آغاز) جز یک امت نبود سپس با هم اختلاف پیدا کردند؛ و اگر قضای پیشین پروردگارت نبود، در میان آنان در باره آنچه اختلاف دارند داوری (و کار یکسره) می شد.

(۱۶۷)

۲۷ - تحف العقول: من مواعظ النبی علیه السلام: قَالَ: خِيَارُكُمْ أَحْسَانُكُمْ أَخْلَاقًا، الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: برگزیده ترین شما خوش خلق ترین شمایند، آنان که الفت می گیرند و الفت می پذیرند.

ص: ۱۶۷

۱- (۱). توبه: ۷۱..

۲- (۲). شوری: ۱۴..

۳- (۳). یونس: ۱۹..

۴- (۴). تحف العقول، ص ۴۵..

(۱۶۸) ۲۸- مستدرک الوسائل: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَنَّهُ قَالَ: أَفْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا فِي الْجَنَّةِ، أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا فِي الدُّنْيَا، الْمُوْطَّئُونَ أَكْنَافَهُمْ، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از شما آن کس جایگاهش در بهشت به من از همه نزدیکتر است که در دنیا اخلاقش از همه پسندیده تر است؛ آنان که زمینه ساز دوستی دیگران با خویش اند، آنها که الفت می گیرند و الفت می پذیرند.

□  
(۱۶۹) ۲۹- مستدرک الوسائل: عن جعفر بن محمد، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليهم السلام، قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: الْمُؤْمِنُ غَيْرُ كَرِيمٍ، وَالْفَاجِرُ حَبٌّ لَيْيْمٌ، وَخَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مِأَلْفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ (۲).

امام صادق علیه السلام از پدرانش از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: مؤمن ساده دل و بزرگوار است، و بدکار آشکار دغل و پست است، بهترین مؤمنان کسی است که جایگاه انس و الفت مؤمنان باشد، و کسی که نه انس گیرنده است و نه انس پذیرنده خیری در او نیست.

□  
(۱۷۰) ۳۰- مستدرک الوسائل: عن رسولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: خِيَارُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا، الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَيُؤْلَفُونَ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بهترین شما خوش خلق ترین شمایند، آنان که انس می گیرند و انس می پذیرند.

(۱۷۱) ۳۱- كنز العمال: أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ؛ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ (۴).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: ای مردم! بر شما لازم است که با جماعت باشید و از جدایی و پراکندگی بپرهیزید.

ص: ۱۶۸

۱- (۱). مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۹۹۶۸..

۲- (۲). همان، ص ۴۵۰، ح ۹۹۷۰، امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۷..

۳- (۳). مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۵۱، ح ۹۹۷۱؛ مشکاه الأنوار، ص ۱۸۰..

۴- (۴). كنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۸..

۳۲ - کنز العمال: مَنْ فَارَقَ أُمَّتَهُ أَوْ عَادَ أَعْرَابِيًّا بَعَدَ هِجْرَتِهِ، فَلَا حُجَّةَ لَهُ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که از امت خود جدا شود یا پس از هجرتش - از رسوم بادیه نشینی و جاهلیت به فرهنگ اسلام - دوباره به روش و منش بادیه نشینی برگردد عذری ندارد.

۳۳ - کتاب السنه: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَرَادَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس وسط بهشت را می خواهد، باید با جمع مردم باشد.

۳۴ (۱۷۴) - کنز العمال: يَا خَبَابُ! خَمْسُ إِنْ فَعَلْتَ بِهِنَّ رَأَيْتَنِي، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ بِهِنَّ لَمْ تَرْنِي: تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَإِنْ قُطِعَتْ وَحُرِّقَتْ؛ وَتُؤْمِنُ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ، تَعْلَمُ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ، وَمَا أَخْطَاكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ؛ وَلَا تَشْرَبُ الْخَمْرَ، فَإِنَّ خَطِيئَتَهَا تَفْرَعُ الْخَطَايَا كَمَا أَنَّ شَجَرَتَهَا تَعْلُو الشَّجَرِ؛ وَبُرِّ وَالِدَيْكَ وَإِنْ أَمْرَاكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا؛ وَتَعْتَصِمَ بِحَبْلِ الْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. يَا خَبَابُ! إِنَّكَ إِنْ رَأَيْتَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا تُفَارِقْنِي (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای خباب! پنج چیز است که اگر آنها را انجام دهی مرا می بینی، و اگر انجام ندهی مرا نخواهی دید: خدا را بپرست و شریکی برایش قرار مده اگر چه ترا تکه تکه کنند و بسوزانند؛ و به تقدیر الهی در خیر و شر ایمان داشته باش، تا بدانی هر چه برایت پیش می آید نمی شد پیش نیاید، و آنچه برایت اتفاق نمی افتد نمی شد اتفاق بیفتد؛ و شراب ننوش که گناه آن گناهان دیگری را در پی می آورد همانگونه که درخت آن از درختها بالا می رود؛ و به پدر و مادرت نیکی کن هر چند آنان از تو بخواهند که از همه دنیایت دست بکشی؛ و به ریسمان جماعت (جمع حق گرایان و جمع مسلمانان) چنگ زن که دست خدا همراه جماعت است. ای خباب! اگر در روز قیامت مرا دیدی دیگر از من جدا نخواهی شد.

۳۵ - کنز العمال: عَنْ مَعَاذٍ: إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ كَذَنْبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاهَ الشَّاذَّةَ

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۴۰..

۲- (۲). کتاب السنه، ص ۴۲، ح ۸۷..

۳- (۳). کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۴۱ - ۲۴۲، ح ۴۴۳۱۰..

القاصِيَةِ وَالنَّاجِيَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالشُّعَابَ، وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ (۱).

معاذ گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شیطان گرگ انسان است مانند گرگ گوسفند که گوسفند جدای دور افتاده و کنار مانده را شکار می کند. از دسته دسته شدن پرهیزید و با جماعت و عموم مردم و با مسجد باشید.

(۱۷۶) ۳۶- کنز العمال: الشَّيْطَانُ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ كِذِّبِ الْعَنَمِ، يَأْخُذُ الشَّاةَ الشَّاذَةَ وَالْقَاصِيَةَ وَالنَّاجِيَةَ، فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَالْأُفْهِ وَالْعَامَّةِ وَالْمَسَاجِدِ؛ وَإِيَّاكُمْ وَالشُّعَابَ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: شیطان گرگ انسان است مانند گرگ گوسفند که گوسفند جدای دور افتاده و کنار مانده را شکار می کند. با جماعت باشید و با هم الفت بگیرید و با عامه مردم و اهل حضور در مساجد باشید، و از دسته دسته شدن پرهیزید.

(۱۷۷) ۳۷- مجمع الزوائد: عَنِ الْأَشْتَرِ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ ذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُمْ: إِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَالْفَدَىٰ مَعَ الشَّيْطَانِ، وَإِنَّ الْحَقَّ أَصْلٌ فِي الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْبَاطِلَ أَصْلٌ فِي النَّارِ (۳).

اشتر از عمر بن خطاب روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آنها فرمود: به راستی دست (لطف و حمایت) خدا بر سر جمع است و انسان تک و تنها با شیطان است، و همانا حق ریشه در بهشت و باطل ریشه در آتش دارد.

(۱۷۸) ۳۸- کنز العمال: عَنْ جَابِرٍ: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْقَلِيلَ لَمْ يَشْكُرِ الْكَثِيرَ، وَمَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ، وَمَا تَكْرَهُونَ فِي الْجَمَاعَةِ خَيْرٌ مِمَّا تُحِبُّونَ فِي الْفُرْقَةِ، فِي الْجَمَاعَةِ رَحْمَةٌ وَفِي الْفُرْقَةِ عَذَابٌ (۴).

جابر گوید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن کس که برای کم سپاسگزار نباشد برای زیاد هم سپاس نخواهد گزارد، و کسی که شکر مردم را نگذارد شکر خدا نیز نخواهد گزارد. و ناخوشیهای شما در جماعت بهتر از خوشیهایتان در تفرقه است. در جماعت رحمت و در تفرقه و چند دستگی عذاب است.

ص: ۱۷۰

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۶..

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۷..

۳- (۳). مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۲۵..

۴- (۴). کنز العمال، ج ۳، ص ۲۶۶، ح ۶۴۸۰..

۳۹ - کنز العمال: عن انس: إِنَّ أُمَّتِي لَنْ تَجْتَمِعَ عَلَيَّ ضَلَالَةً؛ فَإِذَا رَأَيْتُمْ اخْتِلَافًا فَعَلَيْكُمْ بِالسَّوَادِ الْأَعْظَمِ (۱).

انس گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: قطعاً امت من بر گمراهی و باطل هم نظر و همداستان نخواهند شد، هر گاه دیدید اختلاف است بر شما است که همراه سواد اعظم (گروه حق مدار) باشید.

۴۰ - التمهید: وَرَوَى مَنْ حَدِيثِ أَبِي ذَرٍّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ وَابْنِ عَبَّاسٍ بِمَعْنَى وَاحِدٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ، فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ (۲).

ابوذر و ابو هریره و ابن عباس هر سه روایت کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که از فرمان (امام) سر بر تافت و از جماعت مسلمانان جدا شد و مُرد، مرگش مرگ جاهلیت است.

۴۱ - صحیح ابن حبان: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ فَمِيتُهُ جَاهِلِيَّةٌ؛ وَمَنْ خَرَجَ عَلَيَّ يَضْرِبُ بَرِّهَا وَفَاجِرَهَا لَا يَتَحَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا وَلَا يَفِي بِعِدَّتِهَا فَقَتَلَهُ جَاهِلِيَّةٌ؛ وَمَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَأْيِهِ عَمِيهِ يُقَاتِلُ لِعُضْبِهِ أَوْ يَعْضُبُ لِعُضْبِهِ فَقَتَلَهُ قَتْلُهُ جَاهِلِيَّةٌ (۳).

ابو هریره گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که از فرمانبری سر برتابد و از جماعت مسلمانان جدا شود و بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است، و کسی که بر امت من بشورد و خوب و بدشان را سرکوب کند از - کشتن - مؤمنان باکی نداشته باشد و با پیمان بسته اش بر سر پیمان نماند - اگر کشته شود - کشته جاهلیت است، و کسی که زیر لوای باطل و گمراهی به جهت تعصب گروهی بجنگد یا به انگیزه فرقه گرایی بر آشفته و خشمگین شود اگر کشته شود کشته جاهلیت است.

۱- (۱). کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۹۰۹.

۲- (۲). التمهید، ج ۲۱، ص ۲۸۱، ح ۹۹.

۳- (۳). الاحسان بترتیب صحیح ابن حبان، ج ۵، ص ۳۷، ح ۴۵۸۶.

(۱۸۲) ۴۲- مجمع الزوائد: عَنْ عَرْفَجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَالشَّيْطَانُ مَعَ مَنْ خَالَفَ يَزُكُّضُ (۱).

عرفجه گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم می فرمود: دست خدا با جماعت است و شیطان همراه مخالف جماعت می دود.

(۱۸۳) ۴۳- کنز العمال: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: اثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ، وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ، وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَلَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أُمَّتِي إِلَّا عَلَى هُدًى، وَاعْلَمُوا أَنَّ كُلَّ شَاطِينٍ هَوَى (۲).

ابو هریره گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو تا بودن بهتر از تک بودن است و سه تا بودن از دو تا بودن بهتر است و چهار تا بودن از سه تا بودن بهتر است؛ پس بر شما لازم است که با جماعت باشید. و خداوند امت مرا جز بر درستی و هدایت هم‌رأی و همداستان نمی سازد، و بدانید که هر شخص حق‌گریز و هواپرست در آتش است.

(۱۸۴) ۴۴- مسند احمد: عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: اثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ، وَثَلَاثٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ، وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَنْ يَجْمَعَ أُمَّتِي إِلَّا عَلَى هُدًى (۳).

اباذر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دو تا بودن بهتر از تک بودن است و سه تا بودن از دو تا و چهار تا بودن بهتر است؛ پس بر شما لازم است که با جماعت باشید که یقیناً خدای عز و جل امت مرا جز بر کار درست هم‌رأی و همداستان نمی سازد.

(۱۸۵) ۴۵- کنز العمال: عَنْ حُدَيْفَةَ قَالَ: مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا، خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ (۴).

حذیفه گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از جماعت (جمع مسلمانان) یک وجب دور شود، رشته اسلام را از گردنش گشوده است.

ص: ۱۷۲

۱- (۱) . مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱.

۲- (۲) . کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۰۲۵.

۳- (۳) . مسند احمد، ج ۵، ص ۱۴۵.

۴- (۴) . کنز العمال، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۱۶۶۶.

۴۶ - كتاب السنه: عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُيَيْدٍ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يُسْأَلُ عَنْهُمْ: رَجُلٌ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ وَعَصَى إِمَامَهُ وَمَاتَ عَاصِيًا... (۱).

فضاله بن عبید گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سه کس - گناهشان چنان بزرگ و روشن است که - در باره آنها جای پرسش نیست: مردی که از جماعت (جمع مسلمانان) جدا شود، و از فرمان رهبرش سرپیچی کند، و در حال نافرمانی بمیرد...

۴۷ - مجمع الزوائد: عَنْ أُسَامَةَ بْنِ شَرِيكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْجَمَاعَةِ؛ فَإِذَا شَدَّ الشَّاذُّ مِنْهُمْ اخْتَطَفَهُ الشَّيْطَانُ كَمَا يَخْتَطِفُ الذُّبُّ الشَّاهَ مِنَ الْغَنَمِ (۲).

اسامه بن شریک گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دست (لطف و حمایت) خدای عز و جل بر سر جماعت (مسلمانان) است. هر گاه کسی از آنان جدا شود، شیطان او را می رباید همانگونه که گرگ گوسفند جدا افتاده از گله را می رباید.

۴۸ - کافی: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّتِهِ لَبْنِيهِ: عَلَيْكُمْ يَا بَنِيَّ بِالْتَّوَاضُعِ وَالْتَّبَادُلِ وَالتَّبَارُّ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّقَاطُعِ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّفَرُّقِ، وَتَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالعِدْوَانِ؛ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ، حَفِظَكُمْ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَحَفِظَ فِيكُمْ نَبِيِّكُمْ. أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام در وصیت به فرزندانش فرمود: فرزندانم! باید به پیوند با هم و بخشش و نیکی به یکدیگر اهتمام ورزید؛ و از گسستن پیوند و پشت کردن به یکدیگر و جدا شدن از هم پرهیزید، و در خوبی و پرهیزگاری یکدیگر را کمک نمایید، و در گناه و دشمنی همدیگر را یاری نکنید و از خدا پروا کنید؛ به راستی خداوند به سختی کیفر می کند. خداوند شما خاندان را محافظت کند و شما را به جهت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد لطف قرار دهد. شما را به خدا می سپارم و سلام و رحمت خدا را بر شما می فرستم.

۱- (۱). كتاب السنه، ص ۴۲۲، ح ۹۰۰.

۲- (۲). مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۲۱۸.

۳- (۳). کافی، ج ۷، ص ۵۲ ضمن ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۴۹، ضمن ح ۵۱..

(١٨٩) ٤٩- نهج البلاغه: قال على عليه السلام في خطبته القاصعه: ... اخذوا ما نزل بالأمم قبلكم من المثلات بسوء الأفعال وذميم الأعمال. فتذكروا في الخير والشر أحوالهم، واخذوا أن تكونوا أمثالهم؛ فإذا تفكرتم في تفاوت حالهم فالزموا كل أمر لزم العزة به شأنهم، وزاحت الأعداء له عنهم، ومدت العافية فيه عليهم، وانقادت النعمة له معهم، ووصلت الكرامة عليه حبلمهم: من الاجتناب للفرقة، واللزم للألفة، والتحاض عليها والتواصي بها؛ واجتنبوا كل أمر كسر فقرتهم، وأوهن منتهم: من تضاعن القلوب، وتشاحن الصدور، وتدابر النفوس، وتخاذل الأيدي.

وتدبروا أحوال الماضين من المؤمنين قبلكم كيف كانوا في حال التمحيص والبلاء. ألم يكونوا أثقل الخلائق أعباء، وأجهد العباد بلاء، وأضيق أهل الدنيا حالاً؟ اتخذتهم الفراعنة عبيداً فسأموهم سوء العذاب، وجرعواهم المرار، فلم تبرح الحال بهم في ذل الهلكة وقهر الغلبة؛ لا يجدون حيلة في امتناع، ولا سبيلاً إلى دفاع. حتى إذا رأى الله جد الصبر منهم على الأذى في محبته، والاحتمال للمكروه من خوفه، جعل لهم من مضايق البلاء فرجاً، فأبدلهم العز مكان الذل، والأمن مكان الخوف، فصاروا ملوكاً حكاماً، وأئمة أعلاماً، وبلغت الكرامة من الله لهم ما لم تبلغ الآمال إليه بهم.

فأنظروا كيف كانوا حيث كانت الأملاء مجتمعة، والأهواء متفقه، والقلوب معتدلة، والأيدي مترادفة، والسيف مناصرة، والبصائر نافذة، والعزائم واحدة، ألم يكونوا أرباباً في أقطار الأرضين، وملوكاً على رقاب العالمين؟! فأنظروا إلى ما صاروا إليه في آخر أمورهم حين وقعت الفرقة، وتشتت الألفة، واختلفت الكلمة والأفئدة، وتشعبوا مختلفين، وتفرقوا متحازبين، قد خلع الله عنهم لباس كرامته، وسلبهم غصارة نعمته، وبقي قصص أخبارهم فيكم عبراً للمعتبرين. فاعتبروا بحال ولد إسماعيل وبنى إسحاق وبنى إسرائيل عليهم السلام. فما أشد اعتدال الأحوال، وأقرب اشتباة الأمثال. تأملوا أمرهم في حال تشتتهم وتفرقهم ليالى كانت الأكاسرة والقياسرة أرباباً لهم، يحتازونهم عن ريف الآفاق، وبحر العراق، وحضره الدنيا، إلى منابت الشيح، ومهافي الرياح، ونكد المعاش؛ فتركوهم عالة مساكين إخوان دبر ووبر، أذل الأمم

داراً، وأجذبهم قراراً، لا يأوون إلى جناح دعوته يعصه مومن بها، ولا إلى ظل ألفه يعتمدون على عزها؛ فالأحوال مضطربة، والأيدي مخرقة، والكثرة متفرقة، في بلاء أزل، وإطباق جهل من بنات مؤووده، وأصنام معبوده، وأزحام مقطوعه، وغارات مشنونه.

فانظروا إلى مواقع نعم الله عليهم حين بعث إليهم رسولاً فعقد بملته طاعتهم، وجمع على دعوته ألفتهم، كيف نشرت النعمة عليهم جناح كرامتها، وأسالت لهم جداول نعيمها، وألفت الملة بهم في عوائد بركتها؛ فأصباحوا في نعمتها غرقين، وعن خضره عيشها فكهين؛ قد تربعت الأمور بهم في ظل سلطان قاهر، وآوتهم الحال إلى كنف عز غالب، وتعطفت الأمور عليهم في ذرى ملك ثابت. فهم حكام على العالمين، وملوك في أطراف الأرضين؛ يملكون الأمور على من كان يملكها عليهم؛ ويؤمنون الأحكام فيمن كان يرضيها فيهم؛ لا تغمر لهم قناه، ولا تفرح لهم صفاه.

ألا وإنكم قد نفضتم أيديكم من حبل الطاعة؛ وتلتمت حصن الله المضروب عليكم بأحكام الجاهلية. فإن الله سبحانه قد امتن على جماعه هذه الأمة - فيما عقد بينهم من حبل هذه الألفه التي يتقبلون في ظلها، ويأوون إلى كنفها بنعمه لا يعرف أحد من المخلوقين لها قيمه؛ لأنها أرحح من كل ثمن، وأجل من كل خطر. وأعلموا أنكم صرتم بعد الهجره أعراباً، وبعد الموالاه أحراباً؛ ما تتعلقون من الإسلام إلا باسمه، ولا تعرفون من الإيمان إلا رسمه؛ تقولون:

النار ولا العار؛ كأنكم تريدون أن تكفوا الإسلام على وجهه، انتهاكاً لحريمه، ونقضاً لميثاقه الذي وضعه الله لكم حرماً في أرضه، وأمناً بين خلقه.

وإنكم إن لجأتم إلى غيره، حاربكم أهيل الكفر، ثم لا - جبرائيل ولا - ميكائيل ولا - مهاجرون ولا أنصار ينصرونكم إلا المقارعة بالسيف، حتى يحكم الله بينكم. وإن عندكم الأمثال من يأس الله وقوارعه، وأيامه وقائعه. فلا تسببوا وعيده جهلاً بأخذه، وتهاوناً ببطئته، ويأساً من يأسه؛ فإن الله سبحانه لم يلعن القرن الماضي بين أيديكم إلا لتزكهم الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر، فلعن الله الشفهاء لركوب المعاصي، والحلماء لتترك التناهي ... (١).

ص: ١٧٥

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: از کيفرهایی که بر اثر کردار بد و کارهای ناپسند، بر امتهای پیشین فرود آمد، خود را حفظ کنید. نیک و بد احوالشان را به یاد آورید، و مراقب باشید همانند آنان نشوید. آنگاه که با تأمل در خوشبختی و بدبختی شان نگرستید، به کارهایی دل بندید که آنان را سر بلند ساخت، و دشمنان را از سر راهشان برداشت، و زندگی بی گزند را برایشان ماندگار کرد، و بر خوداری از نعمت و آسایش را برایشان فراهم نمود، و با بزرگواری چنان پیوندشان را استوار ساخت که از پراکندگی دوری گزیدند، و پایند الفت شدند و یکدیگر را به آن ترغیب و سفارش کردند.

و از هر کاری که پشتشان را شکست و آنان را ناتوان ساخت، همچون: کینه یکدیگر به دل گرفتن، با هم دشمنی کردن، از هم بریدن و دست از یاری یکدیگر کشیدن، بپرهیزید.

و در حالات مؤمنان پیش از خود نیک بنگرید که در آزمون و گرفتاری چگونه بودند، آیا گرانبارترین آفریدگان و بلاکش ترین بندگان و بیچاره ترین مردمان جهان نبودند؟

فرعونها آنان را برده ساختند، و به سختی شکنجه شان کردند، و تلخی را جرعه جرعه به آنان نوشانیدند. نابودی ذلتبار و اسارت در چنگال قدرت پیوسته دامنگیرشان بود، نه چاره ای برای سر پیچی می یافتند و نه راهی برای دفاع. تا آنگاه که خداوند دید آنان در راه دوستی او بر آزار سخت شکیبایند، و از بیم او ناخوشایند را پذیرایند؛ آنان را از تنگنای بلا رها کنید، و پس از خواری سر بلندشان ساخت و آسودگی را جایگزین ترسشان کرد. از آن پس پادشاهان فرمانروا و پیشوایان نامدار گشتند، و کرامت خدا به آنان بدان پایه رسید که خیال آن را هم در سر نمی پروراندند.

پس بنگرید آنگاه که گروه ها یکپارچه، خواسته ها با هم سازگار، دلها هماهنگ، دستها پشتیبان هم، شمشیرها مددکار یکدیگر، بینشها ژرف و دقیق و اراده ها یکی بود آنان چگونه بودند؟! آیا آنان فرمانروایان سراسر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی کردند؟! سپس به سر انجام آنان در پایان کارشان بنگرید، آنگاه که میانشان جدایی افتاد، و رشته وابستگی شان از هم گسست، و سخنها و دلهاشان با هم ناسازگار شد، و دسته دسته از هم جدا شدند و گروه های پراکنده ای گشتند که خداوند لباس کرامت خود را از تنشان بیرون کرده، و نعمت فراخ خویش را از چنگشان در آورده، و - تنها - داستانشان در میان شما ماند، تا پند گیران از آن

درسها گیرند. پس، از حال فرزندان اسماعیل و فرزندان اسحاق، و فرزندان اسرائیل - درود بر آنان باد - پند گیرید، که سرگذشت ملت‌ها چسان همانندند و داستانهایشان چقدر شبیه به هم. در کار آنان به هنگام پراکندگی و جدایی شان بیندیشید، روزگار تاریکی که کسرها و قیصرها بر آنان پادشاهی می کردند، و آنان را از سرزمین های آباد، و کناره دریای عراق - دجله و فرات - و سبزه زار گیتی - سر زمین شام -، به بیابان هایی که رویشگاه درمنه و وزشگاه بادها و تنگنای زندگی بود کوچاندند، و آنان را مستمند و بینوا و شتر چران بادیه نشین ساختند، که در میان ملت‌ها پست ترین خانه ها و بی حاصل ترین سرزمین ها را داشتند، نه به زیر پر و بال (دعوتی و دینی) جای می گرفتند تا خود را در پناهش نگه دارند، و نه زیر سایه همدلی و همبستگی می رفتند تا به عزت آن تکیه زنند، اوضاعشان آشفته، و تلاششان بر ضد یکدیگر و جمعیت بسیارشان پراکنده بود، در بلایی سخت و در فضایی آکنده از نادانی و نابخردی می زیستند که نمود آن دختران زنده به گور، بتان پرستیده، خویشاوندیهای از هم گسسته، و غارتگریهای پیاپی بود.

حال به (بزرگی و جایگاه) نعمتهایی که خداوند با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان ارزانی داشت بنگرید، که چگونه - خداوند - با دین خود همه آنان را فرمانبر ساخت، و با دعوتش - به همبستگی - آنان را همدل و همدستان نمود. چگونه نعمت بال کرامت خود را بر آنان گسترده، و جویبارهای رفاه و آسایش را بر ایشان روان ساخت، و آئین حق با برکاتش آنان را در بر گرفت. در نعمت دین غوطه ور گشتند، و از شادابی زندگی در سایه آن شادمان بودند، امور - دولت - آنان در سایه قدرتی چیره استوار گشت، و در آغوش عزتی پیروزمند آسودند، و در پناه حکومتی پایدار جریان امور بر وفق مرادشان گشت. اینان اکنون فرمانروایان جهانیان و پادشاهان سراسر زمینند، و بر فرمانروایان گذشته خود فرمانروایی می کنند، و بر کسانی حکم می رانند که پیشتر بر آنان حکم می رانند، کسی قدرت در هم شکستن نیروی آنان را ندارد و هیچ کس خیال مبارزه با آنان را در سر نمی پروراند.

هان! همانا شما یکسره از فرمانبری دست کشیده اید، و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، در دژی خدایی که پیرامونتان بود رخنه انداخته اید، همانا خداوند سبحان با ایجاد رشته الفت میان جمع این امت - که در سایه آن زندگی کنند و در آغوش آن بیارمند - نعمتی به آنان بخشید

که هیچ یک از آفریدگان ارزش آن را نداند؛ چرا که از هر بهایی برتر و از هر چیز گرانقدری والاتر است. بدانید که پس از هجرت - و ورود به فرهنگ والای دین - به خوی نکوهیده بادیه نشینی باز گشته اید، و پس از دوستی و همبستگی دسته دسته شده اید، به اسلام جز به اسم آن دل نبسته اید، و از ایمان جز آداب ظاهری آن را نمی شناسید. می گوئید به آتش می رویم و ننگ را نمی پذیریم. گویا می خواهید اسلام را واژگون - و آن را از حقیقتش تهی - کنید، تا پرده حریمش را بدرید، و پیمانی که خداوند آن را پناهگاه شما مسلمانان، و سبب امتیتان در بین مردم قرار داده بشکنید. به یقین اگر شما به غیر اسلام پناه برید، کافران به نبرد شما می آیند، آنگاه نه جبرئیلی و نه میکائیلی، نه مهاجرانی و نه انصاری هست که شما را یاری کند؛ و چاره ای جز نبرد با شمشیر ندارید تا خداوند در میان شما کار را یکسره کند.

داستانهای عذاب الهی و کیفرهای سنگین او و روزهای - نزول عذاب - او - بر اقوام گذشته - و برخوردهای سخت او در دسترس شما است، با ناآگاهی از کیفر دادن او، و سبک شمردن عقوبت سخت او، و به پندار نبود عذاب او مینگارید که وعده عذاب نخواهد رسید و در عذابتان درنگ خواهد شد؛ چرا که خدای سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ خداوند، بی خردان را برای نافرمانی از رحمتش دور ساخت و خردمندان را برای باز نداشتن دیگران از گناه.

□  
 (۱۹۰) ۵۰- شرح نهج البلاغه: من کلام له لجماعه من الصحابه: لَقَدْ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ رَأْسَهُ لَفِي حِجْرِي، وَلَقَدْ وُلِّتْ غُضْبَةً بِيَدِي وَحَدِي، تُقَلَّبُهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ مَعِيَ. وَأَيُّمُ اللَّهِ مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ قَطُّ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا، إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام برای گروهی از صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرش در دامنم بود که قبض روح گردید. و من به تنهایی با دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را غسل دادم، و فرشتگان مقرب با من آن حضرت را به این سو و آن سو می گرداندند. و به خدا سوگند هر گز امتی پس از پیامبر خود با هم اختلاف نکردند مگر آنکه باطل گرایان آن امت بر حق طلبانش پیروز گشتند، مگر آنچه خدا بخواهد.

ص: ۱۷۸

۵۱ - نهج البلاغه: من وصيته عليه السلام للحسن والحسين عليهما السلام لما ضربته ابن ملجم لعنه الله قال: □

عَلَيْكُمْ بِالتَّوَضُّعِ وَالتَّبَادُلِ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّقَاطُعَ. لَا تَتْرُكُوا الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ المُنْكَرِ فَيَوْلَى عَلَيْكُمْ شَرًّا رَأَيْتُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام در وصیتش به حسنین علیهما السلام بعد از ضربت خوردنش فرمود: باید به ارتباط با هم و بخشش به یکدیگر اهتمام ورزید و از پشت کردن و بریدن از یکدیگر پرهیزید و امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید؛ که بدان بر شما حاکم خواهند شد و آنگاه دعا می کنید ولی مستجاب نمی شود.

۵۲ - عیون الحکم و الموعظ: قال أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالتَّوَضُّعِ وَالمُؤَافَقَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالمُقَاطَعَةَ وَالمُهَاجِرَةَ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: باید به پیوند با یکدیگر و سازش با هم اهتمام ورزید؛ و از گسستن پیوند و کناره گیری از یکدیگر پرهیزید.

۵۳ - المحاسن: قال أمير المؤمنين عليه السلام: ثَلَاثٌ مُوبِقَاتٌ: نَكْتُ الصَّفْقَةَ، وَتَرْكُ الشُّنَّةِ، وَفِرَاقُ الجَمَاعَةِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: سه چیز نابود کننده است: بیعت شکنی، وانهادن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و جدا شدن از جمع مسلمانان.

۵۴ - نهج البلاغه: خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مُتُّم مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عَشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ (۴).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: با مردم چنان رفتار کنید که اگر مردید بر شما بگریند، و اگر زنده بودید مشتاق و علاقمند به شما باشند.

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۷؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱..

۲- (۲). عیون الحکم و الموعظ، ص ۳۴۰، ح ۵۸۰۴ ..

۳- (۳). المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۲..

٤-٤ (٤) . نهج البلاغه، ج ٤، ص ٤؛ المعجم الموضوعى لنهج البلاغه، ص ٣٧٢، ح ١٠ ..

(۱۹۵) ۵۵- نهج البلاغه: ... فَإِيَّاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ. وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ (۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زینهار از رنگارنگ شدن و اختلاف در دین خدا، زیرا همبستگی و اجتماع در باره حقی که ناخوشایند شماست بهتر است از پراکندگی به جهت باطلی که دلپسند شماست. و به راستی خدای سبحان از جدایی و پراکندگی خیری نصیب هیچ کس از گذشتگان و بر جای ماندگان نکرده است.

(۱۹۶) ۵۶- نهج البلاغه: قال عليه السلام في الحضّ على الجهاد: إِنَّهُ لَا غَنَاءَ فِي كَثْرَةِ عِدَدِكُمْ مَعَ قَلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ. لَقَدْ حَمَلْتُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الَّتِي لَا يَهْلِكُ عَلَيْهَا إِلَّا هَالِكٌ؛ مَنْ اسْتَقَامَ فَأَلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ زَلَّ فَأَلَى النَّارِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام در تشویق به جهاد فرمود: با همدلی اندک شما، شمار فراوانتان کارآمد نیست، من شما را به راهی روشن بردم که در آن راه به جز تبهکار نابود نشود؛ آن کس که پایداری کند به بهشت رود، و آن کس که بلغزد در آتش افتد.

(۱۹۷) ۵۷- التمهید: وروی أبو صادق، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الْإِسْلَامَ ثَلَاثُ أَثْنَائِي:

الْإِيمَانُ وَالصَّلَاةُ وَالْجَمَاعَةُ؛ فَلَا تُقْبَلُ الصَّلَاةُ إِلَّا بِإِيمَانٍ، وَمَنْ آمَنَ صَلَّى وَجَامَعَ، وَمَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ قَيْدَ شِبْرِ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ (۳).

ابو صادق از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت می کند که آن بزرگوار فرمود: اسلام سه پایه دارد: ایمان و نماز و جماعت. نماز جز با ایمان پذیرفته نگردد، و کسی که ایمان بیاورد نماز می گزارد و همراه جمع است، و آن کس که یکک و جب از جمع مسلمانان فاصله بگیرد رشته اسلام را از گردن خویش بیرون آورده است.

ص: ۱۸۰

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۶؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۱..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۲..

۳- (۳). التمهید، ج ۲۱، ص ۲۸۱، ذیل ح ۱۰۰..

۵۸ - کافی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَخُونُهُ؛ وَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصِيلِ، وَالتَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ، وَالْمُؤَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَتَعَاوُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ، حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ، مُتْرَاحِينَ مُعْتَمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيَّ عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی کند و او را تنها و بی کس نمی گذارد و به او خیانت نمی کند، و بر مسلمانان است که برای ارتباط با یکدیگر تلاش کنند و همدیگر را در عطوفت و رسیدگی به هم مدد رسانند و نیازمندان را در آنچه دارند سهیم سازند. و با هم به عطوفت رفتار کنند تا همانگونه که خداوند عز و جل به مهرورزی به یکدیگر فرمانتان داده با هم مهربان باشید، و از بی خیر ماندن از کار نیازمندان اندوهگین شوید؛ همانند روشی که جماعت انصار در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشتند.

۵۹ (۱۹۹) - وسائل الشیعه: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيَّ نَفْسِهِ؛ فَحَدَّثَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَتَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا بنده ای را رحمت کند که مردم را به دوستی خود برانگیزد؛ آنچه را خوب و درست می دانند برایشان بگوید، و آنچه را بد و نادرست می شمارند وانهد.

(۲۰۰)

۶۰ - کافی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ قَدَرٌ شَبِيرٌ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ (۳).

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که یک وجب از جمع مسلمانان دور شود، رشته اسلام را از گردن خود در آورده است.

(۲۰۱)

۶۱ - المحاسن: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ خَلَعَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ قَدَرٌ شَبِيرٌ خَلَعَ رَبْقَ

ص: ۱۸۱

۱- (۱). کافی، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۱۵..

۲- (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۲۰، ح ۲۱۴۰۵..

۳- (۳). کافی، ج ۱، ص ۴۰۵، ح ۴..

الإيمانِ مِنْ عُنُقِهِ، وَمَنْ نَكَثَ صَفَقَةَ الإِمَامِ جَاءَ إِلَى اللَّهِ أَجْذَمًا (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به اندازه یک وجب از جماعت کناره گیرد رشته ایمان را از گردن خود در آورده است. و آن کس که بیعت با امام را بشکند با دست بریده به پیشگاه خدا خواهد آمد.

□ □  
(۲۰۲) ۶۲- کافی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ فَارَقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ، وَنَكَثَ صَفَقَةَ الإِمَامِ جَاءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَجْذَمًا (۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از جمع مسلمانان جدا شود، و بیعتش با امام را بشکند، با دست بریده به پیشگاه خداوند عز و جل خواهد آمد.

□ □  
(۲۰۳) ۶۳- عده الداعی: قَالَ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيُّ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيُّ فَتَبَسَّمْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَجِبُهُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ، وَمَا أَحْبَبْتُهُ إِلَّا لَكُمْ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ أَخُوكَ وَالْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَنَّهُمْ أَخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَشَّ أَخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يَنْصَحْ أَخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اسْتَأْثَرَ عَلَى أَخِيهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اخْتَجَبَ عَنْ أَخِيهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ (۳).

□  
عبدالمؤمن انصاری گوید: به محضر امام موسی بن جعفر علیهما السلام شرفیاب شدم؛ محمد بن عبدالله جعفری نزد آن حضرت بود؛ با دیدن او لبخند زد. امام علیه السلام فرمود: آیا او را دوست می داری؟ گفتم: بلی و او را فقط به جهت شما دوست می دارم. امام علیه السلام فرمود: او برادر توست و مؤمن برادر پدر و مادری مؤمن است. از رحمت خدا دور است از رحمت خدادور است کسی که به برادر خود تهمت زند. از رحمت خدا دور است از رحمت خدادور است آن کس که به برادرش نیرنگ زند، از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است کسی که خیرخواه برادرش نباشد. از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است کسی که خود را بر برادرش مقدم بدارد. از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است آن کس که خود را

ص: ۱۸۲

۱- (۱). المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱۲۱..

۲- (۲). کافی، ج ۱، ص ۴۰۵، ح ۵..

۳- (۳). عده الداعی، ص ۲۱۹..

از برادرش پنهان کند، از رحمت خدا دور است از رحمت خدا دور است آن کس که غیبت برادرش را بکند.

(۲۰۴)

۶۴ - الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ: اَللّٰهُمَّ صَيِّلٌ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ، وَحَلِيٌّ بِحُلِيِّهِ الصَّيِّحِيْنَ، وَاَلْبَسِيْنِيْ زِيْنَةَ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ بَسْطِ الْعِيْدِ، وَكَظْمِ الْعَيْظِ، وَاَطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَصَمِّ اَهْلَ الْفُرْقَةِ، وَاِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَاِفْشَاءِ الْعَارِفِ، وَسَتْرِ الْعَائِبِ، وَلِيْنِ الْعَرِيْكَهٖ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السِّيْرَةِ، وَسُكُوْنِ الرَّيْحِ، وَطِيْبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ اِلَى الْفَضِيْلَةِ، وَاِيْثَارِ التَّفْضُلِ، وَتَزْوِكِ التَّغْيِيْرِ، وَاِلْفِضَالِ عَلٰى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَاِنْ عَزَّ، وَاَسْتِثْقَالِ الْخَيْرِ وَاِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِيْ وَفِعْلِيْ، وَاَسْتِكْثَارِ الشَّرِّ وَاِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِيْ وَفِعْلِيْ؛ وَاَكْمِلْ ذٰلِكَ لِيْ بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَتُرُوْمِ الْجَمَاعَةِ، وَرَفْضِ اَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمَلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ (۱).

بار الاها! بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا به زیور شایستگان بیارای، و زینت پرهیزگاران را به من بیوشان با توفیق در گسترش عدل و داد، و فروخوردن خشم، و فرونشاندن آتش درگیری، و پیوند دادن جدا شدگان، و سازش و آشتی دادن ستیزه گران، و آشکار کردن خوبیها و پوشاندن کاستی ها، و نرمخویی و فروتنی و نیک سیرتی و وقار و متانت و خوش خلقی، و پیشی گرفتن و پیشقدمی در فضیلت، و ایثار بخشندگی، و خودداری از سرزنش، و بخشش به آن کس که شایسته آن نیست، و حق گویی هر چند دشوار باشد، و ناچیز شمردن خوبیهای خود در گفتار و کردار هر چند زیاد باشد، و زیاد شمردن سخن و کار بد خود هر چند اندک باشد، و این صفات را در من به کمال رسان با فرمانبری همیشگی از خود، و پیوستگی به جماعت، و وانهادن بدعت گرایان و پیروان پندارهای ساختگی.

(۲۰۵)

۶۵ - نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: مَا اخْتَلَفَتْ دَعْوَتَانِ اِلَّا وَكَانَتْ اِحْدَاهُمَا ضَالَّةً (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دو دعوت با هم ناسازگار نمی شوند مگر آنکه یکی از آنها گمراهی است.

ص: ۱۸۳

۱- (۱). صحیفه سجادیه، ص ۱۱۲، دعای ۵۵ ..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۳، ح ۱۸۳؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۳۴۲، خ ۱۸۳ ..

(۲۰۶) ۶۶- امالی طوسی: عَنْ سَعْدِ بْنِ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: أَخِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الْأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرِينَ أُخُوَّةَ الدِّينِ؛ وَكَانَ يُؤَاخِي بَيْنَ الرَّجُلِ وَنَظِيرِهِ، ثُمَّ أَخَذَ يَدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: هَذَا أَخِي.

□  
 قَالَ حُذَيْفَةُ: فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ، وَرَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ فِي الْأَنْامِ شِبْهُهُ وَلَا نَظِيرٌ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أُخُوَّةُ (۱).

سعد بن حذیفه بن یمان از پدرش نقل می کند که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان انصار و مهاجرین برادری دینی برقرار کرد، و آن حضرت هر دو نفری را که همپراز بودند با هم برادر می کرد. سپس دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفت و فرمود: این برادر من است.

حذیفه گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرور پیامبران و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده پروردگار جهانیان است که در میان آفریدگان مانند و همتایی ندارد، و علی بن ابی طالب علیه السلام برادر اوست.

(۲۰۷) ۶۷- کافی: عَنْ معاوية بن وهب قال: قلتُ له [الصادق عليه السلام]: كيف يتبعني لنا أن نصنع فيما بيننا وبين قومنا وبين خلطاننا من الناس ممن ليسوا علي أمرنا؟ قال: تنظرون إلي أئمتكم الذين تقتدون بهم، فتصنعون ما يصنعون؛ فوالله إنهم ليعودون مرصاهم، ويشهدون جنائزهم،

ص: ۱۸۴

وَيُقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، وَيُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ (۱).

معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم با نزدیکان و همکارانمان از مردم که با ما هم عقیده نیستند شایسته است چه رفتاری داشته باشیم؟ فرمود: به پیشوایانی که پیروشان هستید بنگرید و همانند آنان رفتار کنید؛ به خدا آنان به دیدن بیمارانشان می روند، و بر جنازه هایشان حاضر می شوند، و به نفع و ضررشان گواهی می دهند، و امانت را به آنان بر می گردانند.

ص: ۱۸۵

---

۱- (۱). کافی، ج ۲، ص ۶۳۶، ح ۴..

(۲۰۸) ۶۸- سنن ترمذی: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَبْهَذَا أُمِرْتُمْ أَمْ بِهَذَا أُرْسِلْتُمْ إِلَيْكُمْ؟! إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حِينَ تَنَازَعُوا فِي هَذَا الْأَمْرِ. عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَنَازَعُوا فِيهِ (۱).

ابوهریره گوید (هنگام مشاجره بعضی اصحاب در مسأله قدر): پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آیا به این کار - اختلاف و درگیری - فرمان یافته اید؟! یا من برای آن بر شما مبعوث شده ام؟! همانا آنان که پیش از شما بودند هنگامی که در این امر با هم درگیر شدند نابود گشتند. شما را سوگند داده و مصرانه از شما می خواهم که در آن نزاع نکنید.

(۲۰۹) ۶۹- نهج البلاغه: وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأَظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيُدْأَلُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بِاطْلِهِمْ، وَتَفَرُّقِكُمْ عَنِّي حَقُّكُمْ، وَ... (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به خدا سوگند می دانم که آنها - معاویه و یارانش - با اتحادشان در راه باطلی که در پیش گرفته اند و جدایی شما از یکدیگر در راه حقی که دارید بر شما چیره خواهند شد - و حکومت را از شما خواهند گرفت - .

ص: ۱۸۶

- 
- ۱- (۱). سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۴۳؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۹۶۸..  
۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۶۴؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۲۵..

۷۰ - نهج البلاغه: فَيَا عَجَبًا عَجَبًا! وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَيَجْلِبُ الْهَمَّ مِنْ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ، وَتَفَرُّقِكُمْ عَن حَقِّكُمْ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام: شگفتا، شگفتا، به خدا سوگند همبستگی این گروه در باطل خود و پراکندگی شما در حق خود، دل را می میراند، و غم و اندوه می آورد.

۷۱ - نهج البلاغه: وَأَحْتَكُمُ عَلَيَّ جِهَادِ أَهْلِ الْبَغْيِ، فَمَا آتَى عَلَيَّ آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ أَيَادِي سَبَأِ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام: شما را به جهاد با سرکشان بر می انگیزم، هنوز گفتارم را به پایان نبرده ام که شما را همچون قوم سبأ پراکنده می بینم.

۷۲ - نهج البلاغه: لِلَّهِ أَنْتُمْ! أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ، وَلَا حَمِيَّةَ تَشْحَدُكُمْ؟! أَوْ لَيْسَ عَجَبًا أَنْ مُعَاوِيَةَ يَدْعُو الْجُفَاهَةَ الطَّغَامَ، فَيَتَّبِعُونَهُ عَلَيَّ غَيْرِ مَعِيُونِهِ وَلَا عَطَاءٍ؛ وَأَنَا أَدْعِيوَكُمْ - وَأَنْتُمْ تَرِيكُهُ الْإِسْلَامَ، وَبَقِيَّةَ النَّاسِ - إِلَى الْمَعِيُونَةِ، أَوْ طَائِفَةٍ مِنَ الْعَطَاءِ، فَتَفَرَّقُونَ عَنِّي وَتَحْتَلِفُونَ عَلَيَّ. إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ إِلَيْكُمْ مِنْ أَمْرِي رِضَى فَرَضُونَهُ، وَلَا سُخْطًا فَتَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شما چگونه مردمی هستید! آیا دینی نیست که شما را گرد آورد، و غیرتی نیست که شما را برای جنگ با دشمن بسیج کند؟! شگفت آور نیست که معاویه جفاکاران فرومایه را فرا می خواند، و آنها بدون دریافت کمک و بخششی از او پیروی می کنند؛ و من شما را - که بازماندگان اسلام و یادگار مسلمانان پیشین هستید - با کمک و عطایا فرا می خوانم، ولی از اطراف من پراکنده می شوید و به تفرقه و اختلاف رو می آورید.

فرمانی از من به شما نمی رسد که نشانه خشنودی باشد و آن را پسندید یا نشانه آزردهی و در آن یک سخن باشید.

- 
- ۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۶۹؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۲۷..  
 ۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۸؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۹۷..  
 ۳- (۳). نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۰۰؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۶، خ ۱۸۰..

(۲۱۳) ۷۳- نهج البلاغه: لهذا جزاء من ترك العقده... إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ، وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَهُ عُقْدَةً، وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ، وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ، فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَغَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ، وَاقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاهَا إِلَيْكُمْ، وَاعْقِلُوا عَلَيْهَا أَنْفُسَكُمْ (۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: این سزای کسی است که پیمان خود را وانهد... شیطان راه های خود (راه های انحراف) را بر شما هموار می نماید، و می خواهد گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و بجای پیوستگی شما را پراکنده سازد، و با پراکندگی شما را به فتنه و آشوب گرفتار نماید. پس، از وسوسه ها و دمدمه های افسونگر او روی برتابید و نصیحت آن کس را که خیر خواه شما است قبول کنید، و آن را با جان و دل بپذیرید.

(۲۱۴) ۷۴- نهج البلاغه: تَرَبَّتْ أَيْدِيكُمْ! يَا أَشْبَاهَ الْإِبْلِ غَابَ عَنْهَا رُعَاتُهَا، كُلَّمَا جُمِعَتْ مِنْ جَانِبٍ تَفَرَّقَتْ مِنْ آخَرَ (۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: دستانتان تهی باد ای مردمی که همانند رمه شتران بی ساربانید که هر گاه از یک سو جمع آوری شوند از دیگر سو پراکنده می گردند.

(۲۱۵) ۷۵- نهج البلاغه: وَمَا أَنْتُمْ بِرُكْنٍ يُمَالُ بِكُمْ، وَلَا- زَوَافِرٍ عَزٌّ يُفْتَقَرُ إِلَيْكُمْ، مَا أَنْتُمْ إِلَّا كَابِلٍ ضَلَّ رُعَاتُهَا، فَكُلَّمَا جُمِعَتْ مِنْ جَانِبٍ انْتَشَرَتْ مِنْ آخَرَ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: شما نه پشتوانه ای هستید که بتوان به آن تکیه کرد، و نه سپاهیان شکست ناپذیر و عزتمندی که به شما نیاز باشد. به رمه شتران بی ساربان می مانید که هر گاه از یک سو جمع آوری شوند از سوی دیگری پراکنده می گردند.

ص: ۱۸۸

۱- (۱). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳۴؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۶، خ ۱۲۱..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۹؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۹۷..

۳- (۳). نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۳؛ المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۴۲۵، خ ۳۴..

۷۶ - نهج البلاغه: أَلَا وَإِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ؛ وَتَلَمَّتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ. فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ ائْتَنَّا عَلَى جَمَاعِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ - فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا، وَيَأْوُونَ إِلَيْهَا كَنَفِهَا - بِنِعْمِهِ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً؛ لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ، وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ حَظَرٍ. وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَعْرَابًا، وَبَعْدَ الْمَوَالِئِ أَحْرَابًا؛ مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا بِاسْمِهِ، وَلَا تَعْرِفُونَ مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا رِسْمَهُ؛ تَقُولُونَ: النَّارُ وَلَا الْعَارُ؛ كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ أَنْ تُكْفِتُوا الْإِسْلَامَ عَلَى وَجْهِهِ، انْتِهَاكَ لِحَرِيمِهِ، وَنَقْضًا لِمِشَاقِهِ الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ لَكُمْ حَرَمًا فِي أَرْضِهِ، وَأَمْنًا بَيْنَ خَلْقِهِ، وَإِنَّكُمْ إِنْ لَجَأْتُمْ إِلَيَّ غَيْرِهِ، حَارَبْتُمْ أَهْلَ الْكُفْرِ، ثُمَّ لَا جَبْرَائِلَ وَلَا مِيكَائِيلَ وَلَا مُهَاجِرُونَ وَلَا أَنْصَارًا يَنْصُرُونَكُمْ إِلَّا الْمُقَارَعَةَ بِالسَّيْفِ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَكُمْ.

وَإِنَّ عِنْدَكُمْ الْأَمْثَالَ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَقَوَارِعِهِ، وَأَيَّامِهِ وَقَوَائِعِهِ. فَلَا تَشْتَبِطُوا وَعِيدَهُ جَهْلًا بِأَخْذِهِ، وَتَهَاوُنًا بِبَطْشِهِ، وَيَأْسًا مِنْ بَأْسِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَعَمْرٍو يَلْعَنُ الْقُرُونَ الْمَاضِيَةَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِمَنْزِلِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي، وَالْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي.

أَلَا وَقَدْ قَطَعْتُمْ قَيْدَ الْإِسْلَامِ، وَعَطَلْتُمْ حُدُودَهُ، وَأَمَّتُمْ أَحْكَامَهُ.

الأ- وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبَغْيِ وَالنِّكَثِ وَالْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ. فَأَمَّا النَّاكِثُونَ فَقَدْ قَاتَلْتُ، وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَقَدْ جَاهَدْتُ، وَأَمَّا الْمَارِقَةُ فَقَدْ دَوَّخْتُ، وَأَمَّا شَيْطَانُ الرَّذْهِهِ فَقَدْ كَفَيْتُهُ بِصِدْقِهِ سَمِعْتُ لَهَا وَجِبَهُ قَلْبِهِ وَرَجَهَ صَدْرِهِ؛ وَبَقِيَتْ بَقِيَّتُهُ مِنْ أَهْلِ الْبَغْيِ، وَلَئِنْ أَذِنَ اللَّهُ فِي الْكُرْهِ عَلَيْهِمْ، لَمَأْدِيلَنَّ مِنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَشَدَّرُ فِي أَطْرَافِ الْبِلَادِ تَشَدُّرًا. أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بِكَلَاكِلِ الْعَرَبِ، وَكَسَّرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونٍ رَيْبَعَهُ وَمُضَرَ ... (۱).

هان! همانا شما دست از رشته فرمانبری کشیدید و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، در دژی خدایی که پیرامونتان بود رخنه انداختید، همانا خداوند سبحان با ایجاد رشته الفت میان جمع این امت - که در سایه آن زندگی کنند و در آغوش آن بیارمند - نعمتی به آنان بخشید که هیچ یک از آفریدگان ارزش آن را نداند زیرا از هر بهایی برتر و از هر چیز گراندقدری والاتر

ص: ۱۸۹

است. بدانید که پس از هجرت از جاهلیت به اسلام، به خوی جاهلیت باز گشته اید و پس از پیوند دوستی دسته دسته شده اید، به اسلام جز به اسم آن دل نبسته اید و از ایمان جز آداب ظاهری آن را نمی شناسید. می گویند: به آتش می رویم و ننگ را نمی پذیریم، گویا می خواهید اسلام را واژگون کنید تا بتوانید پرده حریمش را بدرید و پیمانی که خداوند آن را پناهگاه شما مسلمانان و سبب امنیت میان مردم قرار داده بشکنید.

به یقین اگر شما به غیر اسلام پناه برید، کافران به نبرد شما می آیند، آنگاه نه جبرئیلی و نه میکائیلی، نه مهاجرانی و نه انصاری هست که شما را یاری کند؛ و چاره ای جز نبرد با شمشیر ندارید تا خداوند در میان شما کار را یکسره کند.

داستانهای عذاب الهی و کیفرهای سنگین او و روزهای - نزول عذاب - او - بر اقوام گذشته - و برخوردهای سخت او در دسترس شما است، با ناآگاهی از کیفر دادن او، و سبک شمردن عقوبت سخت او، و به پندار نبود عذاب او مینگارید که وعده عذاب نخواهد رسید و در عذابتان درنگ خواهد شد؛ چرا که خدای سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ خداوند، بی خردان را برای نافرمانی از رحمتش دور ساخت و خردمندان را برای باز نداشتن دیگران از گناه.

آگاه باشید! شما رشته پیوند با اسلام را قطع، و اجرای حدود الهی را تعطیل و احکام اسلام را به فراموشی سپرده اید.

بدانید! خداوند مرا به جنگ با سرکشان، پیمان شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داده است. و من با پیمان شکنان (اصحاب جمل) جنگیدم، و با حق ستیزان (معاویه و پیروانش) جهاد کردم، و از دین برون شدگان را خوار و زبون ساختم. و اما آنچه مرا از پرداختن به شیطان - مرده - در مغاک (رهبر خوارج) آسوده ساخت بانگی - سهمگین - بود که قلبش را به تپش و سینه اش را به لرزش انداخت و کارش را بساخت. اینک تنها ته مانده ای از سرکشان و ستمگران به جا مانده اند، که اگر خداوند فرصت دهد بر آنان می تازم و قدرت و حکومت را از دستشان می گیرم - و نابودشان می کنم - به جز افراد اندکی که در اطراف پراکنده شوند. من در دوران کمسالی خود بزرگان عرب را به خاک افکندم و شجاعان دو قبیله معروف «ربیع» و «مضر» را درهم شکستم.

(۲۱۷) ۷۷ - مشکاه الأنوار: عن أبي بكر الحضرمي قال: قال أخي علقمه لأبي جعفر عليه السلام إن أبا بكر قال:

يُقَاتِلُ النَّيَّاسُ فِي عَلِيٍّ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّي أَرَاكَ لَوْ سَمِعْتَ رَجُلًا سَبَّ عَلِيًّا فَاسْتَطَعْتَ أَنْ تَقَطَعَ أَنْفَهُ فَعَلْتَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ لِي: لَا تَفْعَلْ؛ فَإِنِّي أَسْمَعُ الرَّجُلَ يَسُبُّ عَلِيًّا جَدِّي، فَأَتَوَارِي عَنْهُ، فَإِذَا فَرَّغَ أَتَيْتُهُ فَصَافَحْتُهُ (۱).

ابو بکر حضرمی می گوید: برادرم علقمه به امام باقر علیه السلام عرض کرد: ابوبکر می گوید که به جهت علی علیه السلام باید با مردم درگیر شد و جنگید. آن حضرت فرمود: بینم اگر بشنوی کسی به علی علیه السلام ناسزا گفته چنانچه بتوانی بینی او را می بری؟ گفتم: آری. امام به من فرمود: این کار را نکن؛ همانا من وقتی می شنوم کسی به جدم علی علیه السلام ناسزا می گوید، خود را از او پنهان می کنم، هنگامی که ناسزا گویش تمام شد نزد او می روم و با او دست می دهم.

(۲۱۸)

۷۸ - مشکاه الأنوار: عن أبي أسامة قال: دخلت علي أبي عبد الله عليه السلام لأودعه. فقال لي: يا زيد...

إِنَّكَ تَقْدِمُ غَدًا الْكُوفَةَ، فَيَأْتِيكَ إِخْوَانُكَ وَمَعَارِفُكَ فَيَقُولُونَ: مَا حَدَّثَكَ جَعْفَرٌ؟ فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ؟

قال: أقول لهم ما تأمرني به، لا أفصّر عنه ولا أعدوه إلي غيره.

قال عليه السلام: أقرئ من ترى أنه يطيعني ويأخذ بقولي منهم السلام، أوصيهم بتقوى الله، والورع في دينهم، والاجتهاد لله، وصدق الحديث، وأداء الأمانة، وطول السجود، وحسن الجوار،

ص: ۱۹۱

فَلِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَيَّ مَنِ اتَّمَنَّاكُمْ عَلَيْهَا مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِرَدِّ الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ. صَلُّوا فِي عَشَائِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ، قِيلَ: «هَذَا جَعْفَرِيُّ» فَيَسِّرُنِي ذَلِكُ، [و] قَالُوا: «هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ»؛ وَإِذَا كَانَ عَلِيٌّ غَيْرَ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَعَارُهُ.

وَاللَّهِ لَتَمُدَّ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شَيْعَةِ عَلِيٍّ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - فَكَانَ أَقْضَاهُمْ لِلْحَقِيقِ، وَأَدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ، وَأَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ، إِلَيْهِ وَصَايَاهُمْ وَوَدَائِعُهُمْ، يُسْأَلُ عَنْهُ فَيُقَالُ: مَنْ مِثْلُ فُلَانٍ؟

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ لَنَا فَمَا نَعْنُ كَذَلِكَ، لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ وَوِلَادَةٌ طَيِّبَةٌ، لَا يَدْعِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَابٌ. أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ، وَذَكَرَ الْمَوْتِ، وَتَلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، خُذْ بِمَا أَوْصَيْتُكَ بِهِ وَأَسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ (۱).

ابو اسامه گوید: به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم تا با آن بزرگوار وداع کنم. آن حضرت به من فرمود: ای زید!... تو فردا به کوفه می روی در آنجا برادران و آشنایان نزد تو می آیند و می پرسند، جعفر به توجه گفت؟ توجه می گویی؟

گفتم: به آنان همان چیزهایی را می گویم که به من فرمودی نه از آن کم می کنم و نه به آن می افزایم.

آن حضرت فرمود: به هر کس از آنان که دیدی فرمان مرا می برد و سختم را می پذیرد سلام مرا برسان، - و بگو - آنان را به پروای از خدا و ورع در دینشان و جدیت در کار برای خدا و راستگویی و ادای امانت و سجده طولانی و خوشرفتاری در همسایگی سفارش می کنم، که اینها را محمد صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، امانت را به امانتگذار چه نیکوکار باشد چه بدکار، بازگردانید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حتی به برگرداندن نخ و سوزن فرمان می داد. با جماعت آنان [مسلمانان] نماز گزارید، و در مراسم مردگانشان حاضر شوید، و از بیمارانشان دیدن کنید، و حقوق آنان

ص: ۱۹۲

را ادا کنید. زیرا هر گاه یک نفر از شما در دینش ورع داشته و راستگو باشد و امانت را بازگرداند و با مردم نیک رفتار باشد می گویند: این جعفری است و این مرا شاد می سازد، و می گویند این ادب جعفر است، و اگر جز این باشد گرفتاری و ننگ آن به من می رسد.

به خدا سوگند پدرم علیه السلام برای من نقل کرد که یک تن از شیعیان علی علیه السلام که در یک قبیله بود، بهترین آنان در ادای حقوق و امانتداریترین آنان و راستگوترینشان بود، به او وصیت می کردند و نزد او سپرده می گذاشتند. چنانچه از آن قبیله در باره او سؤال می شد آنان می گفتند: مانند ندارد!

پس از خدا پروا کنید و زینت - ما باشید و ننگ - و سبب بدنامی ما - نباشید. همه را به محبت ما راغب سازید، و نگذارید هیچ زشتی و بدی را به ما نسبت دهند، که به راستی، آنچه به ما نسبت داده شده نادرست است و ما چنین نیستیم. برای ما در کتاب خدا حقی هست و با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خویشاوندیم و خداوند ما را پاک کرده است و به پاکی زاده شده ایم، و غیر ما هیچ کسی به جز دروغگو ادعای آن را ندارد. زیاد به یاد خدا و به یاد مرگ باشید و بسیار قرآن بخوانید، و بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراوان درود فرستید که درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ده حسنه است. به آنچه سفارشت کردم عمل کن؛ تو را به خدا می سپارم.

(۲۱۹)

۷۹ - کافی: عن معاوية بن وهب. قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: كيف يتبعني لنا أن نصنع فيما بيننا وبين قَوْمنا وفيما بيننا وبين حُلطاننا من الناس؟ قال: فقال: تَوَدُّونَ الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ، وَتَقِيمُونَ الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ، وَتَعُوذُونَ مَرْضَاهُمْ، وَتَسْهَدُونَ جَنَائِزَهُمْ. (۱)

معاوية بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم با خویشاوندانمان و همکارانمان (شریکانمان) از مردم (مسلمان غیر شیعه) چگونه رفتار کنیم؟ آن حضرت فرمود: امانتشان را بر می گردانید، و به نفع و ضررشان گواهی می دهید، و به دیدن بیمارانشان می روید، و در مراسم مردگانشان حاضر می شوید.

(۲۲۰)

۸۰ - بحار الأنوار: عن أبي بصير، قال: سمعتُ أبا عبد الله عليه السلام يقول: اتَّقُوا اللَّهَ، وَعَلَيْكُمْ بِالطَّاعَةِ

ص: ۱۹۳

لَأَيِّمَتِكُمْ: قُولُوا مَا يَقُولُونَ، وَاصْبِرُوا عَمَّا صَبَرْتُمْ؛ فَإِنَّكُمْ فِي سُلْطَانٍ مَنْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لَتَرْوُلَ مِنْهُ الْجِبَالُ» (۱).  
يَعْنِي بِذَلِكَ وُلْدَ الْعَبَّاسِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ، فَإِنَّكُمْ فِي هُدًى؛ صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ إِلَيْهِمْ... (۲).

ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: از خدا پروا کنید، و بر شما است فرمانبری از امامانتان، آنچه آنان می گویند بگویند و از آنچه لب فرو بستند لب فرو بندید؛ زیرا شما زیر سلطه کسانی هستید که خداوند متعال فرمود: «و اگر چه نیرنگ آنان کوه ها را از جا برکنند» - منظورش بنی عباس بود - . از خدا پروا کنید! زیرا شما در این زمان در حال سازش با مخالفان هستید؛ با جماعت آنان نماز گزارید، و بر جنازه هایشان حاضر شوید، امانت را به آنان باز گردانید...

(۲۲۱) ۸۱- من لا یحضره الفقیه: روی حماد بن عثمان عن الصادق علیه السلام أنه قال: مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ (۳).

حماد بن عیسی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر کس همراه آنان (مخالفان و اهل سنت) در صف اول نماز گزارد، مانند کسی است که پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد.

(۲۲۲) ۸۲- تهذیب الأحکام: عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِسْحَاقُ أَتُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: صَلِّ مَعَهُمْ، فَإِنَّ الْمُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ، كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۴).

اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای اسحاق! با آنان (مخالفان) در مسجد نماز می گذاری؟ گفتم: آری. فرمود: با آنان نماز بگزار، که هر کس با آنان در صف اول نماز گزارد، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده باشد.

(۲۲۳) ۸۳- کافی: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِحِ لِلنَّاسِ، وَإِقَامَةِ

ص: ۱۹۴

۱- (۱). ابراهیم: ۴۶..

۲- (۲). بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۶۲، ح ۱؛ امالی طوسی، ص ۶۶۷، ح ۱۳۹۸..

۳- (۳). من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱۱۲۶..

۴- (۴). تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷۷، ح ۸۰۹..

الشَّهَادَةِ، وَحُضُورِ الْجَنَائِزِ، إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ، إِنْ أَحَدًا لَا يَسْتَعْنِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتَهُ، وَالنَّاسُ لَا بُدَّ لِيَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما لازم است که در مساجد نماز بگزارید، و با مردم (عموم مسلمانان) خوب همسایگی کنید، و در مورد آنها گواهی بدهید، و بر جنازه هایشان حاضر شوید. همانا شما چاره ای جز زندگی در میان مردم ندارید. هیچ کس در زندگیش از مردم بی نیاز نیست و مردم ناگزیر به یکدیگر نیازمندند.

(۲۲۴)

□  
۸۴ - کافی: عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالِاجْتِهَادِ، وَاشْهَدُوا الْجَنَائِزَ، وَعُودُوا الْمَرْضَى، وَاحْضَرُوا مَعَ قَوْمِكُمْ مَسَاجِدَكُمْ، وَأَحْبُوا لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّونَ لِنَفْسِكُمْ. أَمَا يَسْتَحْيِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جَارَهُ حَقَّهُ وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ جَارِهِ (۲).

حبیب خثعمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: بر شما است که با ورع و پارسا باشید، و در بندگی خدا بکوشید. در مراسم مردگان حاضر شوید، و از بیماران دیدن کنید، و با قوم خود در مسجدهایتان حاضر شوید، و برای مردم همان را بخواهید که برای خودتان می خواهید. آیا انسان شرم نمی کند که همسایه حق او را بشناسد و رعایت کند، ولی او نسبت به همسایه حق ناشناس باشد و حق همسایه را رعایت نکند؟!

(۲۲۵)

□  
۸۵ - مشکاه الأنوار: عَنْ مِرَازِمٍ قَالَ: حَمَلَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رِسَالَهُ، فَلَمَّا خَرَجْتُ دَعَانِي فَقَالَ: يَا مِرَازِمُ! لِمَ لَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ إِلَّا خَيْرًا وَإِنْ شَتْمُونَا؟! (۳)

مرازم می گوید: امام صادق علیه السلام نامه ای به من داد - که برای کسی بیرم - ، همینکه بیرون شدم مرا صدا زد و فرمود: مرازم! چرا با مردم (غیر شیعه) خوب نباشی هر چند آنان به ما ناسزا بگویند؟!

ص: ۱۹۵

۱- (۱). کافی، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۱..

۲- (۲). همان، ص ۶۳۵، ح ۳..

۳- (۳). مشکاه الأنوار، ص ۱۳۶، ح ۳۱۴..

## ۱ - مراد از «اختلاف امتی رحمه»

(۲۲۶) ۱- علل الشرائع: عن عبدالمؤمن الأنصاری قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ قَوْمًا يَزُورُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: اخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ، فَقَالَ: صِدَقُوا. فَقُلْتُ: إِنْ كَانَ اخْتِلَافُهُمْ رَحْمَةً فَاجْتِمَاعُهُمْ عَذَابٌ! قَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذَهَبُ وَذَهَبُوا، وَإِنَّمَا أَرَادَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَلَوْلَا- نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (۱). فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَنْفِرُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَخْتَلِفُوا إِلَيْهِ فَيَتَعَلَّمُوا، ثُمَّ يَرْجِعُوا إِلَى قَوْمِهِمْ فَيُعَلِّمُوهُمْ. إِنَّمَا أَرَادَ اخْتِلَافَهُمْ مِنَ الْبُلْدَانِ لِاخْتِلَافٍ فِي دِينِ اللَّهِ، إِنَّمَا الدِّينُ وَاحِدٌ، إِنَّمَا الدِّينُ وَاحِدٌ (۲).

عبدالمؤمن انصاری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که فرمود: اختلاف امتم رحمت است. فرمود راست می گویند. گفتم: اگر اختلافشان رحمت است پس باید اجتماعشان عذاب باشد! فرمود: معنایش آن نیست که به ذهن تو و آنان آمده، بلکه منظورش فرموده ی خدای عز و جل است: «پس چرا از هر فرقه ای دسته ای کوچ

ص: ۱۹۶

۱- (۱). توبه: ۱۲۲.

۲- (۲). علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۵، ح ۴.

نمی‌کنند تا دین را با شناخت و درک عمیق پیام‌زنند و آنگاه که بازگشتند قوم خویش را بیم دهند شاید آنان بترسند». پس فرمان می‌دهد که به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سفر و به محضرش رفت و آمد کنند تا - معارف و... دین را پیام‌زنند و پس از آن به میان قوم خویش برگردند و به آنان یاد دهند. منظور رفت و آمد از شهرها است نه اختلاف در دین خدا. به راستی دین یکی است، به یقین دین یکی است.

ص: ۱۹۷

(۲۲۷) ۲- المجازات النبویه: وَمِنْ ذَٰلِكَ [ قوله ] عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: مَنْ أَتَاكُمْ وَأَمْرُكُمْ جَمْعٌ يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَاكُمْ، وَيُفَرِّقَ جَمَاعَتَكُمْ فَاقْتُلُوهُ.

فَقَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ «يُرِيدُ أَنْ يَشُقَّ عَصَاكُمْ» اسْتِعَارَةٌ، وَالْمُرَادُ بِهِ تَفْرِيقُ أَمْرِهِمْ، وَتَشْتِيتُ جَمْعِهِمْ. فَشَبَّهَ ذَٰلِكَ بِشَقِّ الْعَصَا، لِأَنَّ عَنْ شَقِّهَا يَكُونُ تَشْطِيطُهَا، وَتَطَايُرُ الصُّدُوعِ فِيهَا.

قال الراعي:

فَتَشَقَّقَتْ مِنْ بَعْدِ ذَاكَ عَصَاهُمْ شَقَقًا وَغُودِرَ جَمْعُهُمْ مَقْلُولًا

أَيَّ انْتَشَرَتْ أُمُورُهُمْ وَتَفَرَّقَتْ جُمُوعُهُمْ. وَمِثْلُ ذَٰلِكَ مِنْ كَلَامِهِمْ قَوْلُهُمْ: فَضَّ اللَّهُ مُرُوتَهُمْ، وَهِيَ الصَّخْرَةُ، وَفَضَّ اللَّهُ خِدْمَتَهُمْ، وَهِيَ الْحَلَقَةُ. فَكَأَنَّهُمْ شَبَّهُوا الْبِتَّامَ جُمُوعِهِمْ بِالصَّخْرَةِ الْمَلْمُومَةِ، وَشَبَّهُوا التَّحَامَ شُؤْنِهِمْ بِالْحَلَقَةِ الْمَأْطُورَةِ. وَيَجُوزُ أَنْ يَكُونَ لِشَقِّ الْعَصَا وَجْهٌ آخَرٌ، وَهُوَ أَنْ يُرَادَ بِهِ فُلُّ شُوكَتِهِمْ وَإِيهَانُ قُوَّتِهِمْ، لِأَنَّ الْعَصَا لِصَاحِبِهَا قُوَّةٌ يَدْفَعُ بِهَا، وَبَسِيطَةٌ يُعَوَّلُ عَلَيْهَا. أَلَا تَرَى إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى - حَاكِيًا عَنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَآرِبٌ أُخْرَى». فَيَجْعَلُ مِنْ مَرَافِقِهَا الْإِعْتِمَادَ عَلَيْهَا وَالْهَشَّ عَلَى الْغَنَمِ بِهَا، وَمِنْ الْمَآرِبِ الْأُخْرَى الَّتِي فِيهَا أَنْ تَكُونَ آلَةٌ لِإِدْفَاعِهِ وَعِيْدَةٌ لِقِرَاعِهِ، وَهِيَ بَعْدُ عَوْنٌ لِلْمَاشِي وَهَدَايَةٌ لِلْعَاشِي وَسَلَاطَةٌ لِلرَّاعِي (۱).

یکی از آن مجازات فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که: «در زمانی که وحدت بر شما حاکم است هر کس می خواهد عصای شما را در هم بشکند و جمع شما را پراکنده سازد او را بکشید».

ص: ۱۹۸

جمله «می خواهد عصای شما را در هم بشکند»، استعاره است، و منظور از آن به هم زدن حکومتشان و پراکنده کردن اجتماعشان می باشد. از این رو آن را به در هم شکستن عصا تشبیه کرده که پی آمد در هم شکستنش پیدایش شکافها و تکه ها و لاشه های جدا شده از آن است.

راعی گوید: «فتشقت من بعد ذاک عصاهم شققا و غودر جمعهم مفلولا» پس از آن عصایشان شکست و تکه تکه شد، و جمعشان شکست خورده و فراری گشت.

□ □  
یعنی امورشان پراکنده شد و جمعشان متفرق گشت. مشابه این تعبیر در زبان عرب دو عبارت «فض الله مروتهم» و «فض الله خدمتهم» است - که هر دو در معنای «خدا جمعشان را بپراکند» بکار می روند - ؛ با آنکه معنای اصلی «مروه» و «خدمه» به ترتیب «سنگ سخت» و «حلقه» است. گویا انسجام و همبستگی گروه هایشان را به صخره سخت و محکم؛ و یکپارچگی آنان در کارها را به حلقه بسته تشبیه کرده اند. بکارگیری «شق عصا» در اینگونه موارد می تواند وجه دیگری داشته باشد، و آن اینکه کنایه باشد از شکستن شوکت و سست کردن قدرتشان. زیرا عصا برای صاحبش نیرویی است که با آن خطر را دفع می کند و قدرتی است که به آن اتکا می کند؛ چنانکه خدای متعال از زبان موسی می فرماید: «آن عصای من است که به آن تکیه می دهم، و با آن برای گوسفندانم برگ از درخت فرو می ریزم، و در نیازهایی دیگر به کارم می آید». تکیه بر آن و فروریختن برگ درخت برای گوسفند را از منافع آن قرار می دهد؛ و فوائد دیگری که دارد این است که ابزار دفاع او و وسیله مناسب برای زدن است؛ و با این همه مددکار پیاده و راهنمای کم بینا و ابزار قدرت شبان نیز می باشد.

(۲۲۸) ۳- الملاحم و الفتن: عَنْ عبيدَةَ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا يَزَالُ هَؤُلَاءِ آخِذِينَ بِشَيْحٍ هَذَا الْأَمْرِ مَا لَمْ يَخْتَلَفُوا بَيْنَهُمْ؛ فَإِذَا اخْتَلَفُوا خَرَجَتْ مِنْهُمْ، فَلَمْ تَعُدْ إِلَيْهِمْ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ - يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةَ - (۱).

عبیده گوید: از علی علیه السلام شنیدم می فرمود: اینان - یعنی بنی امیه - تا وقتی با هم اختلاف پیدا نکرده اند اساس حکومت را در دست دارند؛ آنگاه که اختلاف پیدا کردند حکومت از دستشان خارج می شود، و تا روز قیامت دیگر به آنان باز نخواهد گشت.

(۲۲۹) ۴- الملاحم و الفتن: قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي بَنِي أُمِّيَّةَ مَا لَمْ يَخْتَلَفْ بَيْنَهُمْ رُمَحَانٍ؛ فَإِذَا اخْتَلَفُوا بَيْنَهُمْ، خَرَجَتْ مِنْهُمْ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲).

ابن عباس گفت: کار حکومت در میان بنی امیه تا هنگامی می پاید که رو در روی یکدیگر نایستاده اند؛ هنگامی که میان آنان درگیری پیش آمد حکومت تا روز قیامت از دستشان خارج خواهد شد.

ص: ۲۰۰

۱- (۱). الملاحم و الفتن، ص ۳۱؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۳۶۴، ح ۳۱۷۵۷..

۲- (۲). الملاحم و الفتن، ص ۳۱..

(۲۳۰)

۵ - مستدرک الوسائل: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ، يَتَسَاوُونَ فِي الْحُقُوقِ بَيْنَهُمْ (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مؤمنان مانند دانه های شانه هستند؛ بر همدیگر حقوقی یکسان دارند.

(۲۳۱)

۶ - تحف العقول: قَالَ الصِّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ سُرْعَةَ اثْتِلَافِ قُلُوبِ الْأَبْرَارِ إِذَا اتَّقَوْا وَإِنْ لَمْ يُظْهِرُوا التَّوَدُّدَ بِاللِّسَانِ نَتْنُهُمْ كَسُرْعَةِ اخْتِلَاطِ مَاءِ السَّمَاءِ بِمَاءِ الْأَنْهَارِ؛ وَإِنْ بُعِدَ اثْتِلَافِ قُلُوبِ الْفُجَّارِ إِذَا اتَّقَوْا وَإِنْ أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِاللِّسَانِ نَتْنُهُمْ كَبُعْدِ الْبُهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ، وَإِنْ طَالَ اغْتِلَافُهَا عَلَيَّ مَذُودٍ وَاحِدٍ (۲).

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: به راستی شتاب دل بسته شدن نیکان به یکدیگر هنگام دیدار همچون شتاب آمیختن آب آسمان با آب رودها است، هر چند به زبان اظهار دوستی نکنند؛ و به راستی دوری دل های بدکاران از یکدیگر هنگام دیدار همانند دوری چهار پایان از مهر ورزی به یکدیگر است، هر چند مدتی طولانی از یک آخور علف بخورند.

(۲۳۲)

۷ - مطالب السؤل: إِزَالَةُ الرِّوَاسِي أَسْهَلُ مِنْ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ الْمُتَنَافِرَةِ (۳).

امیر مؤمنان علیه السلام: از جا کردن کوه ها آسانتر است از پدید آوردن الفت میان دل هایی که از هم متنفرند و با هم دشمنند.

ص: ۲۰۱

۱- (۱). مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۹، ح ۱۰۱۶۶..

۲- (۲). تحف العقول، ص ۳۷۳..

۳- (۳). مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ج ۱، ص ۲۳۴..

□  
 ۲۳۳) ۸- کتاب المؤمن: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ تَلْتَقِي فَتَتَشَاءُ كَمَا تَتَشَاءُ الْخَيْلُ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا أَتْتَلَفَ، وَمَا تَنَازَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ، وَلَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا جَاءَ إِلَى مَسْجِدٍ فِيهِ أَنْاسٌ كَثِيرٌ لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَاحِدٌ، لَمَالَتْ رُوحُهُ إِلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَجْلِسَ إِلَيْهِ (۱).

امام صادق علیه السلام فرمود: روحها سپاهیانی گروه بندی شده اند و چون به هم رسند همانند اسبان یکدیگر را می بویند؛ آنهایی که یکدیگر را می شناسند (خود را از یک گروه می یابند) به هم دلبسته می شوند، و آنهایی که همدیگر را نمی شناسند (خود را از یک گروه نمی یابند)، با هم ناسازگار می گردند. اگر مؤمنی به مسجدی برود که جمع زیادی در آن باشند و در میان آنها جز یک مؤمن نباشد، روح او چنان به آن مؤمن متمایل می شود که می رود و در کنارش می نشیند.

□  
 ۲۳۴) ۹- نهج البلاغه: أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ، وَمُهَيِّمًا عَلَى الْمُرْسَلِينَ، فَلَمَّا مَضَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تَنَازَعَ الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ؛ فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رَوْعِي وَلَا يَخْطُرُ بِبَالِي أَنْ الْعَرَبَ تُزْعَجَ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَا أَنْهُمْ مَنَحُوهُ عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ (۲).

امام علیه السلام هنگام نصب مالک اشتر به حکومت مصر فرمود: پس از حمد و ثنای الهی همانا خداوند سبحان محمد را بر انگیخت تا بیم دهنده جهانیان و گواه بر رسولان باشد، همینکه آن بزرگوار از این جهان رفت مسلمانان در باره حکومت پس از او به نزاع برخاستند. به خدا

ص: ۲۰۲

۱- (۱). کتاب المؤمن، ص ۳۹ ح ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۷۳، ح ۱۶..

۲- (۲). نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۱۸..

سوگند نه به قلبم خطور می کرد و نه به ذهنم می آمد که عرب پس از آن حضرت حکومت را از دست خاندانش به در آورد و یا آن را از من دور کند.

(۲۳۵)

۱۰ - کافی: عن أبي بصير قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ يَزُوونَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا بِهِ أَعَزَّ وَمَا اسْتِطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَكِنْ أَحَدُهُمْ يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ فَيَحِطُّ إِلَيْهَا عَشْرًا (۱).

ابو بصیر گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: خداوند بنده ای را رحمت کند که ما را محبوب مردم سازد و آنان را با ما دشمن نکند. هان! به خدا، اگر سخنان خوب و زیبای ما را نقل می کردند با این کار عزیزتر بودند، و کسی نمی توانست به هیچ وجهی به آنان دست اندازی کند، ولی یکی از آنان سخنی را می شنود و از خود ده تا روی آن می گذارد.

(۲۳۶)

۱۱ - نهج البلاغه: وَقَالَ لَهُ بَغِضَ الْيَهُودِ: مَا دَفَنْتُمْ نَبِيَّكُمْ حَتَّى اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: إِنَّمَا اخْتَلَفْنَا عَنْهُ لَا فِيهِ؛ وَلَكِنَّكُمْ مَا جَفَّتْ أَرْجُلُكُمْ مِنَ الْبَحْرِ حَتَّى قُلْتُمْ لِنَبِيِّكُمْ: «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (۲). (۳)

یکی از یهودیان به امیر مؤمنان علیه السلام عرض کرد: شما پیامبرتان را دفن نکرده دربارۀ او اختلاف کردید. امیر مؤمنان علیه السلام به او پاسخ داد: ما اختلافمان در چیزهایی بود که از او رسیده نه دربارۀ خود او. و اما شما پاهایتان از آب دریا خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید:

«همانگونه که آنان خدایانی دارند، برای ما خدائی قرار ده. و او گفت: به راستی شما گروهی نادان هستید».

(۲۳۷)

۱۲ - معانی الأخبار: عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ رَفَعَهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:

أَخْبِرْنِي عَنِ السُّنَّةِ وَالْبِدْعَةِ وَعَنِ الْجَمَاعَةِ وَعَنِ الْفِرْقَةِ؟ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْبِدْعَةُ مَا أَحْدَثَ مِنْ بَعْدِهِ، وَالْجَمَاعَةُ أَهْلُ الْحَقِّ وَإِنْ كَانُوا قَلِيلًا، وَالْفِرْقَةُ أَهْلُ الْبَاطِلِ وَإِنْ كَانُوا كَثِيرًا (۴).

ص: ۲۰۳

۱- (۱). کافی، ج ۸، ص ۲۲۹، ح ۲۹۳..

۲- (۲). اعراف: ۱۳۸..

۳- (۳). نهج البلاغه، ج ۴، ص ۷۵، ح ۳۱۷..



عاصم بن حمید روایت کرده که شخصی به حضور امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از مفهوم «سنت»، «بدعت»، «جماعت» و «فرقه» سؤال کرد. حضرت فرمود: سنت آن چیزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مقرر فرمود، بدعت آن چیزی است که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله پدید آمد، و جماعت، طرفداران حق اند هر چند اندک باشند، و فرقه، طرفداران باطل اند هر چند بسیار باشند.

ص: ۲۰۴

الف) پیشینه اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی

ب) معرفی منادیان وحدت اسلامی

ص: ۲۰۵



نخستین منادیان وحدت

دعوت به همبستگی و پرهیز از تشّت و تفرقه، از مسائل مهمی بوده که مکرّر در کلام خدا و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم بر آن تأکید شده است. به موازات پیدایش خط تفرقه در جامعه اسلامی و نشو و نماي حرکتهاي برخاسته از هواهاي نفساني از قبيل: کينه های دیرین جاهلی، حسادتها، قدرت طلبی ها، برتری جویی های فردی، قومی و قبیله ای که منازعاتی را بوجود می آورد و آتش اختلاف را شعله ور می ساخت، و صفوف به هم فشرده مجاهدان اسلام را از هم می پاشید و موجب تضعیف آن می گردید، ندای وحدت، اتحاد و توحید کلمه، هم از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هم از اصحاب اصلاح طلب و بزرگوار ایشان نیز شنیده می شد و مانع از گسستگی امت اسلام می گردید.

اما پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، نخستین شکاف عمیق در میان صحابه بزرگ آن حضرت بر سر مسئله رهبری و جانشینی امت اسلامی بوجود آمد، که گرچه پر اهمیت بود و هر کدام به دلایل مختلفی در این باره تمسک می جستند، ولی پس از ماجرای سقیفه و تعیین نخستین خلیفه، بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، با همه اختلاف سلیقه و بینشی که داشتند، تمکین و یا سکوت اختیار کردند و مانع از هم پاشیدگی و تفرقه در جامعه اسلامی

ص: ۲۰۷

---

۱- (۱). با اندکی تلخیص، نوشته استاد محمد جواد صاحبی، تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۴۸ - ۵۷، مدارک ذکر شده در این مقاله تا ص ۲۱۳ از منبع مذکور نقل می شود..

شدند. چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: موقعی که مردم با ابوبکر بیعت کردند، امیر المؤمنین علی علیه السلام از ادعای خلافت دست کشیدند، زیرا بیم آن داشتند که مسلمین یکباره به سوی بت پرستی بازگردند و ندای لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فراموش شود (۱) حتی در برابر کسانی که ایشان را به مقاومت و لشکرکشی فرا می خواندند فریاد زدند:

أَيُّهَا النَّاسُ، شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاهِ...

... آنگاه از دلاوریها و شجاعتهای خویش یاد کرده و با تأکید بر اینکه از هیچ حادثه ای حتی مرگ هراسی به دل راه نمی دهند، اما به خاطر علمی که در سینه خویش دارند و دیگران از آن محروم هستند از برافراشتن علم مخالفت عذر می خواهند. (۲) ... امام علی علیه السلام برای حفظ وحدت داخلی مسلمانان، که متضمن حفظ نظام اسلامی است، و بی تردید ایمان و اعتقاد مردم و احکام شرعی مرهون مقبولیت عمومی و قدرت آن است، از هرگونه حرکتی که به تضعیف نظام و یا تشّت و ازهم پاشیدگی صفوف مسلمانان بیانجامد، پیروان خویش را برحذر می داشت. آن حضرت با وجود پیروان و دوستان فراوانی که داشت، نه تنها به مخالفت آشکارا با خلفا و پیروان آنها نپرداخت، بلکه از هیچ گونه رایزنی و مساعدت فکری به آنها کوتاهی نکرد تا جایی که خلیفه دوم بارها گفت: «لولا علی لهلك عمر». (۳) و نیز این گفته او که: «مشکلی برایم نماند که ابو الحسن علی علیه السلام آن را نگشاید». (۴) گزارشات تاریخی حاکی از آن است که مشورت با امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مهم امور و در بسیاری از موارد، دستگاه خلافت را از لغزشهای اصولی بازداشته و بویژه سازمان قضایی حکومت را بر استیفای حقوق مردمان وامی داشت و این روش تا زمان تبدیل خلافت به سلطنت اشرافی اموی ادامه داشت...

ص: ۲۰۸

۱- (۱). صحیح کافی، حدیث ۴۴۰۷.

۲- (۲). نهج البلاغه، (شرح محمد عبده)، ج ۱، ص ۴۰.

۳- (۳). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۸؛ کافی، ج ۷، ص ۴۲۴، حدیث ۶.

۴- (۴). امیر المؤمنین علیه السلام اسوه وحدت، محمد جواد شری، ص ۲۴۵، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی علیه السلام، ۱۳۶۶.

با مرگ صحابه و تابعین، به دلیل دور شدن از عصر نزول وحی، استظهارات و برداشتهای عالمان دینی از کتاب و سنت، برای بدست آوردن احکام شرعی متفاوت گشت و همین امر سبب ظهور و بروز مذاهب فقهی گردید. البته نه بگونه ای که ناسازگاری در اجتماع مسلمانان ایجاد کند. زیرا دست کم دو تن از ائمه مذاهب فقهی اهل سنت، از شاگردان میز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بوده اند، و هر دو از آن حضرت به نیکی یاد کرده اند، و گویا میان آنها مراوده و مباحثه علمی نیز وجود داشته است، چنانکه ابوحنیفه در حضور منصور دوانیقی، چهل مسأله از امام صادق علیه السلام پرسید، و آن حضرت به یک یک آنها جواب داد، و علاوه بر پاسخ او، نظر علمای عراق و علمای حجاز و آنچه را که اهل بیت علیهم السلام درباره یک یک آن مسائل معتقدند بیان کرد و ابوحنیفه در پایان بحث اظهار داشت:

«به راستی داناترین مردم، کسی است که به اختلاف نظرهای مردم آگاهی داشته باشد». (۱) مالک نیز از شاگردان امام صادق علیه السلام، و با آن حضرت در رفت و آمد بوده و پیوسته ایشان را ستوده، چنانکه خود گفته است:

«من نزد جعفر بن محمد علیهما السلام می رفتم و مدتی نزد او رفت و آمد داشتم، او را جز با یکی از سه ویژگی ندیدم؛ یا در حال نماز، یا روزه دار، و یا در حال خواندن قرآن، و هیچ وقت ندیدم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیثی را نقل کند مگر با طهارت، و سخنی را که مربوط به او نبود هرگز نمی گفت. او از جمله عبّاد و زهادی بود که از خدای متعال ترس و خشیت داشت و من هیچ وقت به دیدار او نرفتم مگر اینکه متکا را از پشت سر خود بر می داشت و پشت سر من می گذاشت». (۲) البته دو پیشوای دیگر اهل سنت یعنی احمد حنبل و شافعی نیز احادیث و اشعاری در مدح اهل بیت پیامبر علیهم السلام نقل کرده اند (۳)؛ ولی مراد ما در اینجا این نیست، زیرا که قاطبه اهل

ص: ۲۰۹

۱- (۱). الامام الصادق علیه السلام، محمد ابو زهره، ص ۲۷..

۲- (۲). همان، ص ۷۶ و ۷۷..

۳- (۳). المسند، ج ۵، ص ۱۸۱؛ الصواعب المحرقة، ابن حجر، ص ۱۰۸..

سنت، آن بزرگواران را ستوده اند و اگر افراد انگشت شماری در این باره جانب ادب را نگاه نداشته اند، ربطی به پیشوایان و عالمان وارسته این مذاهب ندارد ...

### بنیانگذاران تقریب بین مذاهب اسلامی

در قرن حاضر از جهان تسنن، اقبال لاهوری، مودودی پاکستانی، حسن البنا و سید قطب مصری پیوسته شعار وحدت را زمزمه کردند... ولی اینان نیز به دلیل شرایط حاکم و درگیری با استبداد داخلی و استعمار خارجی، از مبادله علمی و فکری و تفاهم با عالمان مذاهب دیگر بازماندند.

همزمان با این بزرگواران در جهان تشیع نیز آرمانگرایان و اصلاح طلبانی چون علامه شهید مرتضی مطهری، آیت الله سید محمود طالقانی، آیت الله شهید دکتر بهشتی و... با مصلحان اهل سنت هم‌نوا گردیدند.

اما باید بپذیریم که هیچکدام از اینان نفوذ کلمه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت را نداشتند و به حق این سه تن حرکتی را آغاز کردند و به ثمر رساندند که در دنیای اسلام بی نظیر بود. زیرا در جهان تشیع شخصیتی چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی با عنوان مرجع عام شیعیان از اعتبار ویژه و گسترده ای برخوردار بود. ایشان با توجه و علاقه فراوانی که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت، یکی از پرشکوهترین حماسه های تاریخ اسلام را آفرید. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته، در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف، چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز، سیاستهای استعماری از این تفرقه حد اکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند و نیز توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آنها شیعه را نشانند و درباره آنها تصوّراتی دور از حقیقت بنمایند، به این جهت بسیار علاقمند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود، تا از طرفی وحدت

اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدّس است، تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه، فقه شیعه و معارف شیعه آنطور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند معرفی شود.

از حُسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظّم له - زمانی که هنوز ایشان در بروجرد بودند - دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد. معظّم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن به این فکر و به این مؤسسه کمک و همکاری کرد... برای اولین بار بعد از چندصد سال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سال شیخ محمود شلتوت، مفتی مصر و رئیس جامع الازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه ها مبادله گردید. شهید آیت الله مطهری درباره دل بستگی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی به وحدت اسلامی و دار التقرب می نویسد:

«معظّم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقمند بود بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می زد. عجیب این است که از دو منبع موثّق شنیدم که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اولی که عارض شد و مدّتی بی هوش بودند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقرب و وحدت اسلامی را طرح می کنند و می گویند:

□  
من آرزوها در این زمینه داشتم». (۱) اهمیت علاقه و نظر مرحوم آیت الله بروجردی نسبت به مسئله وحدت اسلامی، هنگامی بیشتر جلب نظر می کند که به خاطر آوریم ایشان هنگام وفات نزدیک به ۸۷ سال داشته است، و این اندیشه را پس از هفتاد سالگی دنبال کرده است.

علمای بزرگ اهل سنت نیز در همان زمان پا به پای این بزرگ مرجع شیعی در عصر

ص: ۲۱۱

---

۱- (۱). مرجعیت و روحانیت، گروهی از اندیشمندان اسلامی، ص ۲۱۸ - ۲۱۹..

حاضر، در راه وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب، به پیش آمدند تا جائیکه اندیشمند بزرگ سنی شیخ عبدالمجید سلیم، در پاسخ به پیام شفاهی آیت الله بروجردی که توسط شیخ محمد تقی قمی به وی ابلاغ گردیده بود، چنین می گوید:

«بهترین آرزوی من (اتحاد مسلمین جهان) است که می خواهم مادام العمر آن را عملی سازم، و پیوسته از باریتعالی مسئلت دارم که آرزوی مرا برآورد. و کسانی را که در این راه مقدّس جدّیت دارند تأیید کند». (۱) شیخ عبدالمجید سلیم به این پیمان وفادار ماند اما افتخار صدور فتوای رسمیت مذهب تشیع، نصیب جانشین وی شیخ محمود شلتوت گردید.

این فتوای تاریخی که بین سالهای ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ ش صادر شده است دارای اهمّیت ویژه ای است و مهمّترین فراز آن «جواز پیروی از مذهب مشهور به امامیه اثنا عشریه» است. (۲) - (۳) شیخ شلتوت یادآور شده است که: اجتهاد، ابتدا منبع توافق و تجمّع آراء بود نه مایه تعارض، چنانکه مذاهب مختلف در زیر چتر حجّیت کتاب و سنت باهم گرد آمده بودند.

آنگاه می گوید فقهای مسلمان، باید به دور از تعصّبهها و هواهای نفسانی، هر رأی و اندیشه ای که در تحکیم مبانی اسلام مؤثرتر است و رفاه خانواده و اجتماع را بهتر تأمین می کند، از یکدیگر بپذیرند. برای نمونه فتوای خود را در دفاع از رأی شیعه که منکر اعتبار «طلاق معلّق» و سه طلاق در یک مجلسند، بیان می کند، شلتوت در یک فتوای صریحتر که «جواز تعبد بر وفق مذهب شیعه امامیه» را صادر کرده، همین بحثها را پیش کشیده است.

تأیید و انتشار دو کتاب وسائل الشیعه و مجمع البیان که از منابع مهم فرهنگ شیعه به شمار می آید، در راستای ایده شیخ شلتوت صورت پذیرفت که در مصر به چاپ رسید.

به هر حال این تلاش ها با همکاری عالم ایرانی شیعی، شیخ محمد تقی قمی به بار نشست

ص: ۲۱۲

---

۱- (۱). خاطرات زندگانی آیت الله العظمی بروجردی، محمد حسین علوی طباطبایی، ص ۱۱۸..

۲- (۲). همان، ص ۱۲۰..

۳- (۳). متن کامل این فتوا در صفحه ۳۶۵ همین کتاب آمده است..

و به قول خود شلتوت « بزودی توانستند پیروان مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی در کنار برادران شیعی خود از اثناعشری و زیدی در فضایی مملو از روح اخوت و مهر و رفاقت، به بحث بپردازند». (۱) افسوس که این فعالیتها، سالهاست که تعطیل مانده است، گرچه موج اخوت و اتحادی که توسط انقلاب اسلامی ایجاد شده است، می رود تا بزودی بگونه یک حرکت سیاسی فرهنگی نیرومند حماسه های گذشته اسلام را تجدید نماید.

براستی در این موج اخیر نقش بیدارگرانه حضرت امام خمینی رحمه الله آنچنان عظیم و پر ارج است که بررسی آن نیاز به رساله ای جداگانه دارد. دفاع امام راحل رحمه الله از مسلمانان مظلوم سراسر گیتی بدون در نظر داشتن مذهب و ملیت خاص، نشانه ای از اعتقاد عمیق ایشان به این مسئله است... .

پس از ایشان بزرگترین منادی وحدت اسلامی و پرچمدار تقریب بین مذاهب، رهبر عظیم الشأن جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی هستند که با تأکید بر وحدت و اتحاد اسلامی و تأسیس مجمع تقریب بین المذاهب، به آرزوهای علمای مجاهد و مصلحان مسلمان و بویژه آرمانهای بلند حضرت امام خمینی رحمه الله جامعه عمل پوشانده اند.

ص: ۲۱۳

---

۱- (۱). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، حمید عنایت، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، ص ۹۲..



در این بخش، به معرفی بزرگان و اندیشمندان جهان اسلام از ملیت‌های مختلف در ۱۲۰۰ سال اخیر پرداخته و به برخی از خدمات پر ارج آنان در راه وحدت امت اسلامی اشاره می‌کنیم.

روشن است پرداختن به بیوگرافی عالمانی که در این زمینه، گامهای بزرگی برداشته‌اند، از حد کتاب خارج است و ما فقط اختصاراً به زندگی نامه، اندیشه‌ها و تلاش‌های حدود صد تن از شخصیت‌ها و منادیان وحدت اکتفا می‌نمائیم، و به روشنی درمی‌یابیم که این افراد در بین اختلاف نظرهای علمی و فرقه‌ای خود بر این مسأله پافشاری دارند که امت اسلامی هماهنگ و منسجم در صفتی واحد برای مقابله با کفر و رسیدن به عزت و کرامت باید بسیج شوند.



متوفای: ۲۸۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابراهیم، نام پدر: محمد، ولادت: اوائل قرن سوم قمری، محل تولد: عراق، کوفه.

تحصیلات: وی پس از دوران کودکی بر اثر اشتیاق به تحصیل علوم اسلامی به حضور اساتید عصر خود شتافته و از محضر آنان علوم حدیث و تاریخ را فرا گرفت. از قرائن تاریخی بر می آید که او در سالهای (۲۰۰ تا ۲۶۰)، عصر امامت امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام در کوفه و اصفهان می زیسته اما بنا بر عللی که بر ما معلوم نیست، نتوانسته است به حضور آن بزرگواران رسیده و از آنان مستقیماً بهره مند شود. ۱.

اساتید: حسین بن هاشم، محمد بن هاشم مرادی، علی بن قادم خزاعی، علی بن هلال احمسی، ابراهیم بن عمرو بن مبارک، احمد بن عمران انصاری، بشیر بن خیشمه، حکم بن سلیمان کندی، یوسف بن کلیب مسعودی و... .

شاگردان: ابراهیم بن هشام قمی، احمد بن علویه اصفهانی، احمد بن محمد بن خالد برقی، حسن بن علی بن عبدالکریم زعفرانی، سعد بن عبدالله اشعری قمی، محمد بن حسن الصفار، محمد بن زید الرطاب و... ۲.

آثار قلمی: المعرفه فی المناقب والمثالب، المبتدأ، السیره، معرفه فضل الأفضل، المغازی، السقیفه، الردّه، مقتل عثمان، الشوری، بیعه أمير المؤمنین علیه السلام، الجمل، الصفین، الحکمین، النهروان، و ده ها اثر ارزشمند دیگر. ۳.

سرانجام: این عالم پر تلاش و نویسنده مجاهد و احیاگر معارف اهل بیت علیهم السلام، در قرن سوم هجری و عصر خفقان، بعد از پرورش عده ای از دانشمندان و حدیث شناسان ممتاز و تعلیم دین و نشر احکام، در سال ۲۸۳ در شهر اصفهان رحلت نمود. ۴.

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۴ - ۱۵.

۴. همان، ص ۱۷.

ص: ۲۱۷

- وی عاشق جمع آوری، تدوین و نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بود. او نه تنها به منابع و شخصیت‌های شیعی برای یافتن مطالب و احادیث مورد نیاز خود رجوع می نمود بلکه به محدّثین و دانشمندان مورد اعتماد اهل سنت و سایر فرقه‌ها نیز توجه نموده و از حضور آنان کسب علم می کرد، لذا اعتماد ابن ابی الحدید (شارح نهج البلاغه) به مطالب ابن هلال و نقل بسیار او از کتاب الغارات در شرح نهج البلاغه، در همین راستا است.

- ابن هلال ثقفی به جهت احاطه بر تاریخ اسلام و اطلاعات وسیعی که در این زمینه داشته مورد توجه دانشمندانی از اهل تسنن قرار گرفته است، اما به علّت شیعه بودن برخی از آنان وی را مورد بی مهری قرار داده اند. (۱)- قابل ذکر است ابن هلال ثقفی در ابتدا زیدی مذهب بوده و سپس به مذهب حقه امامیه اثنی عشریه مشرف شده است. (۲)

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۲ و ۱۷..

۲- (۲). پایگاه اطلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶..

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: علی بن بابویه ولادت: ۳۰۶ق، محل تولد: ایران، قم.

تحصیلات: او در سنین کودکی فراگیری دانش دینی را نزد پدر آغاز نمود و تحصیلات ابتدایی و رشد اولیه او در علوم به انجام رسید. محمد عمده مطالب را از پدر خود علی بن بابویه آموخت و افزون بر آن در مجالس و محافل درسی بزرگان علم و ادب حاضر شد. شیخ صدوق پس از آنکه به مرتبه بالایی از تحصیل رسید برای درک محضر اساتید بزرگ و حدیث شناسان آن دوران، سفرهای علمی خود را به مناطق گوناگون آغاز نمود، از سفرهای وی می توان به ری، بلخ، کوفه، بغداد، مکه، مدینه، مشهد، نیشابور، مرو، سرخس، سمرقند، فراعنه و گرگان اشاره نمود. ۱

مشایخ و اساتید: در مقدمه کتاب الهدایه نام حدوداً ۲۶۰ نفر آمده که بیش از ۲۰۰ نفر آنها مورد تأیید قرار گرفته اند. از جمله اساتید شیخ صدوق را می توان محمد بن حسن بن ولید، احمد بن علی بن ابراهیم قمی، محمد بن یحیی بن عطار اشعری قمی، حسن بن ادریس قمی و حمزه بن محمد علوی نام برد.

شاگردان: عدد شاگردان و مجازان از وی را متجاوز از صدها تن نوشته اند اما بجز شیخ مفید از جمله شاگردان صدوق را می توان برادر وی حسین بن علی بن بابویه قمی، هارون بن موسی تلعهکبری و حسین بن عبید الله غضائری، معرفی نمود.

آثار قلمی: مرحوم شیخ طوسی در کتاب الفهرست نوشته است: وی (صدوق) نزدیک به سیصد کتاب تألیف کرده است. ۲. در عین حال ما به برخی از اهم آثار ایشان اشاره می نماییم: من لا یحضره الفقیه، کمال الدین و تمام النعمه، معانی الاخبار، عیون اخبار الرضا علیه السلام، خصال، امالی (مجالس)، علل الشرایع، ثواب الاعمال، عقاب الاعمال، المقنع ۳، الهدایه ۴ و...

سرانجام: شیخ صدوق پس از عمری تلاش و تحقیق در سنگر علم و فرهنگ اسلامی، در سال ۳۸۱ق در سنین حدود ۷۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و در جوار رحمت حق آرامید.

مقبره: ایران، شهر ری.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵ - ۲۸.

۲. الفهرست، ص ۲۰۴.

۳. تصحیح و تحقیق این کتاب، توسط مؤسسه امام هادی علیه السلام - قم انجام و در سال ۱۳۷۴ش موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه تشویقی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران گردید.

۴. تصحیح و تحقیق این کتاب، توسط مؤسسه امام هادی علیه السلام - قم انجام و در سال ۱۳۷۷ش موفق به دریافت لوح تقدیر و جایزه تشویقی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران گردید.

ص: ۲۱۹

- وی دوستدار اتحاد و انسجام مسلمین بود و محور اتحاد را قرآن و اهل بیت علیهم السلام می‌دانست.

- ایشان با علمای اهل سنت ارتباط نزدیک داشت، از آنها أخذ حدیث می‌کرد و در کتبش نقل می‌نمود لذا شیخ صدوق به هر شهر که وارد می‌شد علمای اهل سنت به دیدار او می‌آمدند و با هم تجازی روایی داشتند، در عین حال برای روشن شدن حقیقت در مجالس رسمی مباحثه و مناظره با آنان بحث و گفتگو داشت که بعضی از مجالس مباحثات وی اکنون در دست است.

- در مجالس المؤمنین و مقدمه کتاب الهدایه، برخی مناظرات ایشان در مجلس رکن الدوله دیلمی در شهر ری نقل شده است.

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابو علی فضل بن حسن، نام پدر: حسن بن فضل، ولادت: ۴۶۸ (یا ۴۶۹ق)، محل تولد: ایران، مشهد مقدس، طبرس.

تحصیلات: او دوران کودکی خود را در کنار بارگاه امام هشتم علیه السلام گذرانید و پس از چند سال حضور در مکتب و فراگیری خواندن و نوشتن و آموختن قرائت قرآن، به منظور تحصیل علوم اسلامی آماده گردید و در فراگیری علوم چون ادبیات عرب، قرائت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و کلام، فوق العاده تلاش کرد تا جایی که خود در آن علوم صاحب نظر گردید.

اساتید: ابو علی طوسی (فرزند شیخ طوسی)، جعفر بن محمد دوریستی، عبد الجبار مقرئ نیشابوری، امام موفق الدین حسین واعظ بکر آبادی جرجانی، سید محمد قصبی جرجانی، عبدالله قشیری، ابو الحسن عبیدالله محمد بیهقی، سید مهدی حسینی قاینی، موفق عارف نوقانی، تاج القراء کرمانی. ۱.

شاگردان: رضی الدین حسن طبرسی (فرزند طبرسی)، قطب الدین راوندی، محمد بن علی بن شهر آشوب، ضیاء الدین فضل الله حسینی راوندی، شیخ منتجب الدین قمی، سید شرف شاه حسینی افسسی نیشابوری، برهان الدین قزوینی همدانی. ۲.

آثار قلمی: الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة، اسرار الامامه، اعلام الوری باعلام الهدی، حقایق الامور، عده السفر وعمده الحضر، کنوز النجاح، مجمع البیان، مشکوه الانوار فی الاخبار، الکافی الشافی، جوامع الجامع.

سرانجام: امام مفسران، امین الاسلام طبرسی پس از هفتاد و نه (یا هشتاد) سال زندگی با برکت و سراسر خدمت به اسلام و مردم، در شب عید قربان سال ۵۴۸ق در شهر سبزوار به دیار حق شتافت و جهان اسلام را در عزایش سیه پوش ساخته، در سوگ نشاند. برخی از نویسندگان اسلامی، شیخ طبرسی را به عنوان «شهید» یاد کرده اند. ۳.

مرقد: ایران، مشهد مقدس، باغ رضوان. ۴.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۸۸.

۲. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۴۱ - ۳۴۲؛ مقابس الانوار، شیخ اسد الله تستری، ص ۱۴.

۳. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۴۰؛ روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۵۷.

۴. آرامگاه او تا سال ۱۳۷۰ش در ابتدای خیابان طبرسی مشهد مقدس قرار داشت ولی به دلیل طرح توسعه حرم مطهر رضوی علیه السلام به باغ رضوان انتقال داده شد و اکنون در ساختمانی مخصوص مقبره وی زیارتگاه مؤمنین است. (روزنامه

جمهوری اسلامی، شماره ۳۶۶۰ ص ۴).

ص: ۲۲۱

- وی همواره در پی رشد و احیای اندیشه وحدت فکری و تفاهم مذهبی بود.

- او معتقد بود در جهت کاستن اختلافهای موجود باید به میدان ائتلاف وارد گشت و از قرآن مجید که مورد احترام و قبول همه مذاهب اسلامی است شروع نمود.

- ایشان در تألیف کتاب شریف مجمع البیان، در نقل عقیده و دیدگاه مخالفان تا آنجا که از نظر اصولی به عقیده و مبانی مکتبش خدشه وارد نمی شد دریغ نمی ورزید.

- به عقیده وی دفاع از عقاید شیعه باید با حفظ اعتدال، نداشتن تعصب و افراط و پرهیز از غرور در آمیخته باشد.

#### تلاش ها

- شیخ در جریان تألیف تفسیر مجمع البیان، خدمتی پر ارج را در نزدیک ساختن افکار و اندیشه های مذاهب اسلامی به انجام رسانید و نام خود را در میان شیعیان و دانشمندان منصف اهل سنت جاودانه ساخت. (۱) - اکنون به نظرات دو تن از بزرگان شیعه و سنی درباره این اقدام شیخ طبرسی می پردازیم.

علامه سید محسن امین عاملی در این باره چنین می نگارد:

«... بزرگی، عظمت، تبخر در علوم و وثاقت او امری است که نیاز به بیان ندارد و مجمع البیان بهترین شاهد بر این مدعاست؛ کتابی که انواع علوم را در آن جمع ساخته، نظرات پراکنده در تفسیر را بیان نموده و در هر مقام به احادیث اهل بیت علیهم السلام در تفسیر آیات قرآن اشاره کرده است. او دلایل روشن و مورد قبول را با حفظ اعتدال، گزینش نیکو در اقوال، رعایت ادب و حفظ و نگهداری گفتار، در مقابل مخالفان فکری جمع کرده است، به نحوی که در کلامش جمله ای که نفرت از خصم را حکایت کرده یا مشتمل بر تقیح آنها باشد

ص: ۲۲۲

یافت نمی شود و این خصیصه و امتیاز در آثار کمتر مؤلف و مصنفی یافت می شود. به گفتار او در مقدمه جوامع الجامع بنگرید که چگونه به تعظیم و ثنای علم و دانش صاحب‌الکشاف برخاسته است؛ تا بدانید که آن امر، از بزرگی انصاف و پاکی نفس او می باشد». (۱) شیخ محمود شلتوت، رئیس سابق دانشگاه الازهر، نیز علامه طبرسی و آثارش را چنین معرفی می کند:

«شیخ طبرسی اگرچه به بیان نظرات اختصاصی شیعه در احکام و آراء مورد اختلاف اهتمام می ورزد - به نحوی که گاه آثار عواطف مذهبی در آن پیداست - ولی در این عاطفه طریق افراط در پیش نمی گیرد و مخالفان خود و مذهب خود را مورد حمله قرار نمی دهد.

واقعیت آن است که باید به این شیوه تا آنجا که به اصول مذاهب و مسائل ریشه ای آن مربوط می شود نگاهی آرام و با اغماض داشته باشیم... .

وی به آنچه داشت و آنچه از دانش شیخ امت و مرجع بزرگ آن در تفسیر یعنی «امام طوسی» صاحب کتاب «تبیان» گرد آورد، بسنده نکرد؛ تا آنکه به دانش جدید که بدان آگاهی یافت روی آورد و آن دانش صاحب کشف بود که شیخ طبرسی این اطلاعات جدید را با اطلاعات قدیم خود پیوند داد و اختلاف میان او و این کار مانع نشد، چنانکه اموری که از تعصب بر می خاست نیز مانع چنین امری نشد و حجاب هم عصری میان آنها حائل نشد و حال آنکه هم عصری نیز خود نوعی مانع است...». (۲)

ص: ۲۲۳

- 
- ۱- (۱). اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۸؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص ۹۵..
  - ۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۹۵، به نقل از مجله مشکوه، ش ۳۰، ص ۱۳ - ۱۲..

متوفای: ۶۹۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: علی بن عیسیٰ، نام پدر: فخرالدین ابو الفتح، ولادت: قرن هفتم هجری، محل تولد: عراق، اربل ۱.

تحصیلات: وی بعد از اتمام تحصیلات و کسب علوم رایج عصر خویش در نزد اساتید فن و نخبگان آن دوران به ترویج فرهنگ اسلام پرداخت. او در فن نگارش، شعر و ادب، مورد توجه عالمان دانش دوست و حاکمان عالم پرور قرار گرفت. در دوران جوانی و اواخر خلافت حکمرانان بنی عباس، در زادگاه خویش به فن کتابت و نویسندگی اشتغال داشت. ۲.

اساتید: رضی الدین سید علی بن طاووس، سید جلال الدین علی بن عبد الحمید بن فخار موسوی، تاج الدین ابو طالب علی بن انجب، حافظ ابو عبد الله محمد گنجی شافعی و ... .

شاگردان: علامه حلی، شیخ رضی الدین (برادر علامه حلی)، سید شمس الدین محمد بن فضل علوی حسنی، تاج الدین محمد بن علی اربلی (فرزند علی بن عیسیٰ) و ... .

آثار قلمی: المقامات، رساله الطیف یا طیف الانشاء، دیوان اشعار، کشف الغمه فی معرفه الائمة علیهم السلام .

سرانجام: وی پس از سالها تلاش و کوشش در راه دین، مذهب تشیع و اعتلای پرچم پر افتخار اهل بیت علیهم السلام در سال ۶۹۳ق دار فانی را وداع و به دیدار معبود شتافت.

مقبره: عراق، بغداد، منزل شخصی وی.

۱. اربل یکی از شهرهای شمال عراق در نزدیک موصل و منطقه ای کرد نشین است و امروزه به آن اربیل گفته می شود و مرکز استانی به همین عنوان است.

۲. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۶۲.

۳. همان، ص ۷۳.

ص: ۲۲۴

- وی هنگامی که برای تنظیم و تکمیل کتاب شریف کشف الغمه به منابع اهل سنت مراجعه می کند، به غیر از مناقب و فضائل حضرت علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام، در مورد سایر ائمه علیهم السلام با کمبود مطلب مواجه می شود. او متوجه می گردد که آگاهان آنان نیز در این مورد سهل انگاری کرده اند. به این جهت با ابراز شگفتی و اظهار تأسف از این همه بی مهری نسبت به ائمه هدی علیهم السلام می گوید:

«چگونه از منظر دانشمندان اهل سنت نام، یاد، شرح حال، سخنان و حسب و نسب آن گرامیان پوشیده مانده است؟! در حالی [که] آنان در طول تاریخ تلاش می کرده اند اسامی و سخنان ناقلین اخبار و اشعار و امثال را در کتاب های مفصل خود بگنجانند حتی نام و گفتار و حرکات مجانین، آوازه خوان ها، لطیفه گوینان، افسانه پردازان، بذله گوینان و سایر صنّف های عرب در متن تألیفات و تواریخ قید شده است؛ تا آن جا که از افرادی که فقط یک بیت شعر و یا یک ضرب المثل گفته [اند]؛ به توضیح و تفصیل سخن رانده اند و در مورد آشنایی با ابعاد و نسبت اصوات آوازه خوانان و مغنیان به بحث نشستند؛ اما بسی جای شگفتی و تأسف است که مؤلفین و قلم پردازانی که با آن همه حرص و ولع این حوادث و نکات غیر مهم را ثبت کرده اند در مورد طایفه ای از عرب که جدّ آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پدر شان وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مادر آنان فاطمه علیها السلام و مادر بزرگشان خدیجه علیها السلام و... و قرآن به پاکی و طهارت آنان شهادت داده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر دوستی و مودت آنان تشویق و امر کرده است، هیچ سخنی قابل عرضه به میان نمی آورند.

من به چشم خود مشاهده کردم که در زمان ما قضات و مدرّسین آنان زیارت امام موسی بن جعفر علیهما السلام را نمی پسندیدند و برای ما جایز نمی شمردند و هرگاه ما همراه آنان بودیم و در سر راه به زیارت آن حضرت مشرف می شدیم آنان در بیرون توقّف کرده و بعد با ما مراجعه می کردند. این درحالی بود که خود آنان به زیارت قبور صوفیه و برخی قبور ناشناخته می رفتند. ما به خداوند متعال از هواهای نفسانی پناه می بریم» (۱).

ص: ۲۲۵

- رعایت ادب و احترام در تألیفات و گفتار؛ لذا علمای شیعه جز ثناگویی هیچ درباره آن بزرگ مرد ندارند و حتی عالمی متعصب از اهل تسنن چون «فضل بن روزهان» که در ردّ علامه حلی کتاب نوشته، وقتی به نام اربلی می‌رسد، می‌گوید: امامیه متفقند که علی بن عیسی اربلی از بزرگ‌ترین علمای آنهاست و آثارش هیچگاه کهنه و پوسیده نمی‌شود. او قابل اعتماد و مورد وثوق در نقل است. (۱)- تألیف کتاب گرانسنگ کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام: از مهمترین ویژه‌گی‌های این کتاب به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱. احترام به آراء و افکار اهل تسنن و تقدیم منابع آنان - در استنادات فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام - بر روایات شیعی. این جهت در پذیرش کتاب و محتوای آن برای اهل سنت دارای اهمیت ویژه‌ای است.

۲. آزاداندیشی و دوری از هر گونه تعصب خشک و تندروی. (۲)۳. مرحوم اربلی در تمام بخش‌های کتاب سعی می‌کند نخست فضائل و مناقب هر معصوم علیه السلام را از منابع مورد قبول اهل سنت بیان کند و سپس به احادیث و روایات شیعی استناد نماید. او به این وسیله سخن حق را از زبان مخالفین آن بیان کرده و آنان را از انکار آن باز می‌دارد. نمونه‌ای از استنادهای اربلی را در این رابطه می‌آوریم:

الف) محدث اربلی در باب فضیلت بنی هاشم بعد از نقل سخنانی از ابی عثمان عمرو بن جاحظ - که چکیده دو رساله وی است - می‌گوید:

«ابن جاحظ از مردان نامدار جهان اسلام و از افرادی است که در فضل و علم و هوشیاری و اطلاعات گسترده‌وی و آشنایی [او] با دقیق‌ترین مسائل ریز و درشت تردیدی وجود ندارد.

وی شیعه هم نبوده تا متهم شود بلکه فردی عثمانی و مروانی است. تألیفات فراوان وی شاهد این حقایق است؛ اما با همه این‌ها او در دو رساله خویش با استدلال‌های قرآنی

۱- (۱). پایگاه اطلاع‌رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۵، ص ۶۶..

و برهانی، فضیلت خاندان بنی هاشم و برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام را با وجوهی غیر قابل انکار اثبات می کند؛ به گونه ای که هیچ شک و تردیدی در مخاطب خود باقی نمی گذارد و حقیقت، مانند صبح روشن بر وی آشکار می گردد. اگر اعتقاد وی هم، چنین بود چه بهتر؛ اما مطمئناً - به گواهی آثارش - او این اعتقاد را قبول نداشته بلکه خداوند متعال زبان وی را به اظهار حق ناطق گردانیده تا حجتی باشد بر وی در دنیا و آخرت...» (۱) ب) اربلی خطبه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که در نوع خود بی نظیر است و از جهات متعددی برای اثبات حق، گویاترین و محکم ترین سند است، از افراد معتبر اهل تسنن به روایت عمر بن شبه از کتاب «السقیفه عن عمر بن شبه»، تألیف ابی بکر احمد بن عبد العزیز جوهری نقل می کند. (۲) عمر بن شبه در وثاقت نقل و صدق حدیث در میان اهل سنت معروف است. (۳)

ص: ۲۲۷

---

۱- (۱) . کشف الغمّه، ج ۱، ص ۳۸..

۲- (۲) . همان، ص ۴۸..

۳- (۳) . تهذیب التهذیب عسقلانی، ج ۶، ص ۶۶..

متوفای: ۹۴۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: علی، ولادت: نیمه نخست قرن نهم قمری، محل تولد: بحرین، احساء.

تحصیلات: وی تحصیلات مقدماتی علوم حوزوی را در زادگاهش نزد اساتید آن دیار شروع نمود، او بعد از طی مراحل اولیه برای کسب مراحل عالی، راهی شهر علم و اجتهاد نجف اشرف گردید، تا اینکه پس از سالها تحصیل و تحقیق به درجات عالی علم و کمال دست یافت و در ردیف مجتهدان و عالمان بزرگ دنیای اسلام قرار گرفت. ۱.

اساتید: علی بن ابراهیم احسائی (پدر)، حسن بن عبدالکریم فتال غروی، ۲ علی بن هلال جزائری، شیخ حرز الدین اوالی (بنابر نقل برخی از منابع «اوابلی» است ۳، عبدالله بن فتحان قمی و ... .

شاگردان: سید محسن رضوی مشهدی، شیخ ربیعہ جزائری، شیخ محمد بن صالح غروی، سید محمد طالقانی.

آثار قلمی: الاقطاب الفقیهیه والوظائف الدینیہ علی مذهب الامامیہ، اسرار الحج، بدایه النهایه فی الحکمه الاشراقیہ، شرح علی رساله معین الفکر، رساله فی العمل باخبار اصحابنا، رساله المناظره مع الفاضل الهروی، المجلی لمرآه المنجی، رساله التحفه الکلامیہ، عوالی اللثالی العزیزه فی الاحادیث الدینیہ و ... .

سرانجام: تاریخ دقیق وفات ابن ابی جمهور مشخص نیست؛ اما مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی که در این زمینه دارای تخصص و دقت بیشتری بود، سال وفات او را ۹۴۰ معرفی نموده است. ۴.

مرقد: محل دفن وی به طور مطلق مجهول است.

(همانطور که در مورد فرزندان و بازماندگان وی خبری در کتابهای تراجم یافت نمی شود). ۵.

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۸۳.

۲. اعیان الشیعہ، ج ۵، ص ۲۰۱.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۵، ص ۸.

۴ و ۵. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۱۰.

- وی در سال ۸۸۸ ق به قصد زیارت آستان قدس رضوی علیه السلام، راهی دیار طوس شد. سفری که جلوه‌های شخصیتی و علمی او را بیش از پیش برای عالم اسلام و آیندگان روشن ساخت.

او در این سفر ضمن تألیف و تفسیر علوم اسلامی و تربیت شاگردان در مشهد مقدّس، به دفاع از حریم مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرداخت؛ چرا که با عالمان سرشناس اهل سنت در آن دیار به مناظره پرداخت و در ترویج مکتب تشیع، نقش به‌سزایی ایفا کرد. (۱)- ابن ابی‌جمهور از مشهد مقدّس به شهرهای مجاور مسافرت‌های متعدّد به قصد تبلیغ مکتب تشیع و مناظره با عالمان اهل سنت انجام داد که جز اجمال این سفر از کم و کیف آن‌ها خبری در کتاب‌های تراجم یافت نمی‌شود. (۲)- ایشان با دانشمندان اهل سنت در شرق ایران، مشهد مقدّس و شهرهای مجاور آن در موضوعات مختلف فقهی و اعتقادی به بحث و مناظره پرداخت. مشهورترین آن‌ها، مناظره با فاضل هروی (۳) در سه جلسه طولانی است. جلسه اول در منزل عالم بزرگ سید محسن رضوی، جلسه دوم در مدرسه شادخ در جوار حرم مطهر علی بن موسی الرضا علیهما السلام و جلسه سوم در مکان دیگری بوده است که نام آن ذکر نشده است. در هر سه جلسه، عالمان سنی و شیعه بسیاری ناظر بر گفت و گوی بین وی و فاضل هروی بودند.

موضوع این چند جلسه، امامت بلا فصل امیر المؤمنین علیه السلام، بی‌اساس بودن اجماع در سقیفه، و... بوده است.

از مجموع این مناظرات به دست می‌آید که ابن ابی‌جمهور، شخصیتی علمی، کامل و محیط بر اصطلاحات، مسائل و مطالب علوم مختلف اسلامی مثل تفسیر، فقه، اصول فقه،

ص: ۲۲۹

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰۳، به نقل از نامه دانشوران، ج ۳، ص ۳۷۹..

۲- (۲). همان، ص ۱۰۳، به نقل از دائرة المعارف الاسلامیه الکبری، ج ۲، ص ۲۹۴..

۳- (۳). با این که طرف مناظره به نام «فاضل هروی» مشهور است، ولی تا به حال مشخص نشده است که این دانشمند اهل «هرات»، چه کسی بوده است، امّا احتمال دارد که او احمد بن یحیی بن سعد الدین تفتازانی است که حدود سی سال قضاوت در شهر هرات را به عهده داشته است. همان، ص ۱۰۵، به نقل از دائرة المعارف الاسلامیه الکبری، ج ۲، ص ۲۹۴..

تاریخ، کلام و مسلط بر مبانی فقهی و کلامی اهل سنت بوده و نیز بر شبهات موجود در جامعه اسلامی آن روز و بر شبهه افکنان، اشراف کامل داشته و توانایی کافی برای ارائه جواب های منطقی، متقن و جامع در مقابل آن شبهات داشته است.

نکته جالب اخلاقی که در مناظرات او با فاضل هروی به دست می آید این است که او در هیچ مناظره ای شروع کننده نبوده، بلکه با درخواست طرف مقابل به بحث و گفت و گو می پرداخت و به دور از هر گونه تعصب نابجا، در تمام آن مناظرات، اخلاق اسلامی، ادب در گفتار و حفظ شؤون علمی و اجتماعی طرف گفت و گو را رعایت می کرد و در صورت غلبه بر طرف مناظره، به تحقیر و استهزاء نپرداخته، بلکه با سکوت او سکوت می کرد؛ تا فرصت دفاع داده باشد و اتمام حجت صورت گیرد.

در این جا ذکر قسمتی از مناظره وی با فاضل هروی که در منزل سید محسن رضوی برگزار شد خالی از لطف نیست:

ابن ابی جمهور: درباره حدیث شریف «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» (۱) چه می گویی؟ آیا آن را (از نظر سند) صحیح می دانی یا خیر؟

فاضل هروی: بله

ابن ابی جمهور: پس بگو امام تو کیست؟

فاضل هروی: از این حدیث، معنای خلاف ظاهر شده است و منظور از «امام»، «قرآن» است یعنی: اگر کسی بمیرد و قرآن را نشناسد، مثل مردگان زمان جاهلیت است.

ابن ابی جمهور: اگر منظور از امام، قرآن است، پس بایستی شناخت و یاد گرفتن قرآن، بر همه مسلمانان واجب عینی باشد که کسی چنین نگفته است.

فاضل هروی: منظور تمام قرآن نیست، بلکه حمد و سوره است چرا که صحیح بودن نماز بستگی به آن دو دارد، که همه اتفاق نظر دارند که آن دو را باید یاد گرفت.

ابن ابی جمهور: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث «امام» را به «زمانه» اضافه کرده است یعنی:

«امام زمانش» را بشناسد و این دلیل بر آن است که در هر زمانی، امامی مخصوص است و

ص: ۲۳۰

مردم مکلفند آن امام را بشناسند و اگر منظور از امام، فاتحه‌الکتاب بود، تخصیص امام به «زمانش» بی فایده بود.

فاضل هروی: بنابر مقتضای این روایت (آن طور که شما معنی می کنید) در این زمان بین من و شما فرقی نخواهد بود.

ابن ابی‌جمهور: خیر (من با شما مساوی نیستم) چه اینکه مراد از روایت، امامی است که با دلائل بسیار او را شناخته و به او اعتقاد دارم ولی تو چنین اعتقادی نداری.

فاضل هروی: آن امامی که تو بر امامت او اعتقاد داری، هرگز او را نمی بینی، جا و مقام او را نمی دانی، فتوای مسائل را از او نمی توانی پرسسی و در دین از او بهره نمی بری، از این رو حال من و تو با هم مساوی است.

ابن ابی‌جمهور: هرگز آن حدیث دلالت ندارد بر این که باید جا و محل اقامت آن امام را دانست و فتوای مسائل را از او شنید. بلکه این قدر دلالت می کند که باید او را شناخت. الحمد لله من او را می شناسم و دلیل های روشنی بر وجوب وجودش، امام بودنش، لزوم متابعت او، امکان ملاقات با او، و این که روزی ظهور خواهد کرد، دارم ولی تو این عقیده را نداری.

فاضل هروی: من در طلب شناخت امام هستم. شنیده ام که در ولایت یمن مردی ادعای امامت می کند، می خواهم خود را به او برسانم و هرگاه دیدم که در ادعایش صادق است، از او تبعیت خواهم کرد.

ابن ابی‌جمهور: پس شما در این زمان (که هنوز امام را نشناخته ای) از مردمان جاهلیت هستی و اگر بمیری در زمره مردگان زمان جاهلیت محشور می شوی. چرا که شناخت امام زمانت را عملاً نپذیرفته ای و به وجود او در هر زمانی باور پیدا نکرده ای.

در این هنگام فاضل هروی از جواب بازماند و دیگر سخن نگفت. (۱) ابن ابی‌جمهور احسائی می گوید: بعد از جریان مناظره در سه جلسه و در ماندن او نسبت به مطالب و سؤال های من، دیگر با وی ملاقات نکردم ولی بعد از چند روز

ص: ۲۳۱

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰۶ به نقل از نامه دانشوران، ج ۳، ص ۳۸۶..

سید محسن رضوی او را دیده بود و می گفت: فاضل هروی را در مذهب تشیع متردد یافتم چرا که می گفت:

«من قصد زیارت حسین بن علی علیهما السلام را دارم، اگر راستی گفته های شما بر من ظاهر شد، در این صورت از مذهب اهل سنت براءت جسته، مذهب تشیع را اختیار خواهم کرد».

پس از آن دیگر از وی اطلاعی حاصل نکردم. (۱)

ص: ۲۳۲

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۱۰۶..

شهادت: ۹۶۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: زین الدین، نام پدر: نور الدین علی، ولادت:

۹۱۱ق، محل تولد: لبنان، شهرک جبع.

تحصیلات: وی در نه سالگی پس از یادگیری روخوانی قرآن کریم، تحصیلات خود را آغاز کرد.

نخستین معلم وی پدرش علی بن محمد عاملی بود که زین الدین ادبیات عرب، کتابهای مختصر النافع و اللمعه دمشقیه را نزد وی آموخت. او مدتی بعد به روستای میس، واقع در جبل عامل رفته و مدت هشت سال در نزد یکی از دانشمندان و محققان بزرگوار زانوی ادب زد و مجدداً پس از مدتی روستای میس را به قصد روستای کرک نوح ترک گفت. عطش سیراب ناپذیری شهید ثانی نسبت به دانش فلسفه و حکمت و کسب معارفهای والای اسلامی وی را در سال ۹۳۷ق به شهر دمشق کشانید. ایشان سفرهای دیگری نیز به مناطق گوناگون جهت تحصیل علم از جمله قاهره، دمشق، مکه و مدینه داشته است.

اساتید: علی بن احمد عاملی (پدر)، شیخ علی بن عبد العالی، سید بدر الدین حسن اعرجی، شمس الدین محمد بن مکی، شهاب الدین، احمد رملی، ملا حسین جرجانی، ناصر الدین طبلاوی، عبد الحمید سنهوری، محمد بن عبد القادر شافعی و... .

شاگردان: شیخ حسین بن عبد الصمد (پدر شیخ بهایی)، علی بن زهره جبعی، ابن عودی، سید نور الدین علی عاملی جبعی (پدر صاحب مدارک)، محمد بن حسین ملقب به حر عاملی مشغری (جد پدری صاحب وسائل الشیعه) و... .

آثار قلمی: وی بیش از ۷۰ کتاب و رساله در موضوعات گوناگون تألیف نموده که بخشی از آنان شامل: شرح لمعه، مسالک، منیه المرید، اسرار الصلاه، البدایه فی الدرایه، حاشیه القواعد، رساله فی صلاه الجمعه و... ۱.

سرانجام: در سال ۹۶۶ق، دست ناپاک فردی شیطان صفت از مأموران سلطان سلیم، آن فقیه بزرگ و عالم ربانی را به شهادت رساند و سر از بدن آن فرزانه جدا نمود. ۲.

مقبره: پیکر شریف شهید ثانی پس از آن که سه روز بر زمین ماند، توسط نامردان بیگانه به دریا افکنده شد. ۳.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۷۸.

۳. پایگاه اطلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶.



- وی دوستدار اتحاد و انسجام مسلمین بر محور قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود، او خواهان همزیستی مسالمت آمیز مسلمین بود، و همه مسلمین را ید واحد و مشت گره کرده ای در مقابل مشرک و کفر می دانست و با اشراف بر مبانی فقهی و استدلالی اهل سنت، مفتی همه فرق و مذاهب اسلامی به شمار می رفت.

## تلاش ها

- شهید در طول زندگی خویش به کشورهای سوریه، عراق، مصر، حجاز، ترکیه و فلسطین سفر کرد (و از نزدیک با دانشمندان و علمای این مناطق مباحثات علمی نمود). وی همچنین در راه ادای وظیفه خویش به شهرهای زیر نیز مسافرت کرد: میس، کرک نوح، دمشق، قاهره، مکه، مدینه، کربلا، نجف، سامرا، کاظمین، بغداد، حله، کوفه، بیت المقدس، سیواس، اسکدار، ازغین، توقات، ملاطیه، استانبول و بعلبک. (۱)- استفاده از محضر درس اکثر اساتید برجسته در مذاهب پنج گانه اسلامی در مسافرت های متعدد خود.

- آغاز تدریس جامعی در بعلبک: توضیح آن که چون نسبت به مذاهب پنج گانه جعفری، حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی از لحاظ آگاهی علمی کاملاً محیط و مسلط بود، بر اساس تمام این مذاهب پنج گانه تدریس می نمود و در حقیقت فقه مقارن و عقاید تطبیقی را تدریس می کرد.

- مرجعیت در سایه شهرت علمی؛ لذا دانشمندان فرزانه و فضیلاي آن دیار از دورترین بلاد برای استفاضه علمی به محضر او روی می آوردند و از برکات اخلاقی ایشان بهره می گرفتند. (۲)- (یکی از دلایل مسافرت های زیاد شهید ثانی) آن بود که می خواست با روش های تنوع

ص: ۲۳۴

۱- (۱). دیدار با ابرار (۲۱) شهید ثانی مشعل هدایت، ص ۷۶..

۲- (۲). پایگاه اطلاع رسانی تبیان، بهمن ماه ۱۳۸۶..

تدریس علوم آشنا گردد و دربارهٔ مذاهب و مکاتب مختلف فکری احاطه ای به هم رساند و افق های گوناگون اندیشه های علمی را باز یابد. (۱) - ابن عودی می گوید: «شهید ثانی در والاترین جایگاه علمی و اجتماعی و در مقام مرجعیت دینی مردم بود و پناهگاه خاص و عام به شمار می رفت. او، مرجع و مفتی همهٔ فرق و مذاهب اسلامی بود و برای هر فرقه ای طبق مذهب خود آنان فتوا می داد و کتابهای آنان را تدریس می کرد. بازار دانش وی در مسجد اعظم بعلبک رونق پیدا کرده بود به طوری که فضلا و دانشمندان از دورترین نقاط آن دیار به بعلبک (نزد شهید ثانی) روی می آوردند». (۲) - مسلمان شدن عده ای از یهود به دست شهید ثانی و گرویدن آنان به آئین مقدس تشیع را از دیگر اقدامات مهم ایشان می توان بر شمرد. (۳)

ص: ۲۳۵

---

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۲۱)، ص ۳۰ .

۲- (۲) . همان، ص ۹۶ .

۳- (۳) . پایگاه اطلاع رسانی شعائر، بهمن ماه ۱۳۸۶ .

متوفای: ۱۱۱۰ق

چکیده ای از زندگی نامه ۱

نام: محمد باقر، نام پدر: محمد تقی، ولادت: ۱۰۳۷ق (مساوی با عدد ابجدی جمله جامع کتاب بحار الانوار)، ۲ محل تولد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی درس و بحث را از چهار سالگی نزد پدر آغاز نمود، ۳ نبوغ سرشار او به حدی بود که در چهارده سالگی از ملا صدرا اجازه روایت گرفت. ۴ محمد باقر توانست در اندک زمانی بر دانش های صرف، نحو، معانی و بیان، لغت، ریاضی، تاریخ، فلسفه، حدیث، رجال، درایه، اصول، فقه و کلام احاطه کامل پیدا نماید. وی در مدرسه ملا عبدالله به تدریس و اقامه نماز اشتغال داشت و در پای درس او بیش از هزار نفر طلبه تلمذ می نمودند.

اساتید: مولی محمد تقی مجلسی (پدر)، علامه حسن علی شوشتری، امیر محمد مؤمن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا صالح مازندرانی. ۵.

شاگردان: مولی ابراهیم جیلانی، مولی محمد ابراهیم بواناتی، میرزا ابراهیم حسینی نیشابوری، مولی محمد تقی رازی، محمد طاهر اصفهانی، سید عزیز الله جزائری، شیخ بهاء الدین محمد جیلی، مولی محمود طبسی، محمد یونس قزوینی، میرزا محمد تقی الماسی، محمد یوسف قزوینی و... ۶.

آثار قلمی: بحار الانوار، مرآه العقول فی شرح أخبار الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، شرح أربعین، رساله الاوزان، الفوائد الطریقه فی شرح صحیفه السجاده، حیوه القلوب، مشکوه الانوار، رساله در زکاه، رساله در شکوک، رساله در جفر، شرح دعای جوشن کبیر، مقیاس المصاییح، تحفه الزائر و بسیاری از کتب ارزشمند دیگر ایشان. ۷.

سرانجام: عالم وارسته، خادم دین و شریعت و منادی وحدت، علامه محمد باقر مجلسی در ۲۷ رمضان ۱۱۱۰ق، چشم از جهان فانی فرو بست و به سرای ابدیت شتافت.

مرقد: ایران، اصفهان، مسجد جامع.

۱. شرحی جامع و دقیق از زندگی ایشان، توسط مؤسسه امام هادی علیه السلام در مقدمه کتاب تحفه الزائر نگاشته شده است.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۴۹، به نقل از ریحانه الأدب، محمد علی مدرس تبریزی، ج ۵، ص ۱۹۶.

۳. همان، ص ۲۵۰، به نقل از زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۵۵.

۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۰، به نقل از زندگی نامه علامه مجلسی، ص ۴۲۶.

۵. همان، به نقل از یادنامه علامه مجلسی، ص ۵.

۶. زندگی نامه علامه مجلسی، ص ۴ - ۱۱۵.

۷. مقدمه تحفه الزائر، ص ۱۱۷ - ۱۳۰.

ص: ۲۳۶

از جمله اقدامات وی در راه وحدت اسلامی، می‌توان به مورد زیر اشاره نمود:

- در سال ۱۰۹۰ ق - در منصب شیخ الاسلامی -، طی پیشنهادی به پادشاه ایران، گفت:

«تقاضا دارم شاه فرمانی صادر نماید و جنگ میان فرقه‌ها و نوشیدن مسکرات و... را نهی فرماید؛ شاه نیز با رضایت خاطر پذیرفت. (۱)- نکته مهمی که در زمان شیخ الاسلامی علامه مجلسی در حوزه سیاست وی به چشم می‌خورد این است که هیچ برخوردی بین ایران و همسایگان اهل سنت رخ نداد و به هیچ یک از ولایتهای اهل تسنن ایران، از سوی شیعیان، تعدی نشد. (۲)- علامه مجلسی، با ترجمه عهد نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر و چند حدیث دیگر سعی نمود شیوه حکومتی را بر محور حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام حرکت دهد و با این کار وحدت، انسجام و عدالت را در جامعه اسلامی پیاده کند.

شاید به نظر رسد اگر علامه مجلسی این چنین منادی وحدت بوده چرا در برخی کتابهای خود مطالب تندی نسبت به غیر شیعه مطرح کرده است؟

جواب این است که حفظ اساس اسلام و جامعه اسلامی از اجانب و کفار غیر از استدلال بر مذهب حق می‌باشد، منظور از وحدت این نیست که فرق اسلامی از عقاید خود دست بردارند بلکه مقصود این است که همگی ید واحده باشند در مقابل دشمنان و به جای توجه به اختلافات، در نقاط اشتراک که فراوان است تمرکز کنند. علمای روشن بین از جمله مرحوم مجلسی این چنین بودند، لازم بذکر است که این رفتار وحدت آفرین علامه مجلسی رحمه الله دورانی بوده که در بعضی از کشورهای اسلامی وجود عالمی شیعه مذهب را تحمل نمی‌کردند، و به جرم شیعه بودن بزرگانی چون شهید اول و شهید ثانی \* به شهادت می‌رسیدند، یا همچون پدر شیخ بهایی رحمه الله و علمای دیگر مجبور به هجرت می‌شدند.

در چنین دورانی علامه مجلسی رحمه الله افکار و نظریات خود را در کتب علمی اظهار می‌داشت، در عین حال با کمال صداقت و تدبیر و هشیاری برای ایجاد وحدت جامعه اسلامی تلاش می‌نمود.

ص: ۲۳۷

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۱ ص ۲۵۶، به نقل از انقراض سلسله صفویه، ص ۴۳..

۲- (۲). قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۲۰۵..

متوفای: ۱۱۸۶ ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: یوسف، نام پدر: شیخ احمد، ولادت: ۱۱۰۷ق، محل تولد: بحرین، قریه ماحوز.

تحصیلات: وی با سپری کردن دوران کودکی، خواندن و نوشتن آموخت و مهر قرآن و نماز را در دل خویش جای داد. یوسف با تمام توان به یادگیری علوم حوزوی در محضر پدر که از مجتهدان بود پرداخت. او شش سال در بحرین در درس شیخ احمد عبدالله بلادی شرکت نمود. پس از آن به قطیف رفت و دو سال نیز در آنجا ماند، شوق تحصیل او را به شیراز کشاند. وی در کنار تحصیل به تدریس برای طلاب علوم دینیه پرداخت. شیخ یوسف پس از ۱۴ سال در سال ۱۱۵۶ق به فسا رفت. او در مدت ۸ سالی که در فسا بود مشغول تألیف کتاب گران مایه الحدائق الناظره فی أحكام العتره الطاهره علیهم السلام بود. سفرهای دیگر وی به شهرهای گوناگون، در راه تحصیل و تدریس از این قرارند:

اصطهبانات، قم، مشهد، بهبهان و کربلاء. ۱.

اساتید: شیخ ابراهیم، شیخ احمد (پدر)، شیخ احمد بن عبدالله بلادی، شیخ حسین ماحوزی.

شاگردان: میرزا ابوالقاسم گیلانی (معروف به میرزای قمی)، سید مهدی طباطبایی (معروف به بحر العلوم)، ملا مهدی نراقی (مؤلف جامع السعادات)، سید علی طباطبایی (معروف به صاحب ریاض)، ابو علی حائری. ۲.

آثار قلمی: اجوبه المسائل البحرانیه، اجوبه المسائل البهبانیه، اجوبه المسائل الشیرازیه، اجوبه المسائل الکاخریه، الحدائق الناظره فی أحكام العتره الطاهره علیهم السلام، سلاسل الحديد فی تقييد لابن أبي الحديد، لؤلؤه البحرين فی الاجازة لقرتی العین، کشکول بحرانی، الخطب و... ۳.

سرانجام: صاحب حدائق در ربیع الاول ۱۱۸۶ق پس از ۷۹ سال تلاش در جهت تبلیغ دین اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم دار فانی را وداع گفت و در جوار رحمت حق و بارگاه سالار شهیدان علیه السلام آرامید.

مقبره: عراق، کربلا، حرم مطهر امام حسین علیه السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ۲۷۲ - ۲۷۴.

۲. همان، ص ۲۷۵، به نقل از مقدمه الفاخره، ص ۲۳۵ - ۲۳۶.

۳. همان، ص ۲۷۶، به نقل از مقدمه الفاخره، ص ۲۸۰ - ۳۰۱.



- ایشان کراراً بر وحدت مسلمانان جهان اسلام تأکید می نمود و می گفت: وظیفه همه است که در یک صف، در خدمت اسلام قرار گیریم و اختلافات جزئی را که به اسلام ضربه می زند، کنار بگذاریم. (۱) تلاش ها

در اینجا داستانی از برخورد وی (آیت الله بحرانی) با آیت الله وحید بهبهانی در جهت اتحاد امت اسلامی و عدم توجه به اختلافات ریز و درشت مسلمین را ذکر می کنیم تا معلوم شود مسأله وحدت تا چه اندازه مورد توجه عالمان و بزرگان دین بوده است.

- آیت الله محمد باقر بن محمد اکمل اصفهانی، معروف به «وحید بهبهانی» در سال ۱۱۵۹ ق به کربلا رفت و به مبارزه علمی با اخباری گری (۲) پرداخت. روزی به درس صاحب حدائق حاضر شد. روبروی در صحن مطهر ایستاد و در جمع عالمان اظهار داشت:

« من حجت خدا بر شما هستم. اگر شیخ یوسف بحرانی (صاحب حدائق) چند روزی کرسی درس خود را در اختیار من قرار دهد، حجت من را بیان خواهم داشت». چون این خبر به شیخ یوسف بحرانی رسید، پیشنهاد وحید بهبهانی را پذیرفت. سه روز وحید بهبهانی به درس ادامه داد، که در نتیجه آن، دو سوّم شاگردان شیخ یوسف بحرانی از اخباری گری روی گردان شده به شیوه اجتهاد و اصول روی آوردند.

ص: ۲۳۹

۱- (۱). حدائق الناظره، شیخ یوسف بحرانی، ج ۱ ص ۱۶۷..

۲- (۲). اخباریون معتقدند که چون قرآن دارای مضامین عالی است و هر کس نمی تواند آن را بفهمد، بنابراین ظاهر الفاظش حجت نیست و نمی توان الفاظ آن را بر معنای ظاهری حمل کرد و آن را حجت قطعی دانست. در مقابل این گروه، عده ای از علمای شیعه هستند که به اصولیین معروف بوده و در استنباط احکام شرعی «قرآن، سنت، عقل و اجماع» را مورد استناد قرار داده و از علم اصول فقه استفاده می کنند. اخباریون فقط قرآن و سنت را منبع احکام شرعی دانسته و اجتهاد را حرام می دانند. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ریحانه الادب، ج ۱، ص ۵۱؛ فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور، واژه اخباریه. (دیدار با ابرار، میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، پاورقی ص ۴۲).

مرحوم محدث قمی در کتاب فوائد الرضویه از قول صاحب تکمله، نقل کرده است که خادم حرم شریف حضرت سید الشهداء علیه السلام می گوید:

□ □  
«مشغول خدمت در حرم بودم که شب فرا رسید و خبر تعطیل شدن حرم مطهر اعلام شد. آیت الله وحید بهبهانی و آیت الله شیخ یوسف بحرانی را دیدم که در حال قدم زدن، مشغول بحث علمی بوده، از رواق خارج شدند و در صحن به بحث خود ادامه دادند تا این که صحن خالی شد و می خواستم درهای صحن را ببندم. آن دو بزرگوار از صحن خارج شده، در پشت صحن به مباحثه ادامه دادند.

من درها را بستم و به منزل رفتم. قبل از طلوع فجر، برای باز کردن درهای صحن باز گشتم. با کمال تعجب دیدم که آنها هنوز مشغول بحث هستند. بهت زده، آنان را می نگریستم که چه اندازه برای مسائل علمی ارزش و اهمیت قائل اند. در این هنگام صدای اذان بلند شد و آن دو، به اقامه نماز ایستادند».

وحید بهبهانی در کانون اخباری گری بحران ایجاد کرد. بهترین شاگردان صاحب حدائق از اخباری گری دست برداشته، در درس وحید بهبهانی شرکت کردند. صاحب حدائق که مرجع تقلید و مدرّس بزرگ حوزه علمیه کربلا بود، از این شکست علمی ناراحت نشد، بلکه به خاطر آشنایی بیشتر با مبانی «اصولئون» خوشحال هم بود.

استعمار همواره در طول تاریخ به وسیله مذهب به جنگ مذهب رفت. ساختن مذاهبها، ایجاد اختلاف، پخش شایعه، و دامن زدن به بحثهای علمی جنجال برانگیز، از شگردهای دشمنان اسلام بوده و هست. دشمنان اسلام قرنهای جنگ بین شیعه و سنی را گرم نگه داشته، بدین وسیله بر کشورهای مسلمان سیطره یافتند. در اختلافهای علمی بین عالمان شیعه نیز، همواره مترصد (و منتظر) فرصتی بودند تا از این راه به وحدت شیعیان ضربه بزنند. اما مراجع تقلید شیعه با تیزبینی، نقشه های آنان را خنثی می کردند و گاه دشمن به موفقیت هایی دست می یافت. جدال بین دو شیوه اخباری گری و اجتهاد، فرصت طلایی برای استعمار بود. برخورد نادرست پیشوای اخباری گری، ملّا محمّد امین استرآبادی و برخوردهای غیر منطقی هواداران او در توهین به اجتهاد یون، آسمان اندیشه ها را کدر ساخته بود. ولی صاحب حدائق با

خویشتن داری به موقع و زیرک بینی فوق العاده اش، توانست جلوی حوادث ناگوار را بگیرد.

او نظریه علامه مجلسی را در [رد] اخباری گری می پذیرد و از جمود و تنگ نظری اخباری های متعصب انتقاد می کند. او از پرخاشهای تند برخی از اندیشمندان نسبت به یکدیگر، بسیار آزرده خاطر بود و توهین را شایسته بحثهای علمی نمی دانست و هتاکی به فقها را فرو ریختن استوانه های دین می دانست.

علمای شیعه همواره در طول تاریخ آزاد اندیش بودند. هرگز ذهنها را در حصار تکبر محبوس نکردند و به دنبال یافتن بهترین روش فهم دین بودند. آنگاه که به اشتباه خود پی می بردند، بی مهابا به خطای خود اعتراف می کردند. صاحب حدائق نیز در زمره این آزاد اندیشان است که در مقدمه حدائق می نویسد:

« من قبلاً- از روش اخباری دفاع می کردم. اما بعد از تأمل زیاد و بحثهای فراوان با بعضی مجتهدان اصولی، به نقصان آن پی بردم و دیگر از آن دفاع نمی کنم. وظیفه همه است که در یک صف، در خدمت اسلام قرار بگیریم و اختلافات جزئی را که به اسلام ضربه می زند، کنار بگذاریم. (۱)- صاحب حدائق که زندگی اش سراسر وحدت آفرین بود، مرگش را نیز این گونه رقم زد.

او وصیت نمود که علامه وحید بهبهانی بر جنازه اش نماز بگذارد، با این که اختلاف نظر بین آنها برای همگان روشن بود، اما برای حفظ وحدت و پرهیز از اختلافات، او را برای اقامه نماز انتخاب نمود. (۲)

ص: ۲۴۱

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۷۵، به نقل از وحید بهبهانی، ص ۱۲۳ - ۱۲۴؛ حدائق الناظره، ج ۱، ص ۱۶۷..

۲- (۲). همان، ص ۲۷۷، به نقل از وحید بهبهانی، ص ۱۲۴؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۷۷..

(بحرالعلوم)

متوفای: ۱۲۱۲ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سید محمد مهدی، نام پدر: سید مرتضی، ولادت:

شب جمعه ماه شوال ۱۱۵۵ق، محل تولد: عراق، کربلای معلی. ۱.

تحصیلات: محمد مهدی از دوران کودکی در دامن پرمهر و محبت مادر پاکدامنش و در پرتو توجهات پدر بزرگوارش با آداب و اخلاق اسلامی خو گرفت و رفته رفته رشد یافت. پس از گذراندن دوره های مقدماتی و سطح (فقه و اصول) در آغاز بلوغ به درس خارج که از سوی پدرش تدریس می شد راه پیدا نمود و پس از پنج سال درس و بحث فشرده به مقام بلند اجتهاد نائل آمد. ۲.

اساتید، حضرات آیات: سید مرتضی طباطبایی (پدر)، محمدباقر وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی، محمد تقی دروقی نجفی، مهدی فتونی نباطی عاملی، ۳ میرزا ابوالقاسم مدرس، میرزا مهدی اصفهانی خراسانی.

شاگردان، آیات عظام: شیخ جعفر نجفی (معروف به کاشف الغطاء)، سید محمد جواد عاملی (معروف به صاحب مفتاح الکرامه)، ملا احمد نراقی، محمد باقر شفتی، سید یعقوب کوه کمری، سید صدر الدین عاملی، شیخ محمد ابراهیم کلباسی، شیخ عبدالحسین الاعم، سید عبدالله شبر، سید محمد مجاهد، محسن اعرجی، شیخ حسین نجف و... ۴.

آثار قلمی: المصباح فی الفقه، الفوائد فی الاصول، مشکاه الهدایه، الدرّه النجفیه، رساله فی الفقیر والغنی، مناسک حج، حاشیه بر کتاب شرایع، کتاب الرجال، دیوان شعر و رساله ای فارسی در شناخت خدا و... ۵.

سرانجام: علامه بحرالعلوم، این فقیه وارسته و مجاهد، در روز ۲۴ ذیحجه (یا رجب) سال ۱۲۱۲ق، رُخ از دیار فانی برتافت و روح پاکش به ملکوت اعلی پرواز نمود.

مرقد: عراق، نجف، جنب مقبره شیخ طوسی. ۶.

۱. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص ۶۷۶؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۳۸۳.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۴، به نقل از فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۲۹۱.

۳. همان، ص ۲۹۴، به نقل از سید بحر العلوم دریای بی ساحل، نور الدین علی لو، ص ۲۵ - ۳۲.

۴. همان، ص ۲۹۶، به نقل از معارف الرجال، محمّد حرز الدین، ج ۲، ص ۵۹.

۵. اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۶. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۰۰.

ص: ۲۴۲

- تسلط ایشان به فقه اهل سنت و حسن معاشرت و سخاوتش او را چنان در میان ساکنان حجاز، بخصوص اهل علم آن دیار، محبوب ساخت که هر روزه شماری از مردم و دانشمندان به دیدنش می‌رفتند و از وی کسب فیض می‌نمودند. شگفت آنکه پیروان هر کدام از مذاهب، چنین می‌پنداشتند که بحر العلوم پایبند مذهب ایشان است. ایشان تمام مدت اقامت خود در حجاز را با تقیه گذرانید و جلسه درس او در علم کلام طبق مذاهب چهارگانه دایر بود.

وی در اواخر اقامت در مکه، مذهب خود را اعلان نمود. وقتی خبر اظهار مذهب او به گوش پیروان مذاهب دیگر رسید، از اطراف به دور او ریخته و با وی به مناقشه پرداختند و او با دانش انبوه خود بر تمامی آنها برتری پیدا کرد و همه آنها را با دلیل‌های قوی و منطقی، به سوی حقیقت اسلام مجذوب ساخت. (۱) - تعیین و تثبیت جایگاه انجام اعمال حج و مرکزیت دادن به مواجیت احرام به طوری که از نظر شرعی صحیح واقع شود و هم چنین اصلاح مواجیت حج، یکی دیگر از گامهای ارزشمند سید بحر العلوم بود؛ زیرا این مکانهای مقدس، قبل از ایشان چندان مشخص نبود.

- علاوه بر اینها، سنگهای فرش شده در حرم را که حجاج بر آن اقامه نماز می‌کردند تعویض نمود و سنگهای معدنی را خارج کرد و سنگهایی را که از نظر شیعه سجده بر آنها صحیح است جایگزین نمود. از آثار معنوی حضور این مرد بزرگ در حجاز، شیعه شدن امام جمعه مکه در هشتاد سالگی است. (۲) - بخشندگی آن بزرگمرد چنان بود که هرگز کسی را به سبب کردار یا باوری خاص، از دریای گشاده دستی اش محروم نمی‌ساخت. بازرگانان، کشاورزان، کارگران، شیعیان و سنیان، همه از محبت و بخشش بی‌پایانش بهره‌مند می‌شدند. روزی به یکی از راهبران مذهبی

ص: ۲۴۳

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۹۵، به نقل از مقدمه فوائد الرجالیه..

۲- (۲). همان، به نقل از مکارم الآثار، ج ۱، ص ۴۱۷..

برادران اهل سنت کردستان، دو هزار تومان هدیه داد. (۱) روزی دیگر، که مصادف با عید غدیر بود، بر منبر فراز آمد، انبوه کیسه های طلا و نقره را در برابرش قرار داد، تهیدستان را فرمود کنار یکی از درهای مسجد گرد آیند و یک یک وارد شده، بهره خویش برگیرند و از در دیگر بیرون روند. بدین ترتیب در حدود یک ساعت همه کیسه ها تهی شد و هیجده هزار تومان زر و سیم به پا برهنگان رسید. (۲)

ص: ۲۴۴

---

۱- (۱). تاریخ اصفهان، حسن خان شیخ جابری انصاری، چاپ سنگی، ص ۹۷..

۲- (۲). قصص العلماء، ص ۱۴۹..

سید محمد باقر شفتی

متوفای: ۱۲۶۰ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سید محمد باقر، نام پدر: سید نقی، ولادت:

۱۱۷۵ق، محل تولد: ایران، زنجان، روستای چرزه ۱.

تحصیلات: محمد باقر اندک اندک رشد نمود و توانست درس زندگی و کمال را از پدر فرا گیرد. در سال ۱۱۹۲ق به کربلا رفت ۲ و از اساتید آنجا بهره جست.

یک سال بعد به نجف هجرت نمود. وی تا سال ۱۲۰۴ق به تحصیل در نجف ادامه داد ۳ و پس از مدتی برای بهره گیری از محضر دانشور برجسته، محسن اعرجی رهسپار کاظمین گردید. سپس بار دیگر بار سفر بست و در حدود ۱۲۰۵ق راه ایران پیش گرفت. سید محمد باقر ابتدا به حلقه درس محقق قمی در قم رفت سپس به کاشان و در نهایت در سال ۱۲۰۶ق رهسپار اصفهان گردید.

اساتید، حضرات آیات: سید علی طباطبایی، شیخ جعفر کاشف الغطاء، محمد ابراهیم کلباسی، علامه بحر العلوم، سید محسن اعرجی، میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد گیلانی، ملا مهدی نراقی. ۴.

شاگردان، حاج محمد جعفر آباده ای، محمد شفیع جاپلقی، صفر علی لاهیجی، ملا صالح برغانی قزوینی، ملا جعفر نظرآبادی، محمد تنکابنی، سید محمد باقر خوانساری، سید علی طباطبایی زواره ای (علویجه ای) و ده ها شاگرد دیگر. ۵.

آثار قلمی: تحفه الابرار المستنبط، شرح تهذیب الاصول علامه حلّی، رساله ای در مشتق، رساله ای در احکام شک و سهو در نماز، جوابات المسائل، حواشی بر فروع کافی و... .

سرانجام: در سال ۱۲۶۰ق، بیماری بر پیکر پیر فرزانه سپاهان، پنجه افکند و در یکی از روزهای ربیع الثانی پس از نماز ظهر، روان پاکش سمت محفل سبز کامروایان سپید دست، پر کشید. ۶.

مرقد: ایران، اصفهان، مسجد سید. ۷.

۱. چرزه روستایی است در ناحیه طارم علیا، که آن را از آبادی های منطقه زنجان شمرده اند و در پنجاه کیلومتری این شهر واقع است. فاصله این آبادی تا شفت که در جنوب غربی رشت واقع شده، شصت کیلومتر است.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۴۳، به نقل از معارف الرجال، ج ۱، ص ۱۹۵.
  ۳. اعیان الشیعه، محسن امین، ج ۹، ص ۱۸۸.
  ۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۴۳ - ۳۴۴.
  ۵. همان، ص ۳۴۵، به نقل از تذکره القبور، عبدالکریم جزی، ص ۳۱ - ۱۵۹.
  ۶. قصص العلماء، ص ۱۶۸.
  ۷. علمای مجاهد، محمدحسن رجیبی، ص ۲۶۸.
- ص: ۲۴۵

- در سفری که ایشان به حجاز جهت انجام مراسم حج داشتند عده‌ای از دانشمندان حجاز از وی تقاضای بحث و تبادل نظر در رابطه با مسائل اعتقادی نمودند.

سید با روی گشاده و آغوش گرم این درخواست‌ها را پذیرفت و محفل اندیشمندان مذاهب، در فضای آکنده از برابری و برادری و جمعیت شکل گرفت. محفلی که سید و دانشوران حجاز در برابر یکدیگر نشسته بودند و حاج محمد جعفر آواده ای (آشپز و خدمت‌کار) با پیش‌بند و کارد ویژه آشپزی اندکی دورتر از آنها آشپزخانه را اداره می‌نمود و بساط نوشیدنی مهیا می‌ساخت.

دانشمندان حجاز مسائل خود را مطرح کرده با برهان به اثبات درستی راه خویش پرداختند. چون گفتار آنان به پایان رسید؛ سید فقیهان شیعه، حاجی آواده ای را مخاطب قرار داد و گفت: جعفر آشپز! بیا این مسائل را پاسخ گو. حاجی نزد سید شتافت و همه برهانها و پرسشهای آنان را با استناد به سخنان رهبران بزرگشان پاسخ گفت. این بحث علمی سراسر دوستی همراه با گشاده‌دستی‌های ویژه مرجع پاکدل اصفهان، علمای حجاز را سخت تحت تأثیر قرار داد به گونه‌ای که دانشمندان آن دیار، وی را بزرگ شمرده، گرامی داشتند. (۱)

ص: ۲۴۶

---

۱- (۱). یکی از نتایج این دیدار آن بود که علمای مذاهب گوناگون، میخهایی را که در راستای مشخص ساختن حدود طواف، بر زمین کوبیده شده بود را، بدون هیچ تردیدی پذیرفتند. (دیدار با ابرار (۶۹)، آیت الله سید باقر شفتی، ص ۴۰ - ۴۱).

متوفای: ۱۲۶۳ق

چکیده ای از زندگی نامه ۱

نام: مسیح، نام پدر: قاضی سعید، ولادت: ۱۱۹۳ق، محل تولد: ایران، استرآباد (گرگان فعلی).

تحصیلات: او پس از ۷ سالگی، تمرینهای دینی و آموزش حکمت را آموخت. پس از مدتی با ارشاد پدر، به مدرسه علوم دینی پا نهاد و مقدمات دروس را با شوق زیاد فرا گرفت. او برای تکمیل دانشهای خود به قم رفت و در محضر میرزای قمی تلمذ نمود. میرزا مسیح، فقه، اصول، کلام و عقاید را از استاد آموخت و پس از پی گرفتن تحصیل تا مرز اجتهاد، تهران را به عنوان محل سکونت خویش برگزید.

اساتید: میرزای قمی.

شاگردان: حاج میرزا نصر الله مشهدی (تربتی)، حاج میرزا احمد ساوجی، مولانا عبد الرحمان شیخ الاسلام.

آثار قلمی: المصباح لطریق الفلاح، کشف النقاب فی شرح اللعنه الدمشقیه، شرح کتاب المعاطاه، شرح مختصر النافع، و... ۲.

سرانجام: میرزا مسیح پس از آنکه مدتی در بستر بیماری افتاد، در سال ۱۲۶۳ق، پس از عمری تلاش و خدمت در راه اسلام دار فانی را وداع و به سرای باقی شتافت.

مرقد: عراق، نجف اشرف، حرم مطهر امیر المؤمنین علیه السلام، یکی از حجره های بالاسر صحن ۳.

۱. میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، غلامرضا گلی زواره، ص ۱۷ - ۶۹.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۲۶.

۳. همان، ص ۳۳۱، به نقل از تاریخ علمای خراسان، ص ۲۰۸ - ۲۰۹.

ص: ۲۴۷

- وی به نشر احکام دین و پاسخگویی به مشکلات فقهی مردم می پرداخت و اوضاع محرومان را مورد بررسی قرار می داد. میرزا مسیح در حل گرفتاری های مسلمین، از هیچ گونه کوششی دریغ نداشت و به امور جامعه اسلامی به دقت مراقبت و نظارت می نمود. او اگر در جایی خلافی می دید یا متوجه می شد که احکام اسلامی نادیده انگاشته شده و یا اهانتی متوجه مقدسات اسلام گشته، چون تندر می غزید و با حرکتی شجاعانه اما عالمانه و خردمندانه، به مقابله با آن می پرداخت و از این طریق فرهنگ جامعه را اصلاح می کرد. (۱) - میرزا مسیح در جهت ایفای رسالت خطیر خویش، مسجد را به عنوان مهمترین کانون تبلیغی، اعتقادی و مبارزاتی انتخاب نمود... تا از این مکان مبارک به تبلیغ دین و ارشاد مردم پرداخته و از این رهگذر، زمینه وحدت و همبستگی مردم را فراهم سازد. مسجدی که کانون تلاش های تبلیغی، اعتقادی و مبارزاتی وی بود به مسجد جامع عتیق تهران معروف است. (۲) تلاش ها

نقل است که آقا محمود بن آقا محمد علی بن محمد باقر بهبهانی، فاضل و جامع که مسلک اخباری (۳) داشته، توسط حاج میرزا مسیح به دلیل اصرار بر این رویه غلط تکفیر و مطرود گردید... .

روزی آقا محمود به زیارت قم رفته به مسجد امام حسن عسکری علیه السلام حاضر گردید تا نماز را به جماعت بخواند. از یکی از مأمومین پرسید: امام جماعت کیست؟ او پاسخ داد:

حاج میرزا مسیح. گرچه آقا محمود از این جواب کمی متغیر شد و گویی آشفته به نظر می رسید، لیکن جهت رسیدن به ثواب نماز جماعت و درک این فیض معنوی به او اقتدا کرد و پس از اتمام نماز به منزل خود بازگشت. گروهی از اطرافیان سؤال کردند: چرا به کسی که

ص: ۲۴۸

۱- (۱). میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، ص ۵۱ - ۵۲..

۲- (۲). همان، ص ۴۴ - ۴۵..

۳- (۳). چکیده عقیده اخباریون و اصولیون در پاورقی شماره ۲ ص ۲۳۹ گذشت..

تو را تکفیر نموده اقتدا کردی؟ وی در جواب گفت: چه منافاتی وجود دارد بین این که او به کفر من حکم داده و امر برایش مشتبه شده و من اعتقاد به عدالت او داشته باشم و هر دو داخل در ثواب و مأجور گردیم؟.

چون خبر این سؤال و جواب به گوش میرزا مسیح رسید، از اخلاق و وسعت نظر و خوش بینی آقا محمود شگفت زده شد و خود به منزلش رفت و از او دلجویی به عمل آورد و کدورت بین این دو، به رفتارهای عاطفی و برخوردهای نیکو و صادقانه تبدیل گردید. (۱)

ص: ۲۴۹

---

۱- (۱). قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۱۴۶ - ۱۴۷، تلخیص..

متوفای: ۱۲۶۷ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید جعفر، نام پدر: سید یعقوب، ولادت:

۱۱۸۹ق، محل تولد: ایران، فارس، اصطهبانات.

تحصیلات: او پس از پشت سر گذاشتن ایام کودکی، تحصیلات مقدماتی را آغاز نمود، سید جعفر اندکی از دروس مقدماتی را نزد مادر دانشمندش (دختر شیخ حسین بحرانی) گذرانید. سید پس از رحلت مادر رهسپار حوزه علمیه یزد گردید و در آنجا دوره سطح را در طول چهار سال به پایان رسانید و در ۱۹ سالگی به نجف اشرف مهاجرت نمود. وی در مدت کوتاهی به مدارج والای اخلاقی و علمی رسید و از مدرّسان نجف اشرف محسوب شد. ۱.

اساتید: علامه سید مهدی بحر العلوم، دختر شیخ حسین بحرانی (مادر سید جعفر).

شاگردان: سید حسین بروجردی، ملا عبدالله بروجردی، ۲ حاج میرزا صالح لرستانی، اورنگ زیب میرزا، شیخ عبدالحسین بروجردی و... .

آثار قلمی: اجابه المضطربین، البرق والشرق، الشریفیه، البلد الامین فی اصول الدین، کفایه الایتام، صید البحر، الرطب الیابس فی الاجماع المتخالف المتعاکس. ۳.

سرانجام: علامه سید جعفر کشفی پس از سالها تحصیل، تدریس، تحقیق، خدمت به جامعه و گسترش مذهب تشیع، در سال ۱۲۶۷ق بدرود حیات گفت و به لقاء الله پیوست.

مرقد: ایران، بروجرد، جنب مسجد دو خواهران.

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲. همان، ص ۲۴۱، به نقل از تاریخ بروجرد، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. همان، ص ۲۳۹، به نقل از اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی، ص ۳۱.

- علامه کشفی معتقد بود عدم تفرقه و وحدت در جامعه بسیار مهم است به گونه ای که یکی از عوامل اصلی بقای دولت را مشروط بر همین امر تلقی می نمود. (۱) تلاش ها

- از جمله اقدامات وحدت آفرین ایشان را می توان تألیف کتاب تحفه الملوک فی السیر والسلوک (در دو جلد)، نام برد. این اثر در سال ۱۲۳۳ق به درخواست حسام الدین سلطنه به نگارش درآمده است. علامه کشفی در آخرین بخش این کتاب به بحث (بررسی جنگ میان دو دولت اسلامی) اشاره می نماید. وی کشته شدگان دولتی را که هدفش از جنگ، اقامه سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتلای دین حق است، مجاهد و شهید می داند. او در این کتاب بر صلح و دوری از جنگ بین دولتهای اسلامی، تأکید می کند و فوائد و ثمرات آن را برمی شمارد. (۲)

ص: ۲۵۱

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۲۴۴..

۲- (۲). همان، ص ۲۴۰، به نقل از اندیشه سیاسی سید جعفر کشفی، ص ۲۶..

متوفای: ۱۳۵۴ق

چکیده از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: نور محمد، ولادت: ۱۲۸۹ق ۱ یا ۱۲۹۳ق ۲، محل تولد: هند، شهر سیالکوت.

تحصیلات: وی در سنین کودکی به تحصیل علم پرداخت، قرآن را در یکی از مساجد فرا گرفت و در محضر میر حسین شمس العلماء، برخی از علوم اسلامی را آموخت. او ۲۲ سال بعد اولین امتحان دانشگاهی را پس از طی دوره (اسکاج متن کالج) و دو سال بعد به اخذ درجه (M) نائل آمد. اقبال چندی بعد اولین شعر خود را در مجمع بزرگی قرائت کرد. ۳ او در سال ۱۲۸۷ش بعد از اتمام تحصیلات به لاهور بازگشت و مدتی شغل وکالت پیشه کرد اما همواره در فکر گسترش فرهنگ اتحاد مسلمانان جهان بود. در سال ۱۲۹۰ش، استاد فلسفه در دانشگاه لاهور شد و شاگردان بی شماری را با فکر و فلسفه خود آشنا ساخت.

اساتید: میر حسین شمس العلماء.

آثار قلمی: پیام مشرق، احیای فکر دینی در اسلام، زیور عجم اسرار خودی و رموز بی خودی، بانگ دار، علم و اقتصاد، جاویدنامه، تاریخ هند و بسیاری آثار دیگر. ۴

سرانجام: علامه اقبال لاهوری پس از سالها تبلیغ و تحقیق در کشورهای مختلف جهان، در اول اردیبهشت ماه ۱۳۱۷ مطابق با ۵۱۳۵۷ چشم از جهان فرو بست.

مقبره: هند، شهر سیالکوت.

۱. معارف و معاریف، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. دائره المعارف بزرگ زرین، ج ۱، ص ۲۴۱.

۳. معارف و معاریف، ج ۲، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.

۴. دائره المعارف بزرگ زرین، ج ۱، ص ۲۴۱.

۵. احیاء تفکر دینی، سید محمد برهانی، ص ۱۵۴.

ص: ۲۵۲

- وی همواره در فکر گسترش فرهنگ و اتحاد مسلمانان جهان بود. او با این که به اردو شعر می گفت، اما زبان اصلی شعرش فارسی بود.

اقبال بدین سبب فارسی را برگزیده بود تا با کمک گسترده‌گی و نفوذ زبان فارسی در هند، پاکستان، افغانستان، ایران و تاجیکستان... اندیشه های خویش را با وسعت بیشتری گسترش دهد.

- وی قصد اتحاد مسلمین و خیزش فکری آنها را داشت. لذا زمانی که از اتحاد مسلمانان شبه قاره هند و هندوان ناامید گشت، در صدد احیاء و ایجاد اندیشه اتحاد مسلمانان در یک کشور مستقل برآمد که بعدها کشور پاکستان متولد گشت. (۱)- او عقیده داشت که شخصیت بشر فقط در محیط آزاد می تواند رشد کند و بدین جهت می کوشید تا حقوق اولیه بشری برای همه ملتها و همه مردم جهان، بدون توجه به نژاد یا مذهب یا طبقه خاص تأمین شود. (۲) تلاش ها

- شرکت در کنگره اسلامی فلسطین: اقبال به نمایندگی مسلمین هند در اولین کنگره اسلامی فلسطین، در شهر بیت المقدس، به همراه جمعی مرکب از مولوی شوکت علی، مرحوم کاشف الغطاء (مجتهد بزرگ نجف)، آقای سید ضیاء الدین طباطبایی، امین الحسینی (مفتی فلسطین)، محمد علی علویه (پاشای مصری) و سایر برگزیدگان کشورهای اسلامی برای مدت یک ماه، شرکت نمود که رجال بزرگ اسلامی که در آن کنگره شرکت داشتند، نبوغ فکری او را ستودند.

مرحوم علویه پاشا درباره جلوه شخصیت اقبال در کنفرانس می گوید:

«اقبال در ضمن اولین خطابه ای که ایراد کرد، بصیرت، تعمق و افق وسیع ادراک و دریافت

ص: ۲۵۳

---

۱- (۱). دائره المعارف بزرگ زرّین، ج ۱، ص ۲۴۱..

۲- (۲). کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، مقدمه، ص ۳۴..

خودش را در احاطه به معارف اسلامی نشان داد و حدیثی را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد که تا آن تاریخ نشنیده بودم و آن حدیث این است که فرمود: اناحظکم من الانبیاء وانتم حظی من الامم. (۱) آنگاه ضمن تشریح این معنا، با توجه به این همه انحطاط و تأخر مسلمین، همه نمایندگان را سرافکنده و شرمنده ساخت. (۲)

ص: ۲۵۴

- 
- ۱- (۱) . یعنی در میان پیغمبران من به سهم شما افتادم و در میان ملل جهان، شما مسلمانان به سهم من افتادید. (مبسوط سرخسی، ج ۳۰، ص ۲۵۴؛ مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۶۸).
- ۲- (۲) . کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، مقدمه، ص ۳۴..

متوفای: ۱۳۰۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: میر حامد حسین (مهدی)، نام پدر: عَلَّامه سید محمد قلی، ولادت: ۱۲۴۶ق، محل تولد: هند، میرته.

تحصیلات: وی وقتی به هفت سالگی رسید پدرش او را به مکتب گذاشت، او مقدمات و دروس ابتدایی را خواند، آنگاه وارد مراحل بالاتری شد. میر حامد حسین پس از آموختن «مقامات حریری» و «دیوان متنبی»، نهج البلاغه را درس گرفت و سپس به فراگیری علوم عقلی و شرعی پرداخت. وی پس از سالها تلاش و همت تحصیلات خود را با موفقیت به اتمام رساند. ۱.

اساتید: سید برکت علی صاحب، سید عباس شوشتری، سید مرتضی خلاصه العلماء، سید محمد سلطان العلماء، سید حسین سید العلماء.

آثار قلمی: استقصاء الافحام، شوارق النصوص، افحام اهل المین، اسفار الانوار، كشف المعضلات فی حل المشكلات، النجم الثاقب فی مسأله الحاجب، عبقات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم السلام و برخی کتب ارزشمند دیگر. ۲.

سرانجام: عَلَّامه میر حامد حسین موسوی فرزند بزرگ شیعه و مدافع مجاهد اهل بیت پیامبر علیهم السلام، در هجدهم صفر سال ۱۳۰۶ق، در لکهنو چشم از جهان فرو بست و در حسینیه خود مدفون گردید. ۳.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۷۵.

۳. همان، ص ۳۷۸، به نقل از علماء معاصرین، ملا علی واعظ خیابانی تبریزی، ص ۳۱؛ اعیان الشیعه، سید محسن امین عاملی، ج ۴، ص ۳۸۱.

ص: ۲۵۵

- علامه میر حامد حسین در راه احیای فرهنگ شیعی، رنجهای فراوان را به جان خرید.

وی هنگامی که با خبر شد تنها نسخه کتاب مورد نیازش نزد یک عالم سنی مذهب در رابغ (۱) موجود است و آن عالم به هیچ وجه کتاب مذکور را در دسترس کسی قرار نمی‌دهد، عازم سفر حجاز شد و با مشقت فراوان، رنج پیمودن کوهها و بیابانها را به جان خرید و خود را به مکه رساند و سپس با لباس مبدل وارد دهکده رابغ شد. میر حامد حسین نزد عالم سنی رفت و به او گفت: «من یک نفر کارگر و خدمتگزار هستم اگر مایل هستید چند صباحی برای شما در منزلتان مشغول خدمت شوم». سیمای ملکوتی و سخنان مؤدبانه وی، در قلب عالم سنی مؤثر افتاد. میر حامد حسین در منزل عالم سنی به خدمت پرداخت. عالم سنی از ادب کامل و رفتار و کردار نیک وی لذت برد و به او علاقه مند گشت. چند روز بعد، میرحامد حسین به آن عالم گفت: «من شبها خوابم نمی‌برد و از این مسئله در رنجم. اگر امکان دارد تعدادی کتاب در اختیار من بگذارید تا اوقات فراغت شب را با مطالعه آنها سپری کنم».

صاحب خانه گفت: «این کتابخانه من در اختیار شما، هرچه می‌خواهید بفرمایید».

هنگامی که شب فرا رسید و صاحبخانه به خواب رفت، میر حامد حسین در کتابخانه او به تفحص پرداخت، تا این که گمشده و محبوبش، کتاب مورد نیاز را پیدا نمود. بعد کاغذ و قلمی را که برای همین کار همراه آورده بود بیرون آورده و مشغول استنساخ کتاب شد. هر شب از آن کتاب رونویسی کرد. پس از پایان استنساخ به صاحب خانه گفت: «اگر اجازه بفرمائید، من مرخص می‌شوم». صاحب خانه گفت: «مانعی ندارد»، پس خداحافظی کرده و به هندوستان برگشت. آنگاه در نامه ای به آن عالم سنی نوشت: «دوست عزیز اینجانب کارگر نبودم. من میر حامد حسین هندی صاحب عبقات هستم. چون شنیده بودم فلان کتاب نزد شما است و شما هم به هیچ وجه راضی نمی‌شوید که آن را در اختیار کسی بگذارید، با این برنامه آمدم، کتاب را استنساخ کردم، پس خواهشمندم مرا حلال بفرمایید». عالم مذکور تا نامه میرحامد حسین

۱- (۱). رابغ: دهکده ای است نزدیک شهر مکه که غدیر خم در نزدیکی آن است..

را مطالعه کرد بهت زده شد و سپس نامه ای در پاسخ او به هند ارسال نمود و ضمن اینکه رضایت خود را از کار مزبور اعلام داشت، نوشت: «من از همت والای شما همت گرفتم و درس آموختم و از این پشتکار شما بس در شگفتم».<sup>(۱)</sup> - (میر حامد حسین کتابهای فراوانی تألیف نمود. در بین تألیفات وی، کتاب گرانسنگ عبقات الانوار فی امامه الأئمه الاطهار علیهم السلام درخشندگی خاصی دارد) این اثر از بزرگترین و ارجمندترین کتاب های اوست که از شاهکارهای علمی و اعتقادی شیعه به شمار می رود.

علّامه میر حامد حسین این کتاب شریف را در ردّ کتاب ضدّ شیعی و تفرقه افکن «تحفه اثنی عشریه، یعنی هدیه ای برای شیعیان دوازده امامی» تألیف نمود. نویسنده این کتاب عبد العزیز دهلوی معروف به سراج الهند (چراغ هند) بود وی که از عالمان برجسته و فاضل شبه قاره هند و از اهل سنت بود، بدون توجه به آیات وحدت بخش قرآن و سفارشهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در این کتابش عقاید و آراء شیعه را به طور عموم و فرقه اثنی عشریه را بالخصوص در اصول، فروع، اخلاق، آداب و سنن مناظره مورد حمله و اعتراض قرار داد. او، کتابش را مملو از افتراآت و تهمتهای شنیه ساخته و باعث تشّتت جبهه اسلامی هند گردید.<sup>(۲)</sup> از آثار بسیار منفی و مخرب این کتاب ضالّه آن بود که برادران مسلمان شیعه و سنی نسبت به یکدیگر کدورت و کینه پیدا نمودند؛ اما شاهکار علّامه میر حامد حسین موسوی این کینه ها را از میان برد.

ص: ۲۵۷

---

۱- (۱). کیهان فرهنگی، ش ۵۰، ص ۳۹..

۲- (۲). میر حامد حسین، محمّد رضا حکیمی، ص ۸۶ - ۸۸؛ گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۷۵..

متوفای: ۱۳۱۱ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: حسین قلی (نوکر امام حسین علیه السلام)، نام پدر:

رمضان علی، ولادت: ۱۲۳۹ق، محل تولد: ایران، همدان، روستای شوند درگزین.

تحصیلات: او پس از گذراندن ایام کودکی در زادگاه خویش، دروس ابتدایی را آموخت سپس برای ادامه تحصیلات به تهران رفت. وی دروس سطح را در حوزه علمیه تهران آموخت و در مدرسه مروی در درس آیت الله شیخ عبدالحسین طهرانی (شیخ العراقین) شرکت کرد. او سپس در درسهای ملا هادی سبزواری در سبزواری حاضر شد. ملا حسین قلی پس از نوشیدن جرعه ها از حکمت و معرفت راهی نجف گردید و در دروس شیخ انصاری شرکت نمود.

اساتید، حضرات آیات: شیخ عبدالحسین طهرانی، حاج ملا هادی سبزواری، شیخ مرتضی انصاری، سید علی شوشتری، سید محمد سلطان آبادی، صاحب جواهر، ملا علی رازی، میرزا محمد حسن شیرازی. ۱.

شاگردان، آیات عظام: آقا شیخ محمد بهاری همدانی، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، سید احمد کربلایی طهرانی، سید محمد سعید حبوبی، سید عبدالحسین موسوی لاری، سید جمال الدین اسدآبادی، سید محسن امین عاملی (نویسنده اعیان الشیعه)، سید مرتضی کشمیری، و نیز صدها انسان ره یافته، که از محضر آخوند بهره مند شدند. ۲.

سرانجام: آخوند ملا حسین قلی همدانی، پس از عمری تلاش در راه کمال و تربیت انسانهای صالح، به تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۱۱ق ندای پروردگارش را در کربلا لیبیک گفت و در جوار رحمت حق آرامید.

مرقد: عراق، کربلا، صحن مطهر امام حسین علیه السلام، حجره چهارم.

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص: ۲۵۸

- وی معتقد بود: خیلی کارها از اتحاد قلوب ساخته گردد که از متفرد بر نمی آید. (۱)- ایشان هرچند خود از بزرگان اخلاقی بود و همواره خود را موظف به تربیت نفوس انسان هایی پاک می دانست، اما از مسائل اجتماعی و مهم مکتب اسلام و قرآن، هم چون وحدت برادران مسلمان با یکدیگر غافل نبود.

از خط مشی و شیوه رفتاری تربیت یافتگان مکتب آخوند ملاً حسینقلی همدانی و حضور فعال آن ها در صحنه سیاست و وقایع اجتماعی، می توان نقش و تأثیر استاد بزرگ آنها را در این مسیر تشخیص داد.

#### تلاش ها

- تربیت شاگردانی روشن بین و آگاه به مسائل اجتماعی که هر کدام در مقاطع حسیاس تاریخی، قدم به عرصه سیاست گذاشته و رهبری مردم را در حوادث سیاسی بر عهده گرفتند.

یکی از این فرزندان مصلح، سید جمال الدین اسد آبادی است که خود از بزرگ ترین مصلحان و منادیان اتحاد مسلمین جهان به شمار می رود. (۲) سید محمد سعید حبیبی (۳) نیز یکی دیگر از شاگردان بزرگ مرد آخوند بود.

هم چنین شیخ محمد باقر بهاری (۴) و سید عبدالحسین لاری (۵) از دیگر شاگردان انقلابی و مجاهد آخوند همدانی به شمار می رفتند.

ص: ۲۵۹

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۷..

۲- (۲). شرح مناسبی از زندگی نامه و اقدامات سید جمال، در صفحه ۲۶۵ همین کتاب خواهد آمد..

۳- (۳). وی که از جمله مصلحان و منادیان وحدت بود مردم را به توحید و حفظ رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و احکام دین و قواعد شرع سفارش می کرد و می گفت: بشتابید به سوی جهاد در راه خدا و با یکدیگر متحد گردید و از تفرقه دوری جوید و وحدت کلمه و بخشش مال را پیشه خود سازید و هشیارانه گام بردارید. (علمای مجاهد، ص ۱۷۰).

۴- (۴). از جمله اقدامات مهم این عارف سالک و مجتهد مجاهد را، مقاومت در برابر تجاوزات امپراتوری روسیه و تحریم اجناس روسی، می توان عنوان نمود. او در این راه علناً با دشمنان اسلام به مبارزه برخاست و با تلگراف به سران کشورهای اسلامی، خطر تهاجم روسیه به ایران و ترکیه را به آنان گوشزد نمود و با تلاش های پی گیر خویش، در برابر دشمنان متجاوز مقاومت کرد و آن ها را از حمله به کشور اسلامی منصرف ساخت. (گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۷) بخشی از شرح حال و اقدامات وی، در صفحه ۲۸۲ همین کتاب خواهد آمد..

۵- (۵). جهت اطلاع از زندگینامه و بخشی از اقدامات وی، به صفحه ۲۹۸ همین کتاب مراجعه نمایید..

متوفای: ۱۳۱۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید محمد حسن، نام پدر: میرزا محمود، ولادت: نیمه جمادی الاولی ۱۲۳۰ق، محل تولد: ایران، شیراز. ۱.

تحصیلات: وی در چهار سالگی به مکتب رفت و در شش سالگی وارد حوزه علمیه گردید. او هنوز کودک ۸ ساله بود که بر فراز منبر مسجد وکیل شیراز رفت و همانند واعظان با تجربه، کتاب اخلاقی ابواب الجنان را برای مردم خواند. سید محمد حسن در نوجوانی به تدریس لمعه پرداخت. در سال ۱۲۴۸ق بنا به پیشنهاد استاد، به اصفهان رفت. وی پس از مدتی تحصیل در اصفهان، در سن بیست سالگی از آیت الله سید حسن بیدآبادی اجازه اجتهاد گرفت. سید محمد حسن مدتی بعد به کربلا رفت، چیزی نگذشت که وی قصد برگشتن به زادگاه را نمود. او قبل از رفتن به شیراز، به نجف رفت تا اینکه دیدار او با شیخ انصاری سبب گشت که از تصمیمش منصرف شود و در نجف به ادامه تحصیل پردازد. میرزای شیرازی در سال ۱۲۸۱ق با فوت شیخ انصاری زعامت مرجعیت شیعه را به عهده گرفت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمد تقی اصفهانی، سید حسن بیدآبادی، شیخ حسن کاشف الغطاء، شیخ حسن نجفی (صاحب جواهر)، سید ابراهیم قزوینی (صاحب ضوابط)، شیخ مرتضی انصاری.

شاگردان، آیات عظام: میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ عبدالکریم حائری، میرزا حسین نائینی، شهید شیخ فضل الله نوری، سید محمد کاظم یزدی. ۲.

سرانجام: ایشان پس از یک عمر مجاهدت، تلاش و نیز صدور بیانیه ها و فتاوی مهم و تاریخی که هر کدام به نوبه خود سهم زیادی در پیشرفت اسلام داشت، خصوصاً فتوای تحریم تنباکو، در سال ۱۳۱۲ق و در ۸۲ سالگی یاران را وداع و جانان را لبیک گفت و به سوی لقاء الله پر کشید.

مرقد: عراق، نجف اشرف، کنار درب شیخ طوسی که به حرم امیر المؤمنین علیه السلام باز می گردد.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲. همان، ص ۳۸۷.

ص: ۲۶۰

- میرزا با توجه به موقعیت و زعامتی که بر عهده داشت، همواره در فکر وحدت و همدلی مسلمانان بود.

- ایشان با اندیشه ها و طرحهای گوناگون، عملاً گامهای بزرگی در راه اتحاد بین مذاهب اسلامی خصوصاً شیعه و سنی برداشت که در بسیاری از مواقع، این گونه برنامه ریزی ها باعث دفع نقشه های بیگانگان می گردید.

#### تلاش ها

- ایجاد وحدت تشیع و تسنن: از مهمترین عوامل بقاء عزت و عظمت جامعه اسلامی، وحدت تمامی گروههای مسلمین است. همانگونه که عامل ذات و تباهی این امت نیز تفرقه و جدایی اقشار آن می باشد. میرزای شیرازی با نقشه ها و طرحهای مختلف سعی در ایجاد وحدت میان برادران شیعه و سنی داشت که از آن جمله به اقدامات ذیل می توان اشاره کرد (۱):

- مقابله با طرحهای استعمارگرایانه انگلیس: در زمان میرزای شیرازی، پیر استعمارگر «انگلستان» در هر کجای وطن اسلامی، افرادی جیره خوار و مزدور داشت که به گونه ای سعی در از بین بردن وحدت مسلمانان و بر باد دادن عزت و عظمت و تباه نمودن سرمایه های مادی و معنوی و انسانی آنان داشت. از آن جمله در افغانستان فردی بنام «عبد الرحمن محمد زایی» با دامن زدن به اختلاف شیعه و سنی و کشتار بیرحمانه و مظلومانه شیعیان، سعی در پیاده کردن نقشه های شوم انگلستان را داشت. تا آنجا که در یک کشتار دسته جمعی آنقدر از شیعیان را کشت که از سرهای آنان تپه ای تشکیل شد که بعدها بنام تپه سرها (۲) معروف گشت.

میرزای شیرازی پس از اطلاع از این واقعه ناگوار، دست به اقدامات مهمی زد، از جمله در تلگرافی به ملکه انگلستان، خواستار قطع دست این نوکرجنایتکار سیاست انگلیس شد. این اقدام میرزا موجب پایان گرفتن این اعمال جنایتکارانه شد.

ص: ۲۶۱

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- (۲). اصطلاح افغانستانی تپه سرها «کله منار» است..

- انتقال حوزه علمیه تشیع از شهر نجف به شهر سنی نشین سامراء.

- پرداخت مستمری و کمکهای مادی به طلاب و علمای سنی همانند طلاب و علماء شیعه.

- ایجاد امکانات رفاهی برای برادران اهل سنت و تشیع بصورت یکسان.

- خنثی سازی نقشه های مختلف دشمن برای ایجاد اختلاف و تحمل کردن مشکلات این مسیر، از جمله به شهادت رسیدن فرزند ایشان.

- برخورد با افراد نا آگاه و عالم نما که تحت عنوان محبت به اهل بیت علیهم السلام و اظهار نفرت از دشمنانشان، قصد اختلاف افکنی میان شیعه و سنی داشتند. (۱) - سکونت در روستایی که هیچ کس از شیعیان در آنجا زندگی نمی کرد. (یکی از علل این هجرت، ایجاد وحدت و اخوت بین شیعیان و اهل سنت بود). (۲) - خاموش نمودن آتشهای فتنه بین مرجعیت شیعیان و اهل سنت که در آن روز حربه استعمارگران به حساب می آمد. (۳) - اصلاح ذات البین و برقراری آشتی در ماجرای بین طلبه شیعه و طلبه سنی توسط ایشان. (۴) - جلوگیری از دامنه اختلافات مسلمانان (شیعه و سنی) افغانستان.

- ارائه نقشه ها و طرحهای گوناگون در جهت ایجاد وحدت میان برادران شیعه و سنی.

ص: ۲۶۲

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۸۹..

۲- (۲) . روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲..

۳- (۳) . یکی از فتنه هایی که عوامل و مأمورین دولت بریتانیا در پی اجرای آن بودند، تلاش برای ایجاد درگیری بین میرزا و اهل سنت عراق بود که پیامد آن از بین رفتن اقتدار دولت عثمانی بود. اما در این میان تقوا و تدبیر میرزای شیرازی بر آن مکرهای شیطانی فائق آمد. در سال ۱۳۱۱ق، حسن پاشا والی دولت عثمانی به دیدار مرجع تقلید شیعیان عراق رفت ولی ایشان به او توجهی نکرد. این رفتار، کینه والی را علیه میرزا برانگیخت و او عده ای را علیه شیعه تحریک کرد که بدنبال آن فتنه ای پدید آمد و دامنه آن تا بغداد را فرا گرفت. سفیر انگلیس به طرفداری میرزای شیرازی و اطرافیان او تظاهر کرد و به سامرا رفت و از میرزا اجازه ملاقات خواست، ولی میرزا به او اعتنایی نکرد و البته ماجرا ختم به خیر شد و امتیت سامرا برگشت. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲، به نقل از معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۳۵).

۴- (۴) . همان، به نقل از حماسه فتوا، ص ۱..

معروف به (فاضل قندهاری)

متوفای: ۱۳۱۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

□

نام: عبدالله، نام پدر: نجم الدین، ولادت: ۱۲۲۷ق، محل تولد: افغانستان، قندهار.

تحصیلات: وی که در خانواده ای فرهیخته و دانشمند به دنیا آمد پس از طی علوم مقدماتی، مبادی فقه، اصل، تفسیر و حدیث را نزد پدرش ملا نجم الدین که از عالمان متنفذ و به نام شیعه قندهار بود فرا گرفت و به مقام و مرتبه بالایی در علوم دینی رسید. ۱۰ سپس به عتبات عالیات رفته و در محضر استادان و عالمان شیعه و سنی تلمذ نمود. پس از چندی به کابل رفت و به تبلیغ دین مبین اسلام پرداخت.

اساتید، حضرات آیات: ملا نجم الدین (پدر)، شیخ انصاری، سید محمد باقر شفتی و برخی از علمای اهل سنت.

شاگردان: فاضل قندهاری که از بارزترین مراجع شهر به شمار می آمد، مدرسه ای پر رونق و شاگردان فراوان داشت. شاگردان او از دروس فقه، اصول، حدیث، تفسیر، کلام، عقاید، حکمت، تاریخ، ادبیات و... استاد فاضل خود استفاده می کردند.

آثار قلمی: البرهان فی قطع شبهه الشیطان، تجوید القرآن، تحریر الاصول در فقه، تذکره العلماء، خوان الالوان، دلالة السالکین در قواعد عارفین، الفوائد البهیه و... ۲.

سرانجام: فاضل قندهاری که در نوشته ها و آثارش، خود را با تخلص «وصال» و «مهجور» نام می برد، در سال ۱۳۱۲ق در ۸۵ سالگی جهان فانی را وداع و به لقاء الله پیوست.

مقبره: ایران، مشهد مقدس، جوار ملکوتی بارگاه امام رضا علیه السلام، دار الضیافه.

۱. علمای مجاهد، ص ۳۳۴.

۲. مشاهیر مدفون در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۰.

ص: ۲۶۳

- تبلیغ برادری و وحدت: فاضل قندهاری پس از اشغال افغانستان توسط سپاهیان انگلیس به کابل رفت و مدتی در آن جا علیه انگلیس به تبلیغ پرداخت و قدمهای مثبتی در راستای وحدت شیعه و اهل سنت برداشت. (۱) - قطع نهال خبیثه نفاق و دشمنی: ملا عبدالله عالمی بلند نظر و دوراندیش بود؛ از این رو با درایتی بسیار توانست نهال دشمنی را از میان اهل سنت و شیعیان کابل برداشته و آنان را با یکدیگر آشتی دهد.

- دعوت از عموم مردم شیعه و سنی به وحدت و مبارزه: در ۱۲۵۴ق انگلیسی‌ها به بهانه حمایت از شاه شجاع به افغانستان تاختند و قندهار و کابل را اشغال کردند. این امر موجب نفرت افغانها از انگلیسی‌ها گردید.

ملا عبدالله فاضل قندهاری پس از اطلاع، بلافاصله از قندهار به سوی کابل حرکت کرد.

به محض ورود به پایتخت بر ضد انگلیسی‌ها شروع به فعالیت نمود و در مساجد و تکایا عموم مردم از شیعه و سنی را به وحدت مبارزه و جهاد علیه انگلیسی‌ها دعوت کرد. (۲)

---

۱- (۱). مشاهیر مدفون در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۰..

۲- (۲). علمای مجاهد، ص ۳۳۴..

متوفای: ۱۳۱۴ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام سجاد علیه السلام

نام: سید جمال الدین، نام پدر: سید صفدر، ولادت: شعبان المعظم سال ۱۲۵۴ق، محل تولد: ایران، همدان، روستای اسد آباد (محلّه امام زاده احمد).

تحصیلات: وی در سال ۱۲۶۴ق به تحصیل علوم پرداخت و دو سال بعد با پوشیدن لباس مقدّس روحانیت به دست استاد خود، تحصیل علوم حوزوی را آغاز نمود. او سپس به نجف اشرف هجرت کرد و تحصیلات خود را در رشته های علوم تفسیری، حدیث، فقه، اصول، کلام، منطق، فلسفه، ریاضی، طب، تشریح، نجوم، هیئت و... ادامه داد. در تمام مدّت حضور در نجف، مخارج سید را شیخ انصاری به عهده گرفت و در نهایت درجات علمی او را تصدیق و به فتوا دادن در امور شرعی اجازه فرمود. وی در راه اهداف خویش در طول ۶۰ سال عمر خود به کشورهای هند، افغان، عربستان، سوریه، بغداد، اردن، مصر و انگلیس، سفر نمود.

اساتید، حضرات آیات: آقا سید محمد صادق طباطبایی همدانی، شیخ مرتضی انصاری، ملا حسینقلی همدانی، سید احمد تهرانی، سید سعید حبّوبی دوستی.

برخی از شاگردان و مریدان ایشان در مناطق مختلف: شیخ محمد عبده: عالم بزرگ و مفتی اعظم مصر، سعد زغلول پاشا:

از شخصیت‌های معروف مصر، فرصت شیرازی: مؤلف کتاب آثار العجم و دبستان الفرصه ومقالات علمی و سیاسی، ۱ میرزا نصر الله اصفهانی مشهور به ملک المتکلمین:

مشهورترین واعظ مشروطیت، سید صادق طباطبایی: از برجسته ترین مجتهدین فعال در حمایت از انقلاب مشروطیت، سید هبه الدین شهرستانی، ۲ محمد اقبال، شوکت علی، محمد علی جناح، ۳ حاجی ملا فیض الله دربندی: دانشمند پرهیزکار و واعظ، شیخ عبد القادر مغربی، ادیب اسحق، ابو تراب عارف افندی، ۴ سید عبد الرحمان کواکبی، ۵ سید محمد رشید رضا، مولانا ابو الکلام، شیخ حسین جسر، آقا خان کرمانی، امیر شکیب ارسلان، میرزا محمد باقر بواناتی، خیر الملک، شیخ احمد روحی و...

آثار قلمی: تمه البیان فی تاریخ الافغان، القضا والقدر، اسلام و علم، نیجریه یا ناتورالیزم، الوحده الاسلامیه، الواردات فی سر التجلیات.

سرانجام: سید جمال الدین اسدآبادی، این منادی مصلح، با قلبی مالامال از عشق به وحدت مسلمین جهان، پس از ۶۰ سال مجاهدت، با طرفندی که توسط سلطان عبد الحمید برنامه ریزی شد، مسموم گردید و در سال ۱۳۱۴ق به دیدار معبود شتافت.

مقبره: استانبول، شهر بندری، قبرستان شیخ لرمزاری.

۱. شرح حال و آثار سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا لطف الله اسد آبادی، ص ۲۲. □

۲. شرح حال وی در صفحه ۳۷۱ همین کتاب خواهد آمد.

۳. گزیده ای از زندگی نامه و اقدامات محمد علی جناح، در صفحه ۳۱۷ همین کتاب خواهد آمد.

۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۰۵.

۵. عبدالرحمن کواکبی از جمله منادیان وحدت و مصلحان جهان اسلام به شمار می رود که در صفحه ۲۷۳ همین کتاب به بخشی از زندگی نامه و تلاش های وی در این راه پرداخته شده است.

ص: ۲۶۵

- سید خود را متعلق به همه مسلمانان می دانست و می گفت: من خود را مدافع منافع تمام مسلمانان جهان می دانم.

- سید به نقش علما در ایجاد وحدت و یگانگی میان مسلمانان اشاره می کند و می گوید:

«من یقین دارم اگر علمای فعال اسلام، خود را معطوف به این سازند که صدای بعضی از مسلمانان را به گوش مسلمانان دیگر برسانند، موفق خواهند شد که آمال و هدفهای افراد مسلمین را در نزدیک ترین مدت، باهم مربوط سازند و آنان را با یکدیگر متحد نمایند.»

- وی در یکی از نامه هایش چنین می نویسد: «من صدر اعظم نمی خواهم بشوم، من وزیر نمی خواهم بشوم، من ارکان دولت نمی خواهم بشوم، من وظیفه نمی خواهم، من عیال ندارم، من ملک ندارم و نمی خواهم که داشته باشم... بسیار اشخاص به واسطه من به رتبه بیگی و پادشاهی رسیده اند و بسیار اشخاص به توسط من به موجب های باهظه رسیده اند و لکن خود من همیشه به یک حالت بوده و خواهم بود؛ جز نصیحت و اصلاح مقصد دیگری ندارم.»

- او در نامه دیگرش می نویسد: «مرا در این جهان چه در غرب باشم و چه در شرق مقصدی نیست جز آنکه در اصلاح دنیا و آخرت مسلمانان بکوشم و آخر آرزویم آن است که چون شهدای صالحین خونم در این راه ریخته شود.»

تلاش ها

□  
- ارسال نامه ای بسیار مهم به مرحوم آیت الله العظمی میرزای شیرازی که به سبب آن نامه، میرزا حکم تاریخی تحریم تنباکو را صادر نمود.

- تأسیس جبهه واحد اسلامی.

- نوشتن نامه هایی به بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی جهان اسلام به زبانهای فارسی، عربی، هندی و ترکی، از جمله کشورهای ایران، هندوستان، مصر، الجزایر، طرابلس، شامات، حجاز و سایر قلمرو اسلامی.

- انتشار روزنامه العروه الوثقی لانفصام لها. (۱) - ارائه پیشنهاد تشکیل کنفرانس اسلامی با مرکزیت شهر مکه در شماره اول روزنامه عروه.

- ارتباط مستمر با علمای بزرگ و مراجع شیعه در نهایت احترام و نصیحت عالمانی که در وظیفه خطیرشان کوتاهی می کردند.

- متحد نمودن روشنفکران و اصلاح طلبان با علما.

در نگاه دیگران

- علامه شهید مطهری: «روش سید جمال در قبال روحانیت شیعه تأثیر فراوانی داشت، هم در جنبش تنباکو که منحصرأً بوسیله علما صورت گرفت و مشتکی آهین بود بر دهان استبداد داخلی و استعمار خارجی و هم در نهضت مشروطیت ایران که به رهبری و تأیید علما صورت گرفت. سید جمال الدین با تیغ زبان و نوک قلم خود زمینه سازی کرد و شالوده اصلی قبول حکومت مشروطه جدید را در ذهن علمای روحانی مملکت فراهم آورد... آری سید با فکر روشن و توانا و اراده نیرومند و عقیده ثابت و زبان گویا و قلم نیرومندش، کاری را در خاورمیانه عملی ساخت که در نقاط دیگر جهان بی کمک توپ و تفنگ میسر نمی شد» همان کاری که به بهترین وجه در انقلاب اسلامی ایران صورت گرفت و سیدی روح الله نام آن را رهبری و هدایت کرد.

- شیخ محمّد عبده (در نامه خصوصی اش به سید جمال الدین): از سوی تو به من حکمتی رسیده است که با آن دلها را منقلب می کنم، عقول را در می یابم و در خاطره های مردم تصرف می کنم. روح حکمت تو مردگان ما را زنده کرد و عقل های ما را روشن ساخت. ما برای تو

ص: ۲۶۷

---

۱- (۱). این نشریه از تاریخ ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۰۱ق به مدت ۸ ماه منتشر شد. به طور خلاصه هدفهایی که عروه الوثقی تعقیب می کرد بدین شرح می باشند: آزاد سازی کشورهای اسلامی از ذلت استعمار، اتحاد اسلامی و وضع داخل ممالک اسلامی و... برخی از موضوعات عروه الوثقی عبارت بود از: اسلام و حل مسأله نژاد، حکومت صالح اسلامی، وحدت اسلامی، وحدت بنیان سیادت، حکومت مستبدانه در امت اسلام و ده ها مسأله از این قبیل..

اعدادیم و تو (برای ما) واحدی و... .

- علامه محقق شیخ آقا بزرگ تهرانی: (سید جمال الدین) در شمار بزرگترین فیلسوفان قرار داشت و از مصلحان بزرگ شیعه بود.

- دکتر علی شریعتی: این سید جمال، آخوند قدیمی دهاتی است، پرورده ده اسدآباد همدان که پیش از همه رهبران متزقی آسیا و آفریقا خطر را پیش از وقوعش احساس می کند و به شامه بومی و شخصیت امی خودش بو می برد که این تجدد بازی عاقبتش چه خواهد بود. (۱)

ص: ۲۶۸

---

۱- (۱). سید جمال الدین اسدآبادی، مصلحی متفکر و سیاستمدار، سید احمد موثقی، ص ۱۱۱..

متوفای: ۱۳۱۴ق

چکیده ای از زندگی نامهٔ ۱ فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: ابو الحسن، نام پدر: سید محمد، ولادت ۱۲۳۸ق، محل تولد: هند، احمد آباد گجرات. ۲.

تحصیلات: او علوم مقدماتی، قرائت و ادبیات فارسی و مقداری از علوم عربی و حتی خط و کتابت را در زواره فرا گرفت، چندی بعد به اصفهان آمد و در محضر بزرگان آن دیار تلمذ نمود. مسائل گوناگونی سبب آن گردید تا جلوه، اصفهان را به قصد تهران ترک گوید.

میرزا ابو الحسن مدت ۴۱ سال در مدرسه دارالشفای تهران به تدریس حکمت و فلسفه مشغول بود.

اساتید، حضرات آیات: میرزا حسن نوری، میرزا حسن چینی، ملا عبد الجواد تونی خراسانی.

شاگردان، آیات عظام: میرزا محمد طاهر تنکابنی، میرزا ابراهیم حکمی زنجانی، عماد العلماء، میرزا محمد علی شاه آبادی، آقا سید حسین بادکوبه ای، ملا محمد هیدجی زنجانی، میرزا محمود مدرس کهکی قمی و ده ها نفر از شاگردان دیگر ایشان.

آثار قلمی: حاشیه بر شفا، حواشی بر کتاب اسفار ملا صدرا، ۲ اثبات الحریه، حاشیه بر شرح الهدایه الاثیری، بیان استجاب دعا. ۳.

سرانجام: حکیم فرزانه و متألّه، میرزا ابوالحسن جلوه در ۱۳۱۴ق با دیار مادّیت خداحافظی نمود و به لقاء الله پیوست. □

مرقد: ایران، شهر ری، قبرستان ابن بابویه.

۱. شرحی از زندگی نامهٔ ایشان به سبک رجالی در مقدمه کتاب رساله فی بیان استجاب الدعاء، نشر پیام امام هادی علیه السلام - قم گردآوری شده است.

۲. از منابع تاریخی این چنین برداشت می شود که موطن اصلی اجداد جلوه و همچنین محل سکونت خود او در زواره اصفهان بوده لیکن محل تولد وی را احمدآباد گجرات معرفی نموده اند.

۳. رساله فی بیان استجاب الدعاء، ص ۵۲ - ۵۵.

۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۹۸؛ مقدمه رساله فی بیان استجاب الدعاء.

- از خصوصیات بارز میرزای جلوه آن بود که به هنگام افاضه به شاگردان، مراقب بود که از سخنان تفرقه انگیز و مطالبی که علما و فقها را ناخوش آید پرهیز کند. (۱) - سید احمد ادیب پیشاوری حکایت نموده که وقتی سید جمال الدین اسدآبادی به تهران آمد و در خانه امین الضرب وارد شد، خیلی تمایل داشت که با میرزا ابو الحسن جلوه دیدار و ملاقاتی داشته باشد تا آنکه پس از چندی جلوه به دیدار سید جمال الدین اسدآبادی رفت.

سید جمال در آن جلسه برای حاضرین که جلوه از جمله آنان بود خطابه ای پرشور و هیجان انگیز در خصوص اتحاد اسلام و اغراض و حیل‌های استعمار ایراد نمود و لازمه آزادی مسلمانان را از یوغ استعمار تبیین کرد.

حکیم جلوه در مدتی که سید جمال مشغول سخنرانی بود سکوت اختیار کرد و آرام و خاموش نشسته بود. پس از پایان آن سخنرانی، جلوه از جای برخاست و جلسه را ترک نمود، حاضرین علت رفتن حکیم را جویا شدند؟! جلوه گفت: «می‌روم کفنی برای خود بدست آورم تا جهاد کنم». (۲)

ص: ۲۷۰

۱- (۱). دیدار با ابرار (۳۵)، میرزا ابو الحسن جلوه حکیم فروتن، ص ۷۹..

۲- (۲). اعیان الشیعه، ذیل ابو الحسن طباطبایی؛ دیدار با ابرار (۳۵)، ص ۱۶۱ - ۱۶۲..

## آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی

(معروف به مجتهد تبریزی)

متوفای: ۱۳۱۵ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: میرزا صادق، نام پدر: میرزا محمد آقا، ولادت:

۱۲۷۴ق، محل تولد: ایران، تبریز.

تحصیلات: وی در اوان نوجوانی وارد مدرسه علوم دینی گردید و تحصیلات ابتدایی را که شامل آشنایی با ادبیات قرآن و سطح ابتدایی فقه و اصول بود فرا گرفت و ۱۸ بهار از عمرش در این سامان سپری شد. او در ۱۲۸۸ق به حوزه علمیه نجف هجرت نمود. میرزا صادق ۲۴ سال در نجف ماند. وی در این مدت استعداد و روح تشنه اش به دانش و معنویت به بار نشسته و سیراب گشت و به قله اجتهاد دست یافت. ۱.

اساتید، حضرات آیات: شیخ حسین اردکانی، ملا محمد فاضل ایروانی، محمد فاضل شریانی، محمد حسن مامقانی، شیخ هادی طهرانی. ۲.

شاگردان، صاحب الذریعه می نویسد: جمع کثیری از حوزه درس او فارغ التحصیل شده اند که در میان آنان برخی امروزه صاحب وجاهت و مکانت علمی هستند. ۳.

آثار قلمی: شرح تبصره علمای حلی، رساله شرایط عوضین، رساله در ربا، واجبات احکام، رساله الغریه در مباحث الفاظ، مباحث مشتقات. ۴.

□  
سرانجام: آیت الله میرزا صادق آقا تبریزی، در ششم ذی القعدة ۱۳۱۵ق، چراغ پر فروغ عمرش خاموش گردید و جامعه اسلامی را در غم و اندوه فرو برد.

مرقد: ایران، قم، جوار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.

۱. ستارگان حرم، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۱۴، به نقل از علمای معاصرین، ملا علی واعظ خیابانی، ص ۱۵۳.

۳. همان، ص ۱۱۵، به نقل از کیهان اندیشه، ش ۱۶، ص ۸۰، به نقل از مبانی حقوق، موسی جوان، ج ۲، ص ۱۳۸.

۴. همان، ص ۱۱۴، به نقل از طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۸۷۳.



- در حالات وی در برخی منابع مانند کتاب علمای معاصرین این گونه آمده که وی «بنا به موجبی به بلده سنندج، مقرر حکومت کردستان مسافرت نمود» (۱) و سپس اضافه می‌کند که اهالی آنجا با اینکه از جماعت عامه و اهل سنت شافعیه هستند به زیارت او آمدند و تکریم و تجلیل به جای آوردند. (۲) - (فعالیتهای وحدت آفرین آیت الله مجتهد تبریزی در ایجاد تفاهم بین شیعه و سنی در مدت اقامت ایشان در سنندج، به گونه ای بود) که علمای آن دیار هر روز به دیدار او می‌رفتند و به قدوم او در بلد شان افتخار می‌نمودند. حتی شیخ اجل، شیخ شکر الله امام جمعه سنندج خطاب به مجتهد تبریزی می‌گوید: اگر ذبح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را ذبح می‌کردم. (۳) این گونه رفتارها از علمای اهل سنت، نشان از عملکرد مثبت بزرگان شیعه در راستای ایجاد وحدت بین شیعیان و برادران اهل سنت بوده است.

ص: ۲۷۲

---

۱- (۱). ستارگان حرم، ج ۱، ص ۱۲۲، به نقل از علمای معاصرین، ص ۱۵۴..

۲- (۲) و ۳. ستارگان حرم، ج ۱، ص ۱۲۲..

۳- (۳).

متوفای: ۱۳۲۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبد الرحمن، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۲۶۵ق، محل تولد: سوریه، حلب. ۱.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی در زادگاه خود به کسب دانش پرداخت. مدتی بعد پدرش او را به انطاکیه فرستاد. عبد الرحمان از همان اوان تحصیل از خود استعداد نشان داد و پس از چندی تحصیلات عالی خود را در مدرسه کواکیه حلب که پدرش مدیر آن بود به انجام رساند. علوم جدید را نزد یکی از ادیبان برجسته به اتمام رسانید و در بیست سالگی با عضویت در هیئت تحریریه روزنامه رسمی فرات در سلک روزنامه نگاران درآمد.

اساتید: شیخ محمد عبده، استاد خورشید.

آثار قلمی: ام القری، ۲ طبائع الاستبداد. ۳ و ۴

سرانجام: وی با اندیشه هایی مملو از روحیه اتحاد و همدلی مسلمانان، درحالی که مقاله ها و کتابهایش، او را به نام یکی از پیشروان تجدید فکر دینی مشهور نموده بود، در سال ۱۳۲۰ق در قاهره درگذشت. ۵

مرقد: مصر، قاهره.

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۶۴۵۸.

۲. کلیات این کتاب انتقادی است از جهان اسلام که در قالب گفتگوهایی در یک کنگره خیالی منعقد در مکه مکرمه (ام القری) صورت گرفته و نمایندگان کشورهای مسلمان در آن شرکت داشتند.

۳. این کتاب شاید نخستین کتاب در ادبیات معاصر عرب است که موضوع آن تماماً سیاسی است، زیرا تا زمان کواکبی، نویسندگان معاصر عرب، مسائل سیاسی را به طور مستقل بررسی نمی کردند، بلکه در ضمن رسالات خود، درباره اخلاق، دین و ادب از آن سخن می گفتند. (علمای مجاهد، ص ۴۰۳ - ۴۰۴)

۴. المنجد فی الاعلام، ص ۵۹۶.

۵. علمای مجاهد، ص ۴۰۳.

- کواکبی که از سلسلهٔ مصلحان و احیاگران دینی مشهور تاریخ معاصر اسلام به شمار می رود، از پیروان برجستهٔ سید جمال الدین اسدآبادی و از شاگردان محمد عبده و همراهان رشید رضا بود.

- اهمیت وی در این سلسله، بیشتر از جهت اندیشه های سیاسی بوده که کمتر گذشتگان به این سبک بیان کرده اند و نیز تأیید آرمانهای سید جمال الدین در لزوم حکومت قانون اتحاد اسلامی و احساس نگرانی از عقب ماندگی جوامع اسلامی است.

- به عقیدهٔ او اختلافات مذهبی و مشاجرات تفرقه انگیز سیاسی امت، از دردهای بزرگ جامعهٔ اسلامی به شمار می رود.

- کواکبی از سران کشورهای اسلامی ناامید شده بود و بر خلاف مصلحین پیشین، به اتحاد دولتهای آنان خوشبین نبود. بویژه آنکه وی با دولت عثمانی درگیر شده بود.

#### تلاش ها

- عبدالرحمن کواکبی تا آخر عمر هرگز از آرمان اتحاد اسلامی دست برد نداشت. عشق او به این هدف تا به آنجا بود که آرزوی خویش را به گونهٔ کنگره ای در راه وحدت اسلامی بر روی کاغذ آورد و تحت عنوان ام القری منتشر ساخت. برخی بر آنند که آنچه کواکبی در کتاب ام القری مطرح ساخته بعید نیست که صورت خارجی هم داشته است. او در کتاب ام القری، کنگره ای را ترسیم می سازد که از همهٔ اقوام و ملل مسلمان، نماینده ای در آنجا حضور یافته است و با کنار نهادن اختلافات فرقه ای، به بررسی دردهای جامعهٔ اسلامی و شیوهٔ درمان آنها پرداخته اند. (۱) - وی ابتدا در مجلهٔ «الشهباء» به عنوان یک منتقد سیاسی، از حاکمیت ترکان انتقاد می نمود. عبد الرّحمان در آن مجله به کمک دولت، در صیانت از حقوق شهروندان و بیان

ص: ۲۷۴

---

۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۵۳..

حاجت‌ها و نیازهای مردم و شرح حوادث سیاسی، دعوت به عدالت، آزادی، ترویج الفت و اتحاد می نمود. (۱) - تألیف کتاب گرانمایه ام القری: او در کتابش از دردهایی که گریبان گیر ملت‌های اسلامی به ویژه عرب شده است و منشأ ضعف و فساد آن‌ها گردیده سخن می گوید و راه حل‌های آن را مورد بررسی قرار می دهد. وی در این کتاب تخیل می کند که کنفرانسی در مکه بین همه اقشار مسلمانان، تحت شعار «لا تعبد إلا الله» برگزار شده است. کواکبی خود را در این کتاب به عنوان سید فراتی معرفی کرده است و از زبان نمایندگان مختلف کشورهای اسلامی دردهای جهان اسلام را بر شمرده و آن را ثبت می کند.

ص: ۲۷۵

---

۱- (۱). عبد الرحمان کواکبی، اعمال الکامله، به کوشش محمّد جمال طحان، ص ۶۶ - ۶۷..

متوفای: ۱۳۲۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد کاظم، نام پدر: ملا حسین، ولادت:

۱۲۵۵ق، محل تولد: ایران، مشهد مقدس.

تحصیلات: وی در ۱۲ سالگی وارد حوزه علمی مشهد گردید. ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول را در آن حوزه فرا گرفت. در ۲۲ سالگی عازم نجف گشت اما در راه از کاروان جدا شد و نزد ملا هادی سبزواری به سبزواری رفت. پس از چند ماه استفاده از محضر ملا هادی، به تهران رفت و در مدرسه صدر مشغول تحصیل شد. پس از چندی تهران را به قصد نجف اشرف ترک نمود و راهی دیار علم و معرفت گردید. وی در سال ۱۲۸۷ق به مدت ۱۳ سال در درس بزرگان حوزه شرکت نمود و از سال ۱۲۹۱ق، تدریس را در حوزه علمی نجف آغاز کرد و پس از فوت میرزای شیرازی در سال ۱۳۱۲ق، زعامت شیعه را به عهده گرفت.

اساتید، حضرات آیات: ملا هادی سبزواری، ملا حسین خویی، میرزا ابو الحسن جلوه، ۱ شیخ انصاری، میرزای شیرازی، ۲ آخوند اردکانی، سید علی شوشتری، شیخ راضی بن محمد نجفی، سید مهدی مجتهد قزوینی.

شاگردان، آیات عظام: سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ ابوالقاسم قمی، سید ابوالقاسم کاشانی، میرزا احمد خراسانی، سید محمد تقی خوانساری، سید جمال الدین گلپایگانی، محمد جواد بلاغی، شیخ عبدالکریم حائری، آقا بزرگ تهرانی، حاج آقا حسین بروجردی، سید محمود شاهرودی و... ۳.

آثار قلمی: کفایه الاصول، ذخیره العباد فی يوم المعاد، روح الحیاه فی تلخیص نجاه العباد، القضاء والشهادات، و... .

سرانجام: ایشان پس از سالیان متمادی تحصیل، تدریس، تحقیق و تألیف در چهارشنبه ۲۱ ذی الحجه ۱۳۲۹ق پس از اقامه نماز صبح، چشم از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت. ۴.

مرقد: عراق، نجف اشرف، باب الذهب، مقابل ایوان طلا. ۵.

۱. کفایه الاصول، محمد کاظم خراسانی، مقدمه.

۲. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۵.

۳. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۳۴، به نقل از مرگی در نور، ص ۱۰۲ - ۱۱۹ و ۱۲۲؛ آخوند خراسانی آفتاب نیمه شب، محمد رضا سماک امانی، ص ۹۷.

۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۴۴.

۵. سرزمین آرزوها، ص ۶۸.

ص: ۲۷۶

- وی عقیده داشت ایذاء و تحقیر زردشتیه و سایر اهل ذمه... حرام و به تمام مسلمین واجب است که وصایای حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم را در حسن سلوک و تألیف قلوب و حفظ نفوس و اعراض و اموال ایشان، کما ینبغی رعایت نمایند. (۱)- آخوند اختلافات و جنگهای خانگی را سبب ضربه زدن به استقلال مملکت و اسلام می دانست و مردم را به وحدت و یکپارچگی در مقابل دشمن بیرونی فرا می خواند.

## تلاش ها

- ارسال تلگراف هایی به مجلس، مجتهدان، عموم امرا و سرداران، رؤسای عشایر و طبقات: لذا طی اعلامیه مشترکی، اتفاق نظر همه مذاهب اسلامی را در صیانت از اسلام و دفع تجاوز دشمنان اسلام اعلام داشت. (۲)- احترام به دانشمندان و علمای مسلمان اهل سنت؛ داستان ذیل نمونه ای از این رفتار مثبت آیت الله آخوند خراسانی را نشان می دهد:

هنگامی که آوازه علمی آخوند خراسانی از مرزها گذشت، روزی شیخ الاسلام امپراتوری عثمانی که در آن زمان به عراق آمده بود، به همراه شماری از همراهان، در درس آخوند شرکت کرد. مهمه بین طلاب بلند شد و همه به احترام او برخاستند. شیخ الاسلام نزدیکتر رفت و آخوند با دیدن وی، درس را به بررسی نظر ابوحنیفه در یکی از مسائل علم اصول کشاند.

مرجع تقلید شیعیان عراق، ابتدا نظرات ابوحنیفه را بیان نمود و دلایلی را برشمرد، شرح الاسلام سنی در شگفت بود که چگونه استاد شیعی، نظر پیشوای اهل سنت را پذیرفته است؟! اما اندکی بعد سخنان آخوند، او را متوجه اشتباهش ساخت. آخوند خراسانی چند اشکال علمی بر نظر ابوحنیفه وارد ساخت و سپس نظر مجتهدان شیعه را در آن مسأله بیان نمود. سپس از شیخ الاسلام خواست تا به بالای منبر رود و شروع به ایراد سخنرانی نماید تا

ص: ۲۷۷

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۴۳..

۲- (۲). علمای مجاهد، ص ۸..

همه از سخنانش استفاده برند. اما روحانی اهل سنت به احوال پرسی با آخوند بسنده کرد.

شیخ الاسلام از قدرت علمی و احترام آخوند به وجد آمده بود که تا مدتها بعد همواره از آن دیدار به یاد ماندنی سخن می گفت. (۱) - صدور بیانیه ها و پیامهای مهم در زمان مشروطه که از آن جمله می توان به بخشی از دو پیام ذیل اشاره نمود:

بر کافئه مسلمین واضح است که نفاق و اختلافات داخلی ایران عبده صلیب را کامیاب نموده... . بر قاطبه مسلمین و صاحبان فطرت اسلامیت، و عرق دیانت خصوصاً عشایر ایلات با جمعیت، واجب عینی است که در مقام دفاع از بیضه اسلام و رفع حملات ظالمانه... ، اتفاق و اتحاد حقیقی نموده؛ از اتمام اغراض شخصی که منشأ این همه خرابی هاست، اغماض نمایند و دعوت اسلام را اجابت و استغاثه شریعت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم را لیک بگویند. (۲) به تمام مردم، بویژه عشایر، ایلات و مرزبانان واجب است که تفرقه را کنار بگذارند و دست در دست یکدیگر... به پاسداری از آب و خاک ایران پردازند. (۳)

ص: ۲۷۸

---

۱- (۱) . پایگاه اطلاع رسانی حوزه، بهمن ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . شهدای روحانیت شیعه در یک صد ساله اخیر، ج ۱، ص ۱۳۳..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۴۰ - ۴۴۱..

متوفای: ۱۳۳۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: عبده، ولادت: ۱۲۶۶ق، محل تولد:

مصر، استان بحیره، محله نصر به مرکزیت شبرخیت. ۱.

تحصیلات: محمد در ۱۰ سالگی به مکتب خانه رفت و توانست در مدت ۲ سال کل قرآن را حفظ نماید. در ۱۵ سالگی شروع به خواندن ادبیات عرب نمود. او پس از مدتی در ۱۲۸۲ق به دانشگاه الازهر، در قاهره رفت. شیخ محمد چندی بعد در پی عدم تدریس علوم عقلی در دانشگاه، خود تدریس کتب ابن سینا و منطق ارسطو را آغاز نمود.

اساتید: سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ درویش، شیخ حسن الطویل.

شاگردان: مصطفی عبد الرزاق، محمد رشید رضا، ۲ مصطفی لطفی منفلوطی، سعد زغلول، ۳ طه حسین، شیخ عبد القادر المغربي، شیخ محمد مصطفی المراغی.

آثار قلمی: شرح بر نهج البلاغه، مقتبس السیاسه (پیرامون نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر)، ۴ حاشیه بر العقائد العضدیه، علم الاجتماع والعمران، و... .

سرانجام: شیخ محمد عبده این منادی مصلح، پس از مدتی مریضی طولانی (از ناحیه معده و کبد)، در ساعت ۵ بعد از ظهر روز هشتم جمادی الاولی ۱۳۲۳ق، در سن ۵۶ سالگی فوت نمود. ۵.

مقبره: اسکندریه، مقبره العفیفی.

۱. طلایه داران تقریب (۴)، شیخ محمد عبده رایت اصلاح، ص ۱۸، به نقل از الاعمال الکامله لامام الشیخ محمد عبده، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲. وی در راه اتحاد مسلمین و تقریب مذاهب، گام مؤثری برنداشت. اگرچه در نوشته های خود از آرزوی یگانگی همه مسلمانان دم می زند اما مخالفت هایی که از خلال برخی نوشته هایش بر ضد شیعیان پیداست و حاکی از تعصب یا نادانی اوست، با این آرزو سازگاری ندارد و جز دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی نتیجه دیگری دربر نداشت. مرحوم علامه امینی در کتاب معروف «الغدیر» از روش ضد شیعی رشید رضا بحث کرده و نادرستی داوری های او را نشان داده است. رشید رضا در رساله ای به عنوان (السنه والشیعه) اتهاماتی از این قبیل به شیعیان می زند: شیعه به تحریف قرآن و کتمان برخی آیات اعتقاد دارند. عمل به کتب اربعه (کافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه) را واجب می دانند. پایه مذهبشان را بر رقعہ هایی قرار داده اند که مهدی منتظر علیه السلام در شکاف درختان در پاسخ پرسشهای مردم می گذارد و... .

شهید مطهری در این باره می گوید: پس از سید جمال و عبده و کواکبی که در جامعه عربی... قهرمان اصلاح بودند، کس دیگری را نمی شود قهرمان نامید. اگر چه عده ای ادعا می کردند که پیرو آنان هستند اما آن اهمیت را نیافتند.

بلکه برخی از آن ها در اثر برخی انحرافات به جای آن که اصلاح کنند افساد کرده اند. محمد رشیدرضا از این جمله است (طلایه داران تقریب (۴)، ص ۴۷ - ۴۸).

۳. همان، ص ۴۹، به نقل از دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۴ - ۶۹.

۴. همان، ص ۶۹، به نقل از ریحانه الادب، ج ۴، ص ۹۶ - ۹۸.

۵. طلایه داران تقریب (۴)، ص ۱۵۱.

ص: ۲۷۹

- عبده از جمله اولین کسانی بود که شیوه های تغییر انعطاف ناپذیر را (که از زمان اولین خلفا، در مذهب تسنن حاکم بود) کنار گذاشت. به عقیده وی، ادله انسانی، تنها ابزار مناسب برای بهره گیری از حقایق اساسی قرآن و سنت است.

- او عقیده داشت مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آن ادیان بزرگ الهی، باید با یکدیگر وحدت داشته و باهم همکاری نزدیکی داشته باشند. (۱) - وی مانند استادش سید جمال، در پی وحدت دنیای اسلام بود و با تعصب های فرقه ای میانه خوبی نداشت. وقتی که به قول خودش نهج البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد و در تحشیه و پاورقی به همه آن کتاب، حتی به خطبه هایی که علیه خلفا بود درنگ نکرد، همچنان که از ستایش سخنان علی علیه السلام خودداری ننمود. (۲) - عبده معتقد بود که بایستی عده ای را پروراند و سپس از آنان به عنوان اشاعه دهندگان پیام احیاء و اصلاح استفاده کرد.

- از دیدگاه وی، وهابیت یکی از پدیده هایی است که می توان گفت با وحدت مسلمین عملاً مقابله می کند.

- شیخ محمد به افراطیون و غلو کنندگان وهابیت اعتراض دارد که چه حاجتی به انهدام مقبره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است؟ چرا باید به تمام مسلمین غیر از این مذهب کافر گفته شود؟ و چرا باید با زور شمشیر و سلاح، مسلمانان را به فرمان برداری وادار کرد؟

ص: ۲۸۰

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۴)، ص ۱۳۲..

۲- (۲). همان، ص ۱۲۷، به نقل از نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۳۶..

- عضویت در حزب وطنی به عنوان شخصیت دوم این حزب.

- ایجاد جمعیه التقرب بین الادیان والمذاهب در بیروت. (۱) - نقش او به عنوان سردبیر در نشریه عروه الوثقی که برخی از مقالات آن از این قرار بود:

(۱) النصرانیة والاسلام واهلهما (مسیحیت و اسلام و پیروان آن دو).

(۲) الوحده الإسلامیه.

(۳) دعوه الفرس الی الاتحاد مع الافغان (دعوت مردم ایران برای اتحاد با افغانها). (۲)

ص: ۲۸۱

---

۱- (۱). طلایه داران تقرب (۴)، ص ۱۳۳..

۲- (۲). همان، ص ۹۹، به نقل از شیخ محمد عبده، مصلح بزرگ مصر، ص ۶۲..

متوفای: ۱۳۳۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد باقر، نام پدر: محمد جواد، ولادت:

۱۲۷۵ق ۱ یا ۱۲۷۷ق ۲، محل تولد: ایران، همدان، بهار.

تحصیلات: وی دروس مقدماتی را در شهر بهار زیر نظر پدر بزرگوارش گذرانید. پس از اتمام دروس مقدماتی به همدان رفت و ضمن تحصیل به تدریس نیز پرداخت. محمد باقر مقدمات عربی، فقه و اصول را در مدرسه آخوند ملا محمد حسین همدانی فرا گرفت و پس از مدتی عازم بروجرد گردید و در آن دیار در درس فقه و اصول مرحوم حاج میرزا محمود بروجردی شرکت کرد و از ایشان اجازه اجتهاد گرفت. شیخ محمد باقر در ۲۲ سالگی عازم نجف گردید و مدت ۲۰ سال در نجف ماند. او در مدت اقامتش در نجف اشرف، از محضر اساتید بزرگ علمی آنجا استفاده ها برد و از تعدادی از آنان نیز اجازه اجتهاد و روایت اخذ نمود. ۳.

اساتید، حضرات آیات: ملا عباسعلی بهاری، شیخ محمد جواد (پدر)، ملا اسماعیل همدانی، میرزا محمود طباطبایی، میرزا حسن شیرازی، محدث نوری، ملا محمد شریانی، فاضل ایروانی، میرزا حبیب الله رشتی، آخوند خراسانی.

آثار قلمی: النور فی الامام المستور، تسدید المکارم و تفضیح الظالم، ترجمه مکارم الاخلاق، الوجیزه، بسط نور، شرح قطر الندی، حاشیه ای بر البهجه المرضیه، الدرہ الغرویہ والتحفہ الحسینیہ علیہ السلام، مستدرک الدرہ، روح الجوامع، و ده ها کتاب ارزنده دیگر. ۴.

سرانجام: آیت الله شیخ محمد باقر بهاری در سال ۱۳۳۳ق و بنا بر نقلی ۱۳۲۲ق در همدان دار فانی را وداع و به سرای ابدیت سفر نمود.

مقبره: ایران، همدان، کنار مقبره امام زاده عبدالله علیه السلام.

۱. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲. همان، ص ۵۳۷.

۳. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

۴. همان، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.



- ایشان در سال ۱۳۲۷ق با آمدن حکمران جدید (مشیر السلطان) لوایحی انقلابی منتشر ساخت و طی آن مردم را به اتحاد ملی در برابر تطاول همسایگان دعوت نمود و داد وطن خواهی و شوکت ایرانیّت سر داد. (۱)- این عارف سالک و مجتهد مجاهد، در برابر تجاوزات امپراتوری روسیه مقاومت نمود و با تحریم اجناس روسی، علناً با دشمنان اسلام به مبارزه برخاست. او با تلگراف به سران کشورهای اسلامی، خطر تهاجم روسیه به ایران و ترکیه را به آنان گوشزد نمود و با تلاش های پی گیر خویش، در برابر دشمنان متجاوز مقاومت کرد و آن‌ها را از حمله به کشور اسلامی منصرف ساخت. (۲)

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۷۵..

۲- (۲). همان، ص ۱۶۷..

شهادت: ۱۳۳۸ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد تقی، نام پدر: میرزا محب علی، ۱ ولادت:

۱۲۵۸ق، محل تولد: ایران، شیراز.

تحصیلات: او دوران کودکی را در زادگاهش گذرانید و آنگاه پدرش او را برای فراگیری علوم دینی به کربلا- برد. محمد تقی مقدمات علوم را آموخت و سپس در دروس اصول اساتید آن دیار شرکت کرد. وی پس از مدتی به سامرا هجرت کرد و خود را از بهترین شاگردان میرزای بزرگ نمود. پس از درگذشت میرزای شیرازی مشغول تدریس گردید و بعد از فوت مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی، مرجعیت جهان تشیع را به عهده گرفت.

اساتید، حضرات آیات: سید علی نقی طباطبایی، فاضل اردکانی، میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ).

شاگردان، آیات عظام: شیخ آقا بزرگ تهرانی، شیخ عبدالکریم حائری، شیخ محمد جواد بلاغی نجفی، حاج آقا حسین طباطبایی قمی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ محمد علی شاه آبادی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی.

آثار قلمی: حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، حاشیه بر فرائد الاصول شیخ انصاری، شرح الارجوزه الرضاعیه، القواعد الفاخره فی مدح العتره الطاهره علیهم السلام، حاشیه بر عروه الوثقی، ذخیره العباد لیوم المعاد. ۲

سرانجام: میرزا محمد تقی شیرازی، رهبر فقیه و مجاهد بزرگ انقلاب اسلامی عراق، پس از عمری مجاهدت و تلاش به بیماری مبتلا گشت و مدتی بعد در شب چهارشنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۳۸ق درحالی که عطاری در داروهای میرزا سم ریخته بود، شربت شهادت را نوشید.

مرقد: عراق، کربلاء، صحن مطهر امام حسین علیه السلام (سمت شرقی قبله). ۳

۱. نباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۵۳.

۳. همان، ص ۴۵۷، به نقل از الامام القاعد، ص ۴۴؛ نباء البشر، ج ۱، ص ۲۶۳.

- میرزا در برابر دشمنان متجاوز، ستمگران (و تفرقه افکنان)، کاملاً با ابهت و صلابت بود و حاضر نبود با هیچ یک از سران انگلیس در هر رتبه ای که باشد ملاقات نماید. (۱)- وی معتقد بود که دولتهای غربی و مخالفان اسلام بخصوص بریتانیای چپاولگر، برای دستیابی به مقاصد شوم خویش و استعمار کشورهای مسلمان، از اتحاد آنان سخت در بیم و هراسند.

- میرزا می دانست دشمنان با تمام قوا درصدد تفرقه افکنی بین ملت مسلمان، خصوصاً شیعه و برادران اهل سنت هستند. (۲) تلاش ها

- دعوت از عموم عشایر و آحاد مسلمانان به وحدت کلمه و مبارزه به هر صورت ممکن بر ضد اشغالگران انگلیسی.

- موضعگیری در قبال اشغال عراق که حاوی دو نکته مهم بود: اول ضرورت وحدت مسلمانان شیعه و سنی؛ و دوم ضرورت تلاش همه نیروها در سراسر کشور در برابر اشغالگران.

- میرزا در پیام مهمی که در دهم رمضان ۱۳۳۸ ق برای مردم عراق ارسال کرد چنین نوشت: با یکدیگر اتفاق داشته باشید و از اخلال در امتیت و مخالفت و مشاجره با یکدیگر

ص: ۲۸۵

---

۱- (۱). نماینده بریتانیا در آن زمان در عراق بنام «سرپرسی کاکس» بارها از وی درخواست ملاقات کرد ولی همواره از جانب میرزا جواب رد شنید. وقتی کاکس از گرفتن وقت ملاقات با او نا امید شد، تصمیم گرفت بدون وقت قبلی ناگهانی با او دیدار کند. وقتی به این عمل اقدام ورزید، نه تنها با خوشامدگویی میرزا مواجه نشد بلکه ایشان با چهره گرفته و آکنده از خشم و نفرت، پشت به او کرد و کاکس با حالتی شکست خورده از آنجا خارج شد. عکس العمل میرزا محمد تقی در مقابل او نه به این دلیل بود که کاکس فردی خارجی به شمار می آمد، بلکه به این سبب بود که او نماینده رژیم بود که به سرزمین اسلامی تجاوز کرده و دستش تا مرفق به خون مسلمانان آغشته بود. (گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۵۴).

۲- (۲). همان..

بپرهیزید، چون تفرقه به مقاصد شما ضرر می زند و حقوقتان را که اینک زمان دستیابی به آن است ضایع می کند. (۱) - تلاش های فراوان در جهت برقراری اتحاد میان برادران شیعه و سنی و نقش بر آب نمودن دسیسه های شوم استعمار.

- تأسیس تشکیلات «جمعیه الاسلامیه» زیر نظر میرزا و با سرپرستی میرزا محمد رضا (فرزند وی).

□  
- صدور فتوایی که بعدها به فتوای دفاعیه شهرت یافت: آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی در این فتوا مجوزی رسمی برای نهضت مسلحانه مردم عراق صادر نمود. (۲)

ص: ۲۸۶

---

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۴۹۲ - ۴۹۴..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۵۵ - ۴۵۶..

متوفای: ۱۳۳۸ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام هفتم علیه السلام

نام: سید اسماعیل، نام پدر: سید محمد (معروف به صدرالدین عاملی)، ولادت: ۱۲۵۸ق، محل تولد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: او از همان کودکی به فراگیری علوم صرف، نحو، بیان و منطق همت ورزید. در سال ۱۲۸۱ق به نجف مهاجرت نمود و پس از چندی در سال ۱۳۰۷ق به همراه استاد خویش میرزا محمد حسن شیرازی به سامرا رفت. سید اسماعیل مدتی بعد به حوزه علمیه کربلا هجرت و تا آخر عمر در آنجا مشغول تدریس شد. پس از فوت میرزای مجدد، مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی در سال ۱۳۳۸ق، مردم نزد سید اسماعیل آمدند و از وی خواستند تا رساله عملیه خویش را در اختیار همگان قرار داده اما او این پیشنهاد را نپذیرفت و تنها رساله عملیه اش را برای مشتاقان منتشر ساخت. ۱.

اساتید، حضرات آیات: سید محمد علی (برادر ایشان)، شیخ محمد باقر اصفهانی، شیخ راضی بن شیخ محمد (معروف به فقیه عراق)، شیخ مهدی آل کاشف الغطاء، میرزا محمد حسن شیرازی.

شاگردان، آیات عظام: شیخ عبدالحسین کرخی، میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالقاسم دهکردی، محمد هادی بیرجندی معروف به (هادوی)، شیخ موسی بن محمد جعفر کرمانشاهی، محمد حسین طبسی، غلامحسین مرندی حائری، سید علی سیستانی (پدر بزرگ آیت الله العظمی سید علی سیستانی)، سید حسین بن سید ابراهیم فشارکی اصفهانی، شیخ محمد علی بن شیخ عباس هروی (هراتی) خراسانی. ۲.

آثار قلمی: از سید اسماعیل صدر آثار بسیاری به یادگار نمانده است. تنها رساله عملیه وی که حاشیه ای بر کتاب «انیس التجار» نوشته ملا مهدی نراقی است و در زمینه احکام بازرگانان نگارش یافته به چاپ رسیده است. ۳.

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش و کوشش در راه اسلام در سن ۸۰ یا ۸۱ سالگی در روز سه شنبه ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۳۳۸ یا ۱۳۳۹ق چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی پیوست. ۴.

مرقد: عراق، کاظمین، (اتاقی در پائین پای رواق مطهر حرم کاظمین علیهما السلام).

۱. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۴.

۲. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۲۴، به نقل از معارف الرجال، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. همان، ص ۲۲۷.



- یکی از عوامل شکست مسلمانان در مقابل دشمنان بیگانه، نداشتن وحدت کلمه و اتحاد است.

- در نگاه او عدم رعایت این اصل مهم (وحدت و انسجام) در صحنه زندگی اجتماعی مسلمانان، باعث عدم اعتماد به یکدیگر و شکست آنان در مقابل دشمنان می گردد.

تلاش ها

- مقابله با دولت های غربی که به دنبال تجزیه و تصرف کشورهای اسلامی بودند.

- صدور بیانیه های گوناگون در مقاطع حساس که هر کدام به نحوی سنگری بود در مقابل تهاجمات دشمنان؛ از جمله این بیانیه ها، اعلامیه ای است که آیت الله سید اسماعیل صدر به همراه حضرات آیات: حاج آقا نور الله اصفهانی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی در ۱۳۲۹ ق آن را صادر کرده و طی آن خطوط سیاسی - فکری وحدت اسلامی را تبیین و ترسیم نمودند.

متن اعلامیه به شرح زیر است:

«چون دیدیم که اختلاف فرقه های پنج گانه مسلمین، اختلافاتی که مربوط به اصول دیانت نیست، موجب انحطاط دول اسلام و استیلاء اجانب شده، به جهت حفظ کلمه جامع دینیه و دفاع از شریعت محمدیه صلی الله علیه و آله و سلم، فتاوی مجتهدین عظام که رؤسای شیعه جعفریه علیه السلام هستند با مجتهدین اهل سنت، اتفاق نموده بر وجوب تمسک به حبل اسلام، چنانکه خداوند عزّ وجلّ در آیه شریفه فرموده: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱) و اتفاق شد بر وجوب اتحاد تمام مسلمین در حفظ بیضه اسلام و نگهداری جمیع مملکت های اسلامی از عثمانی و ایرانی از تشبّثات دول بیگانه و حمله های سلطنت های صلیبیه؛ متحد شد رأی ما جمیعاً برای حفظ حوزه اسلامی بر اینکه تمام قوّت و نفوذ خود را بر این خصوص مبذول داریم» (۲).

ص: ۲۸۸

۱- (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۲۲۲ - ۲۲۳، به نقل از حاج آقا نور الله اصفهانی، موسی نجفی، ص ۴۲..

متوفای: ۱۳۳۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

□

نام: فتح الله، نام پدر: محمد جواد، ولادت: ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ق، محل تولد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی پس از سپری کردن دوران کودکی، راهی کلاس قرآن شد، او ابتدا حوزه علمیه اصفهان را برای تحصیل انتخاب نمود. استعداد فتح الله سبب شد تا با سرعت بتواند مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفته و در درس فقه و اصول بزرگان حوزه علمیه زانوی ادب بنزد. پس از چندی به مشهد مقدس رفت و از محضر اساتید برجسته آن دیار فیض برد تا اینکه خود از اساتید حوزه علمیه آنجا گردید. سپس به اصفهان بازگشت و در سال ۱۲۹۵ق نجف اشرف را جهت ادامه تحصیل برگزید. ملّا فتح الله در محضر مراجع تقلید آن زمان حاضر شد و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه در آن شرکت می نمودند. در ۱۳۱۳ق به مکه رفت و پس از بازگشت، حلقه درسی خود را مجدداً دایر نمود. ۱

□

اساتید، حضرات آیات: میرزا نصر الله مدرس، محمد ابراهیم بروجردی، سید مرتضی حائری، شیخ محمد حسین کاظمی، میرزا حبیب الله رشتی، محمد تقی هروی، شیخ عبد الجواد خراسانی، ملّا احمد سبزواری، ملّا حیدر علی اصفهانی و... ۲

شاگردان، آیات عظام: شیخ عبدالکریم حائری، سید ابوالقاسم خویی، محمد علی شاه آبادی، سید محمد کوه کمره ای، سید عبد الهادی حسینی شیرازی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد تقی خوانساری و...

آثار قلمی: از ایشان آثاری در علوم تفسیر، فلسفه، کلام، ادبیات عرب و... به یادگار مانده است.

□

سرانجام: روح پر فتوح آیت الله شریعه اصفهانی پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن، در شب یکشنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۹ق، از قفس تن رهایی یافت و آن نفس مطمئنه به سوی پروردگارش پرکشید.

مقبره: عراق، نجف اشرف، جوار قبر شریف امیر المؤمنین علی علیه السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۱ - ۴۷۲.

۲. همان.

ص: ۲۸۹

- وی معتقد بود استعمارگران اصل شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» را به کار برده و بدان وسیله بسیاری از سرزمینهای اسلامی را اشغال کرده اند. (۱) تلاش ها

- مقابله با تهاجمات و شیخون های دشمنان تفرقه افکن با اطلاعیه های گوناگون که درمندان از مسلمانان و ایرانیان خواست تا در صف واحد در برابر دشمن متجاوز بایستند (۲)، از جمله این اطلاعیه ها می توان به اعلامیه ای که وی به همراه جمعی از علما (۳) صادر نمودند اشاره نمود.

متن آن بدین صورت است:

□  
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از علمای نجف به همه مسلمانان و تمام کسانی که دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ما و آنها را به هم پیوند می دهد.  
درود بر شما حامیان توحید و مدافعان دین و حافظان کیان اسلام.

بر شما پوشیده نیست که جهاد و بیرون راندن کافران از کشورهای اسلامی، از مواردی است که مسلمانان در مورد آن اتفاق نظر دارند و واجب بودن آن از نظر دین، بدیهی و انکارناپذیر است، خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۴). هم اینک سپاهیان ایتالیا به طرابلس غربی که از بزرگترین و مهمترین سرزمینهای اسلامی است یورش برده، خانه ها را ویران کرده و مردان و زنان و کودکان را به قتل رسانده اند. شما را چه شده که دعوت اسلام را اجابت نمی کنید و

ص: ۲۹۰

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۲۶۲..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۷۳، به نقل از ایران و جهان اسلام، ص ۲۰۰..

۳- (۳). حضرات آیات شیخ محمد کاظم خراسانی، شیخ عبد الله مازندرانی، شیخ علی رفیش، سید محمد سعید جبویی، سید مصطفی کاشانی و شیخ حسن صاحب جواهر..

۴- (۴). سوره توبه، آیه ۴۱..

فریاد مسلمانان را پاسخ نمی دهید؟ آیا نشسته اید تا دشمن به خانه خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام حمله کند و دین اسلام و دولت عثمانی را از شرق تا غرب برچیند و شما مسلمانان خوارتر از قوم سبا گردید؟.

پس، شما را به توحید و حفظ رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و احکام دین و قواعد شرع، سفارش می کنیم. بشتابید به سوی جهاد در راه خدا، و با یکدیگر متحد گردید و از تفرقه دوری جوید و وحدت کلمه و بخشش مال را پیشه خود سازید و هوشیارانه گام بردارید «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَيَّطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعِدُّوا لِلَّهِ وَعِدُّواكُمْ» (۱)، تا اینکه فرصت دفاع را به خاطر غفلت و سهل انگاری از دست ندهید و از جهاد عقب نمانید. پس آنان که از امر خدا سر باز می زنند، بدانند که بلایی بر سرشان می آید و یا به عذابی دردناک گرفتار خواهند آمد» (۲) - انتشار کتابچه ای به زبان فارسی که در آن مسلمانان را به دوری از اختلاف و نفاق و نیز اتحاد و همبستگی برای حفظ استقلال کشور و رویارویی با فعالیت های استعمارگرانی که طرابلس غربی و ایران و کشورهای اسلامی را هدف قرار داده اند فرا خواند. (۳) - نوشتن نامه ای بسیار مهم، خطاب به ملت ایران و دعوت از آنان به وحدت (به منظور مبارزه با طرح های استعماری روسیه و انگلیس) به همراه حضرات آیات: سید اسماعیل صدر، شیخ عبدالله مازندرانی و شیخ محمد حسین حائری در تاریخ اول ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق.

در بخشی از نامه چنین آمده است:

«اوضاع مسلمانان، به ویژه در ایران، و نیز متوسل شدن آنان به انواع نیرنگها و توطئه ها به منظور محو استقلال و شعائر مسلمانان و به بردگی کشاندن آنان، امری بدیهی است و نیازی به توضیح ندارد. مهمترین وسیله ای که این دشمنان را به هدفشان می رساند، ایجاد

ص: ۲۹۱

۱- (۱). سورة انفال، آیه ۶۰..

۲- (۲). نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، سلیم الحسنی، ص ۶۰ - ۶۱، به نقل از المصلح المجاهد الشيخ محمد کاظم الخراسانی، عبد الرحیم، ص ۱۸۴ - ۱۸۵..

۳- (۳). همان، ص ۶۴، به نقل از الثوره العراقیه الکبری، عبدالله فیاض، ص ۲۶..

اختلاف و تفرقه و بریدن ریسمان وحدت میان مسلمانان است. آنها پس از کاشتن بذر اختلاف و تفرقه میان سران عشایر و دیگران، با تمام توان و بدون مانعی توانستند نیروهای خود را وارد ایران کنند و هر آنچه که می خواستند انجام دهند و در این میان کسی را یارای جلوگیری از اقدامات آنان و بیرون راندن شان از کشور نبود. نظر به این که حفظ کیان اسلام نخستین فریضه مسلمانان، به ویژه علمای دین است، از این رو ما از سید صدر الاسلام... و حاج محمد باقر... خواستیم تا خود را آماده سفر و عزیمت به منطقه ای خارج از شهر بوشهر نمایند تا همه خانها و سران عشایر را گرد هم آورند و با یکدیگر پیمان اتحاد و همبستگی و دوری از دشمنیهای شخصی و ریشه دار منعقد نمایند و رضای خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را مطمح توجه قرار دهند و به نابودی شعائر اسلامی و چیرگی بیگانگان بر خاک مقدس سرزمینهای اسلامی تن در ندهند. همه کسانی که در دامن اسلام پرورش یافته اند در برابر این حملات ویرانگر که دین و کشور را تهدید می کند نباید سکوت نمایند. (۱)(۲) - سفر به مکه معظمه در سال ۱۳۱۳ق، ایشان در طول مدت اقامت به مباحثه و گفتگو با علمای اهل سنت پرداخت به گونه ای که آنها از احاطه کامل شیخ به کتابهای اهل تسنن در شگفت شدند. (۳) - از دیگر اقدامات وحدت آفرین ایشان و علمای معاصر خود، می توان به پیشنهاد طرح اتحاد دنیای اسلام اشاره نمود که خود گامی برای پیشبرد اهداف اسلام به شمار می رفت.

ص: ۲۹۲

- 
- ۱- (۱). نقش علمای شیعه در رویارویی با استعمار، سلیم الحسنی، ص ۷۶، به نقل از هجوم روس به ایران و اقدامات رؤساء دین در حفظ ایران، نظام الدین زاده، ص ۲۲۲..
  - ۲- (۲). این نامه نشانگر آن است که علمای شیعه تا چه اندازه به موضوع استقلال سیاسی کشورهای اسلامی اهمیت قائل بودند. افزون بر این که آشکار می نماید آنها تا چه میزان در تشخیص دقیق شیوه های استعماری در ایجاد اختلاف میان مسلمانان به خاطر تضعیف قوای داخلی آنان و هموار شدن راه نفوذ و سلطه بر آنها، موفق بوده اند..
  - ۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۱، به نقل از علمای معاصرین، ص ۱۲۴..

متوفای: ۱۳۰۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: یونس، نام پدر: میرزا بزرگ، ولادت: ۱۲۹۸ق، محل تولد: ایران، رشت، محله استادسرا. ۱.

تحصیلات: یونس پس از آنکه خواندن و نوشتن را فرا گرفت در سنین نوجوانی یا جوانی وارد حوزه علمیه رشت شد و به فراگیری علوم اسلامی اشتغال ورزید. او ادبیات عرب، منطق، فقه و اصول، صرف و نحو، معانی و بیان را خواند و در سال ۱۳۲۲ در عالی ترین درس دوره سطح حوزه علمیه، کفایه الاصول شرکت کرد. وی در مدرسه صالحیه قزوین ۲ و مدتی نیز در مدرسه محمودیه تهران ۳ ادامه تحصیل داد. از سرگذشت زندگی او می توان گمان برد که وی ده سال (از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۴ق) در درس خارج فقه و اصول شرکت نموده است.

اساتید: آیت الله سید عبد الوهاب صالح ضیاء بری. ۴.

سرانجام: سردار جنگل پس از عمری خدمت و تلاش برای احیاء اسلام و قرآن، در یازدهم آذر ماه ۱۳۰۰ در کوه های گلیوا، جان به جان آفرین تسلیم کرد و به لقاء معبود شتافت.

مقبره: ایران، رشت، سلیمان داراب. ۵.

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۷، به نقل از سردار جنگل، ابراهیم فخرایی، ص ۳۵.

۲. دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۷۸، به نقل از سردار جنگل، ص ۳۵؛ سیاست دولت شوروی در ایران، م.ع؛ منشور گرگانی، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۴۷۸.

۵. همان، ص ۴۸۹.

ص: ۲۹۳

- او معتقد بود ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم. استقلالی به تمام معنی کلمه. یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی. اصطلاحات اساسی مملکت، و رفع فساد تشکیلات دولتی که هر چه بر سر ایران آمده، از فساد تشکیلات است. ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانانیم. این است نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده، خواستار مساعدتیم. (۱) تلاش ها

- میرزا کوچک خان در قسمتی از فعالیت‌های گسترده خویش، درصدد بود با گردآوری مجتهدان گیلانی در یک مبارزه، با اشغالگران خارجی و دولت مستبد، همه گیلانیان را به قیام فرا خواند. بدین منظور هیئت اتحاد اسلام را تشکیل داد. (۲) - در کتاب معارف و معاریف چنین آمده است: «میرزا کوچک خان می خواست مرکز اتحاد اسلام تأسیس کند از این رو برای ایجاد مرکز عملیات خود، همراه یک تن از مجاهدان مشروطیت، یعنی میرزا علی خان دیو سالار، به سوی مازندران حرکت کرد، اما به عللی از دیو سالار جدا شد و به لاهیجان رفت و با دکتر حشمت الاطباء، طیب آن شهرستان ملاقات کرد و به یاری او و گروهی دیگر نیرویی تشکیل داد و در جنگ‌های شمال به مبارزه بر ضد نفوذ بیگانگان پرداخت. (۳)

ص: ۲۹۴

---

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۴۸۷..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۴۸۱، به نقل از تاریخ معاصر ایران، کتاب نهم، ص ۲۸۴..

۳- (۳). معارف و معاریف، ج ۸، ص ۵۹۸..

شهادت: ۱۳۲۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: حسن، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۳۲۳ق، محل تولد: مصر، بحیره، دلتای نیل، دهکده محمودیه.

تحصیلات: وی حفظ و قرائت قرآن کریم را نزد پدر آموخت و در طول عمر خود از کتابخانه غنی او استفاده شایانی برد. در سال ۱۳۳۹ق وارد «مدرسه المعلمین الاولیه» شد و پس از اتمام تحصیلات در شانزده سالگی به قاهره رفت تا در دارالعلوم که مؤسس آن شیخ محمد عبده بود تحصیل نماید. او علاوه بر مطالعات درسی، به مطالعات دیگر هم علاقه نشان می داد. حسن البنا دارای حافظه ای بسیار قوی بود به طوری که مجموعه زیادی شعر و نثر را از حفظ داشت و با ادبیات عرب، حدیث، علوم دینی و فقه مذاهب اسلامی آشنایی داشت.

اساتید: محمد رشید رضا، شیخ عبدالوهاب حصافی، احمد سکری، شیخ محمد ابو شوشه، احمد البنا (پدر)

آثار قلمی: احادیث الجمعه، اخوان المسلمون تحت رایه القرآن، الی شیء ندعو الناس، بین الامس والیوم، دعوتنا، رساله الجهاد، العقاید، النظام الاقتصادي.

سرانجام: استاد حسن البنا بنیانگذار و رهبر سازمان اسلامی اخوان المسلمین، پس از انجام خدمات شایانی در راه برادری و اتحاد شیعه و سنی انجام داد، در تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۷ هدف ترور شخصی از عوامل دولت قرار گرفت و به شهادت رسید.

۱. علمای مجاهد، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.

ص: ۲۹۵

- به نظری بین جوامع موجود اسلامی و اسلام واقعی فاصله ای افتاده که عقب ماندگی مسلمانان را موجب شده است.

- حسن البنا در صدد احیای اسلام بود تا نه تنها مسلمانان را از چنگ جهان خواران رهایی بخشد بلکه انسانیت را نیز زنده کند.

- او بر این عقیده بود که اسلام هیچ گونه مرز جغرافیایی، یا اختلافات نژادی یا شهروندی را به رسمیت نمی شناسد.

- از گفته های اوست: تمام مسلمانان یک امت و کشورهای مسلمان تنها یک کشور محسوب می شوند. (۱) - استاد می گفت: ما فراخوان خود را متوجه تمام کسانی می کنیم که اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاَنَّ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می دهند. هرچند به لحاظ تعالیم و اندیشه های اسلامی قصوری نیز داشته باشند. آنچه ما از آنها می خواهیم، پیوند برادری اسلامی با ما، برای عمل در راستای بازیابی عظمت و شکوه اسلام است. این دعوت هیچ شرط و شروطی جز شهادتین ندارد که لبیک گویان به آن نیز، گروههایی با درجات مختلف ایمان به آموزه های اسلامی و عمل به آنها را در برمی گیرد. (۲) تلاش ها

- چاپ تمامی مناسک حج مورد اتفاق شیعه و سنی در روزنامه خود (اخوان المسلمین):

او پس از این کار روزنامه ها را در موسم حج وارد عربستان نمود و در میان حجاج پخش کرد که اثر بسیار جالب و مثبتی در میان مسلمانان گذاشت. (۳) - راه اندازی مجله اسلامی الفتح و مجله جمعیت الشبان المسلمین.

ص: ۲۹۶

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۱۲۰..

۲- (۲). خبرگزاری تقریب، به نقل از الاخوان المسلمون، رویه من الداخل، ج ۲، ص ۳۵۵..

۳- (۳). خبرگزاری تقریب، به نقل از پرونده تقریب مذاهب، محمدعلی آذرشب، ص ۱۳۷..

- همکاری در امر مهم تأسیس مرکز دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه با عالمان برجسته ایران، مصر، لبنان و... (۱) و (۲)-  
تأسیس جمعیت اخوان المسلمین در ۱۳۰۶ش.

□  
- دیدار و گفتگو با برجسته ترین رهبر مذهبی سیاسی ایران در آن زمان (آیت الله کاشانی) در ۱۳۲۷ش در مکه مکرمه،  
پیرامون وحدت، تقرب و برادری مسلمانان جهان. (۳)- همکاری تنگاتنگ با دارالتقريب برای رساندن صدای آن به عربستان  
سعودی که در آن زمان سخن گفتن از تقرب اهل سنت و شیعه در آن جا ممنوع شده بود. (۴)

ص: ۲۹۷

---

۱- (۱). برخی مؤسسين دارالتقريب عبارت بودند از: استاد محمد علی علویه پاشا؛ شيخ عبدالمجيد سليم شيخ الازهر؛ حاج  
امين الحسيني مفتي فلسطين؛ شيخ محمد عبدالفتاح العناني عضو هيئت كبار العلماء و رهبر مالکی ها؛ شيخ عيسى منون عضو  
هيئت كبار العلماء و از علمای شافعی؛ شيخ محمود شلتوت شيخ الازهر و از علمای حنفی؛ شيخ محمد تقی قمی از علمای  
امامی؛ شيخ عبدالوهاب خلاص از علمای بزرگ اصولی متأخرین؛ شيخ علی الخفيف شيخ الازهر؛ شيخ علی بن اسماعيل  
المؤيد از علمای زیدی؛ شيخ محمد عبداللطيف السبكي استاد الازهر از حنبلی ها؛ شيخ محمد محمد المدني روحانی برجسته؛  
شيخ محمد حسين آل كاشف الغطاء از مراجع تقلید شیعه در نجف اشرف؛ سيد هبه الدين الشهرستاني از علمای کاظمین؛ علامه  
عبدالحسين شرف الدين روحانی برجسته و معروف شیعیان..

۲- (۲). مقاله آیت الله تسخیری پیرامون شخصیت استاد حسن البنا، خبرگزاری تقریب، ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۶..

۳- (۳). علمای مجاهد، ص ۱۱۹ - ۱۲۰..

۴- (۴). خبرگزاری تقریب، اسفندماه ۱۳۸۶..

متوفای: ۱۳۴۲ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

□

نام: سید عبدالحسین، نام پدر: آقا سید عبدالله، ولادت: ۱۲۶۴ق. محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی بعد از اتمام دوره مقدماتی و سطح در درسهای خارج فقه و اصول حوزه علمیه نجف حاضر گردید. اساتید او که در اندک مدتی، از هوش سرشار شاگردشان آگاهی یافتند وی را مورد تجلیل قرار دادند.

سید عبدالحسین در ۲۲ سالگی قله منیع فقاها و اجتهاد را فتح نمود.

□

اساتید، حضرات آیات: میرزای شیرازی، شیخ محمد حسین کاظمی، محمد فاضل ایروانی، شیخ لطف الله مازندرانی، شیخ حسینعلی همدانی. ۱.

شاگردان، آیات عظام: سید عبدالباقی موسوی شیرازی، سید عبدالمحمد موسوی لاری، سید محمد حسین مجتهد لاری، سید احمد مجتهد فال اسیری، سید عبدالمحسن مهدی، سید اسدالله اصفهانی، سید ابوالحسن لاری، سید محمدعلی شریعتمداری جهرمی و ... .

آثار قلمی: معارف السلمانی بمراتب الخلفاء الرحمانی، رساله در عقوبت حبّ دنیا، اکسیر السعاده فی أَسرار الشهاده، استخاره نامه، آیات الظالمین، قانون در اتحاد دولت و ملت، قانون مشروطه مشروعه... ۲.

□

سرانجام: آیت الله لاری پس از ۷۸ سال تلاش و خدمت شبانه روزی در راه اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، پس از اقامه نماز جمعه در تاریخ چهارم شوال ۱۳۴۲ق دعوت حق را لیبیک گفته و به دیار باقی شتافت.

مرقد: ایران، جهرم، مشهور به مقبره آقا.

□

۱. امانتدار پیامبران، نقش آیت الله لاری در مبارزات اسلامی قرن اخیر، سید محمد تقی آیت اللهی، ص ۱۷ - ۱۹.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۲۹ - ۵۴۱.

ص: ۲۹۸

- وی اهمیت بسیار زیادی برای وحدت مسلمین قائل بود. تا جایی که اتحاد دولت های مسلمان و تشکیل جبهه متحد در برابر دشمنان را واجب شرعی اعلام نمود.

- در نگاه ایشان لازمه اتحاد جهانی اسلام و همکاری و موّدت مسلمانان این بود که اسباب تفرقه، جدایی، نفاق، تک روی و آنچه با کمال اتحاد و اتفاق منافی است، از میان برداشته شود. (۱)- سید عبدالحسین در آغاز نهضت مشروطیت، هنگامی که می خواستند قانون بنویسند و پیش نویس قانون اساسی مشروطیت را تهیه کنند اعلام نمود: قانون ملی برای خاتمه بخشیدن به موجبات جدایی دولت و ملت تدوین گردیده و بر اتحاد ملل مسلمان تأکید دارد. (۲)- آیت الله لاری معتقد بود استبداد طلبان با مغلطه کاری بر مشروطیت خرده می گیرند و در پی آنند که آشکده استبداد را بیافروزند و بیش از گذشته بر فتنه و فساد و کشتار و چپاول مردم و ویرانی شهرها پردازند و آتش نمرود و شداد و یزید و ابن زیاد را شعله ور سازند و همکاری، همبستگی، موّدت و اتحاد مردم را برهم زده و آنها را به تفرقه بکشانند، تکیه گاه مسلمین، یعنی اتحاد و همبستگی جامعه اسلامی را از بین ببرند و در میان مؤمنان جدایی افکنند. (۳)- ایشان عقیده داشت: قانون ملی برای این است که مصالح شریعت و ملت و دولت را در نظر گیرد و با تکیه بر نصوص قرآنی، تفرقه، جدایی و تک روی افراد را از بین ببرد، و همه را با نیروی اتحاد و استمداد به مدد الهی عزّت بخشد و برای جهاد با دشمنان اسلام و دفاع از سرزمین های اسلامی، جبهه ای متحد، از همه اقشار مردم، از دور و نزدیک، از داخل و خارج (و در یک کلام) همه مسلمین اعم از شیعه و سنی و... بوجود آورد و ناموس و شرف اسلام و مسلمین را، از هر جهت با تشکیل جبهه متحد اسلامی، حفظ و نگهداری کند که خدای بزرگ فرموده است:

ص: ۲۹۹

۱- (۱). امانتدار پیامبران، ص ۱۰..

۲- (۲). همان، ص ۱۵۱..

۳- (۳). همان، ص ۱۷۰..

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِيٌّ مَرْصُومٌ» (۱)؛ (خدا، مؤمنانی را که در صف جهاد با کافران پیکار می کنند و همچون سدی آهنین و بنایی استوار همدست و پایدارند، بسیار دوست دارد).

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (۲)؛ (اگر خدا را یاری دهید، خدا شما را یاری خواهد کرد و به پیروزی خواهد رساند و گامهای شما را استوار می گرداند).

و همچنین حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

الجهادُ بابٌ من أبواب الجنَّة،... هو لباسُ التقوى وَدِرْعُ اللَّهِ الحِصِينِ وَجَنَّتْهُ الوَثِيقَةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ البِسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الدَّلِّ وَ شَمَلَهُ البَلَاءُ وَ دُيِّتْ بِالصَّغَارِ (۳)؛ (جهاد دری از درهای بهشت و لباس پرهیزگاری و سپر نیرومند الهی و پیمان نیکو است و هر کس جهاد را ترک کند، خداوند لباس ذلّت و زبونی به او می پوشاند).

چنانچه حکومت داوود و فرمانروایی طالوت به قتل جالوت و ولایت جمیع انبیاء و رسل علیهم السلام، خصوصاً فتوحات اسلام، از صدر آن تا کنون، یکی پس از دیگری بخاطر اتحاد و جهاد در راه خدا بوده است، و استواری اساس دین، آئین، اقتدار، عزّت، دوام ملک و دولت، همه، مبتنی بر جهاد و اتحاد با اهل ملت، و نفی هرگونه انفراد، تک روی و تفرقه بوده است. (۴) - در اندیشه آیت الله سید عبدالحسین لاری قانون ملی برای آنست که، بنا به تکلیف شرعی - ملی - اسلامی، میثاق اتحاد و اتفاق را بین دولت های مسلمان منعقد سازد. اتحاد دولتهای مسلمان و تشکیل جبهه متحد در برابر دشمنان واجب شرعی است. این اتحاد و اتفاق، باید در جهات مختلف بوجود آید و در زمینه های همکاری، تقویت، عقد اخوت، مشورت، مصلحت دولت و حکومت و نیز در شعار و آنچه که باعث سرفرازی مسلمانان می شود و همچنین در نبرد و پیکار با دشمنان مشترک گسترش یابد، به گونه ای که، همه ملل اسلامی به صورت

ص: ۳۰۰

۱- (۱). سورة صف، آیه ۴..

۲- (۲). سورة محمّد صلی الله علیه و آله، آیه ۷..

۳- (۳). نهج البلاغه (صبحی الصالح)، خطبة ۲۷، ص ۶۹..

۴- (۴). امانتدار پیامبران، ص ۱۵۹، به نقل از قانون مشروطه مشروعه، سید عبدالحسین لاری، ص ۳۲ - ۳۴..

واحدی در آیند. چه آنکه، خدای کریم فرموده است:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱)؛ (همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید).

لذا معاهده، پیمان وحدت، ایجاد موَدّت، اتحاد، نفی جدایی و انفراد، از مهمترین و لازم ترین و اساسی ترین امور ضروری بوده و ارزنده ترین فائده ها را برای عزّت و اقتدار دولت اسلامی و سربلندی مسلمانان در جهان دربر خواهد داشت.

- ایشان می گفت: لازمه ایجاد اتحاد جهانی اسلام و همکاری و موَدّت مسلمانان این است که، اسباب تفرقه، جدایی، شقاق، نفاق، تک روی و آنچه که با کمال اتحاد و اتفاق منافی است، از میان برداشته شود. از جمله این اسباب آن است که تفتیش و تفحص، که در گمرگات و بنادر، از کتب علمی و مذاهب گوناگون اسلامی به عمل می آید و آثار کتب را، مصادره و ضبط کرده و می سوزانند، از میان برداشته شود. چنانکه خدای تعالی تکلیف دولت اسلامی را تعیین فرموده است که:

«وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۲)؛ (اگر مؤمن هستید، روابط خویش را اصلاح کنید و خدا و پیامبر را فرمان برید).

پس، وظیفه دولت اسلامی، اصلاح بین مسلمین است و در هیچ دولتی کتب علمیه را تفتیش و بازرسی نمی کنند و آنها را از بین نمی برند. بویژه آنکه، اغلب این کتب، تفاسیر قرآن و احکام حضرت سبحان و پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله است، که از بین بردن آنها، هتک حرمت شعائر اسلام والا مقام بوده، و عقوبت، کیفر و انتقام در پی خواهد داشت. و بدین خاطر است که جدایی دول اسلامی، نپرداختن به دشمنان مشترک و آزار به مسلمین، سبب شده است که روسیه با مسلمانان به جنگ برخیزد و هزاران هزار مسلمان را از بین ببرد. (۳)

ص: ۳۰۱

۱- (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲). سوره انفال، آیه ۱..

۳- (۳). امانتدار پیامبران، ص ۱۶۲، به نقل از قانون مشروطه مشروعه، سید عبدالحسین لاری، ص ۳۸ - ۴۰..

متوفای: ۱۳۴۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد مهدی، نام پدر: شیخ حسین، ولادت:

۹ ذی الحجه ۱۲۷۶ق، محل تولد: عراق، کاظمین، کرخ.

تحصیلات: وی با پشت سر گذراندن ایام کودکی، مشغول تحصیل مقدمات علوم اسلامی گردید. او در شهرهایی نظیر نجف اشرف و کاظمین، به تلمذ و فراگیری دروس حوزوی پرداخت و از عالمان بزرگ و فضیلتی سرآمد روزگار گردید. ۱.

اساتید: حضرات آیات: میرزا حبیب الله رشتی، آخوند خراسانی، میرزای شیرازی. ۲.

آثار قلمی: حاشیه الالفیه، ۳ تلخیص الرسائل، الوجیزه فی الموارث، عناوین الاصول، القواعد الفقہیہ، پاسخنامه ای به شیخ محمد حسن در زمینه مسائل تقلید، الحسام البتار فی جهاد الکفار و... ۴.

سرانجام: این عالم بزرگ در شامگاه یازدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۳۴۳ق، به سکنه قلبی دچار شد و با لقای معبود، دار فانی را وداع گفت. ۵.

مقبره: ایران، مشهد مقدس، جوار مرقد شریف امام هشتم علیه السلام.

۱ - ۴. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۵۰۰.

۵. همان، ص ۵۱۲.

تلاش ها

- از جمله فعالیت های وی صدور بیانیه ای بود که در اوائل سال ۱۳۴۳ق به کشورهای مسلمان نشین جهان فرستاد. وی در این بیانیه مسلمانان را به عضویت در جمعیت استخلاص الحرمین الشریفین و بین النهرین که خود مؤسس این جمعیت بود دعوت نمود. ولی عمر او کفاف نکرد و در روز ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ق درگذشت. (۱)

ص: ۳۰۲

متوفای: ۱۳۴۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: مهدی (مشهور به نور الله)، نام پدر: آقا محمد باقر، ولادت: ۱۲۷۸ق، محل تولد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی رفته رفته در شمار دانش آموزان جای گرفت و سپس در محفل علمی پدر حضور یافت. در ۱۲۹۵ق راه عراق را پیش گرفت. ۱. او چندی در نجف ماند، مدتی در سامرا و سپس در حریم ملکوتی کاظمین علیهما السلام به دانش اندوزی پرداخت. سرانجام تلاش های شبانه روزی آن دانشجوی روشن بین در حدود ۱۳۰۴ق به بار نشست و حاج آقا نورالله در شمار دانشمندان و فقیهان جهان تشیع جای گرفت.

اساتید، حضرات آیات: میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی، محمد طه نجف، سید صدر الدین کاظمینی، میرزا حسین بن میرزا خلیل تهرانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی. ۲.

آثار قلمی: رساله مکالمات مقیم و مسافر.

سرانجام: دانشمند بزرگ و سیاستمدار روشن بین ایران، پس از حدود هفتاد سال تلاش، تربیت دانشوران وارسته، نگارش صدها اطلاعیه کوبنده، انجام سخنرانیهای پرشور و سازمان دادن مؤسسه های اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و نظامی، در بامداد اول رجب ۱۳۴۶ق به دیدار حق شتافت. ۳.

مرقد: عراق، نجف اشرف. ۴.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۱۹، به نقل از تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، سید مصلح الدین مهدوی، ج ۲، ص ۱۱ و ۱۷.

۲. همان، ص ۵۲۰.

۳. همان، ص ۵۲۸.

۴. علمای مجاهد، ص ۶۵.

ص: ۳۰۳

□  
- در اندیشه حاج آقا نور الله، وحدت شیعه و سنی به گونه ای بود که به نفع هردو تمام و از تضعیف هر یک جلوگیری می شد، ضمن آنکه خود در حفظ آرمانها و تقویت اصول و ضوابط تشیع از طریق فرهنگی کوتاهی نداشت.

- ایشان اتحاد دو کشور ایران و عثمانی را نیز، نوعی وحدت سیاسی در مقابل قدرتهای استعماری مغرب زمین تلقی می کرد، نه اینکه سلطه عثمانی را بر ایران بپذیرد بلکه در نگاه او هر اقدامی که به حیثیت و استقلال ایران لطمه می زد، مردود بود.

- وی با وجود آن که همه فعالیت هایش حول استقلال کشور و منافع ملی بود، از پراکندگی مسلمانان و دولتهای اسلامی در رنج بود و به اتحاد مسلمانان در برابر استعمارگران اروپایی باور نداشت. اما این امر موجب نمی گردید تا مداخلات و تجاوزات نیروهای عثمانی را در کشور نادیده بگیرد. بلکه از سهل انگاری دولت در آن زمینه به شدت انتقاد نمود و آشکارا به نیروهای عثمانی هشدار داد. (۱) تلاش ها

□  
- از ویژگیهای بارز حاج آقا نور الله، موضعگیری و عملکرد مناسب در موقعیت ها و مقاطع حساس بوده است. (۲)

ص: ۳۰۴

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۶۵.

۲- (۲). وی در مقابل استعمار و استبداد، به تناسب از مبارزه فکری، تحریم اقتصادی، افشاگری و در صورت لزوم از اقدام مسلحانه استفاده کرده اما در موقعیتی که اقدام فرهنگی را ضروری و مناسب می دانست، از آن رویگردان نبوده، بدان می پرداخت. از جمله فعالیت های او در زمانی که فعالیت تبلیغی مسیحیان در شرق گسترش می یافت، تشکیل مجالس برخورد آراء، مناظره با مبلغان و رهبران آنها و ایجاد انجمن صفاخانه بعنوان تشکیلاتی برای این منظور و حتی نشر مجله جهت روشنگری علاقمندان بود. در سال ۱۳۲۱ق با تلاش های او و مرحوم آقا نجفی و مرحوم رکن الملک شیرازی در محله ارامنه اصفهان، انجمن صفاخانه را تأسیس و با حمایت نامبرگان، مجله «الاسلام» را منتشر و جلسات مناظره بین داعی مسیحی و عالم مسلمان را ترتیب داد. متن مناظرات را از طریق مجله در سطحی وسیع پخش می نمودند و در همین زمینه از مرحوم محمد علی داعی الاسلام که در زمینه کتب عهد عتیق و علم الادیان مطالعات فراوانی داشت می خواهند تا با داعیان مسیحی به مناظره پردازند که مباحثات آنها در مجله «الاسلام» در آن دوران منعکس است. تأثیر این اقدام فرهنگی تا آنجا بود که نسخه های مجله (چنانچه از نامه های واصله به مجله معلوم است) در لندن و بعضی پایتخت های اروپایی، همچنین مصر، بمبئی، حجاز و عثمانی، مورد استفاده وسیع متفکرین مسلمان در برخورد با آراء مسیحیت قرار گرفت. بعدها مرحوم داعی الاسلام بنا به تقاضای مردم شبه قاره در منطقه پاکستان امروزی، سیکنی گزیده بعد از فراگیری زبان اردو، مجله «الاسلام» را به دو زبان فارسی و اردو منتشر می نماید که این اقدام ابتکاری در جهت غنای فرهنگی تا سالیان سال اثرات عمیق خویش را در برخوردهای فکری و ایدئولوژیک حفظ می کند و هم اکنون نسخه های این مجله برای اهل تحقیق در این زمینه بسیار حائز اهمیت است..

- اقدام اساسی این عالم مجاهد در توجّه به وحدتِ اُمّت اسلامی و پیکرهٔ واحد بودنِ جامعهٔ مسلمان در مقابل اجانب و استعمارگران حائز اهمیت بوده است. حاج آقا نورالله اگر چه به امپراطوری و شخص سلطان عثمانی انتقاداتی داشت و آنها را هنگامی که تجاوزاتی را مرتکب می شدند مورد سرزنش و حمله قرار می داد، ولی در جنگ جهانی اول در اصفهان و چهار محال بختیاری و... به نفع آنها به جمع آوری نیرو و نهایتاً جنگ پرداخت و سعی در تقویت کشور عثمانی، علیه روس و انگلیس را داشت.

- در سال ۱۳۲۵ق که قشون عثمانی به اطراف کردستان و آذربایجان، تجاوزات مرزی نمودند، وی قوایی نزدیک به پنجاه هزار نفر گرد آورد و به حکومت عثمانی هشدار داد.

- در سال ۱۳۲۹ق که او هجرتی به عراق داشت، در اماکن مقدّسه شُکنی گزید و همراه با آیات عظام: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، سید اسماعیل صدر، شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالله مازندرانی، طی اعلامیه ای خطوط سیاسی فکری وحدت اسلامی را تبیین و ترسیم نمود. (۱)

ص: ۳۰۵

شهادت: ۱۳۱۶ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام مجتبی علیه السلام

نام: سید حسن، نام پدر: سید اسماعیل، ولادت:

۱۲۷۸ق، محل تولد: ایران، اصفهان، زواره.

تحصیلات: سید حسن شش ساله بود که پدرش وی را نزد میر عبدالباقی جهت تحصیل نهاد. در چهارده سالگی به اصفهان رفت و مدت سیزده سال در حوزه علمیه این شهر، محضر بیش از سی استاد را درک نمود. ۱ او ابتدا به خواندن جامع المقدمات (ادبیات عرب) مشغول شد و سپس کتابهای شریف شرح لمعه، قوانین و فصول را خواند ۲ و در نهایت از علوم حکمت و فلسفه و عرفان خوشه چید. پس از مدتی در ۱۳۱۱ق به منظور تکمیل تحصیلات خویش، عازم نجف اشرف شد و از محضر اساتید آن دیار بهره جست. طی هفت سال اقامت شهید مدرس در نجف، او به مقام منبع اجتهاد دست یافت و سپس به قمشه جهت تدریس علوم دینیه برگشت و به مدرس مشهور شد.

اساتید، حضرات آیات: میرزا جهانگیرخان قشقایی، سید محمدباقر درچه ای، شیخ مرتضی ریزی، میرزای شیرازی، سید محمد فشارکی، شریعت اصفهانی و... ۳.

شاگردان، آیات عظام: حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، سید مرتضی پسندیده (برادر بزرگتر امام خمینی رحمه الله)، میرزا علی آقا شیرازی و... ۴.

آثار قلمی: کتاب حجیه الظن، رساله ای در شرط متأخر، کتاب مبحث الاستصحاب، رساله فی شرایط الامام والمأموم، رساله ای در عقود و ایقاعات و... ۵.

سرانجام: آن فقیه فرزانه پس از ۹ سال اسارت در قلعه خوف، به دنبال اجرای نقشه رضاشاه روانه کاشمر گردید و در حوالی غروب ۲۸ رمضان ۱۳۵۰ق، ۶ مطابق با ۱۰ آذر ۱۳۱۶ش، سه جنایتکار از نوکران رضاخان نزد مدرس آمده و چای سمی را به اجبار به او دادند و چون دیدند از اثر سم خبری نیست، عمامه سید را در حین نماز از سرش برداشته به گردنش انداختند و آن فقیه بزرگوار را به شهادت رساندند. ۷.

مرقد: ایران، خراسان، کاشمر. ۸.

۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۵، ص ۲۱.

۲. دیدار با ابرار (۶۷)، شهید مدرس ماه مجلس، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۲۹ - ۳۵.

۴. همان، ص ۵۳، به نقل از مقاله شخصیت علمی و فقهی مدرّس، حَجّه الاسلام والمسلمین ابوالفضل شکوری، مندرج در کتاب مدرّس، ج ۲.

۵. شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر، ج ۱، ص ۱۸۶.

۶. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۱.

۷. دیدار با ابرار (۶۷)، ص ۱۹۰ - ۱۹۱.

۸. علمای مجاهد، ص ۴۵۹.

ص: ۳۰۶

- مرحوم مدرّس پیوسته ضمن سخنان خود، ضرورت همبستگی مسلمانان جهان را برای حفظ حیثیت و شرافت خود یادآور می شد و از این که دولتهای اسلامی با یکدیگر اتحاد ندارند یا دول غربی درصدد استعمار آنان می باشند، به شدت متأثر بود.

- از جمله گفتارهای اوست: اسلام یک مدّت در دنیا ترقّی و توسعه پیدا کرد و آن همان مدّتی بود که جامعه (و ملّت یکپارچگی و وحدت) خودشان را حفظ کردند و بزرگانشان را اطاعت کردند، مساوات کردند، برادری کردند و بر اکثر دنیا در زمان کمی مسلّط شدند. (۱)- و در جای دیگر می گوید: ما خیلی همبستگی اسلامی خود را از دست دادیم، بالأخره باید بیدار شده، هوشیار شویم و جامعه خودمان را حفظ کنیم. (۲)- آیت الله مدرّس هرچند برای سید جمال الدین اسدآبادی احترام فراوانی قائل بود ولی برخی رفتارهایش را مورد انتقاد قرار داده و درباره اش می گفت: او باید خود را آوازه همه جهان نمی کرد و برای رفتن (از این دنیا) آماده می شد و ملّت و مردم ایران را با نفوذ کلامی که داشت مستعد و متحد می کرد، باید در کنار فقرا می نشست و در میان مردم می رفت و می گفت؛ کما اینکه در مصر در کارش تا اندازه ای موفق بود.

و در سخن دیگر می گوید: سید چرا اتحاد اسلام و آزادی ملل اسلامی را، از دربارها و مراکز قدرتهای قاهره (ابقدرتها) می خواهد؟ (۳) تلاش ها

- در گیرودار جنگ جهانی اول، ایشان به همراه عده ای دیگر از رجال نامی عازم قلمرو عثمانی شد و در نهایت ساده زیستی به محض ورود به استامبول، در مدرسه ایرانیان این شهر به تدریس علوم دینی پرداخت، ولی پس از مدتی سلطان محمد پنجم پادشاه عثمانی از وی

ص: ۳۰۷

۱- (۱). دیدار با ابرار (۶۷)، ص ۶۵، به نقل از مدرّس، ج ۲، ص ۲۹۱..

۲- (۲). همان، ص ۶۴، به نقل از نطق ۸ شهریور ۱۳۰۴ش؛ به نقل از یادنامه مدرّس، ص ۱۶۵..

۳- (۳). همان، ص ۶۹، به نقل از مجله مجلس و پژوهش، شماره هفتم، سال دوم، فروردین ۱۳۷۳..

دعوت کرد تا برای ملاقات و مذاکره در قصر او حضور یابد. شهید مدرّس در این ملاقات با استقامت و شجاعت و اعتماد به نفس شگفت‌انگیزی سخن گفت و از دولت عثمانی خواست تا از الحاق قسمتی از خاک آذربایجان به کشورش جلوگیری به عمل آورد. (۱) مرحوم آیت الله مدرّس در ملاقات با دیگر شخصیت‌های این کشور از وحدت مسلمین و زمینه‌های اقتدار مسلمانان و پیشرفت اسلام سخن گفت. (۲) - در دیداری که ایشان با خلیفه عثمانی داشتند، وی شهید مدرّس را بسیار احترام نموده و می‌گوید: «اگر از تمامی کشورهای اسلامی دولتی بزرگ و با وحدت به وجود آید سبب پیشرفت اسلام و مسلمین است و این تنها دواي درد مسلمانها می باشد». مرحوم مدرّس در جواب می‌گوید: «بلی صحیح است ولی اگر مرام یا دین، مبنای وحدت جامعه قرار گیرد باید در همه جا به یکسان جامه عمل بپوشد و وحدتی که در یک جامعه افراد قوی حاکم، و بقیه محکوم باشند وحدت نیست». (۳)

ص: ۳۰۸

- 
- ۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۶۷، به نقل از مدرّس قهرمان آزادی، حسین مکی، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۱ ..
  - ۲- (۲) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۶۷، به نقل از مدرّس مجاهدی شکست‌ناپذیر، ص ۴۲ ..
  - ۳- (۳) . دیدار با ابرار (۶۷)، ص ۱۱۳، به نقل از مدرّس مجاهدی شکست‌ناپذیر، ص ۴۲ ..

متوفای: ۱۳۵۲ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد جواد، نام پدر: شیخ حسن، ولادت:

۱۲۸۲ق ۱، محل تولد: عراق، نجف اشرف، محله براق.

تحصیلات: وی دوران کودکی را پشت سر نهاد و در بوستان همیشه سبز حوزه قدم نهاد. علوم مقدماتی را در حضور نورانی علمای نجف فرا گرفت و تا ۲۴ سالگی از اساتید بزرگ آن حوزه عظیم، استفاده های علمی و معنوی فراوان برد. ۲ در سال ۱۳۰۶ق به کاظمین رفت و مدت شش سال عمر پربرکتش را در آن شهر به تحصیل و تهذیب پرداخت. پس از آن مجدداً به نجف باز گشت و در سال ۱۳۲۶ق وارد شهر سامرا گردید. این دانشمند وارسته آنچنان شیفته دانش و یاد گرفتن بود که تا ۵۴ سالگی در درس میرزای شیرازی شرکت می نمود.

اساتید، حضرات آیات: محمد طه نجف، محمد کاظم خراسانی، سید حسن صدرالدین کاظمی، شیخ محمدحسین مامقانی، میرزا حسین نوری، میرزا محمدتقی شیرازی و... ۳.

شاگردان، آیات عظام: سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید ابوالقاسم خویی، سید هادی میلانی، سید محمدصادق بحرالعلوم، محمد مهدوی لاهیجی، میرزا محمد علی ادبی تهرانی و... .

آثار قلمی: تفسیر آلاء الرحمن، الرحله المدرسیه یا المدرسه السیاره، الهدی الی دین المصطفی صلی الله علیه و آله، التوحید والتثلیث، انوار الهدی، نصایح الهدی، المسیح والانجیل، مصباح الهدی، نور الهدی، داروین واصحابه و... ۴.

سرانجام: علامه بلاغی، این چکاد تعبّد و تخصّص، فقیه و ادیب فرزانه، در شعبان المعظم ۱۳۵۲، ندای حضرت دوست را لبیک گفت و در آستان دوست جای گرفت.

مرقد: عراق، نجف، اشرف، حرم مطهر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حجره جنوبی سوم در سمت غربی صحن.

۱. طبقات اعلام الشیعه، آقابزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۴۲.

۳. الکنی واللقاب، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۹۴.

۴. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۵۶.



- تلاش‌های پیگیر و دفاع از اسلام در زمانی که تبلیغات ضدّ اسلامی - بعضاً با پشتوانه اهداف استعمارگرانه و به منظور تفرقه افکنی میان مسلمانان - صورت می‌گرفت. (۱)- تألیف چندین کتاب در راستای وحدت امت اسلام: او پس از مشاهده نمودن اقدامات زهرآگین مستکبران در دامن زدن به آتش اختلاف‌های داخلی و ایجاد سنت‌های جدید و تقویت آن مسلک‌های مرموز و استعماری برای نشر دوگانگی در میان مسلمانان؛ به جهاد عظیم و مداوم خویش مشغول گشت و با تألیف کتاب‌هایی چند - که از نظر علم و نقد و تحقیق نیز بهترین نمونه اند - به مبارزه با استعمار شوم پرداخت.

- تدوین رساله‌ها و کتاب‌های بسیار در نشر و تبیین معتقدات شیعه و ردّ و انکار مادیون، مشرکان و گروه‌های ضالّه چون بهائیه، بابیه و قادیانیه و نیز پاسخ به شکوک و شبهات مبلّغان این مذاهب و فرّق. (۲)- تألیف کتاب شریف الاحتجاج و رساله علمی رضاع: وی در این اثر علمی خود، آنچه از فروع فقهی در مذهب جعفری، یکتا و منحصر به فرد است را از کتاب و سنت و نیز از کتاب‌های مسند و صحاح اهل سنت، دلیل می‌آورد. رساله رضاع نیز که از شاهکارهای دیگر وی در فقه مقارنه است که بنابر مذهب امامیه و اهل سنت تألیف شده است.

ص: ۳۱۰

---

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۱۱۴..

۲- (۲). همان..

متوفای: ۱۳۵۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبدالحمید، نام پدر: بادریس، ولادت: ۱۳۰۷ق، محل تولد: قسنطینه، الجزایر.

تحصیلات: وی مقدمات ادب و علوم اسلامی را در زادگاه خود فرا گرفت و در ۱۳ سالگی تمام قرآن کریم را حفظ نمود. در ۱۳۲۶ق برای ادامه تحصیل به تونس رفت، پس از چندی عازم حج گردید و در بازگشت به لبنان، سوریه و مصر سفر نمود و از عالمان آنجا اجازه حدیث گرفت. ابن بادریس سپس به زادگاه بازگشت و در مسجد الاخضر به تربیت شاگردان و مبارزه با خرافه پرستی همت گماشت.

اساتید، شیخ محمد نخلی قیروانی، محمد طاهر بن عاشور، شیخ محمد خضر حسین، شیخ سالم النیفر.

آثار قلمی: المنتقد، السنه، الصراط، الشریعه، الشهاب، تفسیر ابن بادریس فی مجالس التذکیر من کلام الحکیم، من الهدی النبوی صلی الله علیه و آله، عقیده التوحید من القرآن والسنه.

سرانجام: ابن بادریس در ۱۳۵۹ق در حالی که پنجاه و دو بهار زندگی اش را پشت سر گذاشته بود، در قسنطینه درگذشت و برخی گفته اند که به دست عوامل حکومت فرانسه مسموم شد.

۱. علمای مجاهد، ص ۲۳ - ۲۵.

ص: ۳۱۱

- ابن بادریس همچون همه مصلحان سده اخیر به تبلیغ شعار «بازگشت به قرآن و سنت سلف صالح» روی آورد.
- از دید او چنین بازگشتی تنها آنگاه حرکت آفرین خواهد بود که اسلام موروثی مبتنی بر جمود، تقلید و جهل را نفی کند.
- او در زمینه خلافت، نظری خاص داشت. در آن دوران بیشتر سلفیان اهل سنت برای تحقق حکومت شرعی، به نظام خلافت چشم دوخته بودند، اما او به جای خلافت ایجاد «جماعه المسلمین» را پیشنهاد کرد.
- شعار عبدالحمید بن بادریس در زمان مبارزه تنها این جمله بود که: اسلام دین من، عربی زبان من، الجزایر میهن من.
- ابن بادریس اگر چه مالکی مذهب بود اما بر مذاهب دیگر احاطه داشت. با این همه آنچه او را به صورت یکی از چهره های برجسته اصلاح طلبی در تاریخ معاصر درآورد، مبارزه اساساً فرهنگی او با استعمار فرانسه و خرافه پرستی و عقب ماندگی مسلمانان بود.

#### تلاش ها

- تأسیس جمعیت علمای الجزایر: بی گمان در میان کارهای ابن بادریس از همه مهمتر، تأسیس همین جمعیت بود. این جمعیت اگرچه در آغاز کار هدف اخلاقی داشت و شاید الگوی آنان جماعت «المنار» رشید رضا در مصر بود، اما به تدریج در پرتو اندیشه ها و کارهای ابن بادریس گامهای بلندتری برداشت و سرانجام به مهمترین سازمان سیاسی برای مقاومت در برابر استعمار و فرانسه تبدیل شد. بیشتر کسانی که به این جمعیت پیوستند، کسانی بودند که تحت تأثیر اندیشه های (وحدت آفرین منادیان وحدت امت اسلام یعنی) سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده و شکیب ارسلان قرار داشتند.
- ارسال برخی از طلاب به مراکز مهم علمی مانند الازهر، زیتونه، قرویین و...
- دیدار با شیخ محمد عبده مصلح و مفتی بزرگ مصر و نیز مطالعه دو مجله المنار و عروه الوثقی که در اندیشه های اصلاح طلبانه ابن بادریس تأثیر بسزایی گذاشت.

متوفای: ۱۳۶۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابو عبدالله، نام پدر: میرزا نصرالله، ولادت:

۱۳۰۹ق، محل تولد: ایران، زنجان.

تحصیلات: وی در سنین جوانی به حوزه علمیه وارد شد و در رشته های فلسفه، کلام، ادبیات عرب، مبادی فقه و اصول، ریاضیات و علوم فلک، شروع به تحصیل نمود. در سال ۱۳۲۹ق به تهران رفت و مدت کمی در مدرسه فرانسوی سنلوئی به تحصیل پرداخت ۱.

ابو عبدالله چندی بعد به زنجان بازگشت و سپس با برادر دانشمند خویش، زنجان را به قصد حوزه علمیه نجف ترک گفت. او پس از مدتی تحصیل در نجف و استفاده از استادان آن دیار، به ملکه اجتهاد دست یافت و از محضر عالمان و مجتهدانی چون: سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد فیروز آبادی، هبه الدین شهرستانی، شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبدالکریم حائری در سال ۱۳۳۸ق اجازه اجتهاد دریافت نمود.

اساتید، حضرات آیات: میرزا ابراهیم فلکی (از شاگردان فیلسوف بزرگ ابو الحسن جلوه)، سید کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید ابو الحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی، میرزا حسین نائینی ۲.

آثار قلمی: تاریخ القرآن، الفیلوسوف الفارسی الکبیر صدر الدین شیرازی، طهارت اهل کتاب، زندگی محمد صلی الله علیه و آله و سلم، عظمت حسین بن علی علیهما السلام، سر انتشار اسلام، مقایسه حال المسلمین فی هذه الاعصار مع الازمنه السابقه فی العز والذل، و چندین کتاب ارزشمند دیگر ۳.

سرانجام: آیت الله استاد ابو عبدالله زنجانی پس از عمری تلاش و مجاهدت علمی در جهت گسترش معارف الهی، در روز پنج شنبه ۷ جمادی الثانی سال ۱۳۶۰ق، روح پاکش به سوی حضرت حق پرواز نمود.

مرقد: عراق، نجف اشرف، آرامگاه خانوادگی ایشان.

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۲۹، به نقل از کیهان اندیشه، «شرح حال و آثار عبدالله زنجانی»، نوشته سید صالح شهرستانی (از دوستان و شاگردان زنجانی)، ترجمه آرش مردانی پور، ش ۶۱، ص ۱۴؛ علمای نامدار زنجان در قرن چهاردهم، زین العابدین احمدی زنجانی، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۳۳۰، به نقل از کیهان اندیشه، ش ۶۱، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۳۳۶ - ۳۳۷.

ص: ۳۱۳

- آیت الله زنجانی وظیفه خویش را تبلیغ و نشر معارف الهی و تلاش در جهت گسترش وحدت بین مسلمانان می دانست.

- ایشان وحدت بین حوزه و دانشگاه را امری بسیار مهم برمی شمرد و تلاش هایی نیز در این راستا نمود.

- استاد زنجانی عقیده داشت نباید مرزهای زبانی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی، این امت واحده را گرفتار کشاکش و تشتت سازد و خود به جدّ در این راه کوشید. (۱)- چنانکه علامه زنجانی اشاره دارد ایشان (آیت الله ابو عبدالله زنجانی) در صدد نگاشتن تفسیری بوده که ظاهراً اجل فرصت نداده تا این قصد را عیّت بخشد. (اما همّت او در تألیف) کتاب تاریخ قرآن، در میان سنیان تأثیر بسزایی داشته و مورد اهتمام عالمان و روشنفکران آنان قرار گرفته است. دکتر احمد امین، نگارنده کتاب فجر الاسلام، آن را گامی در راه وحدت اسلامی به شمار آورده است. (۲) تلاش ها (۳)

- سفرهای متعدّد و گفتگو با عالمان اهل سنت در جهت وحدت اسلامی.

- سفر به قاهره در سال ۱۳۵۴ق: وی در این سفر مورد استقبال استادان بسیاری از دانشگاه الازهر قرار گرفت.

- کنفرانس استاد زنجانی در مرکز علمی «دار الهدایه الاسلامی»: متن این کنفرانس در نشریه مصری الفتح به چاپ رسید.

- دیدار با مصطفی مراغی رئیس دانشگاه الازهر در خصوص وحدت فرقه های اسلامی.

- گفتگو با عبدالرحمن شهیندر، عبد الوهاب غرام و عده ای دیگر از استادان، پیرامون ایجاد اتحاد بین مسلمانان.

- اقدام در جهت وحدت بخشیدن بین دو سرچشمه علم یعنی حوزه و دانشگاه.

ص: ۳۱۴

۱- (۱). میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۱۰..

□

۲- (۲). همان، ص ۱۹، به نقل از ترجمه فارسی کتاب تاریخ قرآن، ابو عبدالله زنجانی..

۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۲۹ - ۳۳۷؛ میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۱۰ - ۱۹..

متوفای: ۱۳۲۵ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام مجتبی علیه السلام

نام: سید حسین، نام پدر: سید محمود، ۱ ولادت: ۲۸ رجب ۱۲۸۲ق، محل تولد: ایران، قم، ۲.

تحصیلات: پس از گذراندن دوران کودکی راهی مکتب خانه شد و به ادبیات عرب مشغول گردید. پس از چند سال جهت تکمیل تحصیلات راهی تهران شد و کتابهایی چون معالم، قوانین، شرح لعمه، رسائل و مکاسب را نزد اساتید آن دیار به اتمام رسانید. پس از ۲ سال به تهران آمد و در حوزه شهر، از محضر بزرگان حوزه استفاده برد. پنج سال بعد مجدداً به نجف اشرف، نزد اساتید بزرگ شتافت. حاج آقا حسین در مدتی که در آن شهر حضور داشت از تمام اساتید خود اجازه اجتهاد گرفت. ۳.

اساتید در تهران، نجف و سامرا؛ حضرات آیات:

□  
میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا هاشم رشتی، شیخ علی نوری، شیخ فضل الله نوری، میرزا محمد حسن آشتیانی، میرزا محمود قمی، ۴ میرزا حبیب الله رشتی، محمد کاظم خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، سید احمد کربلایی، آخوند ملا علی نهاوندی، میرزا محمد تقی شیرازی و ... .

شاگردان در تهران و کربلاء، آیات عظام: میرزا حسن بجنوردی، ملا عباس تربتی، شیخ فاضل قفقازی، سید صدر الدین جزائری، شیخ عباسعلی اسلامی، سید حسن طباطبایی قمی، شیخ کاظم دامغانی، شیخ علی توحیدی بسطامی، ۵ سید زین العابدین کاشانی حائری، شیخ محمد حسین صدقی مازندرانی و ... ۶.

آثار قلمی: حاشیه بر صحه المعاملات، هدایه الانام فی المسائل الحلال والحرام، ذخیره العباد، طریق النجاه، منتخب الاحکام، حاشیه بر مجمع المسائل، مختصر الاحکام، مناسک حج، حاشیه بر رساله ارث و نفقات و ... ۷.

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش و خدمت به اسلام، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۶۶ق، در ۸۴ سالگی به دیار باقی شتافت و روح پاکش در اعلی علین جای گرفت.

مقبره: عراق، نجف اشرف، حرم مطهر امیر المؤمنین علی علیه السلام، مقبره شیخ الشریعه اصفهانی واقع در صحن.

۱. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱/۱۴، ص ۲۳۸

۲. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص ۳.

۳. الغدیر، علامه امینی، ج ۴، ص ۴۰۴؛ گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۹۱ - ۵۹۲.

۴. نباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۶۵۳.

۵. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۹۳، به نقل از حاج آقا حسین قمی، قامت قیام، محمد باقر پور امینی، ص ۴۴ - ۵۲.

۶. همان، ص ۵۹۳.

۷. معجم المؤلفین، عمر رضا کحاله، ج ۴، ص ۶۱؛ نباء البشر، ج ۲، ص ۶۵۵.

ص: ۳۱۵

- با شروع جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۶۰ق، نیروهای مهاجم انگلیسی به کشور عراق حمله کردند، لیکن با مقابلهٔ مردم مواجه شدند و نبردهای شدیدی بین آنان صورت گرفت. به گواهی تاریخ، علمای آن عصر، نقش سرنوشت‌سازی را در تهییج مردم در مقابله با آنان (نیروهای انگلیسی) داشتند. آیت‌الله قمی با صدور فتوایی مردم را به مقابله با نیروهای مهاجم فرا خوانده و دفاع از کیان اسلام را جزء بهترین عبادتها شمرد. ایشان ضمن دعوت مردم و نیروهای دفاعی به هماهنگی و وحدت نسبت به تلاش برای اختلاف‌اندازی و تفرقه میان نیروهای مسلمان، هشدار داده بود. (۱)

ص: ۳۱۶

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۹۸..

متوفای: ۱۳۶۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد علی، نام پدر: یونجاچه، ولادت: ۱۲۹۴ق، محل تولد: پاکستان، کراچی.

تحصیلات: او پس از گذراندن ایام کودکی، دروس ابتدایی و راهنمایی را در یکی از مدارس مسلمانان به اتمام رسانید، سپس در مدرسه بزرگ «سند» ادامه تحصیل داد. محمد علی ۱۶ ساله بود که به لندن مراجعت نمود و در دانشکده حقوق به ادامه تحصیل پرداخت و با دریافت گواهینامه حقوق به شهر کراچی مراجعت نمود. ۱. سخت کوشی و انضباط فکری او، صعودش را به مراکز قدرت آسان نمود، تا اینکه در سال ۱۹۰۵م به طور رسمی وارد عرصه سیاست گردید. ۲.

سرانجام: محمد علی جناح رهبر مسلمانان شبه قاره هند پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر در راه اتحاد امت اسلام و خدمات ارزنده ای همچون تشکیل حکومت مستقل و اسلامی پاکستان، در ۷۲ سالگی در اثر سکته قلبی دارفانی را وداع و به سرای باقی شتافت. ۳.

۱. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۸.

۲. پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شهریور ماه ۱۳۸۶.

۳. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹.

ص: ۳۱۷

- وی معتقد بود که قدرت جهان اسلام وابسته به همبستگی دولتها و ملت‌های اسلامی است.
- او می گفت: وظیفه ماست که به برادران مسلمانان در هر جای دنیا که هستند کمک کنیم، از چین تا پرو، چرا که اسلام به ما توصیه می کند تا وظیفه خود را برای نجات برادران مسلمان خود ادا کنیم.
- جناح از همه مسلمانان به نیکی یاد می کرد و آنان را به سوی وحدت و تشکیل امت اسلامی فرا می خواند. (۱) تلاش ها
- پیگیری های فراوان جهت تشکیل حکومت مستقل و اسلامی در پاکستان.
- قرار گرفتن در رأس حکومت پاکستان به مدت ۱۳ ماه.
- تلاش جهت برطرف ساختن نزاع و درگیری بین دو کشور کشمیر و هندوستان و نیز ایجاد روابط دوستانه متقابل.
- صدور قانون اوقاف مسلمین که مسلمانها با شادمانی از او استقبال نمودند.
- حمایت همه جانبه مسلمانان از فعالیتهای جناح: در آن زمان دولت هند درصدد تشکیل قانون اتحاد و ایجاد فرمانداری های محلی گردید که همه مسلمانان، محمّد علی جناح را در تأسیس کارهایش تأیید نمودند. (۲) - دعوت از مسلمانان مصر، اندونزی، ایران، عربستان و افغانستان برای همکاری و مساعدت به هم دیگر.

ص: ۳۱۸

- 
- ۱- (۱). پایگاه اطلاع رسانی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شهریور ماه ۱۳۸۶..
  - ۲- (۲). اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۸-۴۲۹..

- اقبال لاهوری: وی منجی مسلمانان هند و حتی منجی تمام هندوستان می باشد.

- گاندی: جناح سرسختترین فرد ملی و مایه امید هند است.

- علاوه بر افراد مذکور افرادی مثل دکتر زوار زیدی، استلی ولپرت، بیورلی نیکولس و... از جناح به عنوان فردی سیاستمدار، صادق، وفادار به مردم، با انصاف نسبت به دیگران یاد کرده اند.

متوفای: ۱۳۶۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد علی، نام پدر: میرزا محمد جواد، ولادت:

۱۲۹۲ق، محل تولد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: هجده مقدمات علوم را نزد پدرش گذراند و سپس در کلاس درس برادر بزرگتر خویش شرکت نمود، مدتی بعد در درس آیت الله میرزا هاشم خوانساری حضور به هم رسانید. در ۱۳۰۴ق در درس فقه و اصول آیت الله میرزا حسن آشتیانی و نیز عرفان میرزا ابو الحسن جلوه که در تهران برگزار می شد شرکت نمود و در ۱۸ سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. ۱.

اساتید، در اصفهان، تهران، نجف و سامرا، حضرات آیات: میرزا محمد جواد بیدآبادی (پدر)، شیخ احمد مجتهد (برادر)، میرزا هاشم خوانساری، میرزا حسن آشتیانی، میرزا ابو الحسن جلوه، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد حسن خلیلی، میرزا محمد تقی شیرازی، سید اسماعیل صدر.

شاگردان، آیات عظام: امام خمینی رحمه الله، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، حاج میرزا هاشم آملی، شیخ محمد رضا طبسی نجفی، حاج محمد ثقفی تهرانی (پدر همسر حضرت امام رحمه الله). ۲.

آثار قلمی: شذرات المعارف، رشحات البحار، مفتاح السعاده فی احکام العباد، حاشیه نجاه العباد، منازل السالکین، حاشیه کفایه الاصول آخوند خراسانی، حاشیه فصول الاصول، رساله العقل والجهل و... ۳.

سرانجام: در ساعت ۲ بعد از ظهر روز سوم صفر ۱۳۶۹ق پس از هفتاد و هفت سال عمر پر برکت، روح استاد اخلاق حضرت امام خمینی رحمه الله، به ملکوت اعلی پرواز کرد و در جوار رحمت حق آرمید.

مرقد: ایران، شهر ری، بارگاه حضرت عبد العظیم علیه السلام، مقبره شیخ ابو الفتح رازی.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۰۱ - ۶۰۲.

۲. همان، ص ۶۰۶.

۳. همان، به نقل از آئینه دانشوران، سید علی رضا ریحان یزدی، به کوشش باقر بیدهندی، ص ۱۸۵؛ مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، ش ۵، ص ۱۹۱ - ۱۹۲.

- ایشان تفرقه را سبب ناتوانی مسلمین در مقابل دشمنان اسلام می دانست و آن را موجب ضعف مادی و معنوی به شمار می آورد. او اخوت و برادری را بهترین سلاح برای پیروزی مسلمین معرفی می نمود.

به جهت حفظ امانتداری کلام بزرگان، عین سخنان ایشان را در اینجا ذکر می کنیم هرچند شیوه ادبیاتی ایشان، تاحدی سنگین و رایج عصر خود بوده است.

ایشان می گفت: «یکی از اسباب ممرضه مسلمین، افتراق مسلمین و انفصام خیط اخوت از میانه آنهاست. به واسطه اختلاط با اجانب که موجب اضمحلال هر یک شده معاشاً و معاداً، حتی آن که اجتماعات مختلفه المسالك موجب ضعف و اختلال است. فضلاً عن الانفراد (۱) و هرچه انفراد بیشتر شود اختلال و انحلال (۲) شدت نماید تا به سرحد انعدام همه جهات و حیثیات رسد؛ چنان چه حس اعداء این جهت را، موجب هیجان و حرکت سریع آن ها گردیده (۳) و البته با این حالت حاضره اساس زندگی دینی و دنیوی شما را برچیده و مصداق آیه کریمه «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكُمْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (۴) خواهد گردید. (۵) در نتیجه باید بگوئیم «لا عدّه الا بالأخوه» (۶) زیرا که عدد، اگرچه فوق حد نهایت بوده باشد، ولی مادامی که مرتبط نشوند به خیط اخوت، در حکم غیرت و مابینت است چنان چه دانه های تسبیح، مادامی که به واسطه خیطی منتظم نشوند حرکت هیچ کدام باعث حرکت دیگری نگردد. (۷)

ص: ۳۲۱

- 
- ۱- (۱). اجتماعاتی که متحد و متفق هستند لکن دارای مسلک های گوناگون می باشند، در معرض خطر ضعف و از هم پاشیدگی قرار دارند، چه رسد به جوامعی که اتحاد و یگانگی در آنها وجود نداشته باشد و دچار تکروی و انفراد باشند..
  - ۲- (۲). اختلال: اضطراب و ناپایداری؛ انحلال: از هم پاشیدگی..
  - ۳- (۳). دشمنان دین این مطلب را فهمیده اند که رمز موفقیت آنان در تفرقه و پراکندگی مسلمانان است (فَرَّقَ تَسِدًا: تفرقه بینداز - حکومت کن)..
  - ۴- (۴). سوره حج، آیه ۱۱.. □
  - ۵- (۵). عارف کامل (آیت الله میرزا علی شاه آبادی)، ص ۱۸۱..
  - ۶- (۶). یعنی: عدّه حاصل نیاید، مگر به اخوت و برادری..
  - ۷- (۷). همان، ص ۱۸۴..

متوفای: ۱۳۷۱ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام سجاد علیه السلام

نام: سید محسن، نام پدر: عبدالکریم، ولادت:

۱۲۸۴ق، محل تولد: لبنان، جبل عامل، روستای شقرا.

تحصیلات: او در کودکی قرآن را آموخت و شش ساله بود که به فراگیری نحو و خوشنویسی روی آورد.

دروس مقدمات را طی نمود و سپس در سال ۱۳۰۱ق به بنت جبیل رفت و از محضر عالمان آن دیار بهره جست.

سید محسن در سال ۱۳۰۸ق راهی دریای علوم و معارف یعنی نجف اشرف گشت و در درس بزرگان حوزه حضور یافت. پس از آموختن کتابهای لمعه، قوانین و رسائل، در درس خارج فقه و اصول شرکت نمود.

اساتید، حضرات آیات: سید علی بن سید محمود عاملی، سید احمد کربلایی، شیخ محمد باقر نجم آبادی، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ محمد کاظم خراسانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ محمد طه نجف.

آثار قلمی: از آن بزرگ مرد حدود صد جلد کتاب و رساله برجای مانده است که به برخی از آنان اشاره می گردد: اعیان الشیعه، تاریخ جبل عامل، البحر الزخار فی شرح احادیث الائمة الاطهار علیهم السلام، حذف القتل عن علم الاصول، حاشیه بر عروه الوثقی، المجالس السنیه فی مناقب ومصائب العتره النبویه علیهم السلام ولواعج الاشجان.

سرانجام: ایشان ۸۷ ساله بود که پس از سالها تلاش در جهت خدمت به اسلام و مسلمین در ماه رجب المرجب سال ۱۳۷۱ق، پس از مدتی بیماری، چشم از جهان هستی فرو بست و در جوار مرقد دخت گرامی امیر المؤمنین علی علیه السلام آرامید. ۱

مرقد: سوریه، دمشق، زینبیه علیها السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۶.

ص: ۳۲۲



- آیت الله امین معتقد بود اختلاف نژادها و مذهبها موجب دشواری و تنگناست. (۱)- در نگاه آسمانی او همه کشورهای اسلامی وطن شمرده می شدند و همه ساکنان آن برادران یکدیگر به شمار می آمدند. (۲)- به عقیده وی نبرد و درگیری میان شیعه و سنی شایسته مقام انسانیت نیست.

- ایشان خود را پدری پیر و مهربان برای همه مسلمانان و بلکه همه انسانها به شمار می آورد.

## تلاش ها

- تشکیل صفوف وحدت و بجای آوردن فریضه نماز جماعت در مسجد صخره - فلسطین. (۳)- استفاده همزمان از اساتید شیعه و سنی در مدرسه علویه که خود مؤسس آن بود (در جهت تحکیم وحدت مسلمانان).

ص: ۳۲۳

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۳..



۲- (۲). روزی یکی از برادران اهل سنت نزد آیت الله امین رفت و گفت: می خواهم شیعه شوم. سید فرمود: فرقی میان شیعه و سنی نیست. هر وقت خواستی می توانی به نظرات مجتهدان شیعه عمل کنی. مرد که هرگز گمان نمی کرد بدین سادگی در جمع شیعیان جای گیرد، همچنان از سید می خواست او را شیعه کند. مرجع مسلمانان نگاهی مهرآمیز به وی افکنده، فرمود: بگو لا اله الا الله، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. چون این مرد این کلمات بر زبان راند، سید فرمود: اینک شیعه جعفری شدی. مرد شگفت زده و ناباورانه مجلس را ترک گفت. (همان، ص ۶۱۵)..

۳- (۳). در سفر ایشان به فلسطین چون هنگام نماز عصر فرا رسید، خدمتکار مسجد صخره، که بزرگی و دانش سید را دریافته بود، آنها را به گوشه ای از مسجد برد تا با خاطری آسوده به عبادت پردازند. سید محسن پرسید: چرا ما را بدین جای آورده ای؟ می خواهیم در نماز جماعت شرکت کنیم. خادم گفت: آقای من! شما با ما نماز می گزارید؟ مرجع شیعیان جنوب لبنان و دمشق پاسخ داد: چرا با شما نماز نگزاریم؟ آیا ما و شما هر دو مسلمان نیستیم؟ آنگاه همگی برخاسته، همراه امام مسجد، نماز جماعت را به جای آوردند. (گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۴)..

- ایستادگی در برابر تفرقه انگیزان فرانسوی. (۱) - دعوت مردم به وحدت و برادری: ایشان همواره با سخنان روشنگرانه خویش، مردم را به سوی استقلال و رهایی از بند بیگانگان و نیز وحدت فرا می خواند.

- دفاع از جدا سازی برادران اهل سنت با شیعیان، در اعتراض به تصمیم دولت سوریه؛ لذا هنگامی که دولت سوریه قانون انتخابات را تصویب کرد، دولت سوریه در اطلاعیه ای اعلام داشت که تعدادی از کرسیهای مجلس را در اختیار اهل سنت و بقیه را در اختیار اقلیتهای مذهبی قرار داده است. آیت الله سید محسن امین این مرجع بزرگ شیعه در برابر این قانون آشکار و نفاق آمیز، - که شیعه را از برادران اهل سنت جدا ساخته و در گروه اقلیتها قرار می داد -، ایستادگی کرد و در نامه ای به سران دمشق یادآور شد که شیعه، مسلمانان را یک گروه می داند و هرگز خود را از برادران اهل سنت جدا نمی شمارد. بدین ترتیب ایشان قانون حکومت را اصلاح کرد و شیعه و سنی را در یک گروه جای داد.

مجموعه تلاش های آن فقیه وارسته در قبل و بعد از استقلال سوریه، دولت را بر آن داشت که نام محله زندگی آن آفتاب بی غروب را به محله امین تغییر دهد. (۲)

ص: ۳۲۴

---

۱- (۱). برای مثال فرانسوی ها قانون ضدّ اسلامی وضع می کردند و چون با مخالفت دانشمندان دینی و مردم روبرو می شدند، اهل سنت را از اجرای آن معاف می ساختند. بدین ترتیب دو گروه مسلمان شیعی و سنی را از یکدیگر جدا می ساختند. (گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۴)..

۲- (۲). همان، ص ۶۱۵ - ۶۱۶..

متوفای: ۱۳۷۲ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سید عبدالله، نام پدر: سید ابوالقاسم، ولادت: دوم جمادی الثانی، ۱۲۹۱ق، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی خواندن کتب فارسی، خط، املا و انشاء را نزد اساتید محلی خود آموخت. در ۱۳۰۰ق به همراه خانواده به بوشهر رفت و دروس مقدماتی حوزوی از قبیل صرف و نحو و... را یاد گرفت. سید عبدالله پس از اتمام مقدمات در ۱۳۱۱ق به زادگاهش نجف اشرف بازگشت. او سه سال در آنجا به درس و بحث مشغول بود، اما در سال ۱۳۱۴ق به بوشهر و پس از دو سال به شیراز و در نهایت در سال ۱۳۱۹ق برای دومین بار برای تکمیل دروس عالیّه خود به نجف بازگشت. سید عبدالله بلادی پس از سالها تلاش در ۱۳۲۴ق به درجه رفیع اجتهاد نائل آمد. ۱.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد رحیم کازرونی، حبیب الله سلطان آبادی، سید محمّد مهدی بلادی، سید محمّد علی بهبهانی، سید سلیمان ملقب به صدر الاسلام بهبهانی، ۲ سید عباس کربلایی، آخوند خراسانی، سید محمّد کاظم طباطبائی یزدی، شیخ عبدالهادی بغدادی همدانی، سید محمّد بحر العلوم، شیخ الشریعه اصفهانی و... .

آثار قلمی: آیت الله سید عبدالله بلادی در طول حیات پر برکت خویش بیش از ۸۰ کتاب و رساله در موضوعات مختلف تألیف نمود که برخی از آنان از این قرارند: الردود السنّه، رحله الحرمین، سدول الجلباب فی فوائد الحجاب، کشف الاسرار، تشجیع دلیران یا نهضت ایران، الفصول الخمسه، کتاب الابرار، الدعوات النوریات، ثابت القدم فی شکر النعم، بروج الفحول فی علم الاصول و... ۳.

سرانجام: آیت الله سید عبدالله بلادی بوشهری پس از عمری مجاهدت علیه استعمار و تلاش در عرصه فرهنگ تشیع و خدمت به مردم، در سن ۸۳ سالگی برابر با ۲۳ محرم ۱۳۷۲ق بر اثر عارضه سکته قلبی در بوشهر، به سرای باقی شتافت. ۴.

مقبره: عراق، نجف اشرف، وادی السلام. ۵.

۱. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۹۶، به نقل از نگاهی به مبارزات و اندیشه های سید عبدالله بلادی بوشهری، ص ۲۴.

۲. همان، به نقل از نگاهی به بوشهر، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۴۰۰ - ۴۰۳.

۴. همان، ص ۴۰۴، به نقل از نگاهی به مبارزات و اندیشه های سید عبدالله بلادی بوشهری، ص ۵۰.

۵. همان، ص ۴۰۴.



- وی در سال ۱۳۲۶ق (یعنی سالهای اوج انقلاب مشروطه) به عنوان نمایندهٔ آخوند خراسانی، عازم بوشهر شد و در آنجا با عضویت در انجمن اتحاد اسلام (۱) خدمات فراوانی را در این راه به ثمر رسانید. (۲) - در ۱۶ شعبان سال ۱۳۰۳ق؛ سید جمال الدین اسدآبادی که قصد مسافرت به عربستان سعودی را داشت، در بوشهر توقف می‌کند و با علما و شخصیت‌های آن دیار، دیدار و افکار و نظریات خود را در جمع آن‌ها بیان می‌کند.

□ □  
 آیت الله سید ابوالقاسم بلادی به همراه فرزندش سید عبدالله بلادی نیز در این جلسه شرکت می‌کند. همین ملاقات، آن هم در سنین نوجوانی باعث رویش و رشد بذر انقلاب و جهاد با کفر و ظلم در دل سید عبدالله گردید و از او مبارزی نستوه ساخت. آیت الله بلادی بعدها در کتابها و سخنرانی‌های خود از سید جمال الدین به خوبی یاد کرده و از این که معاصران وی، پیامش را درک نکرده اند اندوهگین شده و ابراز تأسف می‌کرد. (۳) - دفاع از اسلام و شریعت: آیت الله سید عبدالله بلادی در تمام عمر با برکتش، از اسلام و فرهنگ تشیع دفاع کرد و در مقابل هجوم دشمنان دین علیه مقدسات اسلامی ایستادگی نمود.

نمونه‌های این اقدامات را در کتابهای تاریخ می‌توان یافت. (۴)

ص: ۳۲۶

۱- (۱). انجمنی که به طرفداری از مشروطه در بوشهر به وجود آمد..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۹۷، به نقل از نگاهی به مبارزات و اندیشه‌های آیت الله بلادی بوشهری، ص ۳۰..

۳- (۳). همان، به نقل از نگاهی به مبارزات و...، ص ۲۱..

۴- (۴). به عنوان نمونه در سال ۱۳۴۶ق، در راستای تضعیف فرهنگ تشیع و ترویج فرقه ضالّه بهائیت، به دستور دولت مرکزی، یک بهایی به سمت فرماندار بوشهر منصوب شد. این تصمیم با مخالفت آیت الله بلادی روبرو شد. او علیه فرقه بهائیت و فرماندار بهایی بوشهر سخنرانی کرد و مردم را به مخالفت با فرماندار فرا خواند. مردم هم تظاهرات به راه انداختند و هم صدا با سرودن اشعار طنزآمیزی مخالفت خود را با فرماندار بهایی اعلام کردند. به عنوان مثال همگی فریاد می‌زدند: حاکم بابی نمی‌خواهیم دستمال آبی نمی‌خواهیم پس از مدتی با مقاومت مردم، فرماندار بهایی عوض شد. (همان، ص ۳۹۹، به نقل از نگاهی به مبارزات و...، ص ۴۷).

- تألیف کتاب الردود السنّه: این کتاب که در شش فصل تدوین شده، ردّی است بر کتاب ابن تیمیّه که علیه شیعه تألیف کرده است.

□  
آیت الله بلادی بوشهری علّت تألیف را چنین می نگارد:

بعضی از دوستان من به سفر حجاز رفتند و در ایامی که در حجاز بودند، کتاب ابن تیمیّه را خریداری کرده، با خود به ایران آوردند و به من دادند. من از اوّل تا آخر کتاب را به دقّت مطالعه کردم. تاکنون کتابی ندیدم که در آن این قدر اهانت و عتاب علیه شیعه شده باشد. تصمیم گرفتم تا جواب او را از قرآن و روایات متواتر بدهم تا حق از باطل شناخته شود. (۱)

ص: ۳۲۷

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۴۰۱، به نقل از الردود السنّه، ص ۱..

متوفای: ۱۳۳۱ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام موسی کاظم علیه السلام

□  
نام: سید محمد تقی، نام پدر: سید اسد الله، ولادت:

۱۲۶۷ق، محل تولد: ایران، اصفهان، خوانسار.

تحصیلات: وی پس از گذراندن نونهالی به مکتب خانه رفت، او تا قبل از سن ۱۷ سالگی ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی و نیز قسمتهایی از فقه و اصول را در حوزه خوانسار خواند. ۱. پس از آن، عازم نجف گردید و مدت ۴ سال در درس آخوند خراسانی شرکت کرد. وی مدتی نیز در درس آیت الله آقا ضیاء عراقی شرکت نمود و هنگامی که او بعدها به ایران بازگشته بود، آقا ضیاء، اجتهاد نامه شاگردش سید محمد تقی خوانساری را برایش فرستاد. ۲.

اساتید، حضرات آیات: آخوند خراسانی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، آقا ضیاء عراقی و... ۳.

شاگردان، آیات عظام: محمد علی اراکی، آقا مجتبی عراقی و... ۴.

آثار قلمی: تقریرات کتاب الطهاره، منتخب الأحکام (رسالة عملیه). ۵.

□  
سرانجام: آیت الله العظمی خوانساری پس از حدود یک قرن زندگی وحدت آفرین، ظهر هفتم ذیحجه ۱۳۷۱ق، به احرام جانان درآمد و لیک گویان به سرای او شتافت.

مقبره: ایران، قم، بالا سر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام. ۶.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۷، به نقل از مجله مجموعه حکمت، سال اول، ش ۱۲، ص ۱۲ - ۱۷؛ آثار الحججه، محمد شریف رازی، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. نقباء البشر، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۸ - ۶۱۹.

۴. همان، ص ۶۲۰، به نقل از مجله مجموعه حکمت، ص ۲۰ - ۲۲؛ علماء معاصرین، ص ۳۱۱.

۵. علمای مجاهد، ص ۱۹۹.

۶. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۲۳، به نقل از مجله مجموعه حکمت، ص ۴۹ - ۵۱؛ مجله حوزه، ش ۱۲، ص ۴۳.



□  
- حضور در مراسم پرشور حج: آیت‌الله خوانساری در شهریور ماه ۱۳۲۸ش، برای حضور در مراسم وحدت آفرین حج، راهی مکه معظمه شد. در همان روزهای نخست ورود او به مکه، روزنه‌های امیدبخش اتحاد پدیدار گشت و با اعلام ثبوت رؤیت ماه از طرف ایشان، اختلاف بین مسلمانان رخت بر بست.

- شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت: او هنگامی که جمعی از شیعیان از ایشان تقاضای برپایی نماز جماعت نمودند، بی‌اعتنا به درخواست آنان به نماز جماعت برادران اهل سنت رفت. چه آنکه این حج، برای همبستگی بود و دلبستگی و دیدن روح برادری، تا در سایه وحدتی ظاهری، روح‌ها به وحدت رسند.

□  
- دیدار و گفتگو با علمای اهل سنت مصر: در مدینه محل اقامت آیت‌الله خوانساری، جای آمد و شد هیأتها و کاروانهای مذاهب مختلف بود. از جمله آنها هیئت علمای مصر به سرپرستی شیخ حسن البناء مرشد عام جمعیت اخوان المسلمین بود. گفت و گوهای دوستانه‌ای میان او و آیت‌الله خوانساری آغاز گشت و تلاش مرجع تقلید شیعیان در نزدیکی و ایجاد تفاهم هرچه بیشتر بود. (۱) - اقامه نماز پرشکوه و تاریخی باران در ۱۳۲۳ش: این اقدام مرحوم آیت‌الله خوانساری را می‌توان گام مهمی در راه وحدت و برادری مؤمنین قم دانست، به گونه‌ای که در کتب تاریخی نوشته‌اند جمعیتی حدود ۲۰ هزار نفر یعنی دو سوم مردم شهر در آن نماز شرکت داشتند. چند روز پس از برگزاری این مراسم عبادی و وحدت آفرین و نیز پس از آن که باران مفصلی در شهر قم بارید، رسانه‌های اروپایی و آمریکایی این خبر را در سطح جهان منعکس نمودند.

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۲۲، به نقل از مجله مجموعه حکمت، ص ۴۳ - ۴۶؛ آثار الحجه، ج ۱، ص ۱۵۳ - ۱۵۴..

متوفای: ۱۳۷۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد حسین، نام پدر: شیخ علی کاشف الغطاء، ۱ ولادت: ۱۲۹۴ق، محل تولد: عراق، نجف، محله عماره.

تحصیلات: محمد حسین پس از گذراندن ایام کودکی، در ۱۰ سالگی وارد حوزه علمیه نجف شد، و در ۱۸ سالگی پس از پایان دروس سطح به درس خارج فقه و اصول حضرات آیات:

□  
سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی راه یافت و پس از چندی توانست قلمه اجتهاد را فتح نماید. پس از فوت آیت الله سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۳۳۷ق، شمار زیادی از مسلمانان ایران، هند، افغانستان، لبنان و سوریه او را به عنوان مرجع تقلید خویش برگزیدند. ۲

اساتید، حضرات آیات: سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی، مصطفی تبریزی، حاج آقا رضا همدانی، محمد تقی شیرازی، میرزا محمد باقر اصطهباناتی، احمد شیرازی، علی محمد نجف آبادی، ملا علی اصغر مازندرانی، محدث نوری.

شاگردان، آیات عظام: سید محسن حکیم، قاضی طباطبایی (شهید محراب)، شیخ محمد جواد مغنیه.

آثار قلمی: الدعوه الاسلامیه، اصل الشیعه و اصولها، خطبه الاتحاد والاقتصاد، خطبه الباکستان، الخطب الاربع و... .

□  
سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر در راه اعتلای کلمه الله و سردادن ندای اتحاد مسلمین جهان، در ذیقعدۀ ۱۳۷۳ق، یعنی در سن ۷۹ سالگی، پس از یک ماه بستری شدن در بیمارستان کرخ بغداد، ۳ بعد از نماز صبح (بین الطلوعین) جان به جان آفرین تسلیم کرد.

مرقد: عراق، نجف اشرف، وادی السلام.

۱. ایشان نیز از جمله افرادی بودند که همواره ندای وحدت و همبستگی مسلمانان را سر می داد، لذا از وی به طور رسمی برای دومین کنگره تحقیقات اسلامی دعوت شد، رادیو قاهره با ایشان مصاحبه ای ترتیب داد که همان روز در یک برنامه عمومی پخش شد، او در قسمتی از مصاحبه چنین گفت: اینک همبستگی مسلمانان در زیر یک پرچم و هم کلامی آنان بر یک راه و یک روش ضروریست، زیرا در وحدت آنان قدرتی است که هجوم دشمنان را دفع نماید و نیرنگ و فریب آنان را درهم شکند. (طلایه داران تقریب (۳)، کاشف الغطاء اذان بیداری، محمد رضا سماک امانی، ص ۱۹)

۲. همان، ص ۲۲ - ۲۸.

۳. مرحوم کاشف الغطاء روی تخت بیمارستان بستری بود که جنگ فرقه ای بین طوایف بحرین رخ داد، ایشان از روی تخت

بیمارستان پیامی مهم برای مسلمانان بحرین فرستاد و خواستار پایان جنگ شد. در قسمتی از این پیام آمده است:

«هر انسان آگاهی می داند که امروز، مسلمانان بیش از همه چیز به اتحاد، همدلی و برادری نیازمندند، باید دشمنی ها را کنار گذاشت، استعمارگران همیشه از اختلاف بین مسلمانان سود می برند. آنان با دامن زدن به آتش اختلاف بین مسلمانان، فتنه و آشوب برپا می کنند. دشمنان اسلام جنگ شیعه و سنی به راه می اندازند. چرا باید مسلمانان به جان یکدیگر بیفتند؟ اگر کسی می خواهد کتابی بنویسد، چرا به بزرگان مذهب دیگران بدگویی می کند؟ باید مسلمانان محبت و مهر برادران دینی خود را در دل داشته باشند.»

(همان، ص ۱۱۴، به نقل از آوای بیداری، ص ۸۲).

ص: ۳۳۰

- علامه کاشف الغطاء تنها عامل ضعف مسلمانان را ضعف دینی و نفوذ روح غربی در آنها می دانست و برای مقابله با آن، تحقیق وحدت مسلمانان را پیشنهاد می کرد.

- او تأکید بر اتحاد میان فرقه های مسلمان داشت. هرچند مانند بسیاری دیگر از منادیان وحدت اسلامی تعریف و تفسیر روشنی در این زمینه ارائه نمود، اما می خواست که مسلمانان به این دعوت پاسخ مثبت دهند. او تا آنجا به نقش اتحاد اسلامی اهمیت می داد که جنگهای صلیبی، حمله مغولان به امپراطوری اسلامی و نفوذ استعمار نوین غربی در جهان اسلام را معلول فقدان اعتماد میان مسلمانان می دانست. از این رو تلاش وی در دفاع از تشیع و شناساندن آن نیز به انگیزه زدودن غبارهای سوء تفاهم بین دو مذهب بزرگ اسلامی و نزدیک کردن شیعه و سنی بود. لذا علمای فرق مختلف اسلامی به او احترام می گذاشتند. (۱) - در نگاه ایشان اسلام بر دو پایه استوار است، کلمه توحید و توحید کلمه. او می گفت:

«اسلام آئین یکتاپرستی و تساوی مردم در برابر قانون است...»

- کاشف الغطاء همواره بیمناک تفرقه مسلمانان بود، و در پاسخ استفتائی که از ایشان شده بود نوشت... «از تفرقه پرهیزید و با دست خود تان موجب شکست خود تان نشوید». (۲) - به عقیده وی بیگانگان بر مسلمانان حکومت می کنند، آنان را به بردگی می برند، سرزمین هایشان را اشغال می کنند و... تنها علت این بدبختی ها، تفرقه مسلمانان است.

- او می گفت: جای بسی تأسف است که پیروان ادیان آسمانی، به جای اینکه همانند یک روح در چند پیکر باهم متحد باشند، گرفتار جدایی و دشمنی با یکدیگرند.

- ایشان نقشه استعمارگران را در شعار «اختلاف بینداز و حکومت کن» می دانست. (۳) - نگاه آسمانی وی اینگونه بود که: بیگانگان، فقر و نادانی و عقب ماندگی ما را می خواهند و ما خواهان دانش، سعادت و پیشرفتیم. آنها می خواهند که ما به جان یکدیگر بیفتیم ولی ما به دنبال برادری و اتحاد هستیم.

ص: ۳۳۱

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۳۸۴ و ۳۸۶..

۲- (۲). طلایه داران تقریب (۳)، ص ۴۴..

۳- (۳). همان، ص ۸۱، سخنرانی در کنفرانس اسلامی، پاکستان، ۱۳۷۱ق..

- از منظر علمامه کاشف الغطاء هر ملت ضعیفی به وسیله اتحاد می تواند قوی شود. (۱)- ایشان همواره بر این مطلب تأکید داشت که: بر تمام فرق اسلامی لازم است که جدالها و اختلافات را کنار بگذارند زیرا اگر این عمل، بذاته حرام نباشد مسلماً در این عصر که دشمن از هر طرف ما را احاطه کرده حرام است.

تلاش ها

- سخنرانی تاریخی او در مسجد جامع کوفه: وی در این سخنان عظمت دینی اسلامی را به یاد آورد و درباره عقب ماندگی کنونی امت مسلمان مطالبی گفت. (۲)- تألیف کتاب الدین والاسلام در جهت معرفی ادیان آسمانی، بویژه دین مبین اسلام.

- اقدام جهت تألیف نقدی بر کتاب «تاریخ آداب اللغه العربیه»، در جهت مقابله با اقدام مصنف این کتاب (جرجی زیدان)، بخاطر اهانتی به مکتب تشیع.

- گفتگو پیرامون وحدت اسلامی با دانشمندان سنی در سفر به حجاز.

- بررسی مشکلات جهان اسلام و لزوم اتحاد مسلمانان در دیدار وی با علمای سنی دمشق.

- دیدار و گفتگو با شیخ سالم بشری و شیخ محمد نجیت مطیعی (مفتی حقایق) در صیدا.

- سخنرانی بسیار مهم در جمع ۷۰/۰۰۰ نفر از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی جهان اسلام از فرقه های حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی، وهابی، ناصبی، خوارج، اسماعیلیه، حنفیه، زیدیه و شیعه دوازده امامی در بیت المقدس.

بخاطر اهمیت والای این سخنرانی به گوشه ای از آن اشاره می نمائیم:

«اختلاف و جدایی از خصلتهایی است که در درون ما ریشه دوانیده است و ما را بیچاره ساخته است. خداوند ما را به اتحاد و همبستگی فرمان می دهد و برادری و مسئولیت در برابر یکدیگر را وظیفه ما قرار می دهد. تردیدی نیست که ما پیش از آنکه سنی و یا شیعه باشیم، مسلمانیم. مسلمانان برادران یکدیگرند. آیا برادر با برادر دشمنی می ورزد؟ بر هر

ص: ۳۳۲

---

۱- (۱). قسمتی از پاسخ مرحوم کاشف الغطاء به دعوت کنگره بحدود..

۲- (۲). علمای مجاهد، ص ۳۸۵..

مسلمانی به ویژه رهبران و دانشمندان لازم است که در این دوران بسیار سرنوشت ساز، تمام تلاش خود را برای وحدت میان مسلمانان به کار گیرند. معنای وحدت بین شیعه و سنی این نیست که به شیعیان بگوئیم عقیده اهل سنت را بپذیرید و به سنی ها بگوئیم عقیده شیعیان را بپذیرید، اتحاد این است که با یکدیگر دشمنی نوزیم... کوشش کنید تا مسلمانان با یکدیگر متحد شوند... ای یکتاپرستان! یکی شوید. ای مسلمانان! اگر سخنان ما یکی نشود باید با اسلام وداع کنیم...» (۱) - سخنرانی در کنفرانس اسلامی در پاکستان (۱۳۷۱ق). (۲) - سخنرانی در جهت جلوگیری از توهین به اهل سنت در ایام نهم ربیع در صحن حرم علوی علیه السلام .

- ارسال پیام برای سربازان ارتش مصر و سوریه و تشویق آنان به اخراج صهیونیستها از فلسطین.

- تألیف کتاب «اصل الشیعه و اصولها» که در ایجاد وحدت بین مسلمانان نقش بسزایی داشت. (۳)

ص: ۳۳۳

- 
- ۱- (۱) . سخنان پر شور علامه کاشف الغطاء مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت، کاشف الغطاء چنان محبوب قلبها شد که دانشمندان حاضر در کنگره پس از آن، تا روزی که کاشف الغطاء در فلسطین بود نماز جماعت و جمعه را به او اقتدا کردند. حتی علمای وهابی، ناصبی و خوارج نیز نماز را به امامت او به جای آوردند. (طلایه داران تقریب (۳)، ص ۵۰) .
  - ۲- (۲) . گزیده ای از این سخنرانی در بخش اندیشه ها گذشت..
  - ۳- (۳) . تجدید چاپ این کتاب در کشورهای سنی نشین، نشانگر استقبال علمای اهل سنت از این کتاب است..

متوفای: ۱۳۷۴ق

چکیده ای از زندگی نامه ۱

نام: عبدالمجید، ولادت: ۱۳۰۴ق، محل تولد:

مصر.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران مقدماتی، وارد دانشگاه الازهر گردید. پس از چندی در ۱۳۳۰ق از دانشگاه الازهر فارغ التحصیل شد. شیخ عبدالمجید پس از اتمام تحصیلات، به عنوان قاضی، مدرس و عضو هیئت فتوا مشغول به فعالیت گردید.

اساتید: شیخ محمد عبده، ۲ حسن طویل، احمد ابی خطوه. ۳

شاگردان: شیخ محمود شلتوت. ۴

سرانجام: شیخ عبدالمجید سلیم پس از سالها تلاش در عرصه تقریب و وحدت اسلامی، در روز پنجشنبه دهم صفر ۱۳۷۴ق دارفانی را وداع گفت. ۵

۱. طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۲۳ - ۲۴.

۲. شرح حال وی در ص ۲۷۹ همین کتاب گذشت.

۳. پایگاه اطلاع رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۶.

۴. شرح حال وی در ص ۳۶۰ همین کتاب خواهد آمد.

۵. طلایه داران تقریب (۲)، ص ۲۴، به نقل از الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۳۰۶.

ص: ۳۳۴

- به عقیده او «دانشمندان و علماء که پرچمداران رسالت اسلامی هستند و به شهادت قرآن، با خدا و فرشتگان، قیام به عدالت دارند و وظیفه خطیر و مهمی بر عهده گرفته اند، لازم است که در تبلیغ این رسالت جهانی (اتحاد و همبستگی)، با یکدیگر همکاری کنند و با همه دوری راهها و اختلاف ملتها، در اوضاع اسلامی تبادل نظر نمایند. (۱)» - شیخ عبدالمجید معتقد بود که اولین وظیفه ای که بر عهده ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی، این است که از اذهان و افکار مردم، ... (اختلافات و جدال ها) را پاک کنیم. (۲)» - وی نسبت به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از احساسات عاطفی و دلسوزانه ای برخوردار بود. هنگامی که او به حافظه تاریخی خود درباره اهل بیت علیهم السلام و پیروان آن ها رجوع می کرد، نسبت به ظلم، زندان، آواره گی، شکنجه و کشته شدن آن ها در طول قرن ها در دوران حکومت اموی و عباسی درد شدیدی را احساس، و تلاش می کرد که این ظلم تاریخی را از مکتب اهل بیت علیهم السلام و پیروان آن ها دور کند. همین امر رمز پافشاری این مرد بود که توانست بخشی از موانع تفرقه بین اهل سنت و شیعه را از بین ببرد. (۳)» - وی در رابطه با عشق و علاقه خویش نسبت به فعّالیت در زمینه وحدت، در پاسخ به پیام شفاهی آیت الله العظمی بروجردی، چنین می گوید: بهترین آرزوی من است که می خواهم مادام العمر، آن را عملی سازم و پیوسته از باریتعالی مسئلت دارم که آرزوی مرا برآورد، و کسانی را که در این راه مقدّس جدیت دارند تأیید کند. (۴)

ص: ۳۳۵

□

۱- (۱). بخشی از پیام وی به مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، جمادی الثانی ۱۳۷۱ق..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). پیشینه تقریب، محمّد علی آذر شب، ص ۱۷۴ - ۱۷۵..

۴- (۴). همان، ص ۲۱۳؛ طلایه داران تقریب (۱)، آیت الله بروجردی آیت اخلاص، ص ۶۹..

- ارتباط با «جمعیت همبستگی» در جهت اهتمام به موضوع تقریب و وحدت اسلامی.

- مکاتبه‌های مستمر و ثمر بخش، با مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی: شیخ عبدالمجید سلیم از نخستین کسانی بود که به آیت‌الله سید حسین بروجردی در قم نامه نوشت. در آن زمان این مکاتبه بین دو شخصیت بزرگ اهل سنت و شیعه از اهمیت خاصی بشمار می‌آمد.

این مکاتبه‌ها همیشه از طریق علمامه شیخ محمد تقی قمی یا مسافران بین مصر و ایران ادامه داشت و آیت‌الله العظمی بروجردی با تمام احترام و تکریم به نامه‌های او پاسخ می‌داد. (۱)- تلاش در جهت تأسیس جماعت تقریب مذاهب اسلامی.

- ارائه تفسیر گرانمایه مجمع البیان به صحنه جهان اسلام: زمانی که شیخ سلیم بر این تفسیر اطلاع حاصل نمود، آرزوهای خود را در آن نیز یافت. او مجمع البیان را تفسیری دید که از ژرفای علمی، وسعت و محتوای جامع و روشن و راهنما و دور از تعصب برخوردار است که آرای اهل سنت و شیعه را در خود جمع کرده بود. لذا نامه‌ای به دارالتقریب نوشت و این تفسیر را مورد ستایش قرار داد و جمعیت دارالتقریب را وادار به چاپ آن نمود و در پیشگفتاری بر این تفسیر نوشت: «مجمع البیان تفسیری، با جایگاه عظیم، دانش سرشار، فواید بسیار، حسن ترتیب و نظم است و اگر بگوییم که این تفسیر در زمره تفاسیر برتر قرار دارد و به خاطر علوم و تحقیقات آن، این تفسیر مأخذ و مرجع تفاسیر می‌باشد، سخن گزاف نگفته‌ام».

این پافشاری و اصرار بود که شیخ محمود شلتوت را بر آن داشت تا این تفسیر را با دقت بسیار مطالعه نموده و مشتاق و بی‌قرار این تفسیر شود که از پیش گفتار تاریخی او بر این تفسیر، این موضوع روشن و آشکار است. چاپ تفسیر، عملی شد و سال‌ها این تفسیر با بهترین چاپ همراه با نامه شیخ سلیم و مقدمه شیخ شلتوت در صفحه نخست آن منتشر گردید. (۲)

۱- (۱). متن کامل یکی از نامه‌های وی در ص ۳۵۴ همین کتاب خواهد آمد..

۲- (۲). پیشینه تقریب، ص ۱۷۸..

- ترویج فقه مقارن در دانشگاه الازهر.

- تصمیم به صدور فتوای جواز پیروی از مکتب شیعه: در این رابطه توجه شما را به جریان زیر جلب می‌نمائیم:

شیخ عبدالمجید سلیم پس از چندی، اذهان و افکار اعضای همبستگی را برای این موضوع (صدور فتوای جواز پیروزی از مکتب تشیع) آماده کرد و به بررسی چهارچوب فتوا در جلسه ای که زمان آن را معین کرد، مقرر نمود. پیش از یک هفته از این جلسه تعیین شده، به تمام اعضای جمعیت دارالتقریب، بسته‌هایی پی در پی از پایتخت‌های مختلف اروپا ارسال شد. بسته‌ها به آدرس افراد در محل کار خودشان فرستاده شده بود و مرسوله‌های مشابه با آدرس آن‌ها به منازل گسیل گردید که محتوای آن، دیدگاه صدور فتوا را بر باد می‌داد.

موضوع، عجیب، و توطئه، دقیق و پی‌گیری نیروی شیطانی در مورد گرایش همبستگی، فتنه‌انگیزانه بود. نامه‌ها درست در زمان تعیین شده واصل شد و این نیرو به منظور جلوگیری از یکی از اقدام‌های مهم، به حرکت درآمد. اعضا در جلسه مقرر حاضر شدند و در حالی که هر یک از آن‌ها پاکتهایی را در دست داشتند، خشم بر چهره آن‌ها ظاهر بود.

شیخ عبدالمجید در صدر مجلس نشست. ناگهان اعضا، یکباره صدای خود را بلند کردند و با لهجه خشمناکی شروع به صحبت نمودند و می‌گفتند: آیا می‌خواهید ما فتوایی را در جواز عمل به فقه شیعه صادر کنیم، حال این که شیعه دشمنان صحابه هستند؟! آن‌گاه هر یک از آن‌ها بسته‌ها را باز کردند و در آن کتابی منتسب به یکی از علمای شیعه را بیرون آورده که در آن بر دو خلیفه اول و دوم توهین شده بود و گفتند: این سندی است که سرشت و افکار شیعه را نسبت به خلفا روشن می‌کند؛ لذا شما چه می‌گویید؟!؟

علامه شیخ محمد تقی قمی می‌گوید: «سکوت بر من مستولی شد و دیگر قادر به سخن در این فضای متشنج نشدم. به شیخ عبدالمجید نگاه کردم و او را دیدم که با هر یک از افرادی که صحبت می‌کرد، آنها را به آرامش و اعتماد فرا می‌خواند و گویی می‌خواست که از دوش آن‌ها

این بار خشم را بردارد. زمانی که همه آن‌ها صحبت خود را تمام کردند و بر فضا آرامش نسبی حاکم شد، شیخ سلیم شروع به صحبت کرد و با وقار و متانت گفت: آیا از خود پرسیده‌اید که این بسته‌ها از کجا آمده‌اند؟ هدف ارسال کننده این‌ها چیست؟ چرا آن‌ها دقیقاً در این زمان این بسته‌ها را فرستادند؟ آن‌گاه به صحبت خود ادامه داد و گفت: اگر بین شیعه و اهل سنت اختلافی نبود، ما به همبستگی و گروه همبستگی و دارالتقرب و مجله رساله الاسلام نیاز نداشتیم. ما، پس از آگاهی خود از وجود اختلاف، به این اقدام دست زدیم تا بر نقطه نظرهای مشترک تأکید، و اختلاف را کم کرده و بدگمانی را از بین ببریم. پس به دستانی فکر کنید که با چاپ کتابی، احساسات اهل تسنن را در مقابل تشیع در اروپا بر می‌انگیزانند و آن کتاب را در این وقت حساس برای شما می‌فرستند. آیا این کار وفاداری به اهل سنت است؟ کدامین به صلاح و مصلحت مسلمانان است؟ آیا در مورد صحت استناد این کتاب به مؤلف آن از خود سؤال کرده‌اید؟ و اگر هم فرض بشود که این استناد درست باشد، آیا در این کتاب آمده است که مسلمان از دایره اسلام خارج است و پیوند برادری اسلامی آن‌ها را از هم می‌گسلد؟! او با زبانی باوقار و رسا به صحبت خود ادامه داد. فضا آرام گرفت، ولی (این اقدام تفرقه افکنان و بیگانگان سبب گردید) صدور فتوا ده سال به تأخیر افتاد تا این که شیخ محمود شلتوت بر تنفیذ این اقدام، پیش گام گردید. (۱) در نگاه دیگران

□

آیت الله العظمی بروجردی: از خداوند مسألت دارم شما (شیخ عبدالمجید سلیم) را در خدمت به اسلام و مسلمانان توفیق بدارد و در این برهه از زمان در امر امت، اهتمام شما را موجب شود. حضرت عالی خود را در خدمت این امت وقف نمودید و از مفسدان و ملحدان جلوگیری به عمل آوردید. خداوند نزدیک و اجابت کننده است. (۲)

ص: ۳۳۸

---

۱- (۱). پیشینه تقریب، ص ۱۷۵ - ۱۷۷..

۲- (۲). بخشی از نامه آیت الله بروجردی به شیخ عبدالمجید سلیم، ۱۷ رمضان ۱۳۷۰ق؛ پیشینه تقریب، ص ۲۱۶..

شیخ مراغی: اگر ابو حنیفه زنده بود، برای مدرسه فقهی خود جز شیخ عبدالمجید سلیم - به خاطر آگاهی کامل و دقت و وسعت علمی او به فقه حنفی - جانشین دیگری انتخاب نمی کرد. لذا چون او دارای ویژه گی های اصیل بود برای دو دوره به ریاست الازهر انتخاب گردید. (۱) شیخ شلتوت: او مردی با ایمان و عالم به علوم مختلف اسلام و محیط به مذاهب فقهی در اصول و خروج، همچون کوهی عظیم، ثابت و پایدار بود. مردی که در تأسیس پایه های تقریب گامهای بسیار برداشت. (۲)

ص: ۳۳۹

---

۱- (۱) . همان، ص ۱۷۴..

۲- (۲) . طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۶۸..

شهادت: ۱۳۳۴ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید مجتبی، فامیل: میرلوحی، نام پدر: آقا سید جواد، ولادت: ۱۳۰۳ش، محل تولد: ایران، تهران.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی و شرکت در مجالس قرآنی در ۷ سالگی راهی دبستان شد. پس از اتمام دوره ابتدایی در مدرسه صنعتی آلمانیها، مشغول تحصیل گردید. سید مجتبی تحصیلات خود را به پایان برده و در خردادماه ۱۳۲۲ش در شرکت نفت استخدام شد. پس از مدتی، اتفاقاتی سبب گشت تا راهی نجف گردد. ۱. سید مجتبی پس از ورود به نجف دروس فقه، اصول، تفسیر قرآن، اصول سیاسی و اعتقادی، اصول فلسفه سیاسی اسلام و فقه سیاسی را نزد اساتید خود آموخت.

اساتید، حضرات آیات: علامه امینی، حاج آقا حسین قمی، آقا شیخ محمد تهرانی. ۲.

سرانجام: ۲۵ دی ماه ۱۳۳۴ش بیدادگران دژخیم، به سید مجتبی نواب صفوی و سه یار فدا کارش حکم اعدام دادند. ۳. آنان در ۲۷ همان ماه مطابق با سالگرد شهادت حضرت زهرا علیها السلام به خیل شهداء پیوستند.

مرقد: ایران، قم، وادی السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۴۴ - ۶۴۵.

۲. همان، ص ۶۴۵.

۳. آن سه مجاهد و بزرگ مرد عبارت بودند از: سید محمد واحدی، مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی، روحشان متنعم از الطاف الهی.

ص: ۳۴۰

- شرکت در کنگره اسلامی فلسطین: در ۲۷ رجب سال ۱۳۵۰ق، از اندیشمندان اسلامی دورترین نقاط جهان دعوت به عمل آمد تا در کنگره اسلامی در فلسطین شرکت نمایند. شهید نواب نیز یکی از مدعوین این جلسه بود. او در اولین جلسه از جلسات شش روزه کنگره عظیم اسلامی، با نطق‌های حماسی خویش به زبان عربی، فریاد بیدار باش سر داد. پس از پایان کنگره، نماینده جمعیت اخوان المسلمین مصر، با نواب صفوی آشنا شد و از او دعوت نمود تا در دانشگاه الازهر مصر، به ایراد سخنرانی پردازد. (۱)- سخنرانی در کشورهای عربی و تشویق افرادی چون ابو عمّار (یاسر عرفات) و... به جهاد و مبارزه در جهت آزادی قدس شریف.

- سخنرانی‌های متعدّد در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی (که به قول پروفیسور حامد لیگارو، نقطه انعطافی در مبارزات مکتبی اسلام بود). (۲)- تأسیس سازمان اسلامی فدائیان اسلام: ایشان در جریان تأسیس و راه اندازی این جمعیت می گوید: «در خواب جدّم سید الشهدا علیه السلام را دیدم که بازوبندی به بازویم بست و روی آن نوشته شده بود فدائیان اسلام. (۳)- انتشار اطلاعیه‌های گوناگون در راستای شناساندن چهره واقعی اسلام و حفظ وحدت مسلمانان: در یکی از این اطلاعیه‌ها، رهبر فدائیان اسلام چنین نوشت:

«مصلحت مسلمین دنیا، پیوستن و تمایل به هیچ یک از دو بلوک نظامی جهان و پیمانهای دفاعی نبوده، باید برای حفظ تعادل نیروهای دنیا و استقرار صلح و امّیت، یک اتّحادیه دفاعی و نظامی مستقلی تشکیل دهند». (۴)- مبارزه با فعالیتها و نوشته‌های ضدّ اسلامی احمد کسروی: ایرادهای کسروی به اسلام، بیشتر از کتب مبلغین آمریکایی و مستشرقین اخذ شده بود و اشکال‌هایی را که متوجّه

ص: ۳۴۱

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲ ص ۶۵۱ - ۶۵۲..

۲- (۲). شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر، علی ربانی خلخالی، ج ۱، ص ۲۱۱..

۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۴۶..

۴- (۴). همان، ص ۶۵۳..

مذهب تشیع می ساخت، غالب آنها را از علمای متعصب سنی، مانند ابن حجر و موسی جار الله (عالمان سنی معاصر) برگرفته بود. (۱) شهید حجه الاسلام و المسلمین نواب، که در آن وقت برای تحصیل به نجف رفته بود با قاطعیتی تمام وسائل زندگی را جمع کرده، به طرف ایران حرکت نمود، او که در بین راه اطلاع یافت کسروی در آبادان است، به آبادان رفت. سپس در یکی از مساجد بزرگ شهر سخنرانی کرد و او را به مناظره فرا خواند. ولی کسروی به تهران رفته بود. شهید نواب نیز به تهران رفت و با تنی چند از آقایان تماس گرفت و پس از مشورت به این نتیجه رسید تا با وی به بحث بنشیند. مرحوم آیت الله طالقانی نیز مرحوم نواب را تشویق به این امر نمود تا اینکه سید مجتبی به کلوپ کسروی رفت.

با هماد آزادگان، نام باشگاه کسروی بود. نواب چند روزی در مورد دین و مسائل اجتماعی با وی بحث نمود. لیکن او قانع نشد، دو دستگی در جمع حاکم گردید. حرف آخر سید به کسروی این بود که:

«من به تو اعلام می کنم و تو را به عنوان یک مانع نسبت به مذهب، حتی نسبت به مملکت می دانم». (۲)

ص: ۳۴۲

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۴۵، به نقل از رجال آذربایجان، مهدی مجتهدی، ص ۱۲۶ - ۱۳۱..

۲- (۲). همان، ص ۶۴۶، به نقل از ناگفته ها، خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، ص ۲۵..

متوفای: ۱۳۷۷ق

چکیده ای از زندگی نامه ۱

نام: محبی الدین، نام پدر: خیرالدین، ولادت:

۱۳۰۵ق، محل تولد: عربستان، مکه مکرمه.

تحصیلات: وی دروس مقدماتی را تحت نظر پدرش به پایان رسانید. ۱۶ ساله بود که به خواندن کتابهای مطول، حاشیه میر زاهد، هدایه و... مشغول شد و آن گاه به عنوان «مولانا» مشهور گشت. انتظار می رفت که محبی الدین مانند همتایان خویش، به تدریس، امامت یا خطابت در مدارس و مساجد پردازد، اما او چنین نکرد.

آزاد ۲۰ سال بیشتر نداشت که برای دستیابی به کرانه های آگاهی و فرهنگ، رهسپار سرزمینهای اسلامی عراق، مصر، شام و ترکیه گردید.

آثار قلمی: ابوریحان السیرونی و جغرافیه العالم، هند آزادی گرفت، اتحاد اسلامی، ترجمان القرآن (۲ جلد)، شهید اعظم (پیرامون شخصیت حضرت امام حسین علیه السلام)، غبار خاطر و کاروان خیال، باقیات ترجمان القرآن، اصحاب کهف و... .

سرانجام: محبی الدین ابوالکلام آزاد پس از ۷۴ سال زندگی، کاسه عمرش لبریز و در سال ۱۳۷۷ق در دهلی درگذشت.

مقبره: هندوستان، دهلی. ۳.

۱. علمای مجاهد، ص ۲۶ - ۳۶.

۲. این عنوان، شهرتی است تقریباً معادل عناوینی چون روحانی و آخوند در ایران.

۳. آرامگاه ساده و زیبایش، نزدیک مسجد جامع و قلعه سرخ واقع است. دولت هند برای گرامیداشت خاطره او، هر سال در روز مرگش یادبودی ترتیب می دهد که یکی از شخصیت های ممتاز فرهنگی هند یا جهان در آن سخن می راند.

ص: ۳۴۳

- او با تأثیر از افکار سید جمال الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده، همواره در پی چاره جویی نسبت به بی توجهی مسلمانان هند به مسائل سیاسی جهان اسلام بود.

- عمده محورهای فعالیت آزاد پیرامون مسأله خلافت، پان اسلامیسیم (اتحاد اسلامی)، احیای اسلام و تجدّد فکر دینی بود.

- وی در یکی از شماره های هفته نامه الهلال چنین نوشت: الهلال جز این هدفی ندارد که مسلمانان را به تمسک به کتاب خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در همه اعتقادات و اعمال فرا خواند.

- محیی الدین هنگامی که به جرم سخنرانی تحریک آمیز زندانی گشت، در بخشی از دفاعیات خویش چنین گفت: من نمی توانم آرام باشم، زندگی برای من انقلاب و مرگ من در راه آن است. إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- به عقیده او جنبش های اصلاح طلبانه اسلامی معاصر بر سه دسته اند:

جنبش تجدّدخواهی غرب گرایان؛ رهبران: محمدعلی پاشا (مصر)، فؤاد پاشا (ترکیه)، سید احمدخان (هندوستان) و...

جنبش اصلاح سیاسی، دفاع و احیاء؛ رهبران: سید جمال الدین اسدآبادی (ایران)، مدحت پاشا (ترکیه)

جنبش اصلاح دینی؛ رهبران: شیخ محمد عبده (مصر)، عبدالرحمان کواکبی (سوریه)، شیخ صدرالدین (روسیه) و...

ابوالکلام آزاد، خود را جزء دسته سوم می دانست.

- وی در زمینه سیاسی، با پیشنهاد پان اسلامیسیم، میان دو نوع نیروی متضاد امتیاز می نهاد: نوع وحدت بخش و نوع تجزیه گر.

نوع نخست مستلزم رهبری واحد سازمان اجتماعی مسلمانان «جماعت» است و دیگری موجب عدم وحدت و اغتشاش و جدایی از جماعت.

- ایراد نطق و سخنرانی در اجلاس سالانه «انجمن حمایت اسلام» در دوازده سالگی.

- دیدار و گفتگو با سازمان سیاسی الحزب الوطنی در مصر و جمعیت اتحاد و ترقی در ترکیه.

- چاپ هفته نامه الهلال به سبک نشریه عروه الوثقی در جهت نشر آرای خویش و بیدار ساختن هم‌کیشان که به سبب زندگی در محیط بسته فئودالی، از آنچه در جهان می‌گذشت ناآگاه بودند. (۱۳۳۰ق)

- بنیانگذاری جمعیت حزب الله (در ۱۳۴۰ق): از اهداف این جمعیت، یکپارچگی مسلمانان هند، تحت رهبری امامی واحد، امضای موافقت‌نامه با هندوها و اعلام جهاد علیه حکومت انگلیس بود.

- ارائه طرحی برای قانون اساسی کشور بر مبنای فدرالیسم: به گفته وی این طرح می‌توانست ضمن تأمین خودمختاری کامل ایالاتی که مسلمانان در آنها اکثریت داشتند وحدت را نیز حفظ کند و بیم مسلمانان را از سلطه هندوان بر آنان برطرف سازد.

(۱)

ص: ۳۴۵

---

۱- (۱). منابع: علمای مجاهد، ص ۲۶ - ۳۶، به نقل از جنبش‌های اسلامی معاصر، ص ۲۸۹ - ۲۹۵؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۳۰۶ - ۳۱۵؛ مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص ۱۶۲ - ۱۶۳..

متوفای: ۱۳۷۷ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید عبدالحسین، نام پدر: سید یوسف، ولادت:

۱۲۹۰ق، محل تولد: عراق، کاظمین. ۱.

تحصیلات: او در شش سالگی وارد مکتب خانه ای در نجف اشرف شد. در هشت سالگی به خواندن ادبیات عرب مشغول گشت. او پس از خواندن کتابهای بسیار در علوم ادبیات، منطق، اصول، فقه، اخلاق، اعتقادات، تفسیر و... در سال ۱۳۱۰ق به سامرا مراجعت نمود. در آنجا از محضر اساتید معروف حوزه علمیه، بهره جست. پس از گذشت یک سال به نجف رفت تا از درسهای میرزای شیرازی استفاده نماید، سید عبدالحسین در سن ۳۲ سالگی به قلهٔ اجتهاد رسید و پس از آن به ارشاد مردم، تدریس، تعلیم و تعلم پرداخت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ حسن کربلایی، شیخ باقر حیدر، شیخ فتحعلی سلطان آبادی، میرزای شیرازی، آقا رضا اصفهانی، شیخ محمد طه نجف، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ عبدالله مازندرانی، سید محمد کاظم طباطبایی، میرزا حسین نوری.

آثار قلمی: با توجه به اینکه فرانسویان در آن عصر آثار بسیاری از ایشان را به آتش کشیدند، اما خوشبختانه برخی از شاهکارهای علمی، دینی، ادبی و تاریخی او به یادگار ماند، که به برخی از آنان اشاره می گردد: ۲ الکلمه الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام، المراجعات، النص والاجتهاد، ابو هریره، ۳ مقدمهٔ المجالس الفاخره فی ماتم العتره الطاهره علیهم السلام، کلمه حول الرؤیه، ثبت الاثبات فی سلسله الرواه و...

سرانجام: ایشان در صبح روز دو شنبه ۸ جمادی الثانی ۱۳۷۷ق، شعلهٔ فروزانش خاموش گشت و مردم برای همیشه در حسرت دیدن دوبارهٔ آن چهرهٔ درخشان الهی و امید دلها سوختند. ۴

مرقد: عراق، نجف اشرف، سمت جنوبی صحن علوی علیه السلام، مجاور مرقد فقیه بزرگ سید محمد کاظم یزدی.

۱. نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۳، ص ۱۰۸۰.

۲. برای آشنایی بیشتر با آثار به جا مانده و از بین رفتهٔ علامه شرف الدین، علاوه بر آثار چاپی مراجعه شود به: شرف الدین، ص ۱۰۳ - ۱۳۹؛ النص والاجتهاد (مقدمه).

۳. کتابی است تحقیقی پیرامون او.

۴. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۶۱.

ص: ۳۴۶

- باید دانست که اتحاد اسلامی را که علامه شرف الدین در پی تحقق آن بود، تنها جنبه سیاسی و اجتماعی و مقطعی نداشت، بلکه از حقایق اسلام و وقایع تاریخی آن سرچشمه می گرفت. (۱)- علامه شرف الدین نه تنها به اصلاح و سازندگی جوامع شیعی می اندیشید، بلکه از آغاز اقدامهای اجتماعی و دینی خود، در اندیشه اصلاح و عزت بخشی به همه ممالک اسلامی و ایجاد اتحاد و برادری در بین فرقه های مختلف مسلمانان بود.

- وی همواره از روزگار جوانی، از اوضاع نابسامان و آشفتۀ آن روز جوامع اسلامی و اختلافات بیهوده و تأسف بار مسلمانان رنج می برد و در پی چاره ای برای این مهم می گشت.

- او در سفری که به مصر داشت دریافته بود که بهترین نقطه حرکتش در راه وحدت اسلامی، دانشگاه الازهر، بزرگترین مرکز علمی و دینی مسلمانان اهل سنت است.

- شرف الدین معتقد بود: شیعه و سنی را روز نخست، سیاست (و مطامع سیاسی) از هم جدا کرده است و اکنون نیز باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان) آن دو را در کنار هم بنشانند و متحدشان کند. (۲) تلاش ها

- کوشش همه جانبه و راستین او در طول نیم قرن مبارزه برای ایجاد وحدت اسلامی و اتحاد امت مسلمان جهان (شیعه و سنی).

- استفاده مثبت ابزاری از فنّ نویسندگی در جهت آگاهی دادن به مسلمین: او با قلم توانا و ادیبانه خود می کوشید تا مسلمانان جهان، (شیعه و سنی) تعصبات مذهبی و گروهی رایج و

ص: ۳۴۷

---

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۲۵۹..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۸، به نقل از النص والاجتهاد، ص ۱۴؛ شرف الدین، ص ۱۷۵..

تفرقه افکن را کنار گذارده و حقایق اسلام را درک کنند و واقعیت‌هایی را که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رخ داد و موجب غصب خلافت و انحراف حکومت اسلامی از مسیر خود شد با دلیل و برهان بپذیرند. (۱) - وی نیم قرن تمام، با همه توان علمی و معنوی اش و با قلم بیان و عمل صادقانه اش، در متحد ساختن امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کوشید و از هیچ سعی و تلاشی دریغ نورزید. (۲) - دیدار از مصر و آشنایی با علمای دینی، دانشمندان، متفکران و نویسندگان آن دیار و مساعد کردن زمینه ایجاد اتحاد ملت اسلام، در سال ۱۳۲۹ ق.

- تألیف کتاب گرانقدر «الفصول المهمه فی تألیف الامه» در سال ۱۳۲۷ ق (۳): این اقدام وی به عنوان نخستین گام بلند و سنگین وی در راه وحدت امت اسلامی به شمار می رفت.

- دیدار با مفتی بزرگ و استاد معروف دانشگاه الازهر، شیخ سلیم بشری مالکی؛ ثمره این دیدار علمی و مذهبی، مباحثات و مکاتبات شورانگیز و شگفتی زایی بود که در تاریخ اسلام می تواند در راه اتحاد ملل مسلمان و دست یافتن به حقایق و وقایع تاریخ، سرمشق عالمان و متفکران مسلمان باشد.

- تنظیم و چاپ کتاب شریف «المراجعات». (۴)

ص: ۳۴۸

- 
- ۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.
  - ۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۶، به نقل از شرف الدین عاملی، چاووش وحدت، ص ۷۳ - ۷۴.
  - ۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۶، به نقل از نقباء البشر، ص ۱۰۸۲.
  - ۴- (۴). در سال ۱۳۵۵ ق، علامه شرف الدین مجموعه مکاتبات خود با شیخ سلیم (مفتی و استاد دانشگاه الازهر مصر) را که ۱۱۲ نامه بود، به همراه مقدمه ای روشن، به صورت کتابی با نام «المراجعات»، در شهر صیدا به چاپ رساند. از ویژگیهای این کتاب، افزون بر جنبه های علمی و استدلالی، کاربرد واژه های نو و پر معنا، جملات کوتاه و آهنگین، تعبیرات بدیع و دلنشین و پربار کردن مطالب از اشعار و امثال عرب می باشد. (برای اطلاع بیشتر به المراجعات و یا ترجمه های آن، به قلم آقای محمد جعفر امامی تحت عنوان «رهبری امام علی علیه السلام» و دیگری به قلم مرحوم مصطفی زمانی به نام «مذهب و رهبر ما» و نیز به کتاب ارزشمند «شرف الدین» اثر استاد محمد رضا حکیمی، ص ۱۲۹ - ۱۳۲ مراجعه شود).

- دیدار و گفتگو و مباحثات علمی و دینی با شیخ محمد نجیب، شیخ محمد سلموطی، شیخ محمد عبده و شیخ عبدالکریم الکتانی ادیسی، که آنان با نوشتن اجازات و تأییدات علمی، مقام علمی و فکری شرف الدین را گرامی داشته و از وی تجلیل کردند.

- تألیف کتاب گرانقدر و شگفت انگیز النص (۱) والاجتهاد، یکی دیگر از آثار وحدت آفرین اوست. (۲)

ص: ۳۴۹

---

۱- (۱). اعمال نظر شخصی در مقابل کلام صریح پیامبر صلی الله علیه و آله را اجتهاد در مقابل نص گویند..  
۲- (۲). در این کتاب وی حدود ۱۰۰ مورد اجتهاد در مقابل نص را که خلفاء، حاکمان و برخی از بستگان آنان در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا بعد از رحلت آن حضرت مرتکب شدند، براساس کتابهای معتبر اهل سنت بر می شمارد و در مورد هر یک، نظرات علمی، تحقیقی و منتقدانه فرد را بیان می کند، نوشتن چنین کتابی در ادامه راه اصلاح و سازندگی فرهنگی امت جدش، آخرین کار جاودان و حسن ختام یک عمر تلاش او برای خوشبختی و سعادت و وحدت مسلمانان جهان محسوب می شود..

متوفای: ۱۳۴۰ ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سید حسین، نام پدر: حاج سید علی، ولادت:

۱۲۹۲ق، محل تولد: ایران، بروجرد.

تحصیلات: سید حسین پس از دوران کودکی اندک اندک رشد نمود. جامع المقدمات، سیوطی، منطق، گلستان سعدی، صرف، نحو، فقه و اصول را در زادگاه آموخت و سپس عازم اصفهان گردید. مدتی در درس بزرگان و علمای اصفهان تلمذ نمود. او پس از بازگشت به بروجرد و توقف کوتاهی در آنجا، در ۱۳۲۰ق به حریم امیر المؤمنین علی علیه السلام مشرف گشت. وی که مجتهدی جوان به شمار می آمد پس از ۸ سال تحصیل و تحقیق در سال ۱۳۲۸ق به زادگاه خویش بازگشت. ۱.

اساتید، در اصفهان و نجف حضرات آیات: میرزا ابوالمعالی کلباسی، سید محمد باقر دُرچه ای، ملا محمد کاشانی، ۲ سید محمد تقی مدرس، جهان گیر خان قشقایی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی.

شاگردان، در بروجرد و قم؛ آیات عظام و حجج اسلام: شیخ محمد ابراهیم مدرسی، شیخ حسن کمره ای خاتمی بروجردی، شیخ محمد رضا خاتمی بروجردی، سید اسماعیل گلپایگانی بروجردی، میرزا محمود رازینی، شیخ فخرالدین محسنی جناتی، سید محسن شریعتمداری، سید ابوالفضل مجاهدی، میرزا ابوالقاسم محقق رازانی، شیخ آقا حسین بروجردی، شیخ علی اصغر غفوری، میرزا علی محمد مروّج، شیخ بهاء الدین حجّتی، شیخ حسن امام جمعه، سید جلال الدین علوی طباطبایی؛ ۳؛ امام خمینی رحمه الله، سید موسی شبیری زنجانی، جواد تبریزی، عبد الرحیم ربّانی شیرازی، علی پناه اشتهاردی، علی صافی گلپایگانی، لطف الله صافی گلپایگانی، حسین علی منتظری، محمد فاضل لنکرانی، حسین نوری، ابراهیم امینی، سید محمد حسین دُرچه ای، محمد مؤمن قمی، محمد علی ابطحی اصفهانی، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، سید حسین بُدلا، سید جعفر احمدی، احمد جنتی، محسن حرم پناهی، محمد تقی ستوده، علی قدوسی، محمد باقر ابطحی اصفهانی، حسن نائینی، و....

سرانجام: ایشان پس از ۷۰ سال تلاش و خدمت در عرصه های گوناگون بویژه در راه وحدت فرق اسلامی و اتحاد عمومی، در صبح روز پنج شنبه دهم فروردین ماه ۱۳۴۰، درحالی که ۸۸ بهار زندگی را پشت سر می گذاشت چشم از جهان فرو بست و ملتی را در غم فقدان خویش عزادار نمود.

مقبره: ایران، قم، بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام جنب درب ورودی مسجد اعظم.

۲. طلایه داران تقریب (۱)، آیت الله بروجردی آیت اخلاص، ص ۱۸، به نقل از مجله حوزه، ش ۵۳، ص ۵۲ و ۵۷.

۳. همان، ص ۲۱ - ۲۳.

ص: ۳۵۰

- آنچه مخصوصاً ایشان بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت علیهم السلام در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حُسن تفاهم امکان پذیر نیست. توفیقی که آن مرحوم در طبع برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حُسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد، از مهمترین موفقیتهای علمای شیعه است. جزاه الله عن الاسلام و المسلمین خیر الجزاء. (۱) - ایشان بر کتب و آراء فقهی علمای اهل سنت تسلط عجیبی داشت، او در اثر مطالعات و تحقیقات گسترده ای که در این وادی داشت به این نتیجه رسیده بود که با آگاهی از محتوای روایات و فتاوای رایج اهل سنت در زمان امامان معصوم علیهم السلام، بهتر، راحت تر و دقیق تر می شود محتوای روایات و منظور فرمایشات ائمه معصومین علیهم السلام را دریافت. در همین راستا جمله معروفی از ایشان نقل است که: «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است». (۲) توضیح: این جمله بیانگر غنای فقهی شیعه و تفوق آن بر فقه زمان صدور روایت است.

زیرا در طول تاریخ زندگانی معصومین علیهم السلام، شیعیان جز چند سال بیشتر حکومت نداشتند و اغلب حکومت، در دست بنی امیه و بنی عباس و مخالفین اهل بیت علیهم السلام بود، و فتاوای اهل سنت در میان مردم رواج داشت، مخدثان و اصحاب امامان علیه السلام نیز با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن روز از ائمه علیهم السلام سؤال می کردند و امامان علیهم السلام هم با توجه به همین معنا پاسخ می دادند.

به عبارت دیگر فقه شیعه ناظر بر فقه اهل سنت است، زیرا جوابها و فرمایشات امامان علیهم السلام ناظر بر فتاوای فضای حاکم می باشد، این سخن برای فقهاء راه گشاست که هنگام فتوا دادن به فضای حاکم زمان صدور روایت توجه و دقت کنند.

□  
- آیت الله بروجردی سعی داشت تا به ادله اهل سنت دست یابد و موضوع و مسأله را درست بررسی و ریشه یابی نماید.

ص: ۳۵۱

۱- (۱). اتحاد اسلامی و تمسک به قرآن و عترت علیهم السلام از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهری، ص ۸.

۲- (۲). طلایه داران تقریب (۱)، ص ۶۳، به نقل از زندگی آیت الله بروجردی، ص ۸۴.

- ایشان وحدت میان مذاهب را از وظایف حیاتی هر عالم شیعی می دانست و به همین جهت علاقه مند بود تا حُسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود تا از طرفی وحدت اسلامی که منظورِ بزرگ این دین مقدّس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه، فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنّن که اکثریتِ مسلمانان را تشکیل می دهند معرّفی شود.

تلاش ها

- حمایت، کمک و همکاری با دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه.

- ارتباط مکاتبه ای با شیوخ وقت الازهر مصر؛ شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از وی شیخ محمود شلتوت.

- گماردن نمایندگان به عنوان رابط میان خود و دار التقرب مانند مرحوم شیخ محمّد تقی قمی.

- دستور جمع آوری طرق و سلسله اسناد حدیث ثقلین.

- ارسال نامه ای به ملک سعود پادشاه وقت عربستان، با هدف برگزاری مراسم مشترکِ کنگره بزرگ حج، طبق روایات و مبانی مشترکِ مورد قبول شیعه و سنی، که محتوای آن حدیث مفصلی از امام صادق علیه السلام بود و حدود ۴۰۰ حکم از احکام مربوط به مناسک حج را دربرداشت.

### ثمره اقدامات و تأثیر آن

- آشنا شدن بسیاری از شخصیت های برجسته دار التقرب با فقه و مبانی شیعه.

- برقراری روابط دوستانه و علاقه مندانه با شیوخ وقت الازهر مصر، که پس از آن نامه های زیادی مبادله گردید. (۱)- فتوای تاریخی شیخ شلتوت، در به رسمیت شناختن مذهب شیعه و تشکیل کرسی تدریس مستقل در دانشگاه الازهر برای آن. (۲)

ص: ۳۵۲

---

۱- (۱). متن برخی از نامه ها در صفحات آینده خواهد آمد..

۲- (۲). متن این فتوای تاریخی در صفحه ۳۶۵ خواهد آمد..

## شیوه پیشنهادی آیت الله العظمی بروجردی پیرامون وحدت بین مذاهب

به طور خلاصه می توان گفت که شیوه پیشنهادی ایشان این بود که موارد اختلافی میان شیعه و سنی، در دو نکته اساسی نهفته است: یکی جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامت و رهبری مسلمانان است و دیگر اینکه بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسلمانان در عمل به احکام، به چه کسی رجوع نمایند.

اولاً تجربه نشان داده که طرح این سری از مسائل، همیشه سبب درد سر و اختلافات شدید و منشأ سوء استفاده های دشمنان بوده است.

ثانیاً آنچه امروز خیلی مهم است و می تواند نقطه مشترک میان شیعه و سنی باشد، بعد از کتاب آسمانی قرآن، محوریت اهل بیت علیهم السلام است که دلیل آن حدیث «ثقلین» می باشد و از طریق فریقین با سلسله سند صحیح، نقل شده است و همه هم آن را قبول دارند. (۱) هدف ایشان از وحدت اسلامی، هرگز این نبود که یک گروه در گروه دیگر هضم شود و همه آنها یک گروه و یک فرقه شوند، بلکه تأکید داشت با بیان نقاط مشترک همه گروهها، دوستی، محبت و صمیمیت در میان آنها بوجود آید و همه در برابر دشمنان اسلام به ید واحد تبدیل گردند. در نظر مرحوم آیت الله بروجردی، نیل به این هدف مقدس، از راه تمسک به حدیث ثقلین و معرفی امامان معصوم علیهم السلام به عنوان مصداق بارز اهل بیت علیهم السلام، بهترین، آسانترین، کم هزینه ترین و معقول ترین راه می باشد.

### متن نامه های شیوخ الازهر مصر به آیت الله العظمی بروجردی

برای آگاهی از عمق روابط و نقش مثبت و کارساز آیت الله بروجردی، در اینجا متن دو نامه تاریخی، که یکی از شیخ عبد المجید سلیم و دیگری از شیخ محمود شلتوت برای ایشان فرستاده شده است را مرور می کنیم:

ص: ۳۵۳

---

۱- (۱). جهت آگاهی بیشتر پیرامون این موضوع، به کتاب چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه های حضرات آیات: اشتهاوردی، سبحانی و... مراجعه نمایید..

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدمت آیت الله السید الجلیل حاج آقا حسین بروجردی حفظه الله

سلام علیکم ورحمه الله

اما بعد، استاد محترم، حضرت شیخ محمد تقی قمی دبیر کل دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه، پیام شفاهی آن جناب را که دستور داده بودید به من برسانند، ابلاغ نمودند.

شما اظهار لطف نموده و به ایشان از تقدیر و تشکر خود درباره کوششهایی که ما و جماعت تقرب بین المذاهب اسلامی، در راه خدمت به اسلام و مسلمین می کنیم و از تأثیر این کوششها در راه وحدت کلمه مسلمین و ایجاد تفاهم بیشتر و هماهنگی بهتر و اصلاح فساد که مغرضین به وجود آورده اند، سخن گفته اید. خدا می داند که این امر، بهترین و عزیزترین آرزوهای من در زندگی است و تا زنده ام به خاطر آن و در راه آن کار می کنم و از خدای بزرگ مسئلت دارم که به این آرزوها جامه عمل بپوشاند و کسانی را که در راه آن می کوشند تأیید فرماید.

از اعتماد و وثوق حضرتعالی نسبت به شخص من و از این عطف توجه به کوششهایم تشکر می کنم. من با آنچه که از شما می دانم و سراغ دارم، همکاری شما را در این جهاد بزرگ خدایی بسیار بزرگ می شمارم؛ زیرا که شما با علم و دانش و مقام و نفوذی که در ایران و غیر ایران دارید همیشه در راه اصلاح امر امت اسلام، کار می کنید.

فکر تقرب بین مذاهب اسلامی، از توجه و عنایت شما بسیار بهره مند بوده و از کمک ها و مساعدت های پر ارزش شما، در مناسبات مختلف، برخوردار بوده است.

زیرا همان طور که از امثال جناب عالی انتظار می رود، با علم و تقوی و بصیرتی که دارید، ارزش و اهمیت بزرگداشت مقام مسلمین و تقویت شوکت و عظمت آنان و رساندن آنان را به مقام شامخ ولایتی که بایست بدان برسند، به خوبی درک کرده اید:

«وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (۱).

آقای بزرگوار! دانشمندان و علماء که پرچمدار رسالت اسلامی هستند و به شهادت قرآن، با خدا و فرشتگان، قیام به عدالت دارند و وظیفه خطیر و مهمی بر عهده

ص: ۳۵۴

گرفته اند، لازم است که در تبلیغ این رسالت جهانی، با همدیگر همکاری کنند و با همه دوری راه ها و اختلاف ملت ها، در اوضاع اسلامی تبادل نظر نمایند.

روزگاری بر مسلمین گذشت که مردم در آن آماج بسیاری از دسیسه های فکری بودند و می خواستند آنان را از حق و حقیقت دور ساخته و به سوی باطل بکشانند و از دعوت به سوی خدا و جهاد در راه او بازداشته و مشغول به خود کنند و آنان را طوری با اختلافات و جدال ها از هم دور نمایند، که به کلی نابود شوند و از بین بروند. هنوز هم آثار این دسیسه ها، بصیرت ها و عقل ها را تاریک ساخته و قلب ها و دل ها را به خود مشغول نموده و در میان بسیاری از مردم رسوخ دارد و آنان را از فهم صحیح حقیقت دین و درک اسرار و حقایق آن و قربانی دادن در راه اعتلای نام آن باز می دارد؛ پس اولین وظیفه ای که به عهده ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی، این است که از اذهان و افکار مردم، این مطلب را پاک کنیم و حقایق ارج دار و روشن اسلام و اصول محکم و شریعت سهل و ساده آن را طوری نشر دهیم که مردم را با حقیقت و هدایت خداوند بیدار و بینا سازد و آنان را با قدرت و جمال دل آرای که دارد دربرگیرد. آنان را طوری تربیت کند که از روی فهم و محبت و علاقه، پذیرای اسلام باشند، نه از روی تقلید و وراثت؛ زیرا هر کس که حق را بفهمد آن را دوست دارد و کسی که آن را دوست داشت، ایمان می آورد، ایمانی که با وجود آن فداکاری و از خودگذشتگی آسان می شود و هیچ یک از زرق و برق های دنیای مادی و فانی مانع راه آن نمی تواند بشود.

دیگر این که اخیراً، از فوت عالم جلیل مرحوم سید محسن امین عاملی با خبر شدم.

من وقتی از علم و اخلاص و جهاد او در راه این دین و ملت، مطالبی شنیدم، از خبر وفات آن مرحوم سخت متأسف شدم. و اکنون خالص ترین تسلیت های خود را به حضور جنابعالی و به همه برادران شیعه امامیه اعلام می دارم و از خدای بزرگ می خواهم که آن فقید محترم را غریق رحمت نماید و به ما و شما در این مصیبت، اجر و ثواب صابرين عطا فرماید.

□  
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

جمادی الثانی ۱۳۷۱

عبدالمجید سلیم، الجامع الازهر - قاهره (۱)

ص: ۳۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سلام علیکم ورحمه الله

اما بعد: قبل از همه چیز، از سلامت گرانبهای آن برادر ارجمند، جويا بوده و دعا می کنم که آن بزرگوار، همیشه مصدر و منبع برکات برای مسلمین و وحدت کلمه آنان باشد.

خداوند عمر شما را طولانی کند و پیروزی و موفقیت را نصیب شما گرداند.

فرستی را که با مسافرت برادر علامه و مکرم من، استاد قمی، ایده الله فی جهاد المشکور، پیش آمد، مغتنم می شمارم تا نامه ای به ساحت آن جناب نوشته و از کوشش های شما تقدیر کنم. از خدای بزرگ و توانا خواستارم که آنچه را که برای خیر و اصلاح مسلمین آرزو می کنید، تحقق بخشد و شما را در کوشش ها و زحمات اصلاح طلبانه، در راه جمع کلمه مسلمین و ایجاد الفت و محبت بین قلوب آنان، بیش از پیش، موفق گرداند. من به شما مژده می دهم که گامها و قدم های ما در راه تقرب، گامها و قدمهایی که یقین دارم شما با تمام قوا آن را تأیید می فرمایید و به آن بزرگ ترین توجه و اهتمام و عنایت را مبذول می دارید، به خواست و لطف خداوند و در سایهٔ دعای خیر شما، که بدرقهٔ راه ماست، در راه پیشرفت موفقیت آمیزی پیش می رود.

گروه برگزیده ای از رجال الازهر و برادرانی که در تقرب، صمیمانه جهاد کرده اند، از روی ایمان و یقین، ما را کمک و یاری می کنند و به آنچه که برای دین و رسالت ارجدار جهانی و انسانی، که بدان گردن نهاده اند، بر آنان واجب شده، قیام و اقدام نمایند.

من امیدوارم که برادر عزیز، جناب استاد قمی، به زودی پیش ما برگردد تا ان شاء الله از اخبار مسرت بخش شما، خوشوقت شویم و از نظریات عالی و محکم شما، در برآورده شدن آرزوها و آرمان های مشترک خود مطلع گردیم. من بسیاری از مسائل را برای ایشان توضیح دادم، تا به تفصیل خدمت شما عرض کند.

والله المسئول ان یجمع بیننا فی رضاه - وان یدیم ربط قلوبنا للعمل فی سبيله، انه سمیع الدعاء، لطیف لما یشاء.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

۲۴ / ذی القعدة / ۱۳۷۹

شیخ الجامع الازهر - محمود شلتوت (۱)

۱- (۱) . طلایه داران تقریب (۱)، ص ۷۲ - ۷۴.

همان گونه که از متن نامه‌ها استفاده می‌شود، رهبران مذهبی اهل سنت، مخصوصاً رؤسای دانشگاه الازهر، نسبت به شخص حضرت آیت الله بروجردی، عزت و عظمت و اقتدار ویژه قائل بودند و همواره به ایشان، به دیده احترام می‌نگریستند. از مرحوم شیخ محمد تقی قمی، نقل است که:

«... وقتی نامه آقای بروجردی را برای شیخ مجید سلیم، رئیس اسبق جامعه الازهر می‌بردم بلند می‌شد و نامه آقای بروجردی را می‌گرفت و می‌بوسید و رئیس دیگر جامع الازهر هم در موقع قرائت نامه آیت الله بروجردی، به احترام ایشان می‌ایستاد و با احترام نامه را دریافت می‌کرد. (۱)»

ص: ۳۵۷

---

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۱)، ص ۷۴، از کتاب چشم و چراغ مرجعیت، ص ۱۳۵، به نقل از آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی..

متوفای: ۱۳۴۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید ابوالقاسم، نام پدر: حاج سید مصطفی، ولادت: ۱۲۶۴ش، محل تولد: ایران، تهران.

تحصیلات: او در ۱۶ سالگی به همراه پدر بزرگوارش عازم نجف اشرف گردید و در آنجا علاوه بر استفاده از حلقه درس پدر و دیگر اساتید، دوره سطح را به پایان رسانید. سید ابوالقاسم مدتی در دروس خارج فقه و اصول علما و اندیشمندان دیار علم و معرفت، شرکت نمود. وی در ۲۵ سالگی درجه اجتهاد را دریافت نمود، و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی، تقلید از وی را تأیید نمود. ۱.

اساتید، حضرات آیات: حاج سید مصطفی کاشانی (پدر)، میرزا محمد تقی شیرازی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقی و... ۲.

سرانجام: روحانی مجاهد پس از سالها تلاش و مبارزه با دلی پر خون از شکست نهضت و برقراری دوباره حکومت فساد در ۲۳ اسفند ماه سال ۱۳۴۰، چشم از جهان فرو بست و پیکرش در میان انبوه مشتاقان تا حرم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام تشییع گردید.

مرقد: ایران، شهر ری، بین مزار حضرت عبد العظیم و امام زاده حمزه علیهما السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۷۳، به نقل از نگاهی به تاریخ انقلاب ۱۹۲۰ عراق، محمد صادقی، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۶۷۲ - ۶۷۳.

ص: ۳۵۸



- آیت الله کاشانی هیچ گاه از مسائل جهان اسلام غافل نبود، از این رو همواره در هر مناسبتی به حمایت از مسلمانان جهان می پرداخت. اما استعمارگران که از اندیشه های او پیرامون اتحاد جهان اسلام وحشت داشتند تصمیم به ترور و از بین بردن ایشان گرفتند.

تلاش ها

- اعزام نمایندگان به کنفرانس ها و همایش های وحدت مسلمانان.

- ارسال نامه به تمام کشورهای اسلامی در سال ۱۳۳۱ش و تقاضای فرستادن نمایندگان جهت شرکت در کنگره اسلامی و تبادل نظر درباره اتحاد جهان اسلام. (۱)- حمایت از شهدای مبارز و استقلال طلب مصر و برپایی مراسم گرامی داشت آنها در مسجد اراک تهران. (۲)- دعوت از مردم برای راهپیمایی و تظاهرات بر ضد رژیم اسرائیل در سی ام اردیبهشت ۱۳۲۷: مرحوم آیت الله کاشانی در اجتماع پر شور تظاهر کنندگان سخنرانی نمود و وضع نابسامان مسلمانان را نتیجه دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتحاد و دوری از احکام اسلام معرفی نمود. (۳)- صدور اعلامیه ای خطاب به مسلمانان جهان مبنی بر به رسمیت نشناختن اسرائیل در سال ۱۳۲۶ش (سال تأسیس رژیم منحوس و صهیونیستی اسرائیل). (۴)

ص: ۳۵۹

- 
- ۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۷۷، به نقل از ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، ص ۷۰ - ۷۳..
- ۲- (۲). مربوط به درگیری مسلمانان مصری در بحران کانال سوئز که آیت الله کاشانی ضمن نامه ای به رئیس جمهور مصر (جمال عبد الناصر)، حرکت آنان را مورد حمایت قرار داد..
- ۳- (۳). همان، ص ۶۷۷، به نقل از ایران اسلامی در برابر صهیونیسم، سید جلال الدین مدنی، ص ۲۰ - ۲۳..
- ۴- (۴). همان، ص ۶۷۷..

متوفای: ۱۳۸۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمود، نام پدر: شیخ محمد، ولادت: ۵ شوال ۱۳۱۰ق، محل تولد: مصر، استان بحیره، ۱ روستای منشاہ بنی منصور از توابع بخش ایتای البارود.

تحصیلات: او پس از خواندن دروس ادبیات و حفظ کل قرآن کریم، در سال ۱۳۲۸ق به دانشکده اسکندریه رفت. ۲ در سال ۱۳۴۰ق به عنوان دانشجوی نمونه دانشکده معرفی شد و پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۳۴۱ق به عنوان استاد در همان دانشکده مشغول تدریس گشت. در ۱۳۶۰ق برای تدریس به دانشگاه الازهر دعوت گردید. شیخ محمود پس از ۱۹ سال به قائم مقامی الازهر درآمد و نهایتاً در سال ۱۳۸۳ق به عنوان رئیس دانشگاه از طرف دولت مصر انتخاب شد.

اساتید: استاد شیخ الجیزاوی، شیخ عبد المجید سلیم. ۳ شیخ مصطفی مراغی.

شاگردان: عباس محمود عقاد، شیخ علی عبد الرزاق.

آثار قلمی: تفسیر القرآن الکریم، مقارنه المذاهب فی الفقه، من توجیہات الاسلام، الفتاوی، من هدی القرآن، الاسلام عقیده والشریعه، الی القرآن الکریم، یسألونک، منهج القرآن فی بناء المجتمع، القرآن والمرأه، تنظیم العلاقات الدولیه الاسلام، الاسلام والوجود الدولی للمسلمین، تنظیم النسل، فقه القرآن والسنة. ۴

سرانجام: این شخصیت بزرگ اسلام در تاریخ ۲۷ رجب المرجب ۱۳۸۳ق پس از ۷۳ سال تلاش در راه وحدت و تقریب امت مسلمان، به دیار باقی شتافت.

۱. ایالت بحیره از ایالات مهم کشور مصر با ۱۰۱۳۰ کیلومتر مربع وسعت و با جمعیت ۴ میلیون نفر، در قسمت غربی دلتای نیل واقع شده است.

۲. این دانشکده از قدیمی ترین دانشگاههای شهر اسکندریه به شمار می رود که زیر نظر دانشگاه الازهر مشغول فعالیت می باشد.

۳. شرح حال وی در ص ۳۳۴ همین کتاب گذشت.

۴. طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۱۰۷ - ۱۱۲.

□  
- شیخ شلتوت کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را وجه اشتراک همه مذاهب می دانست.

- وی معتقد بود: برادری دینی بین قلوب مسلمین پیوندی برقرار می سازد که خانواده های واحد می شوند.

- ایشان با اتکاء به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱) می گفت:

«خداوند از مطلق تفرقه در قرآن نهی کرده است که شامل تفرقه به سبب تعصب نیز می شود.

حدیثی صحیح می گوید: «لا عصیة فی الاسلام»: در دین اسلام تعصب وجود ندارد». (۲) - مهمترین هدف اساسی وی، دوری و مبارزه با تعصبات فرقه ای و مذهبی بود.

- او می گفت: علی رغم تعدد و اختلاف مذاهب در بسیاری از احکام و وجود آرای متعدد، همگان در نقطه ای مشترک و سخنی واحد، گرد می آیند که ایمان به مصادر اصلی و تقدیس کتاب الله و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. (۳) - در نگاه او کسی که به فقه اشتغال دارد سزاوار نیست که تنها به یک مذهب بسنده کند، بلکه باید در هر مسئله ای به آنچه نزدیک تر به دلالت کتاب و سنت استوار است معتقد باشد. (۴) - عوامل وحدت را از دیدگاه شلتوت مرور می نمائیم:

۱. ترک تعصب؛

۲. تلاش علمای دین در جهت وحدت اسلامی: در این رابطه شیخ چنین می گوید: «اینک من بار دیگر به نام خدا و به نام کتاب خدا و به نام وحدت اسلامی و به نام چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، علمای شیعه و سنی را به تقریب و همبستگی دعوت می کنم. مسلماً گرامی ترین آنان نزد خدا کسی است که زودتر به این هدف مقدس سبقت گیرد و رخنه هایی

ص: ۳۶۱

۱- (۱). سورة آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲). روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۹؛ مع رجال الفکر، ج ۲، ص ۲۹..

۳- (۳). طلایه داران تقریب (۲)، ص ۵۳..

۴- (۴). همان، ص ۹۸، به نقل از ماهنامه اخبار تقریب، ش ۴۳ - ۴۴، ص ۴۵..

که در گذشته میان مسلمین پیدا شده ببندد و مجد و شعار ما که عبارت از وحدت اسلامی است به ما بازگرداند». (۱) - و اما موانع وحدت از نظر شیخ بدین قرارند:

۱. تعصبات مذهبی: اختلافاتی که منجر به تعصبات مذهبی و جمود فکری می شود، رشته پیوند مسلمانان را قطع و دشمنی و کینه را در دلها می باوراند. (۲) ۲. سوء استفاده دشمن: خداوند متعال از امت اسلامی خواسته است که وحدت کلمه داشته باشند که (در غیر این صورت) کشورهای استعمارگر از تفرقه مسلمانان بهترین بهره برداری را به نفع خود می کنند. (۳) ۳. توطئه استعمار در راه وحدت: استعمار هیچ گاه راضی نمی شود امت اسلام به طور یکپارچه درآید، زیرا می داند که در آن صورت، امت واحد در مقابل مطامع آن ها خواهند ایستاد. در این باره مرحوم میرزا خلیل کمره ای خاطره ای از شلتوت نقل می کند که هر مسلمانی به عمق توطئه های استعماری پی می برد؛ وی می نویسد:

اینجانب در سفر به مصر، دو نوبت با شیخ شلتوت دیدار داشتم و در این دیدار، ایشان رازی را برای ما فاش نمود، ایشان فرمود: «من از دیر زمان، حدود سی سال قبل در صدد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتابهای فقهی امامیه را خواستم، ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتابها نمی رسید و سانسور می شد اما بعد از فتح کانال، کتب شما آمد و من مطالعه کردم، حجت بر من تمام شد و آن فتوا (۴) را دادم، بدون اینکه تحت تأثیر هیچ مقامی یا سخنی بروم». (۵)

ص: ۳۶۲

- 
- ۱- (۱). طلایه داران تقریب (۲)، ص ۵۳ - ۵۵، به نقل از شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقریب، ص ۱۸۳..
  - ۲- (۲). همان، ص ۵۵ - ۵۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۱۰..
  - ۳- (۳). همان، ص ۵۶، به نقل از اخبار تقریب، ش ۴۹ - ۵۰، ص ۴۱..
  - ۴- (۴). منظور فتوای تاریخی وی پیرامون جواز پیروی از آئین تشیع است. متن کامل این فتوا در صفحات آینده خواهد آمد..
  - ۵- (۵). همان، ص ۵۷، از کتاب شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب، ص ۱۹۵؛ به نقل از رابطه عالم اسلام، ناصر الدین کمره ای، ص ۷..

۴. نویسندگان ناآگاه: یکی از گروههایی که نقش کلیدی در راه وحدت اسلامی دارند، نویسندگان هستند. محققان و نویسندگان در هر کشوری می توانند مردم را به سوی وحدت فرا خوانند.

تلاش ها

- صدور فتوای تاریخی، مبنی بر جواز پیروی از مذاهب ریشه دار و اصیل اسلامی، که شیعه دوازده امامی هم جزء آنهاست. (۱)- تدریس فقه شیعه در کنار مذاهب اهل سنت به هنگام ریاست در دانشگاه الازهر.

- برگزاری مراسم روز عاشورا در صحن دانشگاه الازهر.

- تأسیس آکادمی تحقیقات اسلامی: در این مؤسسه نمایندگان تمام مذاهب اسلامی گرد هم می آیند و درباره موضوعات مختلف اسلامی به بحث و بررسی می پردازند.

- پیشنهاد پاکسازی و زدودن خرافات و بدعتها از کتب دینی، به کمیته فتوای الازهر.

- ارائه پیشنهاد نگارش کتابی علمی در پاسخ به اسرائیلیاتی که در کتب تفسیری متداول بین مسلمانان موجود است - و مردم آن ها را معانی و تفسیر قرآن کریم می پندارند در حالی که بر صحیح بودن آن ها نه حدیثی وجود دارد و نه عقل آن را می پذیرد - به کمیته فتوای الازهر.

ص: ۳۶۳

۱- (۱). به جهت اهمیت تاریخی این فتوای مهم شیخ، در این قسمت ماجرای مختصری را که سبب شد شیخ شلتوت این فتواری صادر نماید بیان می نمایم: هنگامی که شیخ عبدالمجید سلیم ریاست دانشگاه الازهر را بر عهده داشت، تصمیم گرفت تا فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مذهب اهل بیت علیهم السلام صادر کند، هنگامی که خواست این کار را انجام دهد، از طرف عناصر استکبار و استعمار، کتابی توهین آمیز نسبت به مقدسات اهل سنت منتشر و در بین اعضای دارالتقرب پخش شد. این کتاب که به یکی از علمای شیعه نسبت داده شده بود بدون تاریخ و بدون ذکر محل و نام چاپخانه در اختیار اعضاء قرار گرفت و موجی از ناراحتی و بدبینی نسبت به مذهب شیعه را در پی داشت. بدون تردید دست استعمار در پس این پرده، در جریان بود. عبدالمجید سلیم (استاد شیخ شلتوت) که با این توطئه از پیش طراحی شده روبرو شد و نیز با توجه به آن وضعیت بحرانی و کینه و دشمنی که نسبت به شیعه پدید آمده بود، نتوانست این فتوا را صادر کند. لذا منصرف شد و منتظر فرصتی دیگر بود، ولی دست اجل، فرصت را از عبدالمجید گرفت و سالها بعد شاگردش، شیخ محمود شلتوت این فتوا را صادر کرد و نام خود را در جهان اسلام پرآوازه نمود. متن کامل این فتوا در صفحه ۳۶۵ خواهد آمد..

- اهتمام و کوشش او در راه آزادی سرزمین قدس.

- مقابله با کسانی که به هر نحو و صورتی از رژیم اسرائیل حمایت می کردند.

- رابطه صمیمی وی با علمای شیعه: از لحن نامه های وی می توان این صمیمیت و صفا را درک نمود. (۱)- ارتباط مستمر وی با علمای شیعه از جمله حضرات آیات عظام: بروجردی، کاشف الغطاء، شرف الدین و سید محسن حکیم و مشورت با آنان در امور مهمی که بر مسلمانان جهان می گذشت.

- پیشنهاد شریک نمودن تشیع و تسنن در دارالتقريب مذاهب اسلامی و استفاده از واژه مذاهب اسلام به جای تعبیری چون فرقه، طایفه و... .

- ۱۷ سال عضویت در دارالتقريب و تلاش خستگی ناپذیر در جهت تقريب شیعه و سنی. (۲)- خواندن نماز یومیه پشت سر علامه کاشف الغطاء: شیخ محمود شلتوت در سفری که به قدس شریف، برای شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین داشت، به همراه دیگر علما نماز جماعت را به امامت آیت الله کاشف الغطاء خواند. وی این صحنه زیبا را که سنی و شیعه در صفی واحد ایستاده اند، اینگونه توصیف کرد:

«چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجد الاقصی جمع شدند و با یکی از مجتهدین شیعه امامی، استاد با فضیلت، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند، بی آنکه فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می نامد و یا کسی که خود را شیعه می خواند و همگی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند که پروردگار واحدی را می خوانند و به سوی یک قبله روی دارند.» (۳)

ص: ۳۶۴



۱- (۱) . برای نمونه به ص ۳۵۶ (نامه وی به آیت الله بروجردی) مراجعه نمایید..

۲- (۲) . طلایه داران تقرب (۲)، ص ۶۱، به نقل از علامه محمد تقی قمی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۹..

۳- (۳) . همان، ص ۷۷، به نقل از شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقرب، ص ۴۱..

- حکم به برتری برخی از آراء شیعه بر بعضی از آراء عالمان اهل سنت؛ او در این زمینه می گوید: «هر پژوهشگر حقیقت خوان و منصف در بسیاری از اوقات، قوت دلیل مذهب شیعه را در می یابد» (۱). - موضع گیری در مقابل وهابیت نسبت به حکم مشرک بودن کسانی که دور ضریح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام طواف کرده و آن را می بوسند.

- احترام و تجلیل شیخ شلتوت از ملت ایران: او در این رابطه می گوید: «به علماء بزرگ ایران که برادران دینی من هستند و سایر افراد ملت ایران درود می فرستم. لازم است بگویم که ملت ایران در تاریخ درخشان اسلام و در خدمت علمی و فرهنگی، قدمی استوار و سابقه ای درخشان دارند. چه بسیاری از مؤلفین اسلامی در فقه و عقاید و حتی در علوم ادبی زبان عرب، ایرانی بوده اند. ابو حنیفه از بزرگترین پیشوایان مذاهب اهل سنت، ایرانی بود و همچنین عبدالقاهر جرجانی که مؤسس علم بلاغت است و سیبویه پیشوای نحو و فخر الدین رازی و زمخشری که از بزرگان علوم تفسیر و ادب به شمار می آیند، ایرانی بوده اند و اکنون عالم تسنن به آنها افتخار می کند. (۲) - تأسیس فقه مقارن: یکی از اقدامات مهم شیخ، تأسیس فقه مقارن در دانشگاه الازهر بود. او که به هیچ عنوان تعصب مذهبی نداشت، حرف حق را از هر مذهبی که بود قبول می کرد. وی درباره تأسیس کرسی فقه مقارن می گوید: ... و این هم دانشگاه الازهر که براساس تقریب بین مذاهب اسلامی تسلیم گشت و مقرر داشت که فقه شیعه و سنی هر دو براساس دلیل و برهان بدون هیچگونه تعصبی تدریس شود. (۳)

#### متن حکم مهم و تاریخی مفتی دانشگاه الازهر مصر، شیخ محمود شلتوت

در روز با برکت ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۷۸ق، همزمان با میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امام صادق علیه السلام رئیس فقه جعفری، با حضور نمایندگان از مذاهب شیعه امامی،

ص: ۳۶۵

۱- (۱). همان، ص ۱۰۰، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۹..

۲- (۲). طلایه داران تقریب (۲)، ص ۱۰۱، به نقل از همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۵۵..

۳- (۳). همان، ص ۸۶..

زیدی، حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی، شیخ محمود شلتوت، فتوایی مبنی بر جواز پیروی از مکتب تشیع را صادر نمود. متن فتوا به این صورت است:

«آئین اسلام، هیچ یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتبی معین ننموده، بلکه هر مسلمان می تواند از هر مکتبی که به طور صحیح نقل شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدوّن گشته پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از این مکتبهای چهارگانه (شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی) باشد می تواند به مکتب دیگری منتقل شود.

مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتبهای اهل سنت جایز می باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند دوری گزینند، زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی خاص نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود. بلکه همه صاحبان مذاهب، مجتهد بوده و اجتهاد شان مورد قبول درگاه باری تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می توانند از هر مکتبی که مورد نظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست». (۱) در نگاه دیگران

- شیخ محمد فحام، شیخ الازهر (۲): هیچ تردیدی ندارم که این شخصیت بزرگ، با فتوای آشکار خود (مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه) براساس اعتقاد من فتوا داده است.

ص: ۳۶۶

۱- (۱). سرانجام در مراسمی با حضور علما و بزرگان مشهد مقدّس از جمله حضرات آیات: میلانی، میرزا احمد کفایی و واعظ زاده خراسانی، فتوای تاریخی شیخ شلتوت که با خط وی بود توسط علامه شیخ محمد تقی قمی، به آستان قدس رضوی علیه السلام تقدیم شد. در حال حاضر این سند مهم تاریخی در کتابخانه آستان قدس نگهداری می شود. (طلایه داران تقریب (۲)، ص ۸۴).

۲- (۲). وی در راه وحدت مذاهب اسلامی تلاش های زیادی کرده و در طول سفرهایش به کشورهای ایران، هند، پاکستان، الجزایر، ژاپن، و سایر کشورهای اسلامی، با علمای شیعه دیدار داشته است. دکتر محمد فحام درباره وحدت اسلامی می گوید: بین شیعه و سنی سخن بسیار است و آن چه در اسلام معتبر است و مرز مسلمانان از غیر مسلمانان محسوب می شود، شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتقاد به روز رستاخیز است. اسلام عصیّت و تعصب نمی شناسد و هیچ فضیلتی برای عرب نسبت به عجم، جز تقوا نیست. (روزنامه رسالت، ۱۸ شهریور ماه ۱۳۷۱).

- شیخ محمد غزالی: من معتقدم که فتوای استاد بزرگ شیخ محمود شلتوت، گام وسیعی در میدان وحدت اسلامی است که مایه امیدواری تمام زمامداران و علمای با اخلاص و تکذیب آنچه است، که مستشرقین انتظارش را دارند. مستشرقینی که انتظار می کشند کینه و نفاق، این امت را قبل از رسیدن به اتحاد و همبستگی از میان بردارد. این فتوا به نظر من نخستین گام برای یکپارچگی و جمع کردن مسلمانان تحت عنوان اسلام است که خداوند آن را کامل گردانیده و آن را به عنوان بهترین دین برای ما برگزیده است. (۱)

ص: ۳۶۷

---

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۲)، ص ۱۰۵، به نقل از شیخ محمود شلتوت، طلایه دار تقریب، ص ۲۱۳..

متوفای: ۱۳۴۲ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: شیخ محمد مهدی، ولادت:

۱۳۰۸ق ۱، محل تولد: عراق، کاظمین.

تحصیلات: او دروس فقه، اصول، ادبیات عرب و دیگر علوم دینی را نزد پدر خود و دیگر آیات عظام تلمذ نمود و علوم جدید و زبانهای انگلیسی و فرانسه را نزد استادان خصوصی فرا گرفت. شیخ محمد به سبب هوش و ذکاوت ویژه، در عنفوان جوانی به درجه اجتهاد نائل آمد.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمد مهدی خالصی (پدر)، شیخ مهدی مریاتی، شیخ صادق خالصی، شیخ راضی خالصی، شیخ محمد حسین کاظمی، آخوند محمد کاظم خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی. ۲.

آثار قلمی: الاسلام سبیل السعاده والسلام، احیاء الشریعه فی مذهب الشیعه، معراج خیر الأنام، المعارف المحمدیه صلی الله علیه و آله و سلم، وحدت اسلامی، حقیقت حجاب در اسلام، مواعظ اسلامی و... .

سرانجام: ایشان پس از عمری نزدیک به ۷۵ سال تحصیل، تدریس، تعلیم و مبارزه، در شب جمعه ۱۹ رجب سال ۱۳۸۳ق (۱۳۴۲ش)، روح پر فتوحش در بیمارستان الرازی بغداد به سوی پروردگار خویش، عروج کرد.

مقبره: عراق، کاظمین، حجره ای در صحن مطهر امامین کاظمین علیهما السلام .

۱. علمای مجاهد، ص ۱۸۷.

۲. همان.

ص: ۳۶۸

- آیت الله خالصی زاده معتقد بود دعوت اسلامی باید جهانی و فراگیر باشد.

□

- شیخ محمد رضا شمس الدین (عالم لبنانی) درباره شخصیت فکری و سیاسی آیت الله خالصی زاده چنین می گوید:

«من نمی خواهم این مطلب را ثابت کنم که خالصی از جمله مراجع تقلید است و اینکه او شایسته مقام خطیر فتوا دادن به شکلی که نزد شیعه امامیه جریان دارد، می باشد.

اگر از من درباره این نظر سؤال کنند و پرسند چرا؟ می گویم: نمی دانم. منتهی من وی را از جمله علمای مصلح می دانم نه مراجع تقلید. او مانند کاشانی و بهبهانی در ایران، زنجانی در نجف و شرف الدین در لبنان است. البته این امر هیچگونه منقصه ای و یا مذمتی بر او و آنان نیست». (۱) تلاش ها

□

- تلاش برای ایجاد وحدت اسلامی در دیدار و گفتگو با علمای طراز اول اهل سنت شهرهای عراق. (۲) - آیت الله خالصی آنچنان پیگیر و مؤثر بود که در عراق از او به عنوان سمبل وحدت اسلامی یاد شده است.

- کوشش در راه برگزاری کنگره جهانی اسلامی در تهران و دعوت از علماء و نمایندگان ممالک اسلامی برای حضور در این کنگره و بررسی اوضاع بحرانی جهان اسلام. (۳) - اقدام به تفهیم و تحکیم وحدت اسلامی در عراق و دیگر کشورهای اسلامی.

- مسافرت به شهرهای سنی نشین عراق جهت ملاقات و گفتگو با علمای اهل سنت.

ص: ۳۶۹

۱- (۱). میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۶۰ - ۶۱..

۲- (۲). علمای مجاهد، ص ۱۹۰..

۳- (۳). میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۷۱، به نقل از نمایندگان ملت، ابراهیم صفایی، ص ۲۳..

- سفر به کشورهای حجاز (مکه و مدینه)، لبنان، فلسطین و مصر با هدف دیدار با علمای اهل تسنن آن دیار و مبادله آراء.

- ملاقات و مذاکره با شیوخ الازهر مصر، عبدالمجید سلیم، محمود شلتوت و خضر الحسین و نیز ارائه پیشنهاد نکات مهمی پیرامون وحدت اسلامی و اصلاح برنامه های درسی الازهر و ...

ص: ۳۷۰

متوفای: ۱۳۴۵ ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام زین العابدین علیه السلام

نام: سید محمد علی، نام پدر: سید حسین، ولادت:

۲۴ رجب ۱۳۰۱ق، محل تولد: عراق، سامرا.

تحصیلات: وی پس از دوران نونهالی، از ده سالگی تا مدت کمی دروس صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، حدیث، درایه، رجال، فقه و اصول سطح متوسط و نیز تاریخ، هیئت، حساب و هندسه را در کربلا به پایان رسانید. ۱ او پس از فوت پدر در ۱۳۲۰ق جهت ادامه تحصیل رهسپار نجف اشرف گردید. ۲. هبه الدین در حریم پاک امیر مؤمنان علی علیه السلام از فقیهان نامور شیعه فیض برد ۳ و در شمار مجتهدان شیعه جای گرفت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمد کاظم خراسانی، سید کاظم یزدی، شیخ الشریعه اصفهانی.

آثار قلمی: المحيط فی تفسیر القرآن، الهیئه والاسلام، الشریعه والطبیعه، الدلائل والمسائل، التوت والملکوت، نور الناظر فی علم الرأیا والمناظر و... ۴.

سرانجام: در شب دوشنبه ۲۶ شوال ۱۳۸۶ق، ۵ ریشه های یکی از کهن ترین درختان حوزه های علمیه، از خاکهای مادیت بیرون آمده و به جهان ناپیدای جاودانگی رفت.

مقبره: عراق، کاظمین. ۶.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۸۸، به نقل از اسلام و هیئت، ص ۵۵.

۲. همان، به نقل از هبه الدین شهرستانی، سید محمد مهدی علوی، ص ۷ - ۸.

۳. همان، به نقل از اسلام و هیئت، ص ۵۵.

۴. همان، ص ۶۹۶.

۵. نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۴۱۶ - ۱۴۱۷.

۶. همان.

ص: ۳۷۱

- وی از دوران جوانی به عنوان عالمی روشن، خردمند، کوشنده، با همت و آگاه به اندیشه های جدید و اصلاح طلب معروف بود.

- او می گفت: جهاد بر همه مسلمانان جهان واجب عینی است. حتی کسانی که زیر سلطه بریتانیا، فرانسه و روسیه به سر می برند باید برای مقاومت در برابر این سه دشمن اسلام متحد شده، با آنها به نبرد برخیزند. (۱) تلاش ها

- ارتباط و گفتگو با علما و متفکران معروف اهل سنت از جمله با شیخ محمد عبده (مفتی مصر)، سید محمد رشید رضا (صاحب مجله المنار) و نیز ناشران و نویسندگان مجلات المقتطف و الهلال که ثمره آن برقراری پیوندی مستحکم میان پایگاه علمی جهان تشیع و مراکز فرهنگی مصر و سوریه شد و در نتیجه آن مقالات، اشعار و گزارشهایش در مجلات جهان عرب انتشار یافت. (۲) - آیت الله شهرستانی بیش از هر چیزی به بیداری و وحدت مسلمانان می اندیشید.

- پیوند میان مراکز فرهنگی شیعه و سنی در عراق.

□  
- دیدار با علمای اهل سنت در اعظمیه عراق: در محرم الحرام ۱۳۳۴ق، آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی، همراه سید هبه الدین و عده ای دیگر، به دیدار دانشمندان اهل سنت در اعظمیه عراق شتافتند و در محفلی سراسر یگانگی، روشنی و دوستی، شرکت نمودند.

□  
آیت الله هبه الدین شهرستانی که نمی توانست بدین مقدار در وحدت شیعه و سنی، بسنده کند در راستای نزدیکی بیشتر نیروهای فرهنگی مسلمان، دو روز بعد در یک شنبه ۲۷ محرم، از دفتر نشریه «صدی الاسلام» بازدید کرد و تلاش دست اندرکاران آن نشریه را ستود. (۳)

ص: ۳۷۲

۱- (۱). علمای مجاهد، ص ۲۷۰..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۹۰، به نقل از لمعات الاجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، علی الوردی، ج ۴، ص ۲۳۶ - ۲۴۲..

متوفای: ۱۳۴۵ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید قطب، نام پدر: حاج ابراهیم قطب، ولادت: ۱۲۸۵ش، محل تولد: مصر، استان اسیوط، روستای موشه. ۱.

تحصیلات: وی پس از دوران کودکی در ۱۲۹۱ش به مدرسه رفت، ده سال داشت که کل قرآن کریم را حفظ نمود. او هشت سال بعد به قاهره سفر نمود و ۱۶ ساله بود که وارد دانشسرای عبدالعزیز قاهره گردید. سید قطب در سال ۱۳۰۴ش به مدرسه دارالعلوم راه پیدا کرد و در ۲۳ سالگی موفق به اخذ دیپلم گردید. وی پس از تلاش فراوان توانست در سال ۱۳۱۲ش مدرک لیسانس را اخذ نماید.

اساتید: محمد مهدی علام، ابو الاعلی مودودی ۲، عباس محمود عقاد.

آثار قلمی: الشاطيء المجهول، التصوير الفنى فى القرآن، الاطیاف الاربعه، طفل من القرية، المدینه المسحوره، و...

سرانجام: سید قطب در تاریخ ۷ خرداد ماه ۱۳۴۵ش هنگام طلوع خورشید، به همراه دوستانش محمّد یوسف هواش و عبد الفتاح اسماعیل بسوی جوخه اعدام هدایت شدند.

۱. روستای موشه (یا موشا) از نظر جغرافیایی در یکی از سرزمینهای مرتفع مصر و در کنار رود خروشان نیل واقع شده است. این روستا از توابع اسیوط مصر است که به روستای عبد الفتاح نیز معروف است.

۲. شرح حال، اندیشه ها و تلاشهای وی در ص ۴۲۰ همین کتاب خواهد آمد.

- سید قطب، آفت جوامع اسلام را ملی گرایی می دانست و معتقد بود تا وحدت میان مسلمانان جهان حاصل نشود امپریالیسم غرب، بر منابع مالی مسلمانان چنگ اندازی خواهد کرد. علت مخالفت سید قطب با ملی گرایی این بود که ملی گرایی در مقابل وحدت مسلمانان قرار گرفته است.

- وی معتقد بود هر جا مسلمانی هست آن جا قلمرو اسلام است و اگر کشوری اجنبی به یکی از کشورهای اسلامی حمله کند به اسلام حمله کرده است.

- او می گفت: اسلام بیش از دو نوع جامعه نمی شناسد «جاهلی»؛ «اسلامی»؛ جامعه اسلامی مجموعه ای است که در تمامی ابعاد، عقیده و عبادت، شریعت و احکام، سلوک و اخلاق، اسلام در آن تحقق یافته است و جامعه جاهلی مجموعه ای است که نه به اسلام عمل می کند نه اعتقادش از اسلام است و نه ارزشها و ضوابطش و نه نظام و قوانینش و نه سلوک و اخلاقش. (۱) تلاش ها

□

- در جریان ملی شدن صنعت نفت، سید قطب نامه ای به آیت الله کاشانی نوشت و از نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران حمایت کرد. به اعتقاد او نهضت ملی شدن صنعت نفت، ملی نیست بلکه نهضتی اسلامی به رهبری یک روحانی است. همچنین سید در این نامه مسلمانان را به وحدت و دوری از تفرقه دعوت نمود. (۲) بخشی از این نامه چنین است:

«... کسانی که امروزه خواستار تشکل و وحدت جهان اسلام در یک جبهه و تحکیم این جبهه هستند، تنها به روحانیون و اخوان المسلمین و افرادی که تفکر و اندیشه اسلامی را باور دارند خلاصه نمی شود... استعمار غربی می داند که اگر

ص: ۳۷۴

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۶)، شهید سید قطب آیت جهاد، ص ۶۸..

۲- (۲). همان، ص ۸۲ - ۸۳..

میهن اسلامی یکپارچه شود، چه موقعیت استوار نظامی، سیاسی و اقتصادی نیرومندی خواهد داشت... به همین دلیل کمونیزم همانند کاپیتالیسم در اندیشه ستیز با اتحاد اسلام و ایجاد حکومت اسلامی است... اما در میان تمام این دشمنی ها و تجاوزها، فریاد مشترک از گوشه و کنار جهان اسلام برخاسته است که خواستار اتحاد مسلمانان و ایجاد حکومت واحد اسلامی است...

این بیداری است... هدایت است... نور است... وجدان تمام امت است که بیدار می شود و راه می گشاید و نور می افشاند».

[\(۱\)](#)

ص: ۳۷۵

---

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۶)، ص ۹۲ - ۹۳، به نقل از تاریخ فرهنگ معاصر، شماره ۱۳۷۱/۶، ویژه نامه آیت الله کاشانی به نقل از الرساله، ش ۹۵۱، ۲۴ ذی الحجه ۱۳۷۰ ق..

متوفای: ۱۳۸۸ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبدالکریم، نام پدر: محمد رضا، ولادت:

۱۳۰۴ق، محل تولد: ایران، زنجان، آبادی باروت. ۲

تحصیلات: او مراحل ابتدایی درسش را گذراند و سپس عازم تهران گردید تا سطوح بالاتر را فرا گیرد. در ۱۳۲۶ق عازم نجف شد و در آن جا از محضر حضرات آیات استفاده ها برد. از آن جایی که شیخ عبدالکریم از هوش و استعداد بالایی برخوردار بود، خیلی زود به درجه اجتهاد نائل آمد و در رشته فلسفه و کلام چنان پیشرفت کرد که او را فیلسوف شرق لقب داده اند. در ۳۷ سالگی نامش به عنوان یکی از مراجع دینی شیعه بر سر زبان ها افتاد و در همین سال بود که رساله عملیه او به زیور طبع آراسته گشت<sup>۳</sup>.

اساتید، حضرات آیات: سید محمد کاظم طباطبایی و سید محمد فیروزآبادی، آخوند خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی.

شاگردان: آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خویی و... □

آثار قلمی: الاعداد الروحی للجهاد الاسلامی فی فلسطین<sup>۴</sup>، الکندی<sup>۵</sup>، الوحده الاسلامیه والتقريب بين المذاهب المسلمین<sup>۶</sup>، مسائل شرعیه و... □

سرانجام: مصلح بزرگ، آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی ۸۴ ساله بود که پس از سالها تلاش، خدمت و دلسوزی در راه وحدت امت اسلامی، در سال ۱۳۸۸ق و در اثر کهولت سن و ضعف جسمانی، دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت. مرقد: عراق، نجف اشرف، جوار بارگاه منور امیر المؤمنین علی علیه السلام.

۱. کلیه مطالب مربوط به ایشان از پایگاه اطلاع رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی در آبان ماه ۱۳۸۶ اقتباس گردیده است.

۲. در برخی منابع، تولد و وفات او را در نجف اشرف نوشته اند (زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۴، ص ۵۶).

۳. الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، محمد سعید آل ثابت، ص ۲۰.

۴. سید محمد غروی مع علماء النجف الاشرف، ج ۲، ص ۲۴۴.

۵. معجم المطبوعات النجفیه، محمد هادی امینی، ش ۱۲۱۰، ص ۲۸۷.

۶. همان، ش ۱۷۲۴، ص ۳۷۸.

ص: ۳۷۶

- ایشان بر این عقیده بود که دوران تعصبات غلط مذهبی به سر رسیده و غبار تنفّرات قومی، باید از چهره امت اسلامی زدوده شود. باید منتظر روزی بود که احترام متقابل بین مسلمانان رواج پیدا کند و دیدگاه های مثبت بین آنان شکوفا گردد.

- این مرجع تقلید شیعیان در جواب سؤال استاد فقید شیخ محمود شلتوت، پیرامون عصمت ائمه اطهار علیهم السلام گفت:

«شیعه معتقد است که امامت یک منصب الهی است، زیرا وجود امام معصوم علیه السلام در جامعه، انسان را به سوی اطاعت خداوند نزدیک و از معصیت او دور می کند؛ یعنی نفس وجود امام این لطف و مزیت را به همراه دارد و کسی که از ناحیه خدا منصوب گشته جایز نیست مرتکب فعل قبیح گردد و گرنه انتصاب او به عنوان امام و پیشوا جایز نخواهد بود.

بنابراین لازم است در وجود امام ملکه و قوه ای باشد تا او را از گناه و خطا دور کند و این همان معنای عصمت است» (۱).  
 شیخ عبدالکریم از دو مرکز علمی نجف و قاهره به عنوان عوامل مهم وحدت اسلامی یاد می کرد و می گفت: «نجف اشرف قلب اسلام است که از هزار سال پیش در کنار مرقد شریف امام اعظم امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام تأسیس شده و آثار عظیمی از خود بر جای گذاشته است. اکنون دو مرکز علمی بزرگ در جهان اسلام وجود دارد که یکی نجف و دیگری قاهره (۲) است و تأسیس کنندگان این دو مرکز علمی از شیعه بوده اند (۳)؛ پس آیا ثمره ای

ص: ۳۷۷

۱- (۱). الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، محمّد سعید آل ثابت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۴۲۷ق، ص ۵۶..

۲- (۲). منظور دانشگاه الازهر است که در شهر قاهره پایتخت کشور مصر واقع است..

۳- (۳). آری، الازهر مصر، این دانشگاه پرآوازه اسلام، در سال ۳۵۸ق توسط فاطمی ها در قاهره بنا گردید. این دانشگاه نام خود را از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گرفت، چون فاطمیان خود را به آن حضرت منسوب می دانستند. چند سالی از عمر این بنا نگذشته بود که عنوان دانشگاه به خود گرفت و قضات شیعه آن، به تدریس مبادی فقه شیعه پرداختند. در سال ۹۸۸م در زمان خلیفه فاطمی، «الغزیز»، اساتیدی به طور رسمی تعیین شدند تا به تدریس علوم دینی بپردازند و از این قرن الازهر به صورت دانشگاهی دینی در آمد که در آن علوم دینی تدریس می شد و دانشگاهی دیگر به نام دارالحکمه عهده دار علوم فلسفه، طب، شیمی و هیئت بود که ناصر خسرو ایرانی هم جزء دانشجویان آن بود. در اواخر حکومت فاطمی ها درهای دارالحکمه بسته شد و چون در انتهای قرن دوازدهم ایوبیان به روی کار آمدند، تعلیم و پیروی از شیعه را لغو کردند و با تعطیلی نماز جمعه در الازهر از اهمیت آن کاستند. ولی با افزوده شدن دروس طب، نجوم، فلسفه و منطق، بار دیگر الازهر رونق گرفت. از قرن هفتم هجری، با سقوط خلافت عباسیان و ویرانی مرکز فرهنگ اسلامی در اسپانیا، دانشگاه الازهر بزرگترین دانشگاه اسلامی گردید که از کشورهای مختلف اسلامی به آن روی می آوردند و در رواق های آن به تحصیل علم می پرداختند و این نظام تا به امروز هم چنان برقرار است. (پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آبان ماه ۱۳۸۶، به نقل از دائره المعارف بزرگ اسلامی، ماده الازهر)..

عظیم تر از این برای شیعه سراغ دارید؟ این دو مرکز اگرچه بعد از گذشت سالیان دراز از یک دیگر دور شدند اما هر دو در گسترش مشترکات فرهنگ اسلامی و عربی، یک راه را پیموده اند». (۱) - وی می گفت: «شیعه معتقد است باب اجتهاد به روی مجتهدان باز است و اجتهاد شیعی بر اساس هوی و هوس نیست بلکه بر اساس قرآن، حدیث، سنت صحیح، اجماع و عقل است، اهل سنت نیز باب اجتهاد را مفتوح می دانند و تنها در مورد عقل با شیعه اختلاف دارند، و یا مثلاً می گویند شیعه در مورد اهل بیت علیهم السلام غلو می کند اما وقتی به مصر آمدم خودم دیدم که اهل سنت درباره محبت اهل بیت علیهم السلام بیش از شیعیان غلو می کنند».

- او همواره تأکید می نمود که کلمه توحید تنها با توحید کلمه به دست می آید. (۲) تلاش ها

- تألیف رساله «الوحده الاسلامیه» و نیز مقالات متعددی در این زمینه.

- سفر به کشورهای اسلامی نظیر: مصر، سوریه، لبنان و فلسطین که توفیقات زیادی به بار آورد و اثرات آن هنوز هم باقی است. کسب این موفقیتها از او شخصیتی ساخت که سالها پس از وفات ایشان در کشورهای مختلف اسلامی، کنگره ها و جلساتی برای تکریم و تجلیل از شخصیت او برپا می کنند و آیت الله عبدالکریم زنجانی را به عنوان مصلح بزرگ معرفی

ص: ۳۷۸

---

۱- (۱). الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۵۶ ..

۲- (۲). همان، ص ۶۵ ..

می نمایند. به گفته یکی از شاهدان عینی، روزنامه های مصری در خلال برگزاری کنگره بزرگداشت شیخ عبدالکریم زنجانی در قاهره نوشته بودند:

«بعد از هزار سال این بزرگترین نشست بود که عالمان طراز اول سنی به ریاست شیخ الازهر، گرد هم آمدند و از مقام یکی از عالمان برجسته شیعی به عنوان پیام آور وحدت و دوستی تجلیل به عمل آوردند. (۱)» دیدار با شخصیت‌هایی چون: شیخ الازهر مصطفی راغبی، سلیم (مفتی مصر)، شیخ فتح الله سلیمان (رئیس عالی دادگاه شرعی)، شیخ محمد عبد اللطیف فحّام (نماینده الازهر و مراکز دینی قاهره)، زکی عرابی پاشا (وزیر معارف)، استاد محمد فرید وجدی (مدیر مجله الازهر)، نمایندگان از سفارت عراق، ایران، عربستان، ترکیه و افغانستان و نیز بازدید از برخی مراکز دینی و مؤسسه‌های علمی قاهره و دیدار با جمعیت‌های هدایت اسلامی، شبان المسلمین، بعثه اسلامی الازهر (مستقر در هند) در سال ۱۳۵۴ ق. (۲)» سخنرانی در دانشگاه بزرگ سوریه در دمشق: این سخنرانی در روزنامه‌ها و مجلات سوری انعکاس وسیعی یافت، چنان که پس از دیدار و اتمام سخنرانی، مفاد آن در مطبوعات دمشق به طور گسترده انتشار یافت. سردبیر مجله «التمدن الاسلامیه» نوشت:

«سخنانی که امام مجاهد شیخ عبدالکریم زنجانی، پیام آور وحدت اسلامی در سالن دانشگاه سوریه ایراد نمود، از بهترین سخنرانی‌های سودبخشی بود که تا کنون دمشق دیده است. همه براهین فلسفی، ادله منطقی و استنتاج‌هایی که این مصلح بزرگ در سخنرانی خود داشت، برگرفته از عمق قرآن کریم بوده است و البته با بیان شیوایی که داشت، سخنانش بلیغ‌ترین اثر را بر جمع پر ازدحام دانشگاه به ویژه بزرگان و علمای آن جا گذاشت». (۳)» بازدید از مسجد اموی در دمشق: دیدار او از مسجد اموی در حالی روی داد که پیش از او هیچ یک از شخصیت‌های شیعی اجازه ورود به این مسجد را نداشتند. به نوشته مجله «التمدن الاسلامیه» جمعیت زیادی در این مسجد دور امام زنجانی حلقه زدند و سعی داشتند

ص: ۳۷۹

۱- (۱). همان، ص ۴۰.

۲- (۲). همان، ص ۴۵.

۳- (۳). الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۶۱ - ۶۲؛ به نقل از مجله تمدن اسلامی، سال دوم، شماره ۱۰، ۱۳۵۵ ق.

درباره تفکرات ایشان پیرامون وحدت اسلامی، سخنانی بشنوند تا این که بالأخره در محل «قبه النسر»، در داخل همین مسجد منبر باشکوهی آماده کردند و او در میان انبوه جمعیت که از ۴۰/۰۰۰ (چهل هزار) نفر فراتر می رفت، سخنان قاطع و سودمندی درباره وحدت اسلامی و توحید کلمه مسلمین بیان کرد و به ویژه پیوند دو مکتب سنی و امامی را مورد تأکید قرار داد. این مجله در ادامه می نویسد:

«در این لحظه سخنان امام مجاهد زنجانی به پایان رسید اما اشک جمعیت حاضر از شوق تازگی سخنان او و حرف های ناشنیده و قابل باوری که در میان صحبت های او بود هم چنان سرازیر بود».<sup>(۱)</sup> پس از سخنان این مصلح بزرگ، علامه شیخ بهجت بیطار، ضمن ستایش از سخنان وی، گفت: سوره که هیچ معنایی برای تفرقه بین مذاهب اسلامی قائل نیست، بسیار خرسند خواهد شد که در سایه ارشادات امام زنجانی، اعلام وحدت کند و سپس از جمعیت حاضر پرسید: آیا شما وحدت اسلامی با برادران شیعه امامیه را که امام زنجانی دعوت کننده آن باشد، تأیید می کنید؟ همه یک صدا جواب مثبت دادند.<sup>(۲)</sup> در واقع آیت الله زنجانی با سخنرانی خود در این مکان حسّاس، تفرقه ای را که از زمان امویان تا کنون بر چهره دمشق نقش بسته بود، تبدیل به پیوند و هم دلی کرد و ریشه های دیرین جدایی را سوزاند. علامه شهیر، سید محسن امین عاملی (که او نیز در این مجلس حضور داشت و به عنوان مرجع شیعیان دمشق، آیت الله زنجانی را همراهی می کرد) در این رابطه می گوید: «هیچ گاه در تاریخ نشنیده ایم که یک عالم شیعی بر منبر مسجد جامع اموی دمشق بالا رود و به ایراد سخن پردازد. از زمانی که امام سجاد علیه السلام در سال ۶۱ق، خطبه اش بر روی این منبر ناتمام ماند، هیچ شخصیت شیعی بر بالای منبر قرار نگرفته است، اما امروز می بینیم که این افتخار بر صفحات تاریخ رقم خورد و آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی به عنوان زعيم شیعه امامیه، از این منبر بالا رفت و به عنوان نخستین خطیب و سخنران شیعی در تاریخ

ص: ۳۸۰

---

۱- (۱). الشيخ الزنجانی والوحده الاسلاميه، ص ۶۲..

۲- (۲). همان، ص ۶۳..

اسلام، خطبهٔ ناتمام امام سجاد علیه السلام را بعد از ۱۲۹۵ سال تکمیل کرد». (۱) - سخنرانی در کنفرانسی که در مقرّ «رابطه الشباب العربی» در قاهره برگزار گردید. او در این سخنرانی تأکید کرد:

«دعوت به سوی اتحاد در میان امت عربی و اسلامی ناقص است و تمام جوانب آن در نظر گرفته نمی شود. خطبا و نویسندگان تنها در مورد فضیلت وحدت اسلامی و ضرورت آن صحبت می کنند اما راه کارهای درستی ارائه نمی دهند، درحالی که خود می دانند این گونه دعوت ها موقتی است و نتیجهٔ راضی کننده ای ندارد. آیا لازم نیست سعی شود ریشه های عدم موفقیت وحدت مسلمانان بیشتر شکافته شود و مسائل تاریخی و حوادثی که در قدیم برای امت اسلامی رخ داده، به طور صحیح تحلیل و بررسی شود و گره های کور این مسئله باز شود؟ هم چنین، آیا نباید مواظب دسیسه های استعماری باشیم که بذر اختلاف را در میان امت اسلامی پخش می کنند و بزرگان ما را متهم به الحاد و فساد می کنند؟ مگر نه این است که آنان شیخ محمد عبده را متهم به الحاد نموده و او را دست پرورده انگلیس معرفی نمودند؟ چنان که همین اتهام را به سعد زغلول نیز نسبت داده اند...». (۲) - سفر به لبنان و سخنرانی پیرامون وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی در «دار الایتام بزرگ بیروت».

- سفر به فلسطین و ایراد خطابه ای آتشین در مسجد الاقصی (در سال ۱۳۵۵ق). بخشی از آن بدین شرح است:

«ای مردم عرب و ای مسلمانان! امروز دولت هایی که بر عالم سیطره دارند، دندان هایشان را تیز کرده و مقاصد پلید شان را آشکار نموده اند و هیچ امیدی از عدالت و انصاف آنها باقی نمانده است. شما نیز البته هیچ وسیله ای برای زندگی و بقای خود ندارید، مگر اتفاق و همبستگی در راه دفاع از سرزمین مقدّستان که در این صورت امید پیروزی زنده خواهد

ص: ۳۸۱

---

۱- (۱). همان، ص ۶۴؛ به نقل از صفحه من رحله الإمام الزنجانی و خطبه، ج ۲، ص ۱۶۹..

۲- (۲). الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۳۷..

شد و خطر صهیون ها به زودی رفع خواهد شد». (۱) - سخنرانی شجاعانه آیت الله زنجانی در تل آویو، پایتخت اسرائیل: حضور و سخنرانی یک روحانی شیعه بر ضد رژیم صهیونیستی در این شهر کار یک انسان معمولی نیست. این مرجع بزرگ و منادی وحدت پس از دو روز اقامت در قدس شریف عازم تل آویو گشت و با رسیدن او به این شهر، خیابان ها را برای او و هیئت همراه گشودند تا این که در یک منطقه ساحلی توقف کرد. در آن جا جمع زیادی از یهودیان، صهیونیست ها و بزرگان مذهبی آنان حضور داشتند و از این که یک روحانی شیعه به طور ناگهانی وارد تل آویو شده است بسیار متعجب و کنجکاو بودند. در این هنگام آیت الله زنجانی در فضایی آکنده از ترس و وحشت بر روی یک تپه مرتفع قرار گرفت و خطاب به دولت و مردم اسرائیل چنین گفت:

«ای صهیونیست های استعمارگر، در این دوران که آتش وطن خواهی شعله ور است و نبض حیات هر دولتی در حال زدن است، شما التهاب نفوسی را که برای شعله ور شدن حماسه های قومی به هیجان آمده، بیشتر می کنید و در زمانی که اوضاع سیاسی جهان، چسبیده به ابرهای سبقت و پیشرفت سلاح است و دولت ها، احزاب خود را به اتحاد و تعاون در زیر پرچم خود فرا می خوانند، شما صهیونیست ها که برخلاف قاعده در جغرافیای جهان جای گرفته اید را می بینیم که موسیقی خواب های آشفته الوطن الیهودی را می نوازید». (۲) در واقع می توان سخنرانی این مرجع تقلید شیعه در قلب دشمن و در مرکز اسرائیل را یک معجزه و از این جهت او را یک امیر در لباس یک فرد دانست. سخنرانی او موجی از هیبت و عظمت الهی را در صهیونیست ها ایجاد نمود. این عمل وی شبیه مأموریت تاریخی امیر المؤمنین علی علیه السلام در مکه بود که آیات هشدار دهنده سوره براءت را در ایام حج بر مشرکین تلاوت نمود.

□  
آری! این چنین بود که بزرگان یهود در برابر آیت الله زنجانی تواضع کردند و گردن هایشان را به نشانه احترام در برابر او خم نمودند و سپس بعضی از زعمای یهود، از آیت الله زنجانی خواهش کردند تا نزد «اللجنة العربیة العلیا» (حزب بلند پایه عربی)، برای تفاهم و آشتی بین یهود و سیاست مداران عرب، وساطت کند تا یهود را به عنوان یک کشور کوچک در بین

ص: ۳۸۲

۱- (۱). همان، ص ۷۱..

۲- (۲). همان، ص ۷۳؛ به نقل از صفحه من رحله الامام الزنجانی، ج ۲، ص ۲۲۹..

حکومت عربی بپذیرند. اما آیت الله زنجانی در همان جا به شدت این تقاضا را رد کرد و گفت:

من معتقدم اعراب و حزب بلند پایه عربی هیچ گاه فریب سخنان شما را نخواهند خورد. (۱) - تلاش های استاد شیخ عبدالکریم زنجانی در برابر مقاله باطل ابراهیم جبهان: هنگامی که شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر، فتوا به جواز عمل بر طبق مذهب شیعه داد اگرچه مخالفانی او را تخطئه کردند، اما در این میان جبهه گیری و مخالفت نویسنده کویتی، ابراهیم جبهان، واقعاً ظالمانه و دور از انصاف بود. نوشته های ابراهیم جبهان در مجله «رایه السلام» (۲) چنان توهین آمیز و متضمن تکفیر شیعه و اهل بیت علیهم السلام بود که جهان اسلام به طور یک پارچه، در برابر این مقاله موضع گرفت و آیت الله زنجانی نیز با ارسال نامه های متعدّد به رؤسای ممالک عربی، خواستار طرد این نویسنده شد. وی نخستین نامه اعتراض آمیز خود را، به دولت کویت نوشت. مضمون نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

شیخ برجسته شیخ عبدالله سالم الصباح امیر دولت کویت، (یاری کننده اسلام)

سلام خدا بر شما

دوست دارم کمی شما را به عقب برگردانم تا به خاطرتان بیاید که مدتی پیش هنگامی که از صحن مقدّس امیر المؤمنین امام علی علیه السلام در نجف اشرف دیدن می فرمودید در خزانه آن قرآنی را با خط شریف امام علی بن ابی طالب علیه السلام نخستین امام شیعیان، ملاحظه فرمودید و دریافتید که این قرآن از نظر حروف کاملاً با قرآن های موجود مطابقت دارد. حالا از شما می خواهم نگاهی به مقاله افترا آمیز ابراهیم جبهان کویتی بیندازید که چطور شیعه را متهم نموده است. تمام عالم اسلامی، او را محکوم نموده اند. بنابراین بر شما نیز شایسته است به این موضوع اهمیت داده و دست و پای او را از کشور تان قطع کنید و نتیجه را نیز به ما اعلان نمایید. (ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت أقدامکم).

عبدالکریم زنجانی

۱۵ ربیع الأوّل ۱۳۸۰ق

ص: ۳۸۳

۱- (۱). الشيخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۷۴.

۲- (۲). ربیع الثانی ۱۳۸۰ق، چاپ ریاض..

در پی این نامه، ده روز بعد امیر کویت جوابیه ای را به این مضمون نوشت:

شخصیت بزرگ، شیخ عبدالکریم زنجانی

سلام و رحمت خدا بر شما

نامه شما را دریافت نمودیم و از نوشته های ابراهیم جبهان بر ضد برادران شیعه با خبر گشتیم. ما نیز به نوبه خود این کار جاهل مفسد را قبول نداریم و دوست داریم که بدانید ما نیز به اندازه شما برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم احترام قائل هستیم. ما این جاهل را از کویت بیرون راندیم و آرزوی ما این است که مثل چنین رفتاری در آینده تکرار نشود.

عبدالله السالم الصباح

۲۵ جمادی الاول ۱۳۸۰ ق (۱) آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی هم چنین نامه هایی به شیخ الازهر و ملک السعود پادشاه عربستان نوشت و از آنها خواست، ابراهیم جبهان را در کشور خود نگه ندارند و آنان نیز در جوابیه های خود، فرد مذکور را جاهل معرفی نموده و به تقاضای ایشان جواب مثبت دادند.

گفتنی است ابراهیم جبهان در مقاله خود مذهب شیعه و همه امامان شیعه را منحرف معرفی کرده و با الفاظی زشت و مستهجن، مذهب جعفری را یک طایفه زندیق و الحادی دانسته است... . نعوذ بالله

در مقاله جبهان انواع افتراها نیز به چشم می خورد؛ مانند این که وی امام صادق علیه السلام را امام کاذب نام نهاده و علی علیه السلام را بی صلاحیت در امر خلافت معرفی کرده و ده ها نمونه دیگر.

آن چه می توان از نوشته های این نویسنده بی ظرفیت و بی ادب نتیجه گرفت آن است که وی ظاهراً اهل منطق، عقل و استدلال نبوده و واقعیت هایی را که در کتاب های معتبر خود آنها نقل شده است، انکار می کرده است. در این جا مجال بررسی گفته های جبهان وجود ندارد، اما در یک جمله باید به او و هم مسلکان او گفت: «قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ» (۲)، زیرا حقایق امامیه

ص: ۳۸۴

۱- (۱). الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۸۷ - ۸۸ ..

۲- (۲). سوره آل عمران، آیه ۱۱۹ ..

مورد اعتراف بسیاری از مذاهب قرار گرفته و شاهد آن فتوای معروف شیخ محمود شلتوت، درباره جواز عمل به فقه شیعه است. (۱) در نگاه دیگران

- شیخ الازهر مصطفی راغبی:

«شخصیت امام زنجانی از جهت دانش سرشار، اخلاق بزرگوارانه و مواضع نرم، ستودنی است و حقیقتاً وی خصلت های یک مصلح عظیم را دارد». سپس در ادامه کلامش می گوید:

«معمولاً عادت انسان ها بر این است که در مجالس گرامیداشت، شخص مهمان را تجلیل و تکریم می کنند، اما من امروز وقتی از شخصیت بزرگی چون امام زنجانی سخن می گویم، نمی توانم فضایل و مناقب او را برشمارم، اما به اختصار متذکر می شوم که نجف اشرف مرکز درس و علم است و ما امروز کسی را تکریم می کنیم که از این مرکز مهم برخاسته است.

هدف از این نشست آن است که از این جا تحیت و سلام خود را به علما و مراجع شیعه در نجف ابلاغ کنیم و دست برادری به آنها دهیم». (۲) - علامه سید امین الحسینی (مفتی بزرگ فلسطین)، پس از سخنرانی آیت الله زنجانی در مسجد الاقصی:

«ای امام زنجانی! درسی که شما امروز در مسجد الاقصی به مردم فلسطین داده اید، ثمره اش بیشتر از صد هزار سرباز مسلح با تجهیزات کامل است. شما بر گردن فلسطین متی گذاشته اید که هیچ گاه روزگار، آن را فراموش نخواهد کرد و به زودی خواهید دید که فرزندان فلسطین چگونه از کشور شان دفاع خواهند کرد». (۳) - علامه شیخ مصطفی غلایینی (مفتی لبنان)، پس از سخنرانی آیت الله زنجانی در لبنان:

«علمای بیروت که در رأس آنها مفتی سرزمین لبنان است، با آن چه امام زنجانی إلقا کرده موافق می باشند». (۴)

ص: ۳۸۵

۱- (۱). متن کامل این فتوای تاریخی در صفحه ۳۶۵ گذشت..

۲- (۲). الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه، ص ۴۶..

۳- (۳). همان، ص ۷۲..

۴- (۴). همان، ص ۶۸؛ به نقل از صفحه من رحله الامام الزنجانی، ج ۲، ص ۲۰..

متوفای: ۱۳۴۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید محسن، نام پدر: سید مهدی، ولادت:

۱۲۶۴ق، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او در نه سالگی به درسهای حوزه روی آورد. سپس درسهای ادبیات، منطق، و بخشهایی از فقه و اصول را از برادر بزرگش آموخت. وی پس از چندی در درسهای خارج آخوند خراسانی شرکت نمود. سید محسن در سال ۱۲۸۷ق همزمان با وفات آخوند خراسانی در محفل درس اصول آقا ضیاء الدین عراقی و فقه شیخ علی باقر جواهری زانوی ادب زد. ۱.

اساتید، حضرات آیات: سید محمود حکیم (برادر)، آخوند خراسانی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ علی باقر جواهری، میرزا محمد حسین نائینی و سید محمد سعید حبیبی.

شاگردان، آیات عظام: حاج شیخ کاظم تبریزی، سید موسی صدر، شهید قاضی طباطبائی، حاج شیخ حسن سعید، محمد مهدی شمس الدین، علامه محمد تقی جعفری.

سرانجام: ایشان در ۲۷ ربیع الاول ۱۳۹۰ق برابر ۱۳۴۸ش، دیده از جهان فرو بست ۲ و با اندیشه های فراوان در راه اتحاد برادران شیعه و سنی، به لقاء معبود شتافت.

مقبره: عراق، نجف اشرف، در کنار کتابخانه ای که خود بنیان کرده بود. ۳.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۱۷، به نقل از ترجمه الامام الحکیم، مصباح نجفی، ص ۵۳ - ۵۵.

۲. همان، ص ۷۲۶، به نقل از رحله الامام الحکیم، ص ۱۳ - ۱۴.

۳. همان، ص ۷۲۶.

ص: ۳۸۶

- ایشان می گفت: من مایل نیستم جز آنچه مصلحت من و مردم با همه گوناگونی نژادی و مذهبی در آن است، بر زبان رانم. در دیدگاه من کُرد، عرب و تُرک با یکدیگر تفاوتی ندارند.

همه آنها، برادران و فرزندانم هستند، خوشبختی آنها را می خواهم و با همه توان و قدرتم از آنان نگاهبانی می کنم. (۱) تلاش ها

□

از جمله اقدامات مصلحانه آیت الله حکیم در جهت تحکیم وحدت بین شیعه و سنی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- کمک به جنبش های آزادیبخش اسلامی: وی مسلمانان را به کمک و پشتیبانی از برادران مسلمان فلسطینی تشویق می نمود و اعلامیه های متعدّد و مهمّی راجع به فلسطین و وحدت مسلمانان جهان برای نجات بیت المقدس صادر نمود. (۲) - ایجاد پیوندی عاطفی، عمیق و برادرانه میان خود، مردم و علمای اهل سنت.

- تأکید بر لزوم وحدت بین مسلمانان در پیام ها، تلگراف ها، سخنرانی ها و...

- ارسال هیئت هایی مرکب از دانشمندان شیعه و سنی به کشورهای گوناگون، جهت بررسی موقعیت مسلمانان.

- برقراری وحدت عشایر، دانشوران و مردم اهل سنت در یک جبهه، در جریان به قدرت رسیدن حزب بعث عراق. (۳)

ص: ۳۸۷

---

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۱۹، به نقل از السنوات الجمر، علی المؤمن، ص ۶۲..

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۱۷۷..

۳- (۳) . گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۲۴، به نقل از التحزک الاسلامی فی العراق، ص ۷۸ - ۷۹ ..

متوفای: ۱۳۴۹ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عبدالحسین، نام پدر: آقا میرزا احمد، ولادت:

۱۳۲۰ق، محل تولد: ایران، تبریز.

تحصیلات: وی پس از ایام کودکی، طی سالها دروس ادبیات فارسی و عربی، منطق، فقه و اصول را نزد پدر آموزش دید. او کتابهای مختلفی در حدیث و اعتقادات نزد پدر خواند. اهتمام به قرآن و حدیث به خصوص نهج البلاغه، وی را عاشق امام علی علیه السلام نمود.

عبدالحسین ۲۲ سال در محضر پدر استفاده علمی بُرد و سپس تصمیم رفتن به نجف اشرف را گرفت. او پس از مدتی به عنوان محدث، مفسّر، فیلسوف، متکلم و فقیه دست به تحقیقات دامنه داری زد. علامه امینی با تألیفات گرانقدر خویش بنیه علمی و نهاد وقاد خود را در معرض معاصران قرار داد و از سه تن از مراجع بزرگ وقت اجازه اجتهاد دریافت داشته به شهر تبریز باز گشت. ۱.

اساتید، آقا میرزا احمد (پدر)، حاج سید محمد (مؤلف مصباح السالکین)، حاج سید مرتضی خسروشاهی، شیخ حسین (مؤلف هدیه الانام)، آیت الله سید محمد فیروز آبادی، آیت الله سید ابو تراب خوانساری.

آثار قلمی: شهداء الفضیله، الغدیر، ادب الزائر لمن یمم الحائر، حاشیه بر رسائل و مکاسب و... ۲.

سرانجام: وی که آیتی از آیات الهی و عاشقی از عاشقان ولایت و مجاهدی نستوه بود، در جمعه ۱۲ تیرماه ۱۳۴۹، با اندیشه ای سرشار از شور و علاقه به اتحاد مسلمین، بدرود حیات گفت و در جوار رحمت حضرت حق آرامید.

مرقد: عراق، نجف اشرف، سوق الحویش (بازار حویش)، نزدیک کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خود مؤسس آن بود. ۳.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۲۷ - ۷۳۱.

۲. همان، ص ۷۳۰ - ۷۳۱.

۳. سرزمین آرزوها، ص ۷۱.

- ایشان با نقد آثار و تألیفات افرادی چون ابن تیمیه، آلوسی، قسیمی و رشید رضا، در صدد برآمد وحدت و اخوت اسلامی را در جهان بگستراند و ریشه‌های نفاق و تفرقه را بخشکاند.

وی در پی اسناد حدیث غدیر، بیست و چهار کتاب تاریخی، بیست و هفت محدث، چهارده مفسر قرآن و هفت متکلم اسلامی را یافت که به نقد حدیث غدیر پرداخته‌اند. آنگاه راویان از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به ترتیب حروف الفبا ذکر نمود.

- تألیف کتاب گران مایه الغدیر: جالب توجه آن که پس از انتشار این کتاب سیل نامه‌ها و ستایش‌ها به سوی دانشمند فرزانه و علامه خبیر، ارسال شد. این تقدیرنامه‌ها گاه از دانشمندان بزرگ شیعه و اهل سنت بود و گاه از پادشاهان کشورهای اسلامی.

- علامه امینی با رجوع به قرآن و سنت و رعایت موازین سندشناسی و نقل حدیث، حقایق غیر قابل انکاری را، پیش چشم امت اسلامی نهاد و مسأله اختلاف اهل یک کتاب و قبله را از میان برداشت. (۱) - از آنجا که پس از نگارش کتاب شریف الغدیر، برخی در صدد القای شبهه بودند - که مرحوم علامه امینی با نگارش الغدیر، باعث اختلاف میان مسلمانان شده است -، استاد شهید مطهری در پاسخ به این شبهه مغرضانه یا جاهلانه، در بخش اول مقاله خویش، ضرورت وحدت اسلامی را یادآوری می‌کند و در بخش دوم به دفاع از علامه امینی پرداخته و با نقل عباراتی از الغدیر و نیز جملاتی از علمای منصف شیعه و سنی، در دفاع از الغدیر و علامه امینی، چنین می‌نویسد: (۲) «علامه امینی طرفدار وحدت اسلامیت و با نظری وسیع و روشن بینانه بدان می‌نگرد. معظم له در فرصتهای مختلف در مجلدات الغدیر این مسأله را طرح کرده است». (۳)

ص: ۳۸۹

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۳۲ - ۷۳۳..

۲- (۲). فصلنامه قرآنی کوثر، سال هفتم، تابستان ۸۶، شماره ۲۴، ص ۵۷..

۳- (۳). همان، به نقل از یادنامه علامه امینی، ص ۲۳۸..

شهید مطهری در ادامه اضافه می نماید: «نقش مثبت الغدیر، در وحدت اسلامی، از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می کند و ثابت می کند که گرایش در حدود پانصد میلیون مسلمان به تشیع، برخلاف تبلیغات زهرآگین عده ای، مولود جریانهای سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده است.

ثانیاً ثابت می کند که پاره ای اتهامات به شیعه که سبب فاصله گرفتن مسلمانان از شیعه شده است به کلی بی اساس و دروغ است.

ثالثاً شخصیت شخیص امیر المؤمنین علی علیه السلام را که مظلوم ترین و مجهول القدرت ترین مرد بزرگ اسلامی است و می توان مقتدای عموم مسلمین واقع شود را مشخص می سازد». (۱) - آیت الله شهید مرتضی مطهری در جای دیگر می گوید،... خوشبختانه در عصر ما محققان بسیاری در شیعه پیدا شده اند که از همین روش پسندیده پیروی می کنند. در رأس همه آنها علامه جلیل آیت الله سید شرف الدین عاملی، علامه کبیر آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و علامه بزرگوار آیت الله شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب شریف الغدیر را باید نام برد. (۲)

ص: ۳۹۰

---

۱- (۱). فصلنامه قرآنی کوثر، سال هفتم، تابستان ۸۶، شماره ۲۴، ص ۵۷..

۲- (۲). استاد شهید آیت الله مطهری رحمه الله در کتاب شش مقاله تحت عنوان الغدیر و وحدت اسلامی می نویسد: الغدیر بسیاری از سوء تفاهمات را از بین برد و موجب نزدیکتر شدن مسلمین به یکدیگر گردید..

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۳۰۶ق، محل تولد: مصر. ۲.

تحصیلات: او با فراگیری علم، به تدریج رشد کرد و به مقام شایسته ای رسید. عرفه مدت زیادی از عمرش را صرف خدمت به فرهنگ دینی در دانشگاه الازهر نمود. از سال ۱۹۳۰م به عنوان استاد در بخش شریعت اسلامی در دانشکده شریعت انتخاب شد، سپس وکیل دانشکده شد و پس از به عضویت در آمدن در هیئت برجسته علما - که برای نشر دعوت و تبلیغات در راه خدا و سخت کوشی در راه تبلیغ تشکیل شد - موفقیت خوبی داشت. وی سپس به عنوان استاد فلسفه در دانشکده زبان عربی انتخاب شد و پس از آن به عنوان استاد بلاغت در بخش تخصصی استادان همان دانشکده برگزیده شد و در سال ۱۹۴۶ مدیر وعظ (تبلیغ) شد و به مقام اول علمی رسید و پس از آن مدیر مجله الازهر و سپس استاد افتخاری در همه دانشکده های الازهر شد.

آثار قلمی: شیخ محمد عرفه دارای تألیفات و پژوهش های بسیار است که از میان آنها می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱. نقض مطاعن فی القرآن الکریم؛ ۲. مؤلف فی تفسیر آیات الاحکام؛ ۳. السّر فی انتشار الاسلام؛ ۴. النحو و النحاه (این کتاب سبب گردید که وی عضو «جماعه کبار العلماء» در آید)؛ ۵. مشکله اللغه العربیه

سرانجام: شیخ محمد عرفه پس از عمری تلاش علمی و تبلیغی، در سن ۸۶ سالگی درگذشت.

مرقد: مصر، قاهره. ۳.

۱. اکثر مطالب این قسمت از پایگاه اطلاع رسانی مجمع تقریب مذاهب اسلامی اقتباس گردیده است.

۲ و ۳. الاعلام، قاموس التراجم، خیرالدین الزرکلی، ج ۶، ص ۲۵.

- وی معتقد بود علماء و فرهیختگان هر فرقه، در گسترش اختلاف و تفرقه مسلمانان سهم داشته اند. گاهی از عالمان یک فرقه سخنانی نشر یافته که منشأ بسیاری از اختلافات شده است. در مباحث علمی به ویژه مسائل کلامی و عقیدتی و تفسیری، برای ردّ آرای دیگران، از واژه هایی استفاده کرده اند که هر کدام بذر کینه و دشمنی شده است و امت اسلامی را گرفتار کرده است. به گونه ای که آثار آن هم چنان باقی است و تلاشی هم صورت نگرفته است تا عواقب وخیم آن را بزدايد.

- او می گفت: با نگاه به تاریخ امت اسلامی، حتی در میان پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت، مواردی از اختلاف مشاهده میشود که در امور جزئی و فقهی دامن گیر آن ها شده است و به دنبال آن، درگیری شدید و حتی قتل یکدیگر گزارش شده است. مثلاً در تاریخ آمده است که هر گاه مسلمانی حنفی مذهب به منطقه حنبلی های گیلان وارد می شد، وی را می کشتند و مالش را به عنوان «فیء» و غنیمت گرفته شده از کفار، قرار میدادند. و نیز آورده اند که در بعضی از مکان ها در منطقه ماوراء النهر از مناطق حنفی مذهب نشین، یک مسجد برای شافعی ها وجود داشته است که وقتی حاکم شهر برای نماز صبح خارج می شد و در مسیر راه آن مسجد را می دید، می گفت: آیا وقت آن نرسیده که این کنیسه بسته شود! مدتی هم چنان بود تا این که روزی با گل و خشت درب آن مسجد را بستند و حاکم از این کار شگفت زده شد!

- شیخ محمد عرفه تأکید می کرد مسئولیت عالمان بیش از گذشته است و بر متفکران جامعه اسلامی است که با وحدت کلمه در فکر عزّت و شوکت مسلمانان باشند که خدای متعال موهبت طبیعی و نعمت های فراوان را در سرزمین آنان قرار داده است و آنان فقط با قدرت و نیرو می توانند آن را حفظ کنند و اتحاد و یکپارچگی از مهم ترین عوامل قدرت است.

- شیخ محمد عرفه در مورد «تقریب مذاهب اسلامی»، مباحث زیادی را در مجله رساله الاسلام مطرح نموده است. در ذیل، به گوشه ای از اعتقادات وی اشاره می شود:

شکی نیست که بزرگ ترین نعمتی که خداوند به مسلمانان عطا فرموده، همبستگی و الفت و محبت است. پس از آن که جهالت و عداوت در میانشان قبل از اسلام حاکم بود چنان که خداوند می فرماید «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...» (۱)؛ و نعمت بزرگ خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید...».

و نیز فرمود: «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصِيرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ \* وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۲)؛ او همان کسی است که تو را با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد و دل های آن ها را با هم الفت داد. اگر تمام آن چه را روی زمین است صرف می کردی تا میان دل های آنان الفت ایجاد کنی، نمی توانستی. ولی خداوند در میان آن ها الفت ایجاد کرد او توانا و حکیم است.

تردید نیست که خداوند، اختلاف و تفرقه، درگیری و کینه میان مسلمانان را دوست ندارد. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (۳)؛ کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آن ها نداری! سر و کار آن ها تنها با خداست، سپس خدا آن ها را از آن چه انجام می دادند، با خبر می کند. و نیز خداوند تفرقه را محکوم نموده و درباره آن، وعده عذاب داده است. «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَ بِكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» (۴)؛ بگو: او قادر است از بالا یا از زیر پا، عذابی بر شما بفرستد، یا به صورت دسته های پراکنده شما را با هم درگیر نماید؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.

همه این آیات از بدیهیات اولیه است و از ضروریات مباحث دینی است که همه در ظاهر آن را می پذیرند، اما آیا واقعیت موجود در میان مسلمانان نیز چنین است؟ مسلمانان به فرقه ها و گروه های مخالف و متضاد تقسیم شده اند و به دنبال آن، کینه، دشمنی و حسد

ص: ۳۹۳

۱- (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲). سوره انفال، آیه ۶۲-۶۳..

۳- (۳). سوره انعام، آیه ۱۵۹..

۴- (۴). همان، آیه ۶۵..

حاکم شده است. در میان آنان گروهی به نام سنی، شیعی، خارجی، معتزلی و... به وجود آمده اند - گروه های زیادی که فقط خداوند تعداد آن ها را می داند - گویا این گروه ها، مبادی دینی شان، آن چه پیش از این گفتیم نیست بلکه اساس دین را بر تفرقه و اختلاف، نزاع و درگیری قرار داده اند و گویا راه فراری از این ها نیست!

بدیهی است اصول اجتماعی همانند دوستی مسلمانان نسبت به یکدیگر و تعاون و همکاری آن ها، اصولی نیست که دین از روی تعبد به آن دعوت کند بلکه اصولی است که دین به خاطر مصلحت دنیایی مسلمانان، آنان را به آن فرا می خواند و بقاء و عزت مسلمانان به این اصول اجتماعی بستگی دارد. هر گروه از مسلمانان به تنهایی ضعیف و ناچیزند. اما با همکاری و تعاون با دیگران های مسلمان، قوت و شوکت می یابند. چنان که گفته اند:

«ضعیفان یغلبان قویا؛ دو نفر ضعیف اگر با هم باشند بر فرد قوی چیره می شوند».

و نیز احکام اجتماعی حرام مانند دشمنی، تفرقه و تنازع که دین آن ها را نهی می کند به این خاطر است که مسلمانان این امور را از خودشان دور کنند. من احکامی قوی تر و مفیدتر و ثمربخش تر از محبت، تعاون و همیاری مسلمانان نمی بینم، و نیز کارهای مضرتر، در هم شکننده تر و نابود کننده تر از کینه، تفرقه و اختلاف برای مسلمانان سراغ ندارم؛ از طرفی، اصولی را که مسلمانان کنار گذاشته اند، همانند این اصول اجتماعی ندیده ام. حتی دانشمندان، این اصول اجتماعی را در حاشیه کتاب ها قرار دادند و نتوانستند چراغ فروزان آن را روشن نگه دارند... .

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با تأکید بر محبت و هم دلی مسلمانان، مسلمان را برادر مسلمان خوانده و مال و خون و جان و آبروی آن ها را محترم شمرده و به کسی حق تعرض به آن ها را نداده است.

متوفای: ۱۳۵۳ ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سید میر علی احمد، نام پدر: شهید سید گل شاه، ولادت: ذی الحجه ۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸ ق، محل تولد:

افغانستان، کابل، قلعه هزاره های مرادخانی ۱

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران پر مخاطره کودکی، در سنین نوجوانی تحت تعلیم برادر بزرگش علامه بلبل قرار گرفت. میر علی احمد دوازده ساله بود که با پای پیاده مسیر کابل تا مشهد مقدس را طی نمود تا تحصیلاتش را در جوار امام هشتم علیه السلام کامل نماید. وی پس از ۱۷ سال تلاش در سال ۱۳۰۰ ش به همراه آیت الله شریعت روانه شهر مقدس قم گردید و در مدرسه دارالشفاء ساکن شد چندی بعد در ۱۳۰۴ ش عازم نجف اشرف گردید و در دروس بزرگان علم و اخلاق تلمذ نمود. آیت الله حجت پس از حدود سه سال از نام آوران عرصه فقه، اصول، حکمت، کلام، تفسیر، منطق و اخلاق شد و از استادانش اجازه اجتهاد گرفت. ۲.

اساتید، حضرات آیات: علامه بلبل (برادر)، شیخ عبدالکریم حائری، سید ابو الحسن نائینی، ضیاء الدین عراقی، میرزا حسین نائینی.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: سید محمد رضا بهاء الدینی، علی محمد خراسانی، سید جعفر مرعشی، شهید سید سرور واعظ بهسودی و ...

سرانجام: آن عالم وارسته پس از عمری تلاش و مجاهدت در راه اعتلای کلمه اسلام و اتفاق مسلمین، در اردیبهشت ماه ۱۳۵۳، در حالی که ۸۴ بهار زندگی اش را پشت سر می گذاشت به دیدار حضرت حق شتافت. ۳.

مرقد: افغانستان، کابل، زیارتگاه سخی.

۱. محله ای قدیمی در مرکز شهر که در فاصله یک کیلومتری مقر ریاست جمهوری و کنار رودخانه کابل قرار دارد.

۲. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۳۵ - ۳۳۶.

۳. همان، ص ۳۴۹.

ص: ۳۹۵

- وی که سعادت و تکامل بشر را در پیروی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام می دانست، با مشاهده فاصله مسلمانان از این شاهراه هدایت، چنین می گفت: پیروی از مذهب (تشیع) موجب ترقی و تکامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می شود.

- او به باورهای دینی و مذهبی دیگران احترام می گذاشت، زیرا یکی از نیازهای اصلی مردم را وحدت و یکپارچگی در تمام زمینه ها می دانست و باور داشت که جامعه با اقوام و گرایش های چندگانه، نیازمند وحدت و وحدت آفرینی است. به همین جهت مناظرات، خطابه ها و راه و روشش را در جهت «وحدت آفرینی و اختلاف گریزی» سوق می داد.

- سید میر علی احمد پیرامون وظیفه خویش می گفت: من در نجف اشرف می توانستم با کمال عزت زندگی نمایم و مرجع عموم مردم و طلاب قرار گیرم؛ اما آنچه که مرا وادار کرد به وطن برگردم، احیاء مذهب شیعه و زنده و علنی نمودن مراسم مذهبی شیعیان بود که در آتش تعصبات متعصبین می سوختند. با آنکه می دانستم دچار مشکلاتی می شوم، به وطن برگشتم به امید آنکه مصدر خدمت باشم و پرده های تعصب و تقیه را پاره کرده؛ ندای رسای «أشهد أن علیاً ولی الله» را در مأذنه های مساجد طنین افکنم. (۱) - آن مجتهد وارسته، افغانستان را بخشی از سرزمین اسلام می دانست و افق نگاهش وسیع تر از محدوده مرزهای جغرافیایی بود. او گاهی جوامع متفرق جهان اسلام را چنین موهب سؤال قرار می داد: ایرانی، پاکستانی، عربی، آفریقایی و آسیایی همه مسلمان هستیم، چرا متفرق از هم باشیم؟ (۲) - آیت الله حجت در یکی از سخنرانیهایش، بعد از تلاوت آیه ۱۳ سوره حجرات برای اقوام مختلف جامعه افغانستان که زیر منبر اجتماع کرده بودند، چنین سرود:

ما پنج برادریم و از یک پشتیم در پنجه روزگار پنج انگشتیم

چون راست شویم در دهن مشتیم

ترک، تاجیک، پشتون، هزاره و فارس، ترکمن و ازبک همگی برادرند

ص: ۳۹۶

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۳۷، به نقل از مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ص ۶۱ - ۶۲..

۲- (۲). همان، ص ۳۴۶، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، ص ۱۴۵..

- ایشان می گفت: اگر بتوانیم مذهب امام صادق علیه السلام را برای جامعه معرفی و در زندگی خود پیاده نماییم، به همه کارها دست پیدا کرده ایم و به اهداف متعالی اسلامی که بر پایه حکومت براساس عدالت است، نائل شده ایم؛ زیرا در این مذهب و عمل کردن به قوانین آن، هم هدایت است و هم سیاست، هم دنیا است و هم آخرت و همه علوم در اینجاست. (۱) تلاش ها

- از بین بردن حالت انزوا و تقیه شیعیان به نحوی که بتوانند مراسم عبادی و سیاسی خود را آشکارا برگزار نمایند.

- حمایت از مجاهدان و مبارزان انقلابی، خصوصاً علامه شهید سید اسماعیل بلخی (۲). (۳) - ایجاد تغییر نگاه اهل سنت نسبت به شیعیان در مورد این که شیعیان مسلمانند و جان، مال و ناموس شان محترم است، وی برای نیل به این اهداف گام های ذیل را برداشت:

۱. به طریق شیعی وضو می ساخت و نمازهایش را با مهر و دست باز می خواند و از دیگران نیز می خواست اعمال مذهبی خود را مانند او انجام دهند. (۴) ۲. جلسات مذهبی چون جشن های میلاد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم، عید غدیر خم، نیمه شعبان، برافراشتن پرچمی به نام امام علی علیه السلام در ایام نوروز (۵)، مراسم عاشورای حسینی و... که تا آن زمان مخفیانه برگزار می شد، را از انزوا خارج ساخت و به شیعیان دستور داد مراسم خود را بدون ترس و هراس، آشکارا برگزار نمایند.

ص: ۳۹۷

- 
- ۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۳۷، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، صفحه قبل از فهرست..
- ۲- (۲). وی مردی مؤمن و استوار در عقیده و با صبر و تحمل بود. او شیعه و سنی را یکسان می نگریست و مورد احترام همه آنان بود. بلخی از پیشتازان و بنیانگذاران جنبش اسلامی به ویژه در میان شیعیان آن سرزمین و قوم هزاره به شمار می آمد. (علمای مجاهد، ص ۱۱۶).
- ۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۴۶..
- ۴- (۴). همان، ص ۳۳۸، به نقل از مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ص ۶۴ - ۶۵..
- ۵- (۵). برافراشتن پرچم مولا- علی علیه السلام توسط آیت الله حجت در شهرهای کابل و مزار، آن هم در مقابل دیدگان هزاران نفر از اهل سنت، چنان بازتابی در محافل سیاسی به وجود آورده بود که دولتمردان احساس خطر می کردند. در یک مورد صدر الاعظم «هاشم خان» گفته بود: «میر علی احمد حجت پرچم سخی را بلند نکرده، بلکه پرچم شیعه را برافراشته است و ما نمی توانیم جلو او را بگیریم»..

۳. برای نخستین بار، بانگ رسای «أشهد أنّ عليّاً وليّ الله» را به سبک شیعی در فضای شهر کابل و کشور طنین انداز کرد.

۴. مساجد، حسینیه ها و پایگاههای عبادی و اجتماعی شیعیان را احداث و بازسازی کرد.

۵. اماکن مذهبی و زیارتگاهها که سمبل اهل بیت علیهم السلام شناخته می شدند را تجدید بنا نمود.

طولی نکشید که فعالیت‌های خالصانه آن بزرگ مرد، به ثمر نشست و شیعیان و سنیان با فرهنگ و مذهب اهل بیت علیهم السلام آشنا شدند و حضور مذهب جعفری در کنار مذهب حنفی را تحمّل کردند؛ هرچند در این مسیر غمهای فراوانی بر قلب او، دوستان و شاگردانش سایه افکند.

وی برای انجام این وظیفه مهم به گونه ای حساب شده وارد صحنه شد. ابتدا در خانه های افراد مؤمن و مورد اطمینان احکام دین و اصول و فروع مذهب شیعه را بیان کرد و آنگاه که زمینه برای یک حرکت اصلاحی بزرگ آماده شد، به اظهار مذهب پرداخته و تا تثبیت آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.

- انجام مناظرات علمی با صاحبان علم و اندیشه:

□  
آیت الله حجّت در این مناظرات، همان طور که جهل و تقیّه را از جامعه شیعه زدود؛ تعصب اهل سنت نسبت به شیعیان را هم کاهش داد. موضوع مناظرات او در رابطه با حقایق مذهب تشیع و ردّ اتهامات وارده بر آن، ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مسائل و احکام مذهبی شیعیان بود که بیشتر در مقرّ پادشاهی ظاهرشاه و در حضور او، یا در مساجد و محافل علمی انجام می شد. این مناظرات به جهت حساسیتها و جو اختناق آمیز آن روز، معمولاً دور از انظار عموم و به صورت خصوصی برگزار می شد، لذا به خاطر نبود امکانات صوتی، و بی توجهی شاهدان احتمالی، چیزی از این مناظرات در دست نیست و تنها گوشه هایی از بعضی مسائل، بعدها از زبان آن باغبان بیدار یا اطرافیانش نقل شده است، از جمله:

(الف) در حسینیه بزرگ چنداول، مناظره ای بین ایشان و یکی از عالمان اهل سنت به نام

«مولوی محمّد نبی کاموی» که چندی در سمت قاضی کابل ابقاء وظیفه می کرد، صورت گرفت. مولوی درحالی که تربت سید الشهدا علیه السلام را در دست گرفته بود، خطاب به آیت الله حجّت گفت: شما شیعیان دو خدا دارید، یکی خدای متعال و دیگری این خاک که آن را می پرستید و سجده می کنید.

سید به یکی از شیعیان حاضر رو کرد و پرسید: تو چرا به خاک سجده می کنی؟ او گفت:

به خاطر اینکه خدای یکتا را پرستش نمایم. معظم له به مولوی نگاه کرد و گفت: اگر سجده کردن به خاک شرک و پرستش دو خدا باشد باز ما شیعیان از شما بهتریم؛ چون، دو خدا داریم؛ ولی شما چندین خدا دارید، چون به هر چیزی سجده می کنید، به فرش، پتو، پارچه، زمین و... .

در پایان مناظره از مولوی پرسید: حالا نظر شما در رابطه با سجده بر خاک چیست؟ مولوی درحالی که به مهر اشاره می کرد، گفت: این خاک، تربت مقدّس است، درحالیکه من سجده بر خاک انگلیس را هم مجاز می دانم. (۱)ب) یکی از شاگردانش می گفت: در مجلس بسیار مهم و آراسته، یکی از قضات و عالمان اهل سنت پرسید: شما به چه دلیل در اذان «أشهد أن علياً وليّ الله» می گوید؟ آقا پاسخ داد: این سخن ما شیعیان نیست؛ حرف خداوند است که در قرآن کریم فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (۲) قرآن کریم می فرماید: «ولّی» شما خدا و پیامبرش و آن مؤمنانی هستند که در حال رکوع زکات می دهند.

آن مؤمن علی علیه السلام بود. پس علی علیه السلام ولی خداست.

او گفت: این ادعای شما شیعیان است. سید پاسخ داد: این قضیه در کتاب های شما نیز ذکر شده است. در این لحظه آیت الله حجّت به شاگرد ارجمندش آیت الله شیخ محمّد علی مدرّس کابلی اشاره کرد و گفت: «بیاور کتاب را» شیخ فوراً کتاب «مشکات شریف» را که از منابع

ص: ۳۹۹

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۴۱، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، ص ۱۲۱ - ۱۲۲..

۲- (۲). سوره مائده، آیه ۵۵..

مهم حدیثی اهل سنت است، حاضر کرد. عالم سنی مذهب با مشاهده مطلب مورد بحث از جا بلند شد و دست ایشان را بوسید. (۱) - اعزام مبلغ به شهرهای سنی نشین:

□  
تبلیغ فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در شهرهای مختلف، به ویژه مناطق سنی نشین، از محورهای خدماتی آیت الله حجت بود. با آزادی مذهب جعفری در کابل، شیعیان شهرهای دیگر نیز احساس امتیت کردند و مراسم عزای سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و اعمال مذهبی را آشکارا انجام دادند. به همین سبب، دامنه فعالیت‌های تبلیغی وی گسترش یافت.

مهم ترین شهرهایی که با پذیرش این مبلغان، در جهت رشد و توسعه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام گام برداشتند، عبارت بودند از: جلال آباد، پلخُمری، قندوز، قندهار، هرات، مزار شریف، لوگر و... بدین سان حضور معنوی آیت الله حجت کابلی، سراسر کشور را فرا گرفت. (۲)

ص: ۴۰۰

- 
- ۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۴۱، به نقل از احیاگر شیعه در افغانستان، ص ۱۷۸ - ۱۷۹، با کمی تلخیص..  
۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۳۴۲ - ۳۴۳..

متوفای: ۱۳۵۴ ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام سجاد علیه السلام ۱

نام: سید محمد هادی، نام پدر: سید جعفر، ولادت:

هفتم محرم الحرام ۱۳۱۳ق، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او پس از دوران کودکی مقدمات علوم را نزد اساتید خود فرا گرفت. پس از چندی به تحصیل در دروس سطح حوزوی مشغول گردید. سید محمد هادی پایه های علمی خود را در فقه و اصول استحکام بخشید و در دروس خارج فقه و اصول شرکت نمود. وی در زمینه علوم فلسفی نیز تلاش زیادی کرد و همچنین به دانش تفسیر و علوم قرآنی روی آورد و از محضر اساتید این رشته نیز بهره برد. سپس به تدریس پرداخت و در طول ۱۸ سال اقامت در کربلا شاگردان زیادی را به دنیای علم و کمال معرفی نمود.

اساتید، حضرات آیات: آقا میرزا ابراهیم همدانی، آخوند ملا محسن تبریزی، شیخ ابراهیم سالیانی، سید جعفر اردبیلی، حاج شیخ علی ایروانی، آقا شیخ غلامعلی قمی، آقا شیخ ابوالقاسم مامقانی (دایی)، سید ابو الحسن اصفهانی، مرحوم نائینی، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ محمد جواد بلاغی.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: حاج شیخ حسین وحید خراسانی، سید ابراهیم علم الهدی سبزواری، سید عباس صدر، سید حسین شمس، شیخ محمد رضا مهدوی دامغانی، شیخ محمد تقی جعفری، سید نور الدین میلانی، کاظم مدیر شانه چی و....

آثار قلمی: محاضرات فی الفقه الامامیه، قادتنا کیف نعرفهم، مختصر الاحکام، مناسک حج، ده پرسش، حاشیه المکاسب، نخبه المسائل، و... ۲.

سرانجام: ایشان پس از عمری تلاش و خدمت به اسلام و مسلمین، روز جمعه ۱۷ مردادماه ۱۳۵۴ش، دیده از جهان فانی فرو بست و به سرای ابدیت هجرت نمود.

مرقد: ایران، مشهد مقدس، جوار مرقد مطهر امام رضا علیه السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۶۵، به نقل از مقدمه محاضرات فی الفقه الامامیه (زکوه)، سید فاضل حسینی، ج ۱، ص ۶.

۲. همان، ص ۷۶۵ - ۷۷۳.

- اعزام مبلغانی به مناطق گوناگون اطراف مشهد.

□  
- ملاقات آیت‌الله میلانی با شیخ محمد ضحّام و جمعی از اساتید علوم اسلامی جامع‌الازهر و شیخ خلیل حصیری (قاری قرآن)، به همراه سفیر وقت مصر در ایران در ۱۳۵۰ق.

- دیدار با علمای بزرگ شیعه و سنی و تبادل نظر در رابطه با جهان اسلام.

□  
- دیدار و گفتگو با آیت‌الله شیخ محمد تقی قمی (نماینده دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامی) و تحویل لوحی که فتوای معروف شیخ محمود شلتوت در رابطه با جواز عمل به مذهب شیعه نوشته بود در سال ۱۳۳۹ش. (۱) - دیدار با مصلح بزرگ مرحوم آیت‌الله محمد جواد مغنیه در سال ۱۳۸۲ق.

- مذاکره با علامه شیخ محمد جواد الشری در سال ۱۳۸۱ق، پیرامون وضعیت شیعیان و مسلمانان کشورهای اسلامی بویژه شیعیان آمریکا.

- دیدار و گفتگو با فرستاده رئیس اداره دینیّه مسلمانان آسیای میانه و قزاقستان در سال ۱۳۸۲ق. (۲) در این قسمت ذکر خاطره جالبی از یک پروفیسور مسیحی در رابطه با شخصیت معنوی مرحوم آیت‌الله میلانی خالی از لطف نیست:

□ □  
دکتر «برلون» پروفیسور مسیحی یکی از جراحان تیم پزشکی آیت‌الله میلانی بود که خاطره‌هایی از آیت‌الله میلانی نقل کرده و سپس آن را عامل مسلمان شدن خود می‌داند.

او می‌گوید: «من پس از عمل جراحی سید، پیش از آن که ایشان از حالت بیهوشی بیرون بیاید مراقب بودم که وقتی به هوش می‌آید چه می‌گوید (چرا که این مرحله از نظر پزشکان مرحله حسّاسی است، شاید بیمار بعضی از اسرار زندگیش را هم بگوید) ایشان آرام حرکت کرد و درحالی که در آن لحظه خدا خدا می‌گفت، با پروردگارش راز و نیاز می‌کرد. من تحت

ص: ۴۰۲

---

۱- (۱). این لوح اکنون در موزه آستان قدس رضوی علیه السلام نگهداری می‌شود..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۷۰ و ۷۷۱..

تأثیر این صحنه شگفت، به حقانیت آیین اسلام پی بردم و بدان گرویدم».<sup>(۱)</sup> جالب اینکه دکتر برلون پس از گرویدن به اسلام وصیت کرده بود، او را پس از مرگ در شهر مقدس مشهد دفن کنند که اکنون آرامگاه وی در قبرستان خواجه ربیع شهر مقدس مشهد است. به برکت نفس مسیحایی آیت الله میلانی دو نفر دیگر نیز از مسیحیت به آیین اسلام گرویدند که شرح آن در «نامه آستان قدس» اینگونه آمده است: «آقای کیورکی» و خانمش «رافیک اسلانیان» در حضور مرحوم آیت الله سید محمد هادی میلانی مسلمان شدند. و با پیشنهاد ایشان اسم آقا به «علی» و خانمش نیز به «فاطمه»<sup>(۲)</sup> تغییر کرد.

ص: ۴۰۳

□

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۶۸ به نقل از حیات آیه الله سید میلانی، خطی، عربی..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۶۹..

ربوده شده در سال ۱۳۵۷ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام موسی کاظم علیه السلام

نام: سید موسی، نام پدر: سید صدر الدین، ولادت:

۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۷ش، محل تولد: ایران، قم (محلّه عشقلی).

تحصیلات: او پس از گذراندن ایام نونهالی و نوجوانی در سال ۱۳۲۰ش وارد حوزه علمیه قم گشت.

مدّتی بعد توانست از محضر بزرگان حوزه در درسهای خارج فقه و اصول استفاده ببرد. او همزمان با دروس حوزوی در ۱۳۳۲ش وارد دانشگاه گردید و موفق به اخذ مدرک لیسانس حقوق اقتصادی شد. وی به زبان عربی تسلط داشت و در راه فراگیری زبانهای انگلیسی و فرانسوی نیز تلاش نمود و موفق شد.

اساتید، حضرات آیات: سید محمّد باقر سلطانی طباطبایی، محقق داماد، سید محمّد تقی خوانساری، حجّت کوه کمره ای، سید صدر الدین صدر (پدر)، علامه طباطبایی، سید کاظم شریعتمداری، سید رضا صدر (برادر)، سید محسن حکیم، سید عبد الهادی شیرازی، سید محمود شاهرودی، سید ابوالقاسم خویی. ۲.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: علی اکبر هاشمی رفسنجانی، یوسف صانعی، محمّد رضا توسلی، علی اصغر مسلمی کاشانی، محمّد جواد حجّتی کرمانی، محمّد حسین بهجتی (امام جمعه اردکان)، سید محمّد غروی، سید عیسی طباطبایی، زین العابدین قربانی (امام جمعه رشت).

آثار قلمی: اقتصاد در مکتب اسلام، اسلام و مشکل اختلاف طبقاتی، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، احادیث السحر، دراسات للحیاه، الاسلام والمرأه، الاسلام والتطور، الاسلام والعبادات، تأملات حول بحث تعالیم الاسلامی، المعاملات الجدیده فی ضوء الفقه الاسلامی. ۳.

سرانجام: امام موسی صدر و دو تن از همراهان، در بعدازظهر روز ۹ شهریور ۱۳۵۷ در حالی که از هتل الشاطی بیرون می آمدند تا در ماشین های تشریفات دولت لیبی سوار شوند و به دیدار قذافی ۴ بروند، چند لحظه ای در مقابل هتل مشاهده گردیده و سپس ربوده شدند. حیات یا ممات ایشان هنوز مشخص نیست.

۱. طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سرورش وحدت، ص ۲۵ - ۲۶، به نقل از لبنان به روایت امام موسی صدر، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۲۴ - ۲۸.

۳. همان، ص ۱۳۵ - ۱۳۸.

۴. وی دارای یک سری اندیشه های خرافی و غیر معقولی است؛ از جمله آنکه: سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بعضی مسائل شریعت را به شدت رد می کند و مذاهب شیعه و سنی را قبول ندارد، تنها قرآن را می پذیرد و برای آن تفسیرات خاصی قائل است و به موجب روحیه برتری طلبی، همواره خود را تنها جانشین خدا روی زمین و امیر المؤمنین تمام مسلمانان جهان می داند. (گلشن ابرار، ج ۲، ص ۷۹۷، به نقل از کتاب لبنان، ص ۳۹۶).

ص: ۴۰۴

- یکی از آرزوها و آرمانهای دیرین امام موسی صدر، وحدت امت اسلامی در سرتاسر جهان بود.

- به طور کلی شعار ایشان را در مبارزاتش می توان چنین مطرح نمود: هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست. اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند. (۱)- امام موسی صدر قائل به نظریه وحدت فقهی بود، زیرا در میان شخصیت های اسلامی اعم از شیعه و سنی پیرامون وحدت بین پیروان مذاهب در مرحله اول، دو نظریه منفی و مثبت وجود دارد.

صاحبان نظریه منفی: که تعداد شان در اقلیت مطلق است معتقدند که نقطه مشترکی میان شیعه و سنی وجود ندارد، همه چیز این دو مذهب در تمام ابعاد با همدیگر فرق می کند بنابراین هیچ امکان و دلیلی برای وحدت به چشم نمی خورد.

صاحبان نظریه مثبت: که از نظر چگونگی و کیفیت آن با همدیگر فرق دارند؛ به چند گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: این موضوع هیچ ربطی به وحدت خود مذاهب ندارد و هرکدام از این مذاهب باید اصول و فروع خود را حفظ کنند و تنها پیروان مذاهب هستند که در عین حفظ اصول و فروع مذهب خویش، با پیروان مذاهب دیگر باید متحد شوند. این نظریه از دیدگاه امام موسی صدر لازم است، ولی کافی نمی باشد.

گروه دوم: تمام مذاهب اسلامی موظفند ضمن صیانت از هویت مذهبی خویش، تنها به نقاط مشترک میان مذاهب اهتمام بورزند؛ البته در این راستا گامهای بلند و مبارکی هم برداشته شد، مانند اقدام مرحوم شیخ طوسی صاحب کتاب ارزشمند خلاف و مرحوم علامه حلی صاحب کتاب تذکره.

این نظریه نیز با همه اهمیتی که دارد بیشتر در میان علما و اندیشمندان و محافل علمی

ص: ۴۰۵

---

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۵)، ص ۹۴، به نقل از الامام الصدر والحوار، مرکز الامام الصدر للابحاث والدراسات، بیروت، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹..

بروز و ظهور داشته و در میان توده میلیونی مردم چندان کارایی ندارد.

گروه سوم: که به احتمال قوی طلایه دار آن امام موسی صدر می باشد، ضمن احترام به صاحبان و پیروان نظریه های قبل، آنها را لازم و ناکافی دانسته است، فلذا نظریه وحدت فقهی را مطرح می نماید، امام موسی صدر پیرامون این موضوع می گوید:

«برج اسلامی که در پایه و اساس واحد است و امت اسلامی در عقیده، کتاب، مبدأ، معاد و منتهی یکی است، نیاز به این دارد که در جزئیات هم یکی باشد». او ضمن مصاحبه ای با مجله «المصوّر» چاپ قاهره در جواب خبرنگار پیرامون وحدت بین مذاهب چنین گفت:

«... این موضوع بعد از دستیابی به وحدت فقهی امکان پذیر است و تنها با گفتگوی خالی و مذاکره تئوری رهبران مذاهب، به دست نمی آید، چون مذاهب گوناگون در عمق جان پیروان خویش شکل گرفته است...».

تلاش ها

- اقدام اساسی جهت عدم تفرقه میان مسلمانان و سعی فراوان به منظور وصول به وحدت کامل.

- همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت در کشور.

- سعی در ارتباط دوستانه با علمای اهل سنت.

- ایجاد وحدت کلمه در میان عقول و قلوب مسلمین و به تعبیری دقیق تر، عمق بخشیدن به وحدت مسلمانان و قرار دادن آن بر پایه های فکری و عاطفی استوار، که دو راه را برای تحقق آن پیشنهاد نمود: (۱) یکی کردن فقه (۲) کوششهای مشترک شامل:

الف: هدفهای شرعی: مانند یکی کردن اعیاد و شعائر دینی، برگزاری نماز جماعت مشترک، اذان و... ب: هدفهای اجتماعی: مبارزه با بی سوادی سرپرستی ایتم و... ج: هدفهای میهنی: آزادی فلسطین، پشتیبانی از لبنان و...

ص: ۴۰۶

- صراحت در معرفی رژیم غاصب صهیونیست به عنوان شرّ مطلق.

- اعلام حرمت همکاری با صهیونیست. (۱) - نامه تاریخی و کم نظیر امام موسی صدر به مفتی وقت لبنان، (حسن خالد) که محتوی نکاتی ظریف و دقیق پیرامون وحدت بین مذاهب بود و در آن خواستار اقدام عملی و جدّی در این امر مهم و سرنوشت ساز شد. (۲)

### ثمره تلاش ها

- تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان.

- تأسیس سازمان نظامی أمل که بعدها زمینه تشکیل حزب الله لبنان گردید. (۳) - وحدت و هویت بخشیدن به شیعیان لبنان و ایجاد همزیستی و اقدام متقابل میان پیروان ادیان و طوایف سیاسی در لبنان. (۴)

ص: ۴۰۷

۱- (۱). روزنامه جمهوری اسلامی، دو شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۷۸..

۲- (۲). متن فارسی این نامه در کتاب طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سرور و وحدت، ص ۹۶ - ۱۰۳ آمده، و متن عربی آن در کتاب ابجدیه الحورا به کوشش حسین شرف الدین، ص ۱۵۹ به چاپ رسیده است..

۳- (۳). اقدامات عالمانه و پر ارج امام موسی صدر در این راه به ثمر نشست و امروز حزب الله لبنان به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین نماد ایثار و فداکاری در جهان اسلام بر همه دنیا شناخته شده است. بحمدالله نهال طیبه مقاومت اسلامی لبنان و یا همان حزب الله لبنان که سالها پیش به دست شخصیت هایی چون امام موسی صدر کاشته شد و با خون شهیدان بزرگواری چون حجج اسلام شهید راغب حرب، شهید سیدعباس موسوی و نیز شهید مصطفی چمران، شهید عماد مغنیه و... آبیاری گردید، اکنون به درختی تنومند تبدیل گشته و تحت عنایات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، توسط دبیر مقتدر کنونی حزب الله حجه الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله به ستیز در برابر استکبار جهانی خصوصاً رژیم منحوس و پوشالی اسرائیل ادامه می دهد..

۴- (۴). روزنامه جمهوری اسلامی، دو شنبه ۱۰ خرداد ماه ۱۳۷۸..

متوفای: ۱۳۵۸ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام محمد باقر علیه السلام ۱

نام: سید محمود، نام پدر: سید ابو الحسن، ولادت:

شنبه ۴ ربیع الاول ۱۳۲۹ق، ۲ محل تولد: ایران، طالقان، روستای گلیرد.

تحصیلات: او پس از پشت سر نهادن دوران ابتدایی، در سنین جوانی و در ۱۹ سالگی وارد قم شد و از محضر اساتید بزرگ حوزه بهره برد. سید محمود مدتی بعد برای بهره گیری از دروس علمای برجسته نجف وارد آن دیار شد، اما پس از چندی مجدداً به قم و مدرسه فیضیه بازگشت. وی پس از سالها تحصیل، از محضر آیت الله العظمی حائری یزدی اجازه اجتهاد گرفت ۳ و سپس به قصد تدریس و آموزش در مدرسه عالی شهید مطهری (سپه سالار سابق) به سمت تهران شتافت.

اساتید: آیت الله حجت، آیت الله خوانساری. ۴

آثار قلمی: پرتویی از قرآن، درس وحدت، مرجعیت و فتوا، آیه حجاب، درسی از قرآن، به سوی خدا می رویم، آزادی و استبداد، و... ۵.

سرانجام: ایشان پس از سالها تلاش، خدمت و مبارزه در راه وحدت مسلمانان، در بامداد روز دوشنبه ۱۹ شهریور ماه ۱۳۵۸ش به سوی حق شتافت و ملتی در غم فراقش غرق ماتم شدند.

مرقد: ایران، تهران، بهشت زهرا علیها السلام.

۱. دائره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۳۹.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۰۶، به نقل از یادنامه آیت الله طالقانی، ص ۷.

۳. همان، ص ۸۰۷، به نقل از مجله حوزه، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۱۶، ص ۱۲.

۴. همان، به نقل از یادنامه آیت الله طالقانی، ص ۷.

۵. همان، ص ۸۱۲.

□  
 - مرحوم آیت الله طالقانی می گفت: ما می دانیم که مسأله ولایت و ایمان به شخصیت و ولایت علی علیه السلام، از اصول شیعه است، از مبانی شیعه است، ولی همین را هم نباید اگر اختلاف انگیز باشد مطرح کنید. چه رسد به اینکه مسلمانها، در مقابل هم با شعار اسلام، با تلاوت آیات، صف بندی کنند. (۱) - عقیده وی آن بود که دسائس بیگانگان که زیر پرده، به شدت مشغول تحریک و کید است، از همین اختلافها و صف بندی ها و موضع گیری ها استفاده خواهد کرد. (۲) - وی از خطراتی که جهان اسلام را تهدید می کرد نگران بود. در رأس این خطرات دولت اسرائیل قرار داشت که در قلب سرزمینهای اسلامی و با حمایت همه جانبه استکبار جهانی - با ترور و سرکوب و بی خانمانی مسلمانان منطقه در سرزمین مقدس فلسطین - تأسیس شده بود. (۳) - ایشان در دعاهای آخر سخنرانی خویش، این گونه دعا می نمود: خداوندا، رهبر عظیم ما را که فرزند علی علیه السلام، است تأیید فرما. خداوندا، او را که وسیله وحدت ماست، موفق و سالم بدار. (۴) - وی نماز جمعه را مظهر وحدت می دانست و می گفت: نماز جمعه و اجتماعات بسیار پرشکوه و پر معنا، این برکات وحدت، وحدت در هدف، وحدت در رهبری، همه اینها برکت و خیر بود برای ما. (۵) - در نگاه ایشان، علت گرفتاریها و عقب ماندگی ها، همان تفرقه در میان امت اسلام است. (۶)

ص: ۴۰۹

- 
- 
- ۱- (۱). بخشی از پیام آیت الله طالقانی، مجله امت اسلامی، سال اول، شماره ۱۳، ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۹..
- ۲- (۲). همان..
- ۳- (۳). علمای مجاهد، ص ۳۰۲..
- ۴- (۴). سخنرانی در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۰ق، کاخ سعد آباد؛ مجله امت اسلامی، سال دوم، شماره ۳۳، ۴ مهر ماه ۱۳۶۰..
- ۵- (۵). همان..
- ۶- (۶). دائره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۴۲..

- حمایت از تأسیس «دار التقرب بين المذاهب الاسلاميه» وی در این رابطه نوشت:

راه تقرب، که جمعی از علمای بیدار و مجاهد پیش گرفته اند همین است که با نور تفکر، محیط ارتباط اسلامی را روشن سازند و با نوک قلم، باقیمانده ابرهای تاریک را از افق فکری مسلمانان زایل گردانند، تا وحدت واقعی پایه گیرد، نه اتحاد صوری و قراردادی. (۱)- شرکت در کنفرانس های مؤتمر اسلامی شامل، مؤتمر شعوب المسلمین (کراچی ۱۳۳۱ ش)، مؤتمر اسلامی قاهره (۱۳۴۰ ش) (۲)، مؤتمر اسلامی فلسطین (۱۳۲۸ ش): او خاطره خود را از شرکت در کنگره مؤتمر فلسطین چنین بیان می کند: «در سال ۱۳۲۸، اولین سفری که به مؤتمر فلسطین رفتم، از نزدیک به آوارگان فلسطینی می اندیشیدم. از کشورهای اسلامی و عربی [نمایندگانی] به کنفرانس آمده بودند ولی بعضی فقط حماسه می خواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غصب شده داشتند. از نزدیک افسردگی، ظلم، حق خوردگی مردم فلسطین را می دیدم که چگونه اینها مورد رعایت و مورد انفاق سازمان ملل و همان دنیا و کشورهای واقع شده اند که اینها را آواره کرده اند. اول از سرزمینشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک کردند».

□  
مرحوم آیت الله طالقانی بیست سال پس از آن تاریخ در خطبه نماز عید سعید فطر ۱۳۴۸ به مسأله فلسطین پرداخت و ضمن آگاه کردن مردم، از ستم رفته بر برادران و خواهران مسلمان فلسطینی و یادآوری مسئولیت آنان در این مبارزه، از مردم ایران خواست تا فطریه هایشان را برای کمک به مبارزان مسلمان بدهند و خود نیز چنان کرد. (۳)- تشویق آیت الله بروجردی جهت تأسیس دار التقرب بين المذاهب الاسلاميه

□  
- مسافرت به کشورهای اسلامی بنا به توصیه حضرت آیت الله بروجردی.

- ترجمه کتاب تحلیلی و پرارزش «علی بن ابی طالب علیهما السلام»، تألیف یک مسلمان سنی با انصاف، از کشور مصر. (۴)

ص: ۴۱۰

۱- (۱). گلشن ابرار ج ۲ ص ۸۱۰ به نقل از نهضت بیداری در جهان اسلام ص ۱۵۱.

۲- (۲). دائره المعارف تشیع ج ۱۰ ص ۴۴۲..

۳- (۳). علمای مجاهد ص ۳۰۲.

۴- (۴). همان، ص ۴۴۳..

شهادت: ۱۳۵۸ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: حاج شیخ محمود، ولادت:

۱۳۰۷ ش، محل تولد: ایران، همدان.

تحصیلات: او علوم مقدماتی را نزد پدر ادیش فرا گرفت و در سال ۱۳۲۲ ش به قم مهاجرت نمود. ذوق سرشار و استعداد فراوان او باعث شد تا در طول مدّت ۲ سال، دروس رسائل، مکاسب و کفایه را به اتمام رسانده و به تدریس در حوزه علمیه مشغول گردد. وی سپس در دروس خارج فقه حضرت امام خمینی رحمه الله و برخی اساتید دیگر شرکت جست. (۱) شیخ محمّد به موازات علوم حوزوی تحصیلات دانشگاهی را پی گرفت و به دریافت مدرک دکترا در رشته الهیات و معارف اسلامی نائل آمد.

اساتید، حضرات آیات: امام خمینی رحمه الله، مجاهد تبریزی، بروجردی، علامه طباطبایی، گلپایگانی، مرعشی نجفی، میرزا ابو الحسن رفیعی و حجّت.

شاگردان: جمع زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاه تهران و نیز فضلالی حوزه علمیه قم و مدرسه علمیه منتظریه (حقّانی)، از جمله حضرات آیات و حجج اسلام: سید محمّد رضا طباطبایی، علی مؤیّدی، کاظم صدیقی، علی جنتی، سید هادی رفیعی پورعلوی، محمّدی عراقی، مهدی عبداللهی، علی رازینی، علی فلاحیان، محمّد حسین طارمی و ... .

آثار قلمی: ترجمه تفسیر مجمع البیان، روش اندیشه، آیات اصول اعتقادی قرآن، حکمت الهی و نهج البلاغه، نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم و ... . (۲)

□  
سرانجام: آیت الله دکتر مفتّح در صبح روز ۲۷ آذر ۱۳۵۸، در جلو دانشگاه الهیات تهران، توسط گروه منحرف فرقان، هدف چندین گلوله قرار گرفت و به فیض شهادت نائل آمد.

مرقد: ایران، قم، یکی از مقبره های ضلع شرقی حرم منور حضرت معصومه علیها السلام .

ص: ۴۱۱

۱- (۱) . دیدار با ابرار (۷۸)، شهید مفتّح تکبیر وحدت، ص ۲۶ و ۲۷.

۲- (۲) . همان، ص ۷۶ - ۸۳ .

- شهید مفتّح عقیده داشت برای تحوّل در اندیشه های مردم لازم است که آنان را از درّه نادانی به قلّه آگاهی رسانید.
- او معتقد بود هر مسلمانِ علاقه مند و وظیفه شناسی باید در دو جبهه مبارزه کند، در یک جبهه با دشمنان اسلام و در جبهه ای دیگر با جهل و خرافه پرستی.
- آن اندیشمند بزرگ بر این باور بود که اگر استعمار بگذارد مسلمانان جهان باهم ارتباط یابند و اختلافات مرزی و قومی از بین برود، اقتدار اسلامی ارمغان آن است که طوفان استعمار را درهم می پیچد. این توان مذهبی اگر تحقّق یابد دیگر به ابرقدرتها اجازه چپاول، غارت و سلطه گری، توأم با ظلم و ستم به محرومان را نمی دهد.
- به حقیقت، آن اندیشمند والا مقام، منادی وحدت تمامی اقشار جامعه بود که با الهام از قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام، قومیت گرایی، ملیت پرستی و گرایش های نژادی را آفتی مهلک برای این تشکّل قوی اعلام می نمود. وی می گفت: ناسیونالیسم حربه استعمار است و از این طریق بین مسلمین بذر نفاق و تفرقه می افشاند. [\(۱\)](#) تلاش ها
- انجام سفرهای تبلیغی در مناطق گوناگون از جمله زاهدان، کرمانشاه، کرمان و...
- تأسیس جلسات علمی و اسلام شناسی با هدف شناساندن چهره اصلی اسلام.
- تأسیس کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان [\(۲\)](#): این کانون، اولین مجتمع اسلامی زنده بود که در آن گروههای مختلف جمع می شدند و جلوه ای بود از هماهنگی همه قشرهای جامعه بر محور اسلام عزیز و بینش پر جوشش اسلامی.

ص: ۴۱۲

- 
- ۱- (۱). دیدار با ابرار (۷۸)، ص ۴۷، به نقل از وحدت در امت اسلام، سخنرانی شهید دکتر مفتّح، مندرج در مجلّه پیام انقلاب، شماره ۱۷۷..
  - ۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۱۵، به نقل از فرازهایی از زندگی شهید دکتر مفتّح، ص ۶ - ۷..

- ورود به سیستم آموزش و پرورش و تلاش در جهت تحکیم وحدت. (۱) - تشکیل جلسات سخنرانی در مسجد رضوی قم و استفاده از سخنرانانی چون شهید مطهری و ...

- دکتر مفتّح در سفر حجّ سال ۱۳۴۹ش ضمن انجام اعمال و فرائض این برنامه عبادی و سیاسی، به مسائل جهان اسلام توجه داشت و از اینکه «مؤسسه رابطه العالم الاسلامی» برای ایجاد رابطه بین کشورهای اسلامی تشکیل شده است بسیار خوشنود بود؛ ولی از این جهت که تشکیلات مزبور در کشور تحت سلطه سعودیهایی که به رژیم آنها هیچ اعتقادی نداشت برگزار شده، برایش پذیرفتن چنین عنوانی سخت بود. با این وجود در آن مجمع بزرگ شرکت نمود و موضوع سخنرانی یکی از افراد - که در مورد موانع جنبش اسلامی در آفریقا بود - ایشان را سخت تحت تأثیر قرار داد. (۲) آن شهید بزرگوار در یکی از سخنرانهای خود از آن روز چنین یاد می کند:

«سخنران در آغاز، شرح مبسوطی درباره جنبش اسلام در آفریقا عنوان نمود، اینکه آفریقا چطور به اسلام گرایش نشان داد و هر روز گروه گروه مسلمان می شوند. آفریقای سیاه رنج‌دیده از استعمار، آفریقایی که از دست مسیحیت و مبشرین مسیحی رنج برده بود، آرام آرام در اثر تبلیغات کشورهای اسلامی به اسلام گروید». (۳)

ص: ۴۱۳

---

۱- (۱) . وی با اینکه یکی از برجسته ترین اساتید حوزه و دانشگاه بود، در این ۲ پایگاه حسّاس و نیز در دبیرستانهای قم به تدریس مشغول بود و به منظور آگاهی دادن به توده مردم و بیدار کردن و به حرکت درآوردن آنان تلاش های وسیع داشت. (گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۱۶) .

۲- (۲) . دیدار با ابرار (۷۸)، ص ۵۵ ..

۳- (۳) . همان، ص ۵۶، به نقل از ویژگی های زعامت و رهبری، ص ۵۶ ..

شهادت: ۱۳۵۸

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سید محمد علی، نام پدر: حاج سید باقر، ولادت:

۶ جمادی الاولی ۱۳۳۱ق، محل تولد: ایران، تبریز.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران کودکی، مقدمات تحصیل را از محضر اساتید خود فرا گرفت.

پس از چندی در سال ۱۳۵۹ق در سنین جوانی به قم آمد و در درسهای فلسفه حضرت امام خمینی رحمه الله شرکت نمود. سید محمد علی طی ۱۰ سال اقامت خود در قم، از محضر علما و بزرگان قم استفاده ها برد. سپس در سال ۱۳۶۹ق عازم نجف گردید. ایشان پس از سالها تلاش و کوشش توانست قله رفیع فقاہت را طی نموده و به درجه اجتهاد نائل آید، تا جایی که خود او می نویسد که از ۲۰ نفر از مراجع بزرگ، درجه اجتهاد و اجازه روایت دریافت نمودم. ۱.

□  
اساتید، حضرات آیات: میرزا محمد حسین، حاج میرزا اسد الله قاضی، سید محمد حجت کوه کمری، سید صدر الدین صدر، سید محمد رضا گلپایگانی، سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خویی، حاج شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، امام خمینی رحمه الله .

آثار قلمی: گوشه ای از دریای تألیف ایشان عبارت است از: تعلیقات بر کتاب اسلام صراط مستقیم، رساله در دلالت آیه تطهیر بر اهل بیت علیهم السلام، رساله فی مسأله الترتب، تحقیق درباره روز اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، الاجتهاد والتقلید، اجوبه الشبهات الواهیه، فصل الخطاب فی تحقیق اهل الكتاب، و... ۲.

سرانجام: ایشان پس از عمری مجاهدت، تعلیم و تربیت و نویسندگی، در تاریخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۸ در حالی که روز عید قربان نماز عید را خوانده بود، به هنگام شب، بعد از نماز مغرب و عشا، توسط گروهک منحرف فرقان، قربانی دین خدا گشت. ۳.

□  
۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۲۲ - ۸۲۴، به نقل از مقدمه کتاب اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، نوشته آیت الله قاضی طباطبایی.

۲. همان، ص ۸۲۹ - ۸۳۰.

۳. همان، ص ۸۲۸.

ص: ۴۱۴

- آیت‌الله قاضی یکی از عالمان روشن بین و ژرف‌نگری بود که همیشه بر وحدت اسلامی تأکید داشت و در فرصت‌های مناسب با رفتار مدبرانه، در جهت تحقق بخشیدن هرچه بیشتر وحدت بین مسلمانان جهان می‌کوشید.

- ایشان می‌گوید: «یاد دارم در زمانی که از سوریه برگشته بودم و وارد عراق شدم نزدیک غروب بود، توقف کردیم که نماز مغرب را ادا کنیم و حرکت نماییم، وضو گرفته و در صحن خانه وسیعی، حصیر انداخته خواستم مشغول نماز شوم؛ دیدم عده‌ای از جوانان اهل تسنن آمدند و در چند قدمی ایستادند، فهمیدم که می‌خواهند بدانند که چطور سجده خواهم کرد! من هم در موقع سجده، پیشانی را بر بالای حصیر گذاشتم و سایر رفقا نیز اغلب از من تبعیت کردند. بعد از فراغت از نماز چند نفر از آنها جلو آمده و از حقیقت سجده بر تربت کربلا که بعضی از همراهان نماز گذاشته بودند، سؤال کردند، واقع امر را به آنها بیان کردم، بسیار قانع شده و امتنان بجا آوردند و اظهار نمودند که به ما جور دیگر تلقین کرده اند». (۱)

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۲۷، به نقل از تحقیق درباره اربعین، ص ۴۱۶. نظیر این جریان در دمشق اتفاق افتاده بود..

شهادت: ۱۳۵۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: مرتضی، نام پدر: حاج شیخ محمد حسین، ولادت: بهمن ماه ۱۲۹۸ش، محل تولد: ایران، خراسان، فریمان.

تحصیلات: مرتضی او در ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه مشهد مقدس گردید. پس از چندی در سال ۱۳۱۶ش، راهی حوزه علمیه قم گردید تا روح تشنه اش را از کوثر قرآن و زمزم عترت علیهم السلام سیراب کند. او پس از گذراندن دروس مطول، شرح لمعه و نیز بقیه علوم مقدماتی در نزد بزرگان حوزه قم، تحصیل رسمی علوم عقلی و فلسفی را در سال ۱۳۲۳ش آغاز نمود. وی بعد از ورود آیت الله بروجردی به قم، در درس فقه و اصول ایشان شرکت کرد و از بحثهای مجتهد پرور آن عالم ربانی بهره مند شد. استاد مطهری پیش از رسیدن به مرحله اجتهاد از آیت الله بروجردی تقلید می نمود.

اساتید، حضرات آیات: صدوقی، مرعشی نجفی، سید صدر الدین صدر، سید محمد رضا گلپایگانی، سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت، سید محمد محقق یزدی - معروف به داماد - انگجی، میرزا مهدی آشتیانی، حاج میرزا علی آقا شیرازی اصفهانی، آیت الله بروجردی، علامه طباطبایی، امام خمینی رحمه الله .

شاگردان، جمع زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاهها و نیز فضلاء حوزه علمیه مشهد و قم از جمله حضرات آیات و حجج اسلام: ممدوحی، محمود عبداللهی، شهید شاهچراغی، شهید غلامحسین حقانی، علامه شهید سید عارف حسین حسینی، سید هادی رفیعی پور علوی، حاج سید احمد خمینی و ...

آثار قلمی: انسان کامل، آشنایی با قرآن، خدمات متقابل اسلام و ایران، سیری در سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، تعلیم و تربیت در اسلام، فطرت، علل گرایش به مادیگری، و ده ها اثر ارزشمند دیگر. ۲

سرانجام: در شب چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ ساعت بیست و دو و بیست دقیقه، استاد مطهری به وسیله جوانی فریب خورده، از اعضای گروهک سیاسی و منافق فرقان به شهادت رسید. ۳

مقبره: ایران، قم، مسجد بالاسر حرم شریف حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۰۰ - ۸۰۱.

۲. همان، ص ۸۰۵.

۳. همان، ص ۸۰۶، به نقل از مطهری، مطهر اندیشه ها، ج ۱، ص ۶۷.

- به عقیده ایشان امروز هر تحرّک تفرقه انگیز و وحدت ستیز برای جهان اسلام زهر مُهلک است و با ضربه پذیر شدن و انزوای دین و متلاشی شدن جبهه توحید، از دست رفتن موجودیت سرزمین های اسلام و اسارت و قتل و کشتارهای وحشتناک همراه می باشد. در چنین شرایط سخت و نفس گیر، کیست که با دست خویش، تیشه بر ریشه خویش زند و هستی خود را در معرض تهاجم و تعرّض دشمنان کینه توز قرار دهد و به سوی گورستان فناء و نابودی شتاب گیرد؟ (۱) - وی معتقد بود استعمارگران در طول تاریخ به ویژه در تاریخ معاصر، همه اندیشه ها و انرژی و توان و امکانات فرهنگی و تبلیغی و سیاسی و نظامی خود را برای به تفرقه و به منازعه کشاندن مسلمانان و جلوگیری از تشکیل جبهه واحد و مقتدر و متحد اسلامی به کار گرفته و می گیرند. (۲) - آیت الله شهید مطهری معنای صحیح وحدت اسلامی را چنین تعبیر می نماید: ما خود شیعه هستیم و افتخار پیروی از اهل بیت علیهم السلام را داریم. کوچکترین چیزی حتی یک مستحب و یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی دانیم؛ نه توقع کسی را در این زمینه می پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند. آنچه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حُسن تفاهم بوجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه و حدیث و کلام و فلسفه و تفسیر و ادبیات داریم بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم تا شیعه بیش از این در حال انزوا بسر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالای نفیس معارف اسلامی شیعه بسته نباشد.

أخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصّات هر فرقه ای نوعی خرق اجماع مرکّب است و محصول آن چیزی است که قطعاً غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالأخره مختصّات

ص: ۴۱۷

۱- (۱). روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲، به نقل از یادداشتهای استاد مطهری، ج ۲، ص ۲۰۷ - ۲۰۹.

۲- (۲). روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲.

یکی از فرقی جزء متن اسلام است و اسلام مجرّد از همه این مشخصات و ممیزات و مختصات وجود ندارد. (۱) - در اندیشه او یکی از هدفهای بزرگ اسلام، بلکه بزرگترین هدف اسلام در امور عملی، وحدت و اتفاق مسلمانان است. اولین وظیفه داعیان و ارشاد کنندگان و آمران به معروف و ناهیان از منکر، این است که در طریق وحدت مسلمانان بکوشند. (۲) - ایشان عقیده داشت: اگر این استوانه اسلامی یعنی اصل دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر بخوابد، وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان نیز از میان می رود. (۳) - در نگاه آسمانی استاد شهید مرتضی مطهری؛ آنچه بر سر مسلمین آمد که شوکت آنها را گرفت و آنها را زیر دست و تو سری خور ملل غیر مسلمان قرار داد، همین اختلافات فرقه ای است.

- علامه مطهری می گفت، بدون شک نیاز مسلمین به اتحاد و اتفاق از مبرم ترین نیازهاست و درد اساسی جهان اسلام همین کینه های کهنه میان مردم مسلمان است. دشمن هم همواره از همین ها استفاده می کند. اما به نظر می رسد که اعتراض کننده در مفهوم «اتحاد اسلامی» دچار اشتباه شده است. مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضیلاب مؤمن و روشنفکر اسلامی مطرح است این نیست که فرقه های اسلامی به خاطر اتحاد اسلامی از اصول اعتقادی و یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند. چه، این که این کار نه منطقی است و نه عملی. چگونه ممکن است از پیرو یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلام و مسلمین، از فلاخن اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود، آن را جزء متن اسلام می داند صرف نظر کند؟ در حکم این است که از او بخواهیم به نام اسلام از جزئی از اسلام چشم بپوشد.

پابند کردن مردمی به یک اصل مذهبی و یا دلسرد کردن آنها از آن، راههایی دیگر دارد و

ص: ۴۱۸

---

۱- (۱). اتحاد اسلامی و تمسک به قرآن و عترت علیهم السلام، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهری، ص ۸ - ۹.

۲- (۲). همان..

۳- (۳). همان..

طبیعی ترین آنها منطق و برهان است. با خواهش و تمنا و به نام مصححت، نه می توان قومی را به اصلی مؤمن ساخت و نه می توان ایمان آنها را از آنها گرفت. (۱) - ایشان معتقد بود: آنچه آن بزرگان در نظر داشتند این بود که فرقه های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام و فقه و غیره با هم دارند، به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آنها هست می توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز درصدد طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی - که هیچ گاه عملی نیست - نبودند.

در اصطلاحات معمولی عُرف، فرق است میان حزب واحد و جبهه واحد. وحدت حزبی ایجاب می کند که افراد از نظر فکر و ایدئولوژی و راه و روش و بالأخره همه خصوصیات فکری به استثناء مسائل شخصی یکرنگ و یک جهت باشند. اما معنی وحدت جبهه این است که احزاب و دسته جات مختلف در عین اختلاف در مسلک و ایدئولوژی و راه و روش، به واسطه مشترکاتی که میان آنها هست، در مقابل دشمن مشترک در یک صف جبهه بندی کنند. بدیهی است که صف واحد در برابر دشمن تشکیل دادن، با اصرار در دفاع از مسلک خود و انتقاد از مسلک های برادر و دعوت سایر برادران هم جبهه به مسلک خود به هیچ وجه منافات ندارد.

□  
لذا آنچه علمای شیعه مخصوصاً مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل بیت علیهم السلام در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حُسن تفاهم امکان پذیر نیست. توفیقی که آن مرحوم در طبع برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حُسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد، از مهمترین موفقیتهای علمای شیعه است. جَزَاهُ اللّٰهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ خَيْرَ الْجَزَاءِ. (۲)

ص: ۴۱۹

---

۱- (۱). اتحاد اسلامی و تمسک به قرآن و عترت علیهم السلام، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهری، ص ۷ - ۸

..

۲- (۲). همان، ص ۹ - ۱۱..

متوفای: ۱۳۹۹ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: ابوالاعلی (سید احمد حسن)، نام پدر: سید احمد، ولادت: رجب ۱۳۲۱ق، محل تولد: هندوستان، حیدرآباد، اورنگ آباد.

تحصیلات: ابوالاعلی مودودی تحصیلات دینی خود را در خانه گذراند. او در سال ۱۹۱۴م در امتحان «مولوی» پذیرفته شد و به کلاس «موسوی عالم» راه یافت. ابوالاعلی تحصیلاتش را بیشتر در خانه و نزد پدرش گذراند، زیرا پدر وی از محیط مدارس مطمئن نبود. چندی بعد او پدرش را از دست داد و مجبور گشت با برادر بزرگش به عنوان ویراستار در دفتر یکی از روزنامه ها مشغول شود. مودودی یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۱۹م رسماً فعالیت های سیاسی خود را با شرکت در نهضت خلافت آغاز نمود. در این میان او دست به تألیفات دامنه داری زد. وی در سال ۱۹۴۰م در دانشکده اسلامی لاهور به عنوان استاد علوم اسلامی به تدریس پرداخت.

اساتید: افرادی که مودودی پاکستانی از آنان متأثر گردید عبارتند از: ابن خلدون، شاه ولی الله دهلوی، محمد اقبال لاهوری و حسن البنا.

شاگردان و متأثرین از اندیشه او: او متفکران زیادی از کشورهای مصر، سوریه و ایران و همچنین بسیاری از اصلاح طلبان مسلمان را تحت تأثیر قرار داد که از آن جمله می توان به سید قطب اشاره نمود.

آثار قلمی: المصطلحات اربعه، الجهاد فی الاسلام، تفهیم القرآن (تفسیر ۶ جلدی قرآن) نظام زندگی اسلام، نهضت آزادی هند و مسلمانان، نظریه سیاسی اسلام، حقوق اساسی، حقوق ذمیان، مطالبات اسلام از زنان مسلمان و... .

سرانجام: مولوی مودودی پاکستانی پس از دوره بیماری طولانی مدت که دو بار برای آن تحت عمل جراحی قرار گرفت در ذیقعدة ۱۳۹۹ وفات یافت.

۱. علمای مجاهد، ص ۴۸۱.

۲. همان، ص ۴۸۳.

ص: ۴۲۰

- وی معتقد بود: جاهلیت یعنی هر آن چه که مستند به غیر خداست. اگر دوره قبل از اسلام را دوره جاهلی می نامند، به دلیل وجود مناسباتی به حکم غیر خدا بوده است.

در این دوره هم ما جاهلیت داریم زیرا تمامی مناسبات جوامع در جهان حاضر مستند به حکم غیر خداست. پس همه جهان جاهلی است. جاهلیت جدید نیز جاهلیت قرن بیستم است. هدف اسلام چیست؟ نابودی جاهلیت. ما امروز چه باید بکنیم؟ باید جاهلیت را نابود کنیم. لذا امروز باید با تمام جهان بجنگیم و در همه جا باید جاهلیت مدرن را نابود بکنیم.

رسالت ما چیست؟ ما باید حاکمیت خداوند را در جهان حاکم کنیم. حاکمیت دین خدا چیست؟ حاکمیت دین خدا، یعنی تمام مناسبات اجتماعی باید بر اساس ما انزل الله باشد و باید حکومت دینی در سراسر جهان گسترش پیدا کند. تمام حکومت ها، حکومت های غیر دینی هستند.

جاهلیت هم به معنی حکومت های غیرمسلمان مسیحی نیست. جامعه مسلمانانی که بر آن احکام دینی حاکم نیست و نظامش نظام دینی نیست، این جامعه هم جامعه جاهلیت است.

- او می گفت: امامت و رهبری جهان به دست افراد گمراه و منحرف از خدا افتاده و از فتنه و فساد پر شده است. مسلمانان باید این رهبری را به دست بندگان صالح خدا بسپارند. (۱) تلاش ها

- وی از جمله متفکرین و دانشمندان اسلامی شبه قاره و پاکستان بود و می توان او را پدر بنیاد گرایی دینی و رادیکالیسم دینی نامید.

- تأسیس جنبش جامعه اسلامی را از دیگر اقدامات مهم مودودی پاکستانی می توان نام برد.

- مودودی اولین کسی بود که که صفت اسلامی را به برخی عبارات مشخصاً غربی از جمله انقلاب، کشور و ایدئولوژی پیوند داد.

ص: ۴۲۱

متوفای: ۱۴۰۰ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد جواد، نام پدر: شیخ محمود، ولادت:

۱۳۲۲ق، محل تولد: لبنان، صور، ۱ قریه طیردبا.

تحصیلات: وی تشنه فراگیری دانش بود لذا از همان دوران کودکی، تصمیم گرفت تا برای تحصیل به نجف برود، اما مشکلاتی مانع رسیدن به مقصودش گردید.

پس از چندی شوق درس و تحصیل، محمد جواد را به هر نحوی بود به نجف فرا خواند. او منطق، مطول، مقداری از اصول، جلد دوم کفایه، و قسمتی از مکاسب را نزد علمای آن شهر به پایان رسانید. ۲.

اساتید، حضرات آیات: سید ابوالقاسم خویی، محمد حسین کربلانی، سید حسین حمامی، سید محمد سعید فضل الله، شیخ عبدالکریم مغنیه (برادر).

آثار قلمی: شیخ محمد جواد در طول حیات خود نزدیک به ۶۰ عنوان کتاب تألیف نمود که به بخشی از آن اشاره می شود: الزواج والطلاق علی المذاهب الخمسه، الوصایا والمواریث علی المذاهب الخمسه، الوقف والحجر علی المذاهب الخمسه، الحج علی المذاهب الخمسه، تفسیر الصحیفه السجادیه علیه السلام، و... .

سرانجام: علامه مغنیه، پس از عمری تلاش صادقانه در راه اعتلای اسلام عزیز و همچنین تلاش بی وقفه برای نزدیکی بین مذاهب ۵ گانه، در ساعت ۱۰ شب ۱۹ محرم الحرام سال ۱۴۰۰ق، در سن ۷۶ سالگی در لبنان به رحمت ایزدی پیوست. پیکر وی پس از انتقال به نجف و گذاردن نماز توسط آیت الله العظمی خویی به خاک سپرده شد.

مرقد: عراق، نجف اشرف، یکی از حجره های صحن منور امیر المؤمنین علی علیه السلام. ۳.

۱. صور شهری است در ساحل مدیترانه و یکی از شهرهای فینیقیه قدیم که به سبب تجارت خود مشهور بود. این شهر در حمله اسکندر در سال ۳۳۳ق، مقاومتی سخت به خرج داد و امروز جزء کشور لبنان است. (فرهنگ فارسی معین، ص ۱۰۳۹).

۲. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۵۱ - ۴۵۲.

۳. طلایه داران تقریب (۷)، محمد جواد مغنیه فقیهی نوگرا، ص ۱۰۴.

- وی معتقد بود، شیعیان خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حق امام علی علیه السلام می دانند، ولی عقیده دارند که نباید به اختلافی دامن زد که موجب تفرقه و به ضرر اسلام باشد، همانطور که امیرالمؤمنین علی علیه السلام این کار را نکرد.

- شیخ محمد جواد به وحدت اعراب و مسلمانان می اندیشید و عقیده داشت که علت دشمنی اهل تسنن با شیعیان، عدم آگاهی آنان از عقاید اصیل شیعه است. (۱) - محمد مهدی شمس الدین می گوید: «مهمترین نگرانی آیت الله شیخ محمد جواد مغنیه...

وحدت ملی و وحدت اسلامی و... بود». (۲) تلاش ها

- دیدار با شیخ محمد ابوزهره (۱۹۶۰م)

- سفر به مصر و مذاکره با شیخ الازهر، شیخ محمود شلتوت

- تألیف کتابی با عنوان «ردیه ای بر کتاب الخطوط العریضه» نوشته محب الدین الخطیب (۳): این کتاب از نخستین کتابهایی بود که بر ضد شیعه در کشور مصر به چاپ رسید.

شیخ محمد جواد به سبب نوشتن این ردیه، نامه های تهدیدآمیز فراوانی دریافت نمود، اما خم به ابرو نیاورد.

- گفتگو با دکتر مصطفی محمود (۱۹۷۰م)

ص: ۴۲۳

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۵۹، به نقل از الشیعه فی المیزان، ص ۲۸۱..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). طلایه داران تقریب (۷)، ص ۴۲، به نقل از شیعه در مصر، ص ۱۴۵..

متوفای: ۱۳۶۰ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید محمد حسین، نام پدر: سید محمد، ولادت:

ذیحجه الحرام ۱۳۲۱ق، محل تولد: ایران، تبریز. ۱.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی، تحصیلات اولیه را در زادگاه گذرانید و پس از آن عازم نجف اشرف گردید. سید محمد حسین مدت یازده سال در کنار مرقد نور آفرین امیر المؤمنین علی علیه السلام کسب علم کرد و در سال ۱۳۱۴ش به زادگاه خویش رجعت نمود. دوران ده ساله اقامت ایشان همراه با تدریس و تألیف سپری شد تا اینکه فیض روح القدس بار دیگر مدد فرمود و با آمدن آیه شریفه «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا»<sup>۲</sup> در استخاره، علامه راهی قم گردید. هر روز که سپری می شد، ابعاد علمی و چهره چشمگیر علامه، بیشتر از گذشته نمایان می شد.

این عظمت بدانجا انجامید که دولت آمریکا توسط شاه ایران از علامه دعوت رسمی کرد تا در دانشگاههای آن کشور، فلسفه شرق را تدریس نماید. روح بلند و بینش کم نظیر علامه دست ردّ به آنهمه اصرار زد. او زندگی محقرانه در قم و جلسات درس با طلاب و تربیت شاگردانی فاضل را بر تمامی ظواهر فریبنده دنیا ترجیح می داد. ۳.

اساتید، حضرات آیات: مرحوم نائینی، میرزا علی آقا قاضی، سید ابو الحسن اصفهانی، سید ابوالقاسم خوانساری، سید حسین بادکوبه ای و... ۴.

شاگردان، آیات عظام: شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتاح، شهید قدوسی، مکارم شیرازی، جوادی آملی، حسن زاده آملی، موسوی اردبیلی، ابراهیم امینی، روحانی و... ۵.

آثار قلمی: تفسیر المیزان، بدایه الحکمه، نهایه الحکمه، حاشیه بر کفایه، شیعه در اسلام، خلاصه تعالیم اسلام، سنن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، لب الباب و... .

سرانجام: پس از هشتاد و یک سال عمر با برکت و زندگی پر تلاش، روح پاک و الهی آن حکیم عارف و مفسّر وارسته به دیار قدسی و ملکوت رهسپار شد.

مرقد: ایران، قم، مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱. دائره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۶۲.

۲. سوره کهف، آیه ۴۴.

۳. مهرتابان، علامه تهرانی، ص ۲۸.

۴. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۶۷.

۵. همان، ص ۸۷۰.

ص: ۴۲۴

- وی معتقد بود، دستور به یادآوری و متذکر شدن خداوند به نعمت اتحاد و یگانگی، مطابق دَابِ قرآن شریف است، تا دعوت به وحدت ملی و انسجام اجتماعی براساس خیر و هدایت را صحیح بنا گذارده باشد نه آنکه دستور به تقلیدی میانه و کورکورانه داده باشد.

- در اندیشه ایشان؛ اجتماعی که اساسش بر پایه اختلاف و عقاید مشتت نهاده شود، به ناچار امیال نفسانی و زورگویی فردی در آن حکومت کرده و به پست ترین زندگی ها آن را سوق می دهد. (۱)- علامه طباطبایی به دلایلی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی در جامعه را، جزء لاینفک و پایه مستدام اجتماع اسلامی و انسانی می داند. (۲) از جمله آن دلایل، موارد ذیل است:

۱. دین اسلام به عنوان دین خاتم تا ابد هدایتگر بشر و تنها دین پذیرفته شده است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (۳)، «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» (۴). زیرا خداوند بدین وسیله، پیمودن راه میثاق و پیمان را تأکید کرده است و دین اسلام به دلیل برخورداری از آیین کامل الهی و به عنوان شریعتی پایدار، از عهده چنین تأکید و سفارشی در هدایت بشریت و راهنمایی آنها به سوی وحدت و همدلی بر می آید؛ تا آنجا که اختلافات جزئی و غیر منطقی نمی تواند یکپارچگی این امت را مخدوش سازد. (۵) اتحاد ملی و انسجام اسلامی، موجب هماهنگی افراد جامعه در مقصد و هدف می گردد و بدین جهت «امت واحده» بر آنها اطلاق می شود؛ زیرا زندگی را به سادگی و بدون هیچ مشاجره ای سپری نموده و هیچ اختلافی در مذهب و عقیده بین آنان نخواهد بود. (۶) با وجود وحدت ملی، بعثت انبیاء علیهم السلام در اجتماعی انسانی تشریح گردید و کتابهای آسمانی فرود آمد تا امتی واحد برای بشریت ایجاد نمایند و از ورطه پراکندگی و تفرقه آنان

ص: ۴۲۵

۱- (۱). فصلنامه قرآنی کوثر، سال هفتم، تابستان ۸۶، شماره ۲۴، ص ۴۵..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). سوره آل عمران، آیه ۱۸..

۴- (۴). همان، آیه ۸۵..

۵- (۵). فصلنامه قرآنی کوثر، سال هفتم، شماره ۲۴، ص ۴۵، به نقل از تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،

ج ۶، ص ۲۲۹ - ۲۳۴..

۶- (۶). همان، ص ۴۵..

را برهانند که «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (۱). (۲)

۴. زوال وحدت اجتماعی و انسجام اسلامی، بنیان جامعه اخلاقی مطلوب را سست و ویران می نماید؛ زیرا بدون اتحاد، نزاع و کشمکش، در جامعه رواج یافته و اختلاف بین افراد جامعه به وجود می آید، در نتیجه ضعف اراده بر آنها حاکم شده، عزت، دولت و نیروی غلبه بر دشمن را از دست می دهند. بدین جهت خداوند متعال فرموده: «وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (۳).

ص: ۴۲۶

---

۱- (۱). فصلنامه قرآنی کوثر، سال هفتم، شماره ۲۴، ص ۴۵ به نقل از المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۷..

۲- (۲). سوره بقره، آیه ۲۱۳..

۳- (۳). سوره انفال، آیه ۴۶..

شهادت: ۱۳۶۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

□

نام: سید محمد، نام پدر: سید فضل الله، ولادت: آبان ماه ۱۳۰۷ش، محل تولد: ایران، اصفهان.

تحصیلات: وی تحصیلات ابتدایی را در چهار سالگی آغاز نمود و نوشتن و روخوانی قرآن را فرا گرفت. مدتی به دبستان و پس از چندی وارد دبیرستان گردید. در ۱۳۲۱ش به مدت ۴ سال به حوزه علمیه اصفهان رفت و پس از آن در ۱۸ سالگی به شهر قم عزیمت نمود. او در سال ۱۳۲۶ش در درس خارج فقه و اصول شرکت نمود. سید محمد در کنار دروس حوزوی در سال ۱۳۲۷ش ضمن اخذ مدرک دیپلم ادبی وارد دانشکده الهیات شد و در رشته فلسفه به تحصیل پرداخت و سه سال بعد دانشنامه لیسانس رشته مذکور را اخذ نمود. او پس از سالها تلاش سرانجام در بهمن ماه ۱۳۵۳ش، موفق به اخذ دکترا در رشته فلسفه گردید. ۱.

اساتید، حضرات آیات: محقق داماد، بروجردی، خوانساری، حجت کوه کمره ای، شیخ مرتضی حائری، علامه طباطبایی و امام خمینی رحمه الله. ۲.

شاگردان: عده زیادی از دانشجویان و اساتید دانشگاهها، فضیلاي حوزه های علمیه خصوصاً حوزه علمیه قم از جمله حضرات آیات و حجج اسلام: سید محمدرضا طباطبایی، علی مؤیدی، محمدی عراقی، علی فلاحیان، علی رازینی، سید هادی رفیعی پور علوی، محمد آقائی، محمدعلی نظام زاده، کاظم صدیقی، مسیح مهاجری، محمدباقر انصاری محلاتی، جواد اژه ای، کمال الدین خدّامی و ... .

آثار قلمی: خدا از دیدگاه قرآن، نماز چیست؟ روحانیت در اسلام و در میان مسلمین، کدام مسلک؟، نقش ایمان در زندگی انسان و...

سرانجام: در شبانگاه هفتم تیر ماه ۱۳۶۰، دست نفاق - سازمان مجاهدین (منافقین) خلق - از آستین شب به در آمد و تیری روانه انقلاب اسلامی کرد که بر اثر آن آیت الله بهشتی در ۵۳ سالگی به همراه بیش از هفتاد یار باوفایش به درجه شهادت نائل آمدند.

مقبره: ایران، تهران، بهشت زهرا علیها السلام.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۸۴۰ - ۸۴۱.

□

۲. پنج گفتار، شهید آیت الله بهشتی، ص ۸ - ۹.

- شهید بهشتی معتقد بود مسلمانها برادر یکدیگر، پشت و پناه یکدیگر، دارای هم بستگی کامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هستند.

- وی می گفت: برادر خوزستانی من با برادر فارسی زبان تهرانی من، از نظر من هردو برادر و برابرند. این مسئله برای ما مهم است. برادر کرد زبان ما در کردستان، با برادر ترک من در آذربایجان، با برادر گیلک زبان من در گیلان، با برادر لر زبان من در لرستان، با برادر بلوچ زبان من در بلوچستان، با برادر ترکمن زبان من در ترکمنستان، همه باهم برادریم، برادر مسلمانیم، همه تشکیل دهنده یک جامعه و امت واحده هستیم. ما امت اسلامی هستیم و شهروندان جمهوری اسلامی.

- از گفته های اوست: ما از نظر وحدت نظامی، وحدت اقتصادی، وحدت اجتماعی، محور وحدتیمان فقط و فقط ایمان به اسلام است.

- از منظر وی ما به دلیل این که مسلمانیم از یکدیگر تفکیک ناپذیریم، از هم جدایی ناپذیریم. (۱)- به عقیده او یکی از عوامل مؤثر پیدایش شکاف و جدایی میان مسلمانها اختلاف فاحش طبقاتی است. (۲)- آیت الله بهشتی همواره تأکید می نمود که پیوند میان دانشجو و طلبه را پیوندی مبارک یافتیم و معتقد شدیم که این دو قشر آگاه و متعهد باید همیشه دوشادوش یکدیگر حرکت کنند بر پایه اسلام اصیل خالص. (۳)

ص: ۴۲۸

---

۱- (۱). پنج گفتار، شهید آیت الله بهشتی، ص ۲۸ - ۲۹..

۲- (۲). همان، ص ۱۳۵..

۳- (۳). معارف و معاریف، ج ۲، ص ۳۰۶..

– سفر به آلمان و انجام فعالیت‌های دینی و تبلیغی در مسجد هامبورگ، بنا به پیشنهاد آیت‌الله میلانی و برخی دیگر از مراجع تقلید در ۱۳۴۴ش (تأسیس مرکز اسلامی هامبورگ).

– عضویت در شورای فقهی و سیاسی جمعیت‌های مؤتلفه بنا به تعیین امام راحل رحمه الله .

– عضویت در کانون اسلامی دانش‌آموزان و فرهنگیان قم.

– مسافرت به کشورهای سوریه، عربستان، لبنان و ترکیه بنا به اقتضای فعالیت‌های ایشان. (۱)– عضویت در شورای مدیریت مدرسه علمیہ منتظریه (حقانی) قم، تربیت طلاب فاضل و فعال و نیز تغییر بعضی از متون درسی.

ص: ۴۲۹

---

۱- (۱). معارف و معاریف، ج ۲، ص ۳۰۴ - ۳۰۶..

شهادت: ۱۳۶۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: غلامحسین، نام پدر: محمّد، ولادت: ۱۳۲۰ش، محل تولّد: ایران، قم. ۱.

تحصیلات: وی تحصیلات ابتدایی را در تهران آغاز نمود و به پایان رسانید. درسهای حوزوی را در محضر پدر تلمذ و سپس برای ادامه تحصیلات دینی وارد مدرسه آیت الله مجتهدی شد. در ۱۳ سالگی به قم رفت و پس از گذشت چند سال از اشتغال به دروس حوزه، همزمان تحصیلات دبیرستان خود را به پایان رسانید.

غلامحسین مدّتی در محضر اساتید قم زانوی ادب بر زمین زد تا اینکه پس از سالها تحصیل و تلاش، به مقام بلند اجتهاد دست یافت.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمّد حقّانی (پدر)، مجتهدی، ۲، حائری، حاج شیخ عباس علی شاهرودی، شهید استاد مطهری ۳ و ... .

آثار قلمی: وی جزوات بسیاری نوشت و بدون ذکر نام مؤلف، از طریق مؤسسه در راه حق منتشر ساخت.

در سال ۱۳۴۴ش، کتاب اسلام پیشرو نهضتها را به همراه شهید محمّد مصطفوی کرمانی تألیف و منتشر ساخت، شهید حقّانی کتابهای دیگری نوشت که هنوز منتشر نشده است. ۴.

سرانجام: در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ش، وی پس از عمری تلاش ارزشمند به همراه ۷۲ گل لاله در دفتر حزب جمهوری اسلامی ایران، پریپر گردید. ۵.

مرقد: ایران، قم، گلزار شیخان.

۱. ستارگان حرم، ج ۵، ص ۱۱، به نقل از روزنامه کیهان، ۷ تیر ماه ۱۳۷۲، ص ۶.

۲. همان، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ مهر ماه ۱۳۶۰، ص ۱۲.

۳. همان، به نقل از شهدای روحانیت، دفتر ششم، ص ۵۸.

۴. همان، ص ۱۴، به نقل از پیشتاژان شهادت در انقلاب سوم، ص ۹۴.

۵. همان، ص ۲۳ - ۲۴.



- ایشان همواره مسأله وحدت را مهم می‌شمرد و در مواقع گوناگون از آن یاد می‌کرد.

- در یکی از سفرهایی که چند نفر از روحانیون برای تبلیغ در بندر عباس به نزد وی رفته بودند تا شهید حقانی که امام جمعه وقت بندر عباس بود ترتیب اعزام آنان را به مناطق مورد نظر بدهد، ایشان برای آقایان مبلغ، در مورد وظیفه خطیر روحانیت در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب و آگاهی دادن مردم به حفظ وحدت و اتحاد، مطالبی را بیان نمود. (۱) - شهید حقانی به زبان عربی تسلط داشت، از این رو به همراه هیئتهای اعزامی به کشورهای عربستان، سوریه، لبنان، یمن شمالی و یمن جنوبی سفر کرد و در مجامع عمومی برای ملت‌های مسلمان، سخنرانیهای مفصلی ایراد نمود تا آنان را با انقلاب اسلامی ایران آشنا سازد. (۲) - از اقدامات دیگر وی، اعزام بیست هیئت به حدود ۳۰ کشور جهان در دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران بوده است.

(۳)

ص: ۴۳۱

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج ۵، ص ۱۸..

۲- (۲) . همان، ص ۱۹، به نقل از پیشتازان شهادت در انقلاب سوم، ص ۹۵؛ شهدای روحانیت، دفتر ششم، ص ۶۰..

۳- (۳) . پیشتازان شهادت در انقلاب سوم، ص ۹۵..

شهادت: ۱۳۶۱ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: عطاء الله، نام پدر: میرزا اسدالله، ولادت:

۱۲۸۱ ش، محل تولد: ایران، اصفهان، خمینی شهر.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوره های ابتدایی در دیار خود، عازم اصفهان گردید و طی ۱۰ سال سکونت در آن جا دوره های مقدمات، سطح فقه و اصول را نزد اساتید خود گذراند. وی سپس به قم هجرت کرد و دوره های خارج فقه و اصول را نزد بزرگان حوزه پشت سر گذاشت. شیخ عطاء الله در مدت هفده سال اقامت در قم، در کنار تحصیل به تدریس و تعلیم و تربیت طلاب پرداخت و پس از چندی به کرمانشاه مراجعت نمود و ادامه برنامه تدریس خود را در آن جا برپا کرد.

اساتید، حضرات آیات: سید مهدی دُرچه ای، سید محمد نجف آبادی، شیخ عبدالکریم حائری، حاج سید محمد تقی خوانساری، سید صدر الدین صدر، سید محمد حجّت، آیت الله بروجردی و امام خمینی رحمه الله ۲.

شاگردان: آیت الله شیخ احمد جنتی.

آثار قلمی: البیان (در موضوع علوم قرآن)، تفسیر قرآن (خلاصه ای از تفاسیر شیعه و سنی)، مجمع الشتات (در اصول دین و عقاید و کلام به زبان عربی در ۴ جلد)، مجموعه ای پیرامون حروف مقطعه قرآن کریم، کتابی در موضوع غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

سرانجام: منافقان کوردل در ظهر جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱ ش در سنگر نماز جمعه کرمانشاه، با منفجر کردن نارنجکی، امام جمعه ۸۰ ساله و مجاهد پیر اسلام آیت الله اشرفی اصفهانی را به شهادت رساندند. ۳.

مرقد: ایران، اصفهان، تخت پولاد.

۱. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۱، اقتباس از مجله پیام انقلاب، ش ۷۰، آبان ماه ۱۳۶۱.

۲. همان، به نقل از پاسداران اسلام، مهدی مشایخی، ص ۴۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۹۰۶.

- ایشان می گفت: «ما بدون وحدت نمی توانیم جامعه و انقلاب اسلامی را به پیش ببریم».<sup>(۱)</sup> - وی معتقد بود: «امروز مسأله مهم، اتحاد و اتفاق بین برادران شیعه و برادران اهل سنت است».<sup>(۲)</sup> - آیت الله اشرفی اصفهانی عقیده داشت یکی از توطئه های بزرگ دشمن این است که می خواهد بین اقشار مختلف اختلاف بیندازد، بین شیعه و اهل سنت و دیگر فرق مسلمین تفرقه بیندازد.<sup>(۳)</sup> تلاش ها

□  
- سفر به منطقه کرمانشاه به پیشنهاد آیت الله بروجردی در جهت اتحاد شیعیان و اهل سنت و تدریس در حوزه علمیه کرمانشاه (۱۳۳۵ش).

- مبارزه با فتنه های دشمنان ضد انقلاب که سعی می کردند با سلاح زنگ زده اختلاف، بین شیعه و سنی آشوب به پا کنند.

□  
- دعوت از مردم به برادری و وحدت: شهید آیت الله اشرفی اصفهانی با تدبیر و درایت خاص خود و با چنگ زدن به آیات وحدت بخش قرآن کریم همانند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»<sup>(۴)</sup> و نیز «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»<sup>(۵)</sup> شیعه و سنی را برادر وار در یک صف نشانند و توطئه های بد خواهان و دشمنان شیطان سیرت و تفرقه افکن پست را خنثی و ناکام گردانید.

ص: ۴۳۳

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۴، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ مهرماه ۱۳۶۱..

۲- (۲). همان، به نقل از روزنامه کیهان، ۲۲ مهرماه ۱۳۷۰..

۳- (۳). همان..

۴- (۴). سوره حجرات، آیه ۱۰..

۵- (۵). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

متوفای: ۱۳۶۲ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: رجب علی، ولادت: ۱۲۸۹ش، محل تولد: ایران، مشهد.

تحصیلات: او پس از تحصیل مقدمات و سطوح در خدمت پدر خود و عده ای دیگر از اساتیدش، به سال ۱۳۰۹ش عازم نجف گردید و در سلک تلامذ آیات عظام آنجا قرار گرفت و به درجه اجتهاد نائل آمد. در ۱۳۱۷ش به ایران بازگشت و به تدریس و تبلیغ در مشهد و شهرهای دیگر خراسان مشغول گردید.

اساتید: حاج شیخ رجبعلی محدثی خراسانی (پدر)، میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری، ادیب ثانی، حاج محقق قوچانی، مرحوم شمس، شیخ کاظم دامغانی، میرزا احمد مدرس یزدی، حاج میرزا حسن مشکینی، آقا ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی. ۱.

سرانجام: آیت الله کفعمی پس از سالها تلاش و خدمت در راه اتحاد مسلمانان شیعه و سنی، در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۶۲ در بیمارستان خاتم مشهد چشم از دنیای مادیت فروبست و به دیدار معبود شتافت.

مرقد: ایران، مشهد مقدس، جوار حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام، مقابل آرامگاه شیخ بهایی.

۱. مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۲.

تلاش ها: از جمله اقدامات ایشان در راه وحدت اسلامی را سفر وی به زاهدان می توان برشمرد. آیت الله کفعمی در سال ۱۳۲۵ش عازم زاهدان شد و در راستای تفاهم دینی اهل سنت و تشیع، سیاستهای خاصی را دنبال نمود. از جمله برنامه های ایشان می توان به هماهنگی جهت حضور جمعی نمازگزاران شیعه، پس از نماز عید فطر در مصلاای اهل سنت و حضور اهل تسنن پس از نماز عید قربان در مصلاای اهل تشیع نام برد که از ابتکارات ایشان در راه اتحاد بین برادران سنی و شیعه بود. (۱)

ص: ۴۳۴

شهادت: ۱۳۶۶ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید حسین، نام پدر: سید محمد تقی، ولادت:

۱۳۲۹ ش، محل تولد: افغانستان، سمنگان، دره صوف، کمج.

تحصیلات: وی بعد از دوران کودکی، ۱۱ ساله بود که به تحصیل علوم دینی پرداخت. سید حسین پس از تکمیل سطوح اولیّه علوم در سال ۱۳۴۷ ش عازم نجف اشرف گردید و به این وسیله وارد محافل علمی متعدّدی شد و به حوزه درسی برخی از علماء راه یافت.

اساتید: سید حسن آخوند، شیخ محمد بنی، سید حاج میرزا حسین عادل، آیت الله عبدالحسین (آخوند زوار)، مرحوم علامه شیخ محمد علی (مدرّس افغانی)، آیت الله مصطفی خمینی، میرزا حبیب الله اراکی (از عرفاء مورد احترام حضرت امام رحمه الله).

شاگردان: حجّه الاسلام موحد بلخی.

سرانجام: شهید حسینی در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۶۶ ش در حادثه تصادفی دردناک، با اینکه ۳۷ سال بیشتر از عمر پربارش را سپری نکرده بود، با چهره ای خونین در مصلاّی عشق ایستاد و به سوی معشوق حقیقی اش شتافت.

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد منور کریمه اهل بیت علیها السلام، حجره ۱۰۲۵.

۱. ستارگان حرم، ج ۶، ص ۲۰۵ - ۲۱۷.

ص: ۴۳۵

- وی معتقد بود که سازمان نصر (۱) یک سازمان اسلامی است، عقیده ای اسلامی و آرمانی اسلامی دارد. در این سازمان هم شیعه هست و هم سنی.

- شهید حسینی همواره تأکید می کرد: اسلام برای ما اولویت دارد و برای ما مسأله نژاد، ملیت، و منطقه مطرح نیست. (۲) - او می گفت: ما با همه احزاب اسلامی که در افغانستان، علیه روس صادقانه می جنگند و هیچ گونه وابستگی به هیچ یک از بلوک های شرق و غرب ندارند، با آنها همکاری صادقانه داریم.

تلاش ها

- از جمله اقدامات وحدت آفرین وی، برپایی کنگره عظیم شهید بلخی بود که مردم را به یاد مبارزه انداخت و آنان را به وحدت و همبستگی و هم یاری دعوت کرد. گفتنی است اولین حرکت که برای وحدت مردم مؤثر افتاد همین کنگره بود.

ص: ۴۳۶

---

۱- (۱). در این باره خود شهید می گوید: «ما یک جمع صمیمی و دوستانه بودیم که برادر عزیز ما آقای عرفانی و شیخ حسین اخلاقی جزء آن بودند، در آنجا کار می کردیم و بعد، از نجف با برادرانمان در قم، کابل و سوریه و باقی جاها ارتباط گرفتیم و این ارتباط ما بود که سبب شد وقتی که در سال ۱۳۵۸ یک زمینه آزاد کار تشکیلاتی در ایران به وجود آمد، آن مجموعه ها دور هم جمع شده و سازمان نصر را تشکیل دادیم»..

۲- (۲). ستارگان حرم، ج ۶، ص ۲۱۲ - ۲۱۴..

شهادت: ۱۳۶۷ش

چکیده ای از زندگی نامه ۱

نام: سید عارف حسین، نام پدر: سید فضل حسین، ولادت: ۱۳۲۰ش، محل تولد: پاکستان، پاراچنار، پیوار.

تحصیلات: او پس از گذراندن دوران کودکی، وارد دبستان شد و با گذراندن دوره راهنمایی، به عنوان شاگرد ممتاز راهی دبیرستان پاراچنار گردید و در سال ۱۳۴۳ش دوره دبیرستان را نیز با موفقیت به پایان رسانید. او از آن پس مشغول تحصیل علوم حوزوی گردید و در سال ۱۳۴۶ جهت فراگیری بیشتر علوم دینی راهی حوزه علمیه نجف شد و در مدارس علمیه بشریه و دار الحکمه سکنی گزید.

اساتید: سید فضل حسین (پدر)، حاجی غلام جعفر لقمان و نیز حضرات آیات: سید اسد الله مدنی، سید مجتبی لنگرانی، آیت الله مرتضوی، شهید مرتضی مطهری، فاضل لنگرانی، جعفر سبحانی، استاد ستوده، محسن حرم پناهی، ناصر مکارم شیرازی، شیخ جواد تبریزی.

سرانجام: این شهید والا مقام در شامگاه ۱۳ مرداد ۱۳۶۷ش، پس از اقامه نماز صبح جمعه، هدف اصابت گلوله ای قرار گرفت و به محض اصابت گلوله ها با فریاد لا اله الا الله نقش بر زمین گشت و به لقاء الله پیوست.

مرقد: پاکستان، پاراچنار، پیوار.

۱. ستارگان حرم، ج ۶، ص ۸۱ - ۹۷.

ص: ۴۳۷

- او معتقد بود، دشمنان با اقدامات تفرقه افکنانه خویش، تنها منافع خود را دنبال می کنند.

- وی می گفت: برای ما تعجب آور نیست اگر می بینیم برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان پاکستان، مسجدی به نام مسجد فیصل در اسلام آباد ساختند و یا برای ایجاد تفرقه، دانشگاه هایی را به وجود آوردند. (۱)- یکی از مهمترین اهداف وی را، تحکیم روابط گونه بین شیعه و سنی می توان عنوان نمود.

تلاش ها

- اقدامات وی در مبارزه با ملی گرایی، اختلافات مذهبی و فرقه ای و نیز مبارزه با وهابیت و تأکید بر وحدت کلمه میان اهل سنت و شیعیان. (۲)- دعوت شیعیان به وحدت: هنگامی که به علت دسیسه های خارجیان ظلم و ستم به شیعیان منطقه «سد» آغاز شد و خانه هایشان را سوزاندند، اموال و ثروتشان را به غارت بردند و صدها تن از آنان را بی گناه به قتل رساندند. علامه عارف حسینی به متحد نمودن شیعیان منطقه اقدام نمود. آنها هم دست از هر کار اجتماعی کشیدند. در این واقعه او به مدت ۲۲ روز زندانی شد؛ اما موفق گردید توطئه استعمار را ناکام گذارد. (۳)- ایجاد روابطی صمیمی با علماء اهل سنت پاکستان و سایر بلاد.

- گسترش فعالیت های فرهنگی خود در شهرهای سنی نشین.

ص: ۴۳۸

---

۱- (۱) . ستارگان حرم، ج ۶، ص ۹۲ .

۲- (۲) . علمای مجاهد، ص ۱۷۵ .

۳- (۳) . همان ..

- حل اختلافات و مشکلات مردم در مناطق گوناگون. (۱) - گفتگو و مذاکره در فضایی بسیار دوستانه با برادران اهل سنت در منی (سال ۱۳۵۴ ش).

یکی از طلاب پاکستانی در این رابطه چنین می گوید:

«در سال ۱۳۵۴ ش با هم به مکه مشرف شدیم، در منی چادر بزرگ به پا شده بود و علماء پاکستانی اهل سنت در آنجا ساکن بودند. شهید عارف حسین حسینی، دعای عرفه را آنچنان جذّاب و توأم با قلب شکسته خواند، که حتی برادران سُنی اشک می ریختند. وقتی به مکه آمدیم از شهید حسینی و همراهان دعوت کردند و در فضایی بسیار دوستانه، به گفتگو پرداختند». (۲) - وی با نفوذ کلام و نَفَس پاکی که داشت، خیلی ها را شیفته فرهنگ اهلبیت علیهم السلام ساخت.

فرزندش می گوید:

«در پاکستان منطقه ای است به نام (چارسده و دیز) که از مناطق صددرصد سنی نشین هستند و تعصّب عجیبی نسبت به شیعیان دارند، شهید حسینی در آنجا تبلیغات خود را شروع کرد و برای مردم آنجا کتاب می فرستاد و سخنرانی می کرد. مهمترین هدفی را که در این کار دنبال می کرد، این بود که اتحاد بین تسنّن و تشیّع محکمتر شود. بحمد الله در آنجا صدها نفر علاقمند به شیعه شدند و هم اکنون افراد دیگری هم که توسط شهید حسینی؛ شیعه شدند، خود بخود فعالیت های مذهبی و تبلیغی دارند». (۳)

ص: ۴۳۹

۱- (۱). در این باره آقای مهدوی می گوید: «یک روز من و شهید حسینی در داخل مدرسه علمیه پیشاور قدم می زدیم، ایشان از من به عنوان مشاوره پرسید: آقای مهدوی! بفرمائید الان که بنده از طرف ایران دعوت شده ام چه بکنم، مسافرت بروم یا نه؟ شأن ایشان اجلّ از این بود که با طلبه کوچکی مثل بنده مشورت کند. بنده در جواب عرض کردم که: آقا، ما قابلیت این را نداریم که به جنابعالی نظر مشورت بدهیم. ایشان باز هم اصرار کردند لذا بنده مجبور شدم و عرض کردم: آقا، به نظر بنده شما مدرسه علمیه را فعال کنید و خودتان مشغول تدریس شوید و اصلاً از مدرسه خارج نشوید و فقط نماینده های خود را روانه کنید. در جواب گفتند: آقای مهدوی! شما درست فرمودی، ولی بنده مجبورم که به شهرها و روستاها بروم، چون اگر بنده بروم اختلافاتی رخ خواهد داد لذا، بنده مجبورم که اختلافات را حل کنم و بدون من اختلافات بعضی جاها حل نمی شود».

۲- (۲). ستارگان حرم، ج ۶، ص ۸۱ - ۹۶.

۳- (۳). همان، ص ۹۱، مصاحبه با سید علی حسینی، فرزند شهید..

## آیت الله سید روح الله خاتمی اردکانی

متوفای: ۱۳۶۷ ش

چکیده ای از زندگی نامه

□

نام: سید روح الله، نام پدر: آقا سید محمد رضا، ولادت: ۱۳۲۴ق، محل تولد: ایران، یزد، اردکان.

تحصیلات: وی پس از گذراندن دوران کودکی، به مکتب خانه رفت و تا ۱۳ سالگی به آموختن مقدمات زبان فارسی و عربی مشغول گردید. سپس به حوزه علمیه اصفهان رفت و نزد اساتید آن شهر به شاگردی پرداخت و سطوح عالی و کتب فقه و اصول را گذراند.

ایشان پس از مدتی شرکت در دروس خارج فقه و اصول، به تدریس مشغول گردید.

اساتید، حضرات آیات: حاج میرزا علی آقا شیرازی، شیخ محمد خراسانی، آقا سید محمد نجف آبادی، آقا سید علی نجف آبادی، حاج آقا رحیم ارباب و... ۱.

□

□

سرانجام: آیت الله سید روح الله خاتمی، نماینده حضرت امام رحمه الله و امام جمعه یزد، در پی بیماری، در سن ۸۴ سالگی دار فانی را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

مقبره: ایران، یزد، اردکان، گلزار شهدا.

□

۱. یادنامه آیت الله خاتمی، محمد تقی فاضل میبدی، ص ۲۱ - ۲۷.

ص: ۴۴۰

- وی معتقد بود: دعوت مهم اسلام، دعوت به وحدت بین مسلمین است. طبق آیات فراوانی از قرآن، اسلام و تمام مسلمین یک بدن واحد هستند. خداوند می فرماید:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱). اسلام دعوت می کند که همه مسلمین در زیر (لوای) توحید و تمسک به دین مقدس اسلام، برادر و برابر و غمخوار یکدیگر باشند و خلاصه به تمام معنا وحدت بین آنها باشد.

- به نظر ایشان انقلاب اسلامی ما از آنجا که مبتنی بر اسلام است، از اولی که شروع شده است، سعی و کوشش بر ایجاد الفت و محبت و یگانگی بین مسلمین داشته است؛ کما اینکه دشمنان انقلاب هم درست در مقابل این مسأله، سعی و کوشش کردند که به اختلافات دامن بزنند. مانند اختلاف نژادی، اختلاف زبانی، اختلاف مذهبی و... مثلاً به لر می گویند تو ارتباط با ترک نداری، باید جدا باشی و به ترک این طور تلقین می کنند که تو با فارس جدایی، ملیت تو با ملیت فارس فرق دارد و هکذا شیعه نسبت به سنی و سنی نسبت به شیعه.

خلاصه اینکه دشمن می خواهد از هر جنبه اختلاف صوری، استفاده کند تا پراکنندگی و جدایی بین مسلمین ایجاد کند؛ چون می داند که تمام سعادت دنیا و آخرت مسلمانان مدیون اتحاد و وحدت آنهاست و تمام بدبختیهای جامعه اسلامی به این است که تفرق و تشّت و دوگانگی بین آنها موجود باشد. (۲) - آیت الله خاتمی عقیده داشت: بهترین نشانه اسلام، همان وحدت بین مسلمین است.

اسلام همه چیزهای دیگر را مُلغی کرده است. اگر انسانهایی مسلمان شدند و زبانشان مختلف است، اختلاف زبان نباید موجب دوگانگی شود. اگر از حیث منطقه جغرافیایی یا سکونت مختلفند، مثلاً یکی از اهل شرق است و یکی اهل غرب، یکی اروپایی و دیگری آسیایی، همین که مسلمان شدند، اسلام، همه آنها (آسیایی، اروپایی و آفریقایی) را با یک چشم می نگرد و به مسلمانان امر می کند که همه شما برادرید.

ص: ۴۴۱

۱- (۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳..

۲- (۲). یادنامه آیت الله خاتمی، محمد تقی فاضل میدی، ص ۸۰۳.

- ایشان می گفت: دشمن می خواست که با ایجاد اختلاف، انقلاب اسلامی ما را، که اسلام حقیقی است، از بین ببرد، ولی بحمد الله تعالی در نتیجه بیداری ملت ما، بیداری همه قشرها، همه مذاهب اسلامی و همه زبانهای اسلامی، روز به روز اسباب وحدت و یگانگی بین مسلمانان، محکمتر و بیشتر می شود. (۱) تلاش ها

- گفتگو و دیدار با امام جمعه سنندج و مریوان در اوّل آذر ماه ۱۳۶۱ ش.

- نشست با علمای شهر سنندج و سخنرانی برای آنان.

ص: ۴۴۲

---

۱- (۱). همان، ص ۸۰۲-۸۰۳.

متوفای: ۱۳۶۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید غلامرضا، ولادت: ۱۲۷۶ش ۱ محل تولد:

ایران، بیرجند، مؤمن آباد، روستای نوزاد.

تحصیلات: او تحصیلات خویش را در زادگاه و شهر بیرجند سپری کرد و به قول خود از سال ۱۳۲۰ش یکسره تهرانی شد. پس از سالهای ۱۳۲۰ش، در صحنه فرهنگ ایران به طور محسوس ظهور یافت. آثار وی در کشورهای الجزایر، افغانستان، طرفدارانی برای خود جذب نموده بود. ۲.

آثار قلمی: فریاد فلسطین و حریق مسجد الاقصی، کمونیسم و اخلاق، با روشنفکر مسلمان، مفخر شرق سید جمال الدین اسدآبادی، اسلام به زبان ساده، و ده ها کتب ارزشمند دیگر.

سرانجام: پس از ۹۰ سال عمر پربرکت شمع وجود استاد سید غلامرضا سعیدی به خاموشی گرائید و در سال ۱۳۶۷ش دار فانی را وداع گفت.

۱. ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۵، به نقل از تقویم طبیعی یک صد و چهل ساله، حسام سرلتی.

۲. همان .

ص: ۴۴۳

- ایشان از جمله افرادی بود که تحت تأثیر اندیشه های مصلحانه سید جمال الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری قرار گرفته بود.
- مرحوم سعیدی اعتقاد داشت یکی از قوی ترین موجباتی که در میان ملت‌های اسلامی جدایی به وجود آورد، نغمه ناسیونالیسم یا ملت پرستی است که از اروپا سرچشمه گرفته است.
- به عقیده وی ملت‌های متنوع اسلام در برابر آرزوهای تازه بشریت، یعنی مفهوم «انتر ناسیونالیسم» به زنده کردن معنای بلند و رسای امت پرداخته و رهبران دل آگاه همه ملت‌های اسلامی می کوشند تا از نو، در پناه توحید، عنوان مقدس «اخوت اسلامی» را زنده کنند. [\(۱\)](#)

ص: ۴۴۴

---

۱- (۱). ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۳ - ۱۴..

متوفای: ۱۳۶۸ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد تقی، نام پدر: احمد، ولادت: ۱۲۸۹ش، محل تولد: ایران، تهران.

تحصیلات: پس از آنکه ایام نونهالی و کودکی محمد تقی پایان پذیرفت مشغول درس و بحث گردید.

او تحصیلات مرسوم زمان خود را با موفقیت پشت سر نهاد و به درجه استادی رسید. ایشان بر متون دینی تسلط داشت و با دانستن زبان عربی، انگلیسی و فرانسوی به منابع وسیعی دسترسی و بر آنها احاطه داشت.

آثار قلمی: مجله رساله التقریب.

سرانجام: علامه مصلح، شیخ محمد تقی قمی، پس از ۷۹ سال خدمت خالصانه برای وحدت امت اسلام و تلاش برای نزدیک نمودن روابط حسنه دو پیکره عظیم مسلمین یعنی شیعه و سنی، در سال ۱۳۶۸ش بر اثر حادثه ای مشکوک، روح بزرگش به ملکوت اعلی پیوست و در جوار رحمت حق آرامید.

مرقد: ایران، تهران، در کنار قبر مرحوم احمد قمی (پدرش). ۱.

۱. پیشینه تقریب، محمد علی آذرشب، ص ۱۴.

ص: ۴۴۵

- ایشان معتقد بود اگر درست به ریشه نام دو مذهب شیعه و سنی توجه کنیم، تمام مسلمانان را شیعه می یابیم، زیرا همگی دوستار خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل سنت می یابیم زیرا کلیه مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از طریق مطمئنی از پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده باشد، لازم الاجرا می دانند. بنابراین ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمدی صلی الله علیه و آله و سلم می باشیم. (۱)- در نگاه علامه، مسلمانان همگی در اصول با یکدیگر مشترکند، زیرا حکمت خداوند بر این قرار گرفته است.

- به عقیده او تمامی مذاهب، اعم از شیعه و سنی در ایجاد فرهنگ اسلامی و رشد و نمو و تعالی آن سهیم بوده اند.

- او همواره اذعان می نمود که اگر خواهان عزت و سربلندی گذشته باشیم، تنها یک راه پیش روی مسلمین قرار دارد و آن وحدت فرق اسلامی است.

- از منظر مرحوم شیخ محمد تقی قمی مسلمانان در صدر اسلام با همبستگی و یکپارچگی، توانستند کاخ فرهنگ اسلامی را بنا نمایند.

#### تلاش ها

- سخنرانی در مجلس ویژه ای با حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی شهر مقدس مشهد، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی. (۲)- تقدیم نمودن فتوای تاریخی شیخ شلتوت مفتی بزرگ مصر، پیرامون جواز پیروی از مذهب شیعه (که با خط شیخ شلتوت بود)، به آستان قدس رضوی علیه السلام. (۳)- ارتباط و نامه نگاری با بزرگان شیعه: در ذیل به عنوان نمونه، نامه ای که شیخ محمد تقی

ص: ۴۴۶

- 
- ۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۸۱..  
 ۲- (۲). طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۸۴، به نقل از همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۱۸..  
 ۳- (۳). همان..

پیرامون وحدت و انسجام مسلمین (خصوصاً شیعه و سنی) خطاب به حضرت امام رحمه الله نوشته اند ذکر می گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت آیت الله العظمی خمینی دامت برکاته

بعد از سلام و تحیات قلبی

بیانیه های شما در مورد اخوت مسلمانان شیعه و سنی، و اهتمام حضرت عالی به مقابله با اختلاف و نهی از تفرقه بین گروه های اسلامی و تأکید بر عدم وجود حد فواصل بین شیعه و برادران اهل تسنن، در حقیقت با مسئولیت مرجع بزرگ اسلامی در صحنه جهان اسلام متناسب است. البته تأیید اتحاد محکم، به اذهان دعوت اصلاحی به سوی تقریب مذاهب اسلامی بر می گردد، من شخصاً از آن جایی که عمر خود را در راه این دعوت سپری کرده، و بار مسئولیت آن را در سطح جهانی تحمل کردم و از طرف خود و بزرگان علمای هردو گروه که با من در سراسر جهان همکاری می کنند، نهایت ارزش را برای فرمایشات با ارزش شما قائلم و تأثیرات مثبت آن را در عودت عظمت مسلمانان می ستایم.

برای حضرت عالی مزید توفیق در این راه برای تحقق اهداف متعالی اسلام خواهانم.

محمد تقی قمی

۱۳۵۷/۱۱/۲۸ (۱) - اقدام مهم و تاریخی در تأسیس دارالتقریب بین المذاهب الاسلامی، در سال ۱۳۶۰ به همراه آقایان: شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد مصطفی مراغی، مصطفی عبد الرزاق و عبد المجید سلیم. (۲) به جهت اهمیت والای این اقدام شیخ، در پایان مطالب راجع به ایشان تاریخچه و اهداف تأسیس دارالتقریب را از زبان مرحوم شیخ محمد تقی قمی بیان می نمائیم.

ص: ۴۴۷

---

۱- (۱). پیشینه تقریب، محمدعلی آذرشب، ص ۲۳۰، به نقل از روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷؛ رساله الاسلام، شماره ۱۳، ص ۲۱۸..

۲- (۲). طلایه داران تقریب (۲)، ص ۵۹..

- انتشار مجله «رساله الاسلام» که مطالب آن عموماً مربوط به نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر بود. (۱) - نامه نگاری و روابطی صمیمانه با شیوخ وقت الازهر، خصوصاً شیخ محمود شلتوت.

برای پی بردن به عمق این روابط، به چند مورد ذیل که توسط شیخ شلتوت برای ایشان نگاشت گردیده است، اشاره می گردد:

شیخ محمد تقی قمی، پیشوای مصلح و برادر من، نخستین کسی است که علماً را به مسأله تقریب دعوت کرد و به خاطر آن (از ایران به مصر) هجرت نمود. (۲) آن قدر به او (شیخ محمد تقی قمی) ایمان دارم که در آخرت حاضر هر جا که او را بردند با او بروم، حال هر کس می خواهد بپسندد یا نپسندد. (۳) و در نامه ای به علامه شیخ محمد تقی اینگونه می نویسد:

جناب آقای علامه جلیل استاد محمد تقی قمی

دبیر کل جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی

□  
سلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

اما بعد با نهایت مسرت، یک نسخه از فتوای امضا شده خود را که در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه صادر نموده ام، به پیوست حضورتان تقدیم می دارم، امیدوارم آن را در آرشیو دارالتقریب بین مذاهب اسلامی که اینجانب افتخار شرکت در تأسیس آن را دارم، نگاه دارید.

خداوند ما را در پیشرفت رسالت این مؤسسه، توفیق عنایت فرماید.

□  
والسلام علیکم ورحمه الله

شیخ جامع الازهر

محمود شلتوت (۴)

ص: ۴۴۸

---

۱- (۱). تاریخ مذهبی قم، علی اصغر فقیهی، ص ۱۵۶..

۲- (۲). همان، ص ۱۵۷، به نقل از دعوه التقریب، ص ۱۰..

۳- (۳). طلایه داران تقریب (۲)، ص ۸۳، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ دی ماه ۱۳۷۹، ویژه نامه، ص ۱۰..

۴- (۴). همان، ص ۸۲، به نقل از همبستگی مذاهب اسلامی، ص ۳۴۵..

الف) انگیزه کار

شیخ قمی، درباره انگیزه خود در تأسیس (دارالتقريب)، و عزیمت به کشور مصر و چگونگی آغاز کار می گوید:

«در آن زمان، شرایطی چند در جهان اسلامی دست به دست هم داده بود که باعث درگیری فرقه ای بین اهل سنت و شیعه، در شدیدترین حالت خود شد. فضا سرشار از بی اعتمادی، بحران، دشمنی و بدگمانی نسبت به هر دو گروه بود. دشمنان اسلام، در ایجاد اشکال تراشی زیاد بین مذاهب موفق شده بودند. هر دو گروه بدون این که به فکر نشستن بر روی یک میز باشند و سخن طرف مقابل را در مورد کنار گذاشتن طعنه، زخم زبان و توهین بشنوند، هم دیگر را به باد تهمت می گرفتند».

ب) اقدام سید یزدی

سپس حادثه ای رخ داد که تمام افراد پاک طینت را تکان داد. این حادثه هشدارى به همه علاقمندان به سرنوشت امت اسلامی بود. خبر اعدام ایرانی ای از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به نام سید ابو طالب یزدی در موسم حج، در سرزمین حجاز، اعلان شد، زیرا او اراده اهانت به

ص: ۴۴۹

---

۱- (۱). دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، مؤسسه نیکو و مبارکی است که بیش از نیم قرن پیش (۱۳۶۸ق)، فعالیت خود را در قاهره آغاز نمود و ثمره آن در طول دهها سال به بار نشست، این مؤسسه از نشانه های همکاری و تفاهم بین شرق و غرب جهان اسلام و یا به عبارت دیگر به طور اخص بین دو کشور ایران و مصر می باشد. (پیشینه تقرب، پشت جلد)..

کعبه را داشت!! نگاه ها به کشور سعودی دوخته شد تا از این خبر اطلاع حاصل کنند. گزارش تکان دهنده دردناکی بود که از فضای وحشتناکی در زمینه نابودی ایمان و بدگمانی و تهمت بین مسلمانان حکایت می کرد.

قضیه از این قرار بود که گویا به این مرد، در حین طواف، حالت تهوع دست داد و می خواست از بین حجاج در حال طواف خارج شود، ولی نتوانست خود را کنترل نماید و تلاش می کرد که زمین مسجد الحرام را آلوده نکند، لذا لباسش را جمع کرد و محتویات دهان خود را در آن ریخت و سپس برای خارج شدن از مسجد عجله نمود. پلیسی او را متوقف ساخت و از او پرسید که چه چیزی را در جامه دارد و چون آنچه را که می بایست می دید، مشاهده کرد و از توضیحات فارسی سید هم چیزی را نفهمید، او را دستگیر و تسلیم دادگاه نمود و در دادگاه هم متوجه نشدند که سید چه می گوید، لذا افکار قاضی ها به این نتیجه منجر شد که این مرد ایرانی است و ایرانیان معمولاً برای حج به بیت الله الحرام نمی آیند و بلکه برای حج به کربلا- و نجف می روند!! و فقط به خانه خدا به قصد اهانت به کعبه می آیند!! و آن چه که این ایرانی با خود دارد فقط به هدف نجس کردن کعبه است!! سپس حکم اعدام را صادر کردند و گردن سید را زدند!!

این نمونه آشکار از پیروزی توطئه استعماری در ایجاد جدایی روح، احساس و اعتقاد بین مسلمانان بود.

این واقعه، شیخ قمی و اکثر فرزندان جهان اسلام را متأثر ساخت ولی باعث نشد که شیخ روشی منفی اتخاذ نماید و انگیزه ای نشد تا او از اهل سنت انتقام بگیرد، بلکه موجب گردید که او انتقام از جهل و تفرقه و تمام عواملی بگیرد که به این شکل و یا به اشکال دردناک دیگر ظاهر می شوند.

او بی صبرانه در مورد این موضوع به فکر فرو رفت و تصمیم گرفت که جنبشی را آغاز نماید و موانع جدایی بین اهل سنت و شیعه را از میان بردارد و ناگزیر، این جنبش بایستی در مرکزی قرار گیرد که می توانست با تأثیر خود، تمام جهان اسلام را تحت الشعاع قرار دهد.

هیچ مکانی برای این امر، بهتر از الازهر و قاهره نبود.

این طرح، نخست نیاز به یادگیری زبان عربی داشت، لذا شیخ قمی صرف، نحو و بلاغتِ زبان عربی را در حوزه علمیه فرا گرفت، ولی هنوز با این زبان به خوبی صحبت و گفتگو نمی کرد. او با هدف آموزش زبان عربی به لبنان رفت و در دهکده ای در لبنان اقامت گزید و با ادبا و بزرگان آن جا معاشرت نمود. به مدت هفت یا هشت ماه، شب و روز به صحبت کردن زبان عربی سخت مشغول شد. از خاطره های او در این دهکده لبنانی این بود که مردی مسیحی در آن جا زندگی می کرد که تمام مردم دهکده او را دوست می داشتند. این مرد به محض این که به خیابان وارد می شد، مردم به دور او جمع می شدند و به او سلام می کردند و دست او را می بوسیدند. شیخ از او راز مردمی بودن او را سؤال کرد. آن مرد درحالی که به کلیسای دهکده اشاره می کرد که در کنار آن مدرسه ای بود، گفت: «دلیل آن این است» و اضافه کرد: «ما در کنار هر کلیسایی مدرسه ای را تأسیس می کنیم و فرزندان دهکده را در آنجا آموزش می دهیم و با آن ها در آنجا از نظر فکری، عاطفی و معنوی ارتباط برقرار می کنیم».

شیخ قمی می گوید: «موقعی که این سخن را از شیخ مسیحی شنیدم، به رمز تحوّل تربیت و تمدّن اسلامی در دوره های طلایی آن پی بردم»، همین موضوع موجب شد که شیخ قمی مقاله ای را تحت عنوان (باید شعار ما: مدرسه در کنار مسجد باشد)، بنویسد و در این مقاله، به اهمیت پیوند علم و ایمان تکیه نماید تا ارمغان علم را باردار نموده و ره آورد ایمان را باور کند.

د) عزیمت به مصر

علامه شیخ محمد تقی قمی لبنان را ترک کرد و به سوی مصر رهسپار شد و با نخستین شخصیتی که ارتباط برقرار نمود، شیخ محمد مراغی بزرگ بود که در آن روزها، ریاست الازهر شریف را بر عهده داشت. شتکوه و گلایه ها را برای او تشریح کرد و تمام نگرانی ها و اندوه های دلش را نزد او بیرون ریخت و آنچه که به خاطر تفرقه و پراکندگی مسلمانان بر سر آن ها آمده بود، برای او توضیح داد و نظریه مرآوده و شناسایی مذاهب اسلامی را برای او مطرح کرد. شیخ مراغی با پاسخ مثبت، جواب او را داد و به شیخ قمی پیشنهاد کرد که اقدامش

را با تدریس در الازهر شروع کند و فلسفه را تدریس نماید. او به تدریس مشغول شد و مدت زمان زیادی از وقت خود را نیز در کتابخانه دانشگاه گذراند.

شیخ قمی خانه محقر و ساده را برای سکونت و فعالیت های علمی خود اجاره کرد (که بعدها این خانه مقر دار التقرب در قاهره شد). او با پولی که همراه خود داشت و با پولی که از ایران فرستاده می شد، زندگی خود را با قناعت و بخور نمیر می گذراند. ولی پولی را که در مقابل تدریس و کار دفتری بدست می آورد، بین کارمندان دانشگاه توزیع می کرد. علامه قمی با خانواده خود در طبقه بالای این خانه، زندگی می کرد.

شیخ مراغی در پیشنهاد خود به شیخ قمی برای تدریس در الازهر کار درستی را انجام داد، زیرا فرصتی برای او ایجاد کرد تا با تعدادی از بزرگان علم و ادب و تحصیل کرده ها ارتباط برقرار کند، بزرگانی که از شخصیت علمی، میانه روی، اخلاق و فزونی عقل، اخلاص و محبت او به شگفت آمده بودند.

به تناسب، شیخ قمی از قامت لاغر و باوقار، صورتی درخشان، منطقی وزین و با متانت و اخلاقی کریم و دوست داشتنی برخوردار بود. این صفات از علت های پیروزی او در دعوتش بودند. ولی در عین بی چیزی و پارسایی شیخ قمی، مداوم این دیدگاه را در بین گروه های مختلف از علما و تحصیل کرده ها ترویج می داد و در تمام مجامع و مراکز به شهرت خیره کننده ای دست یافت. ولی با وجود این، شیخ، شدیداً از تنگدستی و کمبود مالی رنج می برد.

خانواده اش در ایران به طور نسبی در آسایش بودند و در نیازمندی های مالی او را یاری می دادند. ولی شرایط به طور منظم آماده رسیدن پول به وی نمی شد. در برهه ای بحرانی از دوران تنگدستی، یکی از سفارتخانه های غربی در قاهره با او تماس گرفت و از او دعوت به عمل آورد. شیخ دعوت را پذیرفت و در آنجا اهداف و مقاصد خود را توضیح داد. سفیر، مبلغ چشم گیری پول به عنوان کمک به طرح او به ایشان پیشنهاد نمود. شیخ از این پیشنهاد ناگهان یکه خورد. به ویژه، این پول در شرایط نیازمندی شدید برای او حاصل می شد. ولی او بعد از تأملی کوتاه خطاب به سفیر گفت: «در حقیقت من به پول احتیاج خیلی زیاد دارم، ولی از گرفتن هر مبلغی از این پول امتناع می ورزم تا نکند که درباره این دعوت شبهه ای صورت گیرد». شگفت این جا است که شیخ قمی از گرفتن این مبلغ در زمانی که جیب او حتی از یک

شاهی پول هم خالی بود امتناع ورزید. خود او می گوید: «از سفارت به طرف خانه پیاده برگشتم چرا که توانایی پرداخت کرایهٔ دُرشکه را نداشتم!»

شیخ قمی کار گروهی خود را ادامه داد، و روابط گسترده ای با اساتید و علما ایجاد کرد.

جلسه ها در منزلش و یا در یکی از رواق های دانشگاه الازهر پشت سرهم برگزار می شد و در این جلسه ها مشکلات مسلمانان، مسائل و شبهه های مذهبی مطرح می گردید و گفتگوهای امیدوارکننده به گوش می رسید تا این که نظریهٔ همبستگی بارور شد و به تعداد مؤمنان در این زمینه افزوده گشت.

ه) همکاری شیخ مراغی

شیخ مراغی در تمام این مدت، تلاش خود را مبذول می نمود تا این مهم شیخ قمی را با پیروزی مواجه سازد از اقدام هایی که او انجام داد، این بود که شیخ قمی را به گروهی از علما معرفی نمود. این افراد از تلاش های وحدت مسلمانان و رفع تفرقه بین آن ها حمایت می کردند. از جملهٔ این علما، شیخ مصطفی عبد الرزاق بود که بعدها به ریاست الازهر رسید، شیخ عبد المجید سلیم و شیخ محمود شلتوت (که هر دو آنها متولی ریاست الازهر شدند)، شیخ محمد مدنی و شیخ محمد علی علویه پاشا از دیگر حامیان شیخ قمی به حساب می آمدند. سپس شیخ قمی جمعی دیگر را برگزید، از جمله این بزرگان شیخ حسن البنا، شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ علی مؤید از کشور یمن و سید آلوسی فرزند صاحب تفسیر روح المعانی بود. از این گروه بود که هستهٔ اولیهٔ جمعیت همبستگی شکل گرفت. همین جمعیت مؤسسه ای را بنیان نهاد که (دار التقریب) نام گرفت و خانهٔ محقر شیخ قمی مرکز فعالیت آن ها شد.

و) متعصبی در جمع گروه

علامه شیخ محمدتقی قمی می گوید: «از بین اعضای جمعیت، شخصی متعصب در مذهب و مخالف با هر گونه نظریه، نسبت به همبستگی با شیعه را انتخاب کردم. زمانی که شیخ مراغی از این موضوع اطلاع یافت، شخصی را نزد من فرستاد و با تعجب از من پرسید، چرا

این شخص را انتخاب کردید؟ در جواب گفتیم: او را با آگاهی از تعصب او انتخاب کردم، زیرا ما در بین خود کسی را می‌خواهیم که اعتراض‌ها را مطرح کند، در صورتی که حق و درست باشد، آن را قبول کنیم و روش فکری خود را اصلاح نماییم، ولی در صورتی که فقط و تنها شک و شبهه باشد، قبل از این که این مسأله در بین مردم جریان پیدا کند، به طور غیر مستقیم مسؤل جواب دادن به آن سؤال باشیم. هنگامی که شیخ مراغی جوابم را شنید، نگرانی از صورتش برطرف شد و درحالی که خوشحالی، او را در خود غرق نموده بود، گفت: این نوع تفکر و آزادمنشی را به تو تبریک می‌گویم و شما با این ویژه گی‌ها به طور قطع در دعوت خود موفق خواهید شد».

اگر به مجله «رساله الاسلام» مراجعه کنید، انعکاس عملکرد این جمعیت را خواهید یافت که اعضای آن از بیست نفر تجاوز نمی‌کرد و هم چنین فعالیت‌هایی که این جمعیت انجام داد و اساس نامه‌ای که برای تأسیس آن تدوین نمود، خواهید یافت. (۱) بحمد الله امروزه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - که با تدبیر و عنایات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای مدّ ظلّه العالی راه اندازی گردید - (۲) می‌توان گفت نهادی به مراتب قوی‌تر و فراگیرتر از دارالتقریب است که در راه نزدیک نمودن دل‌های امت اسلام در سرتاسر جهان فعالیت می‌نماید.

ص: ۴۵۴

---

۱- (۱). پیشینه تقریب، ص ۱۶۸ - ۱۷۴..

۲- (۲). زمانی که معظم له تصمیم به تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گرفتند، عقیده داشتند که احترام به پیشینیان اقتضا می‌کند که با علامه شیخ محمدتقی قمی مشورت نمایند. مقام معظم رهبری با واسطه پیام شفاهی‌ای برای شیخ قمی فرستادند. شیخ بسیار خوشحال شد و با همان واسطه جواب خوب و مناسبی در تجلیل رهبر انقلاب فرستاد. پس از آن شنیده شد که این احترام و تجلیل معظم له از شیخ قمی، در وی انگیزه و نیرویی ایجاد کرده بود که باعث گردید دوباره به راه تقریب و برگشت به قاهره برای از سرگیری فعالیت‌های دارالتقریب تصمیم بگیرد. ولی حادثه تصادف به زندگی این بزرگمرد عرصه تقریب و الگوی همبستگی عصر حاضر پایان داد. (با اندکی تلخیص، همان، ص ۱۹۰)..

آیت الله شهید سید مهدی حکیم

شهادت: ۱۳۶۸ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام حسن مجتبی علیه السلام

نام: سید مهدی، نام پدر: سید محسن، ولادت:

۱۳۱۴ق، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: سید مهدی مقدمات خواندن و نوشتن را در یکی از مکتب خانه های علمی نجف اشرف آموخت و دروس حوزه را شامل: مقدمات، منطق، اصول، فقه، خارج اصول و فقه نزد اساتید بزرگ آن دیار فرا گرفت.

وی پس از چندی از چهره های ممتاز و پر افتخار حوزه علمی نجف اشرف گردید.

اساتید: شیخ محمد تقی الفقیه، سید محمد و سید احمد حکیم، آیت الله العظمی خویی، شهید سید باقر صدر، شیخ حسین حلی. ۱.

سرانجام: در شب یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۶۸ش در هتل هیلتون کشور سودان، سید مهدی مورد اصابت گلوله چند عراقی مشکوک قرار گرفت و روح پاکش به ملکوت اعلی و جوار رحمت حق پیوست.

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد شریف کریمه اهل بیت علیها السلام، مسجد بالاسر.

۱. ستارگان حرم، ج ۸، ص ۲۴۲ - ۲۴۳.

ص: ۴۵۵

- او همواره به دور از علائق سیاسی، مذهبی، زبانی و... مخالفین را در قلمرو یک تشکیلات ملی دعوت می‌کرد و جنبه‌های مشترک آنان را، معیار وفاق ملی قرار می‌داد و سنی، شیعه، کُرد، فارس و دیگر ملیتها را یک مجموعه واحد به نام تشکّل ضد استکباری، به حساب می‌آورد.

- وی در سال ۱۳۴۷ش، به درخواست مسلمانان پاکستان و ضرورت ترویج معارف اسلامی و نیز انسجام بخشیدن به نیروهای مسلمان، به پاکستان رفت تا مسلمانان آن دیار، از آبشخور فکری وی سیراب گردند. (۱) - شهید حکیم نه تنها با شیعیان روابط نزدیکی داشت، بلکه با علمایی چون «مودودی» از اهل سنّت هم تماس برقرار می‌کرد و با ایجاد میزگرد و سمینارهای علمی، زمینه را برای رفع سوء تفاهات، فراهم می‌آورد.

- این شهید سعید در طول عمر با برکت خویش، برای دستیابی به اهداف والای خود به لبنان، عربستان، اردن، کویت، پاکستان، لندن و دُبی مسافرت نمود. (۲)

ص: ۴۵۶

---

۱- (۱). ستارگان حرم، ج ۸، ص ۲۴۷..

۲- (۲). همان، ص ۲۴۵ - ۲۵۰..

متوفای: ۱۳۶۹ ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام زین العابدین علیه السلام

نام: سید شهاب الدین، نام پدر: سید شمس الدین محمود، ولادت: ۱۲۷۶ ش، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی اندکی پس از یادگیری خواندن و نوشتن به کسوت روحانیت درآمد و پس از آن به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. ادبیات عرب، فقه، اصول، حدیث، درایه، رجال، تراجم و... را نزد استادان حوزه علمیه نجف آموخت و سپس در درسهای خارج فقه و اصول علمای آن دیار شرکت جست. سید شهاب الدین مدتی نیز نزد علمای زیدیه و اهل سنت به فراگیری علم حدیث پرداخت و از آنان اجازه نقل حدیث گرفت. تلاش شبانه روزی ایشان پس از ۲۷ سال به ثمر نشست تا اینکه توانست قلمه رفیع اجتهاد را فتح نموده و از بیش از چهارصد تن از علمای شیعی، زیدی و سنی، اجازه اجتهاد و روایت دریافت دارد. ۱.

اساتید، حضرات آیات: آقا ضیاء عراقی، شیخ احمد کاشف الغطاء، سید ابو الحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائری یزدی، شیخ عبدالباقی نوری، آقا حسین نجم آبادی، میرزا طاهر تنکابنی، میرزا مهدی آشتیانی.

شاگردان، آیات عظام و حجج اسلام: شهید غفاری، شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید قاضی طباطبایی، شیخ شهاب الدین اشراقی، حاج میرزا جواد آقا تهرانی، آقا موسی صدر، سید مرتضی عسکری، شهید مصطفی خمینی، شهید مفتاح، شهید صدوقی، سید محمود طالقانی، شیخ مرتضی حائری، شیخ حسن نوری همدانی، قدرت الله وجدانی فخر، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی و... ۲.

آثار قلمی: آثار ایشان به ۱۴۸ کتاب، رساله و مقاله می رسد که برخی از آنان بدین شرح است: سند القراء والحفاظ، مجموعه ای در ادعیه و زیارات، شرح حال ادوارد فندیگ، شرح حال سید اعجاز حسین نیشابوری کتوری، شرح حال حضرت سلطان علی فرزند امام باقر علیه السلام، شرح حال مولی عبد الواسع کاشانی، شرح حال شیخ عزالدین ابن اثیر موصلی جزری، الضوء البدری فی حیاه صاحب الفخری و... ۳.

سرانجام: مرجع بزرگ تقلید شیعه، در روز چهارشنبه هفتم شهریورماه ۱۳۶۹ در ۹۶ سالگی دار فانی را وداع و به اجداد پاکش پیوست و پیکر پاکش با حضور انبوه مردم عزادار تشییع گردید.

مرقد: ایران، قم، در جوار کتابخانه بزرگی که خود مؤسس آن بود.

۱. شهاب شریعت، علی رفیعی، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۰۱ - ۲۰۶.

۳. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۴۲.

ص: ۴۵۷

- ایشان تلاش در زمینه ایجاد وحدت بین مسلمانان را همواره وظیفه خویش می پنداشت و اقدامات زیادی در این راه انجام داد.

- مرحوم آیت الله مرعشی نجفی امیدوار بود که با مکاتباتی که با سایر فرق اسلامی دارد، بتواند ندای اهل بیت علیهم السلام را به گوش تمامی مسلمانان در ممالک اسلامی رسانده و اخوت اسلامی را نیز بپا دارد. (۱) تلاش ها

- اهداء کتابهای فقههای شیعه به دانشمندان شیعه، سنی و مسیحی و دانشگاهیان جهان.

- سفر به کشورهای مختلف اسلامی و گفتگو با دانشمندان اهل سنت و فرق دیگر.

- ملاقات با علما و دانشمندان اسلامی و مذاهب گوناگون بودایی و هندی در شهر بمبئی هند.

- ملاقات و گفتگو با: علامه سید محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری، انستانس کرملی بغدادی، شیخ عبد السلام شافعی کردستانی، سید ناصر حسین هندی، تاگور (نویسنده و فیلسوف شهیر هند)، میرزا احمد تبریزی (پیشوای فرقه ذهبیه) میرزا عنایت الله اخباری، پروفیسور هانری کربن، دکتر فؤاد سرگین آلمانی، سید ابراهیم رفاعی (راوی بغدادی)، رشید بیضوی لبنان، سید محمد رشید رضا (نویسنده تفسیر المنار) و بسیاری از اندیشمندان دیگر. (۲) - مکاتبات متعدد با رئیس جمعیت اخوت اسلامی مصر، علامه شیخ طنطاوی جوهری (صاحب تفسیر التاج المرصع بجواهر القرآن والعلوم، معروف به تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم) از اساتید برجسته جامع الانزهر قاهره. در یکی از این مکاتبات علامه طنطاوی در ربیع الاول ۱۳۵۸ق، در پاسخ ارسال نامه و کتاب «شرح صحیفه سجاده» و کتب

ص: ۴۵۸

۱- (۱). شهاب شریعت، ص ۲۵۶.

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۴۴.

دیگر، که از سوی معظم له برای ایشان فرستاده شده، به نمایندگی از جمعیت اخوت اسلامی قاهره چنین نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت استاد ابو المعالی شهاب الدین الحسینی المرعشی، مشهور به نجفی، نَسَابَةُ آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد

تلگرام شریف، مدتی است عزّ و صول بخشیده است. شما در این تلگرام یادآور شده اید آیا کتاب «ریاض السالکین» شما در «شرح صحیفه امام زین العابدین علیه السلام»، که توسط علامه سید علی بن معصوم، صاحب کتاب «سلافه العصر» که در نوع خود بی نظیر و یگانه است، به دست ما رسیده است یا خیر؟ به عرض آن جناب می رسانم که آن کتاب ارزشمند و نفیس به من رسیده است و آن را توسط سید محسن اعظمی به حضور جمعیت اخوت اسلامی تسلیم نموده ام و در کتابخانه آن جمعیت قرار گرفته است. زیرا اگر در آن کتابخانه باشد نفع آن عمومی و پر دوام و ماندگار است. این جمعیت، خوشوقت خواهند بود اگر لطف نمایید و کتابهای دیگری از این نمونه که در کشور شما موجود است و می تواند به نوعی در ایجاد تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی نقش مؤثری ایفا کند، به آدرس این جمعیت ارسال فرمایید. در پایان بهترین تحیات و درودهای مرا بپذیرید.

مخلص شما طنطاوی جوهری

رئیس هیئت جلسات تحریریه

اهداف مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی را از این مکاتبات، در دو مورد می توان خلاصه نمود:

اول، اعلام کلمه اهل بیت علیهم السلام و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در ممالک اسلامی؛ دوم، ایجاد وحدت و اخوت اسلامی. (۱)

ص: ۴۵۹

متوفای: ۱۳۷۰ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: قربان علی، ولادت: ۱۲۹۵ش، محل تولد: ایران، خراسان، حومه میانجام.

تحصیلات: وی دروس ابتدایی را در زادگاه آموخت، سپس به مشهد آمد. ادبیات و سطوح را نزد اساتید آن شهر فرا گرفت و تحصیلات جدید را تا سطح دیپلم ادامه داد. در ۱۳۱۴ش به نجف رفت و دروس مکاسب، کفایه، رسائل، و نیز یک دوره خارج اصول و فقه را نزد بزرگان، تلمیذ نمود. شیخ قربانعلی مدتی بعد موفق به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد و پس از ۱۵ سال به خراسان بازگشت.

اساتید، حضرات آیات: خویی، میرزا باقر زنجانی، سید ابوالقاسم رشتی، شیخ موسی خوانساری، آقا ضیاء الدین عراقی، سید ابو الحسن اصفهانی.

آثار قلمی: از آثار قلمی ایشان می توان به تقریرات درسهای اساتید خود و کتابی در موضوع ولایت، اشاره نمود. ۱.

سرانجام: آیت الله توسلی نجفی پس از عمری تلاش و کوشش در راه اسلام در تیرماه ۱۳۷۰ش دیده از جهان مادیت فرو بست و به لقاء الله پیوست.

مرقد: ایران، مشهد مقدس، بازار کفاشهای حرم مطهر امام رضا علیه السلام.

۱. مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

تلاش ها: - ایشان پس از گذاردن دوران تحصیل خود در نجف اشرف به ایران آمد و به توصیه حضرت آیت الله العظمی بروجردی به تربت جام رفت.

- وی در زمینه اتحاد اسلامی فعالیت نمود و از همان ابتداء سفر به آن شهر، کوشید تا میان اهل تشیع و برادران سنی وفاق بوجود آورد. (۱)

ص: ۴۶۰

شهادت: ۱۳۷۰ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سيّد عباس، ولادت: ۱۳۳۱ ش، محل تولد: لبنان، بعلبک، شهر بني شيث عليه السلام .

تحصيلات: وی از بدو کودکی با رشد و رویش زودرسش، منحصر به فرد گردید و پس از مدّتی مشغول تحصيل علوم دينی گردید. سيّد عباس نقطه عطف خویش در گرایش به علوم حوزوی را ملاقات با امام موسی صدر می دانست. حدود يك سال و اندي در مرکز مطالعات اسلامي شهر صور به تحصيل پرداخت و سپس عازم ديار علوم، نجف اشرف گردید. سيّد عباس توانست در مدت پنج سال تمام دوره های مقدمات و سطح متداول در حوزه علمیه را سپری نماید. او در کنار دروس حوزوی به فراگیری زبانهای خارجی روی آورد. چندی بعد سيّد عباس در درسهای عالی و خارج حوزه علمیه در محضر استادان بزرگ نجف اشرف تلمّذ نمود، وی ۹ سال بعد به لبنان بازگشت و حوزه علمیه امام منتظرعجل الله تعالی فرجه الشریف را تأسیس نمود.

اساتید: حضرات آیات: عبد المجید حکیم، سيّد محمد باقر صدر، سيّد ابوالقاسم خویی. ۱.

سرانجام: رهبر جنبش حزب الله لبنان، در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۷۰ پس از سخنرانی در مجلس یادبود شهادت شيخ راغب حرب، در حالی که همسر و فرزندش را به همراه داشت در حین بازگشت و در دوراهی تفاحتا - جبل مورد اصابت موشکهای هدایت شونده الکترونیکی صهیونیستی قرار گرفته و به فیض شهادت نائل آمد. ۲.

مرقد: لبنان، بعلبک، شهر بني شيث عليه السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۲ - ۴۹۴.

۲. همان، ص ۵۱۱، به نقل از مجله شاهد، شماره ۲۶۱، بهمن ماه ۱۳۷۵، ص ۶.

ص: ۴۶۱

- وی می گفت: طرح وحدت میان مسلمانان جهان و اهتمام به مسائل مسلمانان که از سوی امام خمینی رحمه الله و جمهوری اسلامی ایران عنوان گردیده، مهمترین عنصر قدرت برای جهان اسلام بوده و ایران اسلامی تنها جایگزین حقیقی نظامهای پوسیده شرق و غرب به حساب می آید. (۱) - سید عباس در خصوص نقش تفرقه افکنانه اسرائیل می گوید: اسرائیل از خلال تسلطش بر فلسطین، در نقطه محوری منطقه عربی قرار گرفت؛ درست منطقه ای که آسیا و آفریقا را به هم متصل می کند و بدین دلیل در این ناحیه ریشه دواند، تا جهان اسلام را از یکدیگر جدا سازد. (۲) تلاش ها

- تأسیس حوزه علمی امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر بعلبک (۱۳۵۷ش). (۳) - ملاقات و گفتگو با حضرت امام خمینی رحمه الله (۱۳۶۱ش).

- دیدار و مذاکره با مسئولان جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ش).

□  
- تشکیل و پایه ریزی جنبش حزب الله لبنان (۱۴۰۴ق).

- افشاگری ها و هشدارها در جهت رویارویی با توطئه آمریکا در به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان دولت عادی میان سایر کشورهای اسلامی. (۴) - همدردی با مسلمانان جهان:

سید عباس از چنان سعه صدری برخوردار بود که امت اسلامی را در قلب خود جای می داد و دارای چنان قلبی بود که گنجایش همه مسائل و مشکلات جهان اسلام را داشت.

زمانی که او در نجف تحصیل می کرد برای چاره اندیشی قضایای جهان اسلام به پا خاست و انجمن هفتگی تشکیل داد که در آن با برخی از برادرانش اجتماع می کرد و اوضاع و مسائل امت مسلمان، از جنوب آفریقا تا دورترین نواحی شرقی آسیا را مطالعه می نمود. در زندگی

ص: ۴۶۲

۱- (۱) . گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۰۲، به نقل از امام و انقلاب در آئینه اندیشه جهان، ج ۲، ص ۱۰۰..

۲- (۲) . همان، ص ۵۰۷..

۳- (۳) . همان، ص ۴۹۴..

۴- (۴) . همان، ص ۵۰۷، به نقل از روزنامه العهد، شماره ۳۰۶ و ۳۰۸..

پربارش با تمامی مسلمانان در چهارسوی جهان ارتباط داشت و از آنان در منزلش استقبال می نمود و با آغوش باز آنها را می پذیرفت. گاه نیز در سنگرها و موقعیتهای مبارزاتی به دیدار آنان می شتافت و در رفع کاستی ها و مشکلات شان اهتمام می ورزید. سید عباس اصرار داشت که در قلب مسایل مسلمانان قرار گیرد و در این راه از تمامی امکانات فکری، قلبی، تأیید زبانی، حمایت مالی، اقدامات عملی و پیشگامی در جهاد دریغ نمی کرد. (۱) - ارتباط با جهان اسلام:

وی در کنفرانس های سیاسی، فکری و فرهنگی در تهران، اسلام آباد، دمشق و آلمان حضور بهم رسانید و نیز در تمامی اجتماعات و گردهماییهایی که در خصوص مسئله فلسطین، کشمیر یا همبستگی با مسلمانان مبارز در الجزایر، تونس، مصر و عراق یا دیگر نقاط منعقد می گردید حضور مداوم و فعال داشت. از طریق فعالیت های اسلامی خود به شبکه ارتباطات مهم و بزرگی پیوست و با برجسته ترین رهبران کشورهای اسلامی و جنبش های مسلمانان در جهان اسلام و یا کسانی که برای او احترام بسیاری قائل بودند مراوده و ارتباط برقرار نمود.

- دیدار و گفتگو با رهبر شیعیان پاکستان:

در سال ۱۳۶۷ش از جناب شهید علامه سید عارف حسینی (رهبر شیعیان پاکستان) استقبال نمود و او را در بازدیدی که از برخی روستاهای در حال نبرد در بقاع غربی و بسیاری از محورهای مقابله با دشمن صهیونیستی بودند؛ همراهی کرد. یک هفته قبل از شهادتش در مرکز دبیر کلّی حزب الله یکی از سرشناس ترین عالمان آفریقا را به حضور پذیرفت و مذاکرات مفصل و جامعی در مورد مشکلات و آلام قاره سیاه، بین آن دو ردّ و بدل گردید و سید عباس وی را به برانگیختن عوامل خفته در امت اسلامی و شکوفا نمودن آنان در جهت صحیح فراخواند و شیخ آفریقایی را با این گفته وداع گفت: «به درستی که راه اسلام با محرومیت و کم بضاعتی مالی توأم و کسی نباید توقع داشته باشد که در این مسیر راحت و آسوده زندگی کند. امام خمینی رحمه الله نیز با همکاری پابرهنگان و مستضعفان صالح موفق گردید استکبار جهانی را از پای درآورد». (۲)

ص: ۴۶۳

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۰۸..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۰۹، به نقل از شهادت رهبر میلاد امت، ص ۶۶ - ۶۷..

- شرکت در کنفرانس بین المللی کشمیر:

□

در سال ۱۳۷۰ش سید شهید در رأس هیأتی از حزب الله جهت شرکت در اولین کنفرانس بین المللی کشمیر - که بنا به دعوتی که نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان از وی به عمل آورده بود - رهسپار اسلام آباد گردید. در آنجا اداره کنندگان کنفرانس، استقبال و پذیرایی مفصّلی از وی و همراهان وی به عمل آوردند و شخصیتهای سیاسی و رسمی حاضر در این جلسه، سید عباس را مورد تکریم و احترام وافری قرار دادند. در آن کنفرانس سخنان این عالم مبارز تأثیر قابل توجهی بر جای نهاد و به آن اعتبار بخشید. سید عباس در این محفل به ریشه معضلات و مسائل مسلمانان اشاره کرده و افزود:

«مشکلات اساسی که تمامی مسلمانان جهان از آن رنج می برند، عدم حق تعیین سرنوشت و قدرت تصمیم گیری است که باید در دست آنان باشد. (۱)

### در نگاه دیگران

□

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی: خون پاک این مرد بزرگوار و خانواده اش که مظلومانه و بی هیچ گناهی بر زمین ریخته شد، همانا موجب جدّیت بیشتر و پایداری هرچه افزون تر مقاومت بر حق ملت لبنان و فلسطین بر ضدّ رژیم صهیونیستی خواهد گردید. (۲) دبیر کل حزب الله لبنان سید حسن نصر الله: (سید عباس) فروتنی بی تکلف، دوستدار فقیران، مأنوس با محرومان، شیفته مجاهدان و عاشق شهیدان بود. (۳) دبیر کل حرکت جهاد اسلامی فلسطین دکتر فتحی شقاقی: او همانا یک قهرمان نادر در دوره ای استثنایی است. او اندوه فلسطین، کودکان، فقرا و نیز غم وحدت، جهاد و تلاش را همواره بر دوش داشت. (۴)

ص: ۴۶۴

۱- (۱). همان، به نقل از روزنامه العهد، شماره ۳۰۲..

۲- (۲). فرازی از پیام معظم له به مناسبت شهادت حجه الاسلام والمسلمین شهید سید عباس موسوی..

۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۷، به نقل از شهادت رهبر میلاد امت، ص ۱۳..

۴- (۴). همان، ص ۵۰۶ - ۵۰۷، به نقل از نشریه المجاهد، شماره ۱۲۹، ۱۹۹۲/۲/۲۱م..

متوفای: ۱۴۱۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید ابوالقاسم، نام پدر: حاج سید علی اکبر، ولادت: نیمه ماه رجب ۱۳۱۷ق، محل تولد: ایران، خوی.

تحصیلات: سید ابوالقاسم دوران کودکی را در دامان پر مهر و محبت پدر و مادر پشت سر گذاشت. او علوم مقدماتی را تا ۱۳ سالگی در زادگاه خویش سپری نمود.

در ۱۳۳۰ق به همراه پدر به نجف کوچ کرد تا اینکه در مدت کوتاهی توانست ادبیات عرب، منطق، لمعتین، رسائل، مکاسب و کفایه را فرا گرفته و در دروس خارج شرکت نماید. این فقیه وارسته توانست در اثر تلاش های شبانه روزی خویش، در سال ۱۳۵۲ق از چند تن از مراجع تقلید آن زمان از جمله آیات عظام:

نائینی، کمپانی، عراقی، بلاغی، میرزا علی شیرازی و سید ابو الحسن اصفهانی اجازه اجتهاد بگیرد. ۱

اساتید، حضرات آیات: شیخ الشریعه اصفهانی، شیخ مهدی مازندرانی، شیخ ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ محمد حسین نائینی. ۲

شاگردان: ایشان در طول عمر شریف خود توانست با تحمل زحمات طاقت فرسا، صدها مجتهد تربیت نماید که به برخی از آنان اشاره می گردد: آیات عظام: میرزا جواد تبریزی، محمد تقی بهجت، سید علی خامنه ای، شیخ کاظم تبریزی، سید علی سیستانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، آقا موسی شبیری زنجانی، امام موسی صدر، سید محمد حسین فضل الله، ناصر مکارم شیرازی، سید رضا خلخالی، محمد تقی جعفری، محمد جواد مغنیه، محمد علی قاضی طباطبایی و ... ، دانشمند فرزانه سید جعفر شهیدی. ۳

آثار قلمی: البیان فی تفسیر القرآن، رساله در خلافت، رساله در لباس مشکوک، منتخب الرسائل، منیه المسائل، المسائل والرود، اضائه القلوب بتحقیق المغرب والغروب، فقه القرآن علی المذاهب الخمس، قاعده التجاوز، تعارض الاستصحابین، تقریرات درس اصول مرحوم محقق اصفهانی و ... ۴.

سرانجام: این عالم روزگار در ۹۴ سالگی، هشتم صفر ۱۴۱۳ق از دار فانی به سرای باقی شتافت و شیعیان را در غم فقدان خویش فرو نشاند.

مقبره: عراق، نجف اشرف، مسجد خضراء.

□

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۲۹، به نقل از یادنامه آیت الله العظمی خویی، ص ۶۵.

۲. همان، ص ۴۲۸.

۳. همان، ص ۴۳۲.

۴. همان، ص ۴۳۲، به نقل از معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۲۴؛ یادنامه آیت الله العظمی خویی، ص ۷۸.

ص: ۴۶۵

- ایشان علاوه بر تدریس علوم اسلامی، در فنّ مناظره با مخالفان و دانشمندان سایر ادیان نیز خُبره بود. وی در مناظره، شیوه سقراط را در پیش می گرفت، یعنی ابتدا تظاهر به قبول گفتار طرف مقابل می نمود، آن گاه مانند یک شاگرد که در مقام دانش طلبی و استفاده از استاد دانشمند خود است، اشکالات و مطالبی را به عنوان سؤالات علمی با مهارت خاصی پیش می کشید. (۱)- برخی از مناظرات آیت الله خوئی در کتاب البیان نقل شده است، از جمله مناظره با دانشمندی یهودی، درباره جاودانگی قرآن و گفتگو با عالم سنی حجاز درباره سجده کردن بر خاک. گفتگوی مرحوم آیت الله خوئی با عالم سنی حجاز، با حضور شخصیت‌های گوناگون اسلامی، ۱۰ شب در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم به طول انجامید و سرانجام طرف مناظره تمام گفته‌های ایشان را پذیرفت. (۲) در اثر همین گفتگوها، عده‌ای از برجستگان اهل سنت مانند دکتر سید محمد تیجانی سماوی و نیز استاد مالکی مذهب دانشگاه زیتونیه تونس، به مذهب مقدس تشیع گرویدند. (۳)- از جمله اقدامات دیگر ایشان را ساخت مسجد و مرکز اسلامی در لوس آنجلس، مسجد و مرکز اسلامی در دیترویت، المجمع الثقافی الخیری در بمبئی (که یکی از بزرگترین مؤسسات فرهنگی جهان اسلام می باشد)، مرکز اسلامی در فرانسه، مدرسه دینی در شهر داکا - بنگلادش، و مرکز الامام الخوئی در لندن (که در شمال غربی لندن قرار دارد و قبلاً کلیسا بوده است)، می توان نام برد. (۴)

ص: ۴۶۶

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۳۰، به نقل از ترجمه البیان، ص ۱۲..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). مشروح این گفتگو را دکتر تیجانی در کتاب «ثم اهدیت» نقل نموده است ولی در یکی از ترجمه‌های فارسی این کتاب، متأسفانه نام این مرجع بزرگوار نیامده است..

۴- (۴). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۳۷..

متوفای: ۱۴۲۳ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید محمد تقی، نام پدر: سید سعید، ولادت:

۱۳۴۲ق، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: وی تحصیلات ابتدایی را تحت اشراف پدر بزرگوارش گذرانید. سپس با دروس علوم عربی، شامل: منطق، بلاغت، اصول فقه، فلسفه و تاریخ آشنا گردید. سید محمدتقی چندی بعد در دروس خارج فقه بزرگان و مجتهدان وقت حاضر شد. آیت الله حکیم طی سالیانی چند به تدریس سطوح عالی فقه و اصول برای طلاب حوزه علمیّه نجف اشرف پرداخت. از ویژگیهای علمی ایشان را تدریس علم اصول فقه مقارن برای طلاب می توان عنوان نمود که در آن آراء ائمه مذاهب اربعه را متذکر می شد.

اساتید: حضرات آیات: سید سعید حکیم (پدر)، سید محمدحسین حکیم (برادر)، شیخ نورالدین جزائری، محمدرضا مظفر، سید ابوالقاسم خویی، شیخ حسین حلّی، سید محسن حکیم و... .

آثار قلمی: مالک اشتر، الاصول العامه لفقه المقارن، فکرة التقرب بين المذاهب، تاریخ التشریح الاسلامی و... .

سرانجام: آیت الله سید محمدتقی حکیم پس از سپری شدن ۸۱ بهار از عمر شریفش، در صبحدم شانزدهم ماه صفر ۱۴۲۳ق، با اندیشه ای مالامال از وحدت و تقرب بین برادران شیعه و سنی، به وصال معبود شتافت.

۱. کلیه مطالب این بخش با اندکی تلخیص از پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۸۶ تهیه گردید.

ص: ۴۶۷

- وی با تأکید بر أخذ به سنت اهل بیت علیهم السلام، نه تنها آن را مانع وحدت ندانسته، بلکه آن را بر اساس آیات قرآن، مانند آیه تطهیر و روایات نبوی صلی الله علیه و آله مانند روایت ثقلین که به تواتر در مصادر روایی فریقین آمده، از عوامل وحدت و در راستای سنت نبوی دانسته است.

- ایشان بر استدلال به قرآن کریم از سوی امت اسلامی تأکید نموده و می گفت: مذهب امامیه همانند سایر مذاهب بر این اصل تأکید کرده و اصولاً هر روایتی را که با قرآن کریم معارض باشد طرد می کند.

□  
- آیت الله حکیم می گفت: روایات ضعیف و شاذی که در کتابهای فریقین نسبت به تحریف قرآن وجود دارد ضمن ناسازگاری با آیه شریفه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (۱)، با روایات دیگری که دلالت بر عدم تحریف قرآن دارد، هم معارض است و علمای مذاهب (از جمله عالمان شیعی در طول تاریخ اسلام) به همین قرآن موجود استناد و استدلال می کردند.

پس می توان از این زاویه به تقریب مذاهب پرداخت و با زدودن شبهه تحریف و متهم نکردن یکدیگر به آن، گامی مؤثر در راه وحدت مسلمین برداشت.

#### تلاش ها

- تدریس علم اصول فقه مقارن و ذکر آراء ائمه مذاهب اربعه در درس خارج خویش.

- تأسیس جمعیت منتدی النشر به همراه عده ای از بزرگان، که بیش از یک قرن به فعالیت پرداخت.

- عضویت در چند مجمع علمی در کشورهای مصر، سوریه و اردن.

- تجلیل و پژوهش درباره عوامل اختلاف فقهی که آیا در تبیین صغریات اموری همانند حجیت ظهور قرآن و سنت یا حجیت قیاس نقش دارد یا اینکه اختلاف در نتایج بحث و به عبارت دیگر اصول فقه است، یکی دیگر از اقدامات وحدت بخش آیت الله حکیم بود.

ص: ۴۶۸

متوفای: ۱۳۷۲ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید محمد رضا، نام پدر: آقا سید محمد باقر (معروف به امام)، ولادت: ۱۳۱۶ق، محل تولد: ایران، گلپایگان، گو.کد. ۱.

تحصیلات: وی مقدمات علوم را نزد پدر بزرگوارش خواند و به پیشنهاد او، کتاب حياه القلوب علامه مجلسی و نیز نصاب الصبیان را در مکتب پیش استاد فرا گرفت. وی چندی بعد به قصد ادامه تحصیل به گلپایگان رفت و چند سالی را در آنجا گذراند، در همین اثنا سفری هم به خوانسار و حوزه علمیه آنجا داشت.

□  
سید محمد رضا پس از به پایان رسانیدن دوره سطح به اراک رفت و تا سال ۱۳۴۰ق یعنی به مدت ۴ سال، از محضر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده کرد. چندی بعد با عزیمت آیت الله حائری و چند تن از علمای دیگر به سمت شهر قم، سید محمد رضا نیز عازم آنجا گشت و به تحصیل در محضر استاد خویش در قم ادامه داده و سرانجام در ۱۳۵۵ق قله رفیع فقاها را فتح نموده و در ۲۴ سالگی به درجه اجتهاد رسید. ۲.

اساتید، حضرات آیات: سید محمد حسن خوانساری، آخوند ملا محمد تقی گوگدی گلپایگانی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، میرزا محمد باقر گلپایگانی، شیخ محمد رضا اصفهانی نجفی، میرزای نائینی، شیخ محمد حسین اصفهانی، حاج آقا حسین بروجردی، محقق عراقی، آقا سید ابو الحسن اصفهانی.

شاگردان، آیات عظام: صافی گلپایگانی، علی پناه اشتهاردی، سبحانی، مکارم شیرازی، علوی گرگانی، حرم پناهی، شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مدنی، شهید قاضی طباطبایی، شهید مفتّح، عبد الرحیم شیرازی، مشکینی، جنتی، مقتدایی، احمدی میانجی، و بسیاری دیگر از علما و فقهای معاصر. ۳.

آثار قلمی: از ایشان ده ها کتاب و رساله علمی به جای مانده که به بخشی از آنان اشاره می گردد: تعلیقات علی العروه الوثقی، تعلیقات وسیله النجاه، منتخب الاحکام، مختصر الاحکام، توضیح المسائل، مجمع المسائل، الاجتهاد والتقلید، و... .

سرانجام: در شامگاه روز پنج شنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۷۲ش، آن تک سوار عرصه اخلاص و صاحب نفس مطمئنه، ندای ارجعی الی ربک را لیک گفت و سوار بر کشتی حسینی شد و به اوج ملکوت پرکشید و از بسیط خاک به ملکوت پاک پیوست.

مقبره: ایران، قم، مسجد بالا سر حضرت معصومه علیها السلام در کنار قبر استاد خویش.

۱. نوری از ملکوت، مهدی لطفی، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۲۳ - ۲۵.

۳. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۴۶ - ۹۴۷.

ص: ۴۶۹

- توصیه ایشان به همه قشرهای مردم این بود که: کوشش کنید... در جماعتها و مجالس دعا شرکت کنید و شوکت و وحدت اسلامی را نشان دهید.

- مرحوم آیت الله گلپایگانی می گفت: همه در حفظ نظم و انضباط وحدت اسلامی و جلوگیری از موجبات نزاع و اختلاف بکوشید و اصلاح ذات البین را ترک ننمائید. (۱)- معظم له معتقد بود که نباید گذاشت که فعالیت تفرقه اندازان و سم پاشان در مساجد و در مجالس اسلامی وارد شود.

- ایشان همواره به مردم آگاهی می دادند که «گروههایی که در هر کجا و به گونه ای مشغول تفرقه افکنی و سم پاشی شده اند، در مساجد و مجالس دینی و به اسم غمخواری از اسلام فعالیت دارند... اینها با وسائل و حرفهای زیادی از جانب دشمنان اسلام مجهز شده اند. (۲)- او در وصیت نامه خویش به مسئولین نظام جمهوری اسلامی این گونه توصیه کرد که: بر مسئولین محترم لازم است که از خط مستقیم اسلام منحرف نشوند و... دور از هر اختلاف با اتحاد از این عطیه الهی پاسداری نمایند. (۳)- آیت الله گلپایگانی عقیده داشت: در مملکت اگر اتفاق کلمه نباشد و اختلاف حاکم باشد به هیچ جا نخواهیم رسید، باید بنای اجتماع یک وحدت مشترک باشد. (۴) تلاش ها

- ایشان در سفری که در سال ۱۳۸۵ق به مکه مکرمه داشت، با علم و کیاست خویش، موجب ترویج آئین مقدس جعفری علیه السلام شد و توانست اتهامات زیادی را که به شیعه نسبت می دادند، برطرف سازد، و حقیقت را یک بار دیگر به گوش جهانیان برساند و موجبات

ص: ۴۷۰

---

۱- (۱). بخشی از پیام حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی به مناسبت ماه مبارک رمضان..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). وصیت نامه معظم له، بند سوم..

۴- (۴). سخنرانی معظم له درباره خطر گروههای منحرف، ۹ اسفندماه ۱۳۵۹ش..

تقریب بین مسلمین را فراهم سازد. در این سفر با مذاکراتی که ایشان با امیر مدینه داشت توانست برخی از آن نسبت‌های ناروایی که برخی قلم بدستان مزدور بر شیعه روا داشته بودند از دامن پاک شیعه بزدايد و اثبات کند که شیعیان در تمام اصول و فروع تابع پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می باشند. بنا به همین مذاکرات، عمال سعودی در این سفر و سفرهای بعدی با ملایمت با شیعیان برخورد می کردند و همچون سابق نبود که شیعیان را به جرم بوسیدن ضریح مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، زیر ضرب و شتم گیرند و شیعه ای را که در توحید، خطبه های توحیدی نهج البلاغه و تعالیم امام صادق و امام باقر علیهما السلام را دارند تکفیر کنند.

□

یکی از نویسندگان معاصر که یک سال بعد از تشرّف آیت الله العظمی گلپایگانی به حج مشرف شده بود در سفرنامه خود راجع به این موضوع می نویسد: «به طوری که به تواتر شنیده شده، تا سال گذشته کسی قدرت نزدیک شدن به شبکه های ضریح را نداشت و اگر کسی نزدیک می شد، شرطه ها او را با شلاق و چوب می زدند. اما در این سال که حضرت آیت الله گلپایگانی به حج مشرف شد با مذاکراتی که (با امیر مدینه که از برادران ملک است) داشت، رفع سوء تفاهم در مورد بوسیدن شبکه ها از ایشان نمود. و با احترامی که امیر برای معظم له قائل بود دستور داد از سختگیریهای سابق خودداری شود. (۱) در جای دیگر می خوانیم: معظم له در سال ۱۳۸۵ ق مطابق با ۱۳۴۴ ش به مکه مشرف شدند و بحمد الله در این مسافرت با جدّیت و طرز رفتار و مذاکرات ایشان، مقدار زیادی در زمینه تقریب بین مسلمین، پیشرفت شد و در انجام این آرزوی بزرگ، پیوسته کوشش نموده و می نمایند. (۲) - علاوه بر این، همه ساله حجه الاسلام والمسلمین شهید آقا سید مهدی، آقا زاده معظم له به همراه چند تن از علماء، بعنوان بعثه دینی از طرف مرحوم حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی عازم حج می گردیدند و در آنجا به تصدیق عموم کسانی که از نزدیک مشاهده می کردند، خدمات مادی و معنوی بسیاری به حجاج ایرانی و شیعه و سنی انجام می دادند و

ص: ۴۷۱

۱- (۱). نوری از ملکوت، مهدی لطفی، ص ۸۹، به نقل از حج آن طور که من رفتم، ص ۴۴..

۲- (۲). همان، ص ۸۹ - ۹۰، به نقل از گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۳۶..

آنان را به مسائل آشنا می نمودند. مهمتر از همه تماسهایی بود که با سران و علمای کشورهای مختلف اسلامی داشتند که از نظر معرفی مذهب شیعه و اتحاد و اتفاق اسلامی، بسیار مؤثر بود و گامهای وسیعی به سوی حسن تفاهم بیشتر و ایجاد همکاری های لازم برمی داشتند. (۱) - از دیگر اقدامات ایشان در راه وحدت و انسجام، ارسال پیامهای گوناگون در مناسبتهای مختلف بود که به مورد زیر می توان اشاره نمود:

«ملت مسلمان و رزمنده، این حوادث هرچه تکرار شود، مسئولیت فرد فرد را بیشتر می نماید و شما را در دفاع از حریم اسلام و حیثیات کشور، بیش مکلف می سازد. در این موقعیت حساس به حول و قوه الهی، انسجام و وحدت و استقامت و ثبات شما را در برابر دشمنان اسلام و توطئه گران و تأیید قاطع شما از رهنمودهای حضرت آیت الله آقای خمینی دامت برکاته مانند گذشته، کشور را ان شاء الله از عواقب این دسایس خانمان سوز نجات خواهد داد». (۲)

ص: ۴۷۲

---

۱- (۱). شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر، ج ۱، ص ۲۹۵..

۲- (۲). بخشی از پیام معظم له به مناسبت حادثه هفتم تیر..

حاج سيّد احمد خميني

متوفای: ۱۳۷۳ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سيّد احمد، نام پدر: آقا سيّد روح الله، ولادت: □

۱۳۲۴ ش، محل تولد: ایران، قم ۱.

تحصيلات: او پس از دوران کودکی، نخستین تجربه اجتماعی خویش را در دوران تحصيلات ابتدایی فرا گرفت، پس از دوره ابتدایی، تحصيل در علوم جدید را برگزید تا اینکه پس از چند سال در رشته طبیعی از دبیرستان حکیم نظامی قم، موفق به اخذ ديپلم گردید.

سيّد احمد اندکی بعد عازم نجف اشرف گردید و در این سفر رسماً به سلک روحانیت درآمد و عمامه را که نشانی است بر مسئولیت پذیری و تقدس راه انتخاب شده، بدست مبارک امام خمینی رحمه الله بر سر نهاد. ایشان سطح را نزد اساتید خویش به اتمام رساند و به مرحله دروس خارج راه یافت.

اساتید، حضرات آیات: ابطحي، صادقی، محمّد فاضل، سلطانی، آقا موسی زنجانی، حائری، سيّد مصطفی خمینی، استاد مرتضی مطهری و امام خمینی رحمه الله ۳.

سرانجام: یادگار امام در پی بیماری، ندای حق را در شامگاه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۳ لبيک و به آرزویی که پس از رحلت امام رحمه الله برای آن لحظه شماری می کرد - یعنی ملاقات با پدر در پیشگاه حضرت حق - رسید. ۴.  
مرقد: ایران، تهران، جوار مرقد بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمه الله .

۱. فصلنامه حضور، شماره ۱۰، اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۵۳.

۲. همان، ص ۵۸ و ۶۶.

۳. همان، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۵، ص ۳۷۸.

۴. همان، ص ۴۴۲.

ایشان مسئله وحدت و انسجام مسلمانان را بسیار مهم ارزیابی می نمود و در سخنرانی ها، منابر، مصاحبه ها و یادداشت‌های خویش همواره بر این مسأله تأکید می کرد.

در ذیل برخی از سخنان ایشان در دیدارهای گوناگون از نظر خواهد گذشت.

- برادران و خواهران اهل تسنن و تشیع به خوبی آگاهند که استکبار از دیرباز برای تفرقه بین آنان سرمایه گذاری وسیعی کرده است. شما باید بدانید که استکبار در جهت بلعیدن منافع اسلامی و ملی مردم مسلمان دست به هر اقدامی می زند. اگر همه ما با هوشیاری و اتحاد اقدامات شیطانی استکبار را خنثی کنیم، توفیق بزرگی بدست آورده ایم. (۱)- با توجه به شرایط پیچیده کنونی در جهان ما، فکر می کنیم وقت آن رسیده است که ملت‌های اسلامی با اشتراک عمل و اتحاد برای معضلات و مسائل خود چاره ای بیندیشد. (۲)- ما باید سعی کنیم امت اسلامی در مسیر رهایی از سلطه استکبار جهانی، خودکفایی و برخورداری از یک زندگی سعادت‌مند و شایسته، توانایی های خود را در همه زمینه ها بشناسد و از آنها حد اکثر بهره برداری را انجام دهد. در این راستا تبادل علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی در جهت انتقال تجربیات و مطالعات جغرافیایی، باید مورد توجه واقع شود. تاریخ کشورهای اسلامی آکنده از ظلمی است که استعمارگران در حق ملل اسلامی مرتکب شده اند، همه هدف امام خمینی رحمه الله این بود که ملت‌های اسلامی را نسبت به توانایی ها و استعداد‌هایشان، آشنا سازد و آنان را از سیر قهقرایی به سیر تعالی و تکامل هدایت نماید. (۳)- حقوق اسلامی به عنوان پیشرفته ترین و جامع ترین قوانین مدافع انسانها می تواند محور اتحاد کشورهای اسلامی در زمینه حل اختلافات و مناقشات این گونه کشورها باشد. (۴)

ص: ۴۷۴

- 
- ۱- (۱). دیدگاه ها (منتخبی از مواضع حجه الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی)، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ص ۱۱۸، دیدار با بسیجیان شیعه و سنی شهرستان گنبد، ۷ آبان ماه ۱۳۶۹..
  - ۲- (۲). همان، ص ۱۲۱، دیدار با شیخ مرتضی امباکه، رهبر فرقه مریدیة سنگال، ۲۳ فروردین ماه ۱۳۷۱..
  - ۳- (۳). همان، ص ۱۲۲، دیدار با شرکت کنندگان در سمینار بررسی ویژگی های جغرافیایی جهان اسلام، ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱..
  - ۴- (۴). همان، ص ۱۲۲، دیدار با دادستان کل جمهوری آذربایجان..

- ملت‌های اسلامی اگر متحد باشند نیروی بزرگی را تحت لوای ایدئولوژی اسلامی در جهت نیل به اهداف متعالی تشکیل خواهند داد. ایمان به قرآن، همبستگی بین ملت‌های اسلامی و بی‌اعتنایی به قدرتهای پوشالی، بهترین زمینه‌های خودباوری است و احیای روح خودباوری در میان ملت‌های اسلامی، می‌تواند موجب حذف دشمنان اسلام از صحنه‌های جهانی شود. (۱)- وحدت و همبستگی ایدئولوژیکی مسلمانان، بزرگترین تجلی قدرت و عظمت آنان در معادلات بین‌المللی است. وحدت حقیقی مسلمانان زمانی عملی است که همه آنان احساس کنند درد مشترکی دارند. در شرایط کنونی، ملل اسلامی درد دین و درد هویت دارند و بر اساس اسلام خواهی و روح حقیقت طلب خود چاره‌ای ندارند جز آنکه در مسیر احیای باورها و ارزشهای اسلامی تفرقه و پراکندگی را کنار بگذارند و برای ترسیم سرنوشت اسلام همه‌توان و امکانات خود را متمرکز سازند. دنیای استکباری، رشد و گسترش اعتقادات اسلامی را، خطری جدی برای حفظ موجودیت خود می‌داند و امروز بر همه مسلمانان واجب است که با وحدت کلمه، حمایتگر اسلام ناب باشند. (۲)- تبادل تجربیات سازنده فردی و گروهی بین جوانان کشورهای اسلامی در جهت تحکیم دوستی آنان، اقدامی با ارزش است. در اسلام هرگز تفاوت‌های قومی و نژادی و چارچوب‌های جغرافیایی، نمی‌تواند مانعی در راه تحکیم دوستی و برادری ملت‌های مسلمان به شمار آید. (۳)- دشمنان اسلام همواره از مواضع پراکنده مسلمانان سود برده‌اند. ملت‌های اسلامی باید تحت عنوان امت واحد اسلامی، در مجامع و صحنه‌های جهانی نقشی مؤثر و تعیین‌کننده داشته باشند. یقیناً مسائل جهان اسلام بخصوص مسأله بوسنی هرزگوین، افغانستان، فلسطین و سرزمین‌های اشغالی، با اتخاذ مواضع مشترک می‌توانند به نتایج مطلوب برسند. امیدواریم کشورهای اسلامی با اتحاد خود حرف‌نهایی را در مجامع بین‌المللی بزنند؛ زیرا اتخاذ سیاست‌های دقیق بین‌المللی نیازمند به تفاهم و شناخت جایگاه واقعی کشورهای اسلامی

ص: ۴۷۵

۱- (۱). همان، ص ۱۲۳، دیدار با رئیس ستاد ارتش سودان، ۹ تیرماه ۱۳۷۱..

۲- (۲). همان، ص ۱۲۴، سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۵ شهریورماه ۱۳۷۱..

۳- (۳). همان، ص ۱۲۹، دیدار با شرکت‌کنندگان در اردوی بین‌المللی دوستی جوانان، ۳۱ مرداد ماه ۱۳۷۲..

است. و هیچ مشکلی در جهان بدون در نظر گرفتن قدرت و توانایی های سرشار کشورهای اسلامی حل نخواهد شد. حرکت به سمت تحقق امت واحد اسلامی در صورتی عملی خواهد بود که باهم متحد باشیم و فراموش نکنیم که اختلافات ما جزیی و قابل حل است. (۱) - جهان اسلام امروز با دسیسه های مختلف قدرتهای بزرگ مواجه است. آنها برای ایجاد تفرقه و انحراف در صفوف مسلمانان، از همه ابزارهای تبلیغاتی استفاده می کنند و در این زمینه سرمایه گذاری عظیمی کرده اند. در مقابل تلاش های گسترده جهان استکباری برای جلوگیری از رشد اعتقادات اسلامی، مسلمانان باید با ایجاد سیستمهای مناسب اطلاع رسانی، فریاد حق طلبی خود را به گوش جهانیان برسانند. اگر بخواهیم وحدت اسلامی را حقیقتاً عملی کنیم باید توان مبارزاتی خود را در کنار تلاش های فرهنگی و تبلیغاتی بالا- ببریم. ما صریحاً به افکار عمومی اعلام می کنیم که استقرار احکام اسلام، ضامن سعادت و کرامت مسلمانان است و در این مسیر از همه توان خود استفاده خواهیم کرد. (۲) - احیای ارزشهای معنوی، اتحاد و همبستگی ملت‌های اسلامی لازمه اقتدار و عظمت امت واحد اسلامی است. تجربه گرانبهای نهضت اصیل اسلامی مردم ما، تحت رهبریهای حکیمانه حضرت امام خمینی رحمه الله، به خوبی نشان داده است که ایمان اسلامی و بی توجهی به ابتهت پوشالی دنیای استکباری، مهمترین عامل پیروزی مسلمانان در راه اجرای احکام الهی است.

مسلمانان باید در قبال اعمال ظالمانه دنیای کفر، سیاست تهاجمی داشته باشند. در غیر این صورت آنان در راه تحقیر مسلمین، گستاخ تر عمل خواهند کرد. (۳)

ص: ۴۷۶

---

۱- (۱). همان، ص ۱۲۶، دیدار با نخست وزیر مالزی، ۱۵ فروردین ماه ۱۳۷۲..

۲- (۲). همان، ص ۱۲۴ سخنرانی در کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، ۵ شهریورماه ۱۳۷۱..

۳- (۳). همان، ص ۱۲۳، دیدار با میهمانان خارجی، ۱۶ خردادماه ۱۳۷۱..

متوفای: ۱۳۷۳ ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزندى از تبار امام کاظم علیه السلام

نام: سید محمد کاظم، نام پدر: سید محمد ابراهیم، ولادت: ۱۳۰۷ ش ۱ محل تولد: عراق، کربلای معلی.

تحصیلات: وی دروس مرحله مقدمات و سطح را در حوزه پر فیض کربلا آموخت، پس از اتمام دوره سطح در دروس عالی آیات عظام شرکت جست. سید محمد کاظم پس از بهره مند شدن از محضر اساتید، در دانش فقه، حدیث، کلام و تفسیر قرآن، مهارتها بدست آورد و موفق گردید در حوزه علمی کربلای معلی تفسیر قرآن و فقه را به شاگردان خویش بیاموزد. ۲.

اساتید، حضرات آیات: سید میرزا هادی خراسانی، سید محمد حسن قزوینی، شیخ محمد خطیب، شیخ جعفر رشتی، سید محمد صالح قزوینی، سید میرزا مهدی شیرازی، شیخ یوسف خراسانی، سید هادی میلانی.

شاگردان، حضرات آقایان: شیخ مرتضی شاهرودی، سید عبدالحسین قزوینی، شیخ ضیاء زبیدی، شیخ عبد الحمید مهاجر، شیخ محمد مجاهد.

آثار قلمی: الاسلام والتعالیم التربویه، سیره الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم، الامام علی علیه السلام من المهد إلى اللحد، فاطمه الزهرا علیها السلام من المهد الى اللحد، الامام الحسین علیه السلام من المهد الى اللحد، فاجعه الطف او مقتل الحسین علیه السلام، الفقه الواضح، شرح نهج البلاغه، و...

سرانجام: قلب این انسان شیفته اهل بیت علیهم السلام پس از گذراندن بیماری طولانی مدّت، در ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۱۵ ق (۱۳۷۳ ش)، از تپش باز ایستاد و زندگی جاودانه را آغاز نمود. ۳

مرقد: ایران، قم، جوار حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام، حسینیه کربلایی ها.

۱. ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۷۲، به نقل از گنجینه دانشمندان، ج ۹، ص ۲۷۶؛ تراث کربلا، ص ۱۵۰.

۲. همان، ص ۱۷۴ - ۱۷۶.

۳. همان، ص ۱۹۲.

ص: ۴۷۷

□

آیت‌الله قزوینی با سفر به کشورهای گوناگون از جمله مراکش و استرالیا، فعالیت‌های زیادی را در زمینه اتحاد و وحدت بین مسلمانان انجام داد که به برخی از آنان اشاره می‌شود:

- تأسیس کتابخانه‌ای با کتب شیعی و گذاردن آن در اختیار اهل سنت.

- تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی مردم و تبلیغ از علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام که ثمره آن شیعه شدن عده‌ای از اهل سنت در کشور مراکش گردید.

- تأسیس تشکیلاتی تحت عنوان «الجمعیة الإسلامیة الجعفریة» در سال ۱۳۹۸ق.

- سفر به کشور مراکش:

□

در این سفر مرحوم آیت‌الله قزوینی، به قدری مردم آن سامان را شیفته بیانات شیوا و اخلاق پرجاذبه اش کرده بود که با وجود اکثریت سنی، آنان اجازه نمی‌دادند که ایشان به وطن مألوف باز گردد و اصرار داشتند برای همیشه در آنجا بماند. (۱)

ص: ۴۷۸

□

۱- (۱). ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۸۲ - ۱۸۳، به نقل از مقدمه ذکر الله احمدی بر کتاب اسلام و تعلیمات تربیتی، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۱۰ - ۱۱..

متوفای: ۱۳۷۴ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: حسن، نام پدر: حاج میرزا عبداللّه، ولادت:

۱۲۹۸ ش، محل تولد: ایران، قم.

تحصیلات: وی دروس خود را در قم و تهران به پایان رسانید و برای تکمیل تحصیلات و نیل به مدارج اجتهاد به نجف اشرف سفر نمود. شیخ حسن پس از مدّتی به مدارج عالیّه رسید و تقریرات درس آیت الله العظمی حلی را بنام دلیل العروه و مکاسب نوشته و چاپ نمود. ۱.

اساتید، حضرات آیات: سید محسن حکیم، شیخ حسین حلی، سید ابوالقاسم خویی.

آثار قلمی: شناخت قرآن، الی علماء الاسلام، پیغمبر با شما سخن می گوید، موسوعه المكاسب، الرّسول یدعوکم و... .

سرانجام: آیت الله حاج شیخ حسن سعید پس از ۷۶ سال روشنی بخشیدن در راه خدمت به اسلام عزیز و نیز تلاش در جهت وحدت بخشیدن بین مسلمین، در ۱۳۷۴ ش چشم از جهان هستی فرو بست و به لقاء الله پرکشید.

۱. چشمه روشن، مروری بر زندگی نامه آیت الله سعید، علی مسجد جامع، ص ۱۰.

- ارتباط و مکاتبه با علمای اهل سنت: ایشان بدون تظاهر و ادعا برای احقاق حقوق اهل بیت علیهم السلام، با بیشتر علمای اهل سنت مکاتبه داشت و خود به تنهایی یک دارالتقریب بود. آری به جرأت می‌توان گفت که در زمان خویش، بیشترین مراجعین را داشت و از همه نقاط دنیا و همه کسانی که او را می‌شناختند و با آثار قلمش آشنایی داشتند، با او مکاتبه می‌کردند و از علم و اطلاعات مستفیض می‌شدند. در این زمینه خود ایشان می‌گوید:

«در همین موقع به فکر افتادم که برای افراد خارج از کشور نیز باید فکری نمود تا آنها هم با معارف اسلامی آشنا شوند. برای رسیدن به این مقصود، کتابهایی تهیه و تألیف و طبع نموده و آنچه دیگران بر ضد اسلام صریحاً یا تلویحاً گفته و یا نوشته بودند، با جوابهای مستند و سخنان متین یادآور شدم».

□

- اقدام وی در تأسیس گنجینه قرآن کریم: آیت الله سعید خود در این رابطه چنین می‌نویسد:

«اخبار رسیده از خارج به وسیله روزنامه‌ها و اشخاص، حاکی از این بود که دشمنان اسلام و جمعی از نابخردان که خود را مسلمان می‌نامند، برای مقابله با حکومت، هرگونه تهمت و ناسزایی را بر پیکر نازنین اسلام وارد می‌سازند. کار به جایی رسید که ناآگاهانه برخلاف اعتقاد خود گفتند: «قرآن تحریف شده و شیعه قرآن غیر محرف ندارند».

به همین جهت ابتدا با نوشتن مقالات و نامه‌های گوناگون، خصوصاً با تأکید بر پیگیریهای انجام شده و کمک علامه سید موسی صدر در مصر و سعودی که منجر به ملاقات رئیس‌الازهر و شیخ حرم گردید و نامه‌هایی از آنها در دفاع از شیعه گرفته و در کتب بسیاری نیز چاپ شد. ایشان می‌گوید: «در این زمینه اقدام نمودم ولی برای اینکه ریشه این حرف و سخنی را که در کتابها بعنوان بحثی نو مطرح شده بخشکانم، اقدام به تأسیس «گنجینه قرآن کریم» کرده و از هر قرآن چاپی و خطی با ترجمه‌های مختلف، اعم از فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه و غیره گردآوری نموده، از هر یک از قرآنهای به دست آمده نسخه‌ای را در گنجینه

قرآن کریم نهاده و شناسنامه آن را تهیه کردم و در ایام غدیر همه آنها را در روی میزها با شناسنامه، در معرض زیارت عاشقان کتاب الله قرار دادم».

□  
- استفاده از عنوان گنجینه قرآن کریم (که آیت الله سعید مؤسس آن بود) توسط عالمی شیعی مانع درگیری و جنگ میان شیعه و سنی گردید؛ قضیه از آن قرار بود که: در یکی از مناطق که ممکن بود جنگی بین دو فرقه شیعه و سنی بر سر این مسئله ایجاد شود، با زیرکی عالم شیعه و عنوان کردن گنجینه قرآن کریم، عالم وهابی منطقه را ترک گفت و کوچکترین حادثه ای در آنجا واقع نشد. (۱) - از دیگر اقدامات بسیار ارزنده ایشان این بود که کتبی چند به زبانهای عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه تهیه و به صورت نشریات متعدّد به طبع رسانده و برای ارائه سیمای تشیع به جهانیان به کشورهای دیگر ارسال داشت.

- ارسال نامه بسیار مهم برای رئیس وقت دانشگاه الازهر، شیخ عبد الحلیم محمود.

ص: ۴۸۱

□  
۱- (۱). در این رابطه آقای سید زکی که قبلاً نماینده مرحوم آیت الله العظمی خویی در کویت بود و اکنون در یکی از کشورهای آفریقایی است، چنین می گوید: «ما آمدیم تا از تشکیل این گنجینه قرآن از شما (آیت الله سعید) تشکر کنیم زیرا وجود این گنجینه قرآنی مشکلی را از سر راه ما برداشته است، چرا که ما در یکی از شهرهای آفریقایی که در آن هزار شیعه وجود دارد زندگی می کنیم و آنجا وهابی ها به مدّت دو روز می خواستند سمیناری علیه شیعه برگزار کنند. شیعیان آنجا بسیار ناراحت و به فکر چاره جویی بودند، من به آنان گفتم: ناراحت نباشید، فقط روز سمینار شما صف اول جلسه بنشینید! بعد من رفتم پیش یکی از دو عالم آنان و گفتم: مدّتی است ما اینجائیم و باهم رفاقت داریم، آیا در این مدّت از ما بدی و ناراحتی دیدید و یا ما از شما خواهشی کردیم؟ گفتند: نه. گفتم: الآن ناچارم از شما خواهشی داشته باشم و آن این است که کنفرانسی که فردا تشکیل می شود، برای حمله به شیعیان است و تنها وسیله آنان مسئله تحریف قرآن است که می گویند: «شیعه قرآن را تحریف کرده است». ما از شما می خواهیم که از ما در جلسه دفاع کنید، فقط بعد از اتمام سخنرانی خواهش می کنیم که از سخنران سؤال کنید: آیا از قرآنی که شیعیان تحریف کرده اند اثری در عالم هست یا نه؟ و ما در تهران گنجینه قرآن داریم که در آن کلیه قرآنهاى جهان جمع آوری شده است و حاضریم که بلیت تهیه کنیم و برویم تهران و ببینیم آیا شیعیان قرآن دیگری را قبول دارند و آن را به ما نشان می دهند؟». آن عالم اهل سنت که بسیار مرد جسور و تندخویی بود، آنقدر سرد شد و به فکر فرو رفت که مجبور شدند کنفرانس را یک روزه تمام کنند و دیگر تشکیل ندهند. اکنون که ما ایران آمدیم، بر خود لازم دیدیم از زحمات شما تشکر کنیم (چشمه روشن، علی مسجدجامعی، ص ۲۰ - ۲۱، به نقل از فصلنامه بینات، سال اول، شماره ۳، مصاحبه با آیت الله سعید، شناخت قرآن، ص ۷) ..

متن نامه بدین صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضور علامه محترم، دکتر شیخ عبد الحلیم محمود، ریاست جامع الازهر

با ابلاغ درود و تحیات شایسته به اطلاع می رساند:

«نامه ای به تاریخ اول جمادی الاول ۱۲۹۷ در خصوص مطالب دروغ و افترا آمیز وارده در کتاب «تاریخ»، که بوسیله وزارت معارف کشور سعودی به چاپ رسیده است، به حضورتان تقدیم داشتیم و به امید دریافت خبر حاکی از اقدامات سریع حضرتعالی در زمینه پاکسازی برنامه های درسی از چنین افتراهای کینه توزانه، در نهایت شکیبایی انتظار کشیدیم. اما زمان انتظار به طول انجامید... و رشته امید ما منقطع شد...

تا اینکه اخیراً اطلاع یافتیم که کتابی بنام «مذکره التوحید» تألیف «حسین السید المتولی» بازرس علوم دینی، برای تدریس در سال اول دوره دوم آموزشگاه های وابسته به «الازهر»، به چاپ رسیده که عین مطالب وارده در کتاب قبلی را کلمه به کلمه تکرار کرده است. البته موجب بسی تأسف است که کتابی - مثل این کتاب - از جانب مؤسسات آموزشی وابسته به الازهر انتشار یابد و بخشی از برنامه درسی این مؤسسات را به خود اختصاص دهد.

ما نمی دانیم که سکوت مقام رهبری جامع الازهر را در مقابل اینگونه اعمال رسوایی برانگیز به چه چیز تعبیر کنیم؟! آیا می توان گفت که از اصول اولیه شیعه بی اطلاع هستند؟! یا فتوای تاریخی زعیم فقید خود (شیخ محمود شلتوت) که مذهب شیعه را بعنوان یکی از مذاهب رسمی اسلام شناخته است، از یاد برده اند؟ یا هیچیک از اینها نیست و بلکه - خدای نخواست - ایجاد اختلاف و افروختن آتش دشمنی در میان مسلمانان را از مسائل ضروری امت اسلامی معاصر می دانند؟! بهر حال بار دیگر در مقام تجدید درخواست قبلی خود برآمده، از شما می خواهیم که بخاطر حفظ وحدت اسلامی و به منظور حذف همه آثار کینه ها و خصومتها از میان مسلمانان و برای عدم همکاری با استعمار غاصب، در راه کسب رضای خدا و حفظ کرامت مسلمانان، دستور فرمائید که کتاب مذکور از برنامه درسی مدارس حذف گردد.

از خدا مسئلت داریم همه ما را در انجام کاری موفق گرداند که خیر و صلاح مسلمانان را متضمن باشند.

به تاریخ ۳ ذی القعدة ۱۳۹۷

شیخ حسن سعید (۱)

ص: ۴۸۲

شهادت: ۱۳۷۴ ش

چکیده از زندگی نامه

نام: فتحی ابراهیم، ولادت: ۱۳۳۰ ش، محل تولد:

فلسطین، اردوگاه رفح، واقع در نوار غزه.

تحصیلات: وی ایام نوجوانی را در اردوگاه سپری کرد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را طی نمود. ابراهیم هجده ساله بود که در دانشگاه «بیرزیت» پذیرفته شد و پس از طی دو سال تحصیل به عنوان معلّم ریاضیات عازم مدرسه النظامیه در بیت المقدس شد. شش سال بعد به مصر رفت و موفق شد دکترای طب اطفال خود را از دانشگاه «الزقازیق» مصر دریافت کند.

سرانجام: وی در سال ۱۹۹۵ با گذرنامه جعلی با نام «ابراهیم شاویش» به لیبی رفت تا پیرامون وضعیت آوارگان فلسطینی در مرزهای لیبی و مصر با سرهنگ قذافی رهبر این کشور دیدار کند. اما به دلیل تحریم هوایی لیبی، وی مجبور شد با کشتی به «مالت» برود و سرانجام در ساعت یک بعد از ظهر پنج شنبه مورخ ۱۰/۲۶/۱۹۹۵ وقتی به هتل «دیپلماتیک» جزیره مالت باز می گشت، توسط عوامل موساد ترور شد و به شهادت رسید.

ص: ۴۸۳

- وی معتقد بود در جنبش جهاد اسلامی باید دیگر هم وطنان فلسطینی نیز علیه رژیم غاصب متحد شوند. انتخاب این هدف و حرکت در این راستا، یکی از دلایل اصلی شهادت وی به نظر می رسد. علاوه بر این که در زمینه فکری، نوشته های او بهترین دلیل و گواه بر تیزبینی و دقت نظر و عمق دیدگاه وی، نسبت به اسلام و آینده مسلمانان است.

مقالات و سخنرانی های پرشور و عمیق او در اجلاس ها و سمینارهایی که در ایران، لبنان، سوریه و کشورهای دیگر برگزار گردید، تأیید کننده این ادعا است. او با تمام وجود به وحدت مسلمانان معتقد بود و روحیه جهاد و شهادت را راه گشای مشکلات مسلمین می دانست.

- از نظر دکتر فتحی شقاقی فلسطین اصل و اساس کلیه مسایل جهان اسلام به شمار می رود. وی همیشه می گفت: «تا وقتی بر سه اصل متکی باشیم پیروزی و موفق خواهیم شد:

الف) فلسطین را بدون اسلام مطرح نکنیم؛ ب) اسلام را بدون فلسطین نخواهیم؛ ج) این دو بدون جهاد و شهادت میسر نخواهد شد. (۱)- دکتر شقاقی درباره مسیحیان فلسطینی چنین عقیده ای داشت: «هدف ما آزادی فلسطین است. در امر آزادی، تمامی فلسطینیان چه مسلمان و چه مسیحی برای دفاع از وطن و مقدسات خویش باید مشارکت داشته باشند. ما در جنبش مان آمادگی آن را داریم تا در صفوف خود مسیحیانی را که قصد جهاد و مبارزه دارند، بگنجانیم. آنها می توانند در عقیده خویش آزاد باشند؛ «لا إكراه فی الدین» (۲). هدف ما آزادی فلسطین است؛ هدف ما پیروزی اسلام در فلسطین و در جای جای گیتی است. ما ایمان قلبی داریم که اسلام راه صلاح و رستگاری بشریت است، با این حال باید اصول و قوانین اسلامی که به کسی ظلم روا نداشته و همه را یکسان می داند، مد نظر قرار گرفته و به اجرا درآید و مسیحیان در سایه قوانین و اصول اسلامی، عزت و کرامت خواهند یافت؛ همان گونه که در قرن های گذشته زیر سایه

ص: ۴۸۴

۱- (۱). روزنامه رسالت، شماره ۵۹۳۷..

۲- (۲). سوره بقره، آیه ۲۵۶..

اسلام زندگی کردند و تنها پس از غروب آفتاب اسلام، از آن مناطق بود که آنان ذلت و خواری را به چشم خود دیدند.

## تلاش ها

- دکتر شقاقی غیر از مسئله فلسطین و حرکتی که در فلسطین آغاز کرد و در آن جا به معرّفی امام خمینی رحمه الله و انتقال روحیات انقلابی ملت مسلمان ایران به مردم فلسطین پرداخت، رسالت ارتباط دیگر گروه های مسلمان در کشورهای دیگر با جمهوری اسلامی را هم بر عهده گرفت و بسیار تلاش کرد تا گروه های مسلمان دیگر را به جمهوری اسلامی نزدیک کند.

رسالت دیگر وی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انجام گرفت؛ زمانی که بوق های تبلیغاتی دشمنان ما، آمریکا، صهیونیزم و کشورهای غربی، در حمایت از صدام به کار گرفته شده بود تا کشورها و مردم مسلمان عرب را از جمهوری اسلامی دور نگه دارند و ضمن ایجاد تفرقه، چنین قلمداد کنند که جمهوری اسلامی منافع امت عرب را به خطر انداخته است، وی در زدودن این طرز تفکر از جامعه عرب نسبت به جمهوری اسلامی نقش بسیار اساسی داشت؛ با شخصیت های مختلف ملاقات و آنها را توجیه می کرد و مواضع صحیح جمهوری اسلامی را به آنها منتقل می نمود.

- تأسیس هسته های سازمان جهاد اسلامی در سرتاسر اراضی اشغالی و به خصوص در غزه و کرانه باختری.

- تألیف کتاب «خمینی، راه حل اسلامی و جای گزین» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. (۱)

ص: ۴۸۵

---

۱- (۱). به گفته محمّد ابو جهاد (از رهبران جنبش جهاد اسلامی) این کتاب - که در یک طرف آن عکس امام قرار داشت که در نوفل لوشاتو زیر درخت سیب نشسته بود و در طرف دیگر عکس شاه قرار داشت که سرش شکافته شده بود - همان شب اول چاپ، تیراژ ده هزار جلدی آن تمام شد و بار دیگر به زیر چاپ رفت. دستگاه امنیتی مصر به جرم چاپ این کتاب، در تاریخ ۲۰/۷/۱۹۷۹ میلادی حکم بازداشت دکتر شقاقی را صادر کرد و او را به زندان «القلعه» انداخت و شکنجه نمود. همچنین وی به دلیل دیگر فعالیت های اسلامی - سیاسی خود، تحت پیگرد دولتمردان مصر قرار داشت و سرانجام به جرم بنیان گذاری جنبش جهاد اسلامی در سال ۱۹۸۰م پس از تحویل چند ماه زندان از خاک مصر اخراج شد و در تاریخ ۱/۱۱/۱۹۸۰م وارد سرزمین فلسطین گردید. (روزنامه رسالت، شماره ۵۹۳۷).

- تألیف مقاله ای پرمحتوا پیرامون ضرورت وحدت و برادری میان مسلمین: هنگامی که همهٔ مزدوران استعمار و استکبار جهانی به ایجاد تفرقه و تشتت امت اسلامی پرداخته بودند و با هجوم به مظاهر وحدت مسلمانان، پراکندگی عمیق قومی و طایفه ای را گسترش می دادند، مقاله ای ارزشمند در مجلهٔ «النور» در فلسطین نشر یافت که با شعار و شعور علمی، بر وحدت و یک پارچگی امت اسلامی تأکید نموده بود.

دکتر شقاقی معتقد است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلافات بین شیعه و سنی دامن زدند. وی در این نوشتار سعی کرده دیدگاه ها و نظریات اندیشمندان ورهبران مسلمان را دربارهٔ ضرورت وحدت شیعه و سنی مطرح کرده و به برخی از شبهات مطرح شده دربارهٔ شیعیان پاسخ بدهد.

آنچه در پی می آید گزارشی اجمالی از این نوشتار است که اهتمام نویسندهٔ آن را در طرح مسئلهٔ وحدت، با استفاده از دیدگاه های برخی از دانشمندان فریقین (به ویژه اهل سنت) نشان می دهد:

الف) طرد نوشتار محبّ الدین خطیب، نویسندهٔ اهل سعودی ضدّ شیعه و تبیین پیشینهٔ این شخص، در برخورد با خلافت اسلامی (حکومت عثمانی) و پناه بردن به برخی کشورها، براساس گزارش دکتر فهمی جدعان در کتاب «اسس التقدیم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث»، چاپ اول، ص ۵۶۱ - ۵۶۲.

ب) شهید حسن البنا یکی از رهبران حرکت اسلامی معاصر از جمله کسانی است که فکر تقریب بین شیعه و سنی را رواج می داد. استاد سالم بهنساوی، یکی از متفکران اخوان المسلمین در کتاب «السنه المفتری علیها»، ص ۵۷، به نقش حسن البنا هم پرداخته است.

ج) فراموش نکنیم که تشکیلاتی به نام «جماعه التقریب بین المذاهب الاسلامیه»

راه اندازی شد و شخصیت هایی همانند شیخ الازهر عبدالمجید سلیم و امام مصطفی عبد الرزاق و شیخ شلتوت در آن عضویت داشته اند.

□

د) ذکر نمونه هایی از تلاش آیت الله کاشانی و حجه الاسلام و المسلمین شهید نواب صفوی در ایجاد وحدت اسلامی، طبق گزارش استاد عبد المتعال الجبری. (۱ه) ذکر فتوای رئیس (سابق) الازهر شیخ شلتوت، مبنی بر جواز تعبد به مذهب شیعه اثنا عشریه، همانند سایر مذاهب اهل سنت.

و) استناد به بخش هایی از مطالب کتاب «کیف نفهم الاسلام» نوشته شیخ محمد غزالی و کتاب «نظرات فی القرآن» او.

ز) استناد به سخنان دکتر صبحی صالح در کتاب «معالم الشریعه الاسلامیه»، و استاد سعید حوی در کتاب «الاسلام» و پژوهش گر مسلمان دکتر مصطفی الشکعه در کتاب «الاسلام بلا مذاهب» مبنی بر وجود مذاهب مختلف از جمله امامیه اثنا عشریه در میان مسلمانان و ضرورت وحدت مسلمانان.

ح) استناد به اظهارات شیخ محمد ابو زهره در کتاب «تاریخ المذاهب الاسلامیه»، و دکتر عبدالکریم زیدان در کتاب «المدخل لدراسه الشریعه الاسلامیه»، در مورد مذهب شیعه و عدم وجود اختلاف اساسی میان آن و سایر مذاهب اسلامی.

ط) استناد به سخنان استاد انور الجندی در کتاب «الاسلام وحرکه التاریخ»، که نسبت به جریان توطئه دشمنان اسلام، برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان هشدار می دهد و یادآور می شود که: «حق آن است که اختلاف میان اهل سنت و شیعه از اختلافی که میان مذاهب چهارگانه است، بیشتر نیست».

ی) استناد به نوشته های استاد سمیع عاطف الزین در کتاب «المسلمون... من هم؟» که

ص: ۴۸۷

---

۱- (۱). این گزارش ها در کتاب های ذیل آمده است: در کتاب «لماذا اغتیل حسن البنا» چاپ اول، دار الاعتصام، ص ۳۲ و استاد محمّد علی ضناوی در کتاب «کبری الحركات الاسلامیه فی العصر الحدیث»، ص ۱۵۰، و استاد فتحی پکن در کتاب «الموسوعه الحرکیه»، ص ۱۶۳ و نیز در کتاب «الاسلام فکرة وحرکه وانقلاب»، ص ۵۶ و گزارش مجله «المسلمون» (نشر یافته از سوی اخوان المسلمین) در شماره اول، جلد پنجم، آوریل ۱۹۵۶، ص ۷۳ - ۷۶..

بحث سنی و شیعی را مورد مناقشه قرار می دهد و تأکید می کند که بر همه مسلمانان واجب است از کینه توزی دست بردارند و همگی به عنوان امت اسلامی، یک دیگر را دوست بدارند و از دشمنی بپرهیزند.

ک) استناد به نوشته ابو الحسن ندوی در مجله مصری «الاعتصام الاسلامیه» که آرزو می کند با شکل گیری تقریب مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) انقلابی در میان مسلمانان به وجود آید که در تاریخ تجدید فکر اسلامی نظیر نداشته باشد.

ل) استناد به نوشته استاد صابر طمیمه در کتاب «تحدیات امام العروبه والاسلام»، مبنی بر عدم اختلاف میان شیعه و سنی در اصول دین و تصریح به این مطلب که: «... ومن الحق ان السنه والشیعه هما مذهبان من مذاهب الاسلام، یستمدان من کتاب الله وسنه رسوله صلی الله علیه و آله».

دکتر شقاقی در پایان این نوشتار، ضمن نقد آرای ابن تیمیه، به اهمیت انقلاب اسلامی ایران و نقش آن در آگاهی دادن به ملت های مسلمان به ویژه مردم منطقه و ترس قدرت های بیگانه، از تبلور و نقش اسلام در ایران می پردازد و بار دیگر با الهام از سخنان امام خمینی رحمه الله؛ امت اسلامی را به وحدت و یکپارچگی دعوت می کند. (۱)

ص: ۴۸۸

متوفای: ۱۴۱۶ق

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: شیخ احمد السقا، ولادت:

۱۳۳۴ق، محل تولد: مصر، استان بحیره، روستای نکلا العنب.

تحصیلات: او پس از دوران کودکی در ۱۰ سالگی قرآن را حفظ نمود، سپس شروع به تحصیلات نمود و در ۲۲ سالگی فارغ التحصیل دانشکده اسکندریه شد.

چندی بعد به قاهره رفت و در رشته اصول الدین در دانشگاه الازهر مشغول تحصیل شد. شیخ محمد نهایتاً در ۲۶ سالگی شروع به تدریس در الازهر نمود.

اساتید: شیخ ابراهیم غرباوی، شیخ عبد العزیز بلال، شیخ عنانی، امام محمد ابوزهره، شیخ عبد العظیم زرقانی، شیخ محمود شلتوت، حسن البنا.

شاگردان: یوسف قرضاوی، شیخ حسین حسن الطویل.

آثار قلمی: وی در طول حیات خود بیش از ۵۰ عنوان کتاب تألیف نمود که به بخشی از آن اشاره می گردد: الاسلام والمناهج الاشتراکيه، التعصب والتسامح بين المسيحيه والاسلام، حقوق الانسان بين تعاليم الاسلام واعلان الامم المتحده، دستور الوحده الثقافيه بين المسلمين و... .

سرانجام: شیخ محمد غزالی پس از ۷۰ سال عمر در راه اعتلای اسلام، وحدت مسلمانان و مبارزه با استعمار، درحالی که برای حضور و انجام سخنرانی در همایش اسلام و غرب به ریاض سفر کرده بود، در تاریخ ۱۶ شوال ۱۴۱۶ق در سن ۷۹ سالگی دچار سکته قلبی شد و دار فانی را وداع گفت.

مقبره: عربستان، مدینه منوره، قبرستان مظلوم بقیع.

۱. طلایه داران تقریب (۸)، شیخ محمد غزالی رایت اصلاح، ص ۲۵، به نقل از العطاء الفکری للشیخ محمد الغزالی، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۲۳ - ۲۴.

۳. همان، ص ۱۲۹.

- او می گفت: از تمامی مسلمانان می خواهم که صفوف خود را مستحکم کرده و جبهه خود را متحد سازند، چرا که انتظار ندارم که حيله و نیرنگ قدرتهای بزرگ علیه ایشان به زودی پایان یابد. اسلام دین وحدت است و در اوائل ظهور، توانست بین تمام قبایل عرب و عجم اتحاد برقرار کند، هفتاد سال بزرگترین تمدن انسانی و اسلامی را بنا نهاد ولی متأسفانه پس از آن، تخم تفرقه پاشیده و جمعیت ما متفوق شد، در نتیجه ممالک اسلامی از هم پاشید.

- غزالی معتقد بود، وطن کوچک ما سرزمین نیل است که مورد توجه ماست، ولی وطن بزرگتر ما سرزمینی است که عرب آن را در اختیار دارد و مورد علاقه ماست، اما وطن عالی ما منطقه ای است که همه مسلمانان طبق یک اصول و فکر و عقل با یکدیگر مربوط ساخته و قلبهایشان با یکدیگر رابطه دارد. (۱)- او درباره وحدت اعراب می گوید: اگر وحدت اعراب و دعوت به ناسیونالیسم عربی، به شیوه و سبک حزب بعث عربی باشد، امیدوارم خداوند این اتحاد را موفق نگرداند و زمینه های آن را نیز فراهم ننماید. عرب منهای اسلام، مساوی است با صفر و چنانچه اسلامی در کار نباشد این اتحاد هیچ ارزشی ندارد. ما هم نیازی به آن نخواهیم داشت. (۲) اکنون عوامل تفرقه را از نظر غزالی مرور می کنیم:

#### ۱. عدم آگاهی

یکی از عوامل تفرقه بین فرق مسلمین، عدم آگاهی از عقاید و رفتار و اخلاق طرف مقابل است. عدم آگاهی موجب قضاوت بی جا می شود.

هنگامی که علامه شیخ محمود شلتوت، فتوای جواز پیروی از مذهب اهل بیت علیهم السلام را

ص: ۴۹۰

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۸)، ص ۷۹ - ۸۰، به نقل از اسلام و بلاهای نوین، ص ۲۱۰..

۲- (۲). همان، ص ۸۰، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ مهر ماه ۱۳۶۹..

صادر کرد، برخی از متحجرین، به علت عدم آگاهی به این اقدام اعتراض کردند. غزالی در این باره می گوید:

«بیاد دارم که روزی یکی از عوام، با خشم و خروش از من پرسید: چگونه شیخ الازهر فتوی داده است که تشیع مذهبی اسلامی و مانند سایر مذاهب است؟ من در جواب گفتم تو از شیعه اطلاع داری؟ از تشیع چه می دانی؟ او اندکی سکوت کرد و آن گاه گفت: ایشان گروهی از پیروان دینی غیر از دین ما هستند. گفتم: ولی من دیده ام که ایشان درست به مانند ما نماز می گزارند و روزه می گیرند. مرد با تعجب گفت: چگونه چنین چیزی ممکن است؟ گفتم:

عجبت این که ایشان درست مانند ما قرآن می خوانند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بزرگ می دارند و فریضه حج را به جا می آورند. آن مرد گفت: شنیده ام که آن ها قرآنی دیگر دارند و با این اندیشه آهنگ کعبه می کنند که آن را مورد توهین قرار دهند! در این هنگام از سر تأثر و ترخم در او نگریستم و گفتم: تو معذوری، زیرا بعضی از ما چیزهایی درباره بعضی دیگر می گویند که منظوری جز هتک حرمت ایشان ندارند». (۱) ۲. نویسندگان مغرض

بی شک آثار مکتوب، تأثیر مهمی بر فرهنگ سازی مسلمانان دارد. اگر نویسنده ای نفاق و پراکندگی را در آثارش رواج دهد، جامعه نیز به همین سو پیش می رود. غزالی ضمن انتقاد از این نوع نویسندگان می گوید: «آن نویسندگانی که توجهی به اتحاد مسلمانان ندارند و یا مطالبشان کینه و اختلافات را تحریک می نماید، جرم بزرگی را مرتکب می شوند». (۲) ۳. یادآوری اختلافات گذشته

یکی از عوامل تفرقه بین مسلمانان دامن زدن به اختلافات گذشته و بزرگنمایی آن است.

در صدر اسلام، خلافت، موضوع اصلی اختلاف بین مسلمانان گردید و هنوز هم ادامه دارد.

غزالی در این باره می گوید: «ما به طور ریشه ای عقب مانده ایم، اسلام چکار باید بکند؟ وضع

ص: ۴۹۱

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۸)، ص ۸۲ - ۸۳، به نقل از محاکمه اگانس گلدزیهر صهیونیست، ص ۳۰۸..

۲- (۲). همان، ص ۸۳ - ۸۴، به نقل از اسلام و بلاهای نوین، ص ۱۸۷..

مسلمانان تأسّف بار است. آن ها تاریخ گذشته را به رخ هم می کشند. اختلاف بین ابوبکر و عمر، بین ابوبکر و علی علیه السلام. زمان نقطه نظر تاریخی این موضوع دیگر پایان یافته تلقی می شود، من فرزند امروز هستم. یادآوری این مسائل چه مشکلی را حل می کند جز آن که آتش اختلاف بین نوادگان را دامن می زند همانطور که بین اجداد بود، چه بدست آوردیم؟ هیچ! (۱) - غزالی عوامل وحدت را در دو مورد خلاصه کرده است:

## ۱. عالمان دینی

به عقیده وی، یکی از عوامل مهم در شکل گیری وحدت میان توده های مردم، نقش عالمان دینی در کلیه فرقه های اسلامی است. این نکته بدیهی است که اگر عالمان در سخنرانی ها، کنفرانس ها و نوشتارهای خود به موضوع وحدت توجه کنند، جو جامعه اسلامی نیز به سوی وحدت پیش خواهد رفت. او در این زمینه می گوید: «خدا پادشاه ایران، نادرشاه را در برابر کوششی که در راه وحدت کلمه و جمع امت مبذول داشت، جزای خیر دهد، ولی در عصر ما ایفای نقش تقریب - پیش از آن که بر عهده پادشاهان باشد - بر عهده علماست». (۲) ۲. مسئولین

غزالی ضمن تبیین این نکته که یکی از مهمترین عوامل اختلافات، حکام فاسدی بودند که در کشورهای اسلامی حکومت داشته اند، سیاستمداران را به تغییر نگرش از اختلاف به وحدت سوق می دهد و در این باره می گوید:

... اختلافات، تحت تأثیر عوامل سیاسی به وجود آمده است و مطامع پادشاهان و مظالم حکام آن را گسترش داده است. از این رو سیاستمداران مسئولیت دارند تا فساد را که اسلاف شان به وجود آورده اند به صلاح آورند. (۳) - غزالی معتقد است: وظیفه مسلمین در این شرایط حساس و اوضاع خطرناک این است

ص: ۴۹۲

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۸)، ص ۸۴، به نقل از روزنامه رسالت، ۳ تیر ماه ۱۳۷۰، ص ۱۲..

۲- (۲). همان، ص ۸۵، به نقل از محاکمه اگانس گلدزیهر صهیونیست، ص ۳۰۰..

۳- (۳). همان، ص ۸۶..

که از پراکندگی و اختلاف باز آیند و در برابر حمله های صلیبی جدید، صفی واحد و جبهه ای متشکل و نیرومند به وجود آورند و در این مبارزه سرنوشت ساز که تقدیر بر ایشان مقرر داشته، در سنگر استوار دین خود، ثابت قدم بمانند و توجه داشته باشند که برای ایشان مایه ننگ و شرم آور است که به هنگام تجمع قوای شرّ و اتحاد دشمنان در حمله و هجوم همگانی بر ایشان، پراکنده و بی سامان باشند، یا در میدان مسابقه ترقی و تقدّم پس بمانند و یا از تمسک به دین خود سستی کنند، در شرایطی که پیروان مذاهب باطل به عقاید خود پای بندند.

- در نگاه او استعمار غربی کوششی پیگیر دارد تا قدرت و نیروی اسلام را فرو کاهد و رشته ارتباط و اتحاد مسلمین را بگسلد و فعالیت آن را کاهش دهد. (۱)- شیخ محمد غزالی در پاسخ به شبهه بعضی از مفتریان که چنین شایع می کنند: - شیعه، پیرو علی علیه السلام و اهل سنت، اتباع محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند و شیعه معتقدند که علی علیه السلام به رسالت سزاوارتر است، با این که رسالت از روی خطا از سوی او گذشته و به دیگری رسیده است - می گوید: «شکی نیست که این سخنی یاوه و تهمت زشت و زننده است. شیعه، شأن و شرف علی علیه السلام را در نتیجه انتساب وی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تمسک او به سنت آن سرور می دانند. ایشان نیز مانند سایر مسلمین، بشری از اولین و آخرین را عظیمتر و برای پیروی شایسته تر از آن صادق امین نمی شناسند، پس چگونه رواست که چنین یاوه و تهمت متوجه ایشان گردد؟».

- غزالی در مقابل کسانی که می گویند: - شیعه، قرآنی به جز قرآن متداول مسلمین دارد - می گوید: شنیدم که در مجلسی علمی، شخصی گفت: طایفه شیعه، قرآنی دیگر دارند که نسبت به قرآن متداول میان مسلمین کاستی و فزونی دارد. گفتم: «این قرآن که تو وصف می کنی کجاست؟ جهان اسلام که از نظر جغرافیایی در سه قاره زمین گسترده است، از زمان بعثت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تا امروز که مدت چهارده قرن را پشت سر نهاده، جز یک قرآن مضبوط و معلوم که آغاز و انجامش معین و سوره ها و آیات و کلماتش محدود و معدود است، نمی شناسد.

بنابراین قرآنی که تو ادعا می کنی کجاست؟». (۲)

ص: ۴۹۳

۱- (۱). طلایه داران تقریب (۸)، ص ۹۶..

۲- (۲). همان، ص ۱۰۶..

- به عقیده وی دین توصیه به زدودن شقاق و نزاع می کند و دعوت به وحدت و همبستگی می فرماید چه اینکه خداوند می فرماید: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱) و نیز می فرماید «ولا تنازعوا فتفشلوا» (۲). اما سوگندمندانه ما رویاروی این نصوص و محکمت هستیم.

تلاش ها

- تألیف مقالاتی در ردّ مبانی خالد محمّد خالد، نویسنده کتاب من هنا نبدأ. (۳) - دعوت عموم مردم به اتحاد و برادری در موارد گوناگون: مثلاً روزی به اطلاع غزالی رساندند که در یکی از مساجد اختلاف و درگیری پدید آمد و نزدیک بود به زد و خورد بینجامد. چون در میان نمازگزاران نزاعی رخ داده که آیا در پایان اذان شرعی می توان درود و سلام بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم افزود و یا اینکه هرگونه اضافه بدعت به شمار می آید...، غزالی طرفین درگیری را فرا خواند و ضمن اِلْقَايِ خُطَابِهِ اِی بَلِیغ، آنان را به دوری از تفرقه فرا خواند و به آنان گفت: «من حذف و اِلْغَايِ اِذَانِ رَا دَر اِیْنِ مَسْجِدِ بَرِ پَدِیْدِ اَمْدَنِ اِخْتِلَافِ و دَرِگِیْرِی مِیَانِ شَمَا تَرَجِیْحِ مِی دَهْم. اِذَانِ مَسْتَحَبِ اسْتِ و لِی وَحْدَتِ، هَمْبَسْتِگِی و اِخْوَتِ اسْلَامِی فَرِیْضَه و وَاجِبِ مِی بَاشَد.» (۴)

ص: ۴۹۴

۱- (۱). سورة آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- (۲). سورة انفال، آیه ۴۶.

۳- (۳). خالد محمّد خالد، یکی از استادان دانشگاه الازهر مصر و از هم فکran و دوستان غزالی به شمار می رفت. وی با انتشار کتابی به نام «یا اربعه میلیون هبوا!» مسلمانان جهان را به وحدت و یکپارچگی در مقابل توطئه های استعمار جهان دعوت کرد. پس از مدّتی نظریات او صد و هشتاد درجه تغییر کرد و به شدّت به غرب متمایل گردید. در سال ۱۳۷۰ ق کتابی به نام «من هنا نبدأ» نگاشت و در آن از نظریه جدایی دین از سیاست حمایت کرد. غزالی در ردّ این کتاب، سلسله مقالاتی در مطبوعات به چاپ رسانید و به طور مفصّل و با مبانی محکم و مستدل به نظرات خالد جواب داد. غزالی با خالد روابط دوستانه داشت ولی در این کتاب بدون ملاحظه رفاقتش با شدّت در مقابل افکارش ایستاد. وی در این باره می گوید: «همانا خالد دوست من است ولی حق برای من دوست داشتنی تر است.» (رویارویی مسلک ها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷م، علی سَمَان، ص ۵۴)

۴- (۴). طلایه داران تقریب (۸)، ص ۸۷ - ۸۸، به نقل از فصلنامه میقات حج، ش ۲۳، ص ۲۰۵.

متوفای: ۱۳۷۶ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد مهدی، نام پدر: شیخ عبدالکریم، ولادت:

نیمه شعبان ۱۳۵۳ق، محل تولد: لبنان.

تحصیلات: ایشان در ۱۲ سالگی به نجف مراجعت نموده و با یادگیری مقدمات ادبیات عرب، پا به عرصه سطوح متوسطه نهاد. سپس به شرکت در دروس عالیه و خارج فقه حوزه روی آورد. شیخ محمد مهدی پس از مدتی شرکت در دروس مرحوم آیت الله خویی، از ایشان اجازه اجتهاد دریافت نمود.

اساتید، حضرات آیات: شیخ عبدالکریم (پدر)، شیخ محسن غزّاوی، شیخ عبد المنعم فرطوسی، سید محمد روحانی، سید یوسف حکیم، سید علی علامه فانی اصفهانی، سید محسن حکیم طباطبایی (صاحب مستمسک عروه الوثقی) و سید ابوالقاسم خویی.

آثار قلمی: ایشان در طول حیات پر برکت خود، موفق به تألیف کتابهای گوناگون در مسائل مختلف شد؛ اما متأسفانه موفق به چاپ همه آنان نگردید لذا در یورش وحشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان، منزل این عالم شیعی، تخریب گشت و کتابها طعمه حریق شد.

فهرست بخشی از آثار ایشان اعم از چاپ شده یا نشده بدین شرح است: دراسات فی نهج البلاغه، شرح عهد الاشر (شرح عهد نامه مالک اشتر)، بین الجاهلیه والاسلام، محاضرات فی التاریخ الاسلامی، دراسات ومواقف فی الفکر والسیاسه والمجتمع، فی الاجتماع السیاسی الاسلامی، و... ۱.

سرانجام: این عالم جلیل القدر و منادی اتحاد مسلمین، پس از مدتی ابتلاء به سرطان ریه، در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۱ ش در سن ۶۸ سالگی دار فانی را وداع و در جوار رحمت حق آرمید.

مرقد: لبنان، بیروت، مسجد امام جعفر صادق علیه السلام. ۲.

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۵۶۳ - ۵۶۴.

۲. گزارش رحلت و مراسم تشییع و تدفین آن دانشمند برجسته جهان تشیع، در مطبوعات دی ماه ۱۳۷۹ ایران درج گردیده است.

- ایشان از منادیان وحدت اسلامی بود و در این راه مقالات و سخنرانی‌های متعددی از خویش به یادگار نهاد.

- در مدتی که وی سمت معاونت اول رئیس هیئت شرع مجلس اعلیٰ شیعیان لبنان را داشت، مجلس اهداف ذیل را پی گرفت:

اتحاد شیعیان و تلاش برای بهبود اوضاع سیاسی - اجتماعی آنان.

مبارزه پی‌گیر با فقر و جهل و ستم‌های اجتماعی و فسادهای اخلاقی.

ایجاد وحدت بین همه مسلمانان جهان.

حمایت از مقاومت فلسطین و... (۱) - اعزام به تبلیغ به دستور آیت‌الله حکیم: آیت‌الله شمس‌الدین به نمایندگی از سوی آیت‌الله حکیم به شهر دیوانیه عراق رفت و چندین سال متوالی در این منطقه به هدایت دینی مردم پرداخت و در جهت رشد فکری و اصلاح فرهنگ آنان اهتمام ورزید.

- خاتمه بخشی به اختلافات فرقه‌ای: او موفق گردید نزاع‌ها و اختلافات قومی و قبیله‌ای این منطقه را که استعمارگران نیز در تشدید آن می‌کوشیدند، با دوراندیشی، تدبیر و درایت خویش کاملاً از بین ببرد و صلح و صفا و اتحاد را در میان عشایر این سامان برقرار سازد. (۲)

ص: ۴۹۶

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۵۵۲..

۲- (۲). همان، ص ۵۴۴، به نقل از مجله آئینه پژوهش، سال ۱۲، شماره ۶۷، ص ۱۲۷..

متوفای: ۱۳۷۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد تقی، نام پدر: کریم، ولادت: ۱۳۰۴ش، محل تولد: ایران، تبریز. ۱.

تحصیلات: وی شش ساله بود که وارد مدرسه اعتماد تبریز شد. هوش سرشار وی، مدیر مدرسه را بر آن داشت تا محمد تقی را از کلاس اول به کلاس سوم بفرستد. پس از چندی او به همراه برادرش به مدرسه طالبیه تبریز رفته و مشغول تحصیل دروس مقدماتی حوزوی گردید. در سال ۱۳۱۹ش محمد تقی برای ادامه تحصیل، تبریز را به مقصد تهران ترک گفت. وی در آنجا به تلمذ دروس مکاسب، کفایه، حکمت و... در محضر اساتید آنجا مشغول گشت. پس از مدتی محمد تقی به قم مراجعت نمود و در مدرسه دارالشفاء به ادامه تحصیل پرداخت. یک سال بعد او عازم نجف گردید و در آن دیار از محضر بزرگان علوم گوناگون بهره ها برد.

سرانجام شیخ محمد تقی جعفری پس از ۲۳ سال تلاش و مجاهدت علمی، قله اجتهاد را فتح نمود. ۲.

اساتید، حضرات آیات: محمد رضا تنکابنی، میرزا مهدی آشتیانی، شیخ مهدی مازندرانی، محمد تقی زرگر، امام خمینی رحمه الله، میرزا فتح شهیدی، محمد کاظم شیرازی، سید ابوالقاسم خویی، سید مهدی شاهرودی، سید جمال گلپایگانی، سید هادی میلانی، صدرا قفقازی، مرتضی طالقانی، سید محسن حکیم، سید عبد الهادی شیرازی و... ۳.

شاگردان: علامه حدود ۵۰ سال به تعلیم و تربیت جامعه اشتغال داشت، در این مدت طولانی، بسیاری از پژوهشگران حوزه و دانشگاه از دروس ایشان استفاده کرده و نکته ها آموختند که از جمله می توان به دکتر عبدالرحیم گواهی، دکتر عبدالله نصری، مهندس عبدالعلی موصحف و حجه الاسلام دکتر محمد مهدی گرجیان ۴، اشاره کرد.

آثار قلمی: از استاد بیش از ۱۰۰ کتاب باقی مانده است که به برخی از آنان اشاره می گردد: ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (۲۷ جلد)، انسان از دیدگاه قرآن، اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو بر یکدیگر، علم و دین در حیات معقول و... .

سرانجام: فیلسوف بزرگ شرق، پس از گذراندن دوره ای بیماری، در بیمارستان لیستر شهر لندن بستری شد؛ اما سرانجام در ۲۵ آبانماه ۱۳۷۷، روح بلندش به اعلی علین پرواز و در جوار رحمت حق آرام گرفت.

مرقد: ایران، مشهد مقدس، جوار بارگاه ملکوتی ثامن الحجج علیه السلام. ۵.

۱. گلشن ابرار، ج ۳، ص ۵۰۸، به نقل از فیلسوف شرق، محمدرضا جوادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۶.

۲. همان، ص ۵۰۹ - ۵۱۲.

۳. همان، ص ۵۱۲، به نقل از فیلسوف شرق، ص ۳۵ - ۳۶.

۴. همان، ص ۵۲۶.

۵. با فیلسوف شرق در تبریز، ص ۱۱۳.

ص: ۴۹۷

- وی از دو وجهِ عامل عقلی و عامل اخلاقی به مسألهٔ تبعیت انسان از وحدت و احساس در قبال آن پرداخته و در ادامه، عامل وحدتِ اختیاری را به عنوان ملاک دینی مطرح می سازد.

- ایشان در تشریح عامل اخلاقی اشاره داشته که تمامی مکاتب و تفکرات دربارهٔ اخلاق به قدر کافی اندیشیده اند، حتی آنهایی که معتقد به مبدأ و معاد نبوده اند نیز دم از وحدتِ مورد بحث و لزوم احساس آن زده اند و عمدهٔ دلیل آن را اخلاق فاضلهٔ انسانی معرفی کرده اند.

- او معتقد بود، هماهنگی و وحدت حقیقی انسانها، از گردیدن تکاملی الهی بوجود می آید و احساس جدی این وحدت، از نتایج اعتلای مغز و روان آدمی است.

- علامه در ادامه عنوان می کند که بذره‌های اولیهٔ این نوع وحدت گرایی با دست مشیت الهی، در درون همهٔ انسانها قرار گرفته است و این خود انسان است که با معرفت و تکاپوی خالصانه و اختیاری خود، آن را به فعلیت و رویش می رساند و همین معرفت او را به مقام معنی می رساند و انسانی اینچنین، می تواند به وحدت عالی رسد، به این مقام معنی رسیده و می تواند ارزش آن را احساس کند.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اهل کتاب را به وحدت با مسلمانان دعوت می فرمود آن دعوت چنین بود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا آُرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۱).

«بگو ای اهل کتاب، بیایید کلمه ای را که میان ما و شما مشترک است بپذیریم این که جز خدا را نپرستیم و بر او شرک نوزیم و جز خدا، بعضی از ما بعض دیگر را ارباب قرار ندهد و اگر آنان روی گردان شدند، بگویید: گواه باشید که ما اسلام را پذیرفته ایم.

ص: ۴۹۸

- او معتقد بود و می گفت: تردیدی نیست که هر سه اصل مشترک (اعتقاد به خداوند یگانه و منزّه دانستن او از شریک و عبادت حقیقی آن ذات اقدس و آزادی همه مردم از زنجیر بردگی یکدیگر) نیاز به تحصیل درک و معرفت و کوشش های اختیاری دارد که شخصیت آدمی اعتلا پیدا کند و به درجه معنی دار بودن بر مبنای اعتقادات مزبور برسد و با انسان معنی دار دیگر، وحدت خود را دریابد.

علّامه بزرگوار علّت این تساوی و وحدت را معطوف به بُعد روحی انسان می دانست که اگرچه از یک طرف مجاور سطوح طبیعت است، ولی از طرف دیگر رو به ماورای طبیعت و مبدأ کمال و جمال مطلق خدا است و نتیجه آن این گونه است که برادری و هماهنگی و تساوی و بالاتر از همه این ارتباطات، رابطه وحدت به منبع خورشید عظمت الهی متصل است، چنان که قرآن کریم چنین می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (۱).

ص: ۴۹۹

شهادت: ۱۴۱۹ق

چکیده ای از زندگی نامه فرزندی از تبار امام موسی کاظم علیه السلام ۱

نام: سید محمد، نام پدر: سید محمد صادق، ولادت:

۱۷ ربیع الاول ۱۳۶۲ق، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او تا ۱۱ سالگی از محضر پدر و جدش استفاده علمی برد و سپس در سال ۱۳۷۳ق وارد حوزه علمی نجف گردید. سید محمد در سال ۱۳۷۹ق وارد دانشکده فقه نجف شد و پس از آن به تحصیل دروس سطح در سال ۱۳۸۳ق پرداخت. وی سپس در دروس خارج فقه و اصول مراجع عظام حاضر شد و نهایتاً در سال ۱۳۶۹ق در ۴۳ سالگی موفق به دریافت درجه اجتهاد گردید. ۲.

اساتید، حضرات آیات: شیخ محمد رضا آل یاسین (جد سید محمد صدر)، سید محمد صادق صدر (پدر)، سید طالب رفاعی، شیخ حسن طراد عاملی، سید محمد تقی حکیم، شیخ محمد تقی ایروانی، شیخ محمد رضا مظفر، شیخ صدر الدین بادکوبه ای، سید محمد باقر صدر، سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم.

آثار قلمی: نظرات الاسلامیه فی اعلان حقوق الانسان، أضواء علی ثوره الحسین علیه السلام، اشعه من عقائد الاسلام، موسوعه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، فقه الاخلاق، و... .

سرانجام: ایشان در شامگاه روز پنجشنبه دوم ذیقعدۀ ۱۴۱۹ق در حال بازگشت از مجلس عزاداری، به همراه دو فرزندش، ناگاه خودروی آمریکایی را مشاهده می نماید که چند جوان ناشناس مسلح از آن پیاده شده و اتومبیل ایشان را به رگبار بستند. آیت الله سید محمد صدر و دو فرزندش در این حادثه، به فیض شهادت نائل آمدند. ۳.

۱. دائره المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۹۲.

۲. گلشن ابرار، ج ۴، ص ۵۴۷، به نقل از روزنامه کیهان، ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۸، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۵۵۶.

ص: ۵۰۰



- آیت الله سید محمد صدر بر وحدت اسلامی بسیار تأکید می نمود و همه مذاهب اسلامی را باهم برادر می دانست.

- ایشان می گفت: به اعتقاد من، بالاترین و والاترین قضیه ای که بر همه مسلمانان در حال حاضر بلکه در همه حال واجب است، وحدت و برادری است. (۱)- وی عقیده داشت: اکنون ما بیش از هر زمانی احتیاج داریم که ید واحدی باشیم و با هم مخلصانه و صادقانه برادری ورزیم. (۲) تلاش ها

- دعوت از برادران اهل سنت برای شرکت در مراسم پرشکوه نماز عبادی - سیاسی جمعه. (۳)- اعزام بیش از ۸۰ روحانی به مناطق مختلف در جهت ایجاد موج بیداری بین مردم

- صدور فتوای جواز بر اقتدای شیعیان به امام جماعت اهل سنت. (۴)

ص: ۵۰۱

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۵۵۲، به نقل از الصدر الثانی، الشاهد والشهید، ضمام، ص ۶ ..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). همان، ص ۵۵۳، به نقل از رجل الفكر والمیدان، ص ۸۲ ..

۴- (۴). همان، به نقل از رجل الفكر والمیدان، ص ۵۲ ..

متوفای: ۱۳۷۷ش

چکیده ای از زندگی نامه فرزند از تبار امام زین العابدین علیه السلام

نام: سید ابو الحسن، نام پدر: سید محسن، ولادت:

۱۳۱۹ش، محل تولد: افغانستان، استان میدان، کجاب بهسود.

تحصیلات: وی مقدمات علوم اسلامی را نزد عمویش در زادگاه گذرانید و پس از مدتی جهت طی نمودن مدارج بالاتر علمی به کابل عزیمت نمود. او بسیار سریع از چهره های ممتاز حوزه علمیه محمدیه گردید. سید ابوالحسن در سال ۱۳۴۹ش عازم شهر نجف شده و در دروس فقه و اصول علمای آن دیار معرفت، به شاگردی پرداخت. ایشان مدت ۱۰ سال در دروس خارج فقه آیات عظام، خوبی و صدر شرکت جست و پس از ۱۵ سال اقامت در کنار بارگاه ملکوتی امیر المؤمنین علی علیه السلام به درجه اجتهاد نائل آمد.

اساتید: سید حسن مصطفوی (عمو)، شیخ خان علی، و حضرات آیات: شهید سید محمد سرور واعظ، شیخ صدرا بادکوبه ای، شیخ حسین لنکرانی، سید ابوالقاسم خوبی، شهید صدر.

شاگردان: آیت الله بهسودی دروسهای سطوح عالی از جمله کفایه، رسائل، مکاسب، حلقات شهید صدر و دروسهای عقائد را تدریس می نمود که در دروسهای ایشان، طلاب فاضل از کشورهای مختلف افغانستان، پاکستان، ایران، لبنان و عراق شرکت می نمودند. در اینجا به برخی از شاگردان ایشان اشاره می گردد: شیخ علی اکبر محقق، سید محمد باقر زکی، شیخ محمد محقق، شیخ ابو احمد ساعدی، سید عبدالله فضل الله لبنانی، شیخ گردی حسین توکلی، سید باقر علوی، شیخ علی حسن رفیعی.

آثار قلمی: آراء الذرین حول الذرّه والحركه، حول المعتقدات، حوار حول المهدي الفاطمي، منتهی المطالب فی شرح المكاسب، و... ۲.

سرانجام: این فقیه فقید، پس از سالها خدمات انجام گرفته و یا نیمه تمام و به یادماندنی، در سپیده دم ۲۳ مهرماه ۱۳۷۷ش در سن ۵۸ سالگی، در اثر بیماری سرطان خون، دنیای فانی را به قصد دیار باقی ترک گفته و روح پاکش به ملکوت اعلی پرواز کرد.

مرقد: ایران، قم، گلزار شیخان.

۱. ایشان بخشی از عمر شریف خویش را در زندان رژیم سلطنتی افغانستان گذرانید، او در زندان هم بیکار ننشست و به تدریس و تألیف مشغول گردید و حلقه درسی را برای علمای اهل سنت از کتب فقهی خود شان تشکیل داد. (شهادی

روحانیت شیعه در یکصد سالهٔ اخیر، ج ۱، ص ۳۵۵.

۲. ستارگان حرم، ج ۶، ص ۱۲ - ۳۷.

ص: ۵۰۲

- ایشان همبستگی احزاب شیعی و هماهنگی مجموعه های شیعی و سنی را، گامی مطمئن در مسیر وحدت ملی تلقی می نمود.  
- او بستر مناسب برای همزیستی در فردای وطن را، تحکیم همگرایی و همبستگی میان همه گروه های اجتماعی می دانست و به همین جهت، همواره آنها را به هماهنگی و تفاهم دعوت می کرد. ایشان در این راستا، موانع زیادی را از سر راه مجموعه های شیعی و سنی برداشت. (۱) - آیت الله بهسودی نزدیک شدن مذاهب موجود در صحنه های سیاسی فرهنگی و جهادی را، یکی از راه های مؤثر و پشتوانه قوی و مثبت برای پیشرفت امور جامعه می دانست.

- وی گرایشهای فاقد پشتوانه فرهنگی برای همبستگی واقعیتهای قومی و مذهبی در کشور را خطرناک تلقی می نمود.

تلاش ها

- تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان.

- همکاری با شورای مشورتی در لاهور پندی.

- ایجاد هماهنگی میان سران احزاب جهادی تسنن و تشیع.

- ارائه طرح رسمیت مذهب جعفری در قانون اساسی.

- ابتکارات صلح میان نیروهای مستقر در پایتخت.

- عضویت در شورای عالی قیادی افغانستان، در راستای ایجاد فضای بهتر الفت و تعمیق وفاق معنوی میان جامعه شیعی و اهل تسنن.

- ورود به افغانستان در رأس هیئت صلح، جهت برقراری صلح و رفع تشنجات گروهی (شیعه و سنی) در سال ۱۳۶۴ ش.

ص: ۵۰۳

- دعوت مسلمین به تفاهم در مناطق مرکزی افغانستان (سال ۱۳۶۵ش)، و در منطقه جاغوری (سال ۱۳۷۳ش).

- انجام اقدامات لازم جهت تحقق طرح تقریب مذاهب اسلامی.

- تماس با شخصیت‌های مذهبی اسلامی.

□  
در کتاب زندگی نامه آیت الله فاضل آمده است: «ایشان هماهنگی های برادرانه را با علمای طراز اول، برادران اهل سنت و جماعت بوجود آورد و برای تحقق طرح همبستگی مذاهب اسلامی، به کنکاش گوناگون پرداخت. از همین رو روابطی با شخصیت‌های علمی - مذهبی برادران اهل تسنن چون: مرحوم شیخ سعید شعبان در لبنان، قاضی حسین احمد در پاکستان، سید برکه در فلسطین، دکتر حسن ترابی در سودان، مولوی نصر الله منصور در افغانستان، برقرار ساخت. (۱)

ص: ۵۰۴

---

۱- (۱). ستارگان حرم، ج ۶، ص ۱۹ - ۲۰، به نقل از زندگی نامه ایشان، ص ۷.

محمد تقی فلسفی

متوفای: ۱۳۷۷ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد تقی، نام پدر: شیخ محمد رضا، ولادت:

۱۲۸۶ش، محل تولد: ایران، تهران.

تحصیلات: محمد تقی در شش سالگی به دبستان توفیق رفت و به تحصیل دروسی چون صرف، نحو و مقدمات علوم دینی پرداخت و با پافشاری و اصرار مادر، به منبر روی آورد. ایشان خود در این باره می گویند: «چون مادرم عاشق ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود، به آرزوی خویش رسید و مرا در مسیر خطابه و منبر قرار داد» ۲ همزمان با نظارت شدید پدر به تحصیل درس پرداخت و دو روز در هفته را به منبر می رفت.

شیخ محمد تقی اولین منبر را در سن ۱۵ - ۱۶ سالگی در مسجد فیلسوفها و در وصف مولیٰ امیر المؤمنین علی علیه السلام آغاز نمود. ۳

اساتید: آقا میرزا مهدی آشتیانی، آقا میرزا طاهر تنکابنی، آقا سید کاظم عصار، آقا شیخ ابراهیم امامزاده زیدی.

آثار قلمی: آیه الکرسی پیام آسمانی توحید، جوان از نظر عقل و احساسات، بزرگسالان و جوان از نظر افکار و تمایلات، شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، معاد از نظر روح و جسم، اخلاق از نظر همزیستی و ارزشهای انسانی و... ۴.

سرانجام: خطیب توانا و زبان گویای اسلام، حجّه الاسلام والمسلمین شیخ محمد تقی فلسفی پس از عمری تلاش، مجاهدت و نطق پرشور در راه اسلام، در سال ۱۳۷۷ش و در سن ۹۳ سالگی بر اثر کسالت به جوار رحمت حق شتافت. ۵

مرقد: ایران، شهر ری، حرم مطهر حضرت عبد العظیم علیه السلام، مقبره آیت الله کاشانی.

۱ - ۳. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۲۳ - ۵۲۴، به نقل از زبان گویای اسلام، ج ۹، ص ۱۱ - ۱۳.

۴. همان، ص ۵۳۶.

۵. همان، ص ۵۳۷.

- به عقیده وی حکومت طاغوت قبل از انقلاب اسلامی، مردم را به سه شیوه، خلع سلاح کرده بودند:

خلع سلاح اول: فاصله بین مردم و روحانیت.

خلع سلاح دوم: جدایی انداختن بین مردم و امام حسین علیه السلام.

خلع سلاح سوم: وحدت کلمه. (۱) تلاش ها

- ایشان در اوج فعالیت‌های کمونیست‌ها و حزب توده، با دعوت همه مسلمانان به اتحاد و نیز سخنرانیها و حمایت از فتاوی مراجع تقلید و بزرگان، از جمله آیت الله کاشانی، به مبارزه با ملحدین و منکرین توحید و ادیان الهی پرداخت.

- وی با تشویق همه فرق اسلامی و همه ادیان توحیدی، در مقابل منکرین خدا و مذاهب اسلامی، استقامت کرد و با سخنرانی های منطقی و مستدل و شورانگیز، سد محکمی در مقابل جبهه الحاد و کفر ایجاد نمود.

- مرحوم فلسفی از شروع نهضت امام خمینی رحمه الله تا بعد از پیروزی انقلاب، از یاران خالص و فعال امام و حامیان قوی نهضت اسلامی ایران بود.

- او در مبارزه با دولت طاغوت و رساندن پیام مراجع به مردم تهران و حتی ایران و نیز تشویق مردم به وحدت و همبستگی و مقابله با دولت طاغوت سهم بسزایی داشت.

- امام راحل رحمه الله برای این مرد بزرگ به عنوان خطیب اسلام و حامی انقلاب اسلامی ایران، ارزش والایی قائل بودند.

ص: ۵۰۶

شهادت: ۱۳۸۳ش

چکیده ای از زندگی نامه ۱

نام: سید محمد باقر، نام پدر: سید محسن، ولادت:

۱۳۱۸ش، محل تولد: عراق، نجف اشرف.

تحصیلات: او علوم اولیّه را در مکتب خانه های نجف فرا خواند در ۱۲ سالگی علوم حوزوی را آغاز نمود.

سید محمد باقر تا سال ۱۳۳۵ش مشغول تحصیل دروس سطح بود و در همین سال، سطح عالی دروس حوزوی را آغاز نمود. وی پس از چند سال زحمت و تلاش علمی، دروس خارج را نزد علمای بزرگ حوزه تلمّذ نمود و نهایتاً در سال ۱۳۴۴ش موفق به اخذ درجه اجتهاد گردید.

اساتید، حضرات آیات: سید محمد سعید حکیم، سید محمد حسین حکیم، سید یوسف حکیم، سید محمد باقر صدر، سید ابوالقاسم خویی.

□  
سرانجام: تلاش ها و مجاهدت های شهید بزرگوار آیت الله حکیم باعث شد وی از آنچنان نفوذ و مقبولیتی در میان مردم عراق و حتی سایر بلاد اسلامی برخوردار شود که استکبار جهانی و عوامل مزدور او نسبت به آینده خود به خصوص در عراق، به طور جدی احساس خطر کنند و لذا کمر به نابودی این شخصیت ارزشمند بستند و در تاریخ هفتم شهریور ماه سال ۱۳۸۳ش او را پس از ایراد خطبه ها و اقامه نماز جمعه در نجف اشرف به طرز فجیعی به شهادت رسانیدند.

مرقد: عراق، نجف اشرف، وادی السلام.

۱. کلیه مطالب این قسمت از پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در مهر ماه ۱۳۸۶ اقتباس گردیده است.



- آیت الله حکیم به ضرورت احترام به اقلیتهای قومی و دینی و حقوق عمومی آنها و تضمین وحدت عراق در چارچوب قانون اساسی واحد، ایمان داشت؛ همچنانکه بر آن بود که باید به پیروان این اقلیتها حق عمل به اعتقادات دینی آنها داده شود، به وحدت سرزمین عراق نیز ایمان داشت و در برابر هرگونه فعالیت جدایی طلبانه و تجزیه طلبانه و تقسیم عراق، ایستادگی می کرد و به وحدت اسلامی میان مذاهب مختلف اسلامی فرا می خواند و علیه هر حرکت فرقه ای دینی نیز ایستادگی می نمود.

- وی پیرامون وحدت و همبستگی ملت عراق سفارش می نمود که، اسلام بهترین چارچوبی است که می تواند حرکت ملت عراق را وحدت بخشد و حقوق کامل همه قومیتها و مذاهب و اقلیتها را تضمین نماید و در واقع نمایانگر هویت ملت مسلمان عراق است و به اقلیتها احترام می گذارد و از صدر اسلام تا کنون، وجود آنها را پاس داشته است.

- او بر این باور بود که نظام بین المللی باید بر محورهای ذیل استوار باشد:

همسان سازی زندگی بشری

پایان بخشیدن به تمامی تفاوتهای نژادی، طبقاتی، استثمار و سلطه

احترام به حقوق اساسی انسان و اصول و قوانین و موافقتنامه ها و اعلامیه های جهانی و بین المللی

احترام به حقوق دینی ادیان آسمانی و ساختار اجتماعی انسان و هسته مرکزی آن (خانواده) و حقوق برابر و متقابل میان زن و مرد

روابط با دولتها باید براساس منافع و احترام متقابل و احترام دولتها به حقوق انسان و عدم دخالت در امور داخلی و ضرورت مجازات متجاوز و محاکمه جنایتکاران جنگی و جنایتکاران در حق ملتها باشد.

اهمیت حسن همجواری میان دولتها و کوشش در جهت لغو تفاوتهای شمال و جنوب

احترام به اراده ملتها و یاری ستمدیدگان و محرومان

قرار گرفتن در کنار جنبش های رهایی بخش جهانی و مسایل محرومان و نیز مسائل حقوق بشر.

- ایشان در هر گامی که برمی داشت بر ضرورت وحدت دست اندرکاران اسلامی انگشت می گذارد و به همین خاطر با همه طرفهای سیاسی - اسلامی - عراقی، برای وصول به این وحدت و تحقق اتحاد عمل به گفتگو پرداخت؛ ایشان سعی داشت با ایجاد یک نهاد سیاسی متولی مدیریت جنبش اسلامی عراق و وحدت بخشیدن به مواضع سیاسی آن، به این مهم نائل آید.

تلاش ها

- تأسیس «جماعه العلماء المجاهدين في العراق».

- تأسیس «مكتب الثورة الاسلاميه في العراق» و به دنبال آن «مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق» در سال ۱۴۰۲ق.

- دیدار و گفتگو با دبیر کل وقت سازمان ملل متحد (خاویر پرز دو کوئیار)، نخست وزیر ترکیه، نخست وزیر سودان، ملک حسین و ولیعهد وی شاهزاده حسن.

- سفر به کشورهای مختلف اسلامی مانند سعودی، سوریه، کویت، لبنان و نیز انگلستان و سویس.

- نقش بسیار مهم در تأسیس دو نهاد اسلامی جهانی در ایران شامل:

(۱) مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که ریاست شورای عالی آن را بر عهده داشت.

(۲) مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام که نیابت رئیس شورای عالی آن به عهده ایشان بود.

ص: ۵۰۹

متوفای: ۱۳۸۵ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: میرزا جواد، نام پدر: حاج علی، ولادت:

۱۳۰۵ ش، محل تولد: ایران، تبریز. ۱

تحصیلات: وی پس از پشت سر نهادن ایام کودکی، مشغول تحصیل گردید، او از همان آغاز در تحصیلات مدارس جدید بسیار موفق بود پس از پایان دوره متوسطه، در سال دوم دبیرستان بود که کم کم به خاطر جذابیّت و معنویّت حوزه علمیه و آشنایی با گروهی از طلاب فاضل، تصمیم به رها نمودن تحصیلات کلاسیک گرفت. میرزا جواد در ابتدا در مدرسه طالبیه تبریز سکونت گزید و با مرحوم علامه شیخ محمد تقی جعفری هم حجره گردید. ۲ ایشان در مدت چهار سال مقدمات و مقداری از دروس سطح را در شهر تبریز به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۷ ش تبریز را به مقصد قم ترک گفت.

میرزا جواد در قم دوره سطح را به اتمام رسانیده و مشغول شرکت در دروس خارج بزرگان حوزه گردید.

چند سال بعد به نجف عزیمت نمود و در دریای پر تلاطم علم آن دیار، از محضر بزرگان کسب فیض نمود.

ایشان با تمام توان و تلاش خود توانست در جوار مرقد شریف امیر المؤمنین علی علیه السلام قله رفیع اجتهاد را فتح نماید.

اساتید، حضرات آیات: بروجردی، سید عبد الهادی شیرازی، سید ابوالقاسم خویی.

شاگردان، آیات و حجج اسلام: جعفر تبریزی (فرزند ایشان)، شهید عارف حسین حسینی، محمد علی سپهر، سید هادی رفیعی پور علوی، محمد تقی شهیدی پور، حسین شوپایی، حسین وحید پور، سید علی مددی، محمد سند و ... .

آثار قلمی: ارشاد الطالب، طبقات الرجال، تکمله منهاج الصالحین، مناسک حج، حاشیه بر عروه الوثقی، شرح کفایه الاصول، انوار الالهیه فی المسائل العقائديه و...

سرانجام: این بزرگ مرجع تقلید جهان تشیع و فقیه اهل بیت علیهم السلام، به علت بیماری، مدتی در بیمارستان کسری تهران بستری و پس از حدود ۸۰ سال عمر با برکت، در آبان ماه ۱۳۸۵ در جوار رحمت حق آرام گرفت.

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد مطهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

۱. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۴۵۷، به نقل از گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۳۶.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ آبان ماه ۱۳۸۶.



□

- آیت الله تبریزی همواره در برابر حوادثی مهم همچون انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جریان‌های سیاسی و حوادثی که برای سایر مسلمانان در سطح جهان پیش می‌آمد موضع‌گیری و دیدگاه خود را اعلام می‌نمود. وی همیشه به وحدت مسلمانان که یکی از آرزوهای دیرینه اش بود می‌اندیشید و تأکید می‌نمود که با همدلی می‌توان خطر یهود و سایر دشمنان را خنثی نمود. (۱)

ایشان می‌گفت: هر کس در حدّ توان خود باید در جهت انتشار مذهب برحقّ تشیع تلاش کند و (نسبت) به ملت‌های مختلف با کردار و رفتار خود، محبت تشیع را در دل آنها بیندازد. (۲)

وی در جواب استفتایی که از ایشان درباره شیوه مناظرات علمی شده بود، نوشت: در مجادلات علمی سعی شود از جادّه انصاف و اعتدال خارج نشوید و همیشه و همه جا استدلال و منطق را پایه مباحثات و گفت و شنودهای خویش قرار دهید. ان شاء الله که موفق باشید و همت کنید اعمالی که موجب تفرقه و اختلاف بین مسلمانان است صورت نگیرد. (۳)

این مرجع تقلید همواره به افرادی که می‌خواستند به سفر حج مشرف شوند سفارش می‌نمود که هر شیعی باید در مسجد النبی صلی الله علیه و آله، بقیع و مسجد الحرام، مواظب حرکات و سکنات خود باشد و در ضمن انجام اعمال عبادی و توسّل به مقام شامخ اهل بیت علیهم السلام، طوری عمل کند که باعث جذب قلوب دیگران شود که این فرصت الهی همیشه نصیب انسان نمی‌شود و خوشا به حال آنان که با اخلاص قدر آن روزها را بدانند. (۴)

ایشان معتقد بود: مطالب و مظلومیتهای (حضرت زهرا علیها السلام) باید بیان شود، طوری هم نباشد که باعث دشمنی افراد شود. در کشور ما تمام مذاهب اسلامی زندگی می‌کنند ولی با بیان دقیق و منطقی مسائل، می‌توان اتحاد و محبت ایجاد کرد.

- وی همواره نگران جامعه دینی بود و در این خصوص روشنگری در جامعه را یکی از ضرورتها می‌دانست.

ص: ۵۱۱

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۷، ص ۴۶۳.

□

۲- (۲). پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرحوم آیت الله العظمی تبریزی، بهمن ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳). همان.

۴- (۴). همان.

## آیت الله العظمی

حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (۱)

متوفای: ۱۳۸۶ش

<< چکیده ای از زندگی نامه

نام: محمد، نام پدر: شیخ فاضل، ولادت: ۱۳۱۰ش، محل تولد: ایران، قم.

\*تحصیلات:

وی پس از پایان دوران کودکی و گذراندن دوره های تحصیل ابتدایی و دبستان، وارد حوزه علمیه قم گردید. اشتیاق فراوان او و تلاش و پشتکارش باعث گردید تا در عنفوان جوانی به مقامات عالی علم و کمالات برسد؛ بطوری که نقل است که آیت الله محسن ملایری می گفتند که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در زمانی که آیت الله فاضل در سن جوانی بودند بارها تصریح به اجتهاد ایشان داشتند. شیخ محمد در سالهای دهه ۱۳۴۰ش از مدرسان معروف، برجسته و کاملاً شناخته شده ای بود که فضایی آن روز حوزه علمیه قم، سطوح عالی را در محضر وی می خواندند. پس از ارتحال حضرات آیات امام خمینی، خویی، گلپایگانی و اراکی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ایشان را به همراه ۶ نفر دیگر از بزرگان حوزه علمیه، به عنوان مرجع تقلید به مردم معرفی نمود.

\*اساتید:

حضرات آیات: فاضل لنکرانی (پدر)، سلطانی، شیخ عبد الجواد جبل عاملی، شیخ مرتضی حائری، حاج آقا حسین بروجردی، علامه طباطبایی، امام خمینی رحمه الله و... .

\*شاگردان:

صدها نفر در فقه و اصول از جمله آیات و حجج اسلام: حاج آقا جواد فاضل (فرزند ایشان)، سید هاشم حسینی بوشهری، حسین انصاریان، سید هادی رفیعی پور علوی، سید علی قاضی عسکر، حسین ملکا، کمال الدین خدّامی و... .

\*آثار قلمی:

تفصیل الشریعه، حاشیه بر عروه الوثقی، نهایه التقرير، شرح الاجتهاد والتقلید، مجمع الفهارس، ائمه اطهار علیهم السلام یا پاسداران وحی در قرآن کریم و... (۲).

\*سرانجام:

بزرگ مرجع تقلید جهان تشیع، پس از گذراندن دوره بیماری در بیمارستان، در سن ۷۶ سالگی جان شریف خویش را به جان آفرین عالم تقدیم نمود و در جوار رحمت حق و سایه سار حضرات معصومین علیهم السلام آرام گرفت.

\*مرقد:

ایران، قم، جوار مرقد کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.

ص: ۵۱۲

- 
- ۱-۱. اکثر مطالب این بخش، از پایگاه اطلاع رسانی معظم له تهیه گردیده است.
  - ۲-۲. گلشن ابرار، ج ۶، ص ۵۷۸ - ۵۷۹.

- ایشان با آنکه علاقه ای وافر به حضرات ائمه معصومین علیهم السلام داشت، اما این علاقه، مانع از جدّیت و اهتمام ایشان در یکپارچگی مسلمانان در مقابل دشمنان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان نبوده است.

□  
- مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی همچون حضرت امام خمینی رحمه الله قائل به تقیه مداراتی بوده و حضور شیعیان در نمازهای جماعت اهل سنت را بویژه در ایام حج جایز می دانستند.

- نظر ایشان در رابطه با مراسم، اهداف، اعمال و اسرار حج آن بود که خداوند متعال اجتماع مسلمانان را با ملیت‌های مختلف از شرق و غرب عالم، در این مراسم واجب نمود تا یکدیگر را بشناسند و با تفاهم و نزدیکی به اتحاد رسیده، مشکلات اجتماعی خود را حل نمایند.

- ایجاد ارتباط با علمای اهل تسنن و تلاش برای تحکیم وحدت بین شیعه و سنی.

- اعزاز مبلغان روحانی به مناطق سنی نشین محروم و آسیب پذیر در غالب ایام محرم، صفر، رمضان و ایام فاطمیه علیها السلام

- حمایت از مظلومان لبنان و فلسطین به مناسبت‌های گوناگون.

- انجام امور فرهنگی - تبلیغی و پاسخگویی به شبهات و هابیت توسط بعثه ایشان در ایام حج: دغدغه ها و نگرانی های حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در مورد توسعه شبهات مطروحه از سوی وهابیت، سبب آن گردید که بعثه معظم له تحت سرپرستی حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی، گفتگوهای علمی و دینی را با فقها و علمای بزرگ عربستان و بازدید از مراکز فرهنگی و علمی کشور عربستان صورت دهد. از شاخص ترین برنامه های مفید علمی ایشان، مذاکره با یکی از بزرگان و خطبای بنام و چهره های فرهنگی عربستان را می توان نام برد. همچنین بازدید از کتابخانه بزرگ شهر مدینه و گفتگو با یکی از فقهای بزرگ عربستان از دیگر فعالیت‌های بعثه مرحوم آیت الله فاضل به شمار می رفت.

در این جلسات علاوه بر مناظره و گفتگوهای علمی، به تبادل افکار در مورد مسائل جهان اسلام و مشکلات آن نیز پرداخته می شد و علاوه بر آن در زمینه انسجام و وحدت امت اسلامی و صفوف موحدین حقیقی و پیروان حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر جبهه های کفر جهانی، بحث و گفتگو صورت می گرفت و در این زمینه موفقیت های چشمگیری صورت پذیرفت.

- حفظ کیان تشیع و عزت شیعه: در اوائل اسفند ماه سال ۱۳۷۶، همزمان با بازدید رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام از حجاز و هنگام حضور ایشان و هیأت همراه در نماز جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله که به امامت شخصی به نام شیخ عبد الرحمن حدیفی انجام می شد، فرد مزبور در سخنانی خارج از نزاکت و مغایر با اصول اخلاقی اسلامی و انسانی، مطالبی تفرقه افکنانه و توهین آمیز به مذهب حقه شیعه نسبت داد و گستاخی را به جایی رساند که از معاویه نیز دفاع کرد. آیت الله هاشمی رفسنجانی در اقدامی غیرتمندانه و مدبرانه همانجا اعلام داشت: اقامه نماز به امامت شخصی که مسلمانان را دعوت به تفرقه می کند جایز نیست و بلافاصله جایگاه نماز جمعه را ترک نموده و به همراه هیأت ایرانی، نماز جماعت را در کنار باب السلام برپا داشت.

به فاصله یک روز پس از انتشار این خبر، این مرجع بیدار در پاسخ مقلدان خویش مبنی بر حضور در نماز جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله در ایام حج و اقتدا به حدیفی فتوایی این چنین صادر نمود:

بسمه تعالی

گرچه این جانب مؤمنین را همیشه سفارش به شرکت در مراسم عبادی اهل سنت خصوصاً نماز جماعت و جمعه ایشان نموده ام و اکنون نیز آن سفارش را دارم، لیکن با توجه به آنچه موثّقین از سخنان این شخص برای این جانب نقل نموده اند، شرکت در نماز جماعت این شخص که منادی تفرقه و اختلاف بین مسلمین است را به هیچ وجه جایز نمی دانم و اقتدا به وی در نماز جمعه و جماعت صحیح نیست.

□  
خداوند متعال شرّ منادیان اختلاف را از قاطبه مسلمین کوتاه فرماید. ان شاء الله.

□  
والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

محمد فاضل لنکرانی

ص: ۵۱۴

ایشان اعلام این مطلب و صدور بیانیه را وظیفه خود می دانست و به توصیه دیگران - مبنی بر این که شاید دولت عربستان در مراسم حج برای بعثت شما مشکل آفرینی کند - هیچ توجهی نکرد و جالب این که حجّاج به شکل گسترده ای نظر ایشان را مراعات می کردند.

حجّه الاسلام والمسلمین راشد یزدی پیرامون بازتاب این فتوا در میان حجّاج می گوید: من در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم شاهد بودم که حجّاج از همدیگر و حتی از مأموران مسجد می پرسیدند امام جماعت چه کسی است؟ و اگر می فهمیدند حدیفی است از اقتدا به او امتناع می کردند. تا قضیه به گوش امیر مدینه رسید.

آقای رضایی رئیس سابق سازمان حج و زیارت می گفت: در جلسه ای که با امیر مدینه داشتیم او به ما گفت از فردا شب دیگر حدیفی را از امامت جماعت مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم کنار خواهیم گذاشت.

□  
مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی همچون اساتید خود حضرات آیات بروجردی و امام خمینی رحمه الله ، اهتمام وافر به ضرورت اتحاد مسلمین داشت و در عین حال با ظرافت ستودنی و دقت نظر ویژه، کیان تشیع و عزت شیعیان را نیز توأمان مورد توجه قرار می داد.

متوفای: ۱۳۸۶ ش

چکیده ای از زندگی نامه

نام: سید مرتضیٰ، نام پدر: سید محمد، ولادت:

۱۳۳۲ق، محل تولد: عراق، سامرا.

تحصیلات: وی از همان دوران طفولیت به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. در ده سالگی از بهترین افراد در قرائت و کتابت معارف دینی و زبان های فارسی و عربی به شمار می رفت. سید مرتضیٰ از دوران نوجوانی به مطالعه کتب تاریخی در ضمن تحصیل فقه و اصول در حوزه های علمیّه سامرا و نجف روی آورد. ایشان در ۱۳۵۰ق به قم رفت و از محضر بزرگان وقت بهره برد.

□  
پس از مدّتی به درخواست آیت الله العظمی حکیم به عراق عزیمت نمود و در آنجا به تأسیس مدارس و آکادمی های علمی پسرانه و دخترانه از دروس ابتدایی تا سطوح بالاتر همت گماشت. (۱)

□  
اساتید، حضرات آیات: بروجردی، مرعشی نجفی، حبیب الله اشتهادری، محمّد حسین شریعتمداری ساوجی و امام خمینی رحمه الله .

آثار قلمی: علامه عسکری در طول عمر با برکتش، تألیفات بسیاری در جهت روشنفکری افکار عمومی و تقویت بنیان های علمی، بویژه در مباحث فقهی، حدیثی و تاریخ اسلام داشت. برخی از کتب ایشان عبارتند از: تهذیب البلاغه، البداء، التصریف، آیت تطهیر در کتب دو مکتب، عصمت انبیاء و رسولان علیهم السلام، جامعه عرب قبل از اسلام و... (۲)

سرانجام: ایشان پس از ۹۴ سال خدمت به اسلام و تلاش در جهت اتحاد مسلمین، بعد از تحمّل یک دوره طولانی بیماری کلوی، به علّت ایست قلبی، در پنجم رمضان ۱۴۲۸ مطابق با ۲۸ شهریور ماه ۱۳۸۶، دیار خاکی را به قصد عالم باقی ترک گفت. (۳)

مرقد: ایران، قم، جوار مرقد شریف کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام .

ص: ۵۱۶

۱- ۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶.

۲- ۲. روزنامه کیهان، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶.

۳- ۳. همان

- علامه عسگری از پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی و از منادیان همبستگی مسلمانان به شمار می رفت. (۱) - ایشان از اعتدال روی گسترده ای برخوردار بود و در گفت و گو با دگراندیشان، از هر گونه اهانت و تحقیر خودداری کرده و آن را ناشایست می دانست.

- او معتقد بود تنها راه نجات مسلمانان، آگاهی، همیاری، کنار گذاشتن درگیری مذهبی و گسترش وحدت اسلامی است. (۲) - به عقیده وی مسلمانها برای اینکه به شوکت عصر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم برگردند سه چیز لازم دارند:

(۱) بررسی و شناخت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به معنای عام نه فقط صحیحین.

(۲) وحدت مسلمانها و حمایت جدی از یکدیگر.

(۳) ایمان، ایمانی مانند ایمان بلال، عمار، سمیه و...

تلاش ها

- تشکیل جلساتی با حضور رؤسا و علمای گروه های مختلف مسلمانان از سوریه، فلسطین، عربستان، پاکستان و... در مکه معظمه و تشریح ظلم طاغوت پهلوی و وظیفه حفظ وحدت و همیاری مسلمانان در سالهای قبل از انقلاب اسلامی ایران.

- پخش نشریات گسترده در کشور عربستان و در میان حجاج بیت الله الحرام.

- کشف احادیث جعلی که مکتب تشیع را به یهود منتسب می ساخت. (۳)

ص: ۵۱۷

۱- (۱). بخشی از پیام تسلیت دانشگاه مذاهب اسلامی به مناسبت ارتحال ایشان..

۲- (۲). روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۸۶، ص ۳..

۳- (۳). احادیث متعددی در میان کتب عدّه ای از مخالفان، مبنی بر تأسیس تشیع توسط فردی یهودی به نام عبدالله بن سبا وجود داشت. علامه عسگری با بررسی گسترده این احادیث، دریافت که عبدالله بن سبا و ۱۵۰ نفر دیگر به نام صحابی، افرادی ساختگی هستند که هیچ وجود خارجی نداشته و صرفاً برای بهره برداری و دسیسه علیه شیعیان جعل شده اند..

- دیدار و مذاکره با ولیعهد عربستان، ملک فیصل، به همراه جمعی از علما: وی در این دیدار تأکید نمود که باید تمام مسلمانان را در راه احیای احکام قرآن یاری کنیم. (۱)- دیدار و گفت و گو با علامه شیخ محمد تقی قمی (مؤسس دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه) (۲):

در تاریخ ۲۴/۵/۱۹۸۶ میلادی، جناب شیخ قمی (دبیر کل دار التقرب) به دیدار جناب علامه عسکری به هتل رفت. و بعد از این که مدتی آن دو یکدیگر را با گرمی در آغوش گرفتند، شیخ در کنار او نشست و خاطره و گفت و گوهای قدیم بین آنها شروع شد... شیخ محمد تقی قمی، از دوران سخت و بُحرانی از عمر دار التقرب که با جنگ روانی دستگاه های بزرگ و تلاش های مشخص با آن در آن روزها مواجه بود، سخن گفت.

علامه شیخ محمد تقی قمی یادآور شد: «کسانی بودند که در زمینه تحریم هم بستگی بین مسلمانان فتوا صادر کردند. ولی چون خبر این فتوا به او رسید و نتیجه آن را ارزیابی کرد، با سرلشکر محمد، تلفنی تماس گرفت و او دستور داد که فتوا را از بین برده و از آن جلوگیری نمایند». شیخ قمی همچنین افزود: «او کمک نامحدودی از شیخ محمد محمد مدنی، شیخ محمود شلتوت و شیخ حسن بنا دریافت کرد. شیخ حسن البنا ماهانه سی لیره، طبق دفتر حساب، به دار التقرب می پرداخت و دستور داده بود که سه نفر از پیروانش از او حمایت نموده و او را از متعصبان ناشناخته حفاظت کند». شیخ از مراکز و کسانی که به هم بستگی پاسخ ندادند...، سخن به میان آورد. سپس در مورد تلاش هایی که در داخل و خارج، در آینده انجام خواهد داد، به طور مفصّل سخن گفت. آن گاه علامه عسکری به طور مشروح شروع به سخن کرد و از تجربه های خود در اقدام های اصلاحی مربوط به بخش مشترک با دیگر برادران علما، در آگاهی مسلمانان و عمل در رفع خطرهای قریب الوقوع نسبت به آن ها و مقاومت در برابر توطئه های جاهلیت جدید برای ضربه زدن به اسلام و چه در مورد

ص: ۵۱۸

---

۱- (۱). روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶، ص ۳..

۲- (۲). پیشینه تقریب، ص ۲۰۹، به نقل از مجله رساله الاسلام (منتشره در بغداد نه قاهره) صادره از دانشکده اصول دین، شماره ۹ - ۱۰، جمادی الاول ۱۳۸۸ ق..

کارهای فردی، مثل ایجاد مؤسسه های آموزشی در زمینه های متنوع از ابتدایی، دبیرستان، دانشکده ها و یا مراکز بهداشتی، مثل بیمارستان ها، درمانگاه ها و یا اقدام های اجتماعی مثل طرح رعایت شئون اسلامی و کمیته اشتغال بیکاران و غیره را تشریح نمود. سپس بخشی از اقدام های خود را در عرصه علمی در بررسی حدیث، تاریخ و غیره را بیان کرد و نظریه خود را به شیخ قمی در خصوص برخی مسائل ارائه داد و از او درخواست نمود که مراجع دین را به ویژه در نجف، از اقدام های دار التقرب و فعالیت های آن آگاه سازد؛ زیرا که این امر انگیزه بهتری از سوی مراجع در جهت پشتیبانی از دار التقرب و کمک به آن خواهد شد.

□  
شیخ قمی گفت که رابطه او با علمایی مثل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و دیگران چنان چه گذشت، جز رابطه ای صمیمانه، چیزی دیگر نبوده است.



الف) گلچین شعارها و سخنان بزرگان...

ب) وحدت و برادری در اشعار

ج) عوامل، محورها و راهکارهای وحدت بین مذاهب اسلامی

ص: ۵۲۱



## الف) گلچین شعارها و سخنان بزرگان عرصه وحدت و تقریب پیرامون اتحاد ملی و انسجام

گلوآزه های تقریب و وحدت، از دل انگیزترین کلماتی است که پس از پیدایش نخستین آثار شوم و غم انگیز تفرقه و از هم گسستن اتحاد مسلمانان، همواره جلوه گری داشته است. آغازگر حماسه وحدت، نخست خداوند یکتاست که شالوده و اساس دین را بر محور کلمه توحید و توحید کلمه قرار داده و با ابلاغ آن به سفیران خود، مسیر فلاح و صلاح را پیش روی انسان نهاد.

□  
سنت و سیره پراچ و گرانمایه آخرین فرستاده خدا، حضرت ختمی مرتبت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و خاندان عظیم الشأن و اصحاب ایشان، بسان قرآن کریم، سرشار از درسها و پیامهای نجات بخش و قدرت آفرین وحدت است. سخنان بزرگان دین و مصلحان خیراندیش این آئین هم در تألیف قلوب اهل قبله، فزون از اندازه و شمارش است. در ذیل بخشی از جملات و شعارهای کلیدی و مشهور این منادیان بزرگ وحدت را مرور خواهیم نمود.

توجه:

۱. بدون تردید بزرگان دیگری نیز هستند که درباره وحدت مسلمانان اظهار نظر نموده و آن را تأیید و ترویج کرده اند.
۲. برخی گفته ها تکراری است یعنی در بخش زندگی نامه آن شخصیت نیز آمده است.
۳. در این قسمت از شخصیت ها و بزرگان میدان وسیع اتحاد مسلمین که در قید حیات می باشند جملاتی آورده شده است.

ص: ۵۲۳



□  
- در اسلام بین شیعه و سنی ابدأً تفرقه نیست... باید وحدت کلمه را حفظ کنید. (۱) مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدّ ظلّه العالی:

- اولین پیام انقلاب اسلامی، وحدت بین شیعه و سنی است. (۲) - ما بار دیگر به همهٔ مسلمین عالم یادآور می شویم که به اسلام که مایهٔ عزّت و سعادت دنیوی و اخروی آنان است برگردند و بدانند: ان الاسلام بنی علی دعا متین؛ کلمه التوحید و توحید الکلمه. (۳) آیت الله العظمی بروجردی:

- فقه شیعه در حاشیهٔ فقه اهل سنت است. (۴) و (۵) شیخ محمود شلتوت:

- عوامل وحدت: ۱. ترک تعصّب؛ ۲. تلاش علمای دین در جهت وحدت اسلامی.

- موانع وحدت: ۱. اختلاف که منجر به تعصّبات دینی می شود؛ ۲. سوء استفادهٔ دشمن؛ ۳. توطئهٔ استعمار در راه وحدت؛ ۴. نویسندگان نا آگاه. (۶)

ص: ۵۲۵

---

۱- (۱) . صحیفهٔ امام، ج ۶، ص ۸۴.

۲- (۲) . تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامهٔ چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۷۸.

۳- (۳) . همان..

□  
۴- (۴) . طلایه داران تقریب (۱)، آیت الله بروجردی آیت اخلاص، ص ۶۳.

۵- (۵) . توضیح مختصری در رابطه با این جملهٔ مرحوم آیت الله بروجردی، در بخش زندگی نامهٔ ایشان در ص ۳۵۱ همین کتاب آمده است که مطالعهٔ آن را به خوانندگان محترم توصیه می نمایم..

۶- (۶) . طلایه داران تقریب (۲)، شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت، ص ۵۳ - ۵۸ ..

- علت دشمنی اهل تسنن با شیعیان، عدم آگاهی آنان از عقاید اصیل شیعه است. (۱) امام موسی صدر:

- هیچ تناقض و اختلافی میان شیعه و سنی نیست، اینها پیروان دو مذهب از یک دین واحدند. (۲) - (۳) علامه کاشف الغطاء:

- اسلام بر ۲ پایه استوار است: کلمه توحید و توحید کلمه.

- معنای وحدت بین شیعه و سنی این نیست که به شیعیان بگوئیم عقیده اهل سنت را بپذیرید و به سنی ها بگوئیم عقیده شیعیان را بپذیرید؛ اتحاد این است که با یکدیگر دشمنی نوزیم. (۴) علامه شیخ محمد تقی قمی:

- اگر درست به ریشه نام دو مذهب شیعه و سنی توجه کنیم تمام مسلمانان را شیعه می یابیم؛ زیرا همگی دوستار خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل سنت می یابیم زیرا کلیه مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از طریق مطمئنی از پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده باشد لازم الاجرا می دانند؛ بنابر این ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمدی صلی الله علیه و آله و سلم می باشیم. (۵)

ص: ۵۲۶

---

۱- (۱). اتحاد و انسجام، ص ۴۲۳..

۲- (۲). طلایه داران تقریب (۵)، امام موسی صدر سرورش وحدت، ص ۹۴..

۳- (۳). خواننده محترم توجه دارد که مراد ایشان، عدم تناقض و اختلاف در اصول مسلم اسلام، چون: توحید، نبوت، معاد، قرآن و... می باشد، لذا هر یک از مذاهب، خودشان نیز بین هم اختلاف نظرهای علمی و اعتقادی دارند که آن را مخالف با مذهب و اعتقاد خود نمی دانند..

۴- (۴). طلایه داران تقریب (۳)، کاشف الغطاء اذان بیداری، ص ۴۸ - ۴۹..

۵- (۵). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱..

- در جهت اختلاف های موجود، باید به میدان ائتلاف وارد گشت و از قرآن مجید که مورد احترام و قبول همه مذاهب اسلامی است شروع نمود. (۱) علامه سید جعفر کشفی:

- یکی از عوامل اصلی بقای دولت، عدم تفرقه و وحدت در جامعه است. (۲) شیخ محمد غزالی:

- عوامل تفرقه: (۱) عدم آگاهی (۲) نویسندگان مغرض (۳) یادآوری اختلافات گذشته

- عوامل وحدت: (۱) نقش عالمان دینی (۲) مسئولیت مسئولین

- وطن کوچک ما سرزمین نیل است. وطن بزرگتر ما سرزمینی است که عرب در اختیار دارد. اما وطن عالی ما منطقه ای است که همه مسلمانان طبق یک اصول و فکر و عقل، با یکدیگر مربوط ساخته و قلبهایشان با یکدیگر رابطه دارد. (۳) شیخ محمد عبده:

- بایستی عده ای را پروراند و سپس از آنان به عنوان اشاعه دهندگان پیام احیاء و اصلاح استفاده کرد. (۴) سید قطب:

- ائت اسلامی پس از گمراهی و سرگردانی، خود را باز یافته است و اکنون بدون هیچ فریب و نیرنگی، یکصدا به این سو (یعنی همان وحدت جهان اسلام) گرایش پیدا کرده است. (۵)

ص: ۵۲۷

---

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۱، ص ۹۴، با اندکی تصرف..

۲- (۲). همان، ج ۴، ص ۲۴۴..

۳- (۳). طلایه داران تقریب (۸)، شیخ محمد غزالی رایت اصلاح، ص ۸۰، به نقل از اسلام و بلاهای نوین، ص ۲۱۰..

۴- (۴). طلایه داران تقریب (۴)، شیخ محمد عبده رایت اصلاح، ص ۱۴۰..

۵- (۵). طلایه داران تقریب (۶)، شهید سید قطب آیت جهاد، ص ۸۴..

آیت الله سید محمد باقر صدر: (۱)

- من برادر و فرزند اهل سنت هستم همان اندازه ای که برادر و فرزند شیعه هستم.

آخوند ملا حسین قلی همدانی:

- خیلی کارها از اتحاد قلوب ساخته می گردد که از منفرد برنیاید. (۲) آیت الله آخوند خراسانی:

- به تمام مردم... واجب است که تفرقه را کنار بگذارند. (۳) آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی:

- دشمنان با تمام قوا در صدد تفرقه افکنی بین ملت مسلمان، خصوصاً شیعه و برادران اهل سنت هستند. (۴) آیت الله سید عبدالحسین لاری:

- لازمه اتحاد جهانی اسلام و همکاری و مودت مسلمانان، این است که اسباب تفرقه، جدایی، نفاق، تک روی و آنچه با کمال اتحاد و اتفاق منافی است، از میان برداشته شود. (۵) محمد علی جناح:

- قدرت جهان اسلام، به همبستگی ملت های اسلامی است. (۶) آیت الله ابو عبدالله زنجانی:

- نباید مرزهای زبانی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی، این امت واحد را گرفتار کشاکش و تشتت سازد. (۷)

ص: ۵۲۸

۱- (۱). وی نسبت به همه مسلمانان جهان احساس مسئولیت می کرد. از این رو مشاهده می کنیم که گروههای بیشماری از جوانان تحصیل کرده و وابسته به مذاهب مختلف اسلامی به افکار و اندیشه های ایشان گرویده اند. سازمانهای اسلامی که به ایشان مراجعه می کردند، رنگ مذهب معینی نداشتند؛ چنان که بسیاری از مسلمانان کشورهای عربی (عراق، اردن و غیره) بدون توجه به مذاهب اسلامی خود، به تقلید از ایشان عمل می نمودند. (شهادت روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر، ج ۱، ص ۳۶۷).

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳- (۳). همان، ج ۱، ص ۴۴۰ - ۴۴۱.

۴- (۴). همان، ص ۴۵۴.

۵- (۵). امانتدار پیامبران، نقش آیت الله لاری در مبارزات اسلامی قرن اخیر، ص ۱۰.

۶- (۶). پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شهریورماه ۱۳۸۶.

۷- (۷). میعاد با سپیده گشایان، آرش مردانی پور، ص ۱۰.

آیت الله سید محسن امین:

- اختلاف نژادها و مذهب ها موجب دشواری و تنگناست (۱)؛ همه کشورهای اسلامی وطن و همه ساکنان آن برادران یکدیگر به شمار می آیند. (۲) شیخ عبدالمجید سلیم:

- اولین وظیفه ای که بر عهده ما علمای اسلامی است، خواه شیعه باشیم یا سنی، این است که از اذهان و افکار مردم، مطلب (اختلافات و جدالها) را پاک کنیم. (۳) علامه شرف الدین عاملی:

- شیعه و سنی را روز نخست، سیاست (و مطامع سیاسی) از هم جدا کرده است و اکنون نیز باید سیاست (و مصالح سیاسی اسلام و مسلمانان)، آن دو را در کنار هم بنشانند و متحدشان کند. (۴) آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی:

- کلمه توحید تنها با توحید کلمه به دست می آید. (۵) آیت الله سید محمد صدر:

- به اعتقاد من بالاترین و والاترین قضیه ای که بر همه مسلمانان در حال حاضر بلکه در همه حال واجب است، وحدت و برادری است. (۶) آیت الله شهید سید حسن مدرس:

- ما خیلی همبستگی اسلامی خود را از دست داده ایم، بالآخره باید بیدار شده، هوشیار شویم و جامعه خودمان را حفظ کنیم. (۷)

ص: ۵۲۹

۱- (۱). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۱۳..

۲- (۲). همان، ص ۶۱۵..

۳- (۳). بخشی از پیام شیخ عبدالمجید سلیم به آیت الله العظمی بروجردی، جمادی الثانی ۱۳۷۱ق..

۴- (۴). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۵۸، به نقل از النص و الاجتهاد، ص ۱۴؛ شرف الدین، ص ۱۷۵..

۵- (۵). الشیخ زنجانی و الوحده الاسلامیه، محمد سعید آل ثابت، ص ۶۵..

۶- (۶). گلشن ابرار، ج ۴، ص ۵۵۲..

۷- (۷). دیدار با ابرار (۶۷)، شهید مدرس ماه مجلس، ص ۶۴. از نطق ۸ شهریور ۱۳۰۴ش، به نقل از یادنامه مدرس، ص ۱۶۵..

– دشمنان دین... به خاطر منافع خودشان مسلمانان را به جان یکدیگر می اندازند. (۱) آیت الله سید روح الله خاتمی:

بهترین نشانه اسلام همان وحدت بین مسلمین است. (۲) آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی:

– در مملکت اگر اتفاق کلمه نباشد و اختلاف حاکم باشد، به هیچ جا نخواهیم رسید؛ باید بنای اجتماع یک وحدت مشترک باشد. (۳) حجه الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی:

– احیای ارزش های معنوی، اتحاد و همبستگی ملت های اسلامی، لازمه اقتدار و عظمت امت واحد اسلامی است. (۴) شهید دکتر فتحی شقاقی:

– پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای غربی به دلیل ترس از گسترش و تأثیرگذاری این انقلاب در سایر کشورهای منطقه، به اختلاف شیعه و سنی دامن زدند. (۵) آیت الله سید ابوالحسن فاضل بهسودی:

– همبستگی احزاب شیعی و هماهنگی مجموعه های شیعه و سنی، گامی مطمئن در مسیر وحدت ملی است. (۶)

۱- (۱). ستارگان حرم، ج ۶، ص ۹۲..

۲- (۲). یادنامه آیت الله خاتمی، محمد تقی فاضل میبدی، ص ۸۰۲..

۳- (۳). نوری از ملکوت، ص ۴۰۰، سخنرانی معظم له در ۹ اسفند ماه ۱۳۵۹..

۴- (۴). دیدگاه ها، منتخبی از مواضع حجه الاسلام و المسلمین سید احمد خمینی، ص ۱۲۳..

۵- (۵). پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مهر ماه ۱۳۸۶..

۶- (۶). ستارگان حرم، ج ۶؛ زندگی نامه آیت الله بهسودی..

آیت الله سید محمد باقر حکیم:

- اسلام، بهترین چارچوبی است که می تواند حرکت (ملت ها، خصوصاً) ملت عراق را وحدت بخشد و حقوق همه قومیت ها و مذاهب و اقلیت ها را تأمین نماید. (۱) علامه سید مرتضی عسکری:

- مسلمانان برای رسیدن به شوکت عصر نبوی صلی الله علیه و آله سه چیز لازم دارند:

۱. بررسی و شناخت سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به معنای عام نه فقط صحیحین

۲. وحدت مسلمان ها و حمایت جدی از یکدیگر.

۳. ایمانی مانند ایمان بلال، عمار، سمیه، و ...

□

آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی:

□  
- وضع نابسامان مسلمانان، نتیجه دخالت استعمارگران در امور آنها و از بین رفتن روح اتحاد است. (۲) آیت الله سید محسن حکیم:

□  
- در دیدگاه من، کرد، عرب و ترک با یکدیگر تفاوتی ندارند. همه آن ها برادران و فرزندانم هستند. (۳) آیت الله سید محمود طالقانی:

□  
- علت گرفتاری ها و عقب ماندگی ها، همان تفرقه در میان امت اسلام است. (۴) آیت الله شهید محمد مفتاح:

- ناسیونالیسم، حربه استعمار است و از این طریق بین مسلمین بذر نفاق و تفرقه می افشاند. (۵)

ص: ۵۳۱

---

۱- (۱). پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مهر ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۶۷۷..

۳- (۳). همان، ص ۷۱۹..

۴- (۴). دائره المعارف شیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۲..

۵- (۵). دیدار با ابرار (۷۸)، شهید مفتاح تکبیر وحدت، ص ۴۷، به نقل از وحدت در امت اسلام، سخنرانی شهید مفتاح، مندرج در مجله پیام انقلاب، ش ۱۷۷..

آیت الله شهید مرتضی مطهری:

یکی از بزرگترین هدف های اسلام، بلکه بزرگترین هدف اسلام در امور عملی، وحدت و اتفاق مسلمانان است. (۱) آیت الله شهید دکتر بهشتی:

ما به دلیل اینکه مسلمانیم، از یکدیگر تفکیک ناپذیریم، از هم جدایی ناپذیریم. (۲) آیت الله شهید عطاء الله اشرفی اصفهانی:

ما بدون وحدت نمی توانیم جامعه و انقلاب اسلامی را پیش ببریم. (۳) شهید سید حسین حسینی:

اسلام برای ما اولویت دارد و برای ما مسأله نژاد، ملیت و منطقه مطرح نیست. (۴) آیت الله العظمی میرزا محمد علی شاه آبادی:

لا عده الا بالأخوه. (۵) محمد علی الزعبی:

همگی مسلمانان سنی هستند و همگی آنان شیعه هستند (المسلمون کلهم سنیون و کلهم شیعه) همگی سنی هستند زیرا در عمل به سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می کوشند و همگی شیعه هستند زیرا به امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام عشق می ورزند. (۶) استاد احمد امین:

جای بسی تأسف است برای ملتی که دارای یک خدا و یک پیامبر و یک کتاب است،

ص: ۵۳۲

---

۱- (۱). روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، ص ۱۲..

۲- (۲). پنج گفتار، شهید آیت الله بهشتی، ص ۲۸ - ۲۹..

۳- (۳). گلشن ابرار، ج ۲، ص ۹۰۴..

۴- (۴). ستارگان حرم، ج ۶، ص ۲۱۴ - ۲۱۵..

۵- (۵). عارف کامل (آیت الله میرزا محمد علی شاه آبادی)، ص ۱۸۱..

۶- (۶). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۱، ص ۸۱..

امتش در مسائلی... به نزاع و افتراق برخیزند و در اقامه دلیل دست به اسلحه برند. (۱) شیخ محمد مخام:

- ما مأمور به نزدیک شدن و همبستگی هستیم (۲) «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۳).

دکتر احمدی نژاد (رئیس جمهور ایران):

- قدرتهای زورگو نمی خواهند ما در مسیر پیشرفت و کمال حرکت کنیم (به عنوان مثال) در قضیه هسته ای می خواستند به ملت ما زور بگویند که به لطف خدا و ایستادگی ملت و اتحاد ملی، توانستیم آنها را عقب رانده و پرونده هسته ای کشور مان را در مسیر قانونی خود قرار دهیم. (۴) آیت الله شاهرودی (رئیس قوه قضائیه):

- تکیه بر مشترکات مذاهب اسلامی، استفاده از پتانسیل های مذاهب و دوری از تفرقه افکنی ها، راه صحیحی در بهره مندی از فرصت هاست. (۵) آیت الله هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس خبرگان):

- استکبار به ویژه آمریکا، به شدت در تلاش است تا در امت اسلامی تفرقه ایجاد کند و به اسم شیعه و سنی میان جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی شکاف بیندازد که همه ملت ها و دولت های اسلامی باید در مقابل این توطئه، هوشیار باشند. (۶) دکتر حداد عادل: (رئیس مجلس شورای اسلامی):

- حل مشکلات امروز جهان اسلام، تنها با همبستگی حقیقی امکان پذیر است. (۷)

ص: ۵۳۳

---

۱- (۱) و ۲. تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱ - ۸۲ ..

۲- (۲) .

۳- (۳) . سوره آل عمران، آیه ۱۰۳ ..

۴- (۴) . روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ آبان ماه ۱۳۸۶ ..

۵- (۵) . سخنرانی در همایش سالانه اساتید مرکز جهانی علوم اسلامی، اردیبهشت ماه ۱۳۸۶، قم ..

۶- (۶) . دیدار اعضای مجلس خبرگان با مقام معظم رهبری، ۱۶ شهریور ماه ۱۳۸۶ ..

۷- (۷) . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ مهر ماه ۱۳۸۶ ..

□  
- امروز استکبار جهانی منافع خود را از دست رفته می بیند و خواستار ایجاد اختلاف بین مسلمانان است. (۱) آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

- به عقیده من (پیرامون وحدت مسلمین) دو کار باید کرد: اول اینکه اتحاد را تعریف کنیم... .

معنی اتحاد این نیست که من علی علیه السلام را خلیفه بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله ندانم، یا آن ها دست از عقایدشان بردارند، این عملی نیست... . اتحاد این است که بر روی مشترکاتمان که خداوند واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و... است تأکید کنیم.

□  
دوم اینکه به مقدّسات یکدیگر اهانت نکنیم. (۲) علامه فضل الله (مرجع تقلید شیعیان لبنان):

علمای شیعه و سنی با گروه های تکفیری مقابله کنند. باید از تلاش ها برای ایجاد فتنه، اختلاف و تنش بین مسلمانان جلوگیری کنیم. (۳) آیت الله جوادی آملی:

- دشمنان در حال حاضر تلاش دارند که با ایجاد اختلاف بین مذاهب و اختلاف بین قومیت ها، جهان اسلام را در مقابل هم قرار داده و بتوانند راحت تر به منافع نامشروع خود دست یابند. (۴) آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

- آنچه موجب تأسف و تعجب و سؤال برانگیز است، سکوت بزرگان و علمای کشورهای اسلام و جوامع علمی و دانشگاهی و رجال دین است. چرا به عواقب بسیار زیان بار

ص: ۵۳۴

---

۱- (۱) . بخشی از پیام معظم له به همایش بزرگ روحانیت - همدان، شهریور ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲) . روزنامه کیهان، ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶..

۳- (۳) . روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ تیرماه ۱۳۸۶..

۴- (۴) . همان، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۶..

این جنایات، توجه ندارند؟ چرا اجازه می دهند وحدت مسلمانان و عزت و عظمت بازیافته ای که در این عصر به وجود آمده است به دست عناصر پلید، بی سواد، متعصب، و مفسد تباه گردد؟ (۱) آیت الله استادی:

- همه اقوام ایران اسلامی مسلمان هستند و باید حول محور اسلام، انسجام و اتحاد خود را حفظ نمایند. امروز روز ایجاد تفرقه در بین مسلمانان نیست، ولی متأسفانه برخی از روی غرض و یا ناآگاهی، مطالبی را عنوان می نمایند که باعث ضربه زدن به اسلام و مسلمانان می شود. (۲) آیت الله امینی:

- آخرین اقدام دشمنان برای مبارزه اسلامی، تفرقه افکنی میان مذاهب اسلامی است.

اختلافات مذهبی هر چند با انگیزه دفاع از مذهب باشد، در شرایط فعلی جایز نیست و علما باید در مقابل این حرکت ها مقابله کنند. (۳) آیت الله العظمی موسوی اردبیلی:

- دین فعلی ما، دستخوش تغییرات مورد دلخواه حاکمان و سلاطین گذشته و حکومت بنی امیه شده و احکامی وارد آن شده است که برای اسلام نیست و همین عامل، چند دستگی مسلمانان را فراهم کرده است. (۴) حجه الاسلام والمسلمین قرائتی:

- مبلغان غیر ایرانی، نقش مهمی را در ایجاد و گسترش وحدت بین مسلمانان ایفا می نمایند. (۵)

ص: ۵۳۵

- ۱- (۱) . گزیده ای از پیام معظم له در پی جسارت به بارگاه ملکوتی حرم امامین عسکریین علیهما السلام ، خرداد ماه ۱۳۸۶ .
- ۲- (۲) . بخشی از خطبه نماز جمعه قم، ۱۸ خرداد ماه ۱۳۸۶ ..
- ۳- (۳) . بخشی از خطبه نماز جمعه قم، ۱۱ خرداد ماه ۱۳۸۶ ..
- ۴- (۴) . دیدار با اعضای کمیته علمی هم اندیشی حجاب، ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ ..
- ۵- (۵) . روزنامه شاخه سبز، ۳۱ خرداد ماه ۱۳۸۶ ..

شیخ یوسف قرضاوی (رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمین):

- این وظیفه امت است که برای خود، دست به دست هم بدهند؛ باید ما از ایران که جزئی از جهان اسلام به شمار می رود دفاع کنیم و این کشور را در مقابل دشمن یاری نماییم. (۱) حجه الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی:

- اتحاد ملی و انسجام اسلامی، یک ضرورت و برنامه است. برای مقابله با توطئه ها، اتحاد ملی و انسجام اسلامی ضروری است و در برنامه ریزی ها باید به سمت این دو عنصر حرکت کرد. (۲) آیت الله مهدوی کنی:

- صلح به معنای پیروزی مسلمانان، با وحدت و اتحاد ملت های مسلمان تحقق یافتنی است. (۳) برهان الدین ربانی (رئیس جمهور سابق افغانستان):

- رابطه منافع ملی با وحدت اسلامی یک از دغدغه های روشنفکران مسلمان است. ملی گرایی با تقدم بر منافع ملی و دینی می تواند شکل بهتری بر روند وحدت داشته باشد. (۴) حجه الاسلام و المسلمین سید حسن نصرالله (دبیر کل حزب الله لبنان):

- هر گونه درگیری و بحران مانع ایجاد توافق و تفاهم و روحیه همکاری و وحدت خواهد بود، که مهمترین اساس قدرت (مسلمانان جهان، خصوصاً لبنان محسوب می شود. (۵)

ص: ۵۳۶

۱- (۱) . بخشی از پیام وی به مناسبت عید سعید فطر، ۲۳ مهر ماه ۱۳۸۶ ..

۲- (۲) . گزیده ای از سخنان ایشان در همایش بزرگ معنویت و روحانیت - همدان - شهریور ماه ۱۳۸۶ ..

۳- (۳) . روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۰ مهر ماه ۱۳۸۶ ..

۴- (۴) . گزیده ای از سخنان وی در هم اندیشی علمای شیعه و سنی، تهران، اول آبان ماه ۱۳۸۶ ..

۵- (۵) . روزنامه کیهان، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۶ ..

- قرآن واحد، پیامبر واحد، عبادات یکسان، مرجعیت اخلاقی یکسان و گذشته و آینده یکسان، از عوامل وحدت میان مسلمانان است. (۱) ابراهیم جعفری (نخست وزیر سابق عراق):

- وحدت عقیده، اولین عامل در رسیدن به اتحاد بین امت اسلامی است. (۲) استاد محمد رضا حکیمی:

- اتحاد تسنن و تشیع چنانکه برخی از متفکرین مذهبی نیز گفته اند (۳) میسر نیست....

کاری که می توان انجام داد و عملی است، دعوت سنی و شیعه است به اتحاد، این کار عملی، لازم و وظیفه است.

آیت الله محمدی ری شهری:

- حجّ نمایش قدرت اسلام در برابر چشم جهانیان است. اولین گام در این راه وحدت امت اسلامی و تبلیغ وحدت کلمه در کنار خانه توحید می باشد. (۴)

ص: ۵۳۷

---

۱- (۱). روزنامه کیهان، ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۶..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). بعضی از متفکرین گویند با توجه به مبانی مختلف اعتقادی و اینکه تغییر آنها کاری بسیار مشکل و دراز مدت است اتحاد واقعی بین این گروههای مذهبی، کار میسوری نیست، بنابراین باید همه این فرق را به اتحاد و انسجام در مقابل کفر و شرک و استعمار دعوت نمود و برکات وحدت و مضرات و خسارات تفرقه و تشطط را با توجه به آیات قرآن و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام و اصحاب بیان نمود که با خدای واحد و کتاب واحد و پیامبر واحد و قبله واحد... باید اتحاد کنیم و در حفظ این مبانی بکوشیم..

۴- (۴). سخنرانی در افتتاحیه بزرگترین نمایشگاه حج و زیارت، ۲۱ آبان ماه ۱۳۸۶، مشهد مقدس..



ب) وحدت و برادری در اشعار

بی شک ادیبان و شاعران یک جامعه نقش بسیار مهمی در ساختن فرهنگ آن جامعه دارند. تأثیرات فرهنگی شعر شاعران گاه از یک دهه فزونی یافته و تا یک یا چند قرن از شعر آنان استفاده می شود.

یکی از موضوعاتی که شاعران مسلمان اعم از شیعه و سنی اغلب به آن می پردازند، مسأله پراهمیت وحدت و برادری است. اینان در اشعار خویش سعی در برداشتن دیوار تفرقه از میان برادران مسلمان داشته و همواره بر همدلی و برادری تشیع، تسنن و دیگر فرق اسلامی تأکید دارند.

در این قسمت اشعار تنی چند از آنها نقل می شود:

ص: ۵۳۹



چون شد که در این غمکده یک هم نفسی نیست

حکیم جلوه (۱)

ص: ۵۴۱

---

۱- (۱). دیدار با ابرار (۳۵)، میرزا ابو الحسن جلوه، حکیم فروتن، ص ۱۳۵..

هفته وحدت است و می باید

استاد محمد حسین شهریار (۱) \* \* \*

آن که نام تو مسلمان کرده است از دویی سوی یکی آورده است

خویشتن را ترک و افغان خوانده ای

اقبال لاهوری (۲)

ص: ۵۴۲

---

۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹، ص ۴۷..

۲- (۲). فرهنگ موضوعی ادب پارسی، کلیات اقبال لاهوری، ص ۵۲۱..

\* \* \*

حُسنِت با تَّفَاقِ مِلاحتِ جِهانِ گِرفتِ آری با تَّفَاقِ جِهانِ می توانِ گِرفت

حافظ

\* \* \*

دو دل یک شود بشکند کوه را پراکندگی آرد انبوه را

نظامی (۱) \* \* \*

مؤمنان معدود، لیک ایمان یکی

مولانا جلال الدین مولوی (۲) \* \* \*

کثرتِ هم مدعا، وحدتِ شود

تا نه این وحدت ز دست ما رود هستی ما با ابد همدم شود

اقبال لاهوری (۳)

ص: ۵۴۳

---

۱- (۱). اتحاد و دوستی، سید حسن ابطحی خراسانی، مقدمه..

۲- (۲). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۲۹..

۳- (۳). کلیات اقبال لاهوری، ص ۵۲۰..

تا بر سرِ گورِ خصم دست افشانیم

حسن حسینی (۱) \* \* \*

معنی جمعیت ار خواهی دلا لازم شمار

جامی (۲) \* \* \*

ندانی که چون با هم آیند مور

نظامی (۳) \* \* \*

دل به محبوب حجازی بسته ایم

مولانا (۴)

ص: ۵۴۴

---

۱- (۱). تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۴۷..

۲- (۲). دیوان جامی، ج ۱، ص ۸۴۶.

۳- (۳). اتحاد و دوستی، سید حسن ابطحی خراسانی، مقدمه..

۴- (۴). مجموعه سخنرانی های سومین کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۶۸ش، تهران..

رشته وحدت چو قوم از دست داد

\*\*\* اقبال لاهوری (۱)

ص: ۵۴۵

---

۱- (۱). کلیات اقبال لاهوری، ص ۵۲۰..



## ج) عوامل، محورها و راهکارهای وحدت بین مذاهب اسلامی

این قسمت، صرفاً جمع آوری نظریات و ایده های اشخاص مختلف پیرامون اتحاد و همبستگی امت اسلامی است، و نقل آنها به این معنا نیست که همه این نظریات قابل اجرا یا مورد قبول است. برخی تکراری، و برخی با تعبیرهای گوناگون از دیدگاه های مختلف بیان شده است.

جهت اطلاع و استفاده از این نظریات، همه آنها را می آوریم.

۱. نفی تهمت از فرقه های اسلامی توسط سران فرقه دیگر.

۲. اعلام برائت عقول جهان اسلام از تندروی ها.

۳. ارائه قرائت وفاق از نقاط اختلاف.

۴. تفکیک نظرات شخصی افراد از مرام نامه مکاتب.

۵. دور کردن افراد تندرو از عرصه های تصمیم گیری.

۶. افزایش آشنایی فرق اسلامی نسبت به یکدیگر از طریق تدوین کتب، تهیه مقالات و مجلات دیجیتالی و رسانه های روز.

۷. آگاه ساختن مسلمانان از شرایط و طرحهای آن سوی اردوگاه مسلمانان و پشت پرده دهکده جهانی، خاورمیانه بزرگ و...

۸. بهره برداری بهتر از کنگره عظیم حج.

۹. ایجاد تسهیلات در روابط علما، دانشمندان، و پژوهشگران کشورها و مذاهب مختلف برای دیدار یکدیگر.

۱۰. انتشار مرام نامه و منشور واحد ملل مسلمان.
۱۱. بازنویسی و پالایش متونی که از میراث های اصیل هر یک از مذاهب هستند، لکن حاوی موادی می باشند که به تقریب مذاهب اسلامی، لطمه وارد می کند.
۱۲. فراهم آوردن زمینه های فکری، قانونی و حقوقی برای تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی.
۱۳. حضور فعال مسلمانان در مجامع بین المللی علمی و حقوقی.
۱۴. متصل نمودن مجامع تقریب بین مذاهب اسلامی در ایران، لبنان، مصر، عراق و غیره و نیز تشکیل کنفدراسیون بین الملل تقریب بین مذاهب اسلامی.
۱۵. همکاری در زمینه های مشترک و مورد اتفاق. (۱) ۱۶. تکیه بر اصل گفتگوهای قرآنی.
۱۷. پرهیز از تکفیر، تفسیق و انتساب بدعت به یکدیگر.
۱۸. پرهیز از مؤاخذه یکدیگر در لوازم رأی، در صورت روشن نبودن ملازمه.
۱۹. معذور داشتن یکدیگر در موارد اختلاف.
۲۰. آزادی انتخاب مذاهب.
۲۱. آزادی پیروان مذاهب در اعمال شخصیته.
۲۲. آزادی مذاهب مختلف در بیان نظام مند دیدگاههای خود.
۲۳. آزادی تعاملات درون گروهی و میان گروهی مذاهب، در صحنه تعامل با شرایع دیگر.
۲۴. تأکید بر اصول مشترک شامل: مناظره و همکاری علمی و معاشرت و رفتار برادرانه. (۲)

ص: ۵۴۸

---

۱- (۱). از شماره ۱ الی ۱۵، استراتژی تقریب مذاهب اسلامی (مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین المللی مذاهب اسلامی)، ص ۶۰ - ۶۶.

۲- (۲). از شماره ۱۶ الی ۲۴، همان، ص ۱۶۱ - ۱۶۲.

۲۵. نزدیکی عقیده ها به یکدیگر. (۱) ۲۶. در نظر گرفتن مشترکات مذاهب.

۲۷. جهان بینی واحد. (۲) ۲۸. صراحت قرآن کریم، سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و عقل، سه عامل اساسی برای رفع اختلاف در جهان اسلام. (۳) ۲۹. بیان محور وحدت: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۴).

۳۰. یادآوری پیامدهای وحدت: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (۵).

۳۱. تأکید بر وحدت اصل و راه و هدف: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (۶).

۳۲. کاشت بذر اخلاق گرایی، فداکاری و ایثار: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (۷).

۳۳. تفویض اهداف والا- و مسئولیتهای بزرگ: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (۸) «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَأْتِيَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» (۹).

۳۴. حذف و نفی معیارهای تفرقه آمیز برتری

۳۵. تأکید بر نقاط مشترک: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ

ص: ۵۴۹

---

۱- (۱). همبستگی امت اسلامی، مجموعه سخنرانی های آیت الله هاشمی رفسنجانی در کنفرانس های وحدت اسلامی، ص ۴۶.

۲- (۲). همان، ص ۵۶.

۳- (۳). همان، ص ۱۰۷.

۴- (۴). سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۵- (۵). همان.

۶- (۶). سوره شوری، آیه ۱۳.

۷- (۷). سوره حشر، آیه ۹.

۸- (۸). سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۹- (۹). سوره انفال، آیه ۲۵.

إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (۱)

۳۶. شیوه های مثبت گفتگو: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلِيَّ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (۲)

۳۷. برانگیختن مذاهب اسلامی بر علیه دشمن مشترک. (۳) ۳۸. قرآن کریم، سنت شریف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم، مرجعیت تفسیری اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن و سنت. (۴) ۳۹. گسترش اصول و مبانی اسلام به زبانهای گوناگون.

۴۰. کوشش در حل نزاع و درگیری ها میان ملت ها و طوایف مختلف اسلامی. (۵) ۴۱. تأکید بر پیامدهای عملی و محسوس اصول دین.

۴۲. تکیه بر مطالعات و پژوهشهای مقایسه ای در عرصه های مختلف قرآن و حدیث. (۶) ۴۳. تعمیم فرهنگ تقریب.

۴۴. انتشار کتابها و نشریات دوره ای.

۴۵. بهره گیری از رسانه های گروهی.

۴۶. دعوت از وزارتخانه آموزش و پرورش در گسترش فرهنگ تقریب.

۴۷. درخواست از سازمانهای فرهنگی برای برگزاری و سازماندهی گردهمایی های تقریبی.

۴۸. تأکید بر تقریب در خطبه های نماز جمعه و درس های دینی.

۴۹. دعوت از مؤلفان برای دامن نزدن به اختلاف ها.

۵۰. تسهیل جابجایی کتاب در میان کشورهای اسلامی. (۷)

ص: ۵۵۰

۱- (۱). سوره آل عمران، آیه ۶۴..

۲- (۲). سوره سبأ، آیه ۲۴..

۳- (۳). درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، محمد علی تسخیری، ص ۲۲..

۴- (۴). همان، ص ۶۱..

۵- (۵). شماره های ۳۹ و ۴۰... استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، مجموعه مقالات، ص ۱۸۶..

۶- (۶). شماره های ۴۱ و ۴۲، همان، ص ۱۸۷..

۷- (۷). از شماره ۴۳ الی ۵۰، استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، ص ۱۸۹، به نقل از تجربه مؤسسه خیریه آیت الله العظمی

خویی..

۵۱. کوشش در راه کاستن از اختلاف ها میان مکتب های اجتهادی.

۵۲. اثبات این که اختلاف ها جوهری نیستند بلکه بیشتر اجتهادی هستند.

۵۳. تعریف حقیقت تقریب: بدین گونه که گامی به سوی همدلی است نه به معنای ذوب یا ادغام مذاهب در یکدیگر.

۵۴. اشاره به این که عرصه های اختلافی تنها منحصر به یک مذهب نیست.

۵۵. ایجاد همدلی میان پیروان مذاهب مختلف.

۵۶. تأکید بر اینکه عرصه های مشترک بسی بزرگ تر از عرصه های اختلاف است.

۵۷. آگاهی علمی از ریشه های اختلاف برای پی بردن به موارد پنهان و تسهیل در خاموش کردن آتش اختلاف ها. (۱) ۵۸. یاری رساندن به احیاء و گسترش فرهنگ و آموزش اسلامی و دفاع از ساحت قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم .

۵۹. کوشش در راه تحقق آشنایی و تفاهم بیشتر میان علما، اندیشمندان و رهبران دینی جهان اسلام در عرصه های عقیدتی، فقهی، اجتماعی و سیاسی.

۶۰. گسترش ایده تقریب میان اندیشمندان و نخبگان جهان اسلام و انتقال آن به توده های مسلمان و آگاه نمودن آنان از توطئه های تفرقه افکن دشمنان امت.

۶۱. کوشش در راه تحکیم و گسترش اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی.

۶۲. کوشش در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه متحد در برابر توطئه های رسانه ای و یورش های فرهنگی دشمنان اسلام بر اساس اصول مسلم اسلامی.

۶۳. نفی بدگمانی ها و شبهه موجود میان پیروان مذاهب اسلامی. (۲) ۶۴. گردهمایی همه مسلمانان بر فصل های مشترک در کاری واحد.

۶۵. عدم تبدیل اختلاف مذهبی به کشمکش.

۶۶. به کارگیری همه امکانات در انجام پروژه های حساب شده و به هم پیوسته.

ص: ۵۵۱

---

۱- (۱). از شماره ۵۱ الی ۵۷، همان، ص ۱۹۳ - ۱۹۴..

۲- (۲). از شماره ۵۸ الی ۶۳، همان، ص ۲۰۲..

۶۷. عدم رقابت برای الغاء و حذف طرف دیگر.

۶۸. پرهیز از کشمکشهای جانبی. (۱) ۶۹. گفتگوی علمی و منطقی بین مذاهب که موجب تحقق نظام منسجم فکری و نظری و روشمند و قوت اندیشه اسلامی می شود.

۷۰. گفتگوی بین مذاهب که راه را برای کاوش جمعی در خصوص فرایند اندیشیدن و خودآگاهی هموار می کند.

۷۱. گفتگوی بین مذاهب که نخبگان جهان اسلام را در رفع منازعات محلی، منطقه ای و جهانی کمک می کند.

۷۲. گفتگوی بین مذاهب که چشم اندازهای منظمی را شکل می دهد و به طرفین گفتگو در حل مسائل و معضلاتی که موجب حیرت و سردرگمی آنان شده مدد می رساند.

۷۳. گفتگوی بین مذاهب که می تواند ضمن تلاش برای فهم و درک متقابل و شناخت نقاط و وجوه اشتراک فکری و نظری، به جای اتکا به مسائل اختلافی گذشته، نگاه به آینده را بر اساس وجوه مشترک آتی ملاک و مبنا قرار دهد.

۷۴. گفتگوی بین مذاهب که موجب اندیشیدن آنها برای مقابله با تهدیدات مشترک می شود. (۲) ۷۵. ارتباط و تعامل علمی اساتید، دانشجویان و طلاب کشورهای اسلامی، به منظور علمی کردن گفتگوهای فرهنگی؛ از رهگذر برپایی همایش های علمی و کارگاه های مشترک پژوهشی و آموزشی و برگزاری نشستها، سمینارها و کنفرانس های علمی.

۷۶. ساماندهی پژوهشی با بهبود و بهسازی نظام اطلاع رسانی، به منظور انجام مطالعات جامع در زمینه تحریر محل نزاع فکری بین مذاهب و اندیشیدن راههای حل اختلافات نظری میان آنها.

۷۷. تقویت پایگاههای اطلاع رسانی با ایجاد امکانات و شبکه های ارتباطی و فنّ آور

ص: ۵۵۲

---

۱- (۱). از شماره ۶۴ الی ۶۸، همان، ص ۳۶۰..

۲- (۲). از شماره ۶۹ الی ۷۴، همان، ص ۳۸۶ - ۳۸۷..

اطلاعاتی، تقویت مراکز اطلاع رسانی جامع و سازمان یافته در زمینه دستاوردهای پژوهشی جهان اسلام و ایجاد شبکه های اطلاع رسانی به منظور گردش آزاد اطلاعات، دانش و ایده ها.

۷۸. نوآوری برای فعالیتهای تحقیقی و آموزش چند رشته ای و بین رشته ای، به منظور تقویت فرآیند اندیشه ورزی، فرهنگ سازی و هماهنگ سازی عرصه های مختلف معرفتی با ایجاد تیمهای بین رشته ای و استفاده از افراد دارای تخصصهای مختلف.

۷۹. ایجاد پژوهشگاه ها و اندیشگاه ها به منظور بسترسازی و فضاسازی برای سیاست گذاری و هدایت گفتگوها در مسیر مطلوب و هم اندیشی نخبگان علمی، فرهنگی، مذهبی و ارتباطی جهان اسلام، در راستای پشتیبانی سیاست گذاری های تعاملی تقویت نظام اطلاع رسانی و تبادل نظر بین محققان کشورهای اسلامی، از رهگذر ایجاد ساختار ارتباطی بهتر و منسجم تر.

۸۰. تعریف چارچوب ها، معیارها و ضوابط گفتگوی علمی - فرهنگی به منظور حاکم نشدن سلیقه ها و ترجیحات و تفسیرهای شخصی - قومی و تقویت فرهنگ مدارا و سعه صدر، نهادینه سازی اصول اخلاقی، تحقیقی و منطقی در مناظره و آزادی معقول اندیشه و قلم و تقویت روحیه نقد، نقادی و بازپژوهشی معرفت.

۸۱. دور نگه داشتن فضای گفتگو از التهاب های سیاسی و پرهیز از سیاست زدگی، دولت گرایی و یا رسمیت گرایی در فرآیند گفتگو و نیز اجتناب از نقش ها و بحران های فکری و فرهنگی و همچنین غوغاسالاری و عوام زدگی در عرصه مباحث فکری و فرهنگی از رهگذر اهتمام به دیپلماسی عمومی «yc lpid cilbuP» و اتخاذ سیاست های غیر رسمی و غیر دولتی در عرصه تعاملات میان مذاهب اسلامی.

۸۲. مدیریت سامان مند مراکز مطالعاتی و پژوهشی و فکری و اندیشه ای جهان اسلام، به منظور سامان بخشی به ارتباطات درون تمدنی و تبادل نظر مراکز علمی و تحقیق جهان اسلام، فراهم آوردن بستر مناسب برای تعاطی آرا و تضارب اندیشه ها و ارتقای فهم و درک مشترک در فرآیند تبادل آرای علمی.

۸۳. رعایت آداب گفتگو در فضایی سالم به دور از جمود، تحجّر، خودباختگی و تقلید، توجّه به اصول نخبگی، فرزاندگی و خلاقیت در مسیر حرکت آفرینی تمدّنی، تقویت روحیه انتقادپذیری و تحمّل نظر مخالف، استقبال از نقد اندیشه در جهت تکامل و ارتقای کیفی، گفتگو و ایجاد آمادگی تجدید نظر در افکار، در فضای هم فکری و همدلی.

۸۴. تشکیل مناظره های قانونمند و توأم با امکان داوری و نقد و ارزیابی در محضر وجدان علمی، با حضور اهل فنّ و نظر؛ به منظور فراهم آوردن فضای سالم و مشوّق ابتکار و خلاقیت و هم فکری. ایجاد زمینه تضارب آرا و عقول و گسترش فضای انتقادی سالم و فرهنگ سازی برای گفتگوی آزاد در راستای تلاش برای تقویت تعامل و اعتمادسازی متقابل میان نخبگان فکری، علمی و فرهنگی جهان اسلام.

۸۵. شناسایی، معرّفی، انتشار و نقد آثار به جا مانده از عالمان و اندیشمندان رشته های مختلف علوم اسلامی، نشر کتب و فعالیت های پژوهشی مرتبط با موضوع تقریب مذاهب اسلامی، انتشار گزارش پژوهش های انجام شده در این زمینه در جهان اسلام، اطلاع رسانی کارآمد، مؤثر، مناسب و گسترده در مورد محتوای پژوهش ها، تکمیل بانک های اطلاعاتی به منظور انتقال یافته های پژوهشی و ارایه آن ها به صورت نظام یافته و سامان مند و تقویت سازوکار تبادل اطلاعات در مسائل علمی و فرهنگی مورد توجّه دانشگاهیان و نخبگان مسلمان.

۸۶. برقراری ارتباط ارگانیک و تنگاتنگ بین مراکز فکری جهان اسلام، مدیریت شبکه ای تحقیقات به منظور هماهنگی پژوهش ها و بسترسازی برای تولید اندیشه و نظریه منسجم و هماهنگ، ارتقاء تعاملات پژوهشی به منظور استفاده از نتایج و دستاوردهای تحقیقاتی یکدیگر، ایجاد زمینه های تبادل علمی بین مراکز فکری و اندیشه های جهان اسلام. ایجاد سازوکار مناسب برای بهره برداری مؤثر از برآیند پژوهش ها. ایجاد هماهنگی بین مؤسسات و پژوهشکده های علمی جهان اسلام، ایجاد ساختارهای مناسب و کارآمد برای هماهنگی برنامه های علمی و پژوهشی، برقراری ارتباط منطقی بین مراکز پژوهشی براساس بهره گیری

از فنّ آوری ارتباطات و گسترش شبکه های رایانه ای به منظور انتقال نتایج تحقیقات در مجموعه ای مرتبط.

۸۷. اصلاح، بهسازی و تغییر در روش ها. گفتگو و ارزیابی راهبردهای تعامل بین مذاهب اسلامی، به منظور رفع سوء تفاهم ها و سوء برداشت ها و متمرکز کردن منابع فکری در جهت ایجاد منظومه هماهنگ اندیشه.

۸۸. باید جنبه های ایدئولوژیک سلطه آمریکا و مفهوم حقیقی مقولات مربوط به آن (از قبیل: دهکده جهانی، بازار آزاد، آزادی دخالت و گشایش مرزها و...) را رسوا سازیم. (۱) ۸۹. با عرضه و ارائه نظریه فطرت اسلامی، به تعمیق ارزش های فطری انسان پردازیم.

۹۰. گفت و گوی میان ادیان هرچه بیشتر گسترش داده شود.

۹۱. باید بر هویت های اقلیمی، هویت خلق ها و آگاهی ملل در حفظ هویت و فرهنگ خود، انگشت بگذاریم.

۹۲. توان علمی و قدرت رشد و توسعه ملل، باید افزایش یابد.

۹۳. در راستای واگذاری آزادی ها و حقوق اصیل خلق ها، گام برداشته شود.

۹۴. نهادهای بین المللی تقویت گردند و استقلال آن ها تحکیم شود.

۹۵. تنوع فرهنگی، ژرفای بیشتری بخشیده شود.

۹۶. در راستای ایجاد وحدت در مواضع اسلامی، گفت و گوی مذاهب، تعمیق یابد.

۹۷. در راستای تقویت نهادهای فراگیر اسلامی و فعالیت سازی آن ها در جنبه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گام برداشته شود.

۹۸. باید مطالعات منطقه ای و جهانی خود را تکامل بخشیده و با تاریخ جهان درهم آمیزی بیشتری داشته باشیم.

۹۹. لازم است به تقویت تمامی عوامل پایداری، همکاری و وحدت از جمله مسأله زبان عربی و تقویت و گسترش آن پردازیم.

ص: ۵۵۵

۱۰۰. در پژوهش‌ها و بررسی‌های دینی، اصالت و در عین حال هم‌گامی با مقتضیات کنونی را مد نظر قرار دهیم و از اجتهاد جمعی حمایت کنیم و هر آن‌چه را که به ایستادگی در برابر این یورش بزرگ جهانی منجر می‌گردد، انجام دهیم.

۱۰۱. برماست که مسأله خیزش اسلام را مورد حمایت قرار دهیم.

۱۰۲. شناسایی دشمن واقعی جهان اسلام تا از این طریق سطح تعارضات داخلی کاهش یابد و از ناحیه احساس ناامنی مشترک «جهان بینی سیاسی آنارشیک» فعلی به «جهانبینی سیاسی منسجم» در مقابل فرهنگ مهاجم تبدیل شود. (۱) ۱۰۳. تعریف منافع مشترک برای جهان اسلام تا راجع به ظرفیتهای طبیعی اقتصادی و ایدئولوژیک شان، شأن و جایگاه خود را به عنوان (حداقل) یک بلوک قدرت منطقه ای و در مرحله بعدی به عنوان یک قدرت با قابلیت عرضه در گستره جهان باز یابند.

۱۰۴. ضرورت ایجاد وابستگی متقابل (ecnepedretnI) میان جریان‌های مذهبی، به عنوان پیش درآمد فرآیند تقریب و وحدت. (۲) ۱۰۵. فعال شدن نیروهای وحدت بخش و تقریب‌گرا که به صورت ایجابی وارد عرصه می‌شوند.

۱۰۶. گسترش دامنه ارتباطات و مبادلات کالاهای فرهنگی و روابط شهروندان جهان اسلام در قالب توریسم فرهنگی و یا برگزاری نمایشگاه‌های کتاب به صورت عام یا تخصصی که می‌تواند در زمینه از بین بردن خندق‌های ذهنی و یا فاصله‌های وهمی و خیالی و تصنعی مؤثر باشند.

۱۰۷. در صورت توفیق در مراحل قبلی بستر برای شکل‌گیری ساختارهای نوین با کارکردها و سازوکارهای مشخص فراهم می‌شود که همان ساختارهای تقریبی و هم‌گرایانه است که بر محور وحدت در اصول، تنوع و تعدد و اختلاف مذاهب در فروع را به رسمیت شناخته و سامان می‌دهد.

ص: ۵۵۶

---

۱- (۱). از شماره ۹۰ الی ۱۰۲، همان، ص ۴۱۲ - ۴۱۳..

۲- (۲). ۱۰۳ و ۱۰۴، همان، ص ۴۴۵..

۱۰۸. تعامل ایجابی و همکاری مؤثر و با برنامه، در زمینه مشترک و مورد اتفاق مذاهب اسلامی.

۱۰۹. برجسته نکردن موارد اختلاف و معذور داشتن یکدیگر در این موارد.

۱۱۰. دوری از افتادن در دام مهلک تکفیر، تفسیق و منتسب کردن یکدیگر به بدعت.

۱۱۱. اصل آزادی انتخاب مذهب.

۱۱۲. اصل گفتگو در تعامل مذاهب به عنوان یک اصل قرآنی.

۱۱۳. پرهیز از مؤاخذه یکدیگر در لوازم رأی، در صورت روشن نبودن ملازمه.

۱۱۴. آزادی عمل پیروان مذاهب در احوال شخصیته.

۱۱۵. هم‌گرایی عملی و موضع‌گیری مشترک امت اسلامی در رویارویی با تهدیدات و چالش‌های عمومی جهان اسلام.

۱۱۶. ضروری است برای دست‌یابی به درک مشترک از مقوله تقریب و مسائل و ابعاد گوناگون آن، به ویژه در سطح نخبگان و اندیشه‌ورزان جهان اسلام، تلاش لازم صورت گیرد، تا به نوعی اجماع نظری و هماهنگی عملی برای اقدام هماهنگ و منسجم دست‌یابد.

۱۱۷. اندیشه‌ورزی و تولید اندیشه، بر پایه معارف دینی برای به دست گرفتن ابتکار نظری با آرایه نظریه‌های روزآمد، جذاب، عملی، کارآمد و اقناع‌کننده خردها، جهت پاسخ‌گویی به نیازها و فراهم کردن زمینه نوعی خوداتکایی نظری و عدم دنباله‌روی محض از حوزه نظری غرب، در زمینه‌های مختلف برای مقابله با آثار منفی جهانی سازی.

۱۱۸. در کنار تولید اندیشه و نظریه پردازی در عرصه‌های مختلف، باید تلاش نمود یک الگوی عملی، موفق و کارآمد از دمکراسی بومی بر پایه اندیشه اسلامی عرضه نمود تا از این رهگذر، زمینه همگرایی جوامع اسلامی در لایه‌های مختلف فراهم شود و عناصر و اگرآ، از جمله مداخله نظام سلطه جهانی در امور داخلی کشورهای اسلامی، فرصت دخالت و تحمیل الگوهای برون‌زا پیدا نکند.

۱۱۹. ضروری است واقعیات جهان معاصر، به ویژه ادعاهای فریبنده و جذاب غرب در

زمینه دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، حق تعیین سرنوشت برای ملت‌ها، مبارزه با خشونت، تروریسم و... و برخوردهای گزینشی در این زمینه‌ها را به نسل‌های نو شناساندن.

۱۲۰. اهتمام بیشتر به ابعاد نرم افزاری قدرت با توجه به تحولات تکنولوژیک و انقلاب ارتباطات و اطلاعات و بهره‌گیری از فرهنگ، به عنوان ابزار کسب منزلت بین‌المللی در تعامل با دولت‌ها و بازیگران غیردولتی.

۱۲۱. توجه به سازمان‌های منطقه‌ای در درون جهان اسلام به عنوان حلقه‌های عملیاتی هم‌گرایی در جهان اسلام.

۱۲۲. بالا بردن توان بازیگری و قدرت مانور دیپلماتیک در صحنه بین‌الملل، به منظور تبدیل چالش‌ها به فرصت‌ها و کنترل تهدیدها افزایش میزان بهره‌وری در مورد فرصت‌های موجود، ایجاد فرصت‌های نو، ارتقای قدرت تصمیم‌گیری، پیش‌بینی و آینده‌نگری از رهگذر سناریوپردازی، مدل‌سازی و الگوپردازی.

۱۲۳. مشارکت فعال و مؤثر در نهادهای بین‌المللی، به منظور شکل‌دهی به افکار عمومی در سطح جهان و تقویت تریبون‌های جهان اسلام در این نهادها.

۱۲۴. توجه خاص به نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی (OGN) در جهت تقویت همکاری بین‌ملت‌ها و افزایش دامنه مخاطبان.

۱۲۵. کاهش تعارضات، اختلافات و تنش‌ها در میان جوامع اسلامی و معطوف کردن توجهات به مشکلات و چالش‌های جهانی پیش‌روی جهان اسلام.

۱۲۶. تلاش در جهت افزایش سهم کشورهای اسلامی در بازار جهانی محصولات و فرآورده‌های فرهنگی؛ در این زمینه، مراکز علمی و مؤسسات پژوهشی و اندیشمندان مسئولیت مضاعف دارند.

۱۲۷. افزایش توجه به نقش خانواده و نهادهای مدنی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی، به منظور فرهنگ‌سازی در زمینه وحدت اسلامی و کادرسازی و تربیت نیرو در این عرصه.

۱۲۸. تشکیل مدارس دینی مختلط از پیروان مذاهب متعدد مانند اربعه و غیرهم و مذاهب شیعه (امامیه و زیدیه) و مذهب اباضیه و مذاهب کلامی شیعه و اشعری و معتزلی و ماتریدی و غیرهم.

۱۲۹. نشریه مشترک ماهانه از سوی دانشمندان مذاهب در هر شهری که پیروان دو یا بیشتر از دو مذهب، از مذاهب اسلامی وجود دارند و این نشریه آثار مفید خود را حتماً بجا می گذارد. (۱) ۱۳۰. تدوین و طبع نشر احادیث مشترک نبوی صلی الله علیه و آله و سلم که از طریق اهل بیت علیهم السلام و از طریق صحابه وارد شده است، که یا متفق اللفظ والمعنی است و یا متفق المعنی می باشد. این کتاب، سنگ محکمی به دهان تفرقه اندازان می زند.

۱۳۱. تدوین جلسات تبلیغی مشترک در اوقات مناسب دینی مانند ماه رمضان، تجلیل از نزول قرآن، میلاد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و امثال این ها که شیعه و سنی بر آن ها اجتماع دارند.

۱۳۲. تشخیص دقیق موارد متفق علیه و مختلف فیه بین طرفین، تا به وسیله اختلاف موهوم و غیر واقعی از هم دور نشویم.

۱۳۳. اشتراک در غم و شادی پیروان سایر مذاهب که در یک محل زندگی می کنند.

۱۳۴. ادامه کنفرانس های تقریبی و توسعه آن در کشورهای دیگر.

۱۳۵. تشکیل شوراهای اخوت اسلامی به منظور تقریب در هر محلی که جمع متناهی از شیعه و سنی اقامت دارند.

۱۳۶. کم کردن فشارهای سیاسی و اعطای حقوق کامل مدنی و غیره توسط دولت ها به اقلیت های مذهبی که قهراً محبت را دربردارد، (در افغانستان ماده ۴، ۵ و ۱۳۱ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ شیعیان را از دولت و اکثریت راضی نمود).

۱۳۷. براءت شیعه از غلات و اهل سنت از نواصب تا وجود این دو طایفه باعث اشتباه برادران مسلمان شیعه و سنی نشود و همه باید بدانیم که غلو و نصب در اسلام مشروعیتی ندارد.

ص: ۵۵۹

۱۳۸. فعال نمودن نقش علما به عنوان وارثان پیامبران علیهم السلام در ادامه روند آگاهی بخشی عمومی به اسلام از نظر عقیده و نظم و ارزش ها و آگاهی دادن به مردم مسلمان نسبت به وظیفه خود در مقابله با تهاجم فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و سایر چالش هایی که پیش روی امت اسلامی قرار دارد. (۱) ۱۳۹. تلاش برای سازماندهی جنبش اجتهاد و گشودن درهای آن و تأکید بر اجتهاد جمعی فراگیر و تحقق توازن مطلوب میان اصالت و زندگی معاصر.

۱۴۰. تلاش برای تعمیم سنت های نیکو و گسترش ارزش ها و سنت های اسلامی در سرتاسر جهان اسلامی و پرهیز از سنت ها و عادت ها و رفتارهای ناروای جاهلی گذشته و مستحدثه منافی اخلاق و غیر اسلامی.

۱۴۱. تقویت نهادهای خدمت گذار به مسایل مسلمانان در زمینه های اجتماعی، رفاهی، تعاونی - آموزشی، فرهنگی - تبلیغی، حقوق بشر و غیره.

۱۴۲. تقویت همکاری و همیاری میان اندیشمندان مسلمان در سطح بین المللی در خدمت به مسائل امت.

۱۴۳. تلاش برای تقویت و هدایت رسانه های اطلاع رسانی موجود و بالا بردن سطح کارایی آن، جهت همگامی با تحولات فن آوری اطلاعات و فراهم نمودن رسانه های آگاهی بخش مطلوب، در راستای اطلاع رسانی.

۱۴۴. حمایت از مقاومت اسلامی در برابر اشغال در هر جایی از جهان اسلام.

۱۴۵. تلاش جدی برای گسترش جنبش دعوت به اسلام و مجهز نمودن آن به امکانات معنوی و مادی مورد نیاز.

۱۴۶. افراطگرایی در اندیشه ها، کردارها و حرکت های بی هدف که از نظر اسلام مردود است.

۱۴۷. سطحی نگری و قشری گرایی که نیاز به تعمق دارد.

۱۴۸. التقاط و تلفیق میان اندیشه دین و اندیشه های بیگانه تحت تأثیر اندیشه معاصر، بگونه ای افراطی.

ص: ۵۶۰

۱۴۹. گوشه گیری و در لاک خود ماندن و عدم روی آوردن به واقعیت ها و شناخت زمان و برخورد مثبت با رویدادها.
۱۵۰. تعصب کورکورانه در همه زمینه ها و به ویژه در زمینه های مذهب گرایی.
۱۵۱. ذوب شدن در روابط جانبی و یا منطقه ای و غیره و فراموش کردن مسائل اصلی امت.
۱۵۲. کنار گذاردن هدف و قربانی کردن آن در اثر توطئه دشمن.
۱۵۳. اجرای نادرست اسلام و تأکید بروی یک بخش آن، جدا از دیگر بخش های آن، همچون اجرای مجازات، بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با نظام فراگیر اسلامی.
۱۵۴. تجزیه و تفکیک و چند دستگی موجب پراکندگی تلاش ها.
۱۵۵. دسترسی به سطح بالایی از ایفای نقش تمدنی در حرکت انسانی و تحقق هم زیستی مسالمت آمیز جهانی عادلانه.
۱۵۶. تحقق زمینه مناسب وحدت اسلامی مطلوب.
۱۵۷. تکامل میان نهادها در زمینه های دعوت به اسلام و اطلاع رسانی فرهنگی و آموزشی.
۱۵۸. پیشرفت در زمینه عمومیت بخشیدن به فرهنگ وحدت و تقریب.
۱۵۹. تلاش برای تحقق میانه روی در جامعه اسلامی.
۱۶۰. بالا بردن آگاهی سیاسی در جامعه اسلامی به سطوح عالی.
۱۶۱. ایجاد نهادهای اقتصادی فراگیر و فعال برای ایجاد بازار مشترک اسلامی.
۱۶۲. تقویت امید به فردای عادلانه انسانی.
۱۶۳. تشویق گفتگو میان فرهنگ ها و ادیان.
۱۶۴. تلاش برای حذف مظاهر فساد اخلاقی و اقدام به نشر فضائل.
۱۶۵. قرار دادن مکانیزم های مناسب برای اجرای استراتژی های مورد توافق سازمان های اسلامی بین المللی.
۱۶۶. توسعه امکانات استراتژیکی جهان اسلام.
۱۶۷. استفاده از علوم و تجربه های دیگران. (۱)

---

١- (١). از شماره ١٤٠ الى ١٦٧، همان، ص ٤٩٢ - ٤٩٥..



گزیده ای از اخبار و اطلاعات سرویسهای مختلف خبری پیرامون:

الف) تلاش بیگانگان برای تفرقه اندازی بین مذاهب اسلامی و تضعیف مسلمین

ب) آثار مثبت وحدت بین کشورهای اسلامی

ج) گزارش های گوناگون و هشدار دهنده

ص: ۵۶۳



## الف) تلاش بیگانگان برای تفرقه اندازی بین مذاهب اسلامی و تضعیف مسلمین

### کمیسیون حقوق بشر اسلامی انگلیس، ضد اسلام ترین شخصیت ها را معرفی کرد

کمیسیون حقوق بشر اسلامی انگلیس، برای نخستین بار، ضد اسلام ترین شخصیت های سیاسی و رسانه های بریتانیا و جهان را معرفی کرد. اقدام این کمیسیون، که در لندن مستقر است، بر اساس نظرسنجی از افکار عمومی درباره شخصیت ها و رسانه هایی که مروج اسلام ترسی در بریتانیا و جهان هستند صورت گرفت. به گزارش ایرنا، کمیسیون حقوق بشر اسلامی طی برنامه ای در لندن، با حضور ۲۵۰ تن از شخصیت های مسلمان، سیاستمداران و رهبران مذهبی بریتانیا، نام ضد اسلام ترین «سیاستمدار انگلیسی، سیاستمدار بین المللی، روزنامه نگار، رسانه و شخصیت ضد اسلام سال» را اعلام کرد. بر این اساس جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، ضد اسلام ترین شخصیت سال در جهان و آریل شارون، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، اسلام ستیزترین سیاستمدار بین المللی شناخته شدند.

بر اساس بررسی های کمیسیون حقوق بشر اسلامی، همچنین دیوید بلانکت، وزیر کشور انگلیس و نیک گریفین، رهبر حزب راستگرای افراطی ملی بریتانیا، به طور مشترک، شاخص ترین سیاستمداران بریتانیایی مروج اسلام ترسی در این کشور معرفی شده است. شبکه خبری «فاکس نیوز» نیز به عنوان ضد اسلام ترین رسانه شناخته شد. در چارچوب نظرسنجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ملانی گریفیتیس، سرمقاله نویس روزنامه «دیلی میل» چاپ لندن هم ضد اسلام ترین روزنامه نگار بریتانیایی شناخته شد. (۱)

ص: ۵۶۵

---

۱- (۱). تبلیغ (۳)، اطلاع رسانی گفتمان سیاسی روز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (مدیریت سیاسی)، رمضان المبارک ۱۴۲۴، ص ۱۰۷..

## در یک اقدام گستاخانه؛ آمریکا در کویت قرآن جعلی توزیع کرد

پایگاه اینترنتی «اهل البيت عليهم السلام» از توزیع قرآن های جعلی آمریکایی به نام «فرقان الحق» در یکی از کشورهای اسلامی خبر داد. به گزارش خبرگزاری فارس، این سایت در گزارشی با عنوان «قرآن آمریکایی: حيله ای خطرناک» اعلام کرد که قرآنی جدید با نام «فرقان الحق» در کویت توزیع شد. این کتاب که با عنوان «قرآن قرن بیست و یکم» نیز نامیده شده است، توسط دو شرکت انتشاراتی آمریکایی به نام های «امگا ۲۰۰۱» و «واین پرس» به چاپ رسیده و دارای ۳۶۶ صفحه بوده و به زبان های عربی و انگلیسی است و در مدارس خصوصی آموزش انگلیسی در میان کودکان کویتی توزیع شده است. از این کتاب با نام آیات شیطانی هم یاد می شود.

این کتاب شیطانی دارای ۷۷ سوره از جمله «الفاتحه، الجن و انجیل» است. در ابتدای این سوره ها در عوض «بسم الله الرحمن الرحيم» از عبارتی استفاده شده است که مانند اعتقاد مسیحیان به سه روح (پدر، پسر و روح القدس) است. این کتاب موهن با بسیاری از اعتقادات اسلامی در تضاد است و در یکی از آیات آن چنان آمده است که داشتن بیش از یک همسر به منزله زنا است و طلاق جایز نیست و نظام جدیدی را برای وراثت اعلام می کند و با روش موجود مخالف است.

این کتاب آمریکایی، جهاد را حرام اعلام کرده است. و حتی دامنه گستاخی را فراتر می برده و به خداوند تبارک و تعالی اهانت می کند. قیمت این کتاب تنها سه دلار است. (۱)

## طرح سیا برای براندازی تشیع

آنچه از نظر می گذرد بخشی از طرح «سیا» در براندازی شیعیان است. این طرح از سوی «مایکل برانت» رئیس سابق سیا و عضو بخش شیعه شناسی این سازمان ارائه شده است.

علت دشمنی با شیعه: شیعه در بین فرق اسلامی، فعال و متحرک است زیرا:

۱. رهبری آن در دست مراجع است.

۲. یاد و خاطره شهادت امام حسین علیه السلام زنده نگه داشته می شود.

مراحل اجرایی پروژه مقابله با تشیع (با تأسیس شعبه ای مخصوص و بودجه ۴۰ میلیون دلاری):

ص: ۵۶۶

---

۱- (۱). تبلیغ (۵)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (معاونت جامعه و نظام - مدیریت سیاسی)، محرم الحرام ۱۴۲۶، ص ۵۸ -

۱. جمع آوری اطلاعات؛ با اعزام پژوهشگر به پاکستان.

۲. اهداف کوتاه مدت؛ تبلیغ علیه شیعه و راه اندازی آشوبهای بزرگ شیعه و سنی.

۳. اهداف بلند مدت؛ پایان دادن به مکتب شیعه.

نتایج به دست آمده از تحقیقات پژوهشگران در جمع آوری اطلاعات:

۱. مراجع شیعه، سرچشمه اصلی قدرت این مذهب هستند.

۲. از عزاداری برای امام حسین علیه السلام شیعیان به جوش و خروش می آیند.

راهکار گرفتن مراجع از شیعیان:

۱. چون تصادم مستقیم دارای ضرر فراوان است باید در پشت پرده کار کرد.

۲. افرادی که با شیعه اختلاف نظر دارند را علیه شیعه منظم و مستحکم کنیم.

۳. گسترش شایعه کافر بودن شیعه و جدا نمودن آنها از جامعه اسلامی.

۴. جمع آوری و تقویت افراد کم سواد و بی سواد جهت جنگ علیه شیعه.

۵. گشودن یک جبهه تمام عیار علیه مراجع تشیع تا بین مردم مورد نفرت قرار گیرند.

راهکار گرفتن عزاداری امام حسین علیه السلام از شیعیان:

۱. شناسایی افراد پول پرست و دارای عقاید سست برای رسوخ در عزاداری ها.

۲. به وجود آوردن و یا سرپرستی مدّاحانی که معرفت و عقاید شیعه را ندارند.

۳. کمک مالی به افرادی از شیعه، که با نوشته های خود، عقاید و بنیان های تشیع را منهدم می سازند.

۴. حذف و اضافه نمودن رسمی در مراسم عزاداری که با عقاید شیعه منافات داشته باشد.

۵. إلقاء اینکه شیعه یک گروه توهم پرست و جاهل است و در محرم برای انسانها ایجاد مزاحمت می کند.

۶. تبدیل تشیع از یک مذهب دارای قدرت منطقی، به یک مذهب درویشی محض و از درون خالی، توسط مدّاحان مورد نظر.

۷. پخش مطالبی که با تحقیق جمع آوری شده است به همراه تحلیل و بررسی علیه مرجعیت، توسط مدّاحان مورد نظر.

ملاحظه:

نامبرده در پایان به نقل از سازمان سیا پیش بینی می کند که با انجام مراحل فوق الذکر، در سال ۲۰۱۰م، دوران مرجعیت و تشیع خاتمه می یابد و سایر شیعیان به علت جنگ های مسلحانه شیعه و سنی، پراکنده می شوند. (۱)

ص: ۵۶۷

---

۱- (۱). تبلیغ (۵)، ص ۵۹ - ۶۱..

یک نویسنده اسلام ستیز فرانسوی تأکید کرد: برای غلبه بر مسلمانان، باید آنها را به فساد کشید.

«میشل هولباک» که اخیراً دین اسلام را حماقت و خطرناک توصیف کرده است، در جدیدترین اظهاراتش درباره به زانو در آوردن اسلام و مسلمانان تصریح کرد: «ما از راه زور نمی توانیم افراط گرایی دینی! را متوقف سازیم، پس بهتر است مسلمانان را به فساد بکشانیم». وی تأکید کرد: «جنگ بر ضد افراط گرایی اسلامی با کشتن مسلمانان فایده ای ندارد و فقط با فساد کردن آنها می توان به این پیروزی دست یافت». این نویسنده هتیاک در پایان افزود: «باید به جای بمب، دامن های کوتاه و گوشواره بر سر مسلمانان فرو بریزیم!». (۱)

### رویکرد شبکه های ماهواره ای فارسی به ایجاد انحرافات اعتقادی و دینی

شبکه های ماهواره ای در کنار برنامه های مبتدل و یا تحریک بینندگان بر ضد جمهوری اسلامی، به مباحث اعتقادی نیز روی آورده اند. اگرچه این برنامه ها تأثیرات وسیعی ندارد و نوع بینندگان ماهواره به دنبال برنامه های دیگر (عمدتاً لهویات) هستند، اما گزارشی از تغییر مذهب در اثر مشاهده تبلیغات مسیحیت در یکی از تلویزیون های ماهواره ای نیز وجود دارد.

اخیراً خانواده ای از طریق تماشای برنامه تبلیغ مسیحیت در تلویزیون ماهواره ای آپادانا، به این دین گرویده اند. مادر خانواده گفته است: «من نماز می خواندم، کلاس قرآن می رفتم اما فایده ای نداشت، با مسیحیت از طریق برنامه های ماهواره آشنا شدم و حالا هم برنامه های مسیحی مربوط به کانالهای مختلف را نگاه می کنم. دختر بزرگم از همین طریق مسیحی شده و با شوهرم هم صحبت کرده ام. او دیگر نماز نمی خواند. دختر کوچکترم هم که ۱۸ سال دارد به مرور تغییر خواهد کرد.

زمان پخش برنامه ها، به مهمانی نمی رویم و مهمانی هم نمی دهیم. پسر خانواده نیز در خلال تماس با یک کشیش و بحث مسیحی شدن، اخلاق و رفتارش خوب شده و من هم به مسیحیت علاقه مند شده ام». کشیش مزبور هم به مادر خانواده گفته است: «همان طور که توانستید با اخلاق خوب، پسر خود را جذب کنید، روی شوهرتان نیز کار کنید و زمانی که ما برنامه داریم مهمانی بدهید و با هم تماشا کنید».

ص: ۵۶۸

بررسی های ابتدایی، نشانگر این امر است که برخورد مؤذبان و همراه با آرامش مجریان این تلویزیون، نقش مؤثری در جذب افراد داشته است. یک شبکه ماهواره ای دیگر به نام «نجات» نیز توسط دو کشیش ایرانی سابقاً مسلمان، در آمریکا راه اندازی شده است. مؤسس این تلویزیون، فردی به نام رضا صفا ۴۳ ساله کشیش کلیسای خانگی فیشرمن در ایالت اوکلاهامای آمریکاست. تلویزیون مزبور از یک سال قبل برای تبلیغ مسیحیت در بین میلیونها فارسی زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان آغاز به کار کرده است...

در دیگر کانالهای ماهواره ای فارسی زبان، به آنحاء دیگری شبهه افکنی در اعتقادات دینی دنبال می شود. برخی از شبکه ها مثل tv.m ریحاً فحاشی به اسلام، قرآن و ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام و تردید افکنی در نبوت، امامت، علم و عصمت آنان را دنبال می کنند و برخی دیگر مثل شبکه رنگارنگ، مباحث نامأنوسی را در باره تعالیم اسلامی مطرح می سازند.

به عنوان مثال فردی به نام مصطفی مکی که مدعی اسلام شناسی است در سلسله مباحثی، خداوند را در لسان قرآن معادل «هستی» معرفی کرده است. نحوه تلفظ کلمات توسط این گوینده، کاملاً از ناآشنایی وی با اسلام حکایت دارد. اما در مجموعه ای از اظهارات، او سعی دارد به زعم خود شبهاتی را در تفسیر رایج از مفاهیم اسلامی ایجاد کند. این اظهارات غیر از شبکه ماهواره ای مذکور، روی موج رادیو اسرائیل هم پخش می شود.

پیش از این نیز در شبکه های ماهواره ای مثل ان.ای.تی.وی، پارس و آزادی نیز افراد دیگری که گاه برخی از آنان معمم هم بوده اند، اظهارات شبهه افکنی را در باره اعتقادات دینی مطرح ساخته اند. شبکه رنگارنگ، در اقدامی غلط انداز زمانی را به سخنرانی فرد معممی به نام شیخ محمد تقی ذاکری اختصاص داده است. وی که با لهجه ای عراقی به زبان فارسی سخن می گوید، اظهارات چندان مسأله داری ندارد و گاه حتی از بیشتر اهمیت دادن شبکه مذکور به برنامه های لهو و لعب به ظاهر انتقاد می کند تا وجهه ای آزاد از شبکه مذکور ترسیم شود. (۱)

### تلاش رژیم صهیونیستی برای رواج فساد در ایران

به گزارش رسیده، سرویس اطلاعاتی ترکمنستان با شناسایی یک شبکه فساد و فحشا برای ترویج فحشا در ایران، دو نفر صهیونیست و چهارده نفر از زنان عضو این شبکه را دستگیر کرد. بر اساس این گزارش، این شبکه با عضویت حدود پنجاه نفر از زنان و دختران روسی ترکمن، با مسئولیت دو نفر از

ص: ۵۶۹

یهودیان کارمند شرکت مرحاو، برای رواج فساد اخلاقی به ایران فرستاده می شدند.

این شبکه با حمایت مالی دو صهیونیست از مرکز کشاورزی مرحاو، با هدف آموزش زنان و دختران روسبی ترکمن و اعزام حساب شده آنها به طور منظم در طول هر ماه به تعداد ۱۵ تا ۲۵ نفر به استانهای خراسان و گلستان به منظور دایر کردن اماکن فساد و فحشاء و آلوده کردن جوانان به فساد و ... راه اندازی شده است. (۱)

### طرح مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای اسکان ۵۰۰ هزار یهودی در عراق

پایگاه اینترنتی «المحیط» از طرح مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای اسکان ۵۰۰ هزار یهودی در عراق خبر داد. به گزارش این پایگاه، در جریان سفر هیأتی از عراق به مصر، از طرح مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی با هدف جذب ۵۰۰ هزار یهودی از اسرائیل برای اسکان در خاک عراق پرده برداشته شد. یکی از اعضای این هیأت تأکید کرد: این طرح با هدف بازگرداندن یهودیان که از دهه پنجاه از عراق، کوچ کرده اند، صورت می گیرد. وی افزود: برخی در تلاشند حتی برای آنها حزب تشکیل دهند تا بتوانند در ساختار قدرت مشارکت داشته باشند.

پیش از این، منابع خبری از خرید اراضی شمال عراق برای اسکان یهودیان از سوی رژیم صهیونیستی خبر داده بودند، منابع خبری اعلام کردند: اسرائیل می کوشد در آینده اراضی بیشتری از عراق را با هدف نزدیک شدن به خاک ایران خریداری کند و از این طریق بخشی از طرح آمریکایی موسوم به خاورمیانه بزرگ تحقق یابد. (۲)

### صهیونیستها جوانان عراقی را آلوده می کنند

روزنامه اردنی «السییل» به نقل از معاون وزارت کشور عراق در امور اطلاعاتی، از حضور یک شبکه اسرائیلی در عراق پرده برداشت که به پخش مواد مخدر، مجلات و سی دی های مستهجن در عراق اقدام می کند.

السییل به نقل از «حسین علی کمال» معاون وزارت کشور عراق در امور اطلاعاتی نوشت: «یک

ص: ۵۷۰

۱- (۱). تبلیغ (۵)، ص ۶۶ - ۶۷..

۲- (۲). همان، ص ۷۰..

شبکه اسرائیلی، ۹ ماه قبل وارد عراق شد و توانست شعبه های متعددی را در برخی از مناطق بغداد از جمله دو منطقه «البتاوین» و «شیخ عمر» ایجاد کند». (۱)

### تعطیلی نمازخانه های فرودگاه پاریس

پلیس فرانسه نمازخانه های موقت در فرودگاههای اصلی فرانسه را تعطیل کرده است. در شرایطی که مقامات فرودگاه مصرانه اظهار داشتند وجود این نمازخانه ها هیچ نوع تهدیدی به امتیت محسوب نمی شود، اما پلیس بلافاصله پس از اتخاذ این تصمیم، نمازخانه هایی که مسلمانان در فرودگاه های شارل دوگل و اورلی ایجاد کرده بودند بست.

این در شرایطی است که در هر کدام از این فرودگاه ها هنوز سه نمازخانه رسمی باقی مانده که کلیسای کوچک مسیحیان و کنیسه های یهودیان محسوب می شوند. (۲)

### بحران جدید بانوان مسلمان فرانسه

ثبت نکردن قانونی ازدواج بانوان محجبه در فرانسه، مسلمانان این کشور را با بحران جدیدی روبه رو کرد. (۳)

### جداسازی مسلمانان از ارتش هلند

سازمان اطلاعات ارتش هلند، خواستار جدا شدن سربازان مسلمان از دیگر نیروهای ارتش این کشور شد. جنرال بیرت بیدین، مدیر اطلاعات ارتش هلند، با ارسال نامه ای به وزیر دفاع این کشور از وی خواست تا نیروهای مسلمان ارتش را به منظور جلوگیری از ترویج اسلام افراطی در ارتش هلند از دیگر سربازان جدا کنند. (۴)

ص: ۵۷۱

---

۱- (۱). تبلیغ (۵)، ص ۷۰..

۲- (۲). تبلیغ (۶)، مدیریت سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، رمضان المبارک ۱۴۲۷، ص ۱۲۶..

۳- (۳). همان..

۴- (۴). همان، ص ۱۲۷..

## آیت الله العظمی مکارم شیرازی برخی مراسم ها را در ایام ربیع الأوّل خرافی خواند

ایشان در آغاز درس خارج فقه خود، با اشاره به برپایی مراسم خرافی در ایام ربیع الاول اظهار داشت: «برخی در این ایام، سخنان رکیکی می‌زنند و تصور می‌کنند شامل رفع قلم و بخشودگی است.

اما این روایت، جعلی و مخالف آیات قرآن است».

ایشان، دروغ، سخنان رکیک و مطالب تحریک آمیز جنسی را از مسایل خلاف اخلاق در شوخی‌ها عنوان کرد و تأکید کرد: «در شوخی‌ها نباید با افراد تسویه حساب یا اسرار کسی را فاش نمود. همچنین شوخی‌ها نباید مخالف شرع باشند».

این مرجع تقلید با تأکید بر این که اسلام، حدّ اعتدال شوخی را می‌پسندد و اخم و عبوس بودن و نیز زیاده روی در شوخی‌ها را بر نمی‌تابد، روایاتی از مزاح‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام را نقل کرد.

وی افزود: «مگر می‌شود خدای متعال، به گناه، چراغ سبز نشان بدهد. اگر این حرف، روایت هم بود باید آن را به دیوار می‌کوبیدیم، چون مخالف صریح قرآن است. رفع قلم برای دیوانه و کودک است نه برای آدم بالغ عاقل». (۱)

### گزارش قابل تأمل یکی از مسئولین، در خصوص وضعیت فرهنگی

مدیر کانونهای فرهنگی و ورزشی بسیج کشور گفت: «۶۰ درصد دختران و پسران در کشور با جنس مخالف خود روابط دوستانه غیر شرعی دارند». وی با اشاره به توطئه دشمنان برای عادی سازی فساد اخلاقی در بین جوانان ایران گفت: «بعضی از ضعفهای مدیریتی در داخل کشور نیز این معضل را قوت می‌بخشد».

وی گفت: «متأسفانه آمار حضور جوانان در مساجد، نسبت به ابتدای انقلاب کاهش یافته است که یکی از اصلی ترین عوامل آن، برخورد نامناسب خدام مساجد و طرد جوانان از این مراکز فرهنگی است».

او افزود: «مسئولان نیز به عنوان نمایندگان انقلاب اسلامی باید در رفتار خود دقت نظر داشته

ص: ۵۷۲

---

۱- (۱). تبلیغ (۷)، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (معاونت جامعه و نظام - مدیریت سیاسی)، ویژه محرم الحرام ۱۴۲۸، ص

باشند زیرا جوانان تمامی رفتار آنان را زیر ذره بین دارند». وی گفت: «متأسفانه مسئولان فرهنگی کشور در مسائل فرهنگی غفلت دارند، به طوری که طبق آمار به دست آمده از نمایشگاه کتاب سال گذشته، ۳۳ درصد کتابهای منتشره در رابطه با مسائل غیر اخلاقی بوده است».

او با اشاره به چاپ قرآن تحریف شده با ۷۷ سوره و ۳۶۶ صفحه در لس آنجلس گفت: «این کتاب که حاوی سوره های جعلی مانند المسیح و الصلیب است در کشورهای عربی به شکل گسترده منتشر شده است».

قابل ذکر است: فساد افزایش یافته است اما، متوازن شدن سرمایه گذاری های فرهنگی و ارزشی با سرمایه گذاری های تفریحی تأثیر زیادی در از بین رفتن فساد اجتماعی دارد.

مکانهایی که صرف تفریح هستند به خاطر فساد و وضع زننده این مراکز، خانواده های متدینین از حضور در چنین مکانهایی خودداری می کنند اما با متوازن شدن سرمایه گذاری های فرهنگی و ارزشی، خانواده های متدینین و حزب الهی در آنجا حضور خواهند یافت، در نتیجه به سالم سازی فضای آنجا کمک خواهند کرد. بیشترین آسیب اخلاقی جوانان کشور به دلیل سرمایه گذاری تفریحی صرف بوده است. (۱)

### **جذب جوانان و نوجوانان توسط گروهی به نام آکیست**

بنا به اطلاع واصله مطرح است، گروهی بنام آکیست که پیرو آئین موهوم به نام آک بوده و دارای اصول و برنامه های خاصی از جمله تمرینات روحی ویژه هستند، اخیراً در تهران فعال شده و اقدام به جذب جوانان و نوجوانان می نمایند.

پیروان این آئین در تهران، روزهایی را در هفته به مناطق کوهستانی و تفریحی تهران رفته و ذکر «هیو» سر می دهند.

پیروان این آئین، «هیو» را نور و صوت خدا می دانند که با تکرار آن، به درجات معنوی نزدیک می شوند. آنان معتقدند «هیو» نام باستانی خداوند است.

مبلغین این فرقه مدعی اند، با هر دین و اعتقادی می توان آکیست بود و این آئین با سایر ادیان منافاتی ندارد و فقط راه را برای رسیدن به خدا هموارتر و سریعتر می کند.

بررسی انجام پذیرفته از خانواده برخی از اعضای آکیست، حاکی از آن است که ورود افراد به این

ص: ۵۷۳

گروه سبب از هم پاشیدن خانواده ها شده و تبعات بسیار منفی در اذهان آنها داشته است به نحوی که پس از مدّتی فرد به پوچی رسیده و دست به خودکشی می زند. (۱)

### تشکیلات گسترده بهائیت در ایران از اسرائیل، انگلیس و قدرت های استعماری تغذیه می شود

خانم مهناز رئوفی که چند سالی است از بهائیت به اسلام گرویده است، اظهارداشت: «بهائیت منشاء سیاسی و کارکردهای استعماری دارد». او در بازدید از مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام انگیزه مسلمان شدنش را تناقض گویی شدید بهائیان و عدم ارضاء دینی پیروان این فرقه جعلی دانست. وی گفت:

«این آئین افرادی را که تشنه حقایق هستند ارضاء و اقناع نمی کند. آنها سعی می کنند، پیروان این کیش را ابتدا به عشق مجازی گرفتار سازند و برای رهبرانیشان نیز تقدّس صوری ایجاد می نمایند. من با خواندن کتابهای فضل الله صبحی و عبدالحسین آیتی که خود از بهائیت روی گردانده اند، به پوشالی بودن بهائیت پی بردم. در قدم بعدی کتاب جمال ابهی از آیت الله موسوی اردبیلی را مطالعه کردم. من پس از درک بی پایه بودن این کیش، با کتابهای استاد شهید مطهری و آیت الله سبحانی نیز آشنا شدم و در تقویت اطلاعات اعتقادی خود کوشیدم که در نهایت به مسلمان و شیعه شدنم انجامید».

خانم رئوفی که تألیفاتی نظیر: نامه ای به برادرم، چرا مسلمان شدم؟، مسلخ عشق و سایه شوم که بصورت پاورقی در روزنامه کیهان به چاپ رسید را در کارنامه درخشان علمی و دینی خود دارد، بهائیت را دارای منشأ سیاسی و کارکردهای استعماری دانست و گفت: «تشکیلات گسترده بهائیت از اسرائیل و انگلیس تغذیه می شود». (۲)

### ابلاغ فرقه بهائیت، برای شرکت بهائیان در آزمون کنکور سال آینده

در پی حذف ستون مذهب در فرمهای ثبت نام مراکز آموزش عالی کشور توسط سازمان سنجش، تشکیلات مرکزی فرقه ضالّه بهائیت، در ابلاغیه ای شفاهی به کلیه عناصر بهایی اعلام داشته است: «با هر شرایطی در آزمون سازمان سنجش سال آینده شرکت کنید. ورود تعدادی از بهائیان به دانشگاه در سال جاری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار اتفاق افتاد، انگیزه ای برای دیگر اعضا در

ص: ۵۷۴

۱- (۱). تبلیغ (۷)، ص ۱۴۱..

۲- (۲). همان، ص ۱۴۲ - ۱۴۳..

راهیابی به دانشگاه شده است. فرقه ضالّه بهائیت در تلاش است از طریق پیگیریهای خود در استانها و مراکز، موضوع جلوگیری از ورود بهائیان به دانشگاه را منتفی کند.

تشکیلات بهائیت قصد دارد ضمن افزایش سطح علمی اعضای فرقه، از خروج آنها که به بهانه تحصیل صورت می گرفت، جلوگیری و سپس اشتغال در مراکز دولتی را برای فارغ التحصیلان بهایی پیگیری کند. (۱)

### طرح آمریکا برای کوچاندن هزاران عراقی شیعه و سنی

منابع امنیتی بلند پایه اروپا از طرح آمریکا برای کوچاندن هزاران عراقی شیعه و سنی و اسکان دهی آنها در مناطق دیگر عراق پرده برداشتند. به گزارش مهر، منابع اروپایی روزنامه سعودی «الوطن» ضمن اعلام این خبر افزودند: این طرح باهدف تغییر ترکیب جمعیتی و جدا کردن مراکز مقاومت از شهرهای عراق و متلاشی کردن گروههای تهدید کننده با حضور آمریکا در عراق ارائه شده است.

در راستای این طرح هزاران اسیر به مناطق عمرانی جدید تحت کنترل شدید امنیتی منتقل می شوند و اگر هر خانواده ای کوچ اجباری به مناطق دیگر را رد کند، منزلش تخریب و یا خانواده اش دستگیر و یا ترور می شود.

منابع اروپایی توضیح دادند که این طرح سابقه دارد؛ چرا که صدام دیکتاتور سابق عراق هم برای تغییر ترکیب جمعیتی در شهرهای عراق از همین شیوه استفاده می کرد. (۲)

### عبدالمالک ریگی عبدالشیطان است

خبرنگار روزنامه زاهدان که عازم شرکت در مراسم ارتحال بنیانگذار انقلاب اسلامی بود، با حضور در دفتر روزنامه شاخه سبز، بر ضرورت وحدت جهان اسلام تأکید کرد. غلام بنی براهویی در گفتگویی اختصاصی با خبرنگار روزنامه شاخه سبز، با اعلام این مطالب اظهار داشت: «عبدالمالک ریگی، یک مشروب خور و لات بود و وی هیچگاه مورد اعتماد و احترام مردم نبود».

وی ادامه داد: «عبدالمالک بر خلاف آن چیزی که تبلیغ می کند، درس طلبگی نخوانده است و اهل سنت او را تأیید نمی کنند. وی تنها ادعای مسلمانی دارد، مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نفرمودند که نباید مسلمین

ص: ۵۷۵

۱- (۱). تبلیغ (۷)، ص ۱۴۳..

۲- (۲). همان، ص ۱۵۷..

را کشت؛ پس چرا او این کار را می کند. عبدالملک عبدالشیطان است».

خبرنگار روزنامه زاهدان که خود نیز از اهل سنت می باشد، با بیان این که اولین مقتول عبدالملک یک سنی است خاطر نشان ساخت: «این شخص به هیچ کس رحم نمی کند، زیرا پرورش یافته و تحت حمایت آمریکا و انگلیس است و هم اکنون در کشور پاکستان زندگی می کند و ما از مسئولان پاکستان می خواهیم او را به کشور بازگردانده تا به سزای عملش برسد».

وی با ابراز نگرانی از تبلیغات مسموم شبکه ماهواره ای سلام تصریح کرد: «این شبکه، هم به روحانیون شیعه و هم روحانیون اهل تسنن بی احترامی و جسارت می کند که باید از راه های قانونی با آن برخورد شود». وی با تأکید به ضرورت وحدت شیعه و سنی اظهار داشت: «ما امروز باید در مقابل دشمنان واقعی اسلام انسجام و اتحاد اسلامی خود را حفظ کنیم. آن ها نه ما را قبول دارند و نه شیعیان را و تنها به فکر نابود کردن اسلام عزیز هستند». (۱)

### حمله افراطیون به غرفه مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در نمایشگاه سودان

در پی دو روز تبلیغات ضد شیعی در نمایشگاه کتاب خرطوم، سرانجام وهابیون تندرو، که اوج استقبال مردم سودان از غرفه های ایرانی را تحمل ناشدنی دیدند، با تهدید به آتش کشیدن غرفه ها، رایزن فرهنگی ایران در سودان را وادار کردند غرفه های ایرانی نمایشگاه را تعطیل کند.

با افزایش کم نظیر تمایل مردم مسلمان سودان به جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ تشیع، جریان وهابیت در این کشور احساس خطر کرده و تلاش های خود را برای جلوگیری از ادامه این روند، شدت بخشیده است.

در آخرین رخداد، در پی تهدیدات گروه های تندروی وهابی، غرفه های ایرانی در نمایشگاه بین المللی کتاب «خرطوم» تعطیل شد.

در این زمینه، بسیاری از دانشجویان و اساتید دانشگاه ها و شخصیت های سودانی، با فرستادن پیام هایی، ضمن محکوم کردن اقدام تندروهای افراطی در تعطیلی غرفه های ایرانی، خواستار ادامه فعالیت های روشنگرانه ایران در زمینه های علمی، فرهنگی شدند. این برخورد شدید در سودان، موجب ناراحتی و دلگیری شدید ناشران ایرانی شده و آنان خواستار اقدام جدی سفارت شده اند. این در حالی است که کتاب های ایرانی که دولت سودان آنها را مصادره کرده، بیش از سیصد میلیون ریال

ص: ۵۷۶

ارزش دارد که احتمالاً به دستور وزیر فرهنگ سودان، همگی سوزانده خواهند شد.

در همین حال، گفته می‌شود جمعه گذشته، پنج تن از امامان جمعه در سودان خواستار تعطیل شدن رایزنی فرهنگی ایران شده و نسبت به تبدیل شدن سودان به عراقی دیگر در صورت نفوذ شیعه گری در این کشور هشدار دادند.

به نظر می‌رسد، برخی دست‌های پنهان، برای برهم زدن روابط دو کشور ایران و سودان فعالیت می‌کنند و در این راه از هیچ کاری نیز فروگذار نمی‌کنند. (۱)

### تغییر توهین آمیز نحوه نگارش کلمه «شیعه» در رسانه های انگلیسی

بررسی رسانه های غربی و نیز متن سخنرانی های مقامات ارشد آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و اسرائیل، نشان می‌دهد کلمه «شیعه» که طی قرون متمادی در زبان انگلیسی به شکل «aihs» یا «haihs» نوشته و تلفظ می‌شده، طی چند سال اخیر، دستخوش یک تحریف توهین آمیز و هدفمند شده است.

اولین بار که شکل تحریف شده کلمه شیعه به طور رسمی مورد استفاده یک مقام غربی قرار گرفت، مربوط به سخنرانی بوش درباره محکومیت حوادث تروریستی به ویژه حادثه ۱۱ سپتامبر بوده است که متأسفانه هیچ واکنشی از سوی شیعیان نسبت به این مسأله صورت نگرفت.

پس از آنکه بوش، شیعه «aihs» را به «etihs» تلفظ کرد، بسیاری از روزنامه ها و شبکه های انگلیسی زبان غرب به پیروی از وی و در یک رویکرد کاملاً هماهنگ، از این لفظ جدید برای اشاره به شیعیان استفاده کردند تا برای مخاطب انگلیسی زبان، کلمه «tihs» به معنای نجاست و... تداعی شود. نکته جالب توجه اینجاست که پس از این رویداد، رسانه های انگلیسی زبان، تحت تسلط و هابیون نیز به تقلید از غربی ها، کلمه «aihs» را به صورت «etihs» مطرح می‌کنند. گزارش ها حاکی است، موج این تحریف که از آمریکا آغاز شده، به استرالیا نیز رسیده است.

یکی از نویسندگان روزنامه «استرالیا دیلی»، در این باره اظهار داشت: «تاکنون روزنامه استرالیایی مطالب زیادی درباره اسلام و شیعه چاپ شده و از جمله از خود من هفت مقاله در این روزنامه چاپ شده که در همه آنها شیعه را به صورت «aihs» نوشته ام و به همین شکل نیز چاپ شده است؛ اما اخیراً اتفاقات جدیدی در این باره افتاده است.

علی هیوز افزود: «آخرین مقاله ای که من برای استرالیا دیلی نوشتم، درباره نقش شیعیان در

ص: ۵۷۷

وحدت جهانی بود که طبق معمول و مطابق رسم الخط زبان انگلیسی شیعه را به صورت «shia» نوشتم اما سپس متوجه شدم سردبیر روزنامه، آن را به «shiite» تغییر داده است.

وی افزود: «وقتی به سردبیر اعتراض کردم وی با ذکر جمله ای توهین آمیز که معنای نجاست را برای مذهب شیعه تداعی می کرد، به من پاسخ داد و من نیز به نشانه اعتراض، همکاری خود را با آنها قطع کردم».

هیوز تأکید کرد: «در ورای این تحریف، یک عقده بزرگ نهفته است و می توان گفت که آنان در حال زمینه سازی برای تخریب چهره شیعه در میان افکار عمومی هستند و نقشه هایی در سر دارند».<sup>(۱)</sup>

### پروژه ملت سازی (راهبرد تغییر رژیم)

پطروس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل معتقد است، در دهه های اول هزاره سوم، تعداد کشورهای جهان از مرز عدد ۲۰۰ خواهد گذشت و در این سال ها، جهان شاهد فعال شدن گسل قومیت ها و در نهایت ظهور و بروز دولت های جدید خواهد بود.

آمریکا با استفاده از تعدد قومیت های خاورمیانه، برنامه ریزی گسترده ای برای تحریک قومیت ها، تجزیه کشورهای و تغییر جغرافیای سیاسی در خاورمیانه، براساس منافع ملی کاخ سفید انجام داده است.

در این راستا نشریه نیروهای مسلح آمریکا، در شماره ژوئن ۲۰۰۶، در مقاله ای به قلم «رالف پیترز» (سرتیپ دوم بازنشسته ارتش آمریکا) خواستار ایجاد تغییراتی در نقشه خاورمیانه شده است.

پیترز معتقد است: «در تقسیم موجود خاورمیانه، در حق اقلیت ها ظلم و ستم صورت پذیرفته است به ویژه کردها، شیعیان عرب، مسیحیان، بهایی ها، اسماعیلیان و نقش بندی ها و ارامنه». وی هم چنین از وجود بدبینی فزاینده بین گروه ها و فرقه های گوناگون در این منطقه سخن به میان می آورد و نتیجه گیری می کند: «به خاطر این که خاورمیانه در صلح و صفا به سر برد لازم است در تقسیم آن یک بازنگری براساس ادیان و مذاهب و اقلیت ها صورت پذیرد».

براساس نقشه چاپ شده در این نشریه، بخش هایی از ایران، عراق، ترکیه و سوریه برای تشکیل کشور مستقل کردستان اختصاص داده شده است. پیترز معتقد است: «چنین کشوری که از دیار بکر تا تبریز را در برمی گیرد، آمریکایی ترین کشور، در گستره بین بلغارستان تا ژاپن

ص: ۵۷۸

خواهد بود».

بنا به این طرح، بخش های مهمی از ایران، پاکستان و افغانستان، برای کشور بلوچستان آزاد در نظر گرفته شده و نیز بخش هایی از کشور عربستان برای ملحق شدن به خاک اردن، یمن و عراق دیده شده است؛ ضمن آن که پیشنهاد شده است یک «واتیکان اسلامی» در مکه و مدینه تأسیس شود.

در این نقشه، سرزمین عراق به سه قسمت «کشور شیعه»، «کشور سنی» و «کردستان بزرگ» تقسیم شده است که می باید، مناطق عرب نشین ایران به بخش شیعی عراق الحاق گردد.

در این طرح که اسرائیل نقش محوری در آن دارد مناطقی از سوریه به کردستان بزرگ و لبنان ضمیمه می گردد و جنبش های مقاومت باید نابود شوند و کشورهای عرب مجبور به لغو تحریم و برقراری بهترین روابط سیاسی و اقتصادی با اسرائیل هستند. در این طرح هیچ نامی از فلسطین برده نشده و دربارهٔ قدس اشغالی می گوید: «تا زمانی که این شهر تاریخی با خون آغشته و بر سر آن نزاع وجود دارد، مشکل آن هرگز در زمان ما حل نخواهد شد، بدین ترتیب این مشکل را به آینده واگذار می کند».<sup>(۱)</sup>

### درخواست از پاپ برای سردمداری جنگ صلیبی

رایزن اسبق مطبوعاتی سفارت ایران در ایتالیا اظهار داشت: «وزیر اصلاحات ایتالیا، از پاپ بندیکت شانزدهم خواسته تا مانند پاپ های قرون وسطی سردمدار آغاز یک جنگ صلیبی علیه جهان اسلام شود». محمد حسن قدیری ابیانه، با اشاره به ادعای یک وزیر ایتالیایی در خصوص قرار گرفتن جهان در آستانهٔ یک جنگ صلیبی علیه مسلمانان اظهار داشت: «روبرتو کالدورلی وزیر اصلاحات ایتالیا در مصاحبهٔ امروز خود با روزنامهٔ لارپوبلیکای ایتالیا، خواستار سردمداری پاپ برای آغاز جنگ صلیبی علیه جهان اسلام شد». این وزیر ایتالیایی گفته است: «یک تنفر عظیم از سوی ملت های مسلمان به راه افتاده که باید با آن مقابله کرد و مردم مسلمان را فقط می توان با زور شکست داد».<sup>(۲)</sup>

ص: ۵۷۹

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۷۷ - ۷۸..

۲- (۲). همان، ص ۱۲۴ - ۱۲۵..

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله در ایران و صدور انقلاب اسلامی سبب گسترش موج اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در جهان، به خصوص خاورمیانه گردید.

انقلابی که حکومت براساس تعالیم دینی، نفی هرگونه استکبار و ظلم ستیزی، استقلال و خودباوری در سایه تکیه بر استعدادهای بی‌شمار و غنی داخلی از جمله شعارهای اساسی آن است؛ جبهه استکبار را به هم‌آوردی طلبید. از همین رو نومحافظه‌کاران در راهبرد خاورمیانه‌ای خود سعی کردند با ایجاد سلطه نظامی و تسلط فیزیکی بر خاورمیانه قدیم، علاوه بر مقابله با موج فزاینده اسلام‌گرایی در این منطقه، این امواج را در بخش‌های پیرامونی خاورمیانه قدیم مهار یا منحرف نمایند و از نفوذ این جریان به خارج از منطقه جلوگیری کنند. (۱)

ص: ۵۸۰

## طلاب خارجی در ایران

حجّه الاسلام و المسلمین اعرافی رئیس مرکز جهانی علوم اسلامی قم، با اشاره به حضور کم سابقه شیفتگان علوم اسلامی و اهل بیت علیهم السلام در این مرکز گفت: «قریب به ده هزار طلبه از ۹۷ کشور جهان در مرکز جهانی علوم اسلامی مشغول به تحصیل هستند». به نقل از پایگاه اطلاع رسانی رسا، وی با اشاره به پدیده انقلاب و امام خمینی رحمه الله در افزایش شیفتگان و دستداران علوم اسلامی گفت: «پیش از انقلاب از ۷ یا ۸ ملیت در حوزه های علمیه شیعه، که آن زمان به مرکزیت نجف بود، تحصیل می کردند؛ ولی اینک به برکت انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله این تعداد افزایش چشمگیری یافته است». (۱)

## گرایش بی سابقه مردم بلژیک به اسلام

گرایش به اسلام در کشورهای اروپایی به شدت رو به افزایش است، چنانکه از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون ۳۰۰ نفر در بلژیک به اسلام گرویده اند. شبکه تلویزیونی «آر. تی. ال» که از بروکسل برنامه پخش می کند، در گزارشی راجع به رواج اسلام در این کشور اعلام کرد: «از ابتدای سال جاری میلادی تاکنون ۳۰۰ نفر از مردم بلژیک به اسلام گرویده اند؛ یعنی هر روز بیشتر از یک نفر به اسلام گرویده که این مسأله در تاریخ بلژیک بی سابقه بوده است».

این شبکه به نقل از افرادی که دین اسلام را برگزیده اند، می گوید که آنها پس از بررسیهای دقیق و مقایسه آن با سایر ادیان و توجه به جنبه ها و ابعاد روحانی و معنوی اسلام، به این دین روی آورده اند.

در اروپا و آمریکا نیز اشتیاق به آشنایی با اسلام و تعالیم آن بویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر رو به افزایش گذاشته و از نشانه های این گرایش می توان به افزایش بی سابقه فروش قرآن کریم و ترجمه های آن به زبانهای مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی و آلمانی اشاره کرد. (۲)

ص: ۵۸۱

۱- (۱). تبلیغ (۵)، ص ۵۳ - ۵۴ ..

۲- (۲). همان، ص ۵۴ ..

## نگرانی رئیس اطلاعات خارجی آلمان از رشد احساسات ضد غربی در کشورهای اسلامی

آگوست هایننگ رئیس سرویس اطلاعات خارجی آلمان، ضمن ابراز نگرانی از رشد احساسات ضد غربی در کشورهای اسلامی اظهار داشت: «در مبارزه با تروریسم ما باید سعی کنیم قلب ها و افکار مردم را جذب کنیم و من از این ترس دارم که هنوز به این هدف نزدیک نشده ایم. احساسات ضد غربی در کشورهای اسلامی رو به رشد است و این در حالی است که چهل درصد افراد در کشورهای اسلامی زیر پانزده سال سن دارند. با وجود افزایش اقدامات امنیتی در سطح جهان هنوز تهدیدات تروریستی در جهان کاهش نیافته است. من در کشورهای مسلمان شاهد یک نسل دیگر با تفکرات ضد غربی هستم».

وی در خصوص فعالیت‌های هسته ای ایران اظهار داشت:

«ما درباره تلاش های اتمی ایران نگران هستیم. این احتمال وجود دارد که ایران زمان را برای دنبال کردن اینکه به یک قدرت اتمی تبدیل شود، مناسب تشخیص داده است، زیرا توجه آمریکا در حال حاضر معطوف به مبارزه با تروریسم است اما این مسلّم و محرز است که نیروهای خاصی در رهبری ایران، گزینه مسلح شدن به سلاح اتمی را دنبال می کنند. ایران بر اساس ارزیابی خود، خودش را در یک وضعیت خطرناک احساس می کند. ایران مشاهده می کند که چگونه مقاومت ارتش عراق توسط نیروهای نظامی آمریکا در هم شکسته شده است. ابعاد برنامه های اتمی ایران مبین استفاده از آن برای گزینه های نظامی است».<sup>(۱)</sup>

### افزایش گرایش به تشیع در سوریه

علیرغم نگرانی های دولتی و فشار لائیکهای نزدیک به دولت سوریه، مراکز فرهنگی و مذهبی شیعه در سوریه شاهد مراجعات مکرر و سئوالات گسترده ای در خصوص اعتقادات شیعی هستند.

□

پیروزی غرورانگیز حزب الله لبنان موجب شده تا موج گرایش به مذهب شیعه در میان پیروان دیگر مذاهب سوری افزایش قابل توجهی از خود نشان دهد.

این گرایش ها اگرچه در برخی موارد جنبه سیاسی بخود گرفته است، اما در میان مردم و عوام جنبه اعتقادی دارد و بنابر گفته، شیعیان دمشق، با گذشت سالها از فضای خوف و ترس در سوریه، هنوز بسیاری از تغییر مذهب داده های سوریه از بیم جان خود و خانواده هایشان شیعه بودن خود را پنهان

ص: ۵۸۲

می کنند. درعین حال گسترش استفاده از ماهواره در میان سوری ها علاقمندی به برنامه های چند شبکه شیعی از جمله المنار را در میان شهروندان این کشور تقویت کرده است و نوعی جسارت را در تغییر مذهب بوجود آورده است. یک وکیل سوری که هم اکنون به مذهب شیعه گرویده خود را سنی میداند اما گرایش به سید حسن نصرالله را برای خود افتخاری تلقی میکند که حاضر نیست هرگز با چیز دیگری آن را عوض کند. جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه لبنان و شکستش در این جنگ، موجب بازگشت غرور ازدست رفته عربی میان اعراب منطقه شده و آنان این پیروزی را که برای اولین بار در چند دهه گذشته از سوی اعراب صورت پذیرفته را مدیون تفکر شیعی سید حسن نصرالله و یارانش میدانند. آنان می گویند: «اگرچه لبنان و منطقه از این جنگ آسیبهایی را متحمل شد ولی این برای اولین بار است که در جنگی نابرابر، شاهد پیروزی مسلمانان عرب در برابر ارتشی هستیم که ابرقدرتهای بزرگ حامی آن بودند». اعراب سوریه معتقدند: «جنگ اسرائیل علیه لبنان و حمایت آمریکا از این رژیم، خدمتی بزرگ برای بازگشت وحدت میان اعراب اعم از سنی و شیعه در منطقه بویژه در میان شهروندان لبنان و سوریه شده است».

□  
شهرهای حلب و دمشق مهمترین شهرهای سوریه هستند که در آن گرایش به شیعه و حمایت از حزب الله لبنان رو به افزایش است. علیرغم فشارهای سنی های افراطی و لائیکهای نزدیک به قدرت مرکزی برخی صاحب نظران سوریه معتقدند: «گرایش به سید حسن نصرالله در میان مردم این کشور نمی تواند خطری برای حکومت بشار اسد محسوب شود، زیرا شیعیان سوریه تصاویر سید حسن نصرالله و بشار اسد را بعنوان نمادهای رهبری خود در کنار یکدیگر استفاده میکنند». این صاحب نظران می افزایند: «گرایش به محور قدرتی عربی (سید حسن نصرالله) و حمایت بشار اسد از وی، حتی می تواند به افزایش جایگاه و گسترش محبوبیتش در میان مردم کشورش منجر شود». (۱)

### اسرائیل به سوی فروپاشی پیش می رود

باری شمیس، پژوهشگر و نویسنده یهودی معتقد است: «رژیم صهیونیستی به دلیل بحران های داخلی و تکیه بر تعصب و باورهای ایدئولوژیک، به سوی فروپاشی پیش می رود».

وی در کتاب خود به نام «سقوط اسرائیل» نوشت: «خطر سقوط که اسرائیل را مورد تهدید قرار داده، ناشی از همسایگان عرب این رژیم نیست، بلکه برخاسته از فساد داخلی و بحران اقتصادی است».

نویسنده یهودی افزود: «بدهی های خارجی رژیم کوچکی مانند اسرائیل، اکنون به ۶۶ میلیارد دلار

ص: ۵۸۳

رسیده، بحران اقتصادی موجب تعطیلی ۵۵ هزار شرکت و مؤسسه مالی شده و میزان بیکاری به ۱۲/۸ درصد افزایش یافته است».

شمیس اضافه کرد: «مردم اسرائیل مردمی مأیوس از آینده هستند و اکنون دامنه اعتیاد به مواد مخدر و میزان خودکشی رو به افزایش است و روزنامه‌ها همواره از فساد سیاسی و اقتصادی و بیماری‌های اجتماعی پرده بر می‌دارند». وی تأکید کرد: «دموکراسی که در اسرائیل از آن نام برده می‌شود یک دموکراسی بیمار است، زیرا در رژیمی که مقام‌های بلند پایه آن به دلیل رشوه، اختلاس و سوء استفاده مالی از قدرت بر کنار نمی‌شوند، نظام دموکراسی آن یک نمایش شکست خورده است».

شمیس خاطر نشان کرد: «ظرف چهار سال گذشته ۴۰۰ هزار یهودی، اسرائیل را ترک کرده‌اند و یک سوم جمعیت یهود ساکن روسیه، از قصد و برنامه خود برای مهاجرت به فلسطین (اشغالی) منصرف شده‌اند».

وی با اشاره به آخرین آمار منتشر شده به وسیله آژانس بین‌المللی یهود نوشت: «۷۰ درصد اسرائیلی‌ها بر این باورند که اگر امکانات مادی برای آنها در کشورهای دیگر به وجود آید، اسرائیل را ترک خواهند کرد. مطابق این آمار ۶۸ درصد اسرائیلی‌ها درصدد گرفتن تابعیت کشورهای دیگر هستند و ۷۳ درصد نیز معتقدند که مقام‌های تل‌آویو نمی‌توانند آینده روشنی را برای کودکان و نوجوانان آنها به وجود آورند». وی اضافه کرد: «نامنی و رشد فزاینده انتفاضه مسجدالاقصی دو عامل خروج هزاران مهاجر یهودی از اسرائیل ظرف چهار سال گذشته بوده و بی‌ثباتی و ترس از مرگ نقش جدی در مهاجرت معکوس یهودیان و شهرک‌نشینان داشته است».

### **نانلو تیود، مورخ سرشناس فرانسوی: فروپاشی آمریکا نزدیک است**

یک مورخ سرشناس فرانسوی فروپاشی قریب‌الوقوع نظام آمریکا را پیش‌بینی کرد.

نانلو تیود با اشاره به فروپاشی شوروی سابق و پیش‌بینی آن گفت: «نشانه‌های موجود حکایت از آن دارد که آمریکا در آستانه فروپاشی است». این مورخ و محقق فرانسوی، ضعف دلار را یکی از نشانه‌های فروپاشی نظام آمریکا دانست و گفت: «آمریکا در سال جاری، ۶۰۰ میلیارد دلار کسری موازنه تجاری داشته و حتی در بخش فناوری پیشرفته هم از بیلان تجاری منفی برخوردار است». پروفیسور تیود افزود: «وضع کنونی آمریکا، من را اندک‌اندک به یاد مراحل پایانی امپراتوری شوروی سابق می‌اندازد».

وی اقدام نظامی جرج بوش در عراق را اقدامی شکست‌خورده و همچون کشتی بر گل‌نشسته توصیف کرد. این محقق فرانسوی به اروپا توصیه کرد: «به‌طور جدی وابستگی به آمریکا را کاهش دهد و قدرت موازی در برابر نظامیگری آمریکا به وجود بیاورد». (۱)

ص: ۵۸۴

## ژنرال های پنتاگون: پاسخ ایران برای آمریکا دردناک است

کارشناسان نظامی و ژنرال های بازنشسته آمریکایی با هشدار نسبت به عواقب هرگونه حمله واشنگتن به تهران تأکید کردند: «اگر آمریکا تنها یک گلوله به سوی ایران شلیک کند، آنگاه همه ملت این کشور بر گرد رهبر و مسئولان خود متحد و یکپارچه قرار خواهند گرفت».

به گزارش خبرگزاری مهر، ژنرال های بازنشسته آمریکایی به الخلیج امارات گفتند: «هرگونه اقدام نظامی بوش بر ضد ایران در حال حاضر به علت مشکلات لجستیکی و سیاسی و مالی غیر ممکن است».

زیرا هزینه حمله نظامی به ۲۲ مرکز هسته ای فرضی ایران حداقل ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار برای مالیات دهندگان آمریکایی هزینه دارد». این نظامیان کار کشته آمریکایی نسبت به پاسخ انتقامجویانه ایران و هدف قرار دادن نظامیان آمریکایی در منطقه با موشک های قدرتمند ایران هشدار دادند. نظامیان بازنشسته آمریکایی به بوش هشدار می دهند، اگر واشنگتن به تهران حمله کند آنگاه درها را به روی یک جنگ دراز مدت و تمام عیار و همه جانبه خواهد گشود و ایران هم به آسانی با به کارگیری موشک های پیشرفته، نظامیان آمریکایی را در منطقه هدف قرار خواهد داد و چنان وضعیتی را برای آمریکا در عراق و حتی افغانستان به وجود خواهد آورد که واشنگتن قادر به پیش بینی نتایج ناگوار آن نخواهد بود.

تحلیلگران و کارشناسان در واشنگتن هشدار دادند، هرگونه حمله آمریکا یا اسرائیل یا حمله مشترک آن ها به ایران، بهای سنگینی به مراتب ده ها بار بیشتر از هزینه هایی که آمریکا در عراق پرداخته است خواهد داشت. آمریکا هرگز قادر به پرداخت بهای سنگین چنین اقدامی نخواهد بود زیرا هرج و مرج ناشی از آن هرگز سیاسی نخواهد بود بلکه یک مناقشه و درگیری نظامی که از افغانستان تا اقیانوس اطلس امتداد خواهد داشت به وجود خواهد آمد». این کارشناسان هشدار دادند: «تمام ملت های منطقه در صورت حمله آمریکا به ایران از آمریکا اعلام انزجار خواهند کرد».<sup>(۱)</sup>

### هر روز یک دانمارکی مسلمان می شود

یک روزنامه دانمارکی گزارش داد که هر روز بر تعداد شهروندان دانمارکی که به دین اسلام مشرف می شوند اضافه می شود، که بیشتر آنها جوانان می باشند.

این روزنامه نوشت: «جوانان دانمارکی که تازه به دین اسلام مشرف شده اند، یک سوم تازه

ص: ۵۸۵

مسلمانان این کشور را تشکیل می دهند. در این میان تعداد دختران تازه مسلمان به خصوص دخترانی که با جوانان مسلمان ازدواج کرده اند، در صدر قرار دارد». به نوشته این روزنامه ۵ هزار دانمارکی تاکنون به اسلام گرویده اند. (۱)

### شیعیان؛ نخستین مسلمانان آرژانتینی

رئیس سازمان زنان مسلمان در آرژانتین، قرآن را تنها عامل ماندگاری اسلام در کشورش خواند.

وی که از برگزیدگان سومین همایش بین المللی قرآن پژوهی در جشنواره بین المللی برترین آثار قرآنی بانوان است، با بیان این مطلب گفت: «آرژانتین کشور غربی است که اکثر ساکنان آن مسیحی و یهودی اند، اما به رغم تمام مشکلاتی که مسلمانان این کشور با آن روبه رو هستند، اسلام توانسته است جایگاه خود را در آرژانتین حفظ کند».

این مبلغ علوم اسلامی که در مسجد التوحید آرژانتین فعالیت می کند، تصریح کرد: «نخستین مسلمانانی که وارد آرژانتین شدند، با خود قرآن به همراه داشتند. بسیاری از آنان شیعه بودند و با خود عشق اهل بیت علیهم السلام را نیز به کشور وارد کردند. به این ترتیب، کم کم اسلام در آرژانتین به بسیاری از پیروان دیگر ادیان نیز معرفی شد». (۲)

### هشدار کلیسا: دیر بجنبید، انگلستان مسلمان می شود

افزایش روزافزون تعداد مسلمانان مقیم انگلستان و پافشاری آنان بر اعتقادات مذهبی خود، رهبران کلیساهای این کشور را به شدت نگران کرده است.

آنان با اشاره به کم توجهی مسیحیان انگلیسی به آیین مسیح علیه السلام، تنها راه مقابله با گسترش اسلام را تعمیق باورهای این آیین در میان مردم انگلستان دانسته اند.

به گزارش سرویس بین الملل «بازتاب» به نقل از «کریستین تودی»، یکی از مقامات کلیسای جامع انگلستان هشدار داد: «در صورتی که مسیحیان، اعتقادات خود را جدی نگیرند، بریتانیا به زودی به یک ملت مسلمان تبدیل خواهد شد».

«کنون آسنت نوگنت»، از مقامات کلیسای جامع «لینکولن»، به نامه ای در مورد نحوه واکنش مسلمانان به کاریکاتور پیامبرشان اشاره کرد. آنان با نوشته های خود، به بریتانیا هشدار دادند که در

ص: ۵۸۶

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۰۵..

۲- (۲). همان، ص ۱۰۵-۱۰۶..

آینده، همهٔ بریتانیا مسلمان خواهند شد. تردیدی نیست که اسلام در اینجا ماهیتی تبلیغاتی دارد و گرویدن انسان های بی اعتقاد به اسلام، از عوامل گسترش اصلی اسلام در انگلستان است.

این امر عجیب نیست که بسیاری از مسلمانان، بر این باورند که سرانجام، این کشور به پیامبر آنان ایمان خواهد آورد؛ خصوصاً در مواقعی که با یک اعتقاد مسیحی غیرقطعی و در حال کاهش روبه رو می شود.

او اضافه کرد: «چیزی که برای بریتانیا با هدف یک ملت مسیحی باقی ماندن، مهم است، این است که مسیحیان، اعتقادات خود را جدی بگیرند و هیچ گاه گمان نکنند که یک بریتانیایی مسیحی، همیشه بدون تغییر خواهد ماند».

آمار جدید دربارهٔ نهضت های مذهبی و رشد آنان در بریتانیا، نشان داده است که اگر این روند تا سال ۲۰۱۲ م ادامه یابد، آن گاه، تعداد افرادی که در مساجد هستند، از تعداد افراد حاضر در کلیساها بیشتر خواهد شد. (۱)

### نماز جماعت در ارتش فرانسه

برای اولین بار در تاریخ فرانسه یک امام جماعت، جهت رفاه ارتشیان مسلمان انتخاب شد تا نیروهای مسلمان ارتش این کشور بتوانند به برنامه های مذهبی خود پرداخته و هویت اسلامی خود را ارج نهند. (۲)

### افزایش بی سابقهٔ فروش قرآن در فرانسه

پس از اهانت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، فروش ترجمه های قرآن در فرانسه، ۳۸ درصد افزایش داشته است.

یعنی از هر ۱۰۰ کتاب فروخته شده ۳۸ کتاب قرآن است.

مرکز قومی کتب فرانسه اعلام کرد: «بعد از بحرانی که از انتشار کاریکاتور نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جهان رخ داد، فروش قرآن به طرز چشمگیری افزایش داشته است». این مرکز اظهار داشت: «فروش بی سابقهٔ قرآن ۳۸ درصد افزایش داشته و حدود ۶۰ هزار نسخه از قرآن فروخته شده است». (۳)

ص: ۵۸۷

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۰۶ - ۱۰۷..

۲- (۲). همان، ص ۱۰۷..

۳- (۳). همان، ص ۱۱۴ - ۱۱۵..

مرکز پژوهش‌های بن‌گوریون اقدام به نظرسنجی از ساکنان یهودی فلسطین اشغالی درباره میزان باور آنان به اعتبار سخنان سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان کرده است.

بخش خبری شبکه تلویزیونی المنار لبنان در این باره اعلام کرد: «بر اساس این نظرسنجی، شهروندان رژیم صهیونیستی گفته اند که در بیشتر موارد برای آگاهی از وقایع و تحولات سیاسی و نظامی بویژه در زمان جنگ، به صحبت‌های سید حسن نصرالله تکیه کرده اند».

بر گزار کنندگان این نظرسنجی در پاسخ به پرسشی درباره میزان اعتبار سید حسن نصرالله نزد شهروندان یهودی رژیم صهیونیستی گفتند: «نتایج و وضعیت مربوط به این سؤال، بسیار دیوانه کننده بود. به گونه ای که به نظر می رسد شهروندان به جای گوش دادن به سخنگویان رسمی دولت اسرائیل، به سخنان دشمن یعنی سید حسن نصرالله، اعتماد بیشتری داشته اند و با شور و اشتیاق زیادی سخنرانی‌های او را دنبال کرده اند».

بر گزار کنندگان این نظرسنجی که خود صهیونیست هستند هشدار داده اند که: «نتایج این نظرسنجی نشان از شکاف و مشکل عمده میان دولت مردان رژیم صهیونیستی و مردم این رژیم است و نیز این که، مردم در رویارویی‌های احتمالی در آینده از رهبران خود حمایت نخواهند کرد».<sup>(۱)</sup>

### با الهام از حزب الله، می جنگیم

در پی تصویب قطعنامه ۱۷۰۶ در سازمان ملل، مبنی بر استقرار نیروهای این سازمان در منطقه بحران زده دارفور، «عمر البشیر» رئیس جمهوری سودان اعلام کرد: «در صورت استقرار این نیروها در این منطقه، با الهام از حزب الله با آنها می جنگیم».

به گزارش پایگاه اینترنتی روزنامه «لوفیگارو»، عمر البشیر در مراسمی که به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد تشکیل ارتش این کشور برگزار شده بود، گفت: «سودانی‌ها مصمم هستند با هر نیروی خارجی که وارد کشورشان شود مانند رزمندگان جنبش حزب الله که با نیروهای متجاوز اسرائیل جنگیدند و پیروز شدند، بجنگند». رئیس جمهوری سودان افزود: «ما با استقرار نیروهای آمریکایی، انگلیسی یا هر نیروی دیگری که شورای امنیت سازمان ملل بر ما تحمیل کند مخالفیم». عمر البشیر در این مراسم از حزب الله و سید حسن نصرالله دبیرکل این حزب، آن که ابهت ارتش اسرائیل را در هم شکست ستایش کرد.<sup>(۲)</sup>

ص: ۵۸۸

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۲۱ - ۱۲۲..

۲- (۲). همان، ص ۱۲۴..

هند: در نخستین نمایشگاه کتاب ایالت «میزوروم» در منطقه مسیحی نشین شرق هند، قرآن کریم پربیننده ترین کتاب بوده و ۵۰۰ جلد کلام الله مجید با ترجمه انگلیسی به فروش رسیده است.

لبنان: بر اساس آخرین سرشماری از مسیحیان لبنان، انتخاب نام «محمد» بر فرزندان پسر مسیحی شایع شده و حتی تعدادی از مسیحیان ارتدوکس و کاتولیک لبنان، نام «محمد» را جایگزین نام های پیشین خود کرده اند. (۱)

### افزایش نامهای اسلامی برای کودکان مغربی

حدود دو سال است که خانواده های مغربی به منظور اشاعه اسلام و ارزش نهادن بر موازین این دین، بیش از پیش نامهای اسلامی برای کودکان خود بر می گزینند.

با توجه به پرننگ شدن اسلام و تأثیر آن در کشور مغرب، خانواده های مغربی، اسامی کودکان تازه به دنیا آمده خود را از میان اسمهای اسلامی انتخاب می کنند و سعی می کنند نامهایی را برگزینند که در تاریخ اسلام و در تمدن این دین نقشی اساسی داشته اند. سالهای گذشته اسمهای غربی و اسمهایی که با تاریخ مغرب مرتبط بودند، در این کشور بسیار شایع شدند تا جائیکه همه خانواده ها بر روی تازه متولد شده ها، اسامی غربی یا تاریخی می گذاشتند، ولی در حدود دو سال است که خانواده های مغربی با درک موازین اسلام و ارزش این دین، نامهای اسلامی برای کودکان خود برمی گزینند. (۲)

### پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صاحب نخستین قانون اساسی دموکراتیک تاریخ است

یک پژوهشگر زن آمریکایی در دانشگاه جونز هاپکینز در حضور جرج بوش گفت: «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم صاحب نخستین قانون اساسی دموکراتیک تاریخ است». کانديس ديونز در برابر چشمان بهت زده رئیس جمهور آمریکا یاد آور شد: «حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حمایت از زنان و حقوق آنها، سرپرستی کودکان، رسیدگی به فقر و برابری میان تمام مردم را در جای جای قانون اساسی وضع شده در مدینه منوره گنجانده». (۳)

ص: ۵۸۹

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۲۸..

۲- (۲). همان..

۳- (۳). همان، ص ۱۲۸ - ۱۲۹..

همسر نخست وزیر هند طی سخنانی در همایش دو روزه «زن، خانواده و جهانی شدن» که به همت خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و سازمان های فعال زنان هند در دهلی نو برگزار گردید، از مقام شامخ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تجلیل کرد.

وی در مراسم افتتاحیه این همایش گفت: «حضرت فاطمه علیها السلام اهمیتش نه به خاطر آن است که دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، بلکه به عنوان شخصیت یک زن کامل، مطرح است». او افزود: «۱۴۰۰ سال پیش زمانی که دختران را زنده به گور می کردند حضرت فاطمه علیها السلام در احقاق حقوق زن و رسالت زن در جامعه فعالیت می کردند». (۱)

### امام خامنه ای در قلب ونزوئلا

گفته می شود گفتگوهای دکتر محمود احمدی نژاد و هوگو چاوز، دارای حواشی جالبی بوده است.

چاوز رئیس جمهور ونزوئلا، پس از آنکه سخنان رئیس جمهوری ایران را با «الله اکبر» تأیید نمود، با به کار بردن تعبیر «امام خامنه ای» عنوان داشت: «من نسبت به تدبیر امام خامنه ای و شما اطمینان دارم». لازم به ذکر است فیدل کاسترو، رهبر کوبا نیز در دیدار اخیر خود با مقامات ایرانی چنین اظهار داشته بود: «اگر از فروپاشی کشورم نمی ترسیدم، اعلام می کردم که شیعه اثنی عشری هستم». (۲)

### موافقت دانشگاه الازهر مصر با انتشار کتاب عقاید شیعه

مجمع پژوهش های اسلامی دانشگاه اسلامی الازهر مصر، با انتشار و ترویج کتاب «عقائد الامامیه» نوشته مرحوم علامه محمدرضا مظفر موافقت کرد. به گزارش مجمع جهانی تقریب مذاهب، نشریه «صوت الازهر» ارگان مطبوعاتی دانشگاه الازهر مصر، با اعلام این خبر نوشته است: «کتاب «عقائد الامامیه» به بیان خلاصه ای از عقائد شیعه امامیه اثنی عشری می پردازد و در آن نشانه ای از تعصبات مذهبی که وحدت امت اسلامی را تهدید می کند دیده نمی شود». این گزارش همچنین حاکی است که مجمع پژوهش های الازهر، با نشر و توزیع مجله شیعی با عنوان «الحیاه الطیبه» موافقت کرده است. (۳)

ص: ۵۹۰

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۲۹..

۲- (۲). همان، ص ۱۳۰..

۳- (۳). همان، ص ۱۳۲..

## این انقلاب بر همه چالشهای فراروی، چیره خواهد شد

یک روزنامه نگار سرشناس اروگوئه واقع در آمریکای لاتین ابراز اطمینان کرد: «با وجود مانع تراشی قدرتهای سلطه گر و توطئه های واشنگتن بر سر راه پیشرفت انقلاب اسلامی ایران، این انقلاب صلح طلب، بر همه چالشهای فراروی چیره خواهد شد».

متن کامل گزارش مقاله «خولیو سزار مارتینس» موسوم به «خوما» خبرنگار اعزامی روزنامه «رپوبلیکا»ی اروگوئه به تهران، با عنوان «خدا در میان جهنم جنگ» چنین است:

«ما غریبها در مورد ایران و بطور کلی، درباره جهان اسلام اطلاعات اندکی داریم. نکات تاریخی درباره امپراطوری با عظمت پارسی بسیار ناچیز و در بسیاری مواقع درهم آمیخته و کاملاً اشتباه است.

بسیاری از غریبها، مردم منطقه خاورمیانه را تحت عنوان اعراب می شناسند، منطقه ای که خوب است بدانیم با آنچه که تصور می شود و در ادبیات، سینما و تلویزیون از آن یاد می کنند، متفاوت است. این رسانه ها، خاورمیانه را متشکل از شیوخ عمامه به سر سوار بر شترها در آبادیهایی در وسط کویر تصور می کنند اما این تصویری کاملاً نادرست و غلط است».<sup>(۱)</sup>

## جاذبه های اسلام علت اصلی گرایش مردم آلمان به این دین

رئیس شورای عالی مسلمانان آلمان با اشاره به افزایش شمار آلمانیهایی که مسلمان می شوند، اظهار داشت: «با تحقیقاتی که آموزشگاه اسلامی شهر سوست آلمان انجام داده، این نکته مشخص شد که اسلام دارای جاذبه های خارق العاده ای است که این جاذبه ها در جامعه آلمان منتشر شده و منجر به افزایش تعداد مسلمانان گردیده اند».

وی افزود: «تعداد آلمانیهایی که به اسلام روی آوردند در سال گذشته بیش از یک هزار نفر بوده، این در حالی است که گروندگان به اسلام روزانه افزایش پیدا می کنند». رئیس شورای عالی مسلمانان آلمان تصریح کرد: «اکثر کسانی که به اسلام روی می آورند، از زنان تحصیلکرده، افراد محقق که مطالعات علمی انجام می دهند و یا مردان نخبه در مراکز علمی و فرهنگی هستند. تعداد مسلمانان مقیم آلمان حدود ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است که ۱۵ هزار نفر آنها از هموطنان آلمانی هستند».

وی در ادامه به نقش اجتماعی اقلیت مسلمان در آلمان اشاره کرد و یاد آور شد: «اقلیت مسلمان در جامعه آلمان، تأثیر مثبتی بر روی این کشور گذاشته اند و فعالیتهای بسیاری به منظور تحقق

ص: ۵۹۱

همبستگی، انسجام و اتحاد از یک سو و برقراری ارتباط سازنده و صلح اجتماعی از سوی دیگر پرداخته اند تا بتوانند در این راستا با مسئله نژاد پرستی نیز مبارزه کنند».

اکسیل کویلر در ادامه گفت: «از مشکلاتی که مسلمانان آلمان با آن مواجه هستند عدم آگاهی و اطلاع از زبان آلمانی است که در تبادل اطلاعات با طرف آلمانی و معرفی فرهنگ اسلامی بسیار تأثیر گذار است».

وی آرزو کرد که گفتگوی تمدن‌ها و ادیان در جامعه آلمان انجام شود و بسترهای لازم به منظور معرفی حقیقت دین اسلام به هموطنان فراهم آید. قرار است میان مسئولان اقلیت مسلمان در آلمان و مسئولان سیاسی این کشور در ماه آینده به منظور تبادل آراء و اندیشه درباره تحکیم گفتگو میان فرهنگها و تمدن‌ها نشست برگزار شود تا دولت آلمان به دین اسلام مانند مرجعی مهم نگاه کند.

تعداد یک هزار مسجد آلمان در شهرهای بزرگی چون برلین، بن و هامبورگ قرار دارند. این مساجد هر روز باز بوده و مسلمانان می توانند در آن ضمن اقامه نماز، سؤالات دینی خود را مطرح کنند. (۱)

### بیش از ۷۰ میلیون نفر در جهان «محمد» نام دارند

در کتاب رکودهای گینس آمده: «نام «محمد» بالاترین میانگین نامی را دارد، به طوری که در حال حاضر ۷۰ میلیون نفر در جهان این اسم را دارند».

نام نهادن بر فرزندان از وظایفی است که والدین باید آن را به درستی انجام دهند، از این رو انتخاب نام نیکو نه تنها منجر به سربلندی فرزندان در آینده می شود بلکه آنها را نسبت به نامی که دارند متعهد و مسئول می سازد.

برخی افراد به علت تعلق خاطر نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نامها و یا صفاتی را که آن حضرت دارد انتخاب می کنند مانند احمد، طه، یاسین، بشیر، نذیر، خاتم و فاتح که البته نامهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بیش از ۲۰۰ نام است که مشهورترین آن محمد صلی الله علیه و آله و سلم مشتق از حمد است، از این رو مسلمانان برای فرزندان خود نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیش از هر نام دیگری انتخاب می کنند.

برخی از مسلمانان به منظور حفظ هویت اسلامی و آشنایی با سیره نبوی، نامهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بر فرزندان تازه متولد شده خود می نهند تا نسل جدید از آموزه های اسلامی و با شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آگاه شوند. این امر منجر به مسئولیت پذیری آنها نسبت به نامهای خود در آینده می شود. گاهی اوقات انتخاب این اسامی احساس وفاداری و تعلق خاطر را تعمیق و توسعه می دهد. (۲)

ص: ۵۹۲



شورای عالی الأزهر اعلام کرد: ممنوعیتی برای چاپ و توزیع کتاب های شیعی در مصر وجود ندارد.

محمدرفعت عثمان، عضو شورای عالی دانشگاه الأزهر و مؤسسه تحقیقات اسلامی گفت: «هیچ مانعی برای انتشار کتاب ها و مقالاتی که حتی مبانی اصول اعتقادی مذهب تشیع را تبلیغ می کنند، در مصر وجود ندارد».

وی افزود: «مبانی فکری مذهب شیعه امامیه در کنار مذاهب چهارگانه اهل تسنن در دانشگاه الأزهر مصر تدریس می شود». یادآوری می شود، ورود و نشر کتاب های شیعی از جمله کتب اربعه، در عربستان ممنوع است و چندی پیش که این کشور اقدام به برگزاری نمایشگاه کتاب کرد، از ارائه کتاب های چهارگانه مذهب تشیع ممانعت کرد. (۱)

### امام جماعت فلسطینی با تاسی از حزب الله، شیعه شد

رشادت های دلیرمردان حزب الله در جنگ با اسرائیل، منجر به شیعه شدن یکی از امامان جماعت فلسطین شد.

شیخ نورالیقین یونس بدران، امام جماعت منطقه الخضراء فلسطین، به عنوان اولین امام جماعت اهل سنت در این کشور به مذهب شیعه درآمد. بدران در این باره گفت: «حدود سه سال پیش و در حالیکه دانشجوی دانشکده الهیات اسلامی بودم، به قبول مذهب شیعه اندیشیدم و در این چند سال اندیشه های خود را پنهان کردم». وی افزود: «با حمله اسرائیل به لبنان و مشاهده اعتقادات اصیل حزب الله و تاسی آن به مذهب شیعه، تصمیم به علنی ساختن گرایشم به مذهب شیعه گرفتم». این امام جماعت خاطر نشان ساخت: «واکنش دیگران برای من هیچ نوع اهمیتی ندارد، چرا که اعتقاد من به مذهب شیعه قوی و تغییر ناپذیر است».

شیخ بدران ادامه داد: «در پی اعلام شیعه شدن من، بسیاری از مذاهب واکنش های شدیدی از خود نشان دادند، هر چند علمای بزرگ مذاهب ناراحتی خود را از این امر به طور مستقیم نشان ندادند».

گفتنی است، گروه دیگری از جوانان روستای «دبویه» فلسطین، در بحبوحه جنگ لبنان و رژیم غاصب صهیونیستی به مذهب شیعه درآمدند. (۲)

ص: ۵۹۳

۱- (۱). تبلیغ (۷)، ص ۱۶۴..

۲- (۲). همان، ص ۱۶۴، ۱۶۵..

یک دانشمند مشهور اهل سنت سودانی، وصیت نمود تا پس از مرگش، وی را در کفنی کربلایی بیچند و در قبرش، تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام قرار دهند.

وصیت هایی که «شریف زین العابدین الهندی» دانشمند اهل سنت سودان درباره نحوه کفن و دفن خود نموده است بهت و اعجاب بستگان، نزدیکان و حتی خبرنگاران رسانه ها و ناظران سیاسی را برانگیخته است. شریف زین العابدین که رهبر طریقه ختمیه سودان بود وصیت کرد که وی را در کفنی که شخصاً از کربلا خریداری کرده است کفن کنند و زیر سرش نیز مقداری از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام قرار دهند. به گزارش روزنامه سودانی «الوان» مراحل تغسیل و تکفین دقیقاً همینگونه انجام شد. این روزنامه افزوده است: «شریف زین العابدین همچنین توصیه اکید کرده است که در روند تقسیم ارثش، نباید هیچ ضرری به کارگران مزرعه اش برسد و حتی زندگی روزمره آنان نباید تحت تأثیر واقع شود». (۱)

### اکثریت انگلیسی ها، مسلمانان را صلح طلب می دانند

بر اساس یک نظر سنجی، بسیاری از مردم انگلیس عقیده دارند که مسلمانان این کشور افرادی صلح جو و تابع قوانین هستند. به نقل از usreid بر اساس نتایج یک نظر سنجی که در نشریه دیلی تلگراف به چاپ رسیده؛ بیش از ۵۳ درصد مردم انگلیس عقیده دارند که دولت می تواند با عقاید و مراسم مذهبی مسلمانان، هماهنگی داشته باشد. جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا و تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، پس از آغاز جنگ بر ضد تروریسم اعلام کرده بودند که جنگ بر ضد تروریسم جنگ بر ضد اسلام نیست اما عملاً مسلمانان را در جامعه غرب تحت فشار و تبعیض قرار دادند. بر اساس نتایج آماری که در سال ۲۰۰۱ اعلام شد؛ بیش از یک و نیم میلیون مسلمان در انگلیس و ولز زندگی می کنند. (۲)

ص: ۵۹۴

۱- (۱). تبلیغ (۷)، ص ۱۶۶..

۲- (۲). همان ص ۱۶۶ ۱۶۷..

بوش بزرگترین دیکتاتور جهان است

دنيس هالیدی معاون دبير كل سابق سازمان ملل متحد، بوش را به علت دخالت در جنایاتی که در عراق، فلسطین و افغانستان روی می دهد، بزرگترین دیکتاتور جهان خواند. هالیدی گفت: سازمان ملل متحد به وسیله ای جهت تحقق اهداف آمریکا تبدیل شده است، بنابراین جهان باید صلاحیت این سازمان را رد کند. وی گفت: آمریکا می کوشد نظامی را در خاورمیانه حاکم کند که منافعش را تهدید نکند؛ همچنین تلاش می کند قدرت خود و نه دموکراسی را بر این منطقه حاکم کند و برای دستیابی به آن می کوشد منابع طبیعی از جمله نفت کشورهای عرب را از بین ببرد. (۱)

شکنجه گری خاخام های صهیونیست در گوانتانامو

یکی از اسرای تُرک آزاد شده از گوانتانامو فاش کرد، بیشتر افسران و بازجویان زندان مخوف گوانتانامو، صهیونیست هستند و تعدادی خاخام یهودی نیز در آنجا حضور دارد و این خاخام ها در بازجویی مسلمانان شرکت می کنند.

به گزارش سرویس بین الملل «بازتاب»، «ابراهیم شن» که دو سال در گوانتانامو در اسارت آمریکایی ها به سر می برد، ضمن توضیح نحوه برخورد غیرانسانی و شکنجه های سخت، از حقایق دیگر این زندان پرده برداشت و در مصاحبه خود با روزنامه «واکیت» چاپ استانبول گفت: من توسط یک فرمانده یهودی به نام «یاسف» شکنجه می شدم، او وقتی مرا با برق شکنجه می داد، می گفت: بعد از عراق، ایران و سوریه نوبت به ترکیه می رسد و زنان شما کنیزان ما و مردان شما برده های ما خواهند شد و قبر سلطان عبدالحمید (شاه عثمانی که از دادن سرزمین فلسطین به صهیونیست ها امتناع کرد) را به آتش خواهیم کشید. (۲)

ص: ۵۹۵

۱- (۱). تبلیغ (۵)، ص ۶۹..

۲- (۲). تبلیغ (۶)، ص ۱۲۵..

الفیاض: وزیر کشور اردن اعلان کرد که دیگر هرگز از سوی حکومت، به اردنی ها و عراقی ها مجوزی برای احداث حسینیه و مسجد در اردن داده نخواهد شد. این اظهارات به دنبال انتشار گزارش هایی در امان، پایتخت اردن صورت گرفت. در این گزارش ها آمده بود که تجار عراقی در تلاشند تا مسجدی بزرگ به همراه یک حسینیه، در قطعه زمین نسبتاً بزرگی در اردن با هزینه ای بالغ بر ۳ میلیون دلار احداث کنند. درخواست تجار مبنی بر احداث مسجد و حسینیه ای در منطقه ای شیک، به منظور اقامه مناسک مذهبی، تقدیم وزارت اوقاف اردن شده بود. (۱)

### تناقض آشکار سلفی ها: کافر دیروز و شهید امروز!

اعدام صدام در حالی موجب آشکار شدن دشمنی برخی کشورهای عربی با ایران و دادن لقب «شهید» به او شد که بنا بر اخبار، شهید امروزی! در گذشته از سوی مفتی بلندپایه عربستان، کافر و ضد اسلام خطاب می شده است. عبدالله بن باز، مفتی بزرگ عربستان، که بیش از پانزده سال رئیس هیأت هفت نفره کبارالعلماء بود و سه سال پیش فوت کرد، در فتوای شدیداللحنی که در زمان حمله صدام به کویت صادر کرد، صدام حسین و حزیش را ضد اسلام و مساوی با کفار قلمداد کرده بود. این در حالی است که امروزه و ۱۶ سال پس از این واقعه، چهره های سلفی در چرخشی ۱۸۰ درجه ای، صدام را شهید خطاب می کنند. (۲)

### با دلار نفتی و آخوند درباری، صدام هم بهشتی شد!

در ادامه مواضع برخی از سران دولت های عربی و شماری از سازمان های وابسته به القاعده و اظهارات گروهی از تندروهای فلسطینی و اردنی در دفاع از صدام، یوسف القرضاوی، مفتی اهل سنت هم که در قطر زندگی می کند، از صدام دفاع کرد. قرضاوی که از ماجرای حمله به حرم عسکرین علیهما السلام به این سوی، چند بار تلویحا شیعه را به آغاز درگیری های فرقه ای در عراق متهم کرده است، این بار آشکارا به دفاع از جنایتکار قرن، صدام حسین پرداخت. اظهارات وی با چشم پوشی از حوادث سه سال متوالی شیعه کشی در عراق که اخبار آن تمام عالم را گرفته است، از کشتار دسته جمعی در عراق علیه اهل سنت یاد کرده و آن را طرحی از پیش طراحی شده اعلام کرده است. شگفت آن که در حالی که هیچ

ص: ۵۹۶

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۲۵..

۲- (۲). تبلیغ (۷)، ص ۱۵۲..

کس نیم سطر فتوا از یک مرجع تقلید شیعه در باره برادرکشی از اهل سنت ندیده و هم زمان فتوای فراوانی از علمای سعودی و غیره علیه شیعه انتشار یافته، قرضای چشم خود را به روی این واقعیات بسته و از مراجع شیعه خواسته است تا برای جلوگیری از سنی کشی در عراق اقدام کنند. وی می گوید:

«من همواره از مراجع شیعیان تقاضا کردم که دخالت کنند، دستورات این مراجع مورد قبول مردم واقع می شود، هرگاه دستور می دهند مردم از آنان اطاعت می کنند. اگر بگویند این کار را نکنید، می کنند و اگر بگویند این کار را نکنید، نمی کنند. این مراجع مسئولیت دارند و باید حرف خود را بزنند و ما از تهران می خواهیم و از آیات عظام می خواهیم و از رهبر ایران آقای خامنه ای درخواست می کنیم لب به سخن باز کنند و سکوت نمایند، و گرنه مردم آنها را متهم به تبانی و توطئه می کنند!» او می گوید: «اعدام صدام در روز عید قربان و در موقع برگزاری نماز عید، منکر است و هیچ مسلمانی نمی تواند آن را بپذیرد...»

آمریکائیان گفتند: «ما می خواستیم اعدام صدام را دو هفته به تعویق بیندازیم ولی متأسفانه برخی از رهبران دینی و سیاسی عراق پس از اعدام صدام در روز عید گفتند: روز اعدام صدام، عید نبوده بلکه یک روز قبل از عید می باشد، زیرا عید قربان روز یکشنبه بود. این هم بدتر است زیرا روز شنبه در کشور حج و عتبات عالیات عربستان عید بوده است. زائران و مردم آنجا عید داشته اند و بر فرض این که روز شنبه عید نبوده، روز عرفه که بود، آیا روز عرفه یک روز معمولی و عادی است؟ روز عرفه به اجماع مسلمانان بهترین روز سال است». آقای قرضای مرتب از بودن آمریکایی ها در عراق یاد کرده، اما فراموش کرده است که خودش سال هاست در کشوری زندگی می کند که بزرگترین پایگاه آمریکا در آنجا بوده و از همان پایگاه به عراق حمله کرده است. وی با مرثیه سرایی برای جنایتکار قرن می گوید: «آنان به نفس و جان انسانی احترام قائل نشده اند. صدام با شجاعت و خویشتنداری و نترس ظاهر شده است.»

وی هرگز قبول نکرد که چشمانش را ببندد، بلکه با چشمان باز به استقبال مرگ رفت. آنان صورت خودشان را پوشانده اند، در حالی که صورت صدام باز ماند. وی مانند کوه ایستاد و شهادتین را هم بر زبان جاری ساخت. پس وی در حالی فوت کرد که شهادتین را می گفت. چگونه می توان او را نفرین و لعن کرد در حالی که می شنویم که فریاد می زند: اَشْهَدُ انْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ انْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ». اما شنیدنی ترین سخن قرضای آنجاست که می گوید: «کسی که آخرین سخن او شهادت لا اله الا الله است وارد بهشت می شود. چگونه می گویند برو به جهنم. آیا کلید درب جهنم در دست توست؟ چه کسی این کلید را به تو سپرده است تا هر کس را خواستی وارد جهنم کنی؟ صدام در واپسین سال های حاکمیتش متحول و دگرگون شد. برادران عراقی می گویند که وی مقید به ادای نماز و تلاوت قرآن شد و به نیکوکاری می شتایید. وی به ساختن مساجد کمک می کرد و مصالح ساختمانی را برای ساختن مساجد نصف قیمت می داد. وقتی می خواستند او را دستگیر کنند، سجاده و قرآن باز نزد او پیدا کردند». (۱)

ص: ۵۹۷

هم زمان با طرح زمزمه های خروج آمریکا از عراق و بروز امیدواری درباره اداره امور عراق به دست مردم این کشور، آخوندهای درباری سعودی، وارد میدان شدند.

به گزارش خبرنگار «بازتاب» از عربستان سعودی، این بیانیه که نسخه ای از آن در اختیار «بازتاب» قرار گرفته، به امضای ۳۸ مفتی درباری سعودی رسیده و با طرح مسائل دروغین علیه شیعیان عراق، مسلمانان جهان به نبرد با آنان فراخوانده شده اند.

نویسندگان این نامه مدعی اند: آنچه به ملت و کشور عراق تعرض کرده، ناشی از پیوند صلیبیان، صفویان و رافضیان است که دنباله حاکمان بعثی است. سقوط بغداد، حادثه بزرگی برای مسلمانان بود، چراکه میزان درد آور بودن آن، تنها با اشغال فلسطین بدست یهودیان قابل مقایسه است.

در ادامه این نامه، با اهانت به شیعیان و یاد کردن از آنان با عنوان «رافضی» آمده است: پس از گذشت چهار سال از اشغال عراق، مشخص شد که هدف استیلا بر عراق توسط ائتلافی بین صلیبیان و رافضی های صفوی، زمینه سازی مطامعشان در منطقه، حمایت از یهودیان اشغالگر و محاصره کل اهل سنت منطقه برای تشکیل هلال شیعی است که مطامع و نقشه هایش مخفی نیست. آنان می خواهند عراق عرب و مسلمان را شقه شقه کنند، جنوب و استان های اصلی وسط برای رافضی ها، شمال برای اکراد و آنچه از زمین وسط مانده برای اهل سنت و مخفی نماند که حوادث عراق برای رافضی های دوازده امامی و دیگر پیروانشان اتفاق می افتد. آنان برای هدف صلیبیان تلاش کردند و با آنان برای تقسیم عراق متحد شدند.

در این نامه همچنین جهاد با دشمنان، رکن بزرگ دین و ثمرات و فضایل بسیاری برای جانفشانی در راه خدا و مبارزه با دشمنان دین شمرده شده است.

در این نوشته، پس از ذکر مقدمات بالا، خواسته شده تا گروه های اهل سنت به اعلام های صورت گرفته درباره خطر شیعیان و رافضی ها عمل کنند و بدانند که رافضی ها (شیعیان) هیچ ابایی ندارند از این که ما را به نقصان و ضعف منتسب کنند. نویسندگان نامه همچنین اتهامات دروغی را به سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، سید مقتدا صدر و سید عبدالعزیز حکیم نسبت داده اند.

این نامه اضافه کرده: «بر علما و دانشمندان واجب است در برابر آنچه بر برادران اهل سنت ما در عراق می گذرد، دست بسته نظاره گر نباشند، بلکه بر آنان واجب است متناسب با هر قشر و توده ای از مردم، با استفاده از منبرها و محافل خود و حتی ایجاد گروه های زیرزمینی و مخفی، اقدام به محاصره و

عاجز کردن کسانی که عراق را به سوی نابودی می کشانند، آن هم با برانگیختن تمامی شعبه های مسلمان بکنند».

اما شدید اللحن ترین بخش این بیانیه، آنجاست که اعلام شده: «علما باید با همه اقشار اهل سنت در عراق، در نابودی رافضی ها (شیعیان) به هر صورت ممکن بکوشند تا سختی ها و بدبختی ها از عراق و اهل سنت رخت بر بندد، چرا که رافضیان تبدیل به شمشیری برای آمریکایی ها شده و در حالی که اموال و ثروت عراق در دست آنهاست، ایران نیز از پشت سر به حمایت از آنها می پردازد؛ و این شیعیان هیچ ارج و قربی ندارند و باید تمامی اهل سنت برای نابودی آنان بکوشند».

در این حال، یکی از چهره های اسلامی عراق در واکنش به این نامه اظهار داشت: مأموریت این افراد، مخفی کردن چپاول ثروت های مسلمین توسط خاندان سعودی است، با فتوای اینها، حکومت سعودی، هزاران جوان مسلمان اهل سنت را به عنوان اخوان المسلمین، القاعده یا سلفی؛ کشته یا زندانی کرده است.

وی پرسید: «این مفتیان زمانی که دولت عراق، مردم حلبچه و سردشت را که همه اهل سنت بودند، در کمتر از یک ساعت با بمب های شیمیایی که با هزینه دولت سعودی خریده شده بود، قتل عام کرد، کجا بودند؟ وقتی دربار سعودی نیروهای نظامی صلیبی آمریکایی و صهیونیستی را برای حمله به یک کشور مسلمان و عرب به سرزمین وحی آورد، چرا ساکت بودند؟ وقتی فهد از آمریکا خواست دست صدام را در قتل شیعیان جنوب عراق باز بگذارد، اینها کجا بودند؟»

این چهره عراقی در ادامه گفت: «وقتی صلیبیون به حکومت طالبان که اهل سنت بودند، حمله و آنها را ساقط کرد یا در زمان حمله آمریکا و انگلیس به عراق، چرا این علما فتوا صادر نکردند؟ چرا درباره سلطه آمریکا بر نفت و گاز جزیره العرب که متعلق به مسلمانان است، ساکتند؟»

وی ادامه داد: «چرا درباره قرارداد نظامی ۲۷ میلیارد دلاری سعودی و انگلیسی موضع نگرفتند؟ با آن که مشخص است این سلاح ها، یا برای جنگ با صلیبی هاست، یا صهیونیست ها و یا مسلمان ها و انگلیس مطمئن است این سلاح ها علیه صهیونیست ها و صلیبیون به کار برده نمی شود».

این چهره اسلامی عراقی در پایان گفت: «پاسخ همه این پرسش ها یک چیز است: چون دربار سعودی فتوایی برای آنان صادر نکرده بود و چون این مفتیان درباری هستند، تنها به فرمان شاه عربستان فتوا می دهند، چرا که شکم های اینها از دلارهای نفتی حرام پر شده و زمینه ای برای فتوا دادن طبق فرمان الهی ندارند».<sup>(۱)</sup>

ص: ۵۹۹

مطبوعات آمریکا گزارش دادند: «کاترین هریس وزیر امور داخلی سابق ایالت فلوریدا، واقع در جنوب شرقی آمریکا، جدایی کلیسا از حکومت را اصولاً محکوم و اعلام کرد؛ خداوند راضی نیست که آمریکایی ها ملتی تابع قوانین سکولار باشند».

به گزارش خبرگزاری فرانسه از واشنگتن، هریس که نماینده کنگره از فلوریدا است تلاش می کند تا در انتخابات سنای آمریکا، به عنوان نماینده این مجلس انتخاب شود.

هریس در پاسخ به پرسش یک هفته نامه وابسته به کلیسای بابتیست آمریکا گفت: «جدایی کلیسا از سیاست، دروغی است که به ما گفته شده است تا افراد دیندار را خارج از حوزه سیاسی نگه دارند». وی با محکومیت تلویحی قانونی که مجوز سقط جنین را صادر می کند و انتقاد از طرحی که ازدواج بین همجنس بازان را قانونی می کند گفت: «اگر شما، مسیحی ها را انتخاب نکنید قوانینی که به تصویب می رسد قوانین گناهکاران خواهد بود». هریس اعلام کرد: «اعتقادات مذهبی او منشأ کارهایش از جمله آراء وی در کنگره فلوریدا است».

سخنان هریس با انتقادات شماری از مقامات دمکرات و همچنین جمهوریخواه روبرو شد. رابی بروکس از رهبران حزب جمهوریخواه در فلوریدا گفت: «سخنان هریس برای او به عنوان یک مسیحی و یک جمهوریخواه یگانه آور بوده است».<sup>(۱)</sup>

### تشکیل یک گروه سَرّی برای کاستن از دامنه نفوذ ایران

روزنامه آمریکایی بوستن گلوب نوشت: یک گروه سَرّی وابسته به دولت آمریکا از یک سال پیش سرگرم ایجاد هماهنگی برای عملیاتی است که با هدف کاستن از دامنه نفوذ ایران از طریق افزایش توانایی های نظامی هم پیمانان آمریکا در خاورمیانه اجرا خواهد شد. این گروه سَرّی که گروه سیاسی ایران و سوریه و عملیات ها نام دارد، همچنین در حال ایجاد هماهنگی برای عملیات و اقدامات بسیار دیگری با هدف ارائه کمک های سَرّی به مخالفان ایرانی و ایجاد خشمی جهانی علیه تهران است. این گروه قصد دارد تا پایان فوریه از کنگره آمریکا بخواهد بودجه انتقال تجهیزات نظامی به هم پیمانان خود را در خلیج فارس افزایش دهد و در تدوین برنامه ها برای فعالیت های نظامی مشترک شتاب کند. انتظار می رود در این درخواست از کنگره که در حال آماده شدن است، مواردی چون سیستم های دفاع موشکی و ردیاب های بسیار پیشرفته هشداردهنده پیش از عملیات برای کنترل حملات موشکی ایران و مقابله با این حملات، قید شود.<sup>(۲)</sup>

ص: ۶۰۰

۱- (۱). تبلیغ (۶)، ص ۱۳۱..

۲- (۲). تبلیغ (۷)، ص ۱۴۳ - ۱۴۴..

ترویج فرهنگ و هنجارهای مورد نظر غرب با بهره گیری از سازوکارهای تربیتی، آموزشی و استفاده از ابزار رسانه ها، بخش نرم افزاری طرح خاورمیانه بزرگ و از دیگر راهبردهای خاورمیانه ای آمریکا محسوب می گردد.

نومحافظه کاران بر این اندیشه بودند که با تحقق این فاز، مانع ترین تمدن (تمدن اسلامی) در برابر تمدن غرب را استحاله کرده و در هنجارها و تمدن غرب هضم و هدم نمایند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که تبیین طرح خاورمیانه ای آمریکا، علاوه بر تأمین اهداف پیش گفته شده، آموزه های «مسیحیت صهیونیسم» را نیز در منطقه عملیاتی می کرد.

صهیون مسیحی ها، دیپلماسی نظامی گرایانه کاخ سفید را به دیپلماسی الهی و رسالت الهی آمریکا برای مبارزه با شرارت تعبیر می کنند. در واقع به یک معنا، «خاورمیانه بزرگ» طرحی است که لابی صهیونیسم براساس خرافه های سرهم بندی شده، حفظ و تأمین امنیت اسرائیل در منطقه را از این منظر جستجو می کند. (۱)

### تحقیقات ارتش آمریکا درباره اقوام ایران

روزنامه بریتانیایی فایننشال تایمز از تحقیقات گسترده شاخه اطلاعاتی تفنگداران دریایی آمریکا، درباره اقوام ایرانی و اختلاف آنها با حکومت مرکزی خبر داده است. این تحقیقات، با افزایش ناآرامی های قومی و مذهبی در عراق همزمان است و به نوشته این روزنامه، هدف از این تحقیق، بررسی نقش اختلافات قومی در تجزیه احتمالی ایران است.

فایننشال تایمز با اشاره به قوی بودن هویت ملی در ایران می گوید: «روابط قومی در این کشور، به خاطر تنوع قومیت ها و زبان های مختلف پیچیده تر از عراق است».

این روزنامه به نقل از تحلیلگران می گوید: «تحقیقات شاخه اطلاعاتی تفنگداران دریایی آمریکا، ممکن است با هدف زمینه سازی برای حمله نظامی یا بررسی نقش ناآرامی های قومی عراق در نواحی همجوار ایران صورت گرفته باشد». به نوشته این روزنامه، سخنگوی تفنگداران دریایی آمریکا ضمن تأیید انجام این تحقیق، هدف آن را بررسی فرهنگ قومیت های ایرانی عنوان کرده است.

فایننشال تایمز اضافه می کند: «تحقیقات مشابهی نیز در سال ۲۰۰۳ م، شش ماه پس از حمله به

ص: ۶۰۱

عراق بر روی قومیت های این کشور انجام شده بود. بعضی از کارشناسان این تحقیقات را بیانگر رقابت و اختلاف وزارت امور خارجه آمریکا با نیروهای اطلاعاتی و نظامی این کشور می دانند. به اعتقاد این کارشناسان نیروهای اطلاعاتی ارتش آمریکا تحریک نارضایتی های قومی را راهی مناسب برای فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی می داند و پنتاگون همچنان بر تغییر حکومت در ایران اصرار دارد. (۱)

### بهبود وضعیت مسلمانان اروپا با تدوین منشور!

پارلمان اروپا، بررسی «منشور پیشنهادی درک مسلمانان» را آغاز کرده و در نظر دارد در صورت تصویب، آن را به امضای تمام رهبران مسلمان اروپا برساند این در شرایطی است که منشور مذکور تنها به تکرار بدیهیات درباره مسلمانان روی آورده و هیچ گام مثبتی در راستای بهبود وضعیت اقلیت مسلمان، که از شرایط نامساعد تبعیض و تعصب رنج می برند، اتخاذ نکرده است.

گرارد باتن، عضو بریتانیایی پارلمان اروپا که در میان ارائه کنندگان این سند بود، گفت: «انتظار می رود این منشور، تمام روندهای اعتقادی و فکری را قادر سازد تا به سهولت تفاسیر افراط گرایانه از متون دینی را تکذیب کنند، چرا که بسیاری از این تفاسیر افراط گرایانه، دستاویزی برای اعمال خشونت و استفاده از نام اسلام به منظور توجیه مناقشه با جهان مدرن به کار می رود».

این منشور که توسط سام سلامون، کارشناس اروپایی قوانین شرع اسلام نوشته شده از مسلمانان می خواهد به ادیان دیگر احترام گذاشته و فتوایی به منظور ممنوعیت استفاده از خشونت، زور یا تهدید صادر کرده، به تمام تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و سنتها احترام بگذارند و درک قوانین ملی را بر قوانین شرعی اولویت دهند، به آزادی غربیان به ویژه آزادی بیان و اعتقاد احترام گذاشته و واکنشهای خشونت آمیز علیه مردمی که از این آزادیها سود می برند را ممنوع کنند، صدور هرگونه فتوایی که به خشونت یا تهدید علیه افراد یا نهادها پردازد را ممنوع اعلام کرده، مؤسسات و نهادهای اسلامی تفاسیر جدید از آیات قرآنی را که خواستار جهاد شده را مورد بررسی قرار دهند.

\* شایسته تر بود، مقامات اتحادیه اروپا به جای تدوین منشوری که تنها تکرار واضحات است، فکری به حال خط سیر سعودی تبعیض و تعصب علیه مسلمانان اروپایی می کردند و به گزارشات مرکز نظارت بر نژادپرستی و بیگانه هراسی اروپا در رابطه با رنج مسلمانان از تبعیض، تعصب، اسلام هراسی، حملات فیزیکی و کلامی توجه کرده، شرایط بهبود فرصتهای مساوی شغلی و تحصیلی را میان پیروان ادیان مختلف اروپا فراهم می کردند. (۲)

ص: ۶۰۲

۱- (۱). همان، ص ۱۳۷ - ۱۳۸..

۲- (۲). تبلیغ (۷)، ص ۱۵۹ - ۱۶۰..

اشاره

الف) چکیده آنچه گذشت

ب) فهرست منابع

ج) فهرست تفصیلی مطالب

د) فهرست اجمالی

ص: ۶۰۳

از مطالب گردآوری شده در این مجموعه شامل آیات قرآن کریم، روایات و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام، سخنان و عملکرد بزرگان، ضرورت و لزوم اتحاد ملی و انسجام اسلامی روشن می شود.

خون دلها و فعالیت های طاقت فرسای بزرگان دینی و دلسوزان اسلام با نوشتن مقاله ها و کتابها، و تلاش های مستمر و فعالیت های طاقت فرسایی که در این مسیر انجام داده اند، سند گویا و شاهد صدقی برای مسئولیت خطیر فردی و اجتماعی هر مسلمان، خصوصاً صاحب منصبان و مسئولین است.

بدیهی است برای تحقق این امر خطیر و با اهمیت، حرکت یک نفر و یا چند نفر، یک مجموعه و یا چند مجموعه نتیجه نهایی و مطلوب را به همراه نخواهد داشت؛ اگر چه وظیفه آگاهان و دلسوزان است که به اندازه طاقت و وسع خویش، برای تحقق اتحاد و انسجام اسلامی آن گونه که مورد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بوده است، قدم بردارند.

در این میان افراد و گروه های مسئول و اثرگذار وظیفه مضاعف دارند که برخی از این عناصر عبارتند از:

۱. رهبر جامعه اسلامی: که با پیام ها و رهنمودهای خویش خطوط کلی را تبیین و با ارشاد، نظارت و وارد شدن در میدان عمل در مواقع لازم این امر حیاتی را بپا خواهد داشت.

۲. رؤسای قوای سه گانه: که هر کدام در باب تقنین، اجرای مصوبات و قضا؛ برای تحقق اتحاد و انسجام تلاش می نمایند.

۳. گروه های سیاسی و تشکلی ها: از عوامل مؤثر در ایجاد اتحاد ملی به حساب می آیند و با تعیین و رعایت حدود در اجرای این مهم نقش حیاتی دارند.

۴. رؤسای طوایف، اقوام و مذاهب: که با دقت در گفتار و عمل و سوق دادن افراد طائفه و عشیره، نقشی کلیدی ایفا می نمایند.

۵. رهبران اقلیت های مذهبی: که همگامی و همراهی آنان با سیاست های اعلام شده ملی، وصول به اتحاد را هموار می نماید.

۶. اصحاب رسانه (مطبوعات، فیلم، تئاتر، خصوصاً صدا و سیما و...): می توانند در این زمینه، کاری لازم و در خور تقدیر انجام دهند. صدا و سیما می تواند با ارائه گزارش های مختلف، ساختن فیلم و سریال های تاریخی، اسلامی، فرهنگی، اجتماعی و... در زمینه سازی اتحاد ملی و انسجام اسلامی نقش بسزایی ایفا نماید.

۷. اندیشمندان، اساتید، اصحاب قلم، فرهنگیان و شعراء: که تأثیر فرهنگی آنان گاه به یک جامعه و به یک زمان محدود نمی شود.

۸. تشکّل های روحانی، ائمه جمعه و جماعات و وعیاط: این گروه مورد اعتماد مردم می باشند، و مردم سخن آنان را می پذیرند. لذا ضروری است با سخنرانی ها، نوشتارها و نیز مشورت دادن به متولیان امور، نقش کلیدی خویش را در این باب ایفا نمایند.

۹. حوزه های علمیّه و دانشگاهها: که کار پرورش اساتید و اندیشمندان و هنرمندان را در حوزه فرهنگ و دین به عهده دارند و در ابعاد گوناگون با ارائه راه کارها، تبلیغ و ایجاد فضای مناسب فرهنگی، در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی تأثیرگذار می باشند.

بدیهی است در صورت تحقق نکات مورد اشاره و انجام وظیفه مسئولان و تأثیرگذاران؛ شاهد حرکت و شکوفایی اتحاد ملی خواهیم بود که برخی از نتایج آن عبارتند از:

۱. پیروزی در برابر دشمنان و جلوگیری از آسیب به کشور و امت اسلامی.

۲. پیشرفت، شکوفایی و فناوری علمی و صنعتی.

۳. حرکت سریع تر بسوی تشکیل تمدن اسلامی.

۴. نشاط و پویایی امت اسلامی.

۵. آمادگی و فراهم شدن زمینه برای حرکت بسوی اجرای هر چه بیشتر احکام اسلامی در داخل کشور.

علاوه بر افراد و گروه های فوق عناصر دیگری نیز در باب انسجام اسلامی تأثیر گذارند:

۱. دولت های اسلامی: که متأسفانه به جای پرداختن به مصالح مسلمین - جز چند دولت - همه با طمع و ولع در فکر رفاه و آرزوهای خویش می باشند و جرأت ایستادگی به نفع امت اسلامی در مقابل مستکبران را ندارند.

۲. اندیشمندان و صاحب نظران مسلمان در رشته های گوناگون؛ این گروه از معماران فرهنگی هر جامعه به حساب می آیند، لذا اندیشه، ایده و راه کارهای ارائه شده توسط آنان، هم در شکل گیری انسجام میان امت اسلامی و هم در کیفیت آن تأثیر گذار می باشد.

۳. صاحب منصبان دینی و روحانیون: روحانیون از هر مذهب و فرقه، خصوصاً روحانیون طراز اول، از تأثیر گذاران اصلی ایجاد انسجام اسلامی و از شروط لازم برای تحقق این امر می باشند. اعتماد عامه مردم و اقبال عمومی نسبت به علمای دینی، نیروی بسیار عظیمی است که باید در جهت انسجام اسلامی مورد بهره برداری قرار گیرد.

۴. رؤسای قبائل و طوائف و فرق مختلف در جهان اسلام: به عنوان کسانی که دارای نفوذ کلمه هستند، باید گفتار و کردارشان، در جهت هم آوا شدن جوامع مسلمان مد نظر قرار گیرد.

بدیهی است در صورت مراقبت آحاد افراد جامعه اسلامی، مسئولان و تأثیر گذاران، شاهد نتایج مثبتی خواهیم بود که برخی از آن ها عبارتست از:

۱. جلوگیری از چپاول و دست اندازی به کشورهای اسلامی از سوی کشورهای استعمارگر.

۲. تشکیل قطب نیرومند اسلامی در جهان.

۳. حفظ کشورهای مسلمان از آسیب های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی

۴. تشکیل قطب های اقتصادی جهانی و منطقه ای اسلامی

۵. گرایش روزافزون مردم جهان به اسلام.

به امید تحقق اهداف و نتایج عالی اتحاد و انسجام اسلامی

در پرتو هشیاری، همت و اقدام مسلمانان

۱. قرآن کریم.
۲. اتحاد اسلامی و تمسک به قرآن و عترت، از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و استاد مطهری / مسعود سلیمی / ناشر مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی طوبی محبت / چاپ کوثر.
۳. اتحاد و دوستی / سید حسن ابطحی خراسانی / انتشارات کتابفروشی طباطبایی / مدرسه فیضیه قم / رجب المرجب ۱۳۸۲ق / چاپ سوم.
۴. الإحسان بترتیب صحیح ابن حبان / علی بن بلبان فارسی / دارالفکر بیروت / ۱۴۱۷ هـ / ۱۹۹۶م / چاپ اول.
۵. احیاء تفکر دینی / سید محمد برهانی / انتشارات جذیل / چاپ اول / ۱۳۸۰ش.
۶. إرشاد القلوب / أبو محمد حسن بن محمد دیلمی / منشورات الرضی / قم.
۷. الاستذکار / ابن عبد البر / دارالکتب العلمیه بیروت / ۲۰۰۰ / چاپ اول.
۸. استراتژی تقریب مذاهب اسلامی (مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی) / محمد حسن تبرائیان / نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی معاونت فرهنگی / اردیبهشت ۱۳۸۴ / چاپ اول.
۹. الأصول الستة عشر / جمعی از محدثین / دارالشبستری / قم.
۱۰. الاعلام / قاموس التراجم / خیر الدین زرکلی / چاپ چهاردهم / بیروت.
۱۱. اعیان الشیعه / سید محسن امین / دارالتعارف للمطبوعات بیروت / ۱۴۰۳ق.
۱۲. امانتدار پیامبران / نقش آیت الله لاری در مبارزات اسلامی قرن اخیر / سید محمدتقی آیت اللهی / نشر مؤسسه انجام کتاب / پائیز ۱۳۶۱ ش.

۱۳. آمالی / شیخ طوسی / انتشارات داوری / قم.

□  
۱۴. اندیشه سیاسی حاج آقا نور الله اصفهانی / موسی نجفی / مؤسسه فرهنگی نظر / چاپ دوم / ۱۳۷۸ ش.

۱۵. بافیلسوف شرق / علی قادری / انتشارات احرار / تبریز / پائیز ۱۳۸۰ ش.

۱۶. بحار الانوار / علامه محمد باقر مجلسی / نشر دارالکتب الاسلامیه / تهران / چاپ دوم / ۱۳۶۳ ش.

□  
۱۷. بصائر الدرجات / صفّار قمی / کتابخانه آیت الله مرعشی / ۱۴۰۴ ه / قم.

۱۸. پایگاه اطلاع رسانی تبیان.

۱۹. پایگاه اطلاع رسانی حوزه.

□  
۲۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرحوم آیت الله العظمی تبریزی.

□  
۲۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی.

۲۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۲۳. پایگاه اطلاع رسانی شعائر.

۲۴. پایگاه اطلاع رسانی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

□  
۲۵. پنج گفتار / شهید آیت الله بهشتی.

۲۶. پیشتازان شهادت در انقلاب سوم / ناشر دفتر انتشارات اسلامی / چاپ شرکت افست / سهامی عام تهران / ۱۳۶۰ ش.

۲۷. پیشینه تقریب / محمد علی آذرشب / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی / چاپ اول / ۱۳۸۴.

۲۸. تاریخ علمای خراسان / میرزا عبدالرحمان مدرس / آستان قدس رضوی علیه السلام / ۱۳۴۱ ش.

۲۹. تاریخ مذهبی قم / علی اصغر فقیهی / انتشارات زائر / (آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام) / چاپ دوم / ۱۳۷۸ ش.

۳۰. تبلیغ (۳) / اطلاع رسانی گفتمان سیاسی روز / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (مدیریت سیاسی) / رمضان المبارک ۱۴۲۴ ق.
۳۱. تبلیغ (۵) / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / (معاونت جامعه و نظام مدیریت سیاسی) / محرم الحرام / ۱۴۲۶ ق.
۳۲. تبلیغ (۶) / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / (مدیریت سیاسی) / رمضان المبارک ۱۴۲۷ ق.
۳۳. تبلیغ (۷) / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / (معاونت جامعه و نظام مدیریت سیاسی) / ویژه محرم الحرام ۱۴۲۸ ق.
۳۴. التبیان / شیخ طوسی / دار احیاء التراث العربی / بیروت.
۳۵. تحف العقول / ابن شعبه حرانی / انتشارات بصیرتی / ۱۳۹۴ ه / چاپ پنجم / قم.
۳۶. تحفه الزائر / علامه مجلسی / مؤسسه امام هادی علیه السلام / چاپ اول / ۱۳۸۶ ش / قم.
۳۷. تخریج الأحادیث والآثار / جمال الدین زبعلی / دار ابن خزیمه / ریاض / ۱۴۱۴ ه ، چاپ اول.
۳۸. تفسیر القرآن العظیم / اسماعیل بن عمر بن کثیر / دار ابن حزم / بیروت / ۱۴۲۳ ه / ۲۰۰۰ م / طبع اول.
۳۹. تفسیر صافی / فیض کاشانی / انتشارات اسلامیة / ۱۳۶۲ ش / چاپ ششم / تهران.
۴۰. تفسیر قمی / علی بن ابراهیم قمی / دار الکتب للطباعة والنشر / قم / ۱۳۸۷ ه .
۴۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان / تحقیق عبداللہ محمود شحاتہ / ۱۴۲۳ ه / ۲۰۰۲ م / چاپ اول.
۴۲. تفسیر نسفی / عبداللہ بن أحمد بن محمود نسفی / دارالمعرفه بیروت / ۱۴۲۱ ه / ۲۰۰۰ م / چاپ اول.
۴۳. تفسیر نمونه / به قلم جمعی از نویسندگان به اشراف آیت اللہ مکارم شیرازی / انتشارات اسلامیة / ۱۳۵۳ ش / چاپ اول.
۴۴. تقریب بین مذاهب اسلامی (۱) / ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی / مهرماه ۱۳۶۹ .

٤٥. التمهيد/ ابن عبد البر/ وزارت عموم الأوقاف والشؤون الاسلاميه/ مغرب/ ١٣٨٧هـ / چاپ اول.

٤٦. تهذيب التهذيب/ عسقلاني/ دارالفكر/ بيروت/ چاپ اول/ ١٤١٥ق.

٤٧. تهذيب الكمال/ أبو الحجاج يوسف مزى/ دارالفكر للطباعة والنشر/ بيروت/ ١٤٢١هـ / ٢٠٠٠م.

٤٨. جامع الأخبار/ محمد بن محمد سبزواری/ مؤسسه آل البيت عليهم السلام / قم/ ١٤١٤ق/ چاپ اول.

٤٩. جامع البيان في تفسير القرآن/ محمد بن جرير طبري/ دارالكتب العلميه/ بيروت/ ١٤٢٠ق/ چاپ سوم.

٥٠. الجامع الصحيح (سنن الترمذی)/ محمد بن عيسى بن سوره/ دار عمران/ بيروت/ ١٣٥٧هـ / ١٩٣٨م.

٥١. الجامع الصغير/ جلال الدين سيوطي/ دارالكتب العلميه/ بيروت/ ١٤٠١هـ / چاپ اول.

٥٢. چشمه روشن/ مروري بر زندگي نامه آيت الله سعيد/ علي مسجدجامعي/ نشر مركز فرهنگي انتشاراتي منير/ چاپ اول/ ١٣٧٥ش.

٥٣. حاج آقا نور الله اصفهاني/ موسى نجفي/ چاپ كليني/ بهار ١٣٦٩ش.

٥٤. الحدائق الناضره/ شيخ يوسف بحراني/ مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.

٥٥. دائره المعارف الاسلاميه الكبرى/ نشر مركز دائره المعارف الاسلاميه الكبرى/ چاپ اول/ ١٣٧٧ش.

٥٦. دائره المعارف بزرگ زرین/ انتشارات زرین تهران با همکاري انتشارات آويژه/ چاپ اول/ ١٣٧٧ش.

٥٧. دائره المعارف تشيع/ نشر شهيد سعيد محبي/ چاپ اول/ ١٣٨٣ش.

۵۸. الدر المنثور/ جلال الدین سیوطی/ دارالکتب العلمیہ/ بیروت/ ۱۴۲۴هـ/ ۲۰۰۴م، چاپ دوم.

۵۹. درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی/ محمدعلی تسخیری/ نشر مجمع جهانی تقریب و مذاهب اسلامی/ چاپ اول/ ۱۳۸۳ش.

۶۰. دعائم الإسلام/ نعمان بن محمد تمیمی/ دارالأضواء/ بیروت/ ۱۴۱۱هـ/ ۱۹۹۱م، چاپ اول.

۶۱. دیدار با ابرار (۲۱) شهید ثانی مشعل هدایت/ علی صادقی (غلامی)/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ دوم/ زمستان ۱۳۷۴ش.

۶۲. دیدار با ابرار (۳۵)/ میرزا ابوالحسن جلوه حکیم فروتن/ غلامرضا گلی زواره/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اول/ زمستان ۱۳۷۲ش.

۶۳. دیدار با ابرار (۶۷)/ شهید مدرّس ماه مجلس/ غلامرضا گلی زواره/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اول/ پائیز ۱۳۷۵ش.

۶۴. دیدار با ابرار (۶۹) آیت الله سید محمدباقر شفتی آیة امید/ عباس عیبری/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ زمستان ۱۳۷۴ش.

۶۵. دیدار با ابرار (۷۸)/ شهید مفتاح تکبیر وحدت/ غلامرضا گلی زواره/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اول/ پائیز ۱۳۷۴ش.

۶۶. دیدار با ابرار/ میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف/ غلامرضا گلی زواره/ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی/ چاپ اول/ تابستان ۱۳۷۸ش.

۶۷. دیدگاه ها/ منتخبی از مواضع حجه الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی/ معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله / چاپ دوم/ زمستان ۱۳۷۴ش.

۶۸. دیوان جامی/ نورالدین عبدالرحمان بن احمد جامی/ بتصحیح اعلاخان افصح زاده/ نشر مرکز مطالعات ایرانی/ چاپ اول/ ۱۳۷۸ش.

۶۹. الذریعه/ شیخ آقا بزرگ تهرانی/ نشر مؤسسه اسماعیلیان قم/ چاپ سوم/ ۱۴۰۸ق.

۷۰. ذیل تاریخ بغداد/ ابن نجّار بغدادی/ دارالکتب العلمیہ بیروت/ ۱۴۱۷ھ / ۱۹۹۷م، چاپ اوّل.

۷۱. رسالہ فی بیان استجابہ الدعاء/ ابوالحسن جلوہ/ تصحیح مؤسسہ امام ہادی علیہ السلام / انتشارات پیام امام ہادی علیہ السلام / چاپ دوم / ۱۳۸۲ش.

۷۲. روزنامہ جمهوری اسلامی.

۷۳. روزنامہ رسالت.

۷۴. روزنامہ شاخہ سبز.

۷۵. روزنامہ کیهان.

۷۶. روضات الجنات/ محمّد باقر موسوی خوانساری اصفہانی/ الدار الاسلامیہ/ بیروت/ چاپ اوّل / ۱۴۱۱ق.

۷۷. ریاض العلماء/ میرزا عبداللہ افندی اصفہانی/ تحقیق سید محمود مرعشی و سید احمد حسینی / منشورات آیت اللہ مرعشی نجفی / قم / ۱۴۰۳ق.

۷۸. ستارگان حرم / گروہی از نویسندگان ماہنامہ کوثر / انتشارات زائر (آستانہ مقدسہ قم).

۷۹. سرزمین آرزوها / مجمد جواد مہری کرمانشاہی / انتشارات مشرقین / چاپ اول / زمستان ۱۳۸۲.

۸۰. السنن الکبریٰ / بیہقی / دارالفکر للطباعہ والنشر / بیروت / ۱۴۱۹ھ / ۱۹۹۹م / چاپ اوّل.

۸۱. السنن الکبریٰ / نسائی / دارالفکر للطباعہ والنشر / بیروت.

۸۲. السنہ / عمرو بن أبی عاصم / المكتب الإسلامی / بیروت / ۱۴۱۳ھ / ۱۹۹۳م / چاپ سوم.

۸۳. سید جمال الدین اسدآبادی / مصلحی متفکر و سیاستمدار / سید احمد موثقی / نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم (بوستان کتاب) / چاپ اوّل / ۱۳۸۰ش.

۸۴. شرح نهج البلاغه / ابن ابی الحدید / دار إحياء الكتب العلمیة / بیروت / ۱۳۸۶ هـ / ۱۹۶۷ م / چاپ دوّم.

۸۵. شهاب شریعت / علی رفیعی / کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی / چاپ اوّل / ۱۳۷۳ ش.

۸۶. شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر / علی ربانی خلخالی / انتشارات مکتب الحسین علیه السلام / ۱۴۰۲ ق.

۸۷. الشیخ الزنجانی والوحده الاسلامیه / محمّد سعید آل ثابت / مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی / تهران / ۱۴۲۷ ق.

۸۸. صحیح بخاری / محمّد بن إسماعیل بخاری / دارالجلیل / بیروت / ۱۳۱۳ هـ .

۸۹. صحیح مسلم / مسلم بن حجاج نيسابوری / دارالجلیل و دارالآفاق / بیروت.

۹۰. صحیفه سجادیه / سید محمّدباقر ابطحی / مؤسسۀ امام مهدی علیه السلام / قم / ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش / چاپ پنجم.

۹۱. الضعفاء / عقیلی / دار الصمیعی / ریاض / ۱۴۲۰ هـ / ۲۰۰۰ م / چاپ اوّل.

۹۲. طلایه داران تقریب (۱) / آیت الله بروجردی آیت اخلاص / عبدالرحیم اباذری / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی / چاپ اوّل / ۱۳۸۳ ش.

۹۳. طلایه داران تقریب (۲) / شیخ محمود شلتوت آیت شجاعت / علی احمدی / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اوّل / ۱۳۸۳ ش.

۹۴. طلایه داران تقریب (۳) / کاشف الغطاء اذان بیداری / محمّد رضا سماک امانی / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی / چاپ اوّل / ۱۳۸۳ ش.

۹۵. طلایه داران تقریب (۴) / شیخ محمّد عبده رایت اصلاح / مهدی احمدی / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی / چاپ اوّل / ۱۳۸۳ ش.

۹۶. طلایه داران تقریب (۵) / امام موسی صدر سرّوش وحدت / عبدالرحیم اباذری / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اوّل / ۱۳۸۳ ش.

۹۷. طلایه داران تقریب (۶) / شهید قطب آیت جهاد / علی احمدی / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی / چاپ اول / ۱۳۸۳ ش.
۹۸. طلایه داران تقریب (۷) / محمّد جواد مغنیه فقیهی نوگرا / مهدی احمدی / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی / چاپ اول / ۱۳۸۳ ش.
۹۹. طلایه داران تقریب (۸) / شیخ محمّد غزالی رایت اصلاح / علی احمدی / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول / ۱۳۸۳ ش.
۱۰۰. عارف کامل / تألیف و تحقیق معاونت پژوهشی بنیاد فرهنگی شهید شاه آبادی / نشر ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت.
۱۰۱. عدّه الداعی / ابن فهد حلّی / دارالکتاب الإسلامی / ۱۴۰۷ ه / ۱۹۸۷ م / چاپ اول.
۱۰۲. علل الشرائع / شیخ صدوق / چاپخانه حیدریه / نجف اشرف / ۱۳۸۵ ه / ۱۹۶۶ م.
۱۰۳. علمای مجاهد / محمّد حسن رجبی / نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی / چاپ اول / ۱۳۸۲ ش.
۱۰۴. الغارات / ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال الثقفی / دارالأضواء / بیروت / ۱۴۰۷ ه / ۱۹۸۷ م / چاپ اول.
۱۰۵. الغدیر / علّامه امینی / تحقیق مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه / مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی / ۱۴۲۴ ق.
۱۰۶. فرهنگ فارسی معین (متوسط) / دکتر محمّد معین / انتشارات امیر کبیر / چاپ چهارم / تهران / ۱۳۶۰ ش.
۱۰۷. فرهنگ موضوعی ادب پارسی کلیّات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری / قادر فاضلی / نشر فضلیت علم / چاپ اول / زمستان ۱۳۷۷ ش.
۱۰۸. فصلنامه حضور / معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله / ش ۱۰ و ۱۸ / اردیبهشت ۸۴ - ۸۵.
۱۰۹. فصلنامه قرآنی کوثر / حوزه معارف دانشگاه اصفهان / سال هفتم / ش ۲۴ / تابستان ۸۶.

۱۱۰. فضائل الشیعه / شیخ صدوق / انتشارات اعلمی / چاپخانه حیدری.

۱۱۱. الفوائد الرجالیه / السید علی الحسینی الصدر / انتشارات دارالغدیر قم / چاپ اول / ۱۴۲۰ق.

۱۱۲. فوائد الرضویه / در احوال علماء مذهب جعفریه / شیخ عباس قمی.

۱۱۳. الفهرست / شیخ الطائفه الطوسی.

۱۱۴. فیض القدیر شرح جامع الصغیر / مناوی / دارالکتب العلمیه / بیروت / ۱۴۱۵ هـ / ۱۹۹۴م / چاپ اول.

۱۱۵. قصص العلماء / میرزا محمد تنکابنی / انتشارات علمیه اسلامیة / جمادى الثانی ۱۳۹۶ق.

۱۱۶. القواعد والفوائد / شهید اول / انتشارات مفید / قم.

۱۱۷. الکافی / شیخ کلینی / انتشارات اسلامیة / تهران / ۱۳۸۸ هـ / چاپ سوم.

۱۱۸. کدامیک / انقلاب اسلامی یا اسلام انقلابی / استاد محمد تقی فلسفی / نشر قیام / ۱۳۵۹ش.

۱۱۹. کشف الغمّه / علی بن عیسی اربلی / دار الکتب الإسلامی / بیروت / ۱۳۸۰ هـ.

۱۲۰. الکشف والبیان تفسیر ثعلبی / امام ثعلبی / دار احیاء التراث العربی / بیروت / ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۲م / چاپ اول.

۱۲۱. کفایه الاصول / محمد کاظم خراسانی / تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث / قم.

۱۲۲. الکنی واللقاب / شیخ عباس قمی / من المنشورات مکتبه الصدر / تهران.

۱۲۳. کنز العمال / متقی بن حسام الدین هندی / مؤسسه الرساله / بیروت / ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹م.

۱۲۴. کیهان فرهنگي / ش ۵۰.

۱۲۵. گلشن ابرار / جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم / پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام / جلد ۱ - ۳ / نشر معروف / چاپ اول / ۱۳۷۹ - ۱۳۸۲ش.

۱۲۶. گلشن ابرار / جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم / پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام / جلد ۴ - ۷ / نشر نور السجاد / چاپ اول / زمستان ۱۳۸۵ش.

۱۲۷. لغت نامه دهخدا/ علی اکبر دهخدا/ نشر دانشگاه تهران/ چاپ اول/ بهار ۱۳۸۳ش.
۱۲۸. اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه/ المقداد السیوری/ انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی/ چاپ دوم/ ۱۳۸۰.
۱۲۹. المبسوط سرخسی/ ج ۳۰.
۱۳۰. المجازات النبویّه/ سیّد رضی/ انتشارات بصیرتی/ قم.
۱۳۱. مجله امت اسلامی/ سال اول/ شهریور ماه ۱۳۵۹.
۱۳۲. مجمع البیان/ شیخ طبرسی/ مؤسسه هدی/ تهران/ ۱۴۱۷هـ/ ۱۹۹۷م/ چاپ اول.
۱۳۳. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد/ هیشمی/ دار الکتب العلمیه/ بیروت/ ۱۴۰۸هـ/ ۱۹۸۸م.
۱۳۴. مجموعه سخنرانی های سومین کنفرانس وحدت اسلامی به مناسبت هفته وحدت/ نشر سازمان تبلیغات اسلامی/ چاپ اول/ ۱۳۶۹ش.
۱۳۵. مدرّس/ نشر بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران/ چاپ اول/ آذر ماه ۱۳۶۶ش.
۱۳۶. مستدرک الوسائل/ میرزا حسین نوری طبرسی/ مؤسسه آل البيت عليهم السلام/ قم/ ۱۴۰۷هـ/ چاپ اول.
۱۳۷. مستدرک الوسائل/ میرزا حسین نوری طبرسی/ من منشورات المكتبه الاسلامیه/ تهران/
۱۳۸. المستدرک علی الصحیحین/ حاکم نیشابوری/ دار الکتب العلمیه/ بیروت/ ۱۴۱۱هـ/ ۱۹۹۰م/ چاپ اول.
۱۳۹. مسند أبی یعلی/ احمد بن علی بن مثنی تمیمی/ دار الفکر/ بیروت/ ۱۴۲۲هـ/ ۲۰۰۲م/ چاپ اول.
۱۴۰. مسند أحمد/ أحمد بن حنبل/ دار صادر/ بیروت.
۱۴۱. مسند الشهاب/ محمّد بن سلامه قضاعی/ مؤسسه الرساله/ بیروت/ ۱۴۰۵هـ/ ۱۹۸۵م/ چاپ اول.
۱۴۲. مشاهیر مدفون در حرم رضوی علیه السلام/ ابراهیم زنگنه قاسم آبادی/ مؤسسه انتشاراتی آستان قدس رضوی علیه السلام/ چاپ اول/ ۱۳۸۲ش.
۱۴۳. مشکاه الأنوار/ شیخ طبرسی/ دار الحدیث/ قم/ ۱۴۱۸هـ/ چاپ اول.

١٤٤. المصنّف / صنعاني / منشورات المجلس العلمي / بيروت / ١٣٩٠ هـ / ١٩٧٠ م / چاپ اول.

□

١٤٥. المصنّف فى الأحاديث والآثار / عبدالله بن محمد بن أبى شيبه كوفى / دار الفكر / بيروت / ١٤٢٤ هـ / ٢٠٠٣ م / چاپ دوم.

١٤٦. مطالب السؤل / محمد بن طلحه شافعى / مؤسسة أم القرى / بيروت / ١٤٢٠ هـ / چاپ اول.

١٤٧. معارف و معاريف / سيد مصطفى حسيني دشتى / چاپ دوم / ١٣٧٦ ش.

١٤٨. معانى الأخبار / شيخ صدوق / مؤسسة نشر اسلامى / قم / ١٤١٦ هـ / چاپ سوم.

١٤٩. معجم المؤلفين / عمر رضا كحاله / دارالاحياء التراث العربى / بيروت / ١٤١٠ ق.

١٥٠. معجم موضوعى نهج البلاغه / اويس كريم محمد / بنياد پژوهشهاى آستان قدس رضوى عليه السلام مشهد / ١٤٠٨ هـ / چاپ اول .

١٥١. الملاحم والفتن / ابوالقاسم على بن طاووس / مؤسسة اعلمى / بيروت / ١٣٩٨ هـ / ١٩٧٨ م / چاپ پنجم.

١٥٢. مناقب ابن شهر آشوب / محمد بن على بن شهر آشوب / مؤسسه انتشاراتى علامه / قم.

١٥٣. منتخب كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال / دار صادر / بيروت.

١٥٤. المنجد فى الاعلام / دارالمشرق / بيروت / چاپ هفتم.

□

١٥٥. موسوعه طبقات الفقهاء / مؤسسه امام صادق عليه السلام / با اشراف آيت الله جعفر سبحانى / چاپ اول / ١٤٢٤ ق.

١٥٦. المؤمن / حسين بن سعيد اهوازى / دار المرتضى / بيروت / ١٤١١ هـ / ١٩٩٠ م.

١٥٧. مهر تابان / علامه تهرانى / انتشارات باقر العلوم عليه السلام .

١٥٨. مير حامد حسين (پاسدار ولايت) / ابراهيم اسلامى / سازمان تبليغات اسلامى / چاپ اول / زمستان ١٣٧٤ ش.

١٥٩. الميزان فى تفسير القرآن / سيد محمد حسين طباطبائى / مؤسسة نشر اسلامى / قم / ١٤١٤ هـ / چاپ چهارم.

۱۶۰. میعاد با سپیده گشایان / آرش مردانی پور / نشر مؤسسه فرهنگی سماء / چاپ اول / ۱۳۸۰ ش.

۱۶۱. نرم افزار صحیفه امام قدس سره / مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله .

۱۶۲. نباء البشر / آقا بزرگ تهرانی / نشر دارالمرتضی للنشر / مشهد / چاپ دوم / ۱۴۰۴ ق.

۱۶۳. نقش شیعه در رویارویی با استعمار / سلیم الحسینی / مؤسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر / چاپ اول / بهار ۱۳۷۸ ش.

۱۶۴. نوری از ملکوت / مهدی لطفی / نشر کنگره بزرگداشت علمای گلپایگان / چاپ اول / پائیز ۱۳۸۰ ش.

۱۶۵. نهج البلاغه / شیخ محمد عبده / مؤسسه الأعلمی للمطبوعات / بیروت.

۱۶۶. نهج البلاغه / صبحی صالح / نشر دارالاسوه / للطباعه و النشر / چاپ دوم / ۱۴۱۸ ق.

۱۶۷. وسائل الشیعه / محمد بن حسن حرّ عاملی / مؤسسه آل البيت علیهم السلام / قم / ۱۴۱۲ هـ / چاپ اول.

۱۶۸. وقعه صفین / نصر بن مزاحم منقری / مؤسسه العربیّه الحدیثه / قاهره / ۱۳۸۲ هـ / منشورات مکتبه المرعشی / قم / ۱۴۰۴ هـ / چاپ دوم.

۱۶۹. همبستگی امت اسلامی / مجموعه مقالات آیت الله هاشمی رفسنجانی در کنفرانس های وحدت اسلامی / نشر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی / چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.

۱۷۰. یادنامه آیت الله خاتمی / محمد تقی فاضل میبدی / نشر مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام / چاپ اول / بهار ۱۳۷۶ ش.

فهرست مطالب

ص: ۶۱۹

فهرست مطالب

ص: ۶۲۰

فهرست مطالب

ص: ۶۲۱

فهرست مطالب

ص: ۶۲۲

فهرست مطالب

ص: ۶۲۳

فهرست مطالب

ص: ۶۲۴

فهرست مطالب

ص: ۶۲۵

فهرست مطالب

ص: ۶۲۶

فهرست مطالب

ص: ۶۲۷

فهرست مطالب

ص: ۶۲۸

فهرست مطالب

ص: ۶۲۹

فهرست مطالب

ص: ۶۳۰

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی:

... نقشه قدرتهای بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنون را به نام اخوت یاد فرموده است از هم جدا کنند، و به اسم ملت ترک، ملت کرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا کنند. (ص ۲۳ همین کتاب)

رئیس دانشگاه الازهر مصر شیخ محمود شلتوت در بخشی از فتوای تاریخی خود:

کسی که مقلد یکی از این مکتبهای چهارگانه (شافعی، حنبلی، مالکی و حنفی) باشد می تواند به مکتب دیگری منتقل شود.

مکتب جعفری معروف به مذهب امامی اثنی عشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتبهای اهل سنت جایز می باشد. بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند دوری گزینند. (ص ۳۶۶ همین کتاب)

ص: ۶۳۱

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی

□  
پیام بزرگ جمهوری اسلامی به همه ملت‌های مسلمان، یکپارچگی در راه بازگشت به اسلام و اعتصام به جبل الله است. ما اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و فارس و ترک و دیگر ملت‌ها، اختلاف نژادها و زبان‌ها را رد می‌کنیم و آن را دستاویزی شیطانی برای ایجاد تفرقه می‌شماریم. (ص ۵۶ همین کتاب)

توصیف صحنه نماز جماعت به امامت مرحوم علامه کاشف الغطاء از زبان شیخ محمود شلتوت:

«چه زیباست سیمای مسلمانان که نمایندگان آنان در کنفرانس اسلامی فلسطین در مسجد الاقصی جمع شدند و با یکی از مجتهدین شیعه امامی، استاد با فضیلت، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء نماز جماعت خواندند، بی آنکه فرقی باشد میان کسی که خود را سنی می‌نامد و یا کسی که خود را شیعه می‌خواند و همگی صفوف واحدی را پشت سر یک امام تشکیل دادند که پروردگار واحدی را می‌خوانند و به سوی یک قبله روی دارند.» (ص ۳۶۴ همین کتاب)

ص: ۶۳۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

